تذکره نویسی فارسی

درهند و پاکستان

[illegible] دهلی

متضمن

شرح تذکره‌های شعرائی که در هند وپاکستان بتألیف درآمده است و نام تذکره‌های فارسی که درخارج از هند وپاکستان تألیف شده و تذکره‌های صوفیه وعلماء وامراء وغیره و کتب تاریخ که درآنها ذکر شعرا رفته است .

نگارش

دکتر سید علیرضا نقوی

۱۳۴۷ هجری شمسی

۱۹۶۸ میلادی

ELMI

مؤسسه مطبوعاتی علمی

چاپ علی اکبر علمی

تهران

اهداء

بملت شریف ونجیب ومهمان نواز ایران

سپاسگزاری

نگارنده از الطاف و عنایات آیهٔ مهر و محبت و نمونهٔ کامل اخلاق ستودهٔ ایرانی،
آقای دکتر حسین گونیلی، سرپرست دانشجویان خارجی و مدیر کل بازرسی دانشگاه
تهران صمیمانه تشکر مینماید که در طی اقامت اینجانب در ایران از هیچ نوع کمک
و مساعدت و راهنمائی دریغ نفرمودند. الحق وجود شریف ایشان برای دلگرمی و تشویق
دانشجویان خارجی دانشگاه تهران بسیار مغتنم است.

فهرست مندرجات

ضمائم

اضافات

فهرست‌منابع

علامات اختصاری که دراین کتاب بکاررفته است

ج	جلد
ح	حاشیه
ر.ك.	رجوع کنید به
س	سطر
ش	هجری شمسی ـ شماره
ص	صفحه ـ صلی الله علیه وآله وسلم
ع	علیه السلام
ق	قسمت
م	میلادی ـ متوفی (بسال)
ه	هجری قمری
ه ـ ق	هجری قمری

تقریظ

از

استاد والامقام جناب آقای دکتر پرویز ناتل‌خانلری
وزیر محترم سابق فرهنگ و استاد ارجمند دانشکدهٔ ادبیات تهران

ایران با سرزمین کهنی که سراسر آن تا چندی پیش هندوستان خوانده میشد پیوندی کهن دارد. این پیوند از روزگاری آغاز میشود که افراد خانوادهٔ هند و ایرانی ازهم جدا شدند و گروهی در خاک ایران و گروه دیگر در هندوستان جا گرفتند. سپس در دوران هخامنشیان قسمتی از شمال شرقی آن سرزمین به شاهنشاهی ایران پیوست و در روزگار ساسانیان نیز همین پیوند دوام یافت. اما در این زمان رابطهٔ علمی و فرهنگی میان دو کشور استوارتر شد و برای آنکه در این باب سخن دراز نشود همین قدر میگوئیم که داستان برزویهٔ طبیب و رفتن او به هندوستان و کتاب بیدپای که همان کلیله و دمنهٔ معروف است در حکم مثالی است برای نشان دادن شوق و علاقه‌ای که ایرانیان به کتب دانش هندی و افزودن آن به فرهنگ ملی خود داشته‌اند.

با این حال باید گفت که رابطهٔ فرهنگ ایران با هندوستان پس از اسلام

از پیش محکم شده است. در این زمان بود که شریعت اسلامی از راه ایران و بتوسط ایرانیان در آن سرزمین انتشار یافت. بسیاری از سلسله‌های ایرانی یا ایرانی شده، در ولایتهای آن اقلیم فرمانروائی کردند.

گروهی بیشمار از دانشمندان وسخنوران ایران نیز در دربار آن پادشاهان پناه جستند. زبان وادبیات فارسی در آن سرزمین رواج و انتشار یافت تا آنجا که گاهی زبان ادبی ورسمی ودرباری شمرده شد.

صدها سخنور فارسی زبان یا بدربار پادشاهان هند روی آوردند یا در آن دستگاه پرورش یافتند که نام بعضی از برترین گویندگان و نویسندگان ادبیات فارسی در میان ایشان دیده میشود. از مسعود سعد سلمان وابوالفرج رونی وسنائی غزنوی ونصرالله بن عبدالحمید وامیرخسرو و خواجه حسن وعرفی تا صائب وکلیم وطالب وبیدل این سلسله همواره پیوسته بوده است و در زمانهای اخیر بزرگانی از آن سرزمین برخاسته‌اند که بر افتخارات ادبیات پرمایهٔ فارسی افزوده‌اند و از آن جمله تنها ذکر نام غالب دهلوی و اقبال لاهوری برای اثبات مدعا کفایت میکند.

باین طریق تاریخ فرهنگ وزبان وادبیات ایران وهندوستان باهم آمیخته است واین پیوند معنوی هرگز گسستنی نیست. البته ناگفته نباید گذاشت که مهمترین قسمت رابطهٔ ایران همواره بامسلمانان هندوستان بوده است و پس از تقسیم آن سرزمین به دو کشور هندو پاکستان، کشور اخیر ازاین پیوند آشنائی دیرین سهمی بزرگتر یافته است.

اما اگر از شیوهٔ خاص شعر فارسی که در آن دیار پرورش یافت بگذریم، ادیبان فارسی زبان هندو پاکستان در دو زمینه بر ادیبان ایران برتری یافته‌اند: یکی تدوین فرهنگنامه ولغت وقواعد زبان فارسی ودیگری در ثبت احوال و اخبار شاعران فارسی زبان. ایرانیان خود باین دو امر توجه شایانی نداشته و در باب این کار چندانی نکرده‌اند وحتی میتوان گفت که تا این اواخر از کوششهای

برادران هندی و پاکستانی خود دراین دو رشته آگاهی کافی نداشته‌اند.

استقلال آن سرزمین وخصوصاً استحکام روابط مودت میان ایران و پاکستان، گذشته از فواید مهم دیگر، این فایدهٔ عظیم را نیز داشته‌است که پیوند فرهنگی دو کشور محکم‌تر شده و با آمدن جوانان دانشمند و دانش‌پژوه پاکستانی به ایران، ادیبان این کشور بیشتر توانسته‌اند از علائق دیرین فرهنگی که ما را بهم مربوط میکند آگاه شوند.

نمونه و برهان صریح این معنی همین کتاب است که اکنون بدست خوانندگان میرسد. مؤلف فاضل این کتاب آقای سیدعلی رضا نقوی که از چند سال پیش در دانشکدهٔ ادبیات تهران لذت صحبت و آشنائی با ایشان را یافته‌ام با این تألیف گرانبها ثابت کرده‌اند که هنوز درمیان برادران پاکستانی ما کسانی هستند که میتوانند خدمتهای شایسته‌ای بزبان وادبیات فارسی انجام دهند

این کتاب جامع که باشوق و کوشش فراوان تدوین شده و همهٔ نکات دقیق علمی در تدوین آن مراعات گردیده‌است برای همه محققان و علاقه‌مندان به تاریخ ادبیات فارسی سودمند و مغتنم است و من خود از آن بهرهٔ فراوان برده‌ام و براین مقدمهٔ کوتاه اگر نکته‌ای باید بیفزایم قدردانی از همت و دقت و فضل واحاطهٔ مؤلف دانشمند برموضوع کتاب است.

آرزو میکنم که این محقق دقیق و پرمایه توفیق بیابد که در آینده آثار گرانبهای دیگر نیز دربارهٔ زبان وادبیات فارسی که میراث مشترك دو کشور ایران و پاکستان است به پژوهندگان دانش وادب عرضه دارد.

دکتر پرویز ناتل خانلری

استاد دانشکدهٔ ادبیات تهران

۱۳۴۲ر۱۲ر۱۴

پیشگفتار

کتاب حاضر اصلا رساله‌ای بود که نگارنده بعنوان پایان نامه دورهٔ دکترای زبان وادبیات دانشگاه تهران به راهنمائی استاد ارجمند جناب آقای دکتر پرویز ناتل خانلری در سال ۴۱ـ۱۳۴۰ تألیف کرد.

علاقه بزبان فارسی که ازاوان کودکی درنهاد اینجانب بودیعه نهاده شده بود، دائماً مرا بر آن میداشت که درراه تحصیل این زبان توجه کافی وسعی وافی مبذول دارم، اما بعللی تامدتی نتوانستم دراین راه توفیق حاصل نمایم. درسال ۱۹۴۹ میلادی یك هیأت فرهنگی ازشوروی وارد پاکستان شد ویکی ازاعضای آن بنام تورسونزاده شاعر معروف آن کشور در چندین دانشکده ومرکز فرهنگی سخنرانیها ایراد و شعرهائی بزبان شیرین فارسی انشاد کرد. بحسب اتفاق اینجانب نیز در بعضی ازاین جلسات شرکت داشتم و با کمال خوشوقتی پی بردم که مطالب آن سخنرانیها را بتمام و کمال درك میکنم. همین احساس مرا بر آن داشت که اطلاعات وسیعتری در این زبان کسب نمایم.

دراثر شوق وذوق فراوان که برای کسب زبان فارسی داشتم، توانستم درمدت نسبةً کوتاهی درامتحان «منشی فاضل» که مستلزم داشتن اطلاعات وسیعی درزبان وادبیات فارسی است موفقیت شایان توجهی بدست آورم. همچنین بعلت دلبستگی فراوان

بزبان وادبیات فارسی درسال ۱۹۵۵ میلادی در امتحان فوق لیسانس فارسی دانشگاه کراچی درمیان کلیهٔ دانشجویان فارسی باحراز مقام اول نائل گردیدم.

موفقیتهای متوالی در امتحانهای فارسی طبعاً موجب شد که عشق من نسبت باین زبان افزوده گردد واندیشه‌ای‌را که از دوران کودکی برای مسافرت طالب علمی بایران یعنی سرزمین فردوسی وسعدی وحافظ در مخیله خود میپروراندم بمرحله حقیقت نزدیک سازم . درهمان اوان دانشگاه تهران به پیشنهاد آقای دکتر روستائیان وابسته اسبق فرهنگی ایران در پاکستان موافقت خودرا درمورد اعطای بورس تحصیلی باینجانب اعلام نمود وبدین ترتیب نگارنده فرصتی بدست آورد که آرزوهای خودرا درمورد تحصیلات عالی دررشته زبان وادبیات فارسی جامه عمل بپوشاند وپس از گذراندن امتحانات مربوط در صدد تهیه رساله دکترای فارسی دانشکده ادبیات برآمد.

خوشبختانه برادر گرامی، آقای دکتر شهریار نقوی، روزی ضمن صحبت فرمودند که مرحوم پروفسور شیرانی دانشمند معروف پاکستان را عقیده بر این بود که خدمات دانشمندان هند وپاکستان درزمینه زبان وادبیات فارسی مخصوصاً درقسمت تألیف فرهنگ وتذکره و تاریخ چنانکه باید وشاید بایرانیان شناسانده نشده است. بنابراین افرادی که بایران اعزام میشوند موظفند که این وظیفه خطیر را تا حد امکان انجام دهند.

از آنجا که آقای دکتر شهریار نیز رساله دکترای خودرا درباره « فرهنگ نویسی فارسی درهند و پاکستان »[1] تهیه کرده بودند در انجام این سفارش وتحقق آرزوی مرحوم پروفسور شیرانی اینجانب نیز موضوع رساله دکترای خود را «تذکره نویسی فارسی درهند وپاکستان» انتخاب نموده برای تهیه مدارك ومواد آن درسال ۱۳۳۵ ش. بپاکستان رفتم وتامدتی منابع ومآخذی را که در کتابخانه‌های آن دیار موجود بود مطالعه نموده بایران بازگشتم.

۱ـ این کتاب درسال ۱۳٤۱ ش ازطرف وزارت فرهنگ ایران بچاپ رسیده است.

اتفاقاً درهمین ایام استاد دانشمند جناب آقای دکتر محمد باقر رئیس محترم قسمت فارسی دانشگاه پنجاب لاهور که بهنگام مسافرت اینجانب به پاکستان در تهیهٔ مدارك برای این تألیف همه گونه مساعدت‌های همانی فرموده بودند بایران تشریف آورده و نظر به مراتب کوشش اینجانب در تحقیق و تتبع که شخصاً در پاکستان شاهد آن بودند و همچنین اهمیت موضوع رساله موق توصیه فرمودند که مانند آقای دکتر شهریار رسالهٔ خود را بجای دکترای دانشکدهٔ ادبیات برای دکترای زبان و ادبیات دانشگاه تهران تهیه کنم بنابراین پس از گذراندن امتحانات مربوط در راه تکمیل و تهیهٔ مدارك بالاخره کوششهایی که بعمل آوردم در مدت هشت سال دوبار بپاکستان مسافرت کرده کلیه تذکره‌هائی را که در کتابخانه‌های آن سامان موجود بود بمطالعه درآوردم همچنین از کتابخانه‌های ایران و هند اطلاعات مورد لزوم را بدست آورده رساله‌ای در موضوع فوق تنظیم نمودم که اینك باتغییرات واضافات لازم بعلاقمندان ادبیات فارسی تقدیم میگردد.

درکتاب حاضر نگارنده حتی‌المقدور سعی کرده است که اطلاعات دست اول را از مآخذ ومنابع موجود بدست آورد و درصورت عدم دسترسی این اقدام را بوسیله رفقا که درنقاط خارج ازایران اقامت داشتند انجام دهد ودرمواقعی که باطلاعات خارج ازحد امکانات موجود نیاز بود، این احتیاج را بوسیله فهرست کتابخانه‌ها و کتابهای دیگر برطرف کرده است. این کتاب به‌یك مقدمه و چهار فصل تقسیم شده است چنانکه ازشرح تذکره‌های هرفصل برمیآید، فصول چهارگانه ازلحاظ اهمیت و کیفیت مطالب تذکره‌ها وانواع و سبك نگارش آن بایکدیگر متفاوت و مختلفند.

درآغاز هرفصل ازوضع سیاسی واجتماعی وادبی آن دوره باجمال سخن رفته ومختصراً سبك انشاء وارزش واهمیت آن دوره تشریح گردیده وسپس بشرح تذکره‌های هردوره پرداخته شده است.

قبل از ورود ببحث راجع بمطالب ومحتویات تذکره‌ها بشرح حال و آثار

نویسندگان از کتب معتبر وغالباً معاصر آنان پرداخته شده وسعی گردیده است که این اطلاعات هرچه کاملتر وجامع‌تر گردآوری‌شود ودیگر احتیاجی برجوع بکتب مختلف تذکره وتاریخ وغیره نباشد. وباوجود آنکه شرح حال و آثار بعضی ازاین تذکره‌نویسان مانند آرزو و آزاد و حزین وواله بدرازا کشیده اما این مطلب ارزش آنرا داشته است که هرچه بیشتر ومفصل‌تر درباره آن بحث و گفتگو بشود تا اهمیت ومقام هریک را درادبیات فارسی چنانکه شایسته و بابسته است نشان داده وحق مطلب را تا آنجائی که امکانات موجود اجازه میداد ادا شود.

درموقع بحث درباره تذکره‌ها کوشش شده است که محتویات هرتذکره باختصار بیان گردد و مخصوصاً اسامی کسانی که اشعار وشرح‌حال آنان در این تذکره‌ها مفصل آمده است ذکرشود وبمقام وارزش واقعی هرتذکره‌اشاره و با نظر بیطرفی‌در بارهٔ آن قضاوت‌شود.

در پایان بحث هرتذکره سعی شده‌است که صورت اسامی کتابخانه‌هائی که حاوی نسخ خطی تذکره مزبور میباشند ذکر ودرصورتی که‌آن تذکره‌چاپ‌شده باشدمحل‌وسال‌چاپ آن‌مرقوم گردد. همچنین منابع ومآخذ شرح‌حال هرنویسنده رادرپایان‌هرمقال بیان‌داشته‌واگراسامی شعرای آن تذکره درفهرست کتابخانه‌ای موجود بود بذکرنام آن‌فهرست اقدام شده‌است‌ودرصورتی که‌اسامی‌شعرای تذکره موردبحث‌درهیچ کتابی یافهرستی نیامده‌باشدنگارنده‌شخصاً یا بوسیله‌دوستان‌ارجمند آنراتهیه ودرپایان بحث آن تذکره ضمیمه نموده ولی درصورتی که‌فهرست‌اسامی تذکره‌ای خیلی مفصل بوده ازذکر آن صرفنظر شده است. همچنین در آخر کتاب نه‌ضمیمه بقرارذیل آمده‌است:

ضمیمه‌اول نام تذکره های فارسی که‌درهندوپاکستان **تألیف شده** است‌ولی شرح‌آن دراین کتاب‌نیامده‌است.

ضمیمه‌دوم نام تذکره‌های‌شعرای‌فارسی که خارج‌ازشبه‌قاره‌هندوپاکستان تألیف‌شده‌است.

ضمیمه سوم نام تذکره های شعرای فارسی و کتب دیگر که بزبان اردو در شبه‌قاره هند و پاکستان تألیف شده است و احوال بعضی شعرای فارسی را شامل نیز است.

ضمیمه چهارم نام تذکره های شعرای اردو که در هند و پاکستان بزبان فارسی تألیف شده است و اکثر این شعرا بفارسی هم شعر میسروده‌اند.

ضمیمه پنجم نام تذکره های اولیاء و صوفیه که بسیاری از آنان شعر هم میسروده‌اند.

ضمیمه ششم نام تذکره های علما و امرا و ملوک و خطاطان وغیره که گاهی ذکر کسانی را که شعر میسروده‌اند نیز شامل است.

ضمیمه هفتم نام کتب عمومی که ذکر شعرای فارسی را هم دارد.

ضمیمه هشتم نام کتب تاریخ که در آن ضمناً ذکر شعرا هم آمده است.

ضمیمه نهم توضیح درباره کتابهائی که بعضی گاهی آنرا اشتباهاً جزو تذکره شعرا حساب کرده‌اند.

درخاتمه بایسته میدانم که از استادان وسروران گرانقدری که مرا در این کار عظیم رهنمائی و یاری فرموده‌اند سپاسگزاری کنم

نخست از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر پرویز ناتل خانلری که با راهنمائی پر ارج اینجانب را مشمول عنایات خود فرموده و با کمال گشاده روئی کتابخانه نفیس خودرا دراختیارمن قرارداده‌اند.

دوم از استاد گرامی جناب آقای دکتر ذبیح‌الله صفا رئیس محترم دانشکده ادبیات که درهمه کارها مرا یاری فرموده‌اند و دیگر از کلیه اولیاء امور دانشگاه تهران که موجبات اعطای بورس تحصیل و اقامت مرا در ایران فراهم آورده‌اند.

سوم از استادان گرامی آقایان: دکتر محمدباقر رئیس قسمت فارسی دانشگاه

پنجاب لاهور دکتر غلام‌سرور رئیس قسمت فارسی دانشگاه کراچی و دانشمند والامقام جناب آقای پیرحسام‌الدین راشدی که از همه گونه راهنمائی لازم در مورد این کتاب دریغ نفرموده‌اند.

چهارم از استادان معظم جناب آقای سعید نفیسی و دکتر محمد معین و آقای مجتبی مینوی و ادیب محترم آقای احمد گلچین معانی که نه تنها در موارد و مواقع مختلف به اینجانب ارائه طریق فرمودند بلکه با کمال خوشروئی اجازه دادند که از کتابخانه‌های گرانبهای ایشان استفاده کنم.

پنجم از تمام استادان محترم دانشکده ادبیات که نگارنده از محضر پربرکتشان کسب فیض نموده است.

ششم از برادران عزیز آقایان پروفسور سیدحسن استاد اداره تحقیقات عربی و فارسی پتنه هند و دکتر ضیاء‌الدین دیسائی رئیس اداره باستانشناسی ناگپور هند و دکتر محمد مرسلین استاد دانشکده ادبیات دهلی که در تهیه اطلاعات مورد لزوم و نقل قسمتی از تذکره‌ها از کتابخانه‌های هند همکاری و همگامی فرموده‌اند.

هفتم از دوستان دانشمند آقایان دکتر حسن‌سادات ناصری و علیقلی محمودی بختیاری و جلیل دوستخواه و مرتضی ضرابی و خانم مهوش سرخوش و خانم مهین حاجیانپور که در تکمیل بعضی مطالب این کتاب بذل لطف فرموده‌اند.

هشتم از دانشمندان معظم آقایان محمدتقی دانش‌پژوه و علینقی منزوی که در موارد مختلف اینجانب‌را راهنمائی فرموده‌اند و همچنین برؤسا و سایر کارمندان کتابخانه‌های مجلس و ملی و ملك و دانشکده ادبیات و حقوق و مرکزی دانشگاه تهران که در استفاده از کتابخانه‌های مزبور باینجانب کمك فرموده اند.

نهم از آقای علی‌اکبر علمی که وسایل چاپ این کتاب‌را فراهم نموده‌اند. همچنین از کارمندان چاپخانه علی‌اکبر علمی مخصوصاً از آقای هدایتی که در چاپ این کتاب نهایت مجاهدت‌را بعمل آورده‌اند

در پایان از ایزد متعال مسألت دارم که در راه خدمت بیشتر به زبان و ادبیات فارسی و معرفی فرهنگ ایران مرا موفق گرداند و این سعادت روزی کند که تا حد امکان بتوانم حق احسانات و عنایات مردم بزرگوار ایران را ادا کنم و در تشدید روابط ناگسستنی فرهنگی دو ملت بزرگ و برادر پاکستان و ایران روز بروز کوشا باشم.

سید علیرضا نقوی

مقدمه

معانی کلمه تذکره

الف ــ معانی کلمه تذکره در زبان عربی

کلمه تذکره در زبان عربی بمعنی «یاد کردن» و «یادآوری» و «یادکرد» و «یادگار» و «تذکرنامه»[1] آمده است و هیچوقت بمعنی کتابی در شرح حال و آثار رجال بکار نرفته است چنانکه حاجی خلیفه در کشف الظنون جلد اول[2] هشتاد و هفت کتاب عربی را که اسم آنها به کلمه تذکره شروع میشود ذکر نموده است اما هیچکدام راجع به ترجمه احوال رجال نیست و همه جا بمعنی «یادآوری و یادگار» بکار رفته است.

باید توجه داشت که در زبان عربی برای کتبی که در ترجمه احوال باشد اصطلاحات ذیل بکار میرود :

۱) طبقات ــ اگر شرح حال رجال در کتابی از روی طبقه به طبقه و نسل به نسل و قرن بقرن باشد آنرا «طبقات» میگویند مانند «طبقات الادباء» تألیف کمال الدین ابی البرکات

۱ــ ر . ك . «فرهنگ تازی به پارسی» بخش نخست چاپ وزارت فرهنگ دبیرخانه فرهنگستان سال ۱۳۱۹ش باهتمام استاد بدیع الزمان فروزانفر

۲ــ ر . ك . «کشف الظنون» طبع وکالت المعارف ۱۳۶۰ه/۱۹۴۱ تالیف مصطفی بن عبدالله الشهیر بحاجی خلیفه و به کاتب چلبی جلد ۲ ص ۳۸۳ــ۳۹۳ . حاجی خلیفه در ذیل کلمه تذکره اسم نه کتاب ترکی را هم ذکر کرده است که یکی از آنها تذکرة الاولیاء تالیف خواجه پاشا (م ۸۹۱) و بقیه هشت کتاب تذکرة الشعراء میباشد البته از میان آنها هیچ کتاب با کلمه تذکره شروع نمیشود اما در هر حال معلوم میشود که در ترکی نیز مثل فارسی کلمه تذکره بمعنی کتابی در ترجمه احوال بکار رفته است.

عبدالرحمن متوفی ۵۷۷ ه وطبقات الاولیاء تألیف شیخ سراج الدین عمر متوفی ۸۰۳ ه و طبقات الشعراء ابی عفان البصری و اسمعیل بن یحیی الیزیدو غیره[۱].

۳) انسابــ اگر کتابی شرح حال رجال را از روی نسبتها و بلدان داشته باشد آن را انساب میگویند مانند انساب سمعانی[۲].

۴) معجمــ اگر در کتابی ترجمه احوال رجال از روی الفباء باشد آن را معجم میگویند مانند معجم الادباء تألیف یاقوت حموی در قرن هفتم و معجم المؤمنین تألیف عمر رضا کحال[۳].

معانی کلمه تذکره بزبان فارسی

کلمه تذکره در فرهنگهای فارسی بمعانی ذیل آمده است.

یادداشت و یاد آوردن و پند دادن (فرهنگ آنندراج) کتاب تاریخ حالات واشعار شعرا (فرهنگ نظام) یادگار و یادداشت و جلد مسافر (گذرنامه) و کتابی که در آن احوال شعرا نوشته باشد (فرهنگ نفیسی ناظم الاطباء).

در تمام کتب ادبی فارسی (غیر از تذکره دولتشاه) قبل از زمان صفوی کلمه تذکره بمعنی یادگار و یادداشت و یاد آوردن بکار رفته است و بتدریج در زمان صفویه بمعنی کتابی در شرح حال و آثار شعرا پیدا کرده است.

اکنون درباره تحول معنی این کلمه در زبان فارسی مختصراً بحث میشود.

اولین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه «تذکره» شروع میشود «تذکرة الاولیاء» تألیف شیخ اجل فریدالدین عطار در اوایل قرن هفتم هجری است که شیخ در مقدمه آن

۱ـ برای ۳۶ کتاب طبقات عربی رجوع کنید کشف الظنون ج۲ ص ۱۰۹۵ ـ ۱۱۰۸ و برای ۲۹ کتاب طبقات دیگر ر.ك. ایضاح المکنون ج۲ ص ۷۸ ـ ۸۰

۲ـ برای ۳۴ کتاب انساب عربی رجوع کنید به کشف الظنون جلد ۱ صفحه ۱۷۸ ـ ۱۸۰ و برای سه کتاب دیگر انساب عربی ر.ك. ایضاح المکنون ج ۱ ص ۱۳۲

۳ـ برای ۱۱ کتاب معجم عربی رجوع کنید به کشف الظنون جلد ۲ صفحه ۵۰۸ ـ ۵۰۹ و برای ۱۳ کتاب دیگر معجم عربی ر.ك. ایضاح المکنون ج۲ ص ۵۰۸ ـ ۵۰۹

مینویسد :

«دیگر باعث آن بود که چون دیدم که روزگاری بدید آمده است که الخیر شر و
اشرار الناس اخیار الناس را فراموش کرده‌اند تذکره‌ای ساختم اولیاء را این کتاب را
تذکرة الاولیاء نام نهادم تا اهل خسران روزگار اهل دولت را فراموش نکنند و گوشه‌
نشینان و خلوت گرفتگان را طلب کنند و با ایشان نسبت نمایند تا در نسیم دولت ایشان به
سعادت ازلی پیوسته گردند.»[1]

دومین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه تذکره شروع میشود رساله‌ای بنام تذکره
در آغاز و انجام تألیف شیخ نصیر الدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ه) است که مشتمل است بر بیست
فصل[2] اینجا هم کلمه تذکره بمعنی یاد آوری و پند دادن بکار رفته است.

سومین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه تذکره شروع میشود و در متن آن نیز
کلمه تذکره بکار رفته است کتاب تذکرة الشعراء تألیف امیر دولتشاه سمرقندی بسال
۸۹۲ه است که مؤلف در مقدمه کتاب خود چنین مینویسد :

«علمای دین داد آثار و اخبار داده‌اند و ابواب قصص انبیاء در شرح خلق گشاده‌اند
شیخ عطار که مرقدش از ریاحین انوار معطر باد در تذکرة الاولیاء ید بیضاء نموده و
مورخان دانا در تواریخ و مقامات سلاطین توانا مجلدها پرداخته‌اند و کتابها ساخته
اند و همچنین در بلاد و مصلحت عباد آنچه بایستنی است فضلا در آن کار جهد نموده‌اند و
یادگاری گذاشته‌اند. بیت :

آنچه مجهول مانده در عالم   ذکر تاریخ و قصه شعراست

جهت آنکه علماء باوجود کمال و فضل بدین افسانه محقر قلم رنجه نکرده و
سر همت فرو نیاورده‌اند و دیگران را اوقات مساعدت نکرده و بلکه بضاعت آن نداشته‌اند.
القصه تاریخ و تذکره و حالات این طایفه را هیچ آفریده از فضلا ضبط ننموده اگر شطری

۱- رجوع کنید به «تذکرة الاولیاء» چاپ چاپخانه مرکزی تهران ۱۳۲۲ ش باهتمام محمد
قزوینی ص ۵ و ۶.

۲- این کتاب از طرف دانشگاه تهران بسال ۱۳۳۵ چاپ شده است.

بروجه‌صواب‌درین ابواب‌نموده آید حقاً که بروجه صلاح‌خواهدبود ـ این شکسته چون‌ازخازن گنجینه معنی‌این‌رموزاصغانمودم ودانستم که‌این‌صید ازقیدصیادان‌این صناعت‌جسته‌واین‌دربروی‌ارباب‌طلب‌بسته‌است از آنچه‌شکسته‌بسته‌درمدة‌لعمردیده‌و از آن‌خوشه که‌ازخرمن کرام‌چیده‌بودم ازتواریخ‌معتبره وازدواوین استادان‌ماضی واشعارمتقدمین ومتاخرین‌وازرسایل متفرقه و کتب سیروغیرذلك‌تاریخ ومقامات و حالات شعرای‌بزرگ که‌ذکردواوین واشعار ایشان‌در اقالیم مشهور ومذکور است جمع‌نمودم وازعهداسلام‌الی‌یومناهذا به‌ترتیب شمه‌ای ازتواریخ سلاطین بزرگ که شعرای‌نامدار بروزگاران‌طایفه‌بوده‌اند دراین‌تذکره‌بقلم‌آوردم وازمنشئات‌اکابر و لطایف‌اعاظم‌وتحقیق‌معرفت‌ملدان آنچه‌توانستم بقدرالوسع والامکان‌دراین‌تذکره بایرادرسانیدم»[1]

چنانکه‌ازسطور فوق برمی‌آیددولتشاه کلمه‌تذکره‌رابمعنی یادگار و کتابی درشرح‌حال‌شعرا بکاربرده‌است .

درزمان‌صفوی‌وتیموریان هندنیز کلمه‌تذکره بمعنی«یادگاروذکر»و کتابی درشرح‌حال ونمونه‌اشعارشعرا هردوبکاررفته‌است ـ مثلادرکتب زیر کلمه تذکره بمعنی‌یادگارآمده است .

۱)تذکره‌شاه‌طهماسب‌صفوی که‌شاه‌طهماسب‌صفوی(۹۳۰ـ۹۸٤ه)دراین کتاب شرح‌حال وبعضی‌وقایع‌زمان‌سلطنت خودراازابتدای جلوس درروز دوشنبه۱۹ رجب ۹۳۰ ه تازمان تألیف کتاب(؟) ذکر کرده‌است ودرمقدمه کتاب‌مینویسد:

«بخاطرشکسته‌خطور کرد که‌ازاحوالات وسر گذشت‌خودتذکره‌ای بقلم‌آورم که‌ازابتدای جلوس‌الی‌یومنا هذااحوالم بچه‌نوع گذشته‌است تاازمن‌برسبیل‌یادگار درروزگاربماند ودستورالعمل اولاد‌امجاد و احباب شود »[2]

۱ـ ر.ك. «تذکرة‌الشعراء»دولتشاه سمرقندی چاپ کتابفروشی بارانی تهران باهتمام محمد عباسی۱۳۳۷ش صفحه۱۷و۱۸.

۲ـ ر.ك. «تذکره‌شاه‌طهماسب‌صفوی»چاپ برلن چاپخانه‌کاویانی ۲۵محرم ۱۳٤۳ه

۲) تذکره همایون و اکبر که بایزید بیات بفرمایش اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ه) در ۹۹۹ه تالیف کرده و آن کتاب مشتمل است بر وقایعی از ۹۴۹ تا ۹۹۹ ه از زمان همایون شاه (۹۳۶-۹۶۳ه) و اکبرشاه [1].

۳) تذکرة الملوک تألیف در حدود سال ۱۱۳۸ه مشتمل است بر «دستور العمل هر یک ارباب مناصب درگاه معلی» موافق ازمنه سلاطین صفویه.

۴) تذکره آنندرام مخلص - در تاریخ جنگ بین محمدشاه پادشاه هند (۱۱۳۱-۱۱۶۱ ه) و نادرشاه افشار پادشاه ایران (۱۱۴۸-۱۱۶۰ه) میباشد.

۵) تذکرة الملوک تألیف یحیی خان میرمنشی فرخ سیر پادشاه هند (۱۱۲۴-۱۱۳۱ه) که تاریخ عمومی هند از زمان فتح هند بدست مسلمانان تا ۱۱۴۹ه میباشد [2].

۶) تذکرة الخواتین تألیف میردوستی بسال ۹۵۵ه که مشتمل است بر اشعار شعرا

۷) تذکره نصرت یا منتخب لطایف الخیال که میرزا محمد صالح حسینی در ۱۱۰۴ه تألیف کرده است و آن نیز مشتمل است بر اشعار شعرا.

در این قبیل کتب کلمه تذکره بمعنی یادگار و یادآوری بکار رفته است.

در تذکره «تحفه سامی» تألیف سام میرزا صفوی در ۹۵۷ه نیز کلمه تذکره بمعنی ذکر و یادآوری آمده است چنانکه مؤلف در مقدمهٔ آن مینویسد:

«محجوب نماند که این نسخه هرجا که صاحبقران مغفور مذکور میگردد مراد حضرت شاه ماضی است و هر کجا که صاحبقران مرقوم میشود غرض شاه عالم پناه گیتی ستان است که بمقتضای ذکری السلطان تنزل الامان «تذکره» ایشان مستلزم آمال و امانیست و سرمایه سعادت دو جهانی [3].

اما در «تذکره نصرآبادی» تألیف محمدطاهر نصرآبادی در ۱۰۸۳ ه کلمه تذکره بمعنی کتابی در شرح حال و نمونه اشعار شعرا بکار رفته است و مؤلف در مقدمه

۱- این کتاب در هند از طرف رایل ایشیاتک سوسایتی آف بنگال بسال ۱۳۶۰ه/۱۹۴۱م چاپ شده است

۲- ر.ک. اته ش ۴۰۹.

۳- ر.ک. تحفه سامی چاپ مطبعه ارمغان تهران ۱۳۱۴ش

آن کتاب صریحاً کلمه تذکره را چندین بار به معنی مذکور بکار برده است چنانکه گوید :

«غرض از تسوید این اوراق اینکه سخن سنجان مثل محمدعوفی مؤلف جامع (جوامع) الحکایات به تسوید «تذکره» موسوم به لب الالباب (لباب الالباب) پرداخته مشتمل بر اشعار سلاطین وشعرای متقدمین و مرحوم میرعلیشیر (نوائی) درمجالس ـ النفایس و نواب شاهزادگی سام میرزا در تذکره سامی ودولتشاه سمرقندی در تذکرة ـ الشعراء وملاصوفی در تذکره موسوم به میخانه و بتخانه آنچه سنجیدگــی وحقوق برگزیدگی است در تحقیق حالات اهل نظم بظهور رسانیده اند و بعداز ایشان میرتقی کاشی به نگارش «تذکره» پرداخته والحق داد سعی داده که بر آن مزیدی متصور نیست»[1].

بعد اززمان صفوی در تمام تذکره هائی که در دورهٔ «زندیه» و قاجار تا حال در ایران تألیف شده است کلمهٔ تذکره بمعنی تذکرة الشعرا یعنی کتابی که در آن ترجمه احوال و نمونه اشعار شعرا باشد آمده است . چنانکه در کتب ذیل این کلمه صریحاً بهمین معنی بکار رفته است.

(١) آتشکده تألیف لطفعلی بیك آذر بیگدلی در ١١٧٤ هـ ـ مؤلف در مقدمهٔ کتاب مینویسد :

«دیوان هریك ازمتقدمین بدست آمد بنظر دقت ملاحظه و باعتقاد خــود آنچه راجح یافتم نوشتم و آنچه از کتب ایشان بعلت تصاریف زمان به تحلیل رفته بود در تذکره های مشهور وغیر مشهور شعر ایشان را دیده باز بهمــان نسبت منتخب و ثبت کردم... این کتاب را بآتشکده موسوم ساختم ودفاتر ارباب « تذکره » سابق را در آتش رشك انداختم »[2]

(٢) مجمع الفصحا تألیف رضاقلی خان هدایت در ١٢٨٤ هـ کلمه تذکره را

١ ـ ر.ك. تذکره نصرآبادی چاپ ارمغان تهران ١٣١٧ ش

٢ ـ ر. ك. آتشکده چــاپ تهران اردیبهشت ١٣٣٧ ش باهتمام آقای سید جعفر شهیدی

مکن بمعنی تذکرة الشعرا یعنی کتابی که حاوی شرح حال و نمونه اشعار شعرا باشد آورده است مثلا در مقدمه میگوید:

« هنوز در عجم «تذکره» جامع این اشعار (نیست) و کس بر این همت نکرده »[1].

(۳) در ریاض العارفین نیز هدایت کلمه «تذکره» را بمعنی یادگار و مجموعه احوال و اشعار شعراء هردو بکار برده است چنانکه در مقدمه کتاب مذکور مینویسد: « بعضی از اصحاب دایره احباب این فقیر ضعیف بی مقدار را ترغیب و تحریض فرمودند که چه باشد که «تذکره» بجهت تبصره اهل بصیرت مشتمل بر ادوار و اشعار و سلسله طریقت و فایدان حقیقت این طبقه شریفه جمع نماید که طالبان و راغبان طریقه حقه طریقت را از حالات این قوم استحضار و اعتباری و آیندگان را تذکاری از خاکسار حاصل آیـد»[2].

(٤) همچنین در تذکره شحات تألیف سحاب اصفهانی و تذکره عبدالرزاق بیك دنبلی و تذکره درویش نوای کاشانی و تذکره محمدشاهی نواب بهمن میرزا و تذکره اختر و تذکره دلگشا و تذکرة السلاطین و تذکره صاحبقران یا بوستان خیال تألیف میرمحمد تقی حسین ۱۲۷۹ ه و تذکره طلعت تألیف طلعت اعتمادمقدم عنقا چاپ تهران ۱۳۲۹ ش و کتب دیگر تذکرة الشعرا کلمه« تذکره» بمعنی تذکرة الشعرا بکار رفته است.

خلاصه امروز کلمه تذکره در ادبیات فارسی ایران بمعنی« کتابی محتوی شرح حال و نمونه اشعار شعرا» بکار میرود.

اما باید توجه داشت که کلمه تذکره در شبه قاره هند و پاکستان در این دوره بمعنی کتابی در شرح حال رجال نیز بکار رفته است مانند تذکرة الامرا کیول رام و تذکره علمای هند تألیف احمدعلی و تذکره خوشنویسان تألیف مولانـا غلام محمد

۱ــ ر. ك. مجمع الفصحا چاپ تهران

۲ــ ر. ك. ریاض العارفین چاپ تهران

هفت‌قلمی دهلوی که به ترتیب درشرح‌حال امراءوعلماء وخوشنویسان میباشد .
ولی در این‌دوره درشبه‌قاره‌هندوپاکستان نیز تنها کلمه«تذکره»بمعنی تذکرة الشعرا بکاررفته‌است ومیرود .

تعریف تذکره و منظور از کلمه تذکره در این کتاب

چنانکه درسطورفوق توضیح‌داده‌شد طبق اصطلاح‌ادبی که اززمان زندیه وقاجار غلبه‌یافته است‌تذکره کتابیست که در آن‌شرح‌حال و آثارشاعری‌یاعده‌ای ازشعرا آمده باشد ـ دراین کتاب تذکره‌نگار نه‌تنها اشعار شعرا را نقل میکند بلکه‌شرح‌حال آنهارا‌هم‌مینویسد و گاهی اسم آثاروتألیفات هرشاعررادر ذیل‌شرح حال وی ذکر نموده درباره آن منحصراً بحث میکند وهمچنین در موقع نقل اشعار شعرا گاهی درباره آن نظر خود و دیگران را درباره گوینده آن نیز ذکر میکند .

اگر کتابی‌فاقد شرح‌حال‌شعرا باشد وتنها به‌نقل‌نمونه اشعارشعرا محدود باشد آن‌راطبق اصطلاح ادبی تذکره‌نمیگویند بلکه«بیاض»یا «جنگ» یا «سفینه» میگویند(رجوع‌شود به «بعضی‌اصطلاحات‌مربوط به تذکره»درسطور ذیل .)

نظربه تعریف‌فوق در این‌رساله کلمه «تذکره»به‌معنی تذکرةالشعرا یعنی کتابی که حاوی‌شرح‌حال‌و نمونه‌اشعار شعرا باشد بکاررفته‌است.

بعضی اصطلاحات‌مربوط به‌تذکره

درادبیات فارسی بعضی‌اصطلاحات بکار رفته است که بطورمستقیم‌یاغیرمستقیم مربوط به‌تذکره‌میباشد وبنابراین لازم‌میداند که درباره‌آن توضیح مختصری در اینجا داده شود.

(۱) بیاض‌ـ فرهنگ‌نویسان‌فارسی این کلمه‌را بمعنی‌ذیل‌آورده‌اند :
«ازسواد به‌بیاض‌آورده وصاف کرده‌شده (فرهنگ آنندراج) نوشتن‌با خط واضح‌ازروی مسوده ـ کتاب‌مستطیلی که در آن ادعیه‌یا اشعارومطالب‌متفرقه‌نوشته شده باشد (فرهنگ‌نظام) کتابچه نانوشته ـ کتابچه‌ای که‌جهت یاد داشت دربغل

گذارند»(فرهنگ نفیسی) .

خلاصه بیاض دفترچه سفیدی است که در آن نویسنده خاطرات خود و ادعیه
واحادیث و مراثی و نوحه‌ها و ماده‌تاریخ ها و مطالب دیگر مذهبی وادبی و غیر ادبی
که برای وی جالب باشد مینویسد . این کتاب را که ازطول باز میشود معمولا از
ذاره‌های کاغذ درست کرده بصورت دفتربغلی برای یادداشت مطالب مختلف بکار
میبرند . گاهی دربیاض تنها یك کتاب را نقل میکرده‌اند

بیاض اصطلاحیست که نویسندگان ایران و فارسی نویسان کشورهای دیگر
چه درقدیم وچه امروزمعمول داشته‌اند . اسم بعضی از بیاض‌ها که مجموعه اشعار
شعرا بوده جزو مآخذ تذکره های فارسی ذکر شده است مانند بیاض صائب (که
بعضی آن‌را اشتباهاً تذکره صائب نوشته‌اند و آن جزو مآخذ تذکره هائی مانند
مخزن‌الغرایب بوده‌است)وبیاض میرمعزخان فطرت بنام گلشن فطرت[1] وبیاض
محمدعلی ماهروبیاض محمدزمان راسخ (که هرسه کتاب اخیر الذکر از مآخذ
کلمات الشعرا سرخوش بوده‌است) وبیاض داراشکوه (ازمآخذ مخزن الغرایب)
وبیاض میرآزاد بلگرامی (ازمآخذ نگارستان‌سخن) و امثال آن .

(۲)جنك _ فرهنگ های فارسی معانی این کلمه را به قرار زیر ضبط
کرده اند :

جنگ بضم اول‌شتری را گویند که هنوز آن‌را بزیربارنکشیده باشند و بمعنی
کشتی وجهاز بزرگ هم هست و باین‌معنی باجیم‌فارسی نیز آمده است وبیاض بزرگ
راهم گفته‌اند ـ ونوعی ازقمار نیزهست (برهان‌قاطع) . کشتی بزرگ و کلان و
بیاض بزرگ که‌اشعار گوناگون دارد ـ سفینه‌بزرگ و دیوان الشعراء و تذکره
آنان (آنندراج). کتاب‌یا دفتری که‌در آن مطالب‌مختلفه (به) خصوص‌اشعار از

---

۱ درمخزن‌الغرایب‌اسم‌این‌بیاض «گلزارفطرت»آمده است ـ ر.ك. مآخذمخزن‌الغرایب در این کتاب .

شعرای متعددی نوشتهشده باشد . در ترکی این لفظ بمعنی کشتی بزرك و زیلو و چیز ضخیم است (فرهنگ نظام) بیاض بزرك که اشعار گوناگون ومسائل و حکایات مختلفو پراکنده در آن نویسند (فرهنگ نفیسی).

در «یادداشتهای قزوینی» در ذیل جنگ عبارت زیر آمده است :

« جنگ - بحرکات نامعلوم وشاید، جنگ به هندی یا دراصطلاح هندوستانیها به معنی سفینه بزرگ است «سفاین بزرگ که آنرا جنگ گویند» (وصاف ۳۰۱ درمقام صحبت ازهند). پس احتمال قوی دارد که جنگ معروف (برفرض مضموم بودن اول کلمه مذکور دروصاف) بمعنی سفینه اشعار نیزازهمینجا یعنی ازاصطلاح هندآمده باشد که دراینصورت جنگ باین معنی سفینه بعین همین معنی مجازی خواهد بود. درپشت ابن شاکرهم چیزی ازاین مقوله یاد داشت کرده‌ام»[۱].

باید توجه داشت که کلمه جنگ بصورت « جنك »[۲] درزبان چینی بمعنی کشتی بزرگ آمده است وجنگ واجنگ[۳] درزبانهای مالایائی وجاوائی (اندونزی) بمعنی کشتی یا کشتی بزرگ میباشد[٤].

ظاهراً این کلمه براه هند وارد زبان فارسی شده است وبه اصطلاح ادبی فارسی بمعنی کتاب است مثل بیاض که درآن مطالب مختلفی مخصوصاً ادبی وعادتا آثارنظم ونثر ادبا یاد داشت میکنند . واین کتابها بعلت مستطیل بودن و دربر داشتن همه نوع مطالب مانند کشتی که طویل ودربردارنده همه نوع کالا ومردم میباشد اصطلاحاً «جنگ» نامیده میشود .

۱ـ ر. ك . یادداشتهای قزوینی چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳٤ ش جلد ۲ ص ۱۷۹

۲ـ Junk ۳) Ajong , Jong

٤ـ ر. ك. کتاب هابسن جابسن چاپ لندن ۱۹۰۳

Hobson Jobson by Col · Henry Yule And A. ·C· Burnell – John Murray , Albemarle St · London ·

این اصطلاح ظاهراً نسبت به بیاض تازه‌تر است و بهمان معنی بیاض میباشد باین
فرق که لازم نیست جنگ مانند بیاض از طول بازشود .

باید اذعان کرد که این اصطلاح بمعنی مجموعه اشعار و آثار ادبا وغیره
تنها در ایران معمول بوده ودر شعبه قاره هند وپاکستان نه درقدیم هند و نه امروز
هیچوقت معمول نبوده است وبنابراین در آن سرزمین مجموعه‌ای بنام « جنگ »
ترتیب داده نشده‌است.

جنگهای معتددی در کتابخانه های ایران مانند کتابخانه‌های دانشکده
ادبیات ومرکزی ومدرسه سپهسالار ومجلس وجود دارد که غالبا مجموعه اشعارو
اخبارواحادیث وحکایات وغیره میباشد .

(۳) سفینه ـ این کلمه را درفرهنگهای فارسی به معانی ذیل نوشته‌اند :
«درعرف بیاض را گویند که قماش طولانی باشد و انفتاح آن درجهت طول
بوددرحق طول وشبیه بود به کشتی از عالم تسمیة الشیئی باسم مشبه به(فرهنگ آنندراج).
دفتری که در آن منتخبات اشعارشعرای متعدد باشد که نامهای دیگرش جنگ و
بیاض شعراست ـ دیوان شعرا راهم سفینه شعر گویند چنانچه حافظ گوید :

در این زمانه رفیقی که خالی ازخلل است
صراحی می‌ناب وسفینه غزل است

وجه تسمیه کتاب شعر به سفینه شاید ازاین بوده که دفتراشعارمنتخب عموماً
مستطیل بوده بشکل کشتی وازطول بازمیشده چنانچه جنگ هم در ترکی بمعنی
کشتی است ودرمعنی دفتر نظم ونثرمنتخب استعمال شده . ممکنست وجه تسمیه‌این
باشد که دفتراشعارمنتخب تشبیه به کشتی شده که در آن هرقسم مال التجاره هست
(فرهنگ نظام)[1] .

دراد بیات قدیم فارسی کلمه سفینه بمعنی مجموعه اشعارو آثارادبی درچندین
کتاب آمده است . ازلین کتابی که بمارسیده ودر آن کلمه سفینه بکاررفته دیوان

۱ـ فرهنگ نفیسی این کلمه را ندارد .

کمال الدین اسمعیل (متوفی ۶۳۵ هـ) است که شاعر درقطعه‌ای، دروصف سفینه شعر، کلمه« سفینه»را درابیات زیر بکار برده است :

دراین سفینه نگه کن بچشم معنی‌بین کی[1] رشك لعبت‌مانی و صورت چینست

سفینه چیست ؟ غلط میکنم کی[2] دریائیست

کی[1] دست عقل زاطراف آن گهرچینست....

سفینها را در بحر دیده‌اند بسی سفینهٔ که درو بحرها بود اینست[2]

همچنین در کتاب « المعجم فی‌معائیراشعارالعجم » تـألیف شمس قیس رازی (میان سالهای ۶۲۳ و۶۲۸ هـ) درعبارات زیر کلمه سفینه بکاررفته است :

(۱) « بعضی اشعار خویش بر«سفینه» کی بجهت او کرده بود می‌نوشت .... روزی گفت خواجه امام حق نعمت تو نشناخته بـود وترا بد بسیار گفته (است) و هجوها کرده بر«سفینه» من نوشته . گفتم «سفینه» بیار تابنگرم »[3]

(۲) « وفایده نصیحتی کی از روی شفقت بااو گفته‌ام این بود کی هجو (و دشنام) من درعراق وخراسان (بر) گوشه «سفینه‌ها» مثبت مانده است»[4]

همچنین‌دربیت‌زیرحافظ که درسطورفوق‌درذیل‌معنی کلمه «سفینه»ازفرهنگ نظام نقل شده نیز این کلمه بکاررفته است :

دراین زمانه رفیقی که خالی ازخلل است صراحی می‌ناب وسفینه غزل است

ظاهراً برعکس آنچه درفرهنگ نظام‌آمده است اینجا کلمه سفینه به همان معنی «مجموعه اشعار» بکاررفته است نه بمعنی دیوان‌اشعار.

خلاصه سفینه که مانند جنگ معنی‌لغوی‌آن « کشتی» است درادبیات‌فارسی

۱ـ دربعضی‌کتب قدیم « که» بصورت« کی»مینوشته‌اندمثلا ر.ك المعجم فی‌معاییراشعار العجم چاپ دانشگاه تهران باهتمام استاد مدرس رضوی ۱۳۳۵ ش .

۲ـ ر.ك. مجموعه ده دیوان چستربیتی (Chester Beaty) چـاپ دبلین ایرلند باهمکاری استاد محترم آقای مجتبی مینوی .

۳ـ ر.ك. المعجم چاپ دانشگاه ۱۳۳۵ش، صفحه ٤٥۱ .

٤ـ ایضاً ص ٤٥۲

درست بمعنی «جنگ» بکاررفته است .

این اصطلاح در ایران وشبه قاره هندوپاکستان و کشورهای دیگرفارسی زبان بمعنی فوق بکار رفته است . سفینه‌های متعددی در کتابخانه های ایران و پاکستان موجود است . البته گاهی نویسنده آن یک دوجمله درمعرفی گوینده‌اشعار نیزمیآورد مانند سفینه علی حزین(برای اطلاعات بیشتردرباره این کتاب‌رجوع شود به‌بحث مفصل آن در کتاب‌حاضر) .

باید توجه داشت که درهندوپاکستان‌تذکره‌هائی‌بنام سفینه نوشته شده‌است که‌البته‌منظورنویسندگان آن اصطلاح مخصوص‌ادبی‌سفینه نبوده بلکه تنها بمناسبت معنوی، لغوی‌آن که کشتی باشد ودارای همه نوع اشیاء ومردم است بمعنی کتابی بکاررفته که در آن ذکراشعاروشرح حال شعرای مختلف میباشد مانند سفینه بیخبر وسفینه الشعراء وسفینه خوشگو[1] .

(٤) **مرقع**– درفرهنگ‌های‌فارسی‌معانی‌این کلمه رابدینقرارضبط کرده‌اند: کتاب‌تصویروخرقه داق درویشان چه که این هردوچیز رقعه‌رقعه و پاره‌پاره‌باهم جمع کرده‌شده باشد(فرهنگ‌آنندراج). قطعه‌های‌تصویر که‌بشکل کتاب‌جمع کرده شده‌باشد مجازا قطعه های خوش نویسی که بشکل کتاب جمع‌شده باشد (فرهنگ نظام). ساخته‌شده ازپاره‌پاره‌های به هم جمع کرده وخرقه و دلق درویشان و کتاب تصاویر و کتابی که‌از قطعه های خطوط مختلف ترتیب داده‌شده باشد (فرهنگ نفیسی) .

خلاصه‌مرقع کتابیست البوم‌مانند که‌درآن‌اشعار وتصاویرشعراوآیات‌قرآن وپاره‌های‌نثر به‌خط‌خوب نوشته باشند . گاهی‌مرقع‌را بااشعاری یاپاره‌ها نثربخط گویندگان ونویسندگان آن‌ترتیب‌داده عکس‌آن‌هارانیز درآن میگذارندمعمولا مرقع‌مربوط‌به کارهای‌هنری مانندنمونه‌های خط‌خوشنویسان میباشد که‌آن‌را از

۱– ر.ك . بحث درباره این‌کتابها دراین کتاب.

کرده‌اند ومیتوان گفت که اگر امروز بیاض وجنگ ومجموعه‌های دیگر ادبی وجود
نداشت دنیای ادب فارسی از وجود بسیاری از آثار گرانبهای ادبی فارسی محروم میشد
و همچنین اسم عده ای از نویسندگان و گویندگان آن بکلی در پرده خفا
میماند .

اما نقص بزرگ این قبیل مجموعه‌ها این است که گردآورندگان در باره
زندگی نویسندگان آن آثار هیچ نوع شرحی نداده‌اند ودر نتیجه غیر از اسم آنها اطلاع
دیگری بدست خواننده نمیرسد . والبته خواننده‌ای که بمطلب جالب ومهمی در این
قبیل مجموعه‌ها برمیخورد علاقه پیدا میکند که اطلاعات بیشتری درباره نویسنده یا
گوینده آن را بدست آورد چه بسا گردآورنده چنین مجموعه‌ها که با نویسندگان و
شعرائی که آثار آنان در این مجموعه‌ها آمده است معاصر وهمزمان وحتی گاهی از
نزدیک آشنا بوده ویا وسایل کافی دیگر برای شناساندن ومعرفی آنها را در اختیار داشته
است اما بعلت تساهل یا عدم توجه باین نکته مهم هیچ شرحی درباره این شعراء ونویسندگان
نداده است. البته در اکثر موارد این نقیصه با مراجعه به تذکره‌ها وتواریخ رفع میگردد
اما در مورد شعرا ونویسندگانی که ذکرشان در هیچ تذکره و تاریخ نیامده خواننده
بکلی بی اطلاع میماند.

اولین تذکره فارسی

قدیم‌ترین کتابی در ترجمه احوال ونمونه اشعار شعرا که ما امروز درباره آن
اطلاع داریم لباب الالباب تألیف سدیدالدین محمد عوفی است وخود عوفی نیز در پایان
فصل دوم مقدمة الکتاب ادعا کرده است که لباب الالباب اولین کتاب در طبقات شعرای
فارسی میباشد چنانکه میگوید :

«شک نیست که در این شیوه در طبقات شعرای عرب چند تألیف ساخته‌اند ...ولکن
در طبقات شعرای عجم هیچ تألیف مشاهده نیفتاده وهیچ مجموعه در نظر نیامده است.»

اما باید توجه داشت که دو کتاب دیگر شبیه به تذکره قبل از لباب الالباب
عوفی تألیف شده است یکی مناقب الشعراء تألیف ابی طاهر الخاتونی که در اواخر

۲ ــ درمورد شرح حال شعرا غالباً تنها مأخذ اطلاع ما تذکره ها میباشد چون اکثر مورخین درموقع شرح وقایع سیاسی زمان سلاطین و پادشاهان و کارهای نمایان که آنها انجام داده اند در کتاب تاریخ یا اصلا ذکری از شعرای معاصر سلاطین و پادشاهان مذکور نیاورده یا تنها به ذکر اسامی شعرا با چند بیت یا قصیده ای که آنها در مدح سلاطین سروده و یا در مواقع مخصوص ساخته بودند اکتفا کرده اند و بندرت شرحی درباره گویندگان چنین اشعار در کتب خود آورده اند. البته نباید فراموش کرد که بعضی از کتب تاریخ درضمن وقایع زمان سلاطین نه تنها اشعار شعرای معاصر آنها را نقل کرده بلکه حتی گاهی شرح حال عده ای از آنها را در فصل علیحده ای آورده اند مانند مآثر رحیمی و منتخب التواریخ و سیر المتأخرین وغیره.

۳ ــ بعضی تذکره های عمومی اشعار شعرای متقدم و متأخر هر دوره را شامل است و با مراجعه به این تذکره ها خواننده میتواند اطلاعات مفیدی درباره سیر و تحول شعر فارسی را از قدیم تا زمان تألیف کتاب بدست آورد. این قبیل تذکره ها برای تدوین و ترتیب تاریخ شعر فارسی بسیار لازم میباشد مانند لباب الالباب و عرفات العاشقین و خلاصة الاشعار و ریاض الشعراء و مخزن الغرایب و انیس العاشقین و گل رعنا و خلاصة الافکار و امثال آن.

٤ ــ گاهی برخی از تذکره نگاران در ذیل شرح حال شعرا درضمن بیان وضع سیاسی دوره شان به بعضی وقایع مهم تاریخی نیز اشاره میکنند یا بشرح آن وقایع میپردازند که بعلل مختلف از قلم مورخین افتاده یا در کتب تاریخ با این شرح و بسط ذکر نشده است و چون آن وقایع را تذکره نگار بچشم خود دیده و در تذکره خود ثبت مینماید بنا بر این ارزش و اعتبار آن بیانات فوق العاده زیاد میباشد. مثلا اطلاعاتی که میر غلام علی آزاد در «خزانه عامره» در ذیل شرح حال بعضی از امرای معاصر آورده است یکی از مآخذ اصیل و فوق العاده مفید برای پی بردن به وضع تاریخی و سیاسی آن دوره میباشد و همچنین حزین در «تذکرة الاحوال» و واله در «ریاض الشعراء» درضمن شرح حال خود بعضی وقایع سیاسی زمان خود را بیان کرده اند که از حیث تاریخی از مآخذ اصیل و بسیار

مفیدمیباشد .

۵) بعضی تذکره‌ها درذیل شرح حال شعرا اشاره بوضع اجتماعی زمان ایشان میکنند وهمچنین بعضی ازحکایات ولطایفی که درتذکره‌ها آمده است گوشه‌ای از آداب و رسوم آن دوره را بیان میدارند وحتی بعضی نکات مجهول ومبهم اجتماعی آنعهد راروشن میسازند .

۶) بعضی از تذکره‌ها بدست ادبای نام‌آور وشعرای ماهر تالیف شده که در ضمن شرح حال یانقل اشعار برخی ازشعرا درباره مقام ادبی آنها یا اهمیت بعضی اشعارشان اظهار نظرمیکنند واین قبیل عقاید ونظریات درتعیین پایه علمی و ادبی شعرای مذکورخیلی کمك وراهنمائی میکندمثلا آرزو که یکی ازنوابغ دوره آخر تیموریان‌هند بوده‌درتذکره «مجمع النفایس» نظرهائی درباره شعرا یا اشعار آنان داده است که ازلحاظ نقد ادبی خیلی مفید وارزنده میباشد .

۷) گاهی برخی ازتذکره نگاران درضمن نقل اشعارشاعری بعضی ازاشعار شاعری‌راشرح داده‌اند ونظر باینکه بعضی ازاین نویسندگان نه‌تنها شعرمیسروده بلکه دردرك معانی ومطالب اشعار نیزدارای استعدادکافی بوده‌اند.این قبیل شرح اشعاربعضی نکات مبهم را روشن واشکالات آنرا مرتفع میسازد(مثلا رجوع شود به «خزانه‌عامره»).

۸) بعضی تذکره نگاران صاحب ذوق سرتاسردیوان بعضی شعرا راباد قت مطالعه کرده واشعارخوب آنها را انتخاب نموده و گاهی هزاران بیت این شعرا را درتذکره خود ثبت کرده‌اند بنابراین کسانیکه تنها اشعارخوب شعرا را میخواهند دیگراحتیاج به دیوان شعرا ندارند وتنها بمطالعه تذکره‌های مزبوراکتفامینمایند مانندخلاصة‌الاشعار تقی کاشی وخلاصة‌الشعرا(= میخانه‌تألیف‌محمدصوفی‌مازندرانی).

۹) غالب تذکره نویسان‌اشعاروشرح حال مفصل خودرا درتذکره‌های خود آورده‌اند درصورتیکه شرح‌حال‌مفصل‌اکثرشان‌را نمیتوان‌از کتب‌دیگر بدست‌آورد. برخی‌ازآنان‌جزوشعرای‌معروف‌زمان‌خودبوده‌وبنابراین اگرتذکره‌های آنهاامروز

بجا نمانده بود ماند تنها از اشعار و شرح حال بسیاری از شعرائی که در این تذکره‌ها ذکر شده محروم میشدیم بلکه حتی نمیتوانستیم شرح حال و نمونه آثار مفصل نویسندگان آنها را هم از جای دیگر بدست آوریم.

۱۰) بعضی از تذکره نگاران در موقع نقل اشعار و شرح حال شعرا از بعضی کتب تاریخ و تذکره و دیوان و غیره استفاده کرده‌اند که امروز از بین رفته است مانند تذکره حیات الشعراء متین کشمیری از مآخذ گل رعنا و خزانه عامره و نگارستان سخن و اختر تابان و تذکره منیر لاهوری از مآخذ صحف ابراهیم و شام غریبان از مآخذ اختر تابان و نگارستان سخن و نتایج الافکار و آفتاب عالمتاب و جواهر زواهر و خریطه جواهر و تذکره باغ ارم و تذکره (جوهر) بی‌دری و نشتر عم از مآخذ اختر تابان و امثال آن. بنابراین تذکره‌هائیکه مطالبی از این کتابها نقل و اقتباس نموده‌اند برای خوانندگان امروز که بهیچوجه دسترسی به مآخذ از میان رفته آنها ندارند دارای اهمیت و ارزش فراوان میباشد.

۱۱) عده‌ای از تذکره نویسان بر بعضی اشعار شعرا ایراد گرفته یا آنها را اصلاح نموده‌اند. اگر این ایرادات صحیح و خالی از غرض و تعصب باشد در سنجش مقام ادبی شعرای مزبور اهمیت خاصی دارد (مثلا رجوع شود به «مجمع النفایس» آرزو و «خزانه عامره» آزاد و «معدن الجواهر» مولوی محمد مهدی واصف و «گلزار اعظم» نواب اعظم).

۱۲) برخی از تذکره نگاران اشعار شعرائی را با اشعار دیگران مقایسه نموده و همچنین در موقع نقل اشعار شان اشعاری را که شعرای دیگر در همان معنی یا ردیف و قافیه سروده‌اند نیز نقل کرده‌اند (مثلا رجوع شود به خزانه عامره و سفینه خوشگوی و تکمله مقالات الشعراء و گلزار اعظم و غیره).

۱۳) در بعضی تذکره‌ها نویسندگان آن حکایات جالبی درباره شعرا و ملوك وامرا نقل کرده‌اند که غالباً در کتب تاریخ و غیره بیان نشده است. این حکایات بعضی گوشه‌های زندگی این شعرا و ملوك وامرا را روشن میسازد که درصورت نبودن این حکایات تاریك و مبهم میماند (مثلا رجوع شود به خلاصة الاشعار و تذکره حسینی و سفینه

جون درصورت نبودن فرصت و فقدان وسایل لازم نمیتواند ازعهده این کار خطیر برآید.

۳ـ نویسنده باید در ذیل شرح حال هر شاعر اطلاعات زیر را بهم رساند.

(۱) اسم و کنیه و تخلص و القاب و نسب شاعر (۲) سال و محل تولد شاعر (۳) وضع اجتماعی و سیاسی زمان او (٤) دوره تحصیلات و شاگردی و اسم استادانی که شاعر شاگرد آنها بوده (۵) تاریخچه مشاغل شاعر (٦) آثار شاعر و بحث مختصری درباره آن (۷) اسامی فرزندان و شاگردان او (۸) نظر نویسنده و دیگران درباره مقام و پایه ادبی شاعر و همچنین دلایل و مدارک در تأئید و اثبات عقیده نویسنده.

٤ـ نویسنده باید شرح حال شعرا را از مآخذ معتبر تهیه کند. بهترین و معتبرترین مأخذ برای این منظور خود صاحب ترجمه میباشد. اگر نویسنده بخود شاعر دسترس نداشته یا صاحب ترجمه قبلا فوت کرده باشد باید برای کسب اطلاعات لازم به کسان و نزدیکان و دوستان صاحب ترجمه مراجعه کرد.

درمورد شعرای گذشته شرح حالشان را باید از کتب تاریخ و تذکره معتبر اقتباس و نقل کرد و قبل از قبول هر مطلبی جهت تحقیق لازم به مآخذ معتبر رجوع کرده و درصورت اختلاف بیانات و روایات بین تذکره نویسان و مورخین باید اقوالشان را مورد تجزیه و تحقیق قرار داده قول معاصرین و دوستان و نزدیکان صاحب ترجمه را بر قول دیگران ترجیح داد.

۵ـ تذکره نگار در موقع نقادی نباید انصاف و عدالت را ازدست بدهد و از روی تعصب و گروه بندی به تعریف و تقبیح کسی بپردازد و همیشه باید محاسن واقع نگاری را در نظر داشته از مبالغه و دروغ بافی خودداری کند.

٦ـ تذکره نگار باید از «اطناب ممل و ایجاز مخل» و عبارت آرائی بی حاصل بپرهیزد و تنها مطالبی را در تذکره خود جا دهد که برای موضوع آن مفید و باارزش باشد.

۷ـ نویسنده باید سعی کند که حتی المقدور اشعار هر شاعر را شخصاً انتخاب کند

باوجود اینکه بسیاری از صاحبان ترجمه را شخصاً ملاقات کرده بود معذلک درباره زندگی آنها اطلاعات لازم را بدست نداده است (رجوع شود به بحث درباره «لباب الالباب» در این کتاب).

همچنین موهن لعل انیس مؤلف «انیس الاحبا» که تذکره استاد خود و شاگردان او را ترتیب داده است اصلا به اهمیت ذکر احوال مفصل صاحبان ترجمه توجه نکرده و حتی در ذکر شرح حال خود اطلاعات لازم درباره زندگی خود نیاورده و غالباً به شکسته نفسی بیخود و عبارت پردازی بیمعنی اکتفا کرده است.

اکثر تذکره نویسان غالباً اسم آثار شعرا را ذکر نکرده و بندرت درباره آنها بحث کرده اند. همچنین در بسیاری از تذکره های فارسی نویسندگان آن نظر خود و دیگران را درباره شعرا ذکر نکرده و غالباً به تعیین مقام و پایه ادبی علمی شعرا نپرداخته اند مثلا علاء الدوله قزوینی مؤلف «نفائس المآثر» بر گفته های هیچکس ایراد نگرفته و همین امر موجب انتقاد علیه او از طرف بداونی مؤلف «منتخب التواریخ» شده است.

٤ـ برخی از تذکره نگاران سعی کرده اند شرح حال و اشعار شعرا را از خودشان یا اقوام و خویشاوندان آنها یا منابع معتبر دیگر بدست آورند اما اکثر نویسندگان تذکره های فارسی باین نکته مهم توجه نداشته اند. از این لحاظ بهترین تذکره های فارسی «میخانه» تألیف عبدالنبی قزوینی و «سخنوران ایران در عصر حاضر» تألیف دکتر محمد اسحق میباشد که نویسندگان آن در تهیه شرح حال شعرا تلاش لازم نموده و جدیت فراوان بخرج داده و هرچه در کتاب خود درباره شعرا ذکر نموده اند بعد از تحقیق و تتبع لازم نموده اند.

همچنین آزاد بلگرامی مؤلف ید بیضا و سرو آزاد و خزانه عامره و خوشگو مؤلف سفینه خوشگوی (مخصوصاً دفتر سوم) شرح حال بعضی از شعرا را از خودشان گرفته و در مورد دیگران از منابع معتبر نقل و اقتباس نموده اند.

٥ـ همچنین کسانیکه نظر خود را درباره شعرا داده اند کمتر از روی انصاف و

واقعیت بوده است. بعضی از آنها مانند تقی اوحدی در تعریف هر کس و ناکس راه مبالغه پیموده و حتی شعرای بسیار ناچیز و بیمایه را هم بطور اغراق آمیزی ستوده اند.

غالب تذکره نویسان از دوستان خود خیلی تعریف کرده اند با وجود اینکه گاهی اکثر آنان مستحق آن نبودند مثلا رجوع شود به انیس الاحبا (و آتشکده آذر) و تذکرة المعاصرین حزین و سخنوران چشم دیده و گلزار اعظم و شمع انجمن تألیف نواب صدیق و دو تذکره دیگر تألیف فرزندان او.

برخی از نویسندگان در موقع انتقاد بر شعرا گاهی از حدود عدالت تجاوز نموده و مرتکب بی عدالتی و تعصب شده اند مثلا رجوع شود به مجمع النفایس آرزو (و آتشکده آذر) و گلزار اعظم.

باید اذعان کرد که در چنین مواقع اکثر ایرادات علیه شعرا راجع به اشتباه در استعمال بعضی اصطلاحات و غیره بوده است و همچنین در مواقع تعریف و تمجید از شعرا یا تقبیح از اینان غالباً بصحت استعمال اصطلاحات و دقت مضامین و تازگی افکار و بلندپروازی تخیل شاعر و اجتناب از تکرار مضامین دیگران و فراوانی صنایع و بدایع و تازگی ترا کیب بوده و کمتر کسی از نویسندگان تذکره های فارسی بروانی و لطافت زبان توجه داشته و از لحاظ عذوبت و فصاحت و بلاغت اشعار شعرا را مورد سنجش قرار داده است. مثلا رجوع شود به مجمع النفایس و خزانه عامره و گلزار اعظم.

البته برعکس این تذکره نگاران بندرت بعضی تذکره نویسان جنبه فصاحت و روانی زبان شاعر را هم در نظر داشته اند مانند آتشکده که مخصوصاً بر گویندگان سبك هندی بسختی و تندی تاخته و بر اشعار آنان بعلت فقدان محاسن فوق شدیداً انتقاد نموده است اما گاهی او نیز اشعار سست و کم ارزش شعرا را انتخاب نموده و سعی کرده است پایه و مقام شعر آنان را در نظر خواننده کمتر از آنچه بوده جلوه دهد.

٦ـ اکثر تذکره نویسان فارسی در موقع تعریف شعرا مخصوصاً از استادان و مربیان خود راه اطناب و عبارت پردازی پیموده اند. مثلا رجوع شود به انیس الاحبا. همچنین گاهی مطالبی را در تذکره خود آورده اند که باصل موضوع کتاب مربوط نبوده است

شعر نمیتوان آنها را جزو شعرا حساب کرد و این امر را جامعیت کتاب دانسته‌اند.
اکثر این شعرا چند شعر بیشتر سروده‌اند در آن هم از لحاظ سنجش تعریف هیچ ارزش ندارد.
مثلا رجوع شود به کتاب لباب الالباب و جواهر العجایب و عرفات العاشقین و ریاض الشعرا
و خلاصة الافکار و مخزن الغرایب و انیس العاشقین و گل رعنا و مقالات الشعراء قانع و
مجمع النفایس و شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن.

بعضی از این تذکره نگاران در ثبت اسامی و اشعار برخی از شعرای بیمایه نظری
داشته‌اند چون شعرای مزبور جزو دوستان و آشنایان و شاگردان آنها بوده و بدینوسیله
خواسته‌اند حق دوستی و شاگردی و استادی را ادا کرده باشند. مثلا رجوع شود به انیس
الاحباء و سخنوران چشم دیده.

اشکالات در راه تذکره نگاران قدیم

امروز نباید فراموش کرد که اشکالاتی هم در راه تذکره نگاران قدیم وجود
داشت و عمده اشکالات نبودن وسایل کافی رفت و آمد و مکاتبه و فقدان وسایل طبع و نشر
کتاب و نداشتن کتابخانه‌های عمومی و قلت فرصت بعلت گرفتاری نویسندگان در
مشاغل روزانه خود میباشد.

در نتیجه اختراع وسایل جدید و سریع ماشینی امروز مسافرت از یک نقطه کشور
بلکه از یک نقطه دنیا بنقطه دیگر بآسانی انجام میگیرد و وسایل مسافرت و تماس با مردم
و مراجعه بکتابخانه‌ها که جزو لوازم کار تحقیق و تتبع میباشد برای مردم امروزه جهان
(بشرط تحمل مخارج مربوطه) کاملا میسر است.

اما در قدیم مسافرت از یک نقطه به نقطه دیگر کشور هفته‌ها و گاهی ماهها طول
میکشید و نه تنها وسایل جدید و مجهز رفت و آمد در آن ایام وجود نداشت بلکه چنین
مسافرتها خطر جانی هم در برداشت و چه بسا مسافران و قافله هائی که در راه بدست
راهزنان افتاده اسیر یا کشته شدند و هیچوقت نتوانستند بمقصد خود برسند.

برعکس امروز، در قدیم کتابخانه‌های مجهز و مرتب عمومی وجود نداشت و معمولا
کتابخانه‌ها در ملکیت یکنفر امیر یا پادشاه بود و بنا براین استفاده از آن کتابخانه‌ها

غالباً برای سایرین مقدور نبود. اکثر این کتابخانه‌ها اصلا فهرست مرتبی نداشتو اگراحیاناً فهرستی هم داشت مثل امروز بچندین نسخه تهیه ودراختیار علاقمندان قرار نمیگرفت. بنابراین دیگران معمولا از ذخایر آن بی اطلاع بودند واگر اتفاقاً کسی بوسیله شخصی درباره وجود نسخه‌ای از کتاب در یکی از این کتابخانه ها اطلاع پیدا میکرد رسیدن او بدان کتابخانه ومراجعه به نسخه مطلوب کتاب مستلزم تحمل چندین نوع اشکالات وسختی ها بود .

همچنین بعلت نبودن وسایل خوب ومرتب مکاتبه وارتباط، قبل از اختراع وسایل جدید مانند پست وتلگراف وتلفن، اگر کسی کتابی یا توضیح مطلبی را از دیگری میخواست تنها راه مراجعه شخصی یا فرستادن کسی نزد آن دیگری بود.

چنانکه درسطور فوق گذشت یکی از اشکالات مهم دیگر در قدیم فقدان وسایل چاپ کتاب بود ونسخه برداری کتب تنها بادست صورت میگرفت و بهمین علت نسخه‌های هر کتاب از معدود چند تجاوز نمیکرد و بنابراین تهیه نسخه‌ای از کتابی برای مردم عادی کار بسیار مشکلی بود .

همچنین گرفتاری و مشغولیت مردم در کارهای روزانه بآنها کمتر مجال میداد که سالهائی از عمر خودرا صرف تألیف و تصنیف کتاب نمایند .

نظر باشکالات سابق الذکر و نامساعد بودن اوضاع عمومی نویسندگان درقدیم اگر کسی در تألیف و ترتیب کتابی مانند تذکره توفیق پیدا میکرد این امر خود نشانه عشق و علاقه فراوان وی به آنموضوع بوده و باید ازطرف مردم امروزی مورد تحسین و آفرین واقع شود .

انگیزه های تذکره نگاری

انگیزه‌هائیکه معمولا موجب بوجود آمدن تذکره‌های فارسی بوده است در سطور ذیل بطور خلاصه بیان میگردد.

۱) **آرزوی کسب شهرت جاوید**- اولین انگیزه ای درهر کار تخلیقی معمولا آرزوی کسب شهرت شخصی میباشد هر کس میخواهد در دنیا مشهور و معروف گردد

بودو«تذکرة المعاصرین»حزین تذکره رفقا و آشنایان مؤلف است که همه آنها شیعه بودندو مؤلف با آنها ملاقات کرده بود .

۵) تشویق پادشاهان و امراءـ گاهی نویسندگان در نتیجه تشویق پادشاهی یا امیری به تألیف کتاب پرداخته اند و یا بامید بدست آوردن انعام و اکرام از پادشاهی یا امیری دست باین کار میزده اند. بسیاری از تذکره ها بنام سلاطین و امراء تألیف شده است. امادر باره اینکه آیا نویسندگان بوسیله عنوان کتاب بنام سلاطین و امرا از آنها انعام و اکرام گرفته اند یا نه هیچ اطلاعی در دست نیست. البته بعید نیست عنوان کتاب بنام پادشاهی یا امیری موجب تشویق و تقدیر بیشتری درحق نویسنده ازطرف کسی که تذکره بنام او تألیف شده، گردیده باشد .

کتب تاریخ و تذکره از قصه های انعام و اکرام پادشاهان و امرای ایران و شبه قاره هند و پاکستان که آنها درحق طایفه شعرا و ادبا معمول داشته مشحون است. همین تشویق و قدردانی سلاطین و امرا موجب بوجود آمدن بسیاری از آثار فارسی از جمله تذکره و تاریخ میباشد. شعرا و ادبای فارسی نه تنها درمدح پادشاهان و امرای دربار آنان شعر میسروده بلکه درباره کارهای نمایان آنها و اجدادو اسلافشان کتب تاریخ تألیف و برای ذکر شعرای دربار و قصه های فیض وجود سلاطین بزرك و امرای مقتدر تذکره هائی ترتیب میداده اند. مثلا «مآثر رحیمی» نه تنها تاریخ و قایع سیاسی زمان تیموریان هند را ضبط کرده بلکه ذکر شعرائیکه ازخوان انعام و اکرام عبدالرحیم خان خانان سپه سالار معروف ادب پرور اکبرشاه مستفیض میگردیده اند بطور مفصل آورده است و «تاریخ جهانگیری» ذکر شعرای زمان اکبر و جهانگیر و «مجمع الشعرای جهانگیری» ذکر شعرائیکه درمدح جهانگیر شعر سروده اند و «طبقات شاهجهانی» ذکر شعرای زمان تیموریان و پادشاهان تیموری تا عهد شاهجهان و «اشارات بینش» و «گلدسته کرناتك» و «صبح وطن» و «گلزار اعظم» ذکر بسیاری از شعرائیکه ازخوان نعمت نواب اعظم و پدر او بهره ور میشده اند آورده است و غالب تذکره هائی که در بهوپال تألیف شده است مانند «شمع انجمن» و «نگارستان سخن» وغیره ذکر شعرا و ادبائی را نیز شامل است که ازطرف نوابان

بهوپال مورد لطف و تشویق واقع شده‌اند.

همچنین بسیاری از نویسندگان بامید تشویق و تقدیر از زحمات خود برای جلب توجه بیشتر پادشاهان و امرا آثار خود از جمله کتب تذکره را بنام آنها آراسته‌اند چنانکه «لباب الالباب» عوفی بنام عین الملک فخر الدین وزیر ناصر الدین قباچه و «جواهر العجایب» را فخری بنام ماهم دایه؛ «کرشمهٔ بزم آرای» را سید علی حسینی بنام مربی خود بنام عبدالرحیم خانخانان و «خلاصة الاشعار» را تقی کاشی اول بنام شاه طهماسب صفوی اول و سپس بنام شاه عباس بزرگ صفوی و در آخر بنام ابراهیم عادلشاه سلطان بیجاپور عنوان کرده و «خلاصة الشعرا» را عبداللطیف گجراتی بنام خواجه ابوالحسن مشهدی ملقب به لشکرخان و «مجمع الشعرای جهانگیری» را قاطعی و «عرفات العاشقین» را تقی کاشی بنام جهانگیر شاه و «خلاصة الافکار» را ابوطالب اصفهانی بنام مربی خود آصف الدوله نواب وزیر اوده و «انیس العاشقین» را رتن سنگه زخمی بنام نصیر الدین حیدر پادشاه اوده و «نتایج الافکار» را قدرت بنام نواب اعظم و «اختر تابان» را ابوالقاسم محتشم و «تذکرة الخواتین» را ملک الکتاب شیرازی بنام شاهجهان بیگم والیه بهوپال آراسته است.

مختصری درباره تربیت شعرا و ادبای فارسی از طرف پادشاهان و امرای هند

پادشاهان قدیم شبه‌قاره هند مخصوصاً سلاطین غوری و خلجی و تیموری و امرای دربارشان در ترویج و اشاعه زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین خدمات بسیار گرانبهائی را انجام داده‌اند و چون در سطور فوق صحبت از تشویق و تقدیر پادشاهان و امرای هندوستان بمیان آمده است لازم می‌داند مختصری درباره این موضوع اینجا توضیح داده شود.

الف . از ابتدای سلطنت غزنویان تا زمان تیموریان

زبان فارسی در زمان سبکتکین و محمود غزنوی وارد هند شد اما تنها در آخر زمان غزنویان چون لاهور مرکز سلطنت آنها شد پادشاهان این سلسله به سرپرستی شعرای

ج . اززمان تسلط انگلیسها تا حال

بایدتوجه داشت که قبل از تسلط انگلیس ها برشبه قاره هندوپاکستان زبان فارسی زبان درباری ورسمی وادبی آن کشور بود وحتی تامدتی بعداز تسلط انگلیس ها باوجود کوشش وجدیت آنها برای بر کندن ریشه فارسی از آن سرزمین هنوز فارسی زبان ادبی هندوستان بوده وشعرائی مانند آرزو و غالب غیر از اردو بزبان فارسی هم شعرمیسرودند وحتی دیوانهائی بزبان فارسی ترتیب داده و باشعار فارسی خود افتخار میکرده اند چنانکه غالب دهلوی میگوید :

فارسی بین تا ببینی نقش هـای رنگ رنگ
بگذر از مجموعه اردو که بیرنـگ من است

بعداز تسلط انگلیس ها در ۱۸۵۷ میلادی مطابق ۱۲۷۴ھ بتدریج زبانهای انگلیسی واردو وهندی جای فارسی را گرفتند اماتامدتی هنوزدر بعضی نواحی ایم مستقل شمع شعروادب فارسی روشن بوده است . مراکز مهم ادب فارسی دراین دوره اود ومدراس و حیدرآباد دکن وبهوپال بود که دراثر تشویق حکام این نواحی نویسندگـان فارسی کتبی بفارسی تألیف میکرده وشعرا بزم سخن آراسته گاهی بترتیب دیوانهای فارسی می پرداخته اند .

پادشاهان اود که اصلا ایرانی بودند اهل علم وادب را تشویق میکرده اند وحتی دراین زمان نیز بعضی ایرانی ها ازایران مهاجرت کرده در لکهنو توطن میجستند . ازجمله کتب فارسی که دراود دراین زمان تألیف شده است «انیس الاحبا» تألیف موهن لعل انیس و«خلاصة الافکار» تألیف ابوطالب اصفهانی است که اول الذکر تنها شعرای معاصر لکهنوونواحی آنرا ذکر مینماید واخیرالذکر بنام آصف الدوله پادشاه اود میباشد وضمناً شعرای معاصر لکهنو ومضافات آنرا ذکر میکند ازاین دو تذکره میتوان پی برد که هنوزدر لکهنوونواحی دیگر هندوستان کسانی بودند که بفارسی شعـر میسروده وباین زبان کتابهائی تألیف میکرده اند.

حیدرآباد دکن ومدراس هم دراین دوره ازمراکز مهم ادب فارسی بـوده و بسیاری ازنویسندگان وشعرای فارسی که بعضی ازآنها اصـلا ایرانی بودند درایـن

میکنند. مثلاً رجوع شود به بهارستان سخن.

۳ - اصل تذکره - این قسمت اصل تذکره میباشد ولی آن مؤلف شرح حال و نمونه اشعار شعرا را میآورد.

۴ - خاتمه - در این قسمت نویسنده گاهی ذکر بعضی شعرا مخصوصاً از معاصرین خود را که ذکرشان در اصل تذکره نیاورده باشد میآورد. مثلاً رجوع شود به بهارستان سخن و خلاصة الافکار و گاهی شرح حال و نمونه اشعار خود و ذکر بعضی از اهل خاندان خود را میآورد. مثلاً رجوع شود به مردم دیده. گاهی سال اتمام کتاب را در خاتمه ذکر نموده قطعه‌ای یا قطعاتی را در تاریخ اتمام آن از خود میآورد. مثلاً رجوع شود به میخانه و مرآت الخیال و ریاض الشعرا و منتخب الاشعار و تذکرهٔ حسینی. همچنین برخی از نویسندگان قطعه تاریخ تألیف کتاب را از دیگران نیز در خاتمه نقل میکنند مثلاً رجوع شود به شمع انجمن و صبح گلشن و نگارستان سخن و روز روشن.

تقسیم بندی فصول و ترتیب اسامی شعرا در تذکره های فارسی

(الف)- تقسیم بندی فصول

بعضی تذکره نگاران فارسی در موقع تقسیم بندی فصول در اسم گذاری عنوان این فصول دست با بتکاری زده اند. عنوان های جالبی که تذکره نگاران هندو پاکستان در تذکره ها برای فصول کتاب خود آورده اند در ذیل بیان میگردد:

نفایس المآثر مشتمل است بر «مطلع» در حمد و نعت و سبب تألیف وغیره و شرح حال و اشعار شعرا در ۲۸ «بیت» (هر بیت مخصوص برای یک حرف) و سپس یک «قطعه» راجع به تاریخ گجرات و «مقطع» در تاریخ بابر و همایون و اکبر شاه در سه «مطلب».

عرفات العاشقین ذکر شعرا را در ۲۸ «عرصه» آورده و هر عرصه مشتمل است بر سه «غرفه» بترتیب در ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر.

تذکره ندرت مشتمل است بر دو «چمن» برای شعرای قرن ۳ و ٤ و هفت

«گلشن» برای شعرای قرن ۵ تا ۱۱ ه و یك «حدیقه» در ذکر شعرای معاصر از قرن ۱۲ ه.

گلدسته مشتمل است بر ۲۸ «حرف» و هر حرف به سه رکن: «حنانی» و «منانی» و «دیانی» بترتیب در ذکر شعرای متقدم ومتوسط ومتأخر.

ریاض الشعرا ذکر شعرارا بترتیب الفبا در ۲۸ «روضه» (هر روضه برای یك حرف) آورده است.

تذکرة الشعرا (تألیف ۱۱۷۰–۱۱۸۰ ه) مشتملست بر ۳ «گلشن» برای شعرای متقدم ومتوسط ومتأخر و گلشن سوم دو «چمن» دارد در ذکر شعرای ۱) ایران و توران و ۲) هندوستان.

انیس الاحبا ذکر شعرای معاصر را در ذیل «افتتاح» و «فتح الباب» و «فصل» و «فاصله» و «اختتام» و «حسن خاتمه» آورده است

خلاصة الافکار مشتملست بر ۲۸ «حدیقه» (هر حدیقه برای یك حرف) و یك «ذیل» و یك خاتمه.

معراج الخیال ذکر شعرا را در ۲۸ «انجمن» (هر انجمن برای یك حرف) آورده است.

نغمه عندلیب مشتملست بر دو «روضه» و روضه اول مشتملست بر ۵ «بهار». بهار پنجم در ذکر شعرا و روضه دوم مشتمل بر دو «حدیقه» در موسیقی یونانی وهندی است.

حدایق الشعرا مشتملست بر ۳۰ «شجره» در القاب ملوك وشعرا و ۳۰ «دوحه» در اسامی وتاریخ ملوك وهفت «نخله» در ذکر هفت زبان محلی ایران و ۳۰ «نتیجه» در اشعار شعرا بترتیب ردیف.

هفت آسمان اصلا مشتملست بر ۷ «آسمان» (هر آسمان برای یك بحر از ۷ بحر مثنوی فارسی) اما ظاهراً مؤلف تنها یك «آسمان» را که در ذکر مثنویهای بحر سریع است تمام کرده است.

ب ـ ترتیب اسامی شعرا

تذکره‌های فارسی ترتیب اسامی شعرا بچندین طریق آورده‌اند. درتذکره‌های هندوپاکستان ترتیب اسامی شعرا بانواع ذیل آمده است:

(۱) الفبائی ـ اکثر تذکره نویسان اسامی شعرا را بترتیب الفبائی ازروی حرف اول اسم یاتخلص شاعر آورده‌اند. درتذکره‌های ذیل اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده است: نفایس المآثر وتذکره خرابات و عرفات العاشقین [1] و خزینه گنج الهی و کلمات الشعرا و همیشه بهار و سفینه بیخبر و مقالات الشعراء حیرت و یدبیضا و گلدسته [1] وریاض الشعرا ومنتخب الاشعار وتذکره حسینی ومجمع النفایس وسفینه علی حزین و سفینة الشعرا و تذکره بینظیر وباغ معانی وتذکره شاعرات ومقالات الشعراء قانع وسفینه عشرت ومردم دیده [2] و منتخب حاکم وخزانه عامره وتذکرة الشعرا (تألیف ۱۱۷۰ـ ۱۱۸۰ هـ) وگلزرعنا [2] ولب لباب وخلاصة الکلام وعقد ثریا وصحف ابراهیم و خلاصة الافکار و تذکره نوبهار ومخزن الغرایب و سفینه هندی وتذکره کاتب وریاض الوفاق ونشتر عشق وانیس العاشقین واشارات بینش وگلدسته کرناتك ومعراج الخیال وصبح وطن ونتایج الافکار وشمه عندلیب وحدایق الشعرا وگلزار اعظم وشمع انجمن ونگارستان سخن وصبح گلشن و روز روشن و اختر تابان و تذکرة الخواتین و تکمله مقالات الشعرا و حدیقه عشرت و تذکرة الشعرای غنی وسخنوران چشم دیده و سخنوران ایران درعصر حاضر.

(۲) تاریخی ـ درتذکره‌های ذیل اسامی شعرا بترتیب تاریخی یعنی ازروی سال وفات وزمانشان آمده است:

خلاصة الاشعار (غیر ازخاتمه) و خلاصة الشعرا ومیخانه و تاریخ جهانگیری

---

۱ ـ در ذیل هرحرف ترتیب تاریخی مراعات شده است.

۲ ـ در هرباب اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده است.

وطبقات شاهجهانی ومرآت الخیال وسفینهٔ خوشگوی و تذکرهٔ نصرت و بهار

سخن وسرو آزاد وهفت آسمان .

(۳)جغرافیائیـ عده‌ای ازتذکره نگاران شعرارا مطابق استان وشهری که وطن آنها بوده طبقه‌بندی‌نموده واحوال‌وآثارشاعررادرذیل وطن او ذکر کرده‌اند. درتذکره‌های ذیل ترتیب‌جغرافیائی‌مراعات گردیده‌است :

لباب‌الالباب وبزم‌آرای‌وهفت اقلیم وخلاصة‌الاشعار(خاتمه) ولطایف‌الخیال.

(۴)مذهبی ـ درمیان تذکره‌های فارسی تنها در دوتذکره طبقه‌بندی‌شعرا ازروی‌مذهب آمده است وآن گل‌رعنا وانیس‌الاحباست که در اولی درباب اول کتاب‌شعرای مسلمان ودرباب دوم شعرای هندو ذکر شده است . البته در هرباب اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده‌است.دردومی (انیس‌الاحبا)مؤلف آن درذیل عنوان افتتاح وفتح‌الباب وفصل واختتام‌ذکر شعرای مسلمان ودرذیل عنوان‌خاتمه وحسن خاتمه شعرای هندو را ذکرنموده‌است.

(۵) بعضی تذکره نگاران بندرت درترتیب اسامی شعرااصل «شرف‌المکان بالمکین » را مراعات نموده و اسامی شعرا را مطابق آن اصل آورده‌اند . در تذکره‌های مجمع الشعرای‌جهانگیری و انیس‌الاحبا اسامی شعرا بهمین ترتیب آمده است .

(۶) بعضی تذکره نگاران تقسیم بندی فصول یا ابواب فرعی را از نظر شغل‌شعرا وفضلا بعمل آورده وذکر هریك از این طایفه را در فصل جداگانه‌ای آورده‌اند مثلا رجوع‌شود به لباب‌الالباب و محك شعرا که اخیرالذکر اول ذکر پادشاه وسپس‌ذکر شاهزادگان وبعدازآن ذکر امرای‌دربار و درآخرذکر شعرا راآورده است .

(۷) درتذکره‌های‌ذیل نویسندگان‌آن‌هیچ نوع‌قاعده‌ای‌را درترتیب اسامی درنظرنگرفته‌اند: تذکرة‌المعاصرین‌حزین وتحفة‌الشعرا وخزینة‌الشعرا وریاض‌الفردوس وتذکره‌شعرای کشمیر .

تقسیم بندی تذکره های هند و پاکستان

تذکره‌های هند و پاکستان را میتوان بطریق ذیل طبقه‌بندی کرد .

اولاً : ازلحاظ عمومی و خصوصی بودن تذکره‌ها .

ثانیاً : ازلحاظ اصالت مطالب تذکره‌ها .

تقسیم بندی از لحاظ عمومی وخصوصی بودن تذکره‌ها

بعضی تذکره‌های هند وپاکستان مخصوص بزمانی یا کشوری یا ناحیه‌ای یاگروهی یانوعی ازشعر بوده‌است و برعکس تذکره‌های دیگر مخصوص بزمانی یاکشوری یاناحیه‌ای یاگروهی یانوعی ازشعر نبوده وذکر شعرای متقدم ومتأخررا شامل‌ست وحتی بعضی شعرای کم‌مایه وغیر معروف راهم ذکرنموده‌است .

اینک تذکره‌های هند و پاکستان از لحاظ تقسیمات فوق ، یعنی عمومی و خصوصی، طبقه‌بندی میگردد .

۱ـ عمومی ـ درمیان تذکره‌های هند وپاکستان تذکره‌های ذیل مخصوص بزمانی یاکشوری یاگروهی یانوعی ازشعر نبوده است: لباب‌الالباب وبزم‌آرای و هفت اقلیم وخلاصة‌الاشعار وعرفات العاشقین وخزینهٔ گنج الهی و لطایف الخیال و مرآت‌الخیال وسفینه خوشگوی ویدبیضا وتذکره ندرت و گلدسته وبهارستان‌سخن وریاض‌الشعرا و منتخب‌الاشعار و تذکره حسینی و مجمع النفائس وسفینة‌الشعرا وسفینه عشرت و خزانه عامره و تذکرة‌الشعرا (تألیف ۱۱۷۰ـ ۱۱۸۰ه) و تذکره یوسف علیخان ولب‌لباب وتذکرة‌الشعرای جام جمشید وصحف ابراهیم وخلاصة‌الافکار وتذکره نوبهار ومخزن‌الغرایب وتذکره کاتب ونشترعشق وانیس‌العاشقین ومعراج‌الخیال ونتایج‌الافکار ونغمه عندلیب وحدایق‌الشعرا وریاض‌الفردوس وشمع محفل سخن وشمع انجمن وصبح گلشن و روزروشن وتذکرة‌الشعرای‌غنی .

(۲) خصوصی ـ درمیان تذکره‌های هندوپاکستان تذکره‌های ذیل مخصوص بزمانی یا کشوری یاناحیه‌ای یا گروهی یا نوعی ازاشعار بوده است. اسامی این تذکره ازلحاظ همین تقسیمات در ذیل ذکر میگردد .

الف ـ تذکره‌های مخصوص بزمانی که آن هم مشتملست برطبقات ذیل :

۱ـ معاصرین مؤلف ـ نتایس المآثر وسخنوران چشم دیده‌وسفینه هندی و طبقات‌سخن ومحك شعراوسخنوران ایران درعصر حاضر وشعرای‌عصرپهلوی .

۲ـ متأخرین ـ تذکره‌خرابات‌ومقالات‌الشعرا وسفینه علی‌حزین وریاض‌الوفاق ونگارستان سخن .

۳ـ شعرائی که درزمان‌پادشاهان مخصوص‌میزیسته‌اند ـ «تاریخ‌جهانگیری» درذکرشعرای‌زمان اکبروجهانگیر «وطبقات‌شاهجهانی»درذکرشعرای‌زمان‌تیمور تا شاهجهان و«کلمات الشعرا» در ذکرشعرای‌زمان‌جهانگیر و شاهجهان واورنگزیب و« همیشه بهار» درذکر شعرای زمان‌جهانگیرتاجلوس محمد شاه و «سفینه بیخبر» درذکرشعرای‌زمان جهانگیرتاتألیف کتاب(۱۱٤۱ه) و«سروآزاد » در ذکرشعرای از۱۰۰۰ه تا ۱۱٦٦ه و«تذکره بینظیر»درذکرشعرای‌از ۱۱۰۰ه تا ۱۱۷۲ه و «باغ معانی » (نسخه بانکی پور) درذکرشعرای ازقرن ۹ تا ۱۱۷٤ ه و«عقد ثریا» در ذکرشعرای اززمان محمدشاه تا شاه عالم .

ب ـ تذکره‌های مخصوص به‌کشوری یا ناحیه‌ای و آن مشتمل است بر طبقات زیر :

۱ـ تذکره‌های مخصوص بکشوری : «سروآزاد»در ذکرشعرائی که ازسنه ۱۰۰۰ه تا ۱۱٦٦ه درهند متولد شدند یا بهندآمدند و « گل رعنا» درذکرشعرای هندوستان و«سخنوران‌ایران‌درعصرحاضر»و«شعرای‌عصرپهلوی»هردودرذکرشعرای معاصر ایران.

۲ـ تذکره‌ی مخصوص بناحیه‌ای : «تحفة‌الشعرا» درذکرشعرای معاصر دکن‌و«مقالات‌الشعراء»تألیف‌قانع‌درذکرشعرای سندو«ریاض‌الوفاق»درذکرشعرای معاصر کلکته وبنارس و«اشارات بینش»و« گلدسته کرناتك» در ذکرشعرای‌متاخر کرناتك و«صبح وطن» درذکرشعرای‌مدراس«و گلزاراعظم» درذکرشعرای متاخر کرناتك‌و«تکمله مقالات الشعرا» درذکرشعرای‌متأخرسند.وشعرای پارسی زبان کشمیر درذکر شعرای کشمیر

تقسیم بندی ازلحاظ اصالت مطالب

الف ـ تذکره‌های اصیل ـ تذکره نگاران کتب ذیل تقریباً تمام مطالب خودرا ازخود نوشته وازتذکره‌های دیگر نقل واقتباس نکرده‌اند :

لباب الالباب وجواهر العجایب ونفایس المآثر ومیخانه وکلمات الشعرا وخلاصة الاشعار (خاتمه) وتذکره خرابات وتاریخ جهانگیری ومجمع الشعرای جهانگیری وتذکرة المعاصرین حزین وسفینه علی حزین وتحفة الشعرا ومنتخب جاکمپرانیس ـ الاحبا وسفینه هندی ورياض الرفاق واشارات بینش وگلدسته کرناتك ومعظم شعرا وصبح وطن ونگارستان سخن وسخنوران چشم دیده وشعرای عصر پهلوی وسخنوران ایران درعصر حاضر .

ب ـ تذکره‌های غیر اصیل ـ تذکره‌هائیکه نویسندگان آن مطالب خودرا از جای دیگر نقل کرده‌اند وان مشتملست برطبقات زیر :

۱ ـ تذکره‌هائی که نویسندگان آن تقریباً تمام مطالب را از تذکره‌های دیگر نقل کرده اند : بزم آرای وخلاصة الاشعار (غیر ازخاتمه و انتخاب اشعار) و خلاصة الشعرا (غیر ازاشعار که مؤلف بتخانه محمد صوفی مازندرانی انتخاب کرده است) وگلدسته ومجموعه عشق ولب لباب (خلاصه ریاض الشعرا) وحدیقه عشرت و تذکرة الشعرای غنی وتذکره شعرای کشمیر .

۲ ـ تذکره‌هائی که نویسندگان آن اکثر مطالب را ازخود نوشته وبعضی مطالب راازتذکره‌های دیگر نقل کرده‌اند : سفینه بیخبر وتذکرۀ بینظیر و گلزار اعظم .

۳ ـ تذکره‌هائیکه در آن اکثر مطالب ازتذکره‌های دیگر نقل شده و بعضی مطالب را نویسنده خود اضافه کرده‌است : روضة السلاطین وهفت اقلیم وخزینه گنج الهی ولطایف الخیال وهمیشه بهار ومقالات الشعرای حیرت و سفینه خوشگوی و ید بیضا وتذکره ندرت وبهارستان سخن ورياض الشعرا ومنتخب الاشعار وتذکره حسینی و مجمع النفائس وسفینه الشعرا وباغ معانی وتذکره شاعرات ومقالات الشعرا وسفینه عشرت ومردم دیده وتذکرة الشعرا (۱۱۷۰ـ۱۱۸۰ه) وگل رعنا وشام غریبان وتذکره یوسف علیخان وخلاصة الکلام وهفت آسمان .

٤ــ تذکره‌هائی که نویسندگان آن بعضی مطالب را ازجای دیگر نقل کرده وبعضی دیگر را ازخود آورده‌اند : عرفات العاشقین وطبقات شاهجهانی ومرآت الخیال، سرو آزاد و خزانه عامره .

سبك انشای تذکره‌های فارسی درشبه‌قاره هند وپاکستان

ازلحاظ سبك انشاء تذکره‌های فارسی را که در شبه‌قاره هند وپاکستان تألیف شده‌است میتوان به‌پنج قسمت ذیل تقسیم نمود :

١ــ تذکره‌هائی که بسبك مصنوع تألیف‌شده است ــ دراین تذکره‌ها معمولاً سجع وجناس واستعاره وتشبیه ومراعاة‌النظیر وبعضی صنایع وبدایع دیگر بکار رفته است . اولین تذکره که باین سبك نوشته شده است لباب الالباب عوفی [١] است که اتفاقاً اولین تذکره فارسی هم میباشد وبعدازآن تذکره برم آرای [١] است که مؤلف آن اکثر مطالب را عیناً ازلباب‌الالباب نقل کرده است وبنابراین کاملاً تحت نفوذ سبك انشای عوفی در لباب‌الالباب قرار گرفته وکتاب خود را بسبك انشای همان کتاب عوفی تألیف نموده‌است. همچنین شمع انجمن ونگارستان سخن وصبح گلشن وروز روشن واختر تابان وتذکرة‌الخواتین و حدیقه عشرت [١] بهمین سبك مصنوع تألیف‌شده است .

٢ــ تذکره‌هائی که غالباً بسبك وانشای مصنوع تألیف شده است ــ اولین تذکره‌ای که باین سبك نوشته شده جواهرالعجایب فخری هروی است [١] . سپس انیس‌الاحبا ومحك شعرا و معراج‌الخیال [١] نیز بهمین سبك تألیف‌شده است .

٣ــ تذکره‌هائی که بنثرمشکل تألیف شده‌است ودرآن کلمات عربی بفراوانی بکاررفته است مانند مجمع‌النفایس ومقالات‌الشعراء قانع وعقدثریا [١] .

٤ــ تذکره‌هائی که غالباً بسبك انشای ساده نوشته شده است اما درمقدمه و خاتمه ودر موقع تعریف‌شعرا ودربعضی‌موارد دیگر نویسندگان آن بسبك مصنوع پرداخته اند مانند خلاصة‌الاشعار و عرفات العاشقین و لطایف الخیال و مرآت ــ

١ــ رجوع شود به‌بحث درباره این تذکره‌ها دراین‌کتاب .

الخیال و تذکرة المعاصرین وسرو آزاد وخزانه عامره و نشتر عشق وصبح وطن و گلزار اعظم وغیره [۱] .

در بعضی از این تذکره‌ها برای عبارت «فوت شده» و «وفات» اشعار او جمله‌های مصنوع آمده است مثلا رجوع شود به سرو آزاد و تذکره بی‌نظیر و خزانه عامره و صبح وطن و گلزار اعظم [۱] .

همچنین نویسندگان این تذکره‌ها گاهی القاب توصیفی شعرا را بنثر مسجع آورده و گاهی بمناسبت اسم و تخلص اجناس بکار برده‌اند مثلا رجوع شود به عرفات العاشقین و انیس الاحباء و گلزار اعظم [۱] .

۵ـ تذکره‌هائی که بسبک انشای ساده تألیف شده و هیچ نوع صنعت لفظی و معنوی در آنها بکار نرفته است مانند هفت آسمان و تذکرة الشعرای غنی و سخنوران ایران در عصر حاضر و شعرای عصر پهلوی و تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر و تذکره شعرای فارسی زبان پیشاور [۱] .

ورود کلمات اردو و هندی به نثر فارسی

در تذکره‌های فارسی هندوستان از زمان اورنگزیب به بعد کلمات اردو و هندی بچشم میخورد و علت اساسی آن تألیف این تذکره‌ها بدست کسانی است که اصلا هندی بودند و زبان مادری آنان غالباً اردو یا هندی بوده و بنابراین در موقع نوشتن فارسی گاهی کلمات زبان خود را طی آثارشان بکار میبرده‌اند .

باید توجه داشت که از ابتدای دوره اسلام تا زمان شاهجهان (یعنی از زمان محمود غزنوی تا ۱۰٦۸هـ) درمیان پانزده تذکره فارسی که در شبه قاره هندوستان تألیف شده است تنها دو تذکره را نویسندگان هندی الاصل نوشته و بقیه تمام تذکره‌ها را نویسندگان ایرانی که بهند مهاجرت کرده تألیف نموده‌اند. همچنین نویسندگان هندی الاصل در دوره مذکور بر زبان فارسی تسلط کامل داشتند و بنابراین در موقع نوشتن آن زبان هیچوقت احتیاج باستعمال واژه‌های زبان خود نداشته‌اند .

۱ـ رجوع شود به بحث درباره این تذکره‌ها در این کتاب.

فصل اول

قبل از تیموریان هند

از ابتدای سلطنت مسلمانها درهند تا تأسیس
حکومت بابریان در ۹۳۲ه

(۵۱۱ - ۵۴۸ه) ازدست سیف الدین غوری شکست خورد ومنهزم گشت مدتی بهندوستان
پناهنده شدو بعداز آن دوباره چون ازدست علاءالدین غوری شکست خورد بهند گریخت.
امادوباره بغزنین مراجعت کرد . طولی نکشید که ترکان غز در ۵۵۵ ه غزنی را از
خسروشاه بن بهرامشاه غزنوی (۵۴۸ - ۵۵۵ ه) گرفتند وخسروشاه بهند گریخت.
از آن تاریخ ببعد سلاطین غزنوی که خسروملک بن خسروشاه (۵۵۵ - ۵۸۲ه) آخرین
پادشاه این سلسله بود منحصرا بر (قسمت شمال غربی) هندوستان سلطنت کردند و
غزنی وقسمتهای دیگر سلطنت خودرا برای همیشه ازدست دادند .

سلطنت غزنویان لاهور راه برای معزالدین (شهاب الدین) محمدبن سام غوری
(۵۶۹ - ۶۰۱ه) وجانشینان وی که بسلاطین دهلی معروفند برای تصرف تمام شمال
هندوانتشار اسلام در آن نواحی بازنمود . در ۵۸۲ ه سلسله غزنویان ازهندوستان
نیز بدست معزالدین محمدغوری برچیده شد وسراسر هند شمالی تحت تسلط غوریان
درآمد . بعدازفوت معزالدین غلام وی قطب الدین ایبك ازطرف سلطان غیاث الدین
محمودغوری (۶۰۲-۶۰۷ ه) بحکومت هندوستان منصوب شد وتاسال ۶۰۷ه حکومت
کردو بعدازوی غلام او سلطان شمس الدین التتمش (۶۰۷-۶۳۳ه) بر هندوستان حکومت
کرد . وی رقیب خود ناصرالدین قباچه حاکم سند را در ۶۲۵ ه شکست داد و
قباچه خودرا در رود سند انداخت وجان داد ودر نتیجه تمام مال ومملکت او بتصرف
التتمش درآمد .

بالاخره جلال الدین فیروزخلجی، آخرین پادشاه سه ساله خاندان غلامان
راشمسیه رادر ۶۸۹ه ازتخت معزول کرده خودش را سلطان هند (۶۸۹ - ۶۹۶ه)
اعلام کرد وبدین ترتیب بنیان سلطنت خاندان خلجی را درهند نهاد .

درمیان خاندانهائی که بعدازخلجیان (۶۸۹ - ۷۲۰ ه) برهندوستان حکومت
کردند تغلقیه (۷۲۰ - ۸۱۷ه) وسادات خضرخان ومبارك شاه وغیره (۸۱۷-۸۵۵ ه)
ولودیان (۸۵۵-۹۳۰ه) برقسمت اعظم هندوستان فرمانروائی کرده اند. همچنین در
همین ایام بعضی سلسله‌های مستقل دیگر مانند سلاطین بنگاله و شرقی جونپور و

امرای او آنها را سرپرستی کردند چنانکه عوفی جوامع الحکایات خود را (که بفرمایش قباچه شروع کرده بود) بنام نظام الملک قوام الدین محمد جنیدی وزیر التتمش بپایان رسانید و بنام وی عنوان کرد.

درمیان خلجیان معروف ترین پادشاه ادب پرور سلطان علاء الدین خلجی (٦٩٦–٧٦٥ه) بود که ندام مصاحبین وی اهل فضل و هنر و ادب بودند[1] و شعرائی مانند امیر خسرو و حسن دهلوی از شعرای دربار او بودند.

از زمان سلسله تغلق ببعد بعلت هرج و مرج سیاسی و جنگ های داخلی کمتر کسی به شعر و ادب توجه نموده است و بهمین علت ما از وجود کسی از نویسندگان یا شاعران معروف سراغ نداریم که در این عهد زیسته باشند و تنها امیر خسرو در اوایل حکومت تغلق بدربار آنها مربوط بود.

نقش صوفیه در تبلیغ اسلام و ترویج فارسی در هند

باید اذعان کرد که صوفیه در تبلیغ اسلام و ترویج و اشاعه فارسی در سرزمین هندوستان سهم بسیار بزرگ دارند چون آنها از نزدیک با مردم آن کشور تماس داشته و به تبلیغ دین می پرداختند. پیروان آنها به نقاط مختلف هندوستان مسافرت کرده و پیغام اسلام را بمردم میرساندند و گاهی غیر از تقریر بتألیف کتاب هائی بفارسی نیز می پرداخته اند. صوفیان معروف که در این دوره در هندوستان می زیسته اند بقرار زیر می باشند: ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی مؤلف «کشف المحجوب» متوفی بعد از ٤٢٥ه و خواجه معین الدین چشتی متوفی ٦٣٣ه و شیخ بهاء الدین ذکریای ملتانی متوفی ٦٦٧ه و شیخ فریدالدین گنج شکر متوفی ٦٦٤ ه و قاضی حمید الدین ناگوری متوفی ٦٩٥ ه و شیخ ابوعلی قلندر (شیخ شرف الدین پانی پتی) متوفی ٧٢٥ه و شیخ نظام الدین اولیاء دهلوی متوفی ٧٢٥ ه و شیخ نصیر الدین چراغ دهلی متوفی ٧٥٧ه

١– برای اسامی فضلا و هنرمندانی که بدربار علاء الدین مربوط بودند رجوع شود به تاریخ فرشته ص ٩٠ و شعر العجم جلد دوم در ذیل امیر خسرو دهلوی.

استازصنایع‌وبدایع مختلف‌مشحون و ازقوافی وردایف مشکل و تراکیب غریب مملو است .

سبك انشای تذکره نگاران این دوره

سبك‌انشاء عوفی‌مؤلف‌لباب‌الالباب (که‌تنها تذکره‌ایست که در این دوره درشبه‌قاره‌هندوپاکستان‌تألیف‌شده‌است) دراین تذکره‌بسیارمصنوع است‌وغالباً در آوردن‌صنایع وبدایع‌بسیارسعی‌وجدیت نموده و برعکس جوامع‌الحکایات(اثر دیگر خود) این‌تذکره‌را باصطلاح‌بنثر فنی‌نوشته است. عوفی‌دراکثرموارد دراین کتاب بجای آوردن‌مطالب واطلاعات‌مفیدراجع به‌زندگانی‌شعرا توجه بخصوص بافراط دراستعمال‌کلمات‌وتراکیب‌مشکل‌عربی‌وصنایع‌وبدایع‌لفظی‌ومعنوی‌مخصوصاً‌استعارات وتشبیهات وتسجیعات وتجنیسات وغیره داشته‌وحتی‌المقدورسعی‌نموده هر چه بیشتر صنایع‌رادر نثرخودبکاربرد ویکی ازعلل‌مهم‌فقدان‌اطلاعات مفصل و مفیدی درباره زندگانی‌شعرادر لباب‌الالباب همین سبك‌عوفی است واین سبك نه‌تنها توجه وی را به‌سوی‌عبارت‌پردازی‌وصنعت‌گری‌معطوف کرده‌بلکه ازآوردن شرح‌حال‌مفصل این شعرا باز داشته است .

☆☆☆

اکنون درباره لباب الالباب که‌تنها تذکره‌ایست که‌دراین دوره‌در شبه قاره هندوپاکستان تألیف‌شده‌است، بتفصیل بحث می کنیم .

مؤلف ازاولاد عبدالرحمن بن‌عوف ازمشاهیر صحابه‌رسول‌است وبهمین‌جهت
شهرت وی عوفی بوده است. جدمؤلف قاضی امام شرف‌الدین سید المحدثین
ابوطاهر یحیی بن‌طاهر بن‌عثمان‌العوفی‌از مشاهیر علمای‌ماوراء النهر و«در علم حدیث
ومعرفت انساب عرب واسامی رجال‌وجرح‌وتعدیل‌مشار الیه‌بالبنان» بوده‌است .

درمورد لقب عوفی درمیان نویسندگان اختلاف‌رأی‌بوده‌است وبعضی‌از آنها
لقب‌اورا «سدیدالدین»[1] وبعضی دیگر «نورالدین»[2] وبندرت «جمال‌الدین»[3] نوشته‌اند
امانظر بدلایلی که آقای دکتر نظام‌الدین درمقدمه جوامع‌الحکایات[4] و چنانکه
آقای‌دکترمعین درمقدمه «جوامع‌الحکایات» (بخش‌اول)[5] ذکر نموده‌اند این امر

۱ــ ر .ك. مقدمه جوامع الحکایات تألیف سدیدالدین محمد العوفی‌از محمدنظام‌الدین چاپ لندن ۱۹۲۹ میلادی ص ٤۳ ومقدمه جوامع الحکایات (بخش اول) چاپ دانشگاه‌تهران ۱۳۳۵ ش بتصحیح واهتمام آقای دکترمحمدمعین ص ۲ــ۵ .

۲ــ ر .ك. مقدمه منتخب جوامع‌الحکایات ، چاپ فرهنگ ۱۳۲٤ش صفحه ب و مقدمه لباب جلداول چاپ لیدن باهتمام وتصحیح محمد قزوینی ج ۱ ص یب . مرحوم علامه محمد قزوینی درحاشیه مقدمه کتاب مذکور بعنوان‌مآخذ بکتب‌ذیل استنادکرده‌است:
تاریخ‌گزیده‌تألیف سال ۷۳۰ ه وتاریخ نگارستان تألیف سال ۹۵۷ه وتاریخ جهان‌آرا تألیف سال ۹۷۲ ه (که هردوازمؤلفات قاضی‌احمد غفاری‌است) وحبیب‌السیر تألیف سال ۹۳۰ه جزوچهارم ج۲ وتاریخ فرشته‌تألیف سال ۱۰۱۵ه .

۳ ــ ر . ك تاریخ مرآة الادوار تألیف مصلح الدین محمداللاری بسال ۹۷٤ ه و (کشف الظنون) حاجی‌خلیفه ج ۲ ص ۵۱۰ ومقدمه لباب‌الالباب چاپ لیدن‌باهتمام محمد محمد قزوینی ج۲ (ص۲۰) .

٤ــ ر .ك. حاشیه ۱ فوق

۵ــ ایضاً .

تقریبا ثابت‌شده‌است که‌لقب‌عوفی«سدیدالدین»بوده‌ولاغیر [۱].

خال عوفی سیدالحکماء ملك الاطباء شرف الزمان مجدالدین محمد ضیاء‌الدین عدنان سرخکتی [۲] درسلك خدمت‌سلطان‌قلج طمغاج خان‌ابراهیم‌بن‌حسین ماقبل‌آخرین ملوك خانیه ما وراء النهر [۳] منخرط‌وازاطباء خاص او بوده‌است .

---

۱ عوفی درباب یازدهم لباب ج۲درذیل‌سعدالدین‌مسعود دولتیارمینویسد:
«وقتی از دیندار من‌داعی‌قطعه فرستاد :

قطعه

بصانعی که تصاویر کائنات حدوث — ز کلك صنع بیك قطره آب میبندد
چونعل مه را در آتش شفق انداخت — سپهر را بخط حکم خواب میبندد
کمال عزت او ار جلال استغنا — کسوف وحشت بر آفتاب میبندد
که‌دست فرقت برای جمال دولت‌ودین — مرا بهر مژه‌ای در ناب میبندد »

مرحوم علامه قزوینی درمقدمه لباب‌الالباب جلد ۲ص ۲۰ مینویسد : « دراین قطعه که شاعری معاصر عوفی درباره او گفته‌است لقب‌اورا جمال‌الدین (جمال‌دولت‌ودین)آورده است... پس‌لقب او حتماً «جمال‌الدین» بوده‌است نه «نورالدین » یا «سدیدالدین».

اما اولا معلوم نیست‌که قطعه فوق‌را شاعرمذکوردرباره عوفی گفته‌باشدوثانیاً اگراین قطعه درباره عوفی باشد وبنابراین مسلم شودکه لقب وی «جمال‌الدین» بوده‌احتمال‌دیگر این‌است که‌وی‌دولقب‌داشته‌است: «جمال‌الدین» و«سدیدالدین » چون دراینکه لقب اوسدید الدین بوده هیچ شك وتردیدی نیست‌چنانکه‌درخودزمان اودرچهار موردلقب‌اوسدیدالدین آمده‌است (ر.ك. مقدمه جوامع‌الحکایات- بخش‌اول- باهتمام آقای دکتر معین‌و مقدمه جوامع الحکایات چاپ لندن باهتمام محمد نظام‌الدین) واگر بازمسلم شود که‌وی لقب جمال‌الدین هم داشته است لاجرم باین نتیجه میرسیم که او این هردو لقب‌را داشته است.

۲- برای‌ترجمه حال‌او ر.ك. لباب‌چاپ‌لیدن ج۱ص۴۲و۳۰۰-۳۰۱ .

۳- برای ترجمه حال‌او ر.ك. لباب‌الالباب چاپ‌لیدن ج۱ص۴۲و۳۰۰-۳۰۱

تاریخ ملوك ترکستان (خانیه) [1] بنام قلج طمغاج خان مذکور و کتا.
درخواص اشیاء که قطعه‌ای از هر کدام را عوفی درجوامع الحکایات نقل کرده است
تألیفات اوست .

عوفی در بخارا متولد گشته چنانکه درجوامع الحکایات [2] خودرا محمدبن محمد
عوفی بخاری می‌خواند اماسال تولدوی معلوم نیست [3] دوره اول تحصیلات خودرا در وطن
خود باتمام رسانید وسپس درطلب علم وملاقات مشایخ از آنجاسفر کرد و غالب بلا
ماوراءالنهر وخراسان و بعضی از بلادهندوستان را ازقبیل سمرقند و آموی وخوارزم
مرو ونیشابور وهرات واسفزا رواسفراین وشهرنو وسجستان وفره وغزنین ولاهور و
کنبایت و نهرواله و بهکر و دهلی بقدم سیاحت پیموده و بخدمت فضلای هرسرزمین رسیده
وازبسیاری ازایشان اجازه روایت احادیث حاصل نموده است ودرضمن همواره بشغل
ذکر و وعظ قیام نموده است و بدین وسیله بخدمت ملوك وامرای وقت تقرب جسته و از
فواید دنیاوی شان محظوظ و برخوردار میگردیده است.

علماء ومشایخی که عوفی خدمتشان رسیده واقتباس فواید ازایشان نموده جمعی

۱ــ صاحب فهرست کتابخانه لیدن ج۳ص۹ خطای‌نامه تألیف سید علی اکبر ملقب به
خطائی راکه‌وی بنام سلطان سلیم خان (۹۱۸ــ۹۲۶) تألیف کرده است بتاریخ ملوك ترکستان
اشتباه کــرده است وآن سهو واضح است .

۲ ــ ر.ك. نسخه‌ش 4392 صفحه 87a

۳ ــ دراین خصوص می‌توان بقراین داخلی وخارجی حدودتقریبی را تثبیت نمود . در
سال ۵۹۷ه موقعی که عوفی ازوطن خود بخارا بسمرقند می‌رود ما اورا مردی نیرومند وفاضلی
کامل می‌یابیم وطبیعی است که پس ازتحصیلات طولانی خوددربخارا می‌بایست بسن ۲۵- ۳۰
سالگی رسیده باشد وبنابراین می‌توان تولدوی را بین سال‌های ۵۶۷و۵۷۲ه دانست (ر.ك.
مقدمه جوامع الحکایات چاپ دانشگاه تهران مصحح آقای دکترمعین(ص ۹-۸).

گذرید . ازمشاهیر آنها امام برهان الاسلام تاج الدین عمر بن مسعود بن احمد[۱] ازمعاریف آل برهان است[۲] که عوفی بعضی تحصیلات ابتدائی خودرا نزد وی در بخارا نموده است ودیگر امام رکن الدوله مسعود بن محمد امامزاده از کبار علمای ماوراء ــ النهر است که عوفی در بخارا در خدمت او تلمذ نموده وی در ۶۱۷هـ در وقت فتح بخارا بدست مغول کشته شد وهمچنین شیخ مجدالدین شرف بن المؤید البغدادی عارف مشهور واز کبار تلامذه شیخ نجم الدین کبری که بین ۶۰۶ــ۶۱۶هـ شهید شد و عوفی در خوارزم بحدمت وی رسیده و بعضی از اشعار وی را بلاواسطه از او شنیده است و مولانا قطب الدین سرخکتی که عوفی نزد او تحصیل کرده است[۳].

ظاهراً بعد از تحصیلات در بخارا اولین سفری که عوفی بسال ۵۹۷هـ بخارج نموده در طلب روزی و معاش به سمرقند بوده و ظاهراً با کمک و توصیه خال خود مجدالدین

---

۱ ــ ر.ک. لباب الالباب چاپ لیدن ج ۱ ص ۲۱۱ .

۲ ــ برای شرح حال او ر.ک. لباب الالباب چاپ لیدن ج ۱ ص ۱۷۴ــ ۱۶۹ و ۳۳۵ و ۳۲۶ .

۳ ــ آل برهان که ایشان را بنی مازه نیز گویند از خانواده های جلیل الشان وشریف بوده اند و در بخارا ریاست شعبه حنفیه که مذهب عامه ماوراءالنهر بوده پشت در پشت بعهده ایشان بوده است و در اواخر دولت قراختائیان در ماوراءالنهر ایشان از جمله ملوك بخارا محسوب می شدند و بقراختا باج می گذاردند . این خاندان تا زمان سلطنت اولجایتو (۷۰۳ــ۷۱۶ هـ) برجای و به ریاست حنفیه باقی بوده است و بعد از آن از حال آنها اطلاعی در دست نیست (ر. ک. لباب الالباب مصحح استاد سعید نفیسی ص ۵۹۵ که آنجا ایشان این عبارت را از تعلیقات علامه قزوینی نقل کرده اند).

محمدبن عدنان که از خواص ملازمان پادشاه‌قلج طمغاج خان‌ابراهیم[۱] بوده به خدمت پسر آن پادشاه قلج ارسلان خاقان نصرة الدین عثمان بن ابراهیم مشهور به‌سلطان السلاطین[۲] که در آنوقت ولیعهدبوده تقرب جسته متصدی‌دیوان انشای‌این‌شاهزاده‌شده‌و گاهی باوی‌محاضراتی نیزداشته‌است[۳].

مدت اقامت عوفی در دربار سلطان نصرةالدین‌عثمان چندان طولی‌نکشید و وی‌بزودی‌درحدود ۶۰۰ه ازماوراءالنهر به‌بلادخراسان هجرت نمود چنانکه در ۶۰۰ هجری وی در نسابود وسپس چندین‌سال در بلاد مختلف خراسان وسیستان وخوارزم سفر کرده وازفواید ادبی‌ومادی‌علمای آن بلاد بهره‌مند گردیده است در ۶۰۳ ه

---

۱ ـ جلال‌الدین‌قلج‌طمغاج‌خان ابراهیم بن‌حسین‌ماقبل‌آخرین‌ملوك خانیه‌ماوراء النهر است ایشان‌راخاقانیه وایلك‌خانیه وآل‌افراسیاب نیزمی‌گویندومدت‌سلطنت‌ایشان در ماوراءالنهر بعداز سامانیه وقبل‌ازمغول قریب‌دویست‌وسی‌سال است از حدود ۳۸۰ ه تا ۶۰۹ه که‌بدست سلطان علاءالدین‌محمد خوارزمشاه منقرض‌شدند واکنون‌هیچ‌تاریخ‌مستقلی درباره این‌سلسله‌موجودنیست ودرهیچ تاریخی ذکری‌ازاین‌قلج‌طمغاج خان‌ابراهیم‌نیامده است . وفات‌وی‌درحدود ۶۰۰هجری‌بوده است . «سندبادنامه»تالیف محمدبن‌علی‌الظهیری السمرقندی (که‌نسخه‌ای ازآن‌در موزه بریتانیاموجود است ر.ك. ریوص۷۴۸ ونیز باهتمام وتصحیح آقای‌احمدآتش‌در استانبول‌درچاپخانه وزارت‌فرهنك ترکیه در ۱۹۴۸م به طبع رسیده‌است) وهمچنین‌تاریخ ملوك خانیه تألیف مجدالدین محمدبن عدنان سرخکتی خال عوفی که‌قطعه‌ای ازآن‌را عوفی درجوامع‌الحکایات نقل‌کرده است وظاهراًازمیان‌رفته به‌نام این‌پادشاه است.(ر.ك. لباب‌الالباب مصحح‌استادسعید نفیسی‌ص ۵۷۱و۵۷۲ـ۵۷۲ومقدمه‌آن کتاب‌صفحه بیست ویك وبیست‌ودو).

۲ـ آخرین‌ملوك خانیه ماوراء النهر است وجلوس وی در حدود سال ۶۰۰ هجری بوده ودر۶۰۹ه سلطان محمدخوارزمشاه اورا بانزدیکانش کشت وخانیه‌رادرماوراءالنهر منقرض نمود . (ر.ك. لباب مصحح استادنفیسی حاشیه صفحه بیست‌وسه).

۳ـ مثلا ر.ك. لباب الباب چاپ‌لیدن‌ج۱ص۴۴ـ۴۵ وجوامع الحکایات‌نسخه‌موزه بریتانیا ش Add .16862 صفحه‌378a ومقدمه جوامع‌الحکایات مصحح دکتر معین ص۱۷ـ۱۸ که آنجا بعضی از محاضرات عوفی‌بااین‌شاهزاده ذکرشده‌است .

در نیشابور بوعظ وتذکیر مشغول شده در ۶۰۷ھ در اسفزار بود.

عوفی در لباب الالباب در ذیل ترجمه حال علاء الملک بهاء الدین ابوبکر احمد الجامعی میگوید: «در آن وقت که مؤلف این مجموعه در اسفزار بخدمت او رسید داعی را کمال تربیت او پایمردی کرد تا در خدمت او بماند. وقتی در خلوت میفرمود که مرا پیوسته آرزو آن بود که ائمه ماوراء النهر و خراسان را ببینم و مجلس وعظ ایشانرا استماع کنم تا اتفاق سفر خطا افتاد و در بلاد ساغون رفتم ......»

مقصود جامجی اینجا سفری است که در رکاب سلطان محمد خوارزمشاه باخطا کرده ما بین خوارزمشاه وتاینگو سردار قراخطا در طراز جنگی عظیم واقع شد و تاینگو شکست خورده اسیر گردید [1] وچون این جنگ بسال ۶۰۷ھ اتفاق افتاد پس واضح است که اقامت عوفی در اسفزار در خدمت ضیاء الدین ابوبکر جامجی ناگزیر بعد از سال مذکور بوده است [2]

در اثناء مسافرت اسفزار راهزنان «اسباب وامتعه» عوفی را بغارت بردند و وی پیاده و بی برگ ماند. بروایت عوفی چون وی بشهر نو که ما بین استرآباد و خوارزم بود رسید وخواست بخدمت نصرة الدین کبودجامه [3] رسد ممکن نشد چون شب و

۱ـ رک. وتعلیقات لباب الالباب چاپ لیدن ج ۱ ص ۳۲۱-۳۲۲.

۲ـ رک مقدمه لباب چاپ لیدن ج ۱ ص «یز» الی «یح».

۳ـ کبودجامه نام حشمی است که در میانه استرآباد و خوارزم می نشسته اند وشهری داشته اند موسوم به شهر نو. نصرة الدین پادشاه آن طایفه بود که بدست سلطان علاء الدین محمد خوارزمشاه (در حدود ۶۰۰ھ) کشته شد ولهذا برادرزاده وی رکن الدین کبودجامه در وقت خروج مغول بکین عم خویش بدیشان پیوست ووقتیکه علاء الدین محمد خوارزمشاه از مقابل لشکر مغول فرار کرد وبالاخره در قریه ای در کنار بحر خزر پناه جسته بود رکن الدین مذکور باجماعتی از مغول ناگهان برسر او تاختند اما سلطان فوراً در کشتی نشسته فرار نمود وایشان کشتی اورا تیرباران نمودند ولی بخود او نرسیدند. (رجوع شود به سیرت جلال الدین منکبرنی تألیف نسوی ص ۴۶) نصرة الدین شعر هم میگفته است (رک لباب چاپ لیدن ج ۱ ص ۲-۵۱).

درباره خاندان کبودجامه نیز رجوع شود به «تاریخ کبودجامگان» نوشته طاهری شهاب در سالنامه کشور ایران سال دهم ۱۳۳۵ ش.

روز نصرةالدین مزبور «بمغازله ملاح ومعاقره اقداح راح» میگذشت عوفی این رباعی رابخدمت وی فرستاد:

ای شاه ببذل بحروکانی دگری [۱] — درقالب ملك وعدل جانی دگری

زان روی کبودجامه میخوانندت — کز رفعت وقدر آسمانی دگری

چون نصرالدین این رباعی راخواند بسیار تحسین نمود و پیغام فرستاد که فرصت استماع وعظ وتذکیر ندارم . ملتمس چیست. عوفی درجواب این بیت رافرستاد:

هرچند که بربساط شطرنج هنر — امروز شهم، پیاده می باید رفت

نصرةالدین اسبی باساز و یراق نزدعوفی فرستاد و وی از آنجا سوارشده پی کار خودرفت [۲] .

عوفی تابعداز ٦٠٧ھ دربلاد خراسان بوده وبعد از آن ظاهراً در اوایل انتشار خروج مغول قبل از ٦١٧ھ خودرا ببلاد سند انداخت وبخدمت ناصرالدین قباچه [۳]

۱ــ آقای دکتر معین درمقدمه جوامع الحکایات چاپ دانشگاه تهران مصراع اول این رباعی رادر ص۱۹ بهمین شکل و پس در ص۳۳ بدین شکل آورده اند: «ای شاه بلطف بذل کان دگری» ودرمصرع دوم وچهارم بجای «جان دگری» و«آسمانی دگری» جان دگری و آسمان دگری نوشته اند.

۲ــ رك لباب الالباب چاپ لیدن ج۱ ص۱۰.

۳ــ ناصرالدین قباچه (متوفی ٦٢٥ھ) ازممالیك سلطان شهاب الدین غوری پادشاه ملی بودوقباچه مذکور ازسال ٦٠٢ھ دربلاد سند وملتان سلطنت کرد . وی یکی از «اجواد وانجاد» عالم بوده است ودر فتنه مغول بسیاری از اکابر واشراف خراسان وغور وغزنه بخدمت او پیوستند و او ازهمه ایشان نگهداری کرد و در حق همگان انعام واکرام وافر فرمود (ر.ك. طبقات ناصری ص ۱٤۳).

درسال ٦٢٥ھ سلطان شمس الدین التتمش (٦٠٧-٦٣٣ھ) که مانند قباچه ازغلامان غوریه بود ودرسال ٦٠٧ھ بنای سلطنت خاندان غلامان نهاد (که آنرا خاندان شمسیه نیز گویند وآنها تا ٦٨٩ھ درهند حکومت کرده اند) بقصد محاربه باقباچه بسند لشکر کشید وسرانجام در ۱۹ جمادی الثانی ٦٢٥ھ ناصرالدین قباچه خودرا ازقلعه بهکر دررودخانه انداخت ومرد.

(٤٨١–٣٨١).

(٥٨٦٧) [illegible] – [illegible] ١٣٣١

[illegible] (٨٨٦–٣٨٦٧) [illegible]

[illegible]

٣– [illegible]

٨– [illegible]

[illegible] ٨٦٥.

٨– [illegible]

١٠٠ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عمر وی اندکی کمتر از ۶۰ سال قمری میباشد [1] اما ممکنست عوفی بین ۵۷۲ ـ ۶۴۰ه زندگی کرده باشد ودر آنصورت سن وی در موقع وفات ۶۸ سال بوده است.

آثار مؤلف: ـ آثار مؤلف بدین قرار است:

۱ـ لباب الالباب. تذکره مورد بحث.

۲ـ جوامع الحکایات ولوامع الروایات ـ در چهار جلد وهر جلدی بیست و پنج باب دارد وهر جلدی باندازه یک جلد لباب الالباب یا اندکی کوچکتر است. این کتاب مشتمل است بر متجاوز از دوهزار حکایت. عوفی تألیف این کتاب را بفرمایش ناصرالدین قباچه شروع کرد اما تا مرگ او در ۶۲۵ه ، از این کتاب را باتمام نرسانده بود و سپس بامر نظام الملک قوام الدین محمد بن ابی سعید جنیدی این کتاب را بپایان رسانید و بعد از ۶۲۸ه آن را بنام وی عنوان کرد. این کتاب با مقدمه بسیار مفیدی باهتمام دکتر نظام الدین بسال ۱۹۲۹م «مطابق ۱۳۴۸ه» در لندن بطبع رسیده است. همچنین انتخابی از آن باهتمام ملک الشعراء بهار از طرف وزارت فرهنگ ایران بسال ۱۳۲۴ش و بخش اول آن بتصحیح و اهتمام و مقدمه آقای دکتر محمد معین از طرف دانشگاه تهران بسال ۱۳۳۵ش چاپ شده است.

۳ـ ترجمه فارسی کتاب «الفرج بعد الشدة» تألیف قاضی ابی الحسن بن علی التنوخی متوفی ۳۸۴ه ـ اغلب حکایات آن در جوامع الحکایات مندرج است. نصف آخر این کتاب در کتابخانه اندیا آفس موجود است. (ر.ك. اتدش ۷۳۷و۷۳۸). این کتاب را عوفی در ۶۲۰ه بنام ملک ناصر الدین قباچه ترجمه کرده است.

۴ـ مدایح السلطان ـ اسم این کتاب را عوفی در باب دوازدهم از قسم اول جوامع الحکایات جزو مؤلفات خود آورده است که بروزن وروش حدیقه حکیم سنائی بوده ولی اکنون هیچ نسخه ای از این کتاب در دست نیست و تنها چهار بیت از آن در مورد فوق در باب یازدهم جوامع نقل گردیده است.

۱ـ ر.ك. مقدمه جوامع مصحح دکتر معین ص۹.

عوفی شاعر هم بوده است چنانچه بعضی اشعار خود را در تألیفات خود مانند لباب الالباب و جوامع الحکایات نقل کرده است[1] اما معلوم نیست که این اشعار را بصورت کتابی یا دیوانی ترتیب داده است یا خیر.

☆☆☆

تبصره بر این کتاب

عوفی «لباب الالباب» را در حدود سال ۶۱۸ھ تألیف نموده است و دلائل آن به قرار زیر است.

در ذیل بهاء الدوله والدین علی بن احمد جامجی دو بار سنه ۶۱۷ھ را ذکر میکند (ر.ك. لباب ج۲ باب۶ ص۱۴) از این مستفاد می‌شود عوفی این کتاب را بعد از سنه ۶۱۷ھ تألیف نموده است.

همچنین در ذیل «الامیر ناصر الدین عثمان بن حرب السجزی» می نویسد: ودر آن وقت که مؤلف این ترتیب بسجستان بر دامیر ناصر الدین برحمت ایزدی پیوست و ولیعداء ملك عین الدین بهرام شاه بود که این ساعت ممالك سجستان در ضبط است» وچون مدت حکمرانی ملك عین الدین بهرام شاه مزبور از سنه ۶۱۲ تا ۶۱۸ھ بوده است لذا معلوم می‌شود که تألیف این کتاب موخر تر از سنه ۶۱۸ھ نبوده است.

نیز در ذیل سلطان علاء الدنیا والدین محمد (بن) السلطان تکش خوارزمشاه را این طور دعا میکند: «اعلی الدشانه» و وفات محمد خوارزمشاه در سنه ۶۱۸ھ اتفاق افتاد. اما در آن ایام بسبب هرج و مرج و فتنه و فساد بدست مغول تا مدت مدید بعد از فوت سلطان محمد خوارزمشاه حال او باغلب مردم مشتبه بود و کسی نمی‌دانست وی کجا است و زنده است یا مرده. ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید که تا هفت سال بعد از مرگ

---

۱ – برای نمونه اشعار عوفی ر.ك. «لباب» چاپ لیدن ج ۱ ص– ۴-۵ و ۵ – ۱۵۹۶ و ۱۶– ۱۷ و ۶۲۲- ۱۶۳و۶۳- ۱۶۴ وجلد ۲ ص ۴۲۸–۴۳۱ و «جوامع» مصحح دکتر معین ص۱۲۸ .

حمدخوارزمشاه غالب مردم یقین داشتند که وی زنده است و متواری است. بنابراین معلوم می‌شود که عوفی نیز بهمین اعتقاد بوده و دعای او بر دلیل تاریخی بر زنده بودن محمدخوارزمشاه نیست.

راجع بسبب تألیف عوفی در مقدمه چنین توضیح داده است:

«چون خادم دعاو ناشر ثنا محمدعوفی روی از همه جهان گرد نیده و بهمه جهان آورده است یعنی حضرت رفیع ودرگاه فلک پناه ... خواست که حضرت عالیه را هم از شیوه صناعت و سرمایه بضاعت خود خدمتی کند و تحفه‌ای آرد که تا قیامت دست بلا بدامن آن نرسد ... در طبقات شعرای عجم این مجموعه پرداخت.... و این مجموعه را لباب الالباب نام نهاد»

درباره مآخذ کتاب مؤلف در دیباچه هیچ توضیحی نداده ولی در متن کتاب اسم کتاب های زیر را آورده است واز آنها در تألیف این تذکره استفاده نموده است:

۱ ــ یتیمة الدهر تألیف مستوفی (ر.ك میمندی).

۲ــ تاریخ ناصری (ر.ك. طاهری چغانی).

۳ ــ حماسة الظرفاء تألیف ابو محمد عبدالکافی زوزنی (ر . ك . شهید بلخی).

٤ ــ عرب‌نامه تألیف ابوالقاسم باخرزی.

٥ ــ دیوان اشعار عربی موسوم به «الاحسن فی شعر علی بن حسن تألیف ابوالقاسم باخرزی

٦ ــ رقیة القلم (ر.ك. اتابك جوینی)

همچنین بعضی روایات را از اشخاص زیر شنیده و نقل کرده است:

زکی الدین لوهوری (ر.ك. ملکشاه) وعمادالدین دبیر (ر ك. آتسز) وشهاب الدین مسعود (ر.ك. تکش) وامام ادیب رشیدالدین (ر.ك. امیر ناصرالدین عثمان

الدین حاجی المستی، تمام می شود ومشتملست بر ذکر صدوسی نفر وحاوی ابواب وفصول زیر می باشد:

باب اول - درفضیلت شعر وشاعری.

باب دوم - درمعنی شعر از نظر لغت.

باب سوم - درمعنی اول کسیکه شعر گفت.

باب چهارم - درمعنی اول کسیکه شعر پارسی گفت.

باب پنجم - درلطایف اشعار ملوک کبار وسلاطین نامدار (کل ۲۷ تن).

باب ششم - » » وزرای عالی رتبه وصدور سامی منزلت (کل ۳۲ نفر)

باب هفتم - درذکر صدور وعلماء وفضلاء است درچهار فصل بدین ترتیب:

فصل اول ــ درذکر ائمه وعلمای ماوراءالنهر واستادان صنعت (۱۳ تن).

فصل دوم ــ درذکر علماء خراسان بدینقرار:

الف ــ درذکر فضلای بلخ ومضافات آن (۷ نفر).

ب ــ » علمای حضرت مرو »(۵ نفر).

ج ــ » نیشابور »(۱۲ نفر)

د ــ » ائمه وعلمای هرات ومضافات فراه وسیستان (۷ نفر)

فصل سوم ــ درذکر صدور وافاضل عراق (۹ نفر).

فصل چهارم - درلطایف اشعار علمای بلاد جبال وحضرت غزنین ولوهور وتوابع آن (۷ نفر).

جلددوم - درتذکره شعرائی است که کارشان شاعری بوده است (غیراز فصل چهارم از باب یازدهم وباب دوازدهم که درذکر فضلای غزنین ولوهور می باشد) ومشتمل است برابواب و فصول زیر:

باب هشتم درذکر لطایف اشعار شعرائی است که درعهد آل لیث وآل طاهر وآل

دراین قسمت اشعار معزی وارزقی هروی رامفصل تر ازدیگران آورده است.

رویهمرفته دراین تذکره اشعارارزقی هروی را مفصل تر ازهمه(در ۹/۱ صفحه) نقل کرده است .

اشعاروشرح حال هردورا درذیل افراد زیر نسبةً مفصل نقل کرده است.

(ب) وزرا - نظام الملك ابوعلی الحسن و ابوالقاسم علی باخرزی وشرف الدین فرید کافی و مجدالدین عزیزی .

(ج) علما - تاج الدین عمرو نظام الدین محمدالدین سرخکتی وبهاءالدین اوشی وحمیدالدین عمر بلخی ودقایقی مروزی

(د) شعرا - رودکی سمرقندی ومعزی نیشابوری وارزقی هروی .

گاهی درذیل بعضی شعرا شرح حالشان راخیلی مختصر (در دوسه سطر) آورده ولی اشعارشان رامفصل نقل کرده است مانندزینتی علوی ولبیبی ادیبی وسرور طالقانی ومنشوری سمرقندی .

عجب اینست که اشعار و شرح حال شعرای معروفی مانند فردوسی و نظامی گنجه‌ای را خیلی مختصر آورده است ولی شرح حال بعضی شعرای نسبةً غیرمعروف مانند محمودابن احمدنیشابوری و اشعارشعرائی مانند محمدابن عمر فرقدی ودهقان شطرنجی وروحی ولوالجی رانسبةً خیلی مفصل آورده است .

گاهی درذیل بعضی شعرا اشعار عربی را نیز ازایشان نقل کرده است مانند ابومحمد بن یمین الدوله وابوالقاسم میمندی و نظام الدین محمدوشهید بلخی وغیره.

درذیل نام شعرای زیر اسم تألیفاتشان را نسبةً مفصل نقل کرده است: فخرالدین محمد نیشابوری و مجدالدین احمد سجاوندی.

تنها تاریخ وفات افرادزیرراذکر نموده است :

(ب) وزرا - ابوالقاسم علی باخرزی (مقتول در ٤٤٨ھ)وابوالعلاعطا معروف بناکوك (متوفی ٤٩١ھ) وشهاب الدین محمدبن رشیدالرئیس(متوفی ٥٩٨ھ) .

در قسمتهای ملوك و علما و شعرا تاریخ وفات هیچکدام از آنها راضبط

نکرده‌است .

در ذیل تراجم افراد زیر مؤلف تصریح نموده‌است که با ایشان ملاقات کرده است و بدینجهت مطالبی که درباره آنها در این کتاب آورده‌است بیشتر مورد اعتماد و اعتبار میباشد :

ضیاءالدین جامجی و بهاءالدین جامجی و صدرالدین نیشابوری و مهذب‌الدین اسفزاری و مجدالدین شرف الکتاب و شرف‌الدین نسفی و تاج‌الدین عمرو نظام‌الدین عمرو شمس‌الدین داعی نسفی و صدرالدین خرمابادی و محمدابن مؤید بغدادی و فریدالدین جاجرمی و محمدبن بدیع نسوی و فخرالدین خطاط هروی و بدرالدین هروی و شرف‌الدین فراهی و ابوعلی مروزی و منجم سجزی و مبارکشاه سجزی و قوامی خوافی و سعدالدین مسعود دولتیار و اشرفی سمرقندی و شهابی غزالی خجندی .

مؤلف گاهی دراین کتاب حکایات مبتذل نقل کرده‌است چنانکه در ذیل حکیم ازرقی هروی و رزحی ولوالجی آورده‌است .

همچنین از بعضی شعرا طبق ذوق آن دوره اشعار خیلی مبتذل آورده‌است مثلا رجوع شود به شمسی بخاری .

لباب‌الباب در احوال شعرا اغلب معلومات را بهم نمی‌رساند مخصوصاً سال ولادت و وفات افراد مذکور را که خیلی مهم است غالباً از روی جهل یا غفلت ذکر نکرده‌است. همچنین از اکثر شعرا اشعار خوب انتخاب ننموده‌است بلکه اغلب اشعار سست از آنها نقل کرده است و بنابراین از روی این منتخبات نمیتوان بسبک و اسلوب و پایه اکثر شعرا پی برد .

اکثر اشعاریکه مؤلف از شعرا انتخاب نموده است غیرجالب و تا اندازه‌ای نامطبوع است و در انتخاب اشعار مؤلف تنها باین امر توجه داشته است که اشعار منتخب دارای ترکیبات و قوافی و ردایف مشکل و غیرمعروف باشند و بس، چنانکه مثالهای زیر به‌ثبوت میرساند :

قصیده وطواط: باردیف آتش و قافیه‌های جهان و جان و غیره .

قصیده جنتی بیا باردیف بخندید وقافیه استخوان ودهان وغیره
» » » » بنفشه » لاله‌زار وبهار »
» شیخ احمدبن محمد المیم با قافیه‌های مفرقی ومروقی و مطرقی و مستقی وغیره.

از انتخاب اشعار فوق که در لباب الالباب آمده است معلوم می‌شود که بعضی شعرا مخصوصاً بعد از عهد سلاجوقی خیلی سعی می‌کرده‌اند در اشعار خود صنایع و بدایع بفراوانی بکار برند وقوافی و ردایف مشکلی را برای طبع آزمائی انتخاب میکردند ولی این قبیل اشعار جز علامت فضل فروشی آنها چیزی دیگر نبود . الحق شعر گفتن در آن سبك بسیار مشکل و پر زحمت واز کندن کوه و آوردن جوی شیر کمتر نبود ولی این اشعار که مملو از صنایع و بدایع لفظی و معنوی بوده دارای همه چیز بود جز روح شعر و ردایف بارد و قوافی بی‌مزه آنها از لطف و تازگی شعر میکاسته است .

عجب‌تر اینست که عوفی از چنین اشعار بطور اغراق آمیزی تعریف و تمجید کرده است و بعقیده وی بعضی از گویندگان این قبیل اشعار بهتر از رودکی وعنصری بوده‌اند، چنانکه در ذیل رفیع الدین مرزبان فارسی مینویسد :«و لطایف سخن او بساط نظم عنصری و رودکی در نوشته » . چنین عقاید، خود آینه ذوق مؤلف واز جمله علل کم بودن اشعار لطیف و شیرین در لباب الالباب میباشد.

سبك مؤلف بسیار مصنوع است وغالباً بتکرار استعارات سمج و تشبیهات بارد و تجنیعات متکلف و ثقیل و جناسات مصنوعی و غیر مطبوع وافراط در استعمال کلمات و تراکیب مشکل عربی فهم و درك مطالب برای خواننده خیلی دشوار و پر زحمت شده است و گاهی نثر وی بقدری مصنوع است که بعضی عبارات بصورت چیستان در آمده و فهمیدن آن مصداق« کوه کندن و کاه بر آوردن » میباشد .

باوصف ایرادات فوق این کتاب از حیث تاریخی و ادبی دارای اهمیت بسیار است

چاپ

جلد اول ـ مرتبه دکتر براون لندن و لیدن ۱۹۰۳م .

جلد دوم ـ مرتبه دکتر براون و میرزا محمد قزوینی ـ لندن و لیدن ۱۹۰۶م.

جلد اول و دوم - با تصحیح و تعلیقات از استاد سعید نفیسی ـ تهران اسفند ۱۳۳۵ ش

تصحیح لباب الالباب

از مرحوم وحید دستگردی - رجوع شود به مجله ارمغان ج ۱۱ ص ۶-۳۳۵ و ٤ - ۶۵۲ و ۵۲-۷٤۷ و جلد ۲۲ ص ٤-۷٤۳.

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به اشپرنگر ش ۱ (اما آن فهرست کامل نیست) .

تذکر : هیچکدام از نسخ سابق الذکر کامل نیست و در بعضی موارد افتادگیها هم دارد . بی‌محل نخواهد بود اگر شمه‌ای درباره این افتادگی ها توضیح داده شود .

درذیل معزی غزنوی درقطعه آخر چهار بیت ناقص آمده است و بقول استاد سعید نفیسی «درجاهای دیگر که این قطعه را آورده‌اند تنها پنج بیتی که تمام است نقل کرده‌اند وپیداست که نسخه‌ای که مؤلفین سلف از لباب الالباب در دست داشته‌اند همین افتادگیها را داشته است »[1]

درذیل شعرای زیر اشعارشان در نسخ کتاب ناقص آمده است:

معزی (چهار بیت در قطعه آخر چنان که در سطور فوق ذکر شد) وخسروی (سه بیت) وحمیدالدین مسعود (یك بیت آخر) وشهاب الدین محمود بن علی صانع (۲ بیت) و نجیب الدین ترمذی خطاط (۳ رباعی) وضیاءالدین کابلی (یك رباعی) و محمد کاتب بلخی (۶ بیت) وشاعر شماره ۱۶۸ ج ۲ (٤ بیت) وضیاءالدین سجزی (سه بیت). همچنین

---

۱ ـ ر.ك. حاشیه ص ۵٤۰ ج ۲ لباب الالباب مصحح استاد سعید نفیسی

فصل دوم

تیموریان هند یا بابریان (۹۳۲ - ۱۲۷۴ھ)

قسمت اول

از آغاز سلطنت بابریان (۹۳۲ھ) تا پایان سلطنت شاه جهان (۱۰۶۸ھ)

[illegible]

شیر نوائی موسوم بمجالس النفایس را ازجغتائی بفارسی ترجمه کرده است [۱].

درهمان کتاب (قاموس الاعلام ترکی) در ذیل احوال مولانا فخری بن محمد امیری نیز شرح حال مختصری آمده است که بقرارزیر است [۲].

«(مولانا فخری بن محمد امیری) ازاهالی هرات بود بعدازایفاء مراسم حج درزمان شاه طهماسب حسینی بصوب سند عزیمت کرد و مورد الطاف حاکم آنجا عیسی ترکخان (ترخان) واقع گردید در اواخر قرن دهم هجری بدرود زندگی گفت. تذکرة الشعرائی بنام «جواهر العجائب» وده اثر دیگر موسوم به تذکرة النساء [۳] و تحفة الحبیب ازاو بیادگار مانده است. باشعار او دسترس پیدا نکردم».

در کتاب «لطایف نامه» که مشتمل بر ترجمه فارسی مجالس النفایس علیشیر نوائی میباشد فخری اشاراتی نکرده که درمورد احوال زندگی مؤلف مفید وقابل استفاده باشد تنها ازخلال سطور این ترجمه (لطایف نامه) برمیآید که فخری نزد خواجه حبیب الله ساوجی وزیر خراسان شان ومقامی داشته و آن ترجمه خود را بنظر او میرسانیده است و ازاو به «ولی النعمی» تعبیر میکند و بعضی اشعار را در آن کتاب برحسب اوامر او اضافه میکرده است [۴].

واله داغستانی در تذکره «ریاض الشعراء» مینویسد :

«مولانا فخری درزهد وورع یگانه زمان ودر تصوف نادره دوران است. چندمثنوی درسلك نظم کشیده وازمعاصرین شاه طهماسب مغفور ماضی بوده »

در «تاریخ معصومی» شرح بسیار مختصری ازوی آمده است ومطالب مهمی درمورد زندگانی او از آن کتاب بدست نمیآید. مؤلف تاریخ معصومی مینویسد :

۱ـ ر.ك. قاموس الاعلام ج۲ چاپ استامبول .

۲ـ ایضاً ج ۵ .

۳ـ تذکرة النساء تألیف فخری بن امیری همان جواهر العجایب است ولاغیر .

٤ـ ر.ك. ترجمه مجالس النفایس مصحح استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ هـ ص ۲۱ .

«مولانا فخری هروی مردی خوش طبع و اکابر بوده و شعر نیز میگفته بعضی تصنیفات دارد در صنایع و بدایع وعروض و قوافی»[۱]

مؤلف مدتی در دربار شاه حسن ارغون حاکم سندو تته (۹۳۰-۹۶۱هـ) بوده و دو کتاب خود را بعنوان صنایع الحسن و روضة السلاطین را بنام وی تألیف کرده است.

بقیه احوال زندگی مؤلف بدست نرسید و معلوم نیست که وی کجا و بچه سالی فوت کرده است.

آثار مؤلف

کتب مختلفی که ذکری از فخری هروی آورده اند اسم کتابهای زیر را از جمله آثار وی نوشته اند :

۱ـ تحفة الحبیب ـ اسم این کتاب را مؤلف در مقدمه جواهر العجایب آورده است (رجوع شود به سبب تألیف آن کتاب) این کتاب مجموعه غزلیاتیست که فخری از شعرای مختلف ترتیب داده و بنام حبیب الله ساوجی وزیر ملقب به آصف عنوان کرده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه بانکی پور موجود است (رجوع شود به فهرست کتاب خانه بانکی پور، تکمله اول، ص۲۳۳ ش۱۹۹۳).

۲ـ لطایف نامه ـ ترجمه فارسی تذکره مجالس النفایس علی شیر نوائی که اصلا بزبان ترکی است مؤلف این ترجمه را نیز مانند تحفة الحبیب بنام حبیب الله ساوجی وزیر عنوان کرده است. این کتاب با ترجمه دیگر فارسی به اهتمام استاد علی اصغر حکمت در تهران در ۱۳۲۳ش چاپ شده است.

۳ـ صنایع الحسن ـ در صنایع و بدایع است که مؤلف بنام شاه حسن ارغون حاکم سندو تته تألیف کرده است. امروز نسخه‌ای از این کتاب موجود نیست.

٤ـ بستان خیال ـ این کتاب مجموعه ایست از مطلع غزل‌های شعرای مختلف معاصر مؤلف.

٥ـ جواهر العجایب ـ تذکره دیگر مؤلف. (رجوع شود به جواهر العجایب

---

۱ ر.ك. تاریخ معصومی ص۲۰۶

در کتاب حاضر) .

۶ـ روضة السلاطین ـ تذکره مورد بحث[۱].

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بنام ابوالفتح شاه حسین غازی ظاهراً شاه حسین ارغون حاکم سندوتته(۹۳۵ـ ۹۶۱ه) تألیف کرده است. این کتاب مشتمل است بر ذکر بعضی پادشاهانی که شعر سروده اند و حاوی هشت باب است بقرار زیر :

باب اول(ص ٤ب)ـ «در بیان وجه تسمیه شعر و احوال بهرام گور و ابتدای نظم فارسی واحوال سلطان سنجر ماضی وطغرل بیث سلجوقی که گاهی بنظم التفات میفرموده اند».

باب دوم(ص۹الف)ـ «در بیان احوال پادشاهان چغتائی اوزبیك(اوزبك)وسلاطین ایشان که اشعار خوب گفته اند ودرمیان مردم شهرت تام وارد نموده اند» .

باب سوم(ص ۱۱الف)ـ «در بیان احوال پادشاهان چغتائی ازاولاد امجاد امیر تیمور صاحب قران که درسمرقند وخراسان بوده وابیات واشعار نیك فرموده اند و دیوان غزل ترتیب داده اند».

باب چهارم(ص۲۱ب) ـ«در بیان احوال پادشاهان عراق وروم که نظم گفته اند».

باب پنجم(ص۲۶ب)ـ«درذکر سلاطین وملوك هندوستان که نظم میل کرده اند».

باب ششم (ص۲۸ب)ـ«در بیان احوال امرای عالیشان پادشاه نشان(که)سراطاعت

۱ـ مؤلف «تاریخ معصومی» کتابی بنام روضة السلاطین باسم یکنفر دیگر آورده است چنانکه مینویسد :

«شاه حسین نکردی[که درضمیمه نکردی تصحیح شده است] درسلك امرای میرزا شاه حسن انتظام داشت. به جدت طبع وجودت ذهن ومکارم اخلاق ومحاسن آداب سرآمد فضلای زمان خود بوده. اودرفن شعر وتاریخ مهارت کامل داشت وروضة السلاطین ازجمله مصنفات اوست(ر.ك. استوری ص۷۹۶ج۱). روضة السلاطین مزبوریا کتابی غیرازروضة السلاطین هروی است یا بمؤلف تاریخ معصومی اشتباه رخ داده است .

بهر کس فرو بیاورده‌اند[۱] و ابیات خوب‌دارند».

باب‌هفتم-«درذکرجمال حضرت‌نواب وختم کتاب» .

در پایان کتاب قصیده‌ای‌درمدح شاه‌حسین‌مذکور آورده‌است که‌مطلعش بقرار زیراست :

دلم‌سرمست‌جام‌عشق‌وعقل کل‌زبان‌دانش   نگویدنشنودهردوجزازتوحیدیزدانش

نسخ خطی

۱ـ برلن ش ٦٤٤.

۲ـ بلوشه ج ۲ ش۱۱٤۲ (قرن۱۷م) وش۱۱٤۲ (اواخرقرن۱۷م)

برای**شرح‌حال‌مؤلف** رجوع‌شودبه‌تذکره الهی وخلاصة الافکار واشپرنگر (ج۱ش۵) وتاریخ‌معصومی وریاض‌الشعراء وقاموس‌الاعلام‌ترکی تألیف شمس‌الدین سامی‌ج۲و۵ چاپ‌استامبول وریو واستوری ج ۱ ص ۷۹٦ وترجمه مجالس النفایس (لطایف نامه‌فخری) باهتمام‌استادعلی‌اصغرحکمت‌چاپ‌تهران۱۳۲۳ش، مقدمه‌مصحح.

فهرست‌اسامی‌شعرا ـ درهیچ کتاب یافهرست کتب‌فارسی کتابخانه‌ها ذکر نشده‌است.

جواهر العجایب

ابتدا

خودراز خودی بهرتوغایب دیدم   فارغ ز همه غم‌و مصایب دیدم

کردم نظرو فرش حریم حرمت   چون‌عرش‌جواهر عجایب دیدم

جواهرعجایبی که زیور گوش‌پرده‌نشینان سراوقات سلطان‌عقل‌و هوش تواند بودحمدوثنای‌قادریست که‌دست‌معمارقدرتش‌قبه‌لاجوردی‌فلك‌دوار را بدرهای‌شاهوار انجم‌ثوابت وسیارمزین ومحلی گردانیده[۲]

---

۱ ظاهراً نیاورده اند .

۲ اشپرنگر ابتدای این‌کتاب‌را بدین قرار آورده‌است:

سخن‌جانست‌ودیگر گفتگوجانان‌زمن‌بشنو   اگرهرلحظه جان‌تازه میخواهی‌سخن بشنو

اما این محققاً اشتباه استچون بیت فوق‌در ابتدای «کلمات‌الشعراء» آمده‌است نه «جواهر العجایب».

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد متخلص به فخری هروی است (برای شرح حال او رجوع شود به بحث درباره روضة السلاطین در صفحات قبل).

تبصره بر کتاب

مؤلف در مقدمه مختصر این کتاب در مورد سبب تألیف چنین توضیح داده است که وی در زمان شاه طهماسب حسینی صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸۴ ه) برای زیارت «حرمین شریفین» رفت (در اینجا در دو بیت از آن پادشاه مدح گفته است). گذرش بملک سند افتاد و آنجا چندی اقامت کرد تا اکبرشاه (۹۶۳ ـ ۱۰۱۴ ه) قدم بر سریر همایون نهاد (اینجا مؤلف قصیده‌ای در مدح اکبرشاه آورده است). بخاطر مؤلف رسید که باید هدیه‌ای لایق مجلس آن پادشاه تهیه کند مدتی در این اندیشه بود. آخر شبی مجموعه «تحفة الحبیب» [1] را مطالعه میکرد و «بر اشعار دلپذیر مخادیم» میگذشت. ناگاه نظرش بر غزلی از مستورات مهری افتاد که مطلعش بدین قرار است:

حل هر نکته که بر پیر خرد مشکل بود　　آزمودم یک جرعه می حاصل بود

«آخر بعد از مشاهده بسیار بدلم چنان تافت و بر خاطرم قرار یافت که جهت انبساط خاطر آن بلقیس نشان (یعنی ماهم دایه اکبرشاه) آنچه از طایفه اناث در لباس نیکو سخن نظم ظاهر شده جمع سازم که بغایت غریب است. پس بترتیب این مختصر کوشیده فراهم آوردم چون چنین جواهر لطایف از معادن طبع ایشان محل تعجب بود این نسخه را پس از اتمام «جواهر العجایب» نام کردم».

مؤلف این کتاب را بنام ماهم دایه اکبرشاه که اشاره باسم او در سطور فوق گذشت تألیف نموده است و در پایان کتاب (ص ۲۲) قصیده‌ای در مدح «ماهم» بمطلع زیر آورده است:

ای شکوه معجرت تاج سران افتخار　　گشته از رای تو خرم خسروان روزگار

و در بیت زیر اسم ماهم را ذکر کرده است:

کامگار بخت و دولت ماهم بلقیس قدر　　آنکه شد پرورده او را در شاهی بر کنار

۱ـ ر.ک. آثار مؤلف در ذیل بحث درباره روضة السلاطین در صفحات قبل.

ذکر نموده است . ازاین جمله دوشاعره بنام مسماة مغول خانم ومسماة تردی‌ترك
زبان هستند که مؤلف از آنان شعار ترکی نقل کرده است .

در آغاز کتاب مؤلف حکایت بهرام گور ومحبوبه‌وی «دلآرام» وابتدای «چهار–
گـانه» را آورده است.سپس بعنوان سند شعر گوئی حکایت حضرت رسول و حضرت
عایشه رانقل میکند ودرذیل آن بیتی بعربی ازحضرت عایشه نقل کرده‌است که وی
درحضور حضرت رسول خوانده ، حضرت آنرا املاء نموده بــود . سپس یکی
ازابیاتی که‌حضرت فاطمه درموقع وفات رسول انشاد کرده بود آورده است . بعداز آن
بیتی بعربی اززلیخا نقل کرده‌است که وی برای حضرت یوسف ساخته‌بود .
سپس مؤلف بشرح احوال و نمونه اشعار شعرا که اصل موضوع کتابست
میپردازد .

مؤلف دراین کتاب غالباً اطلاعات مهمی راجع بزندگانی شاعره‌ها نیاورده و
حتی سال ولادت ووفاتشان‌را نیز ذکر نکرده است . تنها از حکایاتی که درذیل بعضی
شاعره‌ها نقل کرده وطی آن باسم امرای زمان آنان وغیره اشاره نموده است میتوان
بزمان آنها پی‌برد والاحتی تعیین عهد اکثر آنان هم ازاین تذکره مقدور و ممکن
نیست .

درانتخاب اشعار نیز مؤلف ذوق خوب نشان نداده است وطبق ذوق آن وقت
ازبعضی شاعره‌ها اشعاری مبتذل نقل کرده‌است مثلا رجوع شود بمسماة مهری و مسماة
بیجه ومسماة ضعیفی دراین تذکره .

باوجود اینکه اشعاری که مؤلف ازشاعره‌ها آورده است اکثر فاقد عذوبت و
لطف میباشد معذلك گاهی درتعریف آنها راه اغراق پیموده و آنانرا «بی‌نظیر» وغیره
نوشته‌است مثلا:

درذیل نام خانزاده مینویسد: «درخوش‌طبعی نظیر نداشت» .

مسماة بیجه منجمه مینویسد : «ظریفه وعارفه ونادره ایام بود خصوصاً درعلوم
نجوم که مثل او نبود».

سبك انشای مؤلف غالباً مصنوع و پرتكلف است و مؤلف گاهی نثر مسجع هم نوشته‌است.

روی‌هم‌رفته «جواهر العجایب» تذكره‌ای ناچیز و كم ارزشی‌است چه از حیث انتخاب اشعار شاعره‌ها وچه ازحیث‌شرح حالشان چندان اهمیت ندارد اما باوصف این‌ایرادات‌چون این كتاب اسم واشعار بعضی شاعره‌هارا شامل است كه در كتب سابق ذكر نشده‌است نمیتوان بكلی منكر اهمیت آن شد. در هرحال این حقیقت غیرقابل تردیداست كه مؤلف درتألیف آن كتاب بخودزیاد زحمت‌نداده وحتی‌شرح حال بعضی شاعره‌ها را كه‌ظاهرا معاصراو بودند نیز بطور مفصل ومفیدی نیاورده‌است.

نسخ خطی

۱ ـ بادلین ش ۳۶۲ ـ ظاهراً خلاصه این تذكره است در نسخه صفحه مورخ ۱۱۸۵هـ.

۲ـ بانكی‌پور ج۹ ش۱۰۹۸ « « در٤ صفحه مورخ‌قرن۱۸ م.

۳ـ بوهارش۴۸۲(۱) « « ۱٦ « « « ۱۹ م.

٤ـ اشپرنگرج۱ش٥

چاپ

این تذكره‌بسال۱۸۷۳م (۱۲۹۰هـ) درمطبع نولكشور لكهنوهند بطبع رسیده‌است.

برای‌**فهرست اسامی**رجوع‌شودبه‌اشپرنگرج۱ص۱۱(فهرست‌اسامی۲۳شاعره).

نفایس المآثر

ابتدا

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم	مطلع انوار كلام قدیم
زینت دیباچه ام‌الكتاب	زبده‌نامه‌فضل‌الخطاب....»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرعلاءالدوله متخلص بکامی است که از خانواده معروف علمی وادبی قزوین بوده و صیت‌شهرت این خانواده ازایران تا هندوستان رسیده بود. اسم پدرش میریحیی بن عبداللطیف السیفی الحسنی القزوینی (متوفی ۹۶۲ه) است که ازمورخین بزرگ آن‌عهد بود وحافظه‌او بقدری قوی بود که اکثر وقایع مهم تاریخی اززمان رسول تازمان معاصرخود حفظش بود هنگامیکه همایونشاه (۹۳۶-۹۶۳ه) در ۹۵۵ه ازهندوستان فرار کرده بقزوین پناهنده شد ازیحیی بعضی سؤالات تاریخی پرسید وازپاسخ گوئی وی که ارتجالا وبداهة داد چنان خوشحال شد که گفت: یکی ازفواید مسافرت من بعراق (عجم) ملاقات بایحیی میباشد.[2]

یحیی ازحیث مورخ خیلی شهرت ومعروفیت داشت. حیرتی ازشعرای معاصر وی دراین باره میگوید:

قصه تاریخ از او باید شنید
کس در این تاریخ مثل او ندید

غیراز رسایل مختلف یحیی تاریخی بنام «لب التواریخ»[3] نوشته است این کتاب را وی بفرمایش ابوالفتح بهرام میرزا (متوفی ۹۵۶ه) تألیف نمود. تاریخ مذکور حاوی وقایعی از زمان قدیم تاسال ۹۴۸ه میباشد (که ظاهراً سال تألیف این کتاب است.)

یحیی شاعر هم بود و علاءالدوله بیتی چند در نفایس المآثر ازوی نقل کرده است.

دراوایل یحیی مورداحترام شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ه) بوده وشاه مزبور

۱ـ استوری درجلد ۱ ص ۸۰۰ حسینی نوشته است.
۲ـ ر.ك. نفایس المآثر نسخه علیگره برگ ۳۲۵ الف.
۳ـ برای نسخ خطی این کتاب ر.ك. استوری ج ۱ ص ۱۱۱

وی‌را (یحیی معصوم) میگفت ولی بعداً در آخر عمر ستاره یحیی برگشت و وی‌را بامر شاه‌طهماسب دستگیر کرده باصفهان بردند و وی در آنجا درزندان بسال ۹۶۲ ه درگذشت[1]

استوری مینویسد[2] که موقعیکه شاه طهماسب حکم دستگیری میریحیی و خانواده‌اش‌را بسال ۹۶۰ ه بعلت سنی بودن آنها بآذربایجان فرستاد علاءالدوله که بروایت بداونی[3] در آن وقت در آذربایجان بود بپدرش خبر کرد ولی پدر نتوانست فرار کند ودستگیر شده درزندان جان‌سپرد . امامیرعبداللطیف برادرعلاءالدوله موفق شد به کوههای گیلان فرار کند . همایون پادشاه هندوستان اورا بهندوستان دعوت کرد و وی عازم هندوستان شد ولی بعدازفوت همایون درسال اول سلطنت اکبرشاه (۹۶۳ه) بهند رسید[4] . بروایت بداونی عبداللطیف از ایران فرار کرده در دربار همایون‌شاه پناه جست وهمایون اورا اتالیق (استاد وسرپرست) ولیعهدخود اکبر منصوب کرد. وی بسال ۹۸۱ه در هندوستان فوت کرد[5] .

میریحیی پدرمؤلف ظاهراً سه پسر داشت بنام میرعبداللطیف وقاضی صفی‌الدین عیسی ومیرعلاءالدوله. ازاین جمله ذکرعبداللطیف[6] درسطور فوق گذشت. قاضی صفی‌الدین عیسی برادردوم علاءالدوله که درسن ازوی بزرگتر بود مانند پدر خودعالم وشاعر بودودرسال ۹۷۶ه واردهندوستان گشته ودرخانواده شاهی سمت منشی گری‌راداشت و

۱ـ ر.ك. نفایس‌المآثر نسخه علیگره برك ۲۱۱ ب ـ درنسخه رامپور سال‌وفات‌وی ۹۷۲ه ذکرشده است .

۲ـ مآخذ استوری برای‌این‌روایت (چنانکه خودش ذکر کرده است) اکبرنامه ج۲ ص ۳۵ و بداونی ج۱ س ۳۰ میباشد .

۳ـ ر.ك. بداونی ج۳ص۹۸.

٤ـ ر.ك. بداونی ج ۳ص۹۸ . بداونی اینجا مینویسد : «پادشاه پیش‌ایشان‌سبقی‌چند ازدیوان‌خواجه‌وغیرآن خوانده‌اند». نیزدرمآثرالامرا ج ۳ ص۸۱٤ عبارت‌زیر دراین‌باره آمده‌است : «درسال دوم به‌معلمی عرش‌آشیانی افتخاراندوخت» .

٥ـ ر.ك. نفایس المآثر برك ۲۲۲الف .

٦ـ برای عبداللطیف ر.ك. بداونی ج۳ص۸ ـ ۹۷ وآئین‌اکبری وترك جهانگیری و مآثرالامرا ج۳ص۵ ـ ۸۱۳و رحمن علی ص۱۳۲وغیره.

در ۱۲ ربیع‌الاول ۹۸۰ در شهر آگره فوت کرد . علاءالدین بیتی چند از وی در نفایس‌المآثر نقل کرده است .

میر عبداللطیف پسری داشت بنام غیاث‌الدین علی احمد که نقیب‌خان لقب داشت و داماد میر محمود منجزی بود و وی نیز مانند پدر در تاریخ و میر بی همتا بود و وی همراه پدر خود بهند آمد [1] اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ه) او را چنان عزیز داشت که هیچوقت نمیگذاشت از نظر وی دور شود [2] .

میر شکرالله شکری (متوفی سال ۹۴۲ ه) برادرزاده دیگر علاءالدوله بود . وی تا زمان تألیف نفایس‌المآثر در قید حیات بود و از علم و فضل خاندان خود بهره بسزائی برده بود . علاءالدوله بعضی اشعار وی را در تذکره خود نقل کرده است [3] .

شرح حال مفصل علاءالدوله در هیچ کتابی پیدا نیست و حتی ملا عبدالقادر بداونی مؤلف منتخب‌التواریخ که از علاءالدوله کسب فیض نموده بود راجع به وقایع مهم زندگانی وی هیچ اشاره‌ای ننموده است و تنها مأخذی برای شرح زندگی علاءالدوله تذکره «نفایس‌المآثر» تألیف خودش است .

ازاین تذکره معلوم میشود که علاءالدوله از کوچکی ذوق و سوق زیادی بشعر علاقه مفرطی بفن خطاطی داشت و این فن را از امیر کلنگ یاد گرفته و رساله‌ای هم دراین فن تألیف نموده بود [4] چنانکه گذشت هنگامیکه علاءالدوله از قهر و غضب شاه طهماسب صفوی نسبت بپدرش باخبر شد وی در آذربایجان بود . وی برای حفظ جان خود ترک وطن گفته بهندوستان هجرت نمود . ولی معلوم نیست در کدام سال وی وارد هند گشت . بداونی درباره وی مینویسد: «هم برادر خود عبداللطیف و هم تربیت کرده او بود و او را حضرت آقا میگفت» [5] .

۱ـ ر.ك. بداونی ج ۳ ص ۳۲۱ ۲ـ ر.ك. استوری ج ۱ ص ۸۰۰-۸۰۱
۳ـ ر.ك. نفایس‌المآثر برك ۹۵ الف ۴ـ ایضاً برك ۱۹ الف
۵ـ ر.ك. بداونی ج ۳ ص ۹۷

علاءالدوله بامذهب اسلام علاقه زیادی داشت، در تذکره خود در موارد بسیار اشاراتی بآیات قرآن واحادیث رسول آورده است . همچنین ذوق عرفان و تصوف داشت وهمیشه در تذکره خود اسم صوفیه را بااحترام میآورد .

علاءالدوله شعر هم میسروده است ولی چنانکه از اشعارش که در این تذکره آورده است پیداست دراین فن چندان مهارت ومعروفیت نداشته است معذالك قطعه های تاریخ که وی سروده است از حیث تاریخ خالی از ارزش و اهمیت نیست چون اغلب این قطعه ها در تاریخ تولد یاوفات بعضی ازمعاصرین وی یا بعضی وقایع مهم زمان وی بوده است .

سال وفات مؤلف معلوم نیست ولی درموقع تألیف منتخب التواریخ (۱۰۰٤ هـ) هنوز در قید حیات بود.

آثار مؤلف

علاء الدوله از آثار خود اسم کتابهای زیر را در نفایس المآثر آورده است:

۱ـ صحیفة الارقام ـ رساله ای درفن خطاطی .

۲ـ رساله ای در صنایع شعر .

۳ـ بعضی رسایلی که مؤلف درذیل نام صوفی کشمیری بآن اشاره نموده است ولی شرح آن معلوم نیست وفهرست یا نسخ این رسایل درهیچ کتابخانه موجود نیست .

٤ـ نفایس المآثر ـ تذکره مورد بحث.

تبصره بر کتاب

برای پی بردن بارزش این تذکره باید به نکات زیر توجه داشت.

۱ـ علاءالدوله برادر عبداللطیف قزوینی استاد اکبرشاه بود وبنا براین ظاهراً دردربار شاهی خیلی نفوذ داشت وبا اکثر شعرای دربار شخصاً آشنائی داشت لذا اطلاعاتی که وی راجع بشعرای معاصر خود دراین تذکره آورده است خیلی مهم وباارزش ومورد اعتماد واعتبار است .

۲ـ قسمت آخر این تذکره مشتملست بروقایع تاریخی عهد بابر وهمایون و

اکبر پادشاهان تیموری خود در این قسمت وقایعی که مربوط به عهد اکبرشاه است خیلی اهمیت و ارزش دارد چون اکثر این وقایع را مؤلف بچشم خود دیده یا از منابع معتبر [illegible] نقل آن عین [illegible] بوده.

۳ــ هیچ کتاب دیگر باندازه نفایس المآثر شرح حال شعرای زمان اکبرشاه را نیاورده است. ملا عبدالقادر بداونی در قسمت شعرای عهد اکبر [illegible] در جلد سوم منتخب التواریخ از همین تذکره نقل کرده است [illegible] این تاریخ منبع عمده اطلاعاتی است درباره شعرای دوره اکبری.

۴ــ مؤلف در این کتاب اشعار و سوانح اکثر [illegible] از طبقات مختلف مردم از قبیل سلاطین و امراء و علماء و شعراء [illegible] اکبرشاه که سمی شعر میسرودند در این کتاب نقل کرده است.

۵ــ ضمناً این کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای ایران مانند مسعود سعد سلمان و خسرو و ظهیر فاریابی و [illegible] وغیره را در بر دارد. بعضی از آنها را تماماً در این تذکره ذکر نموده است [illegible] و بعضی دیگر تاریخ تحقیقی خود را در این کتاب شرح داده است.

۶ــ برای ادراک ذوق ادبی و علمی خاندان تیموری هند و امرای دربار آنها از زمان بابر تا زمان اکبر هیچ مأخذی بهتر و مفصل تر از این کتاب وجود ندارد.

۷ــ درمورد شعرای متقدم نیز از تذکره های دولتشاهی و علی شیر نوائی وغیره از کتب تاریخ و جغرافی نیز استفاده نموده است و در ذیل شرح حال شعرا گاهی اطلاعات مفید جغرافیائی نیز بهم رسانیده است.

۱ــ بداونی در ج ۳ منتخب التواریخ در قسمت شعرا عنوان زیر را آورده است: «ذکر شعرای عصر اکبرشاهی در نفایس المآثر مذکورند که آخذ این عجاله است و مشهور به تذکره میرعلاءالدوله است» ولی بسیاری از این شعرا را اشپرنگر در فهرست اسامی این تذکره در ذیل نفایس المآثر ذکر نکرده است و از این معلوم میشود که نسخه بداونی موخرتر یا مفصل تر از نسخه اشپرنگر بوده است.

این تذکره مشتمل است بر شرح حال و آثار سیصدو پنجاه شاعر بترتیب الفبائی ازروی حرف اول اسم یا تخلص آنها. اکثر این شعرا در زمان اکبرشاه درهندوستان میزیسته‌اند.

چنانکه مؤلف دیباچه دراین کتاب توضیح داده است اسم آن «نفایس المآثر» سال تألیف آن (۹۸۳ھ) را میرساند ولی از قطعه‌ایکه در آخر کتاب آورده است معلوم میشود که سال ۹۷۳ھ سال آغاز تألیف این تذکره و سال ۹۷۹ که آن قطعه متضمن آن تاریخ میباشد سال اتمام این کتابست. اومرعبارت «تحت علی بدیهه» ۹۷۹ بطور تاریخ اتمام این کتاب ذکر نموده است[1].

علاوه براین مؤلف درمتن کتاب بعضی مطالب را آورده است که بسال‌های ۹۷۹ھ تعلق دارد. همچنین قسمت تاریخی این کتاب درسال ۹۸۲ تمام می‌شود و ریو گردآورندهٔ فهرست موزه بریتانیا عقیده دارد همین سال اتمام این تذکره است[2] اما درمتن این کتاب بعضی شواهدی وجود دارد که از آن میتوان استنتاج نمود که باوجود اینکه تألیف اصل این کتاب بسال ۹۸۲ھ تمام شده بود ولی مؤلف تا سال ۹۹۸ھ دراین کتاب اضافه نموده است چنانکه ازوقایع زیر که دراین کتاب ذکر شده است معلوم وظاهر میگردد:

(۱) درسنه ۹۹۸ھ عتابی درقلعه گوالیار زندانی شد.

(۲) درمحرم ۹۹۸ھ سیدعلی غجکی یکی از خواننده‌های دربارشاهی فوت کرد.

نسخه خطی این تذکره که در علیگره موجود است مشتمل بر قسمت‌های زیر میباشد.

(۱) **مطلع** که حاوی مطالب زیر است:

الف ـ حمد و نعت

ب ـ بحث مفصل درباره قدامت شعر و فضیلت آن به نثر

ج ـ سبب تألیف کتاب

د ـ تعریف اکبرشاه

۱ـ ر.ك. اومر ص ۳ش ۳

۲ـ ر.ك. ریو ج ۲ص ۱۰۲۲ب

... بحث درباره اصل فن شعر

(۲) **احوال‌الشعراء** در این قسمت شرح حال و آثار شعرای معاصر و قریب‌العهد و بعضی بعیدالعهد آمده است و در ذیل احوال شعرا ضمن شرح حالشان اشاره به آثار و اشعار و اطلاعات جغرافیائی و تاریخی در مورد وطن و زمان آنان کرده است.

(۳) **مطالب** ـ این قسمت مشتمل بر وقایع تاریخی است بترتیب زیر:

الف ـ شرح حال بابر شاه (۸۹۹ ـ ۹۳۷ﻫ) ظهیرالدین محمد و وقایع تاریخی عهد او

ب ـ » همایون شاه (۹۳۶ ـ ۹۶۳ﻫ) » »

ج ـ » اکبر شاه (۹۶۳ ـ ۱۰۱۴ﻫ) » »

مؤلف در قسمت آخر این تذکره ذکری از حوادث زمان معروف دربار هند آورده است

این نسخه مونیخ[۱] شامل قسمتهای زیر میباشد:

۱ ـ **مطلع** ـ مشتمل بر دو مصرع بدین ترتیب:

مصرع اول «در کیفیات صدور شعر»

مصرع دوم «در تعریف و تقسیم شعر»

۲ ـ شرح حال و اشعار تقریباً ۳۵۰ شاعر مخصوصاً از قرن دهم هجری بترتیب الفبا در بیست و هشت «بیت» (هر بیتی مخصوص برای یک حرف الفبائی)

۳ ـ یک قطعه راجع بتاریخ گجرات از ۹۸۰ تا ۹۸۵ﻫ

۴ ـ **مقطع** که مشتمل است بر تاریخ عهد بابر و همایون و اکبر در سه «مطلب»[۲]

این تذکره (قسمت شعرا) با «آشوب نطنزی» شروع شده با «یوسفی نرسابادی (نصر آبادی)» تمام میشود.

علاءالدوله طبعاً آدم سخت گیری نبوده است و در این کتاب سعی نموده است بر گفته‌های هیچکس ایرادی نگیرد و بر روش هیچکس انتقادی نکند و بهمین علت

---

۱ ـ ر.ك. فهرست کتابخانه مونیخ ص۳ ش۳.

۲ ـ باید اذعان کرد که «مطلع و مصرع و بیت و قطعه و مقطع و مطالب» هریک در این تذکره بمعنی قسمت و باب است نه بمعنی اصطلاحی آن و اسم گذاری ابواب کتاب بدین طریق و طرز مبتکرانه و شاعرانه، بمنظور تسهیل در تفریق ابواب و تقسیم کتاب بوده است.

بداونی برطرز وروش وی انتقاد کرده است[١].

نسخ خطی

١ـ کتابخانه دانشگاه علیگره (ذخیره سبحان‌الله) . نسخهٔ کاملی است مورخ ١٠ ربیع‌الاول سنه ١٠٨٥ه . بعضی اوراق آن کرم خورده و آب رسیده است.

٢ـ کتابخانه رامپور ـ نسخه ناقص‌الاخر است ولی قسمت تاریخی آن کامل است و مانند نسخه موزه بریتانیا است.

٣ـ موزه بریتانیا ـ این نسخه که مورخ قریب ١٨٦٠م است تنها ٩٥ برگ این کتاب دارد که مشتمل بر مقدمه و فهرست مضامین و خاتمه و قسمت تاریخی تا جمادی الثانی ٩٨٦ه از عهد اکبر شاه و شرح حال نامربوط و پریشان بعضی شعرا است (رجوع شود به ریوج ٣ س ١٠٢٢ الف).

٤ـ فهرست نسخ خطی ازبکستان شرقی ـ نسخه‌ای ناقص دارد که ظاهراً در سده نوزدهم استنساخ شده است.

٥ـ اومر فهرست کتابخانه مونیخ ـ ٣٣٥ برگ و صفحه‌ای ١٧ سطر دارد مورخ ٩٨٩ه (رجوع شود به اومر فهرست مونیخ ص ٣ ش ٣).

٦ـ کتابخانه دانشگاه لاهور ـ ذخیره مرحوم پروفسور سراج‌الدین آذر ... بعضی اقتباسات از این نسخه پروفسور محمد شفیع در اورینتل کالج مگزین لاهور چاپ کرده است .

٧ـ کتابخانه موتی محل لکنهو ـ نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه شاهی اود بود و اشپرنگر شرح آنرا در فهرست خود آورده است (رجوع شود به اشپرنگر ش ١٠) .

٨ـ راس ـ براون ش ٢٤٧ (٢) مورخ قریب ١٨٦٢م .

٩ـ رهاتسک ص ١٦٩ ش ١٤٧ .

١ـ ر.ك. بداونی ج ٣ صفحات ٧٧ و ١٢٣ و ٢٧٣ و ٢٧٨

مجمع الفضلا

ابتدا

«سپاس بیغایت وستایش بی‌نهایت آفریدگاری‌را جل جلاله و عم‌نواله که از کمالات موجودات در دریای وجود شخصی انسانی سفینه‌پردفینه پرداخت».

شرح حال مؤلف

مولف این تذکره محمد عارف‌بقائی است. وی بقول خودش در بخارا بدنیا آمد و ازشاگردان ملامشفقی بخارائی [۱] بود ومدتی درماوراءالنهر درملازمت سلاطین ازبکیه بسر برد [۲]. وی بسال ۹۷۹ه وارد هندوستان گردید و چندی درولایت‌اوریسه وبنگاله گذراند سپس بدارالخلافه آگره رفته آنجا تذکره خودبنام «عارف الاآثار» را تألیف کرد و بعد از آن بدکن روی آورد و آنجا درخدمت عبدالرحیم خانخانان بسر برد ومدتی باملاظهوری آشنائی داشت ودرزمان اقامت خود در دکن مثنوی «گلشن اشعار»را بوزن‌شاهنامه درمدح عبدالرحیم خانخانان سروده است [۴].

سپس بقائی بگجرات رفت وآنجا بامیرزا نظام‌الدین احمد [۵] (مولف طبقات اکبری) بسر برد. وی دراوایل «مشغولی» تخلص میکرد ولی به‌پیشنهاد میرزای مربور تخلص بقائی‌را اختیار کرد.

۱ــ مؤلف مآثررحیمی «خواجه عارف‌بقائی» نوشته است. رجوع شود به‌مآثررحیمی جلد سوم خاتمه - قسم دوم دراحوال شعرا ش۹۵.

۲ــ برای شرح حال مشفقی بخاری رجوع شود به «مجمع الفضلا» شاعر اول در فرقه سوم.

۳ــ بقائی این اطلاعات راجع بزندگانی خود را بروایت مولف مآثر رحیمی در تذکره «عارف‌الاثار» ذکر نموده است.

۴ــ ر.ك. مآثررحیمی ج۳ قسم دوم ش۹۵.

۵ــ برای شرح حال نظام‌الدین احمد ر.ك. به مآثرالامراء جلد۱ صفحه ۶۶۰-۶۶۴

بقائی درزمان تألیف منتخب‌التواریخ بداونی ملازمت خانخانان‌را ترک کرده به‌آگره رفت [۱]. این‌واقعه ظاهراً قبل از تألیف «مجمع‌الفضلا» صورت گرفته؛ چون ازقرائن معلوم‌میشود که وی درموقع تألیف این کتاب به خدمت خانخانان مربوط نبوده است [۲].

بقیه احوال زندگی بقائی بدست نیامده ومعلوم نیست که وی درچه سالی فوت کرده است [۳] اما وی تاتألیف مآثررحیمی (۱۰۲۵ه) در قید حیات بوده چنانکه ذکر اودرآن تاریخ درجلد سوم خاتمه آمده است.

تبصره براین کتاب

مؤلف چنانکه خودش در مقدمه توضیح داده است تألیف این کتاب را در ۹۹۶ه در اندگان (اندجان) آغاز و درسنه ۱۰۰۰ه در قصبه وزیر پور [۴] بپایان رسانیده است.

در مورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه مینویسد «در زمانیکه (مؤلف) به‌تتبع

۱ــ ر.ک منتخب‌التواریخ بداونی ج۳ص۱۹۶.

۲ــ بداونی درمنتخب‌التواریخ ج۳ ص۱۹۶ درپایان شرح حال بقائی اضافه میکند «و اکنون از ملازمت خانخانان جدا شده میگویند که درآگره آمد وقصد لاهور دارد» منتخب‌التواریخ درسال ۱۰۰۴ه بپایان رسیده است اما ظاهراً بداونی این‌قسمت شرح‌حال بقائی‌را قبل‌ازسال ۱۰۰۰ه نوشته‌است چنانکه بسیاری ازقسمت‌های دیگر آن کتاب‌رانیز قبل از ۱۰۰۰ه نوشته است.

۳ــ ریو درجلد۳ ص۱۰۸۶ب مینویسد که بقائی در زمان جهانگیر فوت کرده است.

۴ــ در هندوستان درآن زمان دومحل بنام وزیرپور وجود داشت یکی در سرکار بارباک‌آباد در صوبه (استان) بنگاله و دیگری در سرکارآگره و صوبه‌آگره بوده است (رجوع شود به‌آئین اکبری ج۲چاپ نولکشورلکهنو ص ۵۹ ستون۲ وص ۸۶ ستون ۲) اما به‌احتمال قوی منظورمحل اخیرالذکراست چون مولف درموقع تألیف این کتاب درآگره بود.

اشعار بعضی از فضلا وشعرا توجه مبذول داشت مشعر که ایشانرا مع احوالات و کیفیات در قلم آورده اسامی آنها که درمیان مردم مشهور و در کتب تواریخ مسطور بود اختیار مینمود که جمله قابل روزگار بودند و هریک در نزد خواقین معظم و سلاطین مکرم وامرای عالیهم نزدیک ومحترم بودند و بعضی که احوال ایشان ظاهر وهویدا بود از دیده و شنیده مرقوم فی کتب و بعد ازجمع کردن آن بخاطر این فقیر حقیر چنان رسید که علی الترتیب به بیاض برده و در تحریر آورد واحوال و کیفیات و لطایف ایشان را گاهی تفصیلا و گاهی اجمالا بیان گرداند بنا براین جرأت نموده نبذی از مسودات بیحاصل وشطری از موهومات باطل که املای آن اتفاق افتاده بود در تحریر آورده ».

مؤلف این کتاب را بنام نواب ابوالفتح سلطان اسفندیار بن سلطان خسرو بن سلطان یارمحمد بن سلطان جانی بیک [1] عنوان کرده است [2].

---

(١) شرح حال ابوالفتح سلطان اسفندیار ازهیچ مأخذی بدست نیامد درشجره نامه امرای شیبانی که در «طبقات سلاطین اسلام» تألیف استانلی لین پول وترجمه مرحوم عباس اقبال درصفحه ٢٤٤ بهنام «جانی بیگ» برمیخوریم اما چنانکه ازآن شجره نامه پیداست وی «سلطان» نبوده ونهدراولاد اوکسی بنام «یارمحمد» بوده است همچنین درذیل اسامی «شعبه امرای بخارا» درهمان کتاب درصفحه ٢٤٣ اسم یارمحمدکه در ٩٥٧ ﻫ جلوس کرده ودرذیل اسامی «شعبه امرای سمرقند» اسم خسروسلطان که در ٩٦٨ ﻫ جلوس کرده بچشم میخورد اما معلوم نیست که اینها باهم چه نسبتی داشته‌اند. در هرحال اسم ابوالفتح سلطان اسفندیار نه در شجره نامه‌ها و نه در فهرست امرای ماوراءالنهر ذکر نشده است و تنها اسم یك نفر «اسفندیار» که در ١٠٣٢ ﻫ جلوس کرده است درفهرست اسامی خانان خیوه سابق الذکر درصفحه ٢٥٠ ذکر شده است که بعللی چند نمیتواند ازاولاد امرای بخارا وسمرقند باشد ازجمله اینکه خانان خیوه غالباً باامرای بخارا درجنگ بودند (رجوع شود به طبقات سلاطین اسلام ص ٢٤٩). درهرحال هویت کامل ابوالفتح اسفندیار هنوز معلوم نشد. اما باحتمال قوی وی از امرایااولادامرای بخارا ونواحی دیگر ماوراءالنهر بوده است چون خود عارف بقائی اصلا اهل آن نواحی بوده واین تذکره را در ٩٩٦ ﻫ دراندجان شروع کرده است.

٢ـ مؤلف مآثر رحیمی مینویسد «وتصنیف دیگرکه «جمیع الفضلا» نام کرده وآن نیز مبنی برمدح این نامدار است» امامولف درمقدمه کتاب آنرا صریحاً بنام «سلطان ابوالفتح اسفندیار» عنوان کرده است.

این کتاب مشتملست برمقدمه و سه «فرقه» و خاتمه حاوی ذکر ..[۱] شاعر میباشد که ذکر این شعرا درهر فرقه بترتیب زمان آمده‌است . مؤلف درمقدمه بعداز حمد ونعت ومنقبت صحابه وحضرت امام‌حسین مختصراً ذکرفصحای عرب‌را آورده است.سپس درسه «فرقه» وخاتمه‌مطالب زیررا ذکر نموده است :

فرقه اولـ «دراحوال و کیفیات فضلا وشعرا که‌ازابتدای‌ظهور استادرودکی تازمان‌ظهورجامی کوس شاعری زده‌اند» میباشدوبا«ابوالحسن رودکی» شروع‌شده با«مولانا محمودپرسه» تمام‌میشود ومشتملست برذکر ۱۳۰ شاعر .

فرقه دوم ــ در ذکر احوال شعرای‌زمان مولانا جامی و فضلای آن روز گارتازمان‌مولانا مشفقی و با«مولانا نورالدین‌جامی»شروع‌شده‌با«مولاناساعدی»تمام میشود ومشتملست برذکر احوال۱۲۰شاعر.

فرقه‌سومــ«درذکروا‌وصاف مولوی مشفقی واحوال ومقامات‌اکابر که‌الیوم بوستان‌خرد بزیور فضل وبلاغت ایشان آراسته» است میباشد وبا « مولانا مشفقی » شروع‌شده‌با «. . . . [۲]» تمام‌میشود ومشتملست برذکر . . . [۳] شاعر .

خاتمه ـ« درذکر وبیان مجانین ودیوانگان جنون‌آئین وهزال‌ومسخره‌ها و اهل خبط و طامه که بسبب غلبه حماقت و قصور فطرت از فواید علمی بی بهره مانده‌اند ومباحثات ایشان ومتشعرات‌ناموزون ومتظمان ازوزن‌برون ولطایف کور وکران ونقلیات شیرین واغلاط عام وامثال آنها » .

شرح‌حال ونمونه‌اشعار شعرای زیررامفصل‌آورده است : **فرقه‌اول** فردوسی طوسی و خواجه ابوالعلا گنجوی وسعدی شیرازی و شاه‌قاسم‌انوار **فرقه‌دوم مولانا** جامی (در۹ ص) وظهیرالدین محمدبابر وناصرالدین محمدهمایون وشاه‌بیگ‌خان

۱ــ نسخه دانشگاه‌لاهورکه مورد استفاده‌نگارنده این کتاب قرارگرفته است‌ناقص‌الآخرمیباشد وباذکر «یمانی» درفرقه سوم‌تمام‌میشود وذکرتنها ۴۱۰ شاعررادارد .

۲ــ ر.ك.حاشیه افوق .

۳ــ فرقه‌سوم درنسخه دانشگاه لاهور ذکر ۱۴۰ شاعررا دارد .

وعلیشیر (نوائی) وخواجه آصفجاهی آصفی ودیوانه جامی وبابافغانی ومولانا هاتفی وفخرالدین علی وبنائی ورضائی ومولانا حیدر واهلی شیرازی ومیرسیاه (؟) وخواجه ابوالبرکه وامیدی تهرانی وهلالی استرآبادی و خواجه ایوب و خواجه هاشمی و مولانا کوکبی وخواجه حسن شاه شاعر وغزالی مشهدی ووصفی وزیرکی و زحمی و آگهی وشهودی و واصلی **فرقه سوم** دستغیبی و میرزا قاسم (در ۷ صفحه) و قدسی و نوبدی ودرویش بهرام ومیرزا ابراهیم واشتراب ومحمد شریف و عالم کابلی وحافظ سلطان علی (در صفحه ۵) وخواجه حسن ودیوانه محتشم وبیرام خان و مولانا رعدی وملاقمی وسعید خواری ومیرزا قاسم وحافظ ابراهیم ومحمد رحیم (عبدالرحیم) خانخانان وفیضی وجعفر آصفخان وشکیبی ونوعی وعرفی وثنائی .

شرح حال فضلا وشعرای زیررا مفصل ولی نمونه اشعارشان را مختصر آورده است :

فرقه دوم سلطان حسین بایقرا شاهزاده بدیع الزمان و فریدون حسین میرزا ومحمد مؤمن میرزا وشاه اسمعیل وخواجه الله مروارید و امیر حسین وعماد فضل الله
فرقه سوم مظفر سلطان ومیر بدیع ومیرزا قاسم ترخان.

سبک انشای مؤلف ساده است اما در مقدمه ودرموقع تعریف شعرا گاهی بنثر مصنوع پرداخته است وقبل ازاسم بعضی شعرا القاب توصیفی آورده است که گاهی باسم یاتخلص شاعر جناس دارد مانند افصح الفصحا امیر معزی ومقبول الملوک نظامی عروجی (عروضی) سمرقندی وفصیح البیان فصیح جرجانی و کنز ذوفنون مولانا جنونی وطوطی گلستان شیرین مقالی مولانا هلالی.

سالهارا بالفاظ عربی آورده و گاهی بعضی عبارات عربی رابکار برده است مانند «وکان ذلک فی شهور سنه ثمان وتسعین وتسعمایه» (عرفی).

نسخه خطی این تذکره

نسخه منحصر بفرد این تذکره در دانشگاه لاهور موجوداست . این نسخه

مقدمه مؤلف تنها تذکره دولتشاه وسام میرزا راذکر نموده است و با کمال بی انصافی بیشرمی اسم لباب الالباب را که اکثر مطالب این کتاب را از آن نقل نموده است اصلا نبرده است. وی تعریف جلال الدین اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ه) را بعنوان پادشاه حاضر کرده و این کتاب را بنام عبدالرحیم خانخان منسوب و معنون کرده است.

هفت فصل کتاب بدین قرار است:

فصل اول – در حسن شعر.

فصل دوم ـ در معنی شعر.

فصل سوم – در آغاز شعر.

فصل چهارم – در اول کسیکه شعر فارسی گفت.

فصل پنجم – در ذکر ملوک و سلاطین که شعر سروده اند. از ساسانیان شروع شده با ملک اختیار الدین شیبانی معاصر سلطان سنجر تمام میشود.

فصل ششم ـ در ذکر وزراء صدور و اعاظم دیگر که شعر میسروده اند. با ابوالقاسم احمدبن الحسن میمندی شروع شده با شیخ ابوسعید ابوالخیر تمام میشود.

فصل هفتم ـ در ذکر شعرا از زمان سامانیان تا زمان سلطان محمود. این قسمت آخر که قسمت اعظم کتاب را تشکیل میدهد تا اندازه ای بترتیب تاریخی است و با ابوالحسین شهید بلخی و ابوعبدالله بن محمد رودکی و کسائی مروزی و عنصری و فرخی و عسجدی واظهری و ابوالفتح بستی و اسدی طوسی و فردوسی وغیره شروع شده با قاسم جنابادی معاصر شاه طهماسب تمام میشود.

خاتمه کتاب در ذکر سلاطین و امرا و فضلا و شعرائی که در زمان اکبر میزیسته اند و بعضی از آنها با مولف آشنا بوده میباشد در اوایل این قسمت ذکر عبدالرحیم خانخان و سلطان ابراهیم بن بهرام صفوی و خان احمد (حاکم) گیلان و در آخر آن ذکر رمزی اصفهانی و دوائی سبزواری و روئی ساوجی آمده است.

در اول این کتاب فهرست اسامی شعرا (در هشت صفحه) آمده است.

[illegible]

[illegible] (١)

[illegible] (٥٠١٥) [illegible] (٣١٠١ – [illegible] ٣١٠١٥) [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در هندوستان سکونت داشت[1]

بقیه شرح حال مؤلف بدست نرسید .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۰۰۲ ه تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که
در دیباچه کتاب آورده میرساند :

این نسخه که هست همچو فردوس نکو
تا مثنوی در او شد بشکفتی دو

گر از تو سؤال تاریخ کنند
تصنیف امین احمد رازی گو

اما چنانکه اته در فهرست اندیا آفس تذکر داده است مؤلف در فهرست اسامی سلاطین عثمانی اسم محمد ثالث را نیز ذکر کرده است که نشان میدهد که قسمتی از این کتاب بعد از سال ۱۰۰۲ ه تألیف شده است ولی در هر حال بیان پروفسور (براون) مبنی بر اینکه سال تألیف این کتاب ۱۰۲۸ ه است[2] صحیح نیست .

مؤلف در دیباچه کتاب در مورد سبب تألیف کتاب چنین توضیح داده است :
«(مؤلف) همیشه اوقات خود را در تحقیق احوال ابرار و اخبار اخیار مصروف میداشت و اشعار نوادر عوائد ایشان (را) اغتراف و اقتباس مینمود تا آخر بنا بر وفور خواهش خود و اشاره بعضی دوستان خاطر بدان قرار گرفت که تذکره (ای) جمع سازد از نظم و نثر تا زمان حال . . . و بعد از شش سال که لیل و نهار بدان مواظبت نموده شد کتابی بحصول پیوست مملو از اشعار و حکایات و آثار » .
مؤلف اسم مآخذ را در دیباچه یا خاتمه کتاب نیاورده است اما در ذیل شرح حال

---

۱ ـ در هفت اقلیم بیانات و اشاراتی با کبرشاه و شعرای در بار او آمده است که حاکی از این است که مولف در موقع تألیف این کتاب در هندوستان اقامت داشته است مثلا در ذیل نام طارقی ساوجی مینویسد که او در حدود پانزده سال «ملازم این درگاه » بوده است (برای طارقی ساوجی ر . ك . بدوانی ج۳ ص ۲۳۳)

۲ ـ ر . ك . تاریخ ادبیات براون ج۴ ص ۴۴۸

وبلاد اسم کتابهای زیررا آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده است .

۱ـ مجمع الانساب (رجوع شود به دیباچه).

۲ـ نزهت القلوب (رجوع شود به ابرقوه و کرمان و غیره) .

۳ـ عجایب البلدان (رجوع شود به بغداد ولاهور و غیره) .

٤ـ لب التواریخ رجوع شود به بغداد) .

٥ـ تذکرة الاولیا (ی عطار) رجوع شود به معروف کرخی و جنید و غیره) .

٦ـ تاریخ اعصم کوفی (رجوع شود به کوفه).

۷ـ نفحات الانسان (جوع شود به شیخ ابو بکر کتابی و غیره).

۸ـ طبقات محمود شاهی رجوع شود به ابو یوسف بن ابراهیم و غیره).

۹ـ مناظرة الانس رجوع شود به ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم و غیره) .

۱۰ـ تاریخ بناکتی (رجوع شود به دارابجرد) .

۱۱ـ تاریخ الفی (رجوع شود به مصر و غیره) .

۱۲ـ عجایب مخلوقات (رجوع شود به بابل ولاهور و غیره).

۱۳ـ تاریخ جهان آرا (رجوع شود به لار).

۱٤ـ غرایب الاسرار (رجوع شود به مصر).

۱٥ـ جامع التواریخ (رجوع شود به برمکیان تحت بلخ).

۱٦ـ تاریخ گزیده (رجوع شود به کرمان و قزوین و غیره).

۱۷ـ چهار مقاله (رجوع شود به عنصری و فردوسی و غیره).

۱۸ ـ ظفر نامه تألیف شریف الدین علی یزدی (رجوع شود به کشمیر و غیره).

۱۹ـ تاریخ میرزا حیدر (رجوع شود بهٔ کشمیر).

۲۰ حبیب السیر (رجوع شود به عماد فقیه و مصر بلخ و غیره) .

۲۱ـ جواهر الاسرار تألیف آذری (رجوع شود به فلکی و عماد فقیه و غیره) .

۲۲ـ تاریخ مبارکشاهی (رجوع شود به قندهار و قزوین و غیره).

۲۳ ـ تذکره عوفی (رجوع شود به عثمان بن محمد مختاری و تاج الکتاب

و غیره) .

۲٤ ـ طبقات اکبری (رجوع شود به آگره) .

۲۵ ـ رساله درعجایب وغرایب هند تألیف میر محمد یوسف (رجوع شود به کالپی)

۲٦ ـ اسباب العجایب (رجوع شود به مصر) .

۲۷ ـ بهارستان (جامی) (رجوع شود به عبدالواسع جبلی) .

۲۸ ـ آثار البلاد (رجوع شود به مصر و قم و همدان) .

۲۹ ـ تاریخ قدیم هرات (رجوع شود به هرات) .

۳۰ ـ تاریخ هرات (رجوع شود به خواف)

۳۱ ـ نهایت الادراك (رجوع شود به قسطنطنیه)

۳۲ ـ تاریخ رشیدی (رجوع شود به ختن) .

۳۳ ـ طبقات فقها (رجوع شود به محمد بن اسمعیل القفال) .

۳٤ ـ تاریخ یافعی (رجوع شود به ابن المقفع) .

۳۵ ـ تذکره دولتشاه (رجوع شود به شیخ آذری) .

۳٦ ـ جامع رشیدی (رجوع شود به خواجه نصیر الدین طوسی) .

۳۷ ـ مجالس النفائس (رجوع شود به درویش دهکی) .

۳۸ ـ نظام التواریخ (رجوع شود به خاقانی) .

۳۹ ـ روضة الصفا (رجوع شود به بیلقان و سمرقند) .

این کتاب مشتمل است بر مطالب جغرافیائی و تاریخی و در ذیل بلاد مختلف مؤلف ذکر هزار و پانصد و شصت تن[1] از شعرا و عرفا و فضلا و امرا و ملوکی را که شعر سروده اند آورده است .

طبق عقیده قدیم مؤلف هم « ربع مسکونی » را در هفت اقالیم قسمت کرده و اطلاعات فوق را تحت هفت اقلیم آورده است بدین قرار :

اقلیم اول ـ شامل ذکر یمن و بلاد الزنج و نوبیه و چین .

---

۱ ـ ر . ك . فهرست اندیا آفس ج۱ ش ۷۲٤ که آنجا فهرست اسامی این ۱۵۲۰ تن ذکر شده است .

اقلیم دوم – درذکر مکه ومدینه و یمامه و هرمزود کن(اینجا مؤلف تاریخ سلاطین دکن رااز قدیم تاسال ۹۹۹ھ آورده است)واحمدنگر ودولت آباد و گولکنده واحمدآباد وسورت و بنگال واریسه و کوچ.

اقلیم سوم- درذکر عراق، وبغداد و کوفه ونجف وغیره وبصره ویزد و فارس و سیستان وقندهار ،غزنین ولاهور ودهلی (اینجامولف تاریخ هندوستان ازقدیم تازمان اکبر وذکر فضلای دهلی را آورده است)وسوریه ومصر.

اقلیم چهارم –خراسان وبلخ وهرات وجام ومشهدو نیشابور وسبزوار وا فراین وغیره واصفهان و کاشان وقم وساوه وهمدان وری وتهران ودماوند واسترآباد وطبرستان ومازندران و گیلان وقزوین و آذربایجان وتبریز واردبیل ومراغه .

اقلیم پنجم - شروان و گنجه و خوارزم و ماوراءالنهر و سمرقند وبخارا و فرغنه .

اقلیم ششم – ترکستان وفاراب ویارکند وغیره وروسیه وقسطنطنیه وروم .

اقلیم هفتم – بلغار وسقلاب ویاجوج وماجوج .

گاهی راجع به بلادو کشور های مختلف بعضی اطلاعات جالب و مفیدی را آورده است مثلا درذیل کالپی «انواع میوه‌های هندوستان و بعضی عجایب آن‌جا»را مخصوصاً دربارهٔ جوگیان (درویشان هندو) شرح داده است .

گاهی درذیل نام بعضی شعرا وفضلا نمونه‌هائی ازنثرهم از آنها نقل کرده است مثلا رجوع شود به عبیدزاکانی .

مؤلف اکثر سعی کرده است نثرمصنوع بنویسد چه درمقدمه کتاب وچه درذیل شرح‌حال شعرا وحتی گاهی بنوشتن نثر مسجع نیز پرداخته است .

گاهی بعضی کلمات توصیفی را هم قافیه بااسم یا تخلص شاعر آورده است مانند :

«سیدذوالفقار : شاعرپاکیزه روزگار نیکو گفتار بود».

همچنین دربعضی القاب و کلمات توصیفی برعایت اسم یا تخلص شاعر جناس آورده است مثلا :

فضولی : « در فضل و دانش بر بسیاری از همگان فایق بوده و در فهم و ذکا بر اقران سابق » :

مولانا شرف الدین علی : « در عصر خود اشرف فضلای ایران و الطف علمای دوران بود »

افصح الدین فلکی : « ملك جهان بلاغت و مهر آسمان فصاحت بوده » .

در ذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی « فوت شد » آورده است مثلا :

در ذیل مولانا احمد می نویسد : « تا معمار قضا ابواب زندگانیش را (به) بلاد اجل بر آورد » .

سالهارا همه جا با الفاظ عربی آورده است .

رویهمرفته این کتاب نه تنها از حیث جغرافی و تاریخ بلکه از حیث تذکره شعرا و فضلا دارای اهمیت و ارزش زیاد میباشد و مخصوصاً برای شعرای زمان اکبر شاه این کتاب جزو منابع اصیل میباشد . .

نسخ خطی

١ ــ قاهره ٥٠٩ ــ کتابخانه خدیویه مصر ص ١٠ ــ ٥٠٩ دارای ٣١٠ برگ صفحه‌ای ٢٣ سطر مورخ ذوالحجه ١٠٥٢ هـ .

٢ ــ ادبیات تهران ش ٤ ــ ب (از آغاز تا اقلیم ششم) و ش ٥٢ ــ ب (مورخ ٥ صفر ١٢٥١ هـ) و ش ١ / ٣ ــ ج (مورخ ٢٢ دی ١٣١٩ ش / ١٥ ذوالقعده ١٣٥٩ ــ جلد اول آغاز تا سید محمد دارای ٥٩٥ ص) و ش ٢ / ٣ ــ ج (همان نسخه ــ جلد دوم تا پایان کتاب از ص ٥٩٦ تا ص ١١٢٨) .

٣ ــ مرکزی تهران ــ ش ٢٧٥٦ مورخ ١١٣٩ هـ .

٤ ــ ملك تهران ــ ش ٤٣١٣ مورخ ١٠٣٠ هـ .

٥ ــ H.Kh. (ح ــ خ) ج ٦ ص ٥٠١ ش ١٤٤١١

٦ ــ سپهسالار ج ٢ ص ٤٨٥ ش ١١٢٣ مورخ ١٠٢٥ و ش ١١٢٤ مورخ ١٠٧١ هـ و

۱۱۲۵ (اوایل قرن ۱۱ هـ - چند برگ از آن افتاده است).

۷ـ بادلین ۴۱۶ (مورخ ۱۰۳۹ هـ) ش ۴۱۷ (مورخ ۱۰۷۵ هـ) و ش ۴۱۸ (مورخ ۱۱۹۹ هـ) و ۴۱۹ (تنها اقلیم ۳ و ۵ بدون تاریخ) ۴۲۰ (تنها اقلیم ۴ بدون تاریخ) نسخ فارسی ـ ۲۴ (C) (مورخ ۱۰۵۲ هـ)

۸ ـ اکسفورد ۲۰ (ناقص بدون تاریخ) .

۹ ـ لنینگراد ۱۱۳۴ (مورخ ۱۰۶۶ هـ) و ۱۱۵۴ هـ .

۱۰ ـ بلوشه ۶۴۲ مورخ ۱۰۶۸ هـ و ۶۴۳ مورخ ۱۰۹۴ هـ .

۱۱ ـ بانکی پور ج ۷ ش ۶۳۶ (قرن ۱۷ م)

۱۲ ـ ریو ج ۱ ص ۳۲۵ ب (قرن ۱۷ م) ص ۳۳۶ ب (۱۵۰۹ هـ) ص ۳۳۷ الف (قرن ۱۷ م) ۳۳۷ ب (دو سوم اول کتاب - قرن ۱۷ م) ج ۳ ص ۹۷۰ الف (۱۲۶۱ هـ) ذیل ش ۱۳۷ قرن ۱۷ م)

۱۳ ـ آصفیه ج ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۹۰ (قرن ۱۱ م) ج ۱ ص ۲۳۲ ش ۴۶۵.

۱۴ ـ لندزیانا ص ۱۱۳ ش ۷۱۲ (اوراق پریشان - درحدود ۱۷۵۰ م) .

۱۵ ـ ایوانو ۲۸۲ (۱۱۶۶ هـ) ۲۸۳ (۱۸۷۱ م) ایوانو - کرزن ۸۰۶ (قرن ۱۹ م).

۱۶ ـ مجلس ۴۵۶ (۱۲۷۳ هـ) ۱۷ بوهار ۱۰۰ (قرن ۱۷ م) .

۱۸ ـ دانشگاه بمبئی ۳۶ (قسمتی از کتاب شامل شعرای ش ۹۸۵-۱۵۵۸ (رجوع شود به اته).

۱۹ - براون نسخ فارسی ۱۱۰ .

۲۰ ـ براون ذخیره (K) ش ۵ (۱۳) (= هوتم شنیدلر ش ۳۹)

K ش ۴ (= اندیا آفس ش ۴۵۴۱ - رجوع شود به ۲۱ زیر) ،

۲۱ ـ اندیا آفس ۴۵۴۱[1] (۱۰۰۶ یا ۱۱۰۷ هـ؟) ؛

۲۲ ـ آتن ۶۵ (ناتمام) .

---

۱ ـ این نسخه در فهرست اته ذکر نشده است ر.ك. استوری ج ۱ ق ۱ ص xxi در ذیل علامت I.O.

۲۳ - کپورتهلاش۹٤(رجوع‌شود به OCM ج۳ ش٤ اوت ۱۹۲۷م).

۲٤ - دانشگاه‌لاهور - دونسخه (رجوع‌شود به OCM ج۳ ش۱ نوامبر ۱۹۲۶ م ص۶۸).

۲۵ - اته ش ۷۲٤و۱۸۳۵ (۱۰۸۹ه) و ش۷۲۶ (ناقص‌الاول-ازاقلیم‌سوم تا آخر ۱۰۹۳ه).

چاپ

۱ - جلداول کلکته ۱۹۱۸م وجلد دوم ۱۹۲۷م وجلد سوم ۱۹۲۹م (نایر توی شیرازی‌ش ۲۶۰ رجوع‌شود بفهرست اسامی اته).

۲ - تهران کتابفروشی ادبیه ناصرخسرو - ۱۳٤۰ ش (چاپ پر ازاغلاط است).

۳ - کلکته - باهتمام دکتر اسحق‌در ۵۰۰ صفحه دردست‌چاپست.

ازتخاب

انتخاب هفت‌اقلیم - فیض‌الله‌همت انصاری جونپوری بنام‌وجیه‌الدین علیخان بهادر (رجوع‌شود به‌اته ش ۷۲۷).

همچنین بعضی‌ها اقتباسات و ترجمه‌آن را دراوقات‌مختلف در اروپا و غیره بزبانهای فرانسه وآلمانی وانگلیسی چاپ کرده‌اند. رجوع شود به استوری ج ۱ ص ۷۱ - ۱۱۷۰).

برای شرح‌حال**مولف** رجوع‌شود به هفت‌اقلیم واستوری ج ۱ ص ۱۱۷۰.

فهرست اسامی شعرا

رجوع‌شود به فهرست اندیا آفس ج۱ ش ۷۲٤ ص۴۹۹ - ۳۸۱ (کلن ۱۵۶۰ نفر شاعروغیره).

خلاصة الأشعار و زبدة الافكار

ابتدا:

« جواهر حمد و ثنای که فرح قلوب اصحاب دین و مفتاح صدور ارباب عشق متین تواند بود سزاوار جمیلیست که بجلیات صفات خود از آینه انسانی بحکم ان الله خلق الانسان علی صورته تظاهر گردانید » .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب تقی الدین محمد و تخلص او ذکری است و او معروف به تقی کاشی بوده . اسم پدرش شرف الدین علی الحسینی[1] الکاشانی است مؤلف در کاشان در ۹۵۶ ه بدنیا آمد وی از شاگردان محبوب محتشم کاشی بوده چنانکه در زمان بیماری خود در ۹۹۶ ه که منجر بمرگ محتشم شد وی از این شاگرد خواهش کرد که دیوان اشعار او را جمع و تدوین کند و ذکری چنین کرد و مقدمه‌ای بر آن دیوان افزود[2] مؤلف اکثر اوقات زندگانی خود را در ایران در کاشان بسر برده اما در آخر عمر بهند رفته در سال ۱۰۱۶ ه تذکره خود را بنام ابراهیم عادلشاه ثانی سلطان بیجاپور (۹۸۸ـ ۱۰۳۷ ه)[3] عنوان و تقدیم نمود . مؤلف صحف ابراهیم « در ذیل نام تقی الدین محمد کاشانی ذکری تخلص » مینویسد : « اگرچه برخی اشعار خودش را نیز در آخر تذکره نویسان که مؤخر از زمان او بوده‌اند نام و اشعار او در مجموعه‌های خود ذکر نکرده اند » .

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را اول در چهار جلد در سنه ۹۸۵ ه تألیف کرد سپس در ۹۹۷ ه جلد پنجم بآن اضافه نمود چنانکه قطعه زیر میرساند :

---

۱ ـ از روی نسخه برلن « الحسنی » (ر . ك . برلن ش ٦٤٧ ص ٦١٠) .

۲ ـ نسخه‌ای از این دیوان با مقدمه ذکری در موزه بریتانیا موجود است (ر . ك . ریو ج ۲ ص ٦٥٥) .

۳ ـ در فهرست برلن ۹۵۷ـ ۱۳٦ . ه و در استوری ۹۸۷ـ ۱۰۳۵ ه ذکر شده است اما « در کلام الملوك » تذکره سلاطین دکن چاپ هند ۱۳۵۷ ه باهتمام میر سعادت علی رضوی سال جلوس ابراهیم عادلشاه ثانی ۹۸۸ ه و تاریخ وفات وی محرم ۱۰۳۷ ه ذکر شده است و همین صحیح است .

چون پنج کتاب تقی تذکره سنج　　　درمعدن جابجا گرفته چو گنج

تا هر یک را درست باشد تاریخ　　　بر پنج کتاب تقی افزودم پنج

(۹۹۳ ه)

سپس ؤالف وقایعی متعلق باین کتاب مطالبی را اضافه نموده اینکه در ۱۰۱۶ه از تألیف آن بکلی فراغت حاصل نموده بعد از آن ظاهراً هیچ وقت باین کتاب اضافه ای نکرده . بیت زیر تاریخ اتمام جلد آخر این کتاب را میرساند :

تاریخ نگارش آن بس گفت　　　شد نسخهٔ عجب دل الآرام (۱۰۱۶ ه)

درمورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی بعد از مدتی مدید خلاصه ای از اشعار اکثر شعرای متقدم و متأخر را ترتیب نموده و از دیوان آنها انتخاب زده و شرح عشق آنها را بیان کرده او اق این مجموعه را با غرر احادیث و روایات بیاراست بالاخره در اوایل سنه ۹۹۶ه این نسخه صورت تمام پذیرفت و مؤلف آنرا بنام پادشاه وقت شاه عباس بزرگ صفوی الحسنی (۹۹۷ - ۱۰۳۸ ه) مزین ساخت

این تذکره بسیار مفصل است و از حیث حجم کتاب میتوان آن مفصل تر از سایر تذکره ها گفت : این تذکره مشتملست بر مقدمه و چهار فصل و چهار رکن و دو خاتمه و یک اصل دیگر و ذیل :

درابتدای مقدمه مدح شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸٤ ه) را (در ۳ص) و در بعضی نسخ (رجوع شود به برلن و بلاند) مدح ابراهیم عادلشاه سلطان بیجاپور (۹۸۸ - ۱۰۳۷ ه) را آورده است . مقدمه کتاب مشتملست بر «سبب جمع اشعار و موجب انتخاب دواوین شعرای آفاق والتماس عدم اعتراض از بینندگان این اوراق» و بیان عشق و محبت و شرایط آن در چهار فصل و اختیارات (منتخبات) اشعار حضرت علی با ترجمه بشعر و شرح آن بفارسی از خود مؤلف (در ۱٦ص) وسپس مؤلف سند شعر گوئی از آیات قرآن و احادیث رسول و ابتدای شعر و مختصری درباره تاریخ شعر فارسی را (در ۲ص) آورده است .

چهار فصل فوق الذکر در بیان عشق و محبت بقرار ذیل است :

فصل اول - در بیان ایجاد عشق و معرفت آنکه عشق ازلیست و این محبت از جانب الهی است بحکم منطوق آیه یحبهم و یحبونه .

فصل دوم ـ تعریف و فضیلت عشق و مذمت کسانیکه مذاق را عشق نام نهاده اند .

فصل سوم ـ در تقسیم عشق بمجاز و حقیقت شرایط محبت [1] از جانب محب و نصیحت جماعتی که منکرند مودت را .

فصل چهارم ـ در شرایط محبت [2] از طرف محبوب مجاز و مذمت جماعتی که معشوق را ندانسته اند .

سپس تحت یك «لاحقه» بحثی در باره نظم و نثر و اقسام نظم آورده است .

رکن اول ـ « و آن مرتبست بر تذکره شعرای متقدمین از زمان آل سبکتکین از قصیده گویان و بیان حالات عشق ایشان با انتخاب دواوین هریك درضمن آن. در این رکن پنجاه فاضل ثبت شده بترتیب تاریخ فوت فاول ثم الاول و این دو مجلداست». مجلد اول با «ملك الشعراء استاد عنصری» شروع شده «با سلطان الشعراء امیر افضل الدین خاقانی» تمام میشود و مشتملست برذکر ۲۲ شاعر و مجلد دوم با « زبدة الشعرا ظهیرالدین فاریابی» شروع شده با «خواجه افضل الدین کاشانی» تمام میشود و مشتملست برذکر ۲۸ شاعر .

رکن دوم (ـ مجلد سوم) ـ «و آن مشتملست برذکر غزلسرایان متقدمین و بعضی

---

۱ ـ اینجا مولف هفت شرط را بیان کرده است .

۲ ـ اینجا مولف چهار شرط را آورده است .

۳ ـ ر . ك . نسخه مجلس ش ۱۹۳۵ از کتب اهدائی شاهزاده مجید فیروز ـ در نسخه بلاند اسم شاعر آخر مجلد اول «قوامی گنجوی» است .

ازقصیده گویان که با ایشان معاصر بوده اند و در این رکن زیاده از چهل[۱] کاملمند کود شده بترتیب مذکوره (یعنی بترتیب تاریخ فوتشان) و این رکن با «شیخ مصلح الدین سعدی» شروع شده با «شاه شجاع کرمانی» تمام میشود.

مؤلف این رکن را بنام شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ه) عنوان کرده و مانند رکن اول اینجا نیز از او مدح و ثنا گفته است[۲].

رکن سوم (= مجلد چهارم) «آن نیز مشتملست بر ذکر غزل گویان و بعضی از قصیده گویان متأخرین و در این رکن زیاده از چهل[۳] کس نام برده شد». این رکن با «خواجه شمس الدین محمد حافظ» شروع شده با «مولانا فغانی» تمام میشود.

در آغاز این رکن مؤلف درباره سه طبقه صوفی «واصلان و سالکان و مقیمان» بحث کرده است[۴].

رکن چهارم (= مجلد پنجم). «و آن مشتملست بر حالات شعرای زمان سلطان حسین میرزا الی زمان هذا التألیف و در این رکن زیاده از[۵] ... صاحب دیوان مسطور گشته» این رکن با «مولانا عبدالرحمن جامی» شروع شده با «مولانا غزالی مشهدی» تمام میشود.

خاتمه (اول). «و آهم مشتملست بر ذکر بسیاری از شعرای عصر و زمان تألیف این نسخه خیر مآل و ترتیب آن بر دوازده شهر[۶] داده شده». در نسخه بلاند در قسمت «خاتمه»

---

۱ ـ امادرمتن نسخه مجلس ش ۱۹۳۵ از کتب اهدائی شاهزاده فیروز و اشپرنگر ۴۲ و در نسخه بلاند ۴۴ شاعر ذکر شده اند.

۲ ـ ر. ك. نسخه بلاند.

۳ ـ امادرمتن نسخه مجلس فوق ۴۵ و در نسخه بلاند ۴۹ شاعر آمده اند.

۴ ـ رك نسخه بلاند.

۵ ـ درمتن نسخه مجلس ش ۱۹۳ مذکور ۱۰۲ شاعر ذکر شده اند. نسخه بلاند رکن چهارم ندارد اما در اول آن عدد ۱۰۱ شاعر ذکر شده است.

۶ ـ نسخه اشپرنگر سیزده اصل دارد و آنجا اصل سیزدهم در ذکر شعرای خراسان میباشد.

شاعرمعاصررا (بدون شرح حال آنها) دارد که قبلا ازنظرمؤلف افتاده بود و وی از دیوان ایشان اطلاع نداشت . مؤلف علت افزودن این خاتمه دوم را چنین توضیح داده است که بعد ازتکمیل تذکره بعضی شعرا بمؤلف اجازه دادند که وی دیوانشان را مطالعه کند مخصوصاً شعرایی که درهمان اوان شعرگوئی را آغاز کرده بودند. چون تعداد زیادی ازنسخه‌ها ازروی این تذکره درعراق وخراسان استنساخ شده بود و دیگر ممکن نبود که این اشعار ومطالب را با نها اضافه نماید بنابراین مؤلف مجبور شد (دراین نسخه ثانی) یك خاتمه دیگر را بافزاید . اسامی شعرا را بترتیب الفبائی از روی حرف اول تخلص یا اسم آنان آورده است.

اصل درنسخه برلن (ش ٦٤٨ الف) بعد از «خاتمه» (اول) اصل دوازدهم « در ذکرشعرای خراسان» یك «اصل» دیگر آمده است که مشتملست برشرح حال و نمونه اشعار ۱۶۲ شاعر بترتیب الفباء از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با « مولانا ابوالحسن ابیوردی» شروع شده با «میرشاهمیره متخلص به یمین» تمام میشود ودراین قسمت مؤلف شرح حال خودرا نیزدرذیل « تقی الدین محمدالحسینی به ذکری » در ردیف «ذ» آورده است.

ذیل[1] درنسخه بلاند در پایان «خاتمه دوم» مؤلف یك «ذیل» را اضافه کرده است . دراین قسمت عقیده خودرا درباره این کتاب اظهار نموده و بمناسبت اتمام این کتاب ازخودش خیلی تعریف وتمجید نموده است .

درآخرمؤلف میگوید که چون دراثر اضافه کردن ذکر عده زیادی ازشعرا این تذکره خیلی ضخیم گردیده وسیصد وپنجاه هزاربیت شد لذا وی مجبور شد یك مجلد دیگر برپنج مجلد سابق اضافه کند و بالاخره این کتاب را در ۱۰۱۶ه باتمام رسانیده ازکار تذکره نگاری دست کشید وازآن ببعد ذکر واشعارهیچ شاعری را باین تذکره نیافزود .

۱ـ ر.ك. نسخه لاند ونیز اشپرنگرمینویسد که یك ذیل مختصری شامل شرح حال شعرا وبدون اشعارشان درنسخه کتابخانه موتی محل لکنهو (هند) موجود بود ر.ك. اشپرنگر ش ۹۹۸

درهمین قسمت مؤلف تذکر داده است که تألیف این کتاب به سی سال طول کشید .

درنسخ ریو ذیل ش۱۰۵ و برلن ش۶۴۷ واته ش۶۶۷ و لندزیانا ش۳۱۲ (نسخه بلاند) درابتدا مدح شاه طهماسب صفوی آمده است مؤلف این نسخه‌ها را محققاً قبل از ۹۸۴ه نوشته است. درنسخه ریو ش۱۰۵ مؤلف بعداً این تذکره را بنام شاه عباس عنوان کرده ودرپایان این نسخه میگوید که این تذکره را دراوایل ۹۹۶ه باتمام رسانیده است . امادرنسخه بلاند رکن دوم بنام شاه عباس صفوی شروع میشود ولی درابتدای این نسخه اسمی ازشاه طهماسب یاشاه عباس صفوی برده نشده بلکه بجای آن مؤلف این تذکره را در۱۰۱۶ه بنام ابراهیم عادلشاه ثانی سلطان بیجاپور (۹۸۸-۱۰۳۷ه) عنوان کرده است .

شرح حال و نمونه اشعار اکثرشعرا دراین تذکره خیلی مفصل آمده است وحتی درمورد بسیاری ازشعرا مؤلف از آنها بیش ازیك هزارشعر نقل کرده است مانند عنصری (۲۰۰۰) اثیرالدین اخسیکتی (۲۳۰۰) رکن الدین هروی (۱۱۰۰) وجامی (۳۳۰۰) وخواجه فضل‌الله فارسی (۱۳۰۰) و بهاءالدین برندق (۳۰۰۰) وعصمت بخاری (۱۵۰۰) واشرفی سمرقندی (۲۰۰۰) وضیاءالدین خجندی (۱۳۰۰) وکاتبی نیشابوری (۲۷۰۰) ومولانا لطف‌الله شیرازی (۱۱۰۰) ومولانا حیرتی (۲۳۰۰) ورستم بسطامی (۱۳۰۰) و غزالی مشهدی (۲۰۰۰) ومیرحاج انسی (۱۳۰۰) وبابافغانی (۱۶۰۰) ومولانا بنائی (۱۷۰۰) وامیرخسرو (۲۳۰۰) وسعدالدین هروی (۱۲۰۰) وحکیم نزاری قهستانی (۳۵۰۰) وابوالفرج رونی (۱۵۰۰) وعبید زاکانی (۱۲۰۰) [1].

ازحیث عده اشعار منتخب هیچ تذکره دیگرغیر از «بتخانه» (رجوع شود به خلاصة الشعرا) اشعارشعرا را باندازه این تذکره مفصل نیاورده است.

اما برعکس انتخاب اشعار شرح حال اکثرشعرا را نسبة مختصر آورده است و غالباً درذیل شرح حال شعرا بحثها وحکایات مفصل درباره عشق آنها ودیگران آورده

۱ـ ر.ك. نسخه دانشکده ادبیات تهران ش۱۰۴ـ ب

همانا اصلی ندارد ». چنانکه درسطور فوق گذشت مؤلف دردیباچه (در ۳۳ صفحه) در بارهٔ عشق بحث نموده است وسپس درذیل بسیاری ازشعرا بحث های مفصل در باره عشق ومحبت واشعار شعرای دیگر را آورده است که غالباً بعلت نامربوط و خارج ازموضوع بودن این بحث‌ها ازلطف مطالب میکاهد.

سبك انشای مؤلف غالباً ساده است وگاهی مؤلف نثر مصنوع و حتی نثر مسجع را بکار برده است اما نثراو درهیچ جادرچنین موارد بی‌مزه وخالی ازلطف نیست و باوجود این تصنع نثر اوغالباً شیرین وروان میباشند. مؤلف درمقدمهٔ کتاب ودرموقع تعریف شعرا نثر مصنوع نوشته‌است .

درذیل بعضی شعرا چندلقب تعریفی قبل و بعدازاسم و تخلص آنان آورده‌است مانند:

« ملك الامراء والشعرا ابوالقاسم حسن حکیم عنصری مقدم سخن سرایان گلستان فصاحت ومکرم صیرفیان جواهر بلاغت و براعتست» یا «عمدة الشعراء مولانا بنائی قدوه فضلاومهندسان زمان ومرجع شعراومعماران دوران بوده» یا «استاد الشعرا ابوالفرج رونی مقتدای صنادید شعرای جهان و پیشوای اکابر وافاضل جهان بوده »

سالها را بزبان عربی ذکر نموده است .

گاهی احادیث رسول و آیات قرآن وضرب المثلها واقوال بزرگان را بعربی آورده است مثلا : (درمقدمه) (ان اله خلق الانسان علی صورته ـ کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف ـ لی مع الله وقت لا یسعنی فیه ملك مقرب ولا نبی مرسل ـ انا مدینهٔ العلم وعلی بابها ـ (فصل اول) من عرف نفسه فعرف ربه ـ لا تنظر الی من قال و انظر الی ماقال ـ المجاز قنطرة الحقیقة وغیره .

همچنین درموقع تعریف ازممدوح خود بعضی جمله‌ها را بعربی نوشته‌است مانند: الذی نصب سرادق الامن والامان ۰۰۰ (رجوع شود بمقدمه درذیل تعریف شاه طهماسب صفوی) .

مؤلف «صحف ابراهیم» درذیل تقی الدین محمد کاشانی ذکری تخلص» مینویسد: « مؤلف تذکره موسوم بخلاصة الاشعار وزبدة الافکار است وآن کتابست در کمال

ضخامت که از روی تخمین یك لك و پنجاه هزار (یکصد و پنجاه هزار) بیت نظماً و نثراً خواهد بود . در ضمن تعیین احوال شعرا رشته سخن را دراز کشید با مرادفات و احادیث و احوال مشایخ صوفیه اقسام موعظه و نصایح پرداخته و بذکر احوال کسانیکه از عشق ورزان و شیفته جمال خوبان بوده اند التزام لازم گرفته در شیوه انتخاب بساطت را از حد برده چنانکه قصاید اکثر موزونان را باوصف سندکه بودن اشعار آن از آغاز تا انجام بسلك تحریر کشید ...»

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ش ۸ و ۹ (که خلاصه نسخه اصل است با فهرست اسامی شعرا) و ش ۳۲۲ (= براون ش ۱٦٤٧ الف) ۲ـ بلوشه ج ۳ ش ۱۲٤۲ (مشتمل بر ذکر عمعق و سوزنی و رشیدو طواط و فلکی و عمادی از رکن اول (مورخ اواخر قرن ۱٦ م) ۳ـ بانکی پور ج ۸ ص ٦۸٤ (تنها مجلد ٤ ـ رکن سوم بعد از تجدید نظر مؤلف ، مورخ قرن ۱٦ با اوایل قرن ۱۷ م) ٤ ـ اته ش ٦٦۷ (خلاصه نسخهٔ اصلی بدون اشعار و رکن چهارم) و ٦٦ (تنها خاتمه با اشعار ، مورخ ۹۹۳ ه)

۵ ـ دارن (Dorn) ش ۳۲۱ (تنها رکن سوم ، مورخ ۹۳۳ ه با فهرست ٤۰ شاعر)

٦ـ ریو ـ ذیل ش ۱۰۵ (ناقص الاخر ـ تنها قسمت ابتدائی و مجلد یك دارد با فهرست ۲۲ شاعر ، مورخ قرن ۱٦ م) ۷ـ مجلس ش ۱۹۳۵ [1] از کتب اهدائی شاهزاده مجید فیروز (تا رکن چهارم در ٤۹۱ برگ ، مورخ رجب ۱۰۰۷ ه) ـ ش ۳۳٤ ـ ب (مشتمل بر ذکر ۲۱۰ شاعر در هفت اصل «خاتمه» مورخ ۲۳ رجب ۱۰۱۳ ه) و ش ۱۹۸۲ از کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (بخط مؤلف در ۵۱۷ ص کوچك ـ مشتمل بر خلاصه ذکر و نمونه اشعار بعضی شعرا از اصل اول و دوم و سوم و نهم و لاحقه مورخ ۱٤ جمادی الاخری

---

۱ ـ از یادداشتی که در این نسخه بعد از فهرست تذکره آمده است معلوم میشود که این نسخه با چهار مجلد دیگر این تذکره در ۲۲ ربیع الثانی سنه ۱۲٦۱ ه داخل کتابخانه فرهاد میرزا شده است اما حیف که آن چهار مجلد دیگر امروز از بین رفته و از وجود آنها در هیچ جای ایران اطلاعی نداریم.

۱۱۱۱ ه)   ۸ ـ لندزیانا ص ۲۲۳ش۳۱۲ (نسخه خلاصهٔ‌نشده بدون رکن چهارم مورخ ۹ـ ۱۰۳۸هـ ـ نسخه بلاند)   ۹ـ برلن‌ش ٦٤٧ (نسخه خلاصه‌شده مورخ قرن ۱۹م) وش٦٤٧الف، (تنها خاتمه و خاتمه‌دوم و ذیل مورخ قرن ۱۹ با فهرست ۱٦۲ شاعردر«اصل» بعدازخاتمه‌اول)   ۱۰ـ ایوانو ـ ذیل‌ثانی ـ ش۹۳۲ (قسمتی ازمجلدچهارم ـ رکن‌سوم مشتمل بر ذکرشعرائی که دراشپرنگردرذیل شماره‌های ۱٦ـ ۱۰۹ آمده‌اند، مورخ حدود ۱۸۷۲ م = ۱۲۹۰هـ)

۱۱ ـ دانشکده‌ادبیات‌تهران ـ ش۱۰٤ ب (نسخه‌اصل‌مؤلف است که قسمتی از آن بخط‌مؤلف است‌مشتمل بر ذکر ٤۷ شاعرو نمونه اشعارشان . نسخه‌ناتمامی‌است مورخ قرن۱۰ه وش ۵۹ [1] (نسخه ناقص‌است‌ازخاتمه‌ومشتمل‌برذکراحوال‌ونمونه اشعار۲۱۲شاعرازاصل اول وپنجم وششم‌وهفتم‌وهشتم ونهم ودهم . این‌نسخه‌ازمقدمه ناقص‌الاول واشعارقصیده محتشم‌کاشی‌شروع‌میشود مورخ قرن ۱۱ه)

(۱۲) کتابخانه ملی تهران (بسیارناقص‌وناتمام).

برای**شرح‌حال‌مؤلف** رجوع شود به «اصل» بعدازخاتمه (اول) درنسخه‌برلن ش٦٤۷ الف‌درذیل«ذکری» وریوج ۲ص٦٦۵ وصحف‌ابراهیم‌درذیل‌تقی‌الدین محمد کاشانی‌ذکری‌تخلص‌وبلاند JRAS ج۹(۱۸٤۸م)ص۲-۱۳۱.

فهرست اسامی شعرا ـ رجوع شود بداشپر نگرش ۹ (نسخه ثانی) واته ش٦٦۷ (بقیه‌اسامی شعرا که ازفهرست‌اشپرنگرافتاده‌است).

خلاصة الشعرا (وبتخانه)

ابتدا : ـ الله سبحانه تعالی و تقدس و عنده مفاتیح (الغیب لایعلمها الاهو تعالیه) [2].

۱ـ این‌نسخه درپاریس دردست‌مرحوم عباس‌اقبال‌بوده وعلامه قزوینی‌نیز آنرادیده ویادداشتهائی‌بخط خودبرآن‌نوشته است . برای فهرست اسامی شعرای این نسخه ر . ك. مجله دانشکده ادبیات تهران‌سال ۸ ش ۱مورخ مهرماه۱۳۳۹ ص ۲۱۹ ـ۲۲۳

۲ـ عبارت درقوسین درنسخه‌مجلس نیامده ونیز بعدازاین‌عبارت درآن نسخه بجای «خزانه» «کلمه» «خزاین» آمده است .

خزانه دانش بقبضهٔ قدرت کامله و سرپنجه تقدیر شامله اوست و دفاین بی‌منتهای سخن ودیعه درج جنان انسان بمحض حکمت بالغه و عین رحمت واسعه او».

این کتاب اصلا تألیف دو نفر است. اول مولانا محمد مازندرانی[1] عبداللطیف در ۱۰۱۰ه مجموعه‌ای بنام «بتخانه» ترتیب داد مشتمل بر چهل و پنج هزار بیت وسپس عباسی گجراتی در ۱۰۲۱ه شرح حال شعرا را بآن اضافه نموده آنرا بصورت تذکره‌ای در آورد.

بنا براین شرح حال هر دو مؤلف اینجا مسطور میگردد.

شرح حال مولانا صوفی

مولانا محمد صوفی[2] مازندرانی متخلص بصوفی (و محمد[3]) ومعروف به ملاصوفی در آمل متولد شد. در ایام جوانی شوق سیاحت در دلش افتاد. چون بعراق (عجم) رفت آنجا با اصحاب تصوف آمیزش واختلاط پیدا کرد و وی نیز سالك وادی عرفان وتصوف گشت و بریاضت وتهذیب نفس پرداخت و همچنین شعر گوئی را آغاز نمود و بعلت ذوق عرفان شعر عارفانه وصوفیانه میسرود. بهر شهری که میرفت عده‌ای صوفی مذهب وقلندر مشرب دور او جمع میشدند واز صحبت وی کسب فیض مینمودند اما چون خیلی آزاده منش بود عده‌ای بر مخالفت وی کمر بستند و بنا براین بعد از سیاحت

۱ـ بعقیده اته میرزا حسن بیگ خاکی نیز در ترتیب «بتخانه» با ملا صوفی مازندرانی همکاری داشته است (ر ك. بادلین ش ۳۶۶) اما این صحیح نیست چون در مقدمه «خلاصة الشعراء» بصراحت آمده است که ملاصوفی مازندرانی «بتخانه» را «بحسن خواهش و توجه قدردان اهل معنی . . . میرزا حسن بیگ خاکی» ترتیب داده است.

۲ـ به عقیده اشپرنگر و عبدالمقتدر گرد آورنده فهرست بانکی پور تخلص ملاصوفی «محمد» بوده چنانکه آنها در دیوان وی دیده‌اند اما تذکره نویسان وی را در ردیف «ص» در ذیل تخلص «صوفی» آورده‌اند. بلاند بنا بروایت مولف «صحف ابراهیم» مینویسد که ملا صوفی «محمد و صوفی» هر دو تخلص داشته است.

۳ـ عبدالمقتدر میگوید که تذکره نویسان چندین شاعر را با تخلص «صوفی» و نسبتهای مختلف مانند مازندرانی و شیرازی و کرمانی واردستانی وهمدانی و آملی واصفهانی وکاشمری ذکر نموده‌اند اما بعضی از آنها همان محمد صوفی مازندرانی را مکرر با نسبتهای مختلف آورده‌اند چون اشعاری که در ذیل این شعرا نقل کرده اند اشعاریست که در دیوان ملاصوفی مازندرانی (نسخه کتابخانه بانکی پور) موجود است.

بلاد آذربایجان و عراق (عجم) ملا بفارس رفت و مدتی مدید در شیراز اقامت نمود. غالب مردم آنجا اصحاب سیر و سلوك بودند. ولذا ازوی پذیرائی گرمی بعمل آوردند و ملا اکثر اوقات خودرا درمدارس آنجا بین مریدان و معتقدان خود بسر میبرد.

آب و هوای سرزمین فارس درتربیت ذوق و شعر در او کمك بسزائی نمود اما دیری نپائید که اورا «طرفه حالتی دست داد» که درمیان علما و فضلا بسوء اعتقاد و زندقه وروش الحاد متهم گشت و بنابراین مجبور شد بادیگران ظاهراً ترك تعلق و مخالطت نماید چون هرکس که باوی رفت و آمد داشت باوجود اختلاف عقیده بکفر و زندقه متهم میگشت و بعلت این بدنامی و خوف مجازات ازطرف پادشاه ملا نتوانست مدت بیشتری در شیراز بماند و آنجارا ترك گفته بسیاحت بلاد دیگر پرداخت.

مؤلف تذکره «لطایف الخیال» میگوید که ملا صوفی مدتی در کازرون اقامت داشت و بصحبت شیخ المحققین ابوالقاسم مشرف شده و در مدح وی قصیده ای بردیف «سخن» سرود و شیخ مزبور نیز درجواب آن قصیده‌ای در مدح ملا سرود.

بالاخره دراوایل سلطنت شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶ ـ ۱۰۳۸ ه) و درزمان اکبرشاه (۹۶۲ ـ ۱۰۱٤ ه) ملا متوجه هندوستان شد و مدتی دراحمدآباد گجرات سکونت داشت.

تقی اوحدی مؤلف «عرفات» میگوید که ملا «همیشه اوقات خودرا بانتخاب شعر و فراغت وسیر و نرد و کمانداری و کتابت میگذراند و اینکه وی مکرر بخدمت ملا در گجرات میرسید. ملا بلباس فقر و روش اهل سلوك بوده وهیچ شایبه غرور و نخوت نداشت.

مولف «مآثر الامرا» درذیل میر سیدجلال صدر متخلص برضائی بخاری که از اعاظم آن عهد و ساکن احمدآباد بوده و درزمان شاه جهان پادشاه هند منصب ششهزاری و در ۱۰۵۲ ه صدارت دهلی یافته (متوفی ۱۰۵۷ ه) مینویسد که ملا محمد صوفی مازندرانی

در جوانی از ایران آمده اکثر ممالک هندوستان را بقدم سیر و سیاحت پیموده در احمد ـ آباد رنگ سکونت ریخت (اقامت گزید) «میر (سید جلال صدر) تعلق خاطر بهم رسانیده تعلیم اومینموده .... سیف خان صوبه دار (استاندار) گجرات اعتقادی باو ملا داشت [۱].

درزمان اقامت ملاصوفی در گجرات میرزا غازی ترخان [۲] متخلص بوقاری (متوفی ۱۰۲۱ه) که از طرف جهانگیرشاه حاکم ته و قندهار بودملا را از گجرات بقندهار دعوت کرد و وی بعذر کبرسن ودوری راه از قبول دعوت خان ادب پرور سرباز زد و درجواب چنین نوشت.

«آن عزیز را خدایار ورزگار ساز گار استماع اخلاق واطوار و اوضاع ایشان تخم محبت در دل محمد (ملامحمد صوفی) کشته بود ورسیدن نامه گرامی چون آفتاب بحمل و باران بمحل آنرا بکمال رسانید اکنون شوق دیدار غالبست ولیکن مسافت بعید است ومرا پیری دریافته و ناتوانی فرو گرفته ... » [۳].

ملاصوفی (درحدود ۱۰۲۲ه) باجمیر رفت و مؤلف « میخانه » اورا آنجا ملاقات کرده و تحت تأثیر علم و اخلاق وی قرار گرفت چنانکه در تذکره خود از علم و اخلاق وی بسیار تعریف نموده است . مؤلف « میخانه » میگوید که میرصوفی بوی گفت که او پانزده سال در مکه معظمه توطن نموده و در آن ایام هرسال یکبار بزیارت مدینه میرفت و بعد از زیارت رسول بمکه معاودت می کرد واینکه کمتر جائی در دنیا مانده که وی آنجا را ندیده باشد. وی گجرات را وطن خود قرارداده و گاهی بقصد گردش وسیاحت باطراف واکناف آن شهرستان میرفت و بقول خودش باجمیر مخصوصاً برای زیارت قطب المحققین خواجه معین الدین چشتی مسافرت کرد .

۱ـ ر.ك. مآثر الامرا ج۳ ص۴۴۷ ـ ۴۵۱.

۲ـ برای شرح حال اورجوع شود به توزك جهانگیری ص۱۱۰ ومیخانه ص۴ ـ ۲۹۰

۳ـ ر.ك. بیاض شماره ۲۳۷ مجلس شورای ملی تهران ص۲۰۳ مورخ ۱۰۵۹ه بخط محمد صالح برادرزاده اسکندر بیك منشی مولف تاریخ عالم آرای عباسی که در «میخانه» که باهتمام آقای گلچین معانی چاپ شده است (درحاشیه ص۴۷۸) نیز ذکر شده است .

درهمان اثناء جهانگیرشاه بالشکرخود باجمیر آمدو برای مدت دست کم سه سال (از ۵شوال ۱۰۲۲ تا اول ذوالقعده ۱۰۲۵ه) در آن شهر اقامت نمود. ملاهیچکدام از اعیان پادشاه را مطابق ذوق خود ندید ولی در نتیجه اصرار واشتیاق بزرگ اهلی برای مدتی بمنزل وی رفت اما آنجا کمتر شگفته و بازمیشد و کمتر بگفت وشنید میپرداخت و بالاخره بکلبه درویشی خود برگشت وچون در آن شهر عده مریدان وطالبان وی بسیار گشت بنا بمقتضای طبیعت خلوت پسند خود تصمیم گرفت آن شهر را ترك گفته بگجرات معاودت نماید .

درموقع تألیف عرفات دوسال بود تقی اوحدی از خدمت ملاصوفی جدا شده بود. وی درعرفات مینویسد که دراول بین صوفی ونظیری دوستی نزدیکی وجود داشت و گاهی آنها بمناظره و مباحثه میپرداختند اما در آخر ملاصوفی از نظیری رنجیده شد. ظاهراً علت رنجش ملا این بیت کنایت آمیز نظیریست که ضمن غزلی درباره وی گفته است[1] .

آرایش برون چه کنی پشم گوسفند   گرگی که دردرونست ترا گوسفند کن

بنابراین موقعیکه نظیری برای آخرین بارمریض شد ملاصوفی برای عیادت وی نرفت اماچون نظیری فوت کرد برجنازه وی حاضر شد .

تقی اوحدی ملاصوفی رادوباره در ۱۰۲۵ه در گجرات ملاقات کرد .

بروایت مؤلف «مآثرالامرا» جهانگیر ملا راپیش خود احضار نمود وسیف خان استاندار گجرات که باملا علاقه وارادت فراوانی داشت ناچار ملارا بخدمت پادشاه فرستاد اما ملاصوفی درراه (درسرهند) فوت کرد[2] ودر آن حالت این رباعی سرود :

---

۱ ـ این بیت درمیخانه ص۷۹۷ وکلیات نظیری مطبوعه لکهنو ۱۸۷۴ م، ص ۲۴۹ س۱۴ آمده است.

۲ ـ درتذکرة الشعرای غنی (ص۱۲۲) آمده است که ملامحمدصوفی مازندرانی (متوفی ۱۰۳۵ه) با ابوحیان وملاحسن یزدی بهندآمد و درکشمیر توطن گزید وبخواهش جهانگیر بدهلی رفت و در سرهند فوت کرد . صاحب تذکره آتشکده لقبش راتخلص دانسته اورا اصفهانی خوانده ۰۰۰۰ ، اما توطن ملا در کشمیر ورفتن وی بدهلی بخواهش جهانگیر محقق ومسلم نیست .

ای شاه نـه تخت و نه نگین میماند   از بهر تو یك دو گز زمین میماند
صندوق خـود و کاسه درویشان را   خالی کن و پر کن که همین میماند

چون پادشاه شنید بسیار متأثر وملول گشت .

مؤلف « صحف ابراهیم » سال فوت ملاصوفی را ۱۰۳۲ ه و خوشگو ۱۰۳۵ ه نوشته است وروایت اخیرالذکر اصح است چنانکه این مصرع ماده تاریخ فوت ملارا میرساند :

مجردانه یکی شد بحق محمد صوفی   (۱۰۳۵ ه)

آثار ملاصوفی

آثار ملاصوفی بدین قرار است :

۱ - بتخانه - مجموعه اشعار منتخب ارقدما بقول عبداللطیف گجراتی چهل و پنج هزار بیت و بروایت مؤلف میخانه (ص ٤۷۸) شصت هزار بیت دارد. برای نسخه رجوع شود به بادلین ش ۳٦٦ .

۲ ـ دیوان اشعار ـ بقول مـؤلف میخانه (ص ٤۷۹) « هزار بیت و کسری دارد». برای نسخ خطی آن رجوع شود به بانکی پور ج ۲ ص ۳۰۱ وهامبورگ ج ٤ ش ۱۹۱ و مونیخ ش ۱۸ (٦) واشپرنگر ش ۳۸۲.

۳ ـ ساقی نامه ـ برای نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ج ۳ ص ٦۲ و ج ۹ ص ۱۳۹ و برلن ش ۱۸ ج ۲ و ۱۰ الف وهامبورگ ش ۱۹۱ (٤) ومونیخ ۱۸ (۳) واشپرنگر ۱۸۷ ـ این ساقی نامه در میخانه ص ٤۷۹-٤۹۱ وانیس العشاق شیخ احمد سندیلوی وسفینه‌ای خطی متعلق بآقای فرخ خراسانی (که آقای گلچین در تصحیح و تکمیل ساقی نامه ملاصوفی درمیخانه از آن استفاده نموده است) آمده است .

٤ ـ اشعار متفرقه ـ که در دیوان وی نیست ـ سه هزار بیت ـ (رجوع شود به میخانه ص ٤۷۹)

شرح حال عبداللطیف

مآخذی که در دست داریم اطلاعات زیادی درباره وقایع زندگانی عبداللطیف

گجراتی نمیرساند وحتی اطلاعاتی درباره سال تولدو آموزش وتعلیم و اوضاع دیگر اوایل زندگی اودردست نیست .

عبداللطیف عباسی گجراتی در گجرات متولد شد . محمد صالح کنبوه مؤلف «عمل صالح» اورا اهل گجرات نوشته وعبدالحمید لاهوری مؤلف «پادشاه نامه» نیز قول اورا تائید نموده است . عبداللطیف درمقدمه خلاصة الشعرا وطن خودرا احمد آباد نوشته است واینکه در ۱۰۱۰ ه وقتیکه مولانا محمدصوفی مازندرانی ترتیب «بتخانه» را باتمام رسانید وی دراحمد آباد بود .

عبداللطیف مدتی درخدمت لشکرخان مشهدی بوده است واین کتاب را نیز بنام عنوان کرده است .

لشکرخان درزمان جهانگیرشاه دیوان کابل ودرزمان شاه جهان شاه صوبه دار (استاندار) کابل بود .

عبداللطیف وقایع نگار لشکرخان بودوچندین نامه بنام خانخان و آصفخان و مهابتخان ودیگران ازطرف لشکرخان نوشته است.[1] طبق توضیحی که عبداللطیف درمقدمه خلاصة الشعرا داده است لشکرخان اورا «جهت تفصی محاسبات دیوانی کل صوبه (استان) بنگال واودیسه تنها گذاشته خودش عازم دربار جهانگیرشاه شدوسپس بعداز مدتی عبداللطیف نیز رهسپار دارالخلافه آگره شده ودرراه فرصتی بدست آورده در کار تدوین این کتاب توفیق حاصل نمود .

مؤلف « پادشاه نامه » مینویسد که عبداللطیف در ۸ جمادی الاول ۱۰٤۲ ه وارد خدمت شاهی شدودرسال پنجم جلوس شاه جهان (= ۱۰٤۲ ه) بسمت دیوانی تن (وزارت مواجب) بجای رامنی داس منصوب گشت ودر ۱۰ شعبان ۱۰٤٥ ه شاه جهان اورا نزد حاکم گولکنده اعزام نمود . باید توجه داشت که سلاطین گولکنده همیشه با شاه جهان مناسبات خوبی داشتند ومخصوصاً درایامی که وی علیه پدرخوددست بطغیان زده بود بوی کمک کردند وموقعیکه شاه جهان برای فرونشاندن شورش خان جهان لودی

۱ ــ مجموعه‌ای نادرازاین نامه ها درانجمن آسیائی بنگال ذخیره کرزن (ش ۳٦٤) موجوداست و مجموعه دیگر از این نامه‌ها درکتابخانه شرقی تیپوسلطان میسورهم موجود بود (ر.ك. ش ١٤ فهرست كتابخانه تیپوسلطان).

(KOS)

مراجعت نمود: وچهل لك[۱] نقدو مقدارزیادی از تحایف قیمتی همراه خود آورد[۲] ودرازای این موفقیت شاهجهان عبداللطیف را لقب عقیدت خان اعطا نمود[۳] و بمنصب یکهزار پیاده و چهارصد سوار منصوب کرد[٤] اما بعلت بیماری عبداللطیف قادر باجرای وظایف خود نبود و بنابراین در ٥ ذوالقعد ۱۰٤۷ ه اورا ازسمت دیوانی تن معزول نموده این سمت را بجای او بدویانت رای محول کردند[٥].

متأسفانه تاریخ دقیق وفات عبداللطیف معلوم نیست اما این قدر حتمی است که وی در سال ۱۲ سلطنت شاهجهان (یعنی ۱۰٤۸-٤۹ ه) فوت کرده است[٦].

آثار عبداللطیف

عبداللطیف آثار بسیاری داشته است اما تنها بعضی از آنها از دستخوش حوادث روزگار بجا مانده است.

مؤلف «عمل صالح» مینویسد که عبداللطیف برای تألیف تاریخ سلطنت شاهجهان مأمور گشت اما در نتیجه حسادت رقبا از آن مأموریت برکنار شد.

بعضی از آثار عبداللطیف بقرار زیر است:

(۱) خلاصة الشعرا (تذکره مورد بحث)

(۲) رقعات یا انشاء عبداللطیف

(۳) شرح مثنوی مولانا رومی (شروع در سال ۱۰۲٤ ه واتمام در ۱۰۳۸ ه)

(٤) نسخه ناسخه مثنویات سقیمه شامل شرح وضمایم مثنوی مولانا رومی وشرح

---

۱ ـ یعنی چهار میلیون (یك لك — صد هزار)

۲ ـ ر.ك. منتخب اللباب ج ۱ ص ۳

۳ ـ ر. ك. پادشاه نامه ج۳ ص ۱۲

٤ ـ عمل صالح ج ۱ ص ٤۳۸

٥ ـ پادشاه نامه ج ۲ ص ۹۲

٦ ـ حقیقت الحقیقت ـ مرتبه ج ـ استفنسن (ر . ك . فهرست موزه بریتانیا ج ۳ ص ٥۸۹)

اشعار مشکله‌مثنوی (آغازدر۱۰۳٦ھ) . نسخ این کتاب در کتابخانه‌های اندیا آفس ودانشگاه کبریج‌وبادلین وموزه‌بریتانیا وایشیاتك سوسائتی بنگال(ذخیره کرزن) موجوداست .

(۵) لطایف اللغات یافرهنگ لغات مثنوی‌رومی(تألیف‌بین ۱۰۳۲و۱۰۳۸ ھ) نسخ این کتاب‌در کتابخانه‌های ایشیاتك‌سوسائتی‌بنگال‌وموزه بریتانیا‌واندیا آفس و دانشکده اتن Eton و گلاسگو و بانکی پور موجود است ودر ۱۸۸۷ م در لکهنو (نولکشور)ودر ۱۹۰۵در کانپور بطبع‌رسیده‌است.

(٦) لطایف‌المعنوی من حقایق المثنوی در شرح مثنوی مولانا رومی که عبداللطیف درحدود ۱۰۳۷ ھ تألیف‌نموده‌است . نسخ‌خطی این کتاب در کتابخانه های ایشیاتك‌سوسائتی‌بنگال و موزه بریتانیا و دانشگاه بمبئی و بادلین‌موجوداست‌و درکتابخانه شاه‌وادنیزموجود بود (رجوع‌شودبه اشپرنگر).در۱۸٦٦م درلکهنوودر ۱۸۷٦ مدرکانپور(هند)بطبع‌رسیده‌است .

(۷) مرآت‌المثنوی — شرح‌دیگر برمثنوی‌مولانارومی — برای نسخه رجوع شود به‌اته ش ۱۱۰۲ .

(۸) لطایف الحقایق من نفایس الدقایق - عبداللطیف تألیف این کتاب را در۱۰٤۰ھ آغازودر۱۰٤۱ھ باهمکاری میرعمادالدین‌محمودالهی‌باتمام رسانید . این کتاب‌درشرح‌حال‌حدیقه‌سنائی‌است وشامل شرح‌ومتن‌مثنوی‌حدیقه‌میباشد . نسخ‌این کتاب در کتابخانه‌های اندیا آفس و دانشگاه ادنبرگ ودانشگاه پنجاب لاهور و دانشگاه‌علیگرو بوهار وبانکی‌پور موجوداست و نولکشورلکهنو آن‌را در ۱۸۸٦ م بچاپ‌رسانیده‌است.

(۹) شرح‌حدیقه - این کتاب‌نیزدرشرح حدیقهٔ سنائی است امامتن‌مثنوی را ندارد . عبداللطیف آن‌را در۱۰٤٤ ھ تألیف‌نموده‌است . نسخ آن در کتابخانه های اندیا آفس‌وانجمن آسیائی‌بنگال(ذخیره کرزن)موجوداست .

تبصره بر کتاب

عبداللطیف این کتاب(خلاصة الشعرا) رادر ۱۰۲۱ه تألیف نموده است چنانکه مصرع فرد: «فهرست لطیف بس عجیب است» که درمقدمه آمده است میرساند.

درمورد سبب تألیف کتاب عبداللطیف در مقدمهٔ خلاصة الشعرا چنین توضیح میدهد که مولانامحمد صوفی بخواهش میرزاحسن بیگ خاکی وزیر مجموعه ای بنام «بتخانه» ترتیب دادمشتمل برچهل وپنج هزار بیت ازسی وشش دیوان درسه ونود شاعردیگر که صاحب دیواندولی دیوانشان بنظر اونرسیده واشعارشان درمجموعه های دیگر ثبت شده بود وهمچنین اشعارشعرای دیگر که « صاحب دیوان نیستند و اشعارمتفرقه شان درمیانست تیمنا ازچهارلك (یعنی چهارصد هزار)بیت بر گزیده و درسنه عشروالف (۱۰۱۰ه)موافق تسع واربعین(۴۹)جلوس اکبری جهانیان را ازجمع نمودن دواوین ونسخ شعری بی نیاز گردانید. ..

ولی درآنوقت التفاتی باین ننمود که عنوان کتاب را بدیباچه نثری دلپذیرمزین دارد ... واسامی شعرا این کتاب را هم خواه موافق تقدیم وتأخیرزمان وخواه مطابق رتبه وحالت سخن ایشان ترتیبی دهدوسلك فهرست آنها را نظمی بخشد که فی الفور طالبان علم (و)سخن پژوهی پی بشعرومنتخب هر کس ببرند....

(درهرحال بنده) عبداللطیف ابن عبدالله العباسی که از باریافتگان کنار بساط آن عارف یقینی بودوخودرااز زمره ریزه چینان خوان آن نعمت بیدریغ میشمرد ودر استکتاب ومقابله آن کتاب مستطاب بقدر(ی)دخلی داشت ودر اصل ترتیب این نسخه دربلده طیبه احمدآباد گجرات . . . که وطن مجازی این اقل العباد صورت انعقادپذیرفته برذمه حق گذاری وسپاس داری لازم دانست.. چندکلمه برسبیل یادگار نگاشته قلم شکسته رقم گرداند . .. تاهر کس بمطالعهٔ این کتاب فایز گردد بداند که جامع این نسخه کیست ودرچه وقت وزمان ترتیب یافته وهرشاعری کی بوده واسم

او کجا نوشته‌شده وممدوحش که بوده‌است وبطفیل‌این بزرگان نام گمنام این کمترین نیز . . مذکور السنه وافواه ارباب فضل و کمال گردد . »

«سپس بخاطر می‌رسید که احوال شعرائی که اشعارشان دراین کتاب منتخب شده برسبیل اجمال نوشته شود تا خوانندگان آن ازرجوع بتذکره‌های شعرا نیز مستغنی گردند وبنابراین مجمل احوال شعرا حاوی اطلاعاتی راجع بزمان وفات آنها و عهد سلاطینی که آنها در آن عصر زندگی میکردند وبعضی مطالب لازم دیگر با بجاز واختصار بنویسد . گرچه علت وسبب تألیف این امر همین دیباچه بتخانه بود ولی درضمن تتبع احوال الشعرا جمعی دیگر ازاکابر که داخل بتخانه نشدند هم بنظر آمد که ترک آنها مناسب ندانسته همه را مجملا «موافق طبقات سعد فلکی» (یعنی درهفت طبقه) نوشت و آن را موسوم به خلاصة الشعرا ساخت و آنچه به بتخانه نسبت داشت برفوق این نسخه نوشت . »

درمورد ترتیب اسامی شعرا عبداللطیف در دیباچه چنین توضیح میدهد : «اسامی شعرای این نسخه را آنچه تاریخ وفاتشان مشخص بنظر درآمد موافق تقدیم و تأخیر زمان ایشان و آنچه تاریخ فوت آنها مشخص نیافت بقیاس تاریخ فوت ممدوح ومعاصران آنها نوشت ».

عبداللطیف درمقدمهٔ کتاب اسامی کتاب‌های زیر را آورده است که از آن درتألیف این تذکره استفاده کرده‌است:

۱ ـ تذکره دولتشاه سمرقندی
۲ ـ نفایس المآثر علاء الدوله قزوینی
۳ ـ تذکره عوفی
٤ ـ منتخب التواریخ ـ میرزاحسن بیگ خاکی
۵ ـ روضة الصفا
٦ ـ حبیب السیر
۷ ـ مجمل فصیحی

٨ - تاریخ ابن‌حلکان.

٩ - تاریخ جهانگشای عطاملك حوینی

١٠ - تاریخ‌رشیدی - میرزاحیدر کشمیری گورکان.

١١ - اکبرنامه . ابوالفضل .

١٢ - تاریخ‌نظام‌الدین احمدبخشی (طبقات اکبری)

١٣ - تاریخ‌فیروزشاهی (ضیاء الدین برنی)

١٤ - طبقات ناصری

١٥ - تاریخ بناکتی

١٦ - نفحات الانس

١٧ - تاریخ‌جهان‌آرا احمد غفاری

١٨ - تاریخ بیهقی

مؤلف مینویسد که غیر از کتب فوق‌وی از«چندین‌تذکره وتاریخ معتبر» دیگرنیز استفاده‌نموده‌است.

چنانکه‌عبداللطیف‌در مقدمهٔ کتاب توضیح‌داده‌است این کتاب رابنام خواجه ابوالحسن‌مشهدی‌المخاطب(ملقب) به‌لشکرخان‌عنوان کرده‌است.

این‌تذکره‌مشتمل است بردوجلد . جلداول‌آن‌با «ابوالفرج رونی» شروع شده‌با «نجیب‌جربادقانی» تمام‌میشود وجلددوم با «انتخاب دیوان عنصری» شروع شده‌با«زکی‌مراغه‌ای (ناقص‌الاخر)»تمام‌میشود ومشتمل است برمقدمه‌وشرح حال شعرا[1] وفهرست‌اسامی‌شعراواشعار منتخب از دیوان٣٦ شاعرزیر :

١ - ابوالفرج‌رونی	٢ - حکیم ازرقی
٣ - مجیرالدین بیلقانی	٤ - جمال‌الدین عبدالرزاق

---

١ - مولف ازجمله‌شعرا شرح‌حال‌تنها ٦٨شاعررا دراین‌کتاب‌آورده است.

۵ - کمال الدین اسمعیل — ٦ - رشید وطواط

۷ - حسن اشرفی سمرقندی — ۸ - ابوالمجد مجدود سنائی غزنوی

۹ - حسن غزنوی — ۱۰ - مسعود سعدبن سلمان

۱۱ - اوحد الدین انوری — ۱۲ - ناصر خسرو اصفهانی

۱۳ - افضل‌الدین خاقانی — ۱٤ - ادیب صابر

۱۵ - رضی الدین نیشابوری — ۱٦ - نجیب الدین جربادقی

۱۷ - حکیم‌عنصری — ۱۸ - اثیر اومانی

۱۹ - اثیر اخسیکتی — ۲۰ - اوحدی مراغدای اصفهانی

۲۱ - امیرمعزی هروی — ۲۲ - سعدی شیرازی

۲۳ - فخر الدین عراقی — ۲٤ - عمر خیام

۲۵ - مجدالدین همگر شیرازی — ۲٦ - جلال عضد یزدی

۲۷ - عبدالواسع جبلی — ۲۸ - عمادی شهریاری غزنوی

۲۹ - عثمان مختاری غزنوی — ۳۰ - مطهر

۳۱ - قاسم انوار — ۳۲ - مولانای روم بلخی

۳۳ - فریدالدین عطار — ۳٤ - شیخ مغربی تبریزی

۳۵ - ظهیر فاریابی — ۳٦ - امیر خسرو دهلوی

سپس اشعاری از ۹۰ شاعررا تحت‌عنوان (غریب‌تر) آورده است کـه‌اول آنها «بهاءالدین بغدادی» و آخرشان «شیخ‌روزبهان» میباشند ودربارهٔ آنها مـؤلف چنین توضیح‌میدهد کـه‌اگرچه‌بعضی‌از این‌اکابر صاحب دیوان هستند امـا در آن وقت دیوانشان بنظرعارف الهی‌مولانا محمد(صوفی) نرسیده واشعاری که در مجموعه‌ها ثبت‌بود انتخاب‌شد . امااز‌این‌شعرا اشعار منتخب از دیوان « عمادالدین شهریاری»

همچنین اشعار منتخب از دیوان ۳۶ شاعر را که اسامی آنها در سطور فوق گذشت نیز خیلی مفصل آورده است . اما در قسمت آخر کتاب اشعار شعرا را غالباً مختصر نقل کرده است .

مؤلف در ذیل نام ابوالفرج رونی اصل وی را از سیستان و مداح بوعلی سیمجور نوشته و میگوید که وی در زمان ابراهیم بن مسعود بن محمود در رجب ۴۹۲ ه در گذشته است و از اینجهت معلوم میشود که وی ابوالفرج رونی را با ابوالفرج سیستانی [1] اشتباه کرده است . بروایت تقی کاشانی ابوالفرج رونی در ۴۸۹ ه و بروایت «تاریخ نادر الزمانی» (ص ۲۶۵ ش ۱۶۸) در ۴۸۲ ه یکسال بعد از فوت ابراهیم بن مسعود بن محمود در گذشته است . همچنین سال وفات رودکی را بجای « ۳۲۹ ه » سال ۴۰۷ ه آورده است .

از جمله شعرای مذکور این تذکره مؤلف بتخانه (ملا محمد صوفی) ادعا کرده است که ذکر مطهر که اشعار منتخب از دیوان او و شرح حال وی در این تذکره بطور مفصل آمده است در هیچ تذکرهٔ دیگری نیامده است.

رویهمرفته این تذکره از حیث انتخاب اشعار دارای اهمیت بسیار میباشد مخصوصاً چون ملا صوفی که این اشعار را انتخاب نموده است دارای ذوق عالی بوده و هرچه انتخاب کرده است نغز و لطیف و آینه قریحه ظریف وی میباشد .

این تذکره مشتمل است بر هفت طبقه و هر طبقهٔ آن احوال و اشعار چندین شاعر مشهور و اشعار منتخب و گاهی نادر آنرا شامل است . شرح حال شعرا اگرچه غالباً خیلی مختصر است اما گاهی اطلاعات مفیدی را درباره بعضی از آنها میرساند که در هیچ تذکره دیگر یافت نمیشود . مؤلف اکثر کتب خیلی معتبر و موثق را مأخذ خود قرار داده و بقول خودش با چندین تذکره و تاریخ معتبر تطبیق و تلفیق نموده و اختلاف روایات و احوال آنان را نیز در این تذکره قید کرده است و همچنین میگوید: « در آنچه

۱ ـ ر.ك. اشپرنگر ص ۳۰۸ و ریو ج ۲ ص ۵۴۷

لازمه تفتیش و تحقیق است دقیقه فرو گذاشت نگشته، اما گاهی مرتکب بعضی اشتباهات بزرگی شده است چنان که در مورد ابوالفرج رونی و رودکی در سطور فوق گذشت.

سبک انشای مؤلف درمقدمه بسیار مصنوع است اما شرح حال شعرا را به نثر ساده نوشته است.

نسخ خطی خلاصة الشعرا

۱ ـ بادلین ش۳۶۶ (ناقص الاخر و نیز بعضی صفحات از دیوان منتخب از این افتاده و همچنین رباعیات عمر خیام و اشعار ادیب صابر را اصلا ندارد).

۲ ـ مجلس ش ۱۲۰ و ۱۳۲ از کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (در دو جلد که تنها در آخر آن چند صفحه افتاده است. جلد اول آن مشتمل بر ۷۱۵ ص صفحه‌ای ۲۱ سطر و جلد دوم مشتمل بر ۶۱۷ ص و صفحه‌ای ۲۱ سطر میباشد).

برای **شرح حال و آثار ملاصوفی مازندرانی** رجوع شود به خلاصة ـ الاشعار و میخانه (ص۸۰ ـ ۴۷۶) و عرفات العاشقین و لطایف الخیال و مآثر الامراج ۳ ص۴۴۴ ـ ۴۵۱ (در ذیل ترجمه میر سید جلال صدر) و بیاض شماره ۲۳۷ مجلس تهران مورخ ۱۰۵۹ه بخط محمد صالح برادرزاده اسکندر بیگ منشی مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی و خلاصة الشعرا (مقدمه) و صحف ابراهیم و خوشگو و اشپرنگر و فهرست بانکی‌پور ج ۳ ص ۶۱.

برای **شرح حال و آثار عبداللطیف عباسی** رجوع شود به عمل صالح ج۳ تألیف محمد صالح کنبوه و پادشاه نامهٔ ج۱ تألیف عبدالحمید لاهوری و خلاصة الشعرا (مقدمه) و منتخب اللباب ج۱ ص ۵۲۳ و حقیقت الحقیقت مرتبه ج. استفنسن.

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود به فهرست بادلین ص۱۹۷ الف الی ص۲۰۳ ب[1].

---

۱ ـ در این فهرست تنها اسم ۱۲۰ (بلکه ۱۱۸) شاعر ذکر شده است اما در نسخه مجلس در فهرست کتاب اسم ۱۲۶ شاعر و اشعار قریب ۶۲ شاعر دیگر آمده است.

عرفات العاشقين

ابتدا

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم - ومن دخل كان امناً. رباعی .

ای آنکه ترا در حرم دل بار است	گر با حجرالاسود عقت کار است
احرام طواف معرفت بسته در آی	کاینجا عرفات کعبه دیدار است

تیمناً و تبرکاً افتتاح کلام درین مقام بنام احدیست قدیم صمدی واجب التعظیم جلّ شأنه و عظّم مکانه »

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب تقی‌الدین محمدالحسینی الاوحدی الدقاقی البلیانی ثم‌الصفاهانی متخلص به «تقی» است (چنانکه اشپرنگر وایوانوذکر کرده‌اند و در تذکره مخزن الغرایب ودیگر تذکره‌ها تقی اوحدی ذکر شده‌ و اکثر آنها ذکراورا تحت حرف «ت» آورده‌اند) اما عبدالمقتدر در فهرست بانکی‌پور تخلص وی را «اوحدی» می‌نویسد که محققاً اشتباه است . اسم پدرمؤلف معین‌الدین محمدابن سعدالدین محمد [1] است و نسبش بهفت واسطه بشیخ‌المشایخ اوحدالدین عبدالله‌الفارسی البلیانی [2] میرسد وبچندواسطه بشیخ ابوعلی دقاق [3] وازوی بچندواسطه بامام موسی کاظم میرسد .

بلیان که‌وطن اجدادمؤلف قریه‌ایست از توابع کازرون فارس . بروایت‌مؤلف اجداد وی‌اهل‌علم‌وفضل وصاحب «خرقه وسجاده بلکه‌هادی‌ومهدی زمان ودوران» خودبوده‌اند . پدرمؤلف درزمانیکه‌ازاصفهان بفارس رفته‌بودهمانجافوت کردومؤلف اصلااورا ندیده بود. امادر«مخزن‌الغرایب»درذیل‌شیخ‌معین‌الدین‌محمداوحدی آمده است که‌او والدمولاناتقی‌الدین‌اوحدی‌صاحب‌تذکره‌عرفات‌است‌ودرقزوین گاهی‌شاه

---

١ ــ ر.ك. استوری ج١ص٨٠٨

٢ ــ برای شرح حال شیخ اوحدالدین ر.ك. نفحات‌الانس ص٢١٩و سفینة الاولیا ص ١٨٠ .

٣ ــ برای‌شرح‌حال‌ابوعلی‌دقاق‌متوفی‌٤٠٥ یا٤٠٦ ه رجوع‌شودبه تذکرة‌الاولیا ج١ ص١٨٧ــ٢٠١ ونفحات‌الانس ص٣٢٨ــ٣٣١وسفینة‌الاولیاص١٥٩.

طهماسب صفوی درمجلس وی حضور مییافت وشیخ معین الدین ازقزوین بشیراز واز آنجا به هندرفت ودردکن در ۹۷۹ ه فوت کرد وقول آخرصاحب مخزن الغرایب باگفته خود تقی اوحدی مباینت و اختلاف دارد چون وی میگوید که پدرش درفارس فوت کرده است .

مؤلف در عصرچهارشنبه ۳ محرم ۹۷۳ ه در اصفهان بدنیا آمد و بیت زیر ازقطعه ایکه مؤلف درشرح حال خود آورده است سال تولد وی را میرساند :

زانکه تاریخ سال مولودم　　　　طالب شاه نعمت اله است　　　(= ۹۶۳ ه)

تقی اوحدی هنوز دوازده ساله بود که مادرش هم بدورحیات گفت واو از پدرومادر هردومحروم شد .

مؤلف در کوچکی بعدازختم قرآن فرا گرفتن صرف ونحوومنطق وریاضی را شروع کرد وسپس بتحصیل حکمت واخلاق مشغول گشت اما بمقتضای سن کوچك خود بزودی ازتحصیل حکمت واخلاق دست کشید .

وی از کوچکی بمطالعه شعرمیپرداخت واز سن نه سالگی شعرمیسرود ولی چون مادرش اورا از گفتن شعرمنع میکرد وی درزمان حیات مادرازشعر گوئی منصرف شد. چون شانزده ساله شد یا درعرصه تصوف وعرفان نهاد ودر گوشه عزلت نشست .

مؤلف تادوازده سالگی دراصفهان « نشوونما » یافت و بعد ازآن برای یکسال دریزد نزدخویشاوندان واقارب خود بسر برده وسپس باصفهان مراجعت نمود و تاشانزده سالگی در آن شهرسکونت داشت .

سپس بفارس رفت و آنجا تاچهارسال « بخدمت عرفا وظرفا وعلما وشعرای محققین ومدققین » بوده وهمانجا بادختر مولانا میرقاری که پسر عموی پدر او بوده ازدواج کرد .

درسن بیست سالگی ازشیراز بعراق رفت ودر ۹۹۵ ه هنگامیکه دراصفهان هرج ومرج عظیمی روی داد وی دراردوی سلطان محمد خدابنده صفوی (۹۸۵-۹۹۶ ه) بود بالاخره چون شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ ه) ازخراسان بقزوین رفت تقی

اوحدی باتفاق امرای دربار صفوی از اصفهان بسیر کاشان وقم رفت و بالاخره وارد اردوی شاه عباس صفوی شد و یکسال را آنجا بسر برده از راه اصفهان بشیراز رفت و آنجا پنج سال اقامت داشت .

در سنه ۱۰۰۰ه موقعیکه عبدالله خان اوزبک در مشهد دست بقتل عام زد و شاه عباس صفوی بطرف مشهد شتافت تقی اوحدی از قزوین بعراق رفت وچون خبر فتح و مراجعت پادشاه ایران بعراق رسید باصفهان بر گشت وچون شبی در جشن فتح و نصرت پادشاه چراغان کردند مؤلف بمناسبت آن موقع رباعی سرود و بپیش شاه گذرانید .

سپس مؤلف با اردوی شاهی از اصفهان بقزوین رفت و آنجا مقدار زیادی شعر سرود وظاهراً بعداً به اصفهان مراجعت کرد وهنگامیکه اردوی شاهی از اصفهان کوچ میکرد مؤلف بعلت بیماری و بعنوان تعلیم از «دولت ملازمت» استعفا کرده و یکسال در اصفهان اقامت نمود و در موقعیکه آثار طاعون در آن شهر پیدا شد وی به یزدجرد رفته یکسال آنجا توقف نمود ودوباره بوطن خود اصفهان برگشت وتا سال ۱۰۰۵ه در عراق عجم سکونت داشت . سپس بقصد زیارت عتبات عالیه بعراق عرب رفته و آنجا چهار سال اقامت داشت ودر سنه ۱۰۰۸ه از راه همدان بزادگاه خود اصفهان مراجعت کرد و آنجا تا آخر سال ۱۰۱۴ه سکونت داشت .

در اول رجب ۱۰۱۵ه مؤلف باتفاق جمعی از دوستان عازم هندوستان شد و از عراق عجم بشیراز و از آنجا بکرمان و قندهار و از آنجا به لوهاور (لاهور) رفت . درراه خبر فوت اکبرشاه[1] و جلوس جهانگیرشاه (۱۰۱۴ه) راشنید[2] . یکسال ونیم درلاهور توقف نمود وسپس همراه اردوی جهانگیرشاه بازم آگره شد و بعد از یکسال و کسری

۱ـ مولف مخزن الغرایب درذیل اسم تقی اوحدی مینویسد :
درعهد اکبرشاه ونورالدین جهانگیر بهندوستان جنت نشان آمده .... » که باقول مولف اختلاف دارد .

۲ـ مولف درذیل شرح حال خود بتعریف وتوصیف زیادی ازجهانگیرشاه بنثر مصنوع پرداخته است .

بگجرات رفت . درسال ۱۰۲۰ه تصمیم گرفت بحجاز عزیمت نماید اما عملی نشد و بالاخره بآگره مراجعت کرد . درموقع تألیف کتاب عرفات یکسال و نیم بود که در آگره اقامت داشت وسن مؤلف در حدود چهل و نه سال بود .

سپس مؤلف باحمدآباد گجرات رفت چون درسال ۱۰۳۶ه کتاب «کعبه عرفان» را دراحمدآباد انتخاب و ترتیب داد چنانکه در نسخه کعبه عرفان متعلق بکتابخانه بانکی پور توضیح ذیل آمده است :

«این نسخه که کعبه عرفان است از عرفات در احمدآباد گجرات (در سنه) ۱۰۳۶ه منتخب شد »

مؤلف تاسال ۱۰۳۹ه در قید حیات بود چنانکه در نسخه خطی ش ۷۳۳ فهرست ایوانو اشعاری مورخ ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ را ازخودش نقل کرده است .

بقیهٔ احوال مؤلف بدست نرسید و سال فوت وی بروایت تذکرة الشعراء غنی ۱۰۵۰ه است[1] اما مأخذ اصلی این روایت معلوم نشد .

آثارمولف

آثار مؤلف چنانکه خودش در عرفات و کعبه عرفان ذکر کرده بقرار زیر است .

الف .شعر

۱ــ مثنوی یعقوب ویوسف مشتمل بر ۲۲۲۲ بیت

۲ــ ساقی نامه موسوم به نثار وخمار[2] ــ مشتمل بر سیصد بیت

۳ــ کعبه دیدار ــ مشتمل بر سه هزار بیت

٤ــ سفینة السفینه ــ مشتمل بر شش هزار بیت

٥ ـ کعبة الحرمین ــ مشتمل بر چهار هزار بیت

۱ــ ر.ك. تذكرة الشعراء غنی چاپ انستی تیوت پرس علیگر ص ۳۳
۲ــ نسخه بانکی پور ش ٦۸٥ ج ۸ : نشاء بیخمار
۳ــ ایضا : نصرة العارفین

۶ـ لوح محفوظ

۷ـ قلم قدرت

۸ـ تبصرة العارفین ـ دیوان قصاید و مدح و قدح

۹ـ تذکرة العاشقین ـ دیوان غزل مشتمل بر نه هزار بیت ـ نسخه ناقص از این دیوان در کلکته موجود است (رجوع شود بدا وانو ش ۷۳۳). ظاهراً این دیوان و کتاب «دیوان غزلیات» که در مدراس (ش ۷) موجود است یکیست.

۱۰ـ رباعیات اوصافیه و رباعیات اضافیه که بقول مؤلف «بروش نجوم از وی فال گرفته میشود»

۱۱ـ مثنوی شتر گربه (رجوع شود بریاض الشعرا)

۱۲ـ دیوان مقطعات و معمائیات و اهاجی و رباعیات اضافیه و اوصافیه

۱۳ـ عین الحیات «مبنی بر آنچه در هند گفته شده»

۱۴ـ فردوس خیال اوحدی ـ این کتاب را مؤلف در عرض شش سال در بین راه شیراز و گجرات ترتیب داده و آن مشتمل بود بر اشعار منتخب از شعرای مختلف که در ۱۰۲۰ هـ باتمام رسید. اما بعداً یکی از امرای دربار جهانگیرشاه در آگره وی را وادار کرد که در این کتاب تجدید نظر نموده و شرح حال شعرا را باین کتاب اضافه نماید و مولف در نتیجه کتاب مستقلی ترتیب داد بنام تذکره عرفات العاشقین (تذکره مورد بحث).

۱۵ـ دیوان امیدآباد درجواب اشعار امیدی

۱۶ـ دیوان آدمیت

۱۷ـ دیوان جواهرزواهر

۱۸ـ دیوان دررو غرر «که قصاید محض اند»

۱۹ـ کعبه عرفان (رجوع شود به خلاصه تذکره عرفات در پایان این بحث)

۲۰ـ انتخاب کعبه عرفان (رجوع شود به خلاصه تذکره عرفات در پایان این بحث)

۲۱ـ کلیات ـ ظاهراً مجموعه مثنویهای کوچك مؤلف بود که نسخه‌ای از آنرا

بنام حیدر لقبی همدانی ازوی التماس نمود که بطور یادگار برای او مجموعه‌ای از اشعار متقدم ومتاخر سازد وبنا برخواهش آن دوست مؤلف هرچه اشعاری ازشعرای مختلف در عرض شش سال مسافرت ازشیراز تا گجرات هندوستان جمع آوری نموده بود بصورت مجموعه‌ای بنام «فردوس خیال» (که هم نام کتابست وهم ماده تاریخ تألیف آن) ترتیب داد. سپس درسال ۱۰۲۲ ه که در دارالسلطنه آگره اقامت داشت «یکی از اجله اعیان زمان که اصدق اصدقا احباب درستی صمیمی قدیمی» مؤلف بود او را فرمایش کرد که بکتاب «فردوس خیال» نثری نیز انضمام نموده آنرا بصورت تذکره‌ای درآورد وبنا براین مؤلف شرح حال «اکابر واعاظم از سلاطین وسلاطین ووزرا وشعرا وعرفا وفضلا وعلما وبلغا وظرفای قدیم وجدید هرکس که شعر سروده بود اگر از اشعار وی یک بیت هم بدست آمد دراین تذکره آورده واسم آنرا «عرفات وغرفات عاشقین و عرصات وعرضات عارفین» گذاشت.

مؤلف اسم مآخذ کتاب را در مقدمه یا خاتمه کتاب نیاورده است اما در ذیل شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را ذکر کرده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده نموده است :

۱ـ لب الالباب (لباب الالباب) عوفی ـ درشرح حال اکثر شعرای متقدم از این کتاب استفاده کرده است.

۲ـ مجالس النفائس ـ درشرح حال اکثر شعرای متوسط از این کتاب استفاده کرده است.

۳ـ تذکرة النساء (رجوع شود به نام دختر قاضی سمرقندی)

۴ـ چهارمقاله سمرقندی (رجوع شود به نام ابی رجاء الغزنوی وغیره)

۵ـ نفحات الانس (رجوع شود به نام ابویزید بسطامی وغیره)

۶ـ شیرازنامه (رجوع به نام شیخ ابوعبدالله شیرازی)

۷ـ تاریخ صفویه (رجوع شود به نام شاه اسماعیل وغیره)

۸ـ حبیب السیر (رجوع شود به نام معمائی وخواند میر وغیره)

۹ـ طبقات ناصری منهاج سراج (رجوع شود بنام امیر چاؤش)

۱۰ـ تذکرة العارفین (رجوع شود به نام مولانا خواجه جان خوافی وغیره)

۱۱ـ تاریخ همایونی (رجوع شود به نام سامان وغیره)

۱۲ـ تاریخ شاهرخی (رجوع شود به نام ملک شمس الدین وغیره)

۱۳ـ (نزهت القلوب) حمداله مستوفی (رجوع شود بنام کمال الدین اصفهانی)

۱٤ـ تاریخ بیهقی (رجوع شود بنام محمود غزنوی)

۱۵ـ نظام التواریخ (رجوع شود بنام ملکشاه وغیره)

۱٦ـ مقالة الابرار (رجوع شود بنام نجم الدین محمود)

این تذکره مشتملست بر ذکر ۳۱۹۵ شاعر[1] بترتیب الفبا[2] ازروی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «استاد ابوالحسن رودکی» شروع شده با «میرزا یوسف خان» تمام میشود و حاوی ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر میباشد که ذکرشان را در بیست و هشت «عرصه» آورده است و هر «عرصه» مخصوصست برای یك حرف. هر «عرصه» مشتملست بر سه «غرفه» بترتیب برای ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر.

مؤلف بقول خودش حتی المقدور اشعار صوفیانه و عاشقانه را از دواوین شعرا انتخاب نموده و در این تذکره ثبت کرده است.

وی در مقدمه کتاب ادعا نموده است که در مورد هیچکس تعصب و جانبداری نکرده است و این قول مولف مبنی بر حقیقت میباشد چنانکه مؤلف در سراسر کتاب از هیچکس انتقادی نکرده و هیچکس را مورد تقبیح و تشنیع قرار نداده است و ازاین حیث این تذکره دارای نقص بزرگی است چون فاقد نقد و نظر صحیح مؤلف دربارهٔ شعرای مذکور میباشد و غیر از تعریف و توصیف حتی از شعرای درجه سوم و چهارم چیزی ندارد و بنابراین تعریف مؤلف را بهیچوجه نمیتوان اعتباری گذاشت.

۱ـ استوری: تقریباً سه هزار شاعر (ر.ك استوری ج ۱ ص ۸۱۰)

۲ـ اما گاهی در ترتیب اسامی اشتباه کرده است چنانکه مولانا رندی کاشی را بجای عرصه «را» در عرصه «نون» واسمعیل بن نوح را بجای عرصه «الف» در عرصه «میم» آورده است.

اشعار وشرح حال اکثر شعرای متقدم ومتوسط را مفصل آورده‌است امادرذیل نام شعرای متاخر شرح حالشان رادوسه جمله‌واز آنان دو سه بیت نقل کرده‌است .

ازجمله ۱۱۹۵ شاعر مؤلف درذیل نام ۱۳۶ شاعر اشعارشان را مفصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است مانند ابوالفرج رونی و ابوسعید ابوالخیر وغیره.
همچنین در ذیل نام ۶۸ شاعر شرح حال اشعار مفصل اما نمونه اشعارشان را مختصر آورده است مانند سلطان‌محمد جلایر و شاه اسمعیل صفوی . تنها در ذیل نام ۲۱۶ شاعر اشعار و شرح حالشانرا مفصل آورده است مانند ابوبکر ازرقی الهروی و شیخ امین‌الدین بلیانی و غیره .

اشعاروشرح حال بقیه شعرا رامختصر آورده است .

درذیل نام‌شعرای ذیل اشعارشان را ازسایرین مفصل‌تر نقل کرده‌است .
محمود شبستری و مسیح کاشانی (هر کدام در۵ص) وفرخی (در ۵½ص) ونظامی گنجوی (در ۶ص) ونظیری (در۷ص) و مسعودبن سعدسلمان در (۷½ص) وتقی اوحدی (در۸ص) .

رویهمرفته اشعارخودش‌راازهمه مفصل‌تر آورده‌است .

همچنین رویهمرفته شرح حال‌خودرا نیزازهمه مفصل‌تر (اول در ۶½ ص در مقدمه وسپس در ½۱ ص تحت « تقی‌اوحدی »)آورده‌است .

گاهی‌درذیل‌نام‌بعضی شعرا جمله‌ای برای معرفی آنها آورده است اما اشعار آنانرا مفصل نقل کرده است‌مانند قاضی عثمان‌قاضی‌وغیره.

گاهی در مورد بعضی شعرا ازآنها خیلی تعریف وتوصیف نموده است اما شرح‌حال آنها رادریك دوجمله آورده وازآنها يك‌دوبیت نقل کرده است مثلارجوع شود به نام‌اختری ترشیزی وملااختری یزدی .

بعضی کلمات واصطلاحات‌مشکلی راکه دراشعارشعرا بکاررفته‌است درموقع نقل‌آن اشعارشرح داده است‌مثلارجوع شودبه نام‌فخرالدین مبارکشاه .

درذیل شرح‌حال‌اشخاص‌مذکوره‌ذیل آثارشان‌رانسبةمفصل ذکرنموده‌است:

شیخ ابوعلی‌سینا وتقی‌اوحدی (مؤلف) وجامی .

گاهی درذیل شرح حال شعرا بعضی حکایات جالبی را نقل کرده است مثلا رجوع‌شود به‌سمنانی‌وفردوسی‌ولسانی.

درذیل نام رفیع‌الدین مرزبان الفارسی شرح‌حال‌اورا اصلا ننوشته‌وتنها در پنج سطر از او تعریف و تمجید بیحود کرده‌است که منظوراز آن غیرازعبارت پردازی چیزدیگر بنظر نمیآید چون‌طی آن‌پنج‌سطرهیچ‌اطلاعی درباره زندگانی شاعر نداده است .

همچنین درذیل نام‌شیخ‌الاولیا شیخ مختارالدین‌صفی‌بن‌محمود شرح‌حال‌اورا اصلاننوشته وتنها اشعاراورا (در ۴ص) نقل‌کرده است .

درذیل‌شرح‌حال اکثرشعرامؤلف بطور اغراق‌آمیزی‌ازآنها تعریف وتوصیف کرده‌است امامقصود مؤلف‌ازآن‌جزعبارت آرائی‌چیزدیگر نبوده چون‌ازاین‌عبارات طویل‌هیچ مطلبی‌بدست‌خواننده بهم‌نمیرسد (مثلارجوع شود به نام‌اهلی‌خراسانی و اهلی‌شیرازی.)

درذیل شرح حال اکثرشعرا مؤلف سال ولادت و وفات و وقایع مهم دیگر از زندگانی آنها را نقل‌نکرده است.

همچنین‌درذیل نام‌بعضی‌ازشعرا تعریف‌وتوصیف آنها رادرچندین‌جمله‌متعاقب بطوراغراق‌آمیزی‌آورده اما باوجودآن‌هیچ اطلاعی‌درباره زندگانی آنها درسراسر شرح‌حال بهم‌نرسانیده است (مثلارجوع شودبه نام‌ابوشعیب صالح بن‌محمدالهروی‌و ابوسعیدسعادت‌بن مسعودسلمان).

سبک‌مؤلف‌دراین کتاب غالباًمصنوع وپرتکلف‌است‌وحتی‌درنوشتن نثرمصنوع مؤلف سعی بلیغ نموده است ومخصوصاً درموقع تعریف و توصیف ازشعرا غالباً نثر مسجع بکاربرده است.

غالباًقبل‌ازاسم‌وتخلص‌شاعرالقاب توصیفی آورده است که‌آخران غالباً بااسم وتخلص‌شاعرهم قافیه میباشد مانند :

«استادالشعرا امیرالبلغا امیرالفصحا اعجوبةالعصر حکیم المعروف المکنوف ابوعبدالله الرودکی» یا «السیدالسندالفاضل الکامل مرشد الدهر مفتی عمدة الزمان زبدةالدوران صورت مرابای جلی وخفی شمس الداعی النسفی» یا «شاه سریر بی نیازی داعی کلمات حقیقی ومجازی آفتاب عالم سرافرازی شاه داعی اله شیرازی»

گاهی این القاب توصیفی را خیلی مفصل آورده است (مثلا رجوع شود به نام شیخ ابوالحسن خرقانی و میرباقر داماد و فردوسی).

گاهی بمناسبت اسم یا تخلص شاعر در موقع نقل القاب، توصیفی جناس میاورد مانند:

«غواص محیط اختصاص ابومحمد غواص» یا «اشرف شرفای معانی گلبن گلستان سخندانی حکیم اشرف گلستانی»

ازلحاظ جامعیت وتفصیل مطالب تازمان تألیف عرفات هیچ تذکره‌ای نمیتواند با آن کتاب برابری کند واگر ازعبارت آرائی بیمعنی و تعریف و توصیف بیخود ازشعراصرفنظر کنیم این تذکره تازمان خود جامع ترین و بهترین تذکره فارسی بوده و حتی میتوان آنرا جزو بهترین تذکره‌های فارسی محسوب داشت.

آرزو در «مجمع النفایس» درباره تذکره «عرفات العاشقین» مینویسد: «کتابی باین جامعیت دیده نشده».

اما واله در «ریاض الشعرا» راجع به تقی اوحدی مؤلف عرفات چنین اظهار نظر کرده است:

«تذکره مسمی بعرفات که مزخرفات بسیار در آن درج کرده تألیف نموده مشتمل برهشتادهزار بیت وباز از آن تذکره دیگر انتخاب کرده است مسمی بکعبه عرفان که اگر بنظر نکته‌سنجان دقیقه‌یاب برسد مایه مولف را از آن درمییابند»[۱] ولی جالب این است که واله در تألیف ریاض الشعرا تذکره عرفات را اساس خود قرارداده و مطالب را از آن کتاب نقل کرده است اما اکثر سعی نموده است بر قول تقی اوحدی انتقاد

---

۱ ــ ر. ك. ریاض الشعرا درذیل نام تقی اوحدی.

نمایدو گاهی بی‌علت بروی تاخته‌است . حتی اسم عرفات را درمقدمه کتاب جزومآخذ خودذکر نکرده‌است درصورتیکه در تألیف تذکره‌خود ازهیچ کتاب دیگر باندازه تذکرهٔ عرفات استفاده ننموده است و این امر شاهد تعصب و بی عدالتی واله میباشد .

نسخ خطی

نا گفته نماند که نسخ کامل این تذکره بسیار نادر بوده‌است . آزاد در «خزانه عامره» (ص۷) مینویسد که وی نسخه‌ای ازاین کتاب دیده بود که‌تنها ازحرف «ص» تاحرف «ی» داشته امادرموقع تألیف خزانه‌عامره هیچ نسخه‌ای‌ازاین کتاب‌دردست او نبود .

آرزوهم‌همین گله داشت که نسخه ناتمامی‌ازاین کتاب‌داشت‌و نسخه کتابخانه ایوان هند شرقی [۱] که بلاند در دست داشت نیز تا نفرششم در حرف «ق» بودو بقیه کتاب از آن‌نسخه افتاده بود.

نسخی که‌امروزدر کتابخانه‌ها ازاین کتاب‌محفوظ است بقرارزیر است :

۱ ـ کتابخانه ملك ش‌فیش ۵۳۲۴ مورخ‌قرن ۱۱ ه .

۲ ـ آصفیه ج۳ص ۱۶۴ ش ۲۰۹ .

۳ ـ اندیا آفس ش ۳۶۵۴ [۲] (= لندزیانا ص ۲۲۳ ش ۳۱۳ مورخ تقریباً ۱۷۶۰م /۱۱۷۴ ه).

۴ ـ بانکی‌پور ج۸ش۶ ـ۶۸۵ (این‌نسخه ظاهراً کاملست غیرازاینکه غرفه دوم و سوم درعرصه «ح» مشتمل بر۱۳۸شاعر را ندارد) مورخ۱۰۵۰ ه .

خلاصه عرفات

۱ ـ **کعبه عرفان**ـ مؤلف در ۱۰۳۶ ه خلاصه‌ای از کتاب عرفات‌بنام « کعبه

---

۱ ـ East India House Library

۲ ـ این نسخه درفهرست اته ذکرنشده است ر . ك. استوری ج ۱ ص xvi درذیل I.O.

عرفان» دراحمدآباد گجرات ترتیب داد که هر حرف آن مشتملست بر سه قسمت بعنوان حنانی ومنانی ودیانی بر ترتیب راجع به شعرای متقدم ومتوسط ومتاخر ومجموعاً قریب به هشتاد هزار بیت دارد .

۲ ـ **انتخاب کعبه عرفان** ـ خلاصه کعبه عرفا ست که مؤلف بفرمایش جهانگیر شاه در سه «رکن» مشتمل برشعرای متقدم و متوسط ومتاخر ترتیب داده است .

۳ ـ **گلدسته** ـ عبدالوهاب عالمگیر بن سید منصور خان در ۱۱۵۵ ه تذکره ای بنام گلدسته ترتیب داد که اکثر اشعار را از انتخاب «کعبه عرفان» انتخاب و نقل کرده است (رجوع شود به بحث درباره «گلدسته» دراین کتاب).

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به عرفات العاشقین[1] ومخزن الغرایب و فهرست بانکی پور واستوری ج۱ ص۸۱۱ وریاض الشعرا وتذکره طاهر نصر آبادی و مجمع النفایس وبلاند درمجله انجمن همایونی آسیائی ج۹ ص۶-۱۳۴ واشپرنگر ص۹۵ و گلدسته .

فهرست اسامی شعرا :درهیچ کتاب یافهرست کتابخانه نیامده است.

تذکره خرابات

ابتدا : (نسخه کتابخانه ملك تهران که تنها نسخه این کتاب است با «تتمه غزلیات جامی» شروع میشود) .

شرح حال مولف

اسم مؤلف دراین کتاب ذکر نشده است وشرح حال خودرا نیز دراین کتاب نیاورده است. اما اطلاعات زیر درباره آن ازمحتویات کتاب بهم میرسد :

۱ . مؤلف باخان احمدمیرزا حاکم گیلان فوق العاده ارادت داشته وشرح حال اورا خیلی مفصل ودقیق نوشته است وظاهراً وی ازخوان نعمت خان مزبور برخوردار بوده است .

---

۱ ـ شرح حال مولف درعرفات العاشقین مفصل تر ازسایر کتب آمده است

۲ – مؤلف در کودکی درهرات بوده و آنجابا خواجه حسین ثنائی ملاقات کرده‌است (رجوع‌شودبه‌شرح‌حال خواجه حسین‌ثنائی).

۳ – مؤلف باشعرای زیرملاقات کرده‌است :

(۱) خواجه حسین ثنائی چنانکه درذیل نام اومینویسد :

«فقیرحقیر راقم‌این‌مجموعه‌موسوم‌به‌خرابات‌درهرات‌در کودکی در خدمت ایشان مشرف شدم».

(۲) رضاکاشی چنانکه درذیل نام مینویسد :

«درایام‌نواب مرحوم علیقلی‌خان شاملو ازکاشان بهرات‌آمد و بنده در آن‌ایام بخدمت او رسیدم‌ودرتاریخ ۹۹۵هـ درقتل‌عام هرات بدست عساکر عبدالله ازبك شهید‌شد».

(۳) میررضای مشهدی چنانکه درذیل شرح‌حال اومینویسد :

« درشهورسنه ۹۹۰ دردارالسلطنه بخدمت او رسیدم».

(٤) شاه‌روحی همدانی چنانکه در ذیل شرح حال اومینویسد :

« بخدمت اورسیدم فی‌شهورسنه ۹۹۶ هـ ...»

٤ – چنانکه در ذیل‌نـام رضاکاشی درسطور فوق گذشت مؤلف درایام‌نواب علیقلی‌خان شاملودرهرات بوده امامعلوم‌نیست در۹۹۵ هـ در ایام قتل‌عام هرات هم درآنجابوده‌است‌یاخیر؟

۵ – از شرح حال مولانا تاجری وباقرخورده کاشی ومیرتشبیهی اصفهانی و انیسی شاملو و میر ابوالبقا معلوم میشود که ازسال ۱۰۱۰ هـ تا ۱۰۲۵ هـ در هند بوده‌است.

٦ – درمحرم ۱۰۱۹ هـ دربرهانپور هند بود (رجوع شودبه‌شرح حال‌انیسی شاملو).

۷ – درذیل نام میرابوالبقا «نواب‌حسین‌خان میرزا» را ولی‌نعمت‌خودنوشته است .

حسین ثنائی ۴۵۱ ص).

. مخصوصاً درذیل نام خواجه حسین ثنائی انتخاب مفصلی ازقصاید وغزلیات و مقطعات ورباعیات ومثنوی وآورده است ورویهمرفته اشعاراورا مفصل ترازسایرین نقل کرده است.

درذیل نام مولاناجامی ومولانا جلال الدین دوانی اسم آثارشان رامفصل نقل کرده است .

مؤلف میگوید که شعرای زیردرموقع تألیف این کتاب درقید حیات بودند : نواب خان احمد میرزا (حاکم گیلان) وامیرابوالمعالی کاشی ومیرابوالحسن تفرشی مشهور بفراهانی وابوتراب بیگ کاشی و مولانا امتی ومولاناپروی ساوجی و محمد حسین بقائی ومیرابوالبقای بقائی وتابعی خوانساری وداغی خراسانی ونواب رستم میرزا ورازی ورامینی .

گاهی درضمن شرح حال شعرا حکایات جالبی رانقل کرده است (مثلارجوع شود به شرح حال امیرحاج انسی).

سبك انشای مؤلف غالباًساده است اما گاهی نثرمصنوع وحتی نثرمسجع هم نوشته است . مخصوصاً درذیل شرح حال اهلی شیرازی واهلی ترشیزی بنثرمسجع پرداخته است .

گاهی جمله‌ای مصنوع بمعنی «فوت کرد» آورده است چنانکه :

درذیل نام اهلی خراسانی مینویسد :«آنجارخت زندگانی بخانه جاودانی کشید » .

درذیل خواجه (میرزا) جلال اسیر مینویسد:« مستوفی قضااوراق حیات اورا باطل ساخت » .

رویهمرفته این تذکره درباره شعرای معاصرمؤلف بعضی اطلاعات مفیدی را بهم میرساند وحاوی ذکربعضی شعرای اوایل قرن یازدهم میباشد که درتذکره‌های دیگراصلاذکری از آنها نرفته است وچون مؤلف باکثرآنان معاصر بوده وبابعضی

درنوزده سالگی بعزم‌زیارت امام رضا (ع) بمشهد مقدس رفت وقریب یک‌ماه در آنشهر اقامت‌داشت‌درزمان اقامت وی‌درمشهد بعضی ازتجاروکسانیکه بهندوستان رفت‌وآمد داشتند پیش اوچندان‌تعریف هندوستان کردند که اشتیاق فراوان برای مسافرت بآن‌سرزمین درقلب‌او ایجاد گردید وتقریباسه سال‌بعداز جلوس‌جهانگیرشاه مؤلف درآخرسال۱۰۱۸ هـ بیمارونزارازراه قندهار بلاهور رسید[۱] وچهار ماه‌درآن شهر توقف نمود تاخستگی‌سفربکلی رفع شدوپس در سال ۱۰۱۸هـ بدار الخلافه آگره رسید[۲] .

چون‌بآگره رسید، خود را بخدمت یکی ازخویشاوندان خود میرزا نظامی قزوینی رسانید که درآن‌ایام‌بواقعه‌نویسی‌درگاه‌جهانگیری اشتغال‌داشت[۳] .میرزای مزبور بشنیدن قصه امیر حمزه‌خیلی علاقه داشت وبنابراین مؤلف بسبب‌تمرین و ممارست دراندك مدت‌درفن داستان سرائی کمال مهارت را بدست آورد.اما دراین ایام‌بعلت اشتغال بقصه گوئی نتوانست‌بگفتن شعربپردازد .

درسال ۱۰۲۲هـ چون‌موکب‌ولشکر جهانگیرشاه بجانب‌اجمیرحرکت کرد مؤلف نیزهمراه میرزا نظامی‌عازم‌آنشهرشد وآنجا اتفاقا بیکی‌ازهموطنان‌خودبنام مسیح بیك برخورد کرد وی‌درخدمت زمانه بیگ مهابت‌خان بوده ومهابت خان اورامدارالمهام‌پسرخودمیرزاامان‌اللهٰ‌خان‌مقرر کرده‌بود.روزی‌مسیح بیگ‌عبدالنبی رابخدمت میرزاامان‌الله مزبوربرد وچون‌حسب الامروی عبدالنبی فصلی از داستان (امیرحمزه)بیان کرد میرزاچنان‌مشعوف شد که‌نگذاشت وی‌بمنزل بر گرددبلکه بجمعی ازعربان که معتمدان خاص‌اوبو ند اوراسپرد وتاپانزده روزوی در نظرآن

۱ـ ر.ك. میخانه ص ۷۶۱ س۱۱ ۲ـ ایضا س۱۷

۳ـ اودرموقع‌تألیف میخانه (۱۰۲۸ هـ)دیوان صوبه (استان) بهاربود .باید توجه داشت‌که او غیراز نظام‌الدین احمد مؤلف طبقات اکبری است اما خوشحال چنددرتاریخ محمد شاهی معروف به‌نادرالزمانی عبدالنبی‌راازقربای این‌نظام‌الدین‌اخیرالذکر نوشته است که‌اشتباه‌است .

٨١ + ٤١٠١ (= ٧٨٠١٥)

درمورد شعرای مرتبه‌سوم تقریباً باهمه‌آنها شخصاً ملاقات کرده وبا ایشان صحبت داشته است [۱] و بنابراین میتوان فرض کرد که مآخذ احوال‌شعرای‌این‌مرتبه خود این‌شعرا هستند.

۴ ــ چنانکه ازفهرست مآخذ ومنابع این کتاب برمیآید مؤلف درتدوین احوال وجمع‌آوری اشعارشعرا ازمآخذ معتبر وقابل اعتماد ازجمله‌خود شعرا و دوستان وخویشاوندان‌آنها وهمچنین ازمقدمه‌های‌دیوان این‌شعرا ودیگران‌تحقیق نموده‌است واز کتب ومنابع معتبر برای این‌منظور استفاده کرده‌است وچون باهمه این‌شعرا قریب‌العهد یامعاصربوده وسایل‌این‌کار برای‌او میسر بوده است (رجوع شودبفهرست مآخذکتاب درسطور فوق).

۵ ــ مؤلف‌هزارها شعرفارسی را درمیخانه محفوظ کرده است. علاوه‌بر اشعارمتفرق متن‌پنجاه و سه‌ساقی‌نامه (چهل‌ویک‌مثنوی وهشت ترجیع بند وچهار ترکیب‌بند [۲] رامفصل درج کرده [۳] و از ساقی نامه‌های چهارشاعر (دیری‌وذهنی وضیائی ووصلی) اقتباسات‌مختصری‌آورده‌است.

۶ ــ بعضی ساقی‌نامه ها تنها برصفحات میخانه ثبت گردیده ودر هیچ کتاب دیگری ضبط‌نشده‌است.

۱ــ ر.ك.میخانه ص۷۸۴ س۵.

۲ ــ میخانه چاپ‌لاهور: سی‌ودو ساقی‌نامه وپنج ترجیع یاترکیب‌بند.

۳ــ دربعضی‌موارد مولف‌میخانه اشعاری راازساقی‌نامه‌هاحذف‌کرده‌است‌مثلا ازساقی نامه محمدصوفی مازندرانی تنها ۲۱۸ بیت‌نقل‌کرده‌است درصورتیکه ساقی‌نامه‌وی بروایت حاجی خلیفه (کشف الظنون ج۲ ص۱۸) مشتمل بر ۲۸۵ بیت‌بوده واز ساقی‌نامه ظهوری فقط ۸۳۳ بیت‌آورده‌است درصورتیکه بقول‌ریو (ج۱ ص۶۷۹) این ساقی نامه مشتمل بر ۴۵۰۰ بیت‌است. حاجی‌خلیفه تعداد ابیات این‌ساقی‌نامه‌را ۸۰۵ میگوید (ر.ك.کشف ــ الظنون ج ۲ ص۱۸) همچنین‌تعداد ابیات‌ساقی‌نامه حافظ بقول‌حاجی خلیفه ۱۲۹ است‌اما درمیخانه ۱۴۷ بیت نقل‌شده است.

۷ ـ ترجمه احوال بعضی شعرا تنها درمیخانه آمده ودر هیچ کتاب دیگر دیده نشده است مانندوصلی شیرازی وملکی قزوینی وعسکری کاشانی وصفائی تبریزی و حریفی مصنف ومیرعبدالله مژه وضیائی موشحی ومولانا رامی [1].

۸ ـ مؤلف میخانه شرح حال بعضی شعرائی را که چندان مشهور نبودند نیز نسبة بتفصیل ذکر کرده است مخصوصاً احوال شعرای ذیل را مفصل آورده است : پرتوی و غیاثا وشاپوررازی وفزونی استرآبادی وغروری کاشی وکامل جهرمی واوجی کشمیری وشراری همدانی وموزون الملك (لطفی تبریزی) [2] .

۹ ـ مؤلف در ذیل بعضی شعرا درباره وضع اجتماعی آن دوره هم اشاره هائی نموده ودرباره قدردانی شاهان وامرای معاصر هند ودکن وایران ازشعروشعرا واضحاً یا تلویحاً ذکر کرده است ومخصوصاً برخلاف بعضی تذکره نگاران متأخر مانند حزین ووالہ ازسرزمین هندوستان واخلاق مردم وشاهان وامرای آنکشور بسیار تعریف و توصیف نموده است ودراکثر موارد برای هندوستان لفظ «دارالامان» بکار برده است .

باوجود این همه مزایا و خوبیها این تذکره عشرعشیر شهرتی که سزاوار آن بوده نیافته است و حتی اته که در گروندریس [3] اسم ۵۱ تذکره وتاریخ وغیره را که در آنها حالات شعرا مندرج است ذکر نموده است نام این کتاب راهم نمیدانسته و درهیچکدام فهرست کتابخانه های پاکستان وهند وایران واروپا نامی ازاین تذکره برده نشده است بجزاینکه درفهرست مونیخ (ص۳۷) دریك نسخه خطی دیوان عرفی

۱ـ درمقدمه گردآورنده میخانه چاپ لاهور اسم دوستی سمرقندی ودرویش جاوید و مولف هم ذکرشده است اماذکراولی درعرفات ومآثر رحیمی وذکردومی در عرفات وذکر مولف درتاریخ محمدشاهی هم آمده است .

۲ـ برای اطلاعات بیشتری راجع باین شعرا که آقای گلچین از مآخذ مختلفی گرد آورده است ر.ك. حواشی میخانه چاپ تهران درذیل نام این شعرا.

۳ـ Grundriss ـ برای ترجمه آن ر.ك. «تاریخ ادبیات فارسی» تالیف هرمان اته ترجمه ازدکتررضازاده شفق چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران ۱۳۳۷ شمسی(ص ٤-۱۲) .

ومیرزاابوتراب بیگ فرقتی وافضل‌خان‌ذکی وتمام‌شعرای، **رتبهٔ‌دوم** غیرازدوستی **سمرقندی ومؤلف** ودر **مرتبه سوم** درذیل‌نام‌شراری همدانی‌وخصالی یك‌یاچند لقب **توصیفی آورده** است. درا کثرموارد این‌القاب باتخلص یانسبت‌شاعرهم‌قافیه‌آورده است‌مانند: «شیخ‌نامی گرامی حضرت شیخ‌نظامی ومطلع‌انوار ربانی وکاشف اسرار سبحانی فخرالدین‌ابراهیم همدانی‌المشتهر بعراقی» وغیره.

کاهی‌این‌القاب توصیفی‌راخیلی مفصل آورده است چنانکه‌درذیل نام حافظ (که آنجااین‌القاب‌ازهمه‌مفصل‌تراست)مینویسد: «عندلیب‌دلفریب‌انجمن‌سخنوری وبلبل داستانسرای چمن‌نکته‌پروری قطب‌مرکز‌فصاحت وبلاغت مقبول طبیعت اصحاب‌ارادت طوطی‌بوستان‌سخن‌پردازی خواجه‌حافظ‌شیرازی».

همچنین‌درذیل‌نام بعضی شعرا درموقع تعریف آنها بعضی کلمات‌را بمناسبت ورعایت‌تخلص شاعر آورده‌است مثلادرذیل‌نام‌فصیحی مینویسد: آن‌زبدةالمتاخرین وآن‌**افصح** المتکلمین سرآمد مستعدان این جزو زمانست و **فصیح**‌ترین شعرای خراسان».

رویهمرفته این‌تذکره‌چه‌ازحیث شرح‌حال‌شعرا وچه‌ازلحاظ ذکر اشعارشان جزو بهترین تذکره‌های‌فارسی‌است.مؤلف‌بافن‌بیوگرافی‌وقوف‌کامل‌داشت‌وهمچنین دارای ذوق عالی شعر بوده‌است چنانکه اشعاری که مؤلف ازشعرا انتخاب نموده نشان می‌دهد.

نسخ‌خطی

۱- **کتابخانه‌رامپور** (هندوستان) مورخ۱۰۳۹ه (رجوع شود به‌نذیر احمد ش۹۶)-ازاین‌نسخه یك‌یانصف ورق درشروع کتاب‌افتاده‌است وچندبرگ‌دیگر نیز ضایع‌یادروقت صحافی‌بی ترتیب ونامنظم‌شده‌است.

۲- **کتابخانه‌شخصی‌پرفسورشفیع**- تاریخ کتابت ندارد- ناقص الاول‌است ومتن‌وحاشیه هم‌بعضی‌جاهاناقص‌است . ازاول‌تاآخر با احتیاط تصحیح شده است و درمرتبه سوم‌حالات‌نظیری‌وقدسی‌ونظر‌بیگ‌قمشه‌ای وباقیادراین‌نسخه‌نیست.

تاریخ‌جهانگیری

ابتدا

ای نام تو افتتاح هر دیوانی   وز نام تو آرایش هر عنوانی
در کنه کمال تو کی اندیشه‌رسد   در راه تو عقل کل بود حیرانی

بعدازحمد تذکره صمدالهی تعالی وتعظیم و پس‌ازتبصره نعمت رسالت‌پناهی صلی‌الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم میگوید بنده کمتر از هرکم مطربی الاصم . . . . . »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب معلوم نیست اما تخلص‌او مطربی واصل‌او از سمرقند است و وی در۹٦٦ هـ بدنیا آمد و تاسال ١٠٣٧ هـ که به‌بلخ‌رفت در قید حیات بود [١] ــ

تبصره بر کتاب

مؤلف تالیف این کتاب را دررجب ١٠٣٤ هـ بسن ٦٨ سالگی [٢] آغاز نموده است وخاتمه این کتاب‌رادرجمادی‌الثانی ١٠٣٦ هـ آغاز نموده‌است وقبل‌از١٠٣٧هـ که به‌بلخ‌رفت باتمام رسانیده است .

این‌تذکره مشتملست برذکر شعرائی که درزمان‌اکبرشاه (٩٦٢ـ١٠١٤هـ) وجهانگیرشاه(١٠١٤ـ١٠٣٧هـ)دردربار مغولان هند یاسلاطین‌اوزبك واولاد واحفاد چنگیزخان میزیسته‌اند. مؤلف دراین تذکره ذکر شعراو افاضلی‌راکه تا١٠٣٤هـ باآنها ملاقات کرده آورده‌است.

این کتـاب مشتملست برقسمتهای‌زیر :

---

(١)ر.ك. نسخه اته ص ١٩٠ الف سطر ٩٥٨

(٢) مؤلف اینجا سن تقریبی خودرا هفتادسال ذکرکرده‌است (ر.ك. اته ص٢ ب سطر ٥) .

این کتاب مشتملست برده طبقه وهرطبقه ذکرشعرائی‌راشاملست که بترتیب درزمان سلاطین زیرمیزیسته‌اند:

۱۱– تیمور(۷۷۰ - ۸۰۷ ه) ۲– میرانشاه وشاهرخ (۸۰۷ - ۸۵۰ه)
۳ – میرزا سلطان محمد والغ بیگ (۸۵۰ - ۸۵۳ ه)
٤– ابوسعید (۸٥٤ - ۸۷۳ ه) ۵ – عمرشیخ (۸۷۳ - ۸۹۹ ه)
٦– بابر (۹۰۰ - ۹۳۷ه) ۷– همایون (۹۳۸ - ۹٦۳ ه)
۸– اکبر (۹٦۳ - ۱۰۱٤ه) ۹– جهانگیر (۱۰۱٤ - ۱۰۳۷ه)
۱۰ - شاه‌جهان (۱۰۳۷ه تازمان‌تألیف کتاب =۱۰٤٦ه)

هرطبقه این کتاب مشتملست برسه باب بقرار ذیل :

باب اول–درذکرساداتوعرفا.

باب دوم –درذکرعلما وحکما وفضلا.

باب سوم –درذکرشعرا.

نسخ خطی

۱– آصفیه ج ۱ص ۲٤٦ ش۷۲۱ (مورخ قبل از۱۱٥٦ه) .
۲– اته ش۷۰۵ (تاریخ استنساخ ندارد) .
۳– ریو ج۳ ص ۱۰۰۹ب (قرن ۱۹میلادی)

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شودبه طبقات شاه جهانی و کلمات الصادقین و تاریخ محمدی وریو ج ۳ ص ۱۰۰۹ب و استوری ج ۱ص ۲-۱۱۷۱.

فهرست اسامی شعرا

درهیچ فهرست کتابخانه یا کتاب دیگرذکرنشده است .

خزینه گنج الهی

ابتدا : «صاحب مقطعات موعظت آئین امیر محمود مشهور بابن امین(یمین)»

شرح حال مؤلف

این کتاب میرعماد الدین محمود حسینی است وتخلص وی الهی است . اسم پدرش بروایت اشپرنگر حجت الدین وبقول مؤلف منتخب الاشعار حجت‌الله است . وی اصلا ازسادات اسدآباد نزدیك همدان بود [1] .

مؤلف «همیشه‌بهار» مینویسد که اسمش میرصدرالدین محمد علی ابن‌محمد شیرازی است ووی اهل همدان بوده ودرسال ۱۰۱۰ه بهندآمده دردربارشاهی خیلی عزت واحتشام یافت وبرای علم طب اورامسیح الزمان لقب دادند.

امایا این‌قول راجع بکس دیگراست یامؤلف «همیشه‌بهار» اینجااشتباه کرده است چون الهی دراین کتاب میگوید کهوی درسال ۱۰۱۰ه بقصدتحصیل باصفهان [2] رفت و در آنجا سه سال ونیم اقامت کرد وبعد میگوید که درسال ۱۰۱۵ برای همین منظور بشیراز رفت .

مؤلف «کلمات الشعراء» مینویسد که میرالهی همدانی درعهد جهانگیرشاه (۱۰۱۴ـ ۱۰۳۷ه) ازولایت همدان به هندوستان آمد.

اماقبل ازاینکه بهندوستان بیاید بکابل رفت ومدتی آنجا اقامت داشت . درآن زمان ظفرخان احسن که خودش هم شاعر بود وشعرا راتربیت میکرد استاندار کابل بود . وی این سمت رابه نیابت پدرخود خواجه ابوالحسن تربیتی از ۱۰۳۳ه مطابق سال نوزدهم سلطنت جهانگیرشاه تا ۱۰۳۷ه [3] مطابق سال اول سلطنت شاه جهان داشت وپدرش رسماً استاندار کابل بوده ولی شخصاً درآن ایام درکابل اقامت نداشت.

۱ـ ر. ك . تذکره طاهر نصرآبادی وآتشکده

۲ـ اشپرنگر اشتباها شیراز نوشته است(ر . ك . پرتش فهرست برلن)

۳ ـ مولف پادشاه نامه مینویسد که بعد از وی لشکرخان مشهدی حاکم کابل شد (ر. ك . پادشاه نامه ج ۱ ق۱ ص۱۲۰)

در ١٠٣٣ه میر الهی قصیده‌ای بنام ظفرخـان سروده است [۱]. مؤلف «پادشاه نامه» مینویسد که الهی در ١٠٤٠ه در کابل باحکیم حاذق ملاقات کرد که آدم خیلی مغرور وبد طبع بود [۲].

بعداز آن ظاهراً الهی بهندوستان آمد وبعداز چندسال که وی دردربار جهانگیر شاه‌وشاه جهان(١٠٢٧-١٠٦٨ه)بوده درسنه ١٠٤٢ه بهمراهی ظفرخان بکشمیر رفت [۳] ظفرخان دراوایل ١٠٤٢ه به نیابت پدرخود که رسماً حاکم کشمیر بود به کشمیر رفت وبعد ازمرگ پدردررمضان ١٠٤٢ه خودش بحکومت کشمیر منصوب گشت [٤] ودر ١٠٤٨ه معزول شد [٥] و در ١٠٥١ه دوباره بحکومت کشمیر منصوب گشت [٦] و در کشمیر تازمان وفات اقامت داشت.

سال وفات الهی ازروی «واقعات کشمیر» ١٠٦٣هجری است که درقطعه‌ای که برلوح مزار وی کنده شده مذکوراست.دراین قطعه «بود سخن آفرین»(= ١٠٦٣ه) سال وفات وی رامیرساند.

اما اشپرنگر مینویسد که ازروی قطعه تاریخ که غنی سروده‌است الهی در ١٠٥٢ه فوت کرده‌است ولی ابوطالب در «خلاصة الافکار» وفات ویرا در ١٠٦٠ه ذکر کرده‌است در «مرآت جهان نما» سال وفات الهی ١٠٥٧ه آمده‌است وسراج الدین آرزو ١٠٦٤هجری ذکر نموده است.

آثار مولف

آثارمولف چنانکه بدست رسیده است بدین قراراست:

(۱) تذکره خزینه گنج الهی- تذکره مورد بحث.

١- ر. ك. ریو ج ۲ ص ٦٨٧ ب

۲- ر. ك. پادشاه نامه ج ١ ق ١ ص ٣١٨

٣- ر. ك. ریومأخذ این قول ریو «واقعات کشمیر» است.

٤- ر. ك پادشاه نامه ج ١ ق ١ ص ٤٧٢

٥- ایضا ص ١٢٥

٦- ایضا ص ٢٨٣

(۲) دیوان

۱ـ نسخه‌ای از این دیوان مورخ ۱۰۴۲ھ در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است (ر. ك ریوج ۲ص ٦۸۷ب)

۲ـ نسخه‌دیگرمورخ۱۰۵۲ھ در کتابخانه اوده موجود بود (ر. ك. اشپرنگر ش۲۷۷) .

۳ـ نسخه‌ای مورخ ۱۰۵۲ھ دربرلن موجود است که ظاهراً همان نسخه اشپرنگراست‌یاازروی آن‌استنساخ شده است(ر. ك . برلن ش۹۳۹).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب رابین سالهای۱۰۴۲و۱۰۵۲یا۱۰٦۳و۱۰٦٤ھ تألیف کرده است .

این تذکره مشتماست برذکرقریب چهارصد شاعر[1] متقدم ومتأخر بترتیب الفبا ازروی حرف أول اسم یاتخلص‌شاعرومؤلف درتألیف این کتاب از کتب زیر استفاده کرده است :

۱ـ تذکره دولتشاه سمرقندی ۲ـ تحفه سامی
۳ـ مجالس النفایس میرعلیشیرنوائی ٤ ـ عرفات العاشقین تقی اوحدی .
۵ ـ جواهرالعجایب فخری ٦ـ تذکره‌خواجه‌امین‌الدین‌حسن‌نثاری (مذکرالاحباب)
۷ ـ مقالة الابرار (تذکره صوفیه) ۸ ـ مجالس‌عبدالقادر مراغه‌ای

این تذکره با «امیرمحمود ابن‌یمین» شروع‌شده با «همایون پادشاه» تمام میشود ومخصوصاً مشتمل برذکر شعرای متوسط (ازقرن‌نهم ودهم) میباشد وشرح حال و آثاربعضی شعرای‌قرن‌هشتم رانیزشامل‌است که‌ازدولتشاه نقل کرده‌است.

۱ـ نسخه‌اشپرنگرهم بخط مولف است ودراین‌نسخه مولف بعضی‌جاهارا خالی‌گذاشته وگاهی تنها اسم شاعر رانوشته وبعدا جابرای‌شرح حالش‌خالی گذاشته وفقط اشعارمنتخب راازوی‌آورده است. گاهی تنها شرح حال‌شاعری‌را نوشته وجابرای اشعاراوخالی‌گذاشته است. غالبا درحاشیه اضافه‌هائی داردکه بخط کسی دیگراست.

این تذکره هیچ دیباچه و خاتمه ندارد و چنانکه اشپرنگر گفته است هیچوقت باتمام نرسیده و بنابراین کاملا غیرمعروف مانده است .

نسخ خطی

۱- اشپرنگر ش١١ (١)   ٢-برلن ش٦٢٦-نسخه ناتمام بخط مولف.

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به منتخب الاشعار مبتلا ش٤٦ و عمل صالح ج ٣ص ١٦-٤١٥ (که اطلاعات زیادی درباره وی نمیرساند) و تذکره طاهر نصرآبادی ص ٦- ٢٥٥ و کلمات الشعرا و مرآت الخیال ش٧٤ و همیشه بهار و واقعات کشمیر ص ١٥٣ و ریاض الشعرا (که دیوان منتخب الهی دارد) و آتشکده ش٥٩٨ و خلاصه الافکار ش٣٦ و مخزن الغرایب ش١١٣ و ریاض الافکار (ر.ك. بانکی پور ذیل ج١ص ٥٠) و هفت آسمان ص٧-١٤٦ و فهرست ریو ج٢ص ٦٨٧ ب و ج٣ص ١٠٩١ ب واستوری ج١ق ٢ص ٨١٦) .

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به اشپرنگر ص ٦٧-٨٧

فصل دوم

قسمت دوم

ازجلوس اورنگزیب عالمگیر شاه (۱۰۶۸ھ) تاآغاز سطلنت انگلستان (۱۸۵۷م/ ۱۲۷۴ھ)

ملاحظات عمومی
بر
قسمت دوم فصل دوم
(۱۰۶۸ - ۱۳۷۶ ﻫ)

وضع سیاسی واجتماعی این دوره

این دوره در تاریخ هند دوره هرج ومرج سیاسی وانحطاط اجتماعی میباشد.

اورنگزیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ﻫ) آخرین پادشاه بزرگ تیموریان مرد بسیار خشك ومذهبی افراطی ومسلمان متعصبی بود وبرعکس رسم اسلاف خود نه تنها ادباء وشعراء را تربیت نمیکرد بلکه حتی ازشعرا انزجار ونفرت داشت. دردرباری که همیشه درزمان پادشاهان مسلمان هند تاقبل از اورنگزیب مرکز اهل فضل ومجمع اهل هنر بوده درزمان این پادشاه تقریباً بکلی ازوجود علما و فضلا محروم گشت واگر درزمان او بعضی از ادبا مانند نعمت خان عالی هنوزجزو درباریان او بوده اند علت وجود آنها در دربار شاهی غیر ازذوق شعروادب آنان بوده است.

درزمان اورنگزیب مخصوصاً در آخر عهد او اکثر حکام دست بشورش زده بتدریج رشته اطاعت خودرا از دولت مرکزی گسسته وبالاخره موفق بتأسیس حکومتهای مستقلی شدند. بخصوص بعداز فوت اورنگزیب (در ۱۱۱۹ﻫ) جانشینان وی نتوانستند حتی بقیه اجزای کشوررا که تحت تسلط تیموریان هند مانده بود از تجزیه نگهدارند و

ملاحظات عمومی

بر

قسمت دوم فصل دوم

(۱۰۶۸ - ۱۳۷۶ ه)

وضع سیاسی واجتماعی این دوره

این دوره درتاریخ هند دوره هرج ومرج سیاسی وانحطاط اجتماعی میباشد . اورنگزیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ه) آخرین پادشاه بزرگ تیموریان مرد بسیار خشك ومذهبی افراطی ومسلمان متعصبی بود وبرعکس رسم اسلاف خود نه تنها ادباء وشعراء راتربیت نمیکرد بلکه حتی ازشعرا انزجار ونفرت داشت . دردرباری که همیشه درزمان پادشاهان مسلمان هند تاقبل از اورنگزیب مرکز اهل فضل ومجمع اهل هنر بوده درزمان این پادشاه تقریباً بکلی ازوجود علما و فضلا محروم گشت واگر درزمان او بعضی از ادبا مانند نعمت خان عالی هنوز جزو درباریان او بوده اند علت وجود آنها در دربار شاهی غیر ازذوق شعر وادب آنان بوده است .

درزمان اورنگزیب مخصوصاً در آخر عهد او اکثر حکام دست بشورش زده بتدریج رشته اطاعت خود را از دولت مرکزی گسسته وبالاخره موفق بتأسیس حکومتهای مستقلی شدند. بخصوص بعد از فوت اورنگزیب (در ۱۱۱۹ه) جانشینان وی نتوانستند حتی بقیه اجزای کشور را که تحت تسلط تیموریان هند مانده بود از تجزیه نگهدارند و

هنوزطرح انگلیسها برای کندن ریشه زبان وادب فارسی ازسرزمین هندوستان کاملا بمرحله اجرا در نیامده بود ودربعضی نواحی هندوستان مانند دهلی ومدراس و حیدرآباددکن واودوسند که بتدریج تحت نفوذ وتسلط انگلیسها درآمده مردم هنوز بزبان فارسی شعر میسروده و کتابهائی باین زبان تألیف مینموده اند چنانکه تنها مؤلف «تذکره اعظم» اسم ۲٤ نفراز شعرای مدراس را ذکر کرده است که بزبان فارسی دیوان شعر داشته وتقریباً اسم ۲۰ نفررا که آثاردیگری باین زبان تهیه نموده بودند نیز آورده است .

همچنین ازتعداد شعرای معاصری که درتذکره‌های این دوره ذکرشده است میتوان درك کرد که هنوزدرسرزمین هند عده کثیری ازشعرای هندوستان بفارسی شعر میسروده اند .مثلا تذکره‌های ذیل که درذکرشعرای این دوره میباشد تعدادشعرا رابدین قرار ذکر نموده اند:

کلمات الشعرا : درحدود ۲۰۰ شاعرومقالات الشعرای حیرت: ۱۵۰ شاعروسفینه خوشگوی (دفتر ثالث): ۲٤۵ شاعروتحفة الشعرا : ٦۲ شاعر متاخردکن وتذکره بینظیر: ۱٤۹ شاعر ومردم دیده : ٦۱ شاعر وانیس الاحباء . ۵۰ شاعروعقدثریا : ۱۳۷ شاعروسفینه هندی : ۳۳۵ شاعروریاض الوفاق: ۱٤۲ شاعر کلکته وبنارس واشارات بینش: ۷۷ شاعر کرناتك وگلدسته کرناتك : ۷۰ شاعر کرناتك وصبح وطن : ۹۲ شاعر مدراس وخزینة الشعرا : ۱۹۰ شاعر وگلزاراعظم : ٤۳۲ شاعر کرناتك .

مختصات تذکره نگاری این دوره

نویسندگان این دوره مانند دوره سابق که درآن بسیاری ازتذکره‌های عمومی تألیف شده است تذکره های ذیل رادر ذکر شعرای متقدم ومتأخرومعاصر ترتیب داده اند :

لطایف الخیال ومرآت الخیال وسفینه خوشگوی و یدبیضا وتذکره ندرت و گلدسته وبهارستان سخن وریاض الشعرا ومنتخب الاشعاروتذکرهٔ جسینی ومجمع ـ النفایس و سفینة الشعرا وسفینه عشرت و خزانه عامره و گل رعنا (تنها در ذکر

معروف به شاه محمد[۱] است که ازتلامذه وشاگردان شیخ بهائی است . شرح حال مفصل وی بدست نرسیده ولی ازشرح حال شعرای دیگر که در این تذکره مرقوم نموده است بعضی اطلاعاتی دربارهٔ زندگانی وی بهم میرسد. از آنجا معلوم میشود که وی بسال ۱۰۶۲ه درشهر دولت آباد هندبود در آن شهر تا دیر ماند (رجوع کنید به ذکرمیر برهان ابرقوئی) ودر دوران اقامت در هند درسورت واحمد آباد بوده ودرسورت بامیرزا محمدحسین جابری اصفهانی ودر احمدآباد با پسران میر فایض الحسینی نطنزی[۲] ملاقات کرد وهمچنین دراحمد آباد بامیرزا یوسف قزوینی برادرمیرزا طاهر وحید[۳] ملاقات کرده است.

درسال ۱۰۶۷ه مولف از هندوستان بایران مراجعت کرد ومینویسد که دراین مسافرت سالك قزوینی واو باهم دریك کشتی بودند . درایران غالب اوقات خودرا درشیراز واصفهان گذرانده ودرشیراز با نظمی بهبهانی وحکیم رکنا کاشی[٤] ملاقات کرد

۱ـ از روی یادداشتی که در ابتدای نسخه منتخب تذکره لطایف الخیال متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۲۹۵۱ آمده است اسم مولف تذکره لطایف الخیال «شیخ مفید شیرازی محمدبن محمد شیرازی دارابی الموعود بشاه محمد» است. پروفسور اقبال درمقاله‌ای درباره «لطایف الخیال» که دراورینتل کالج مگزین مورخ نوامبر ۱۹۳٤م (قسمت اول) با وجود ندانستن اسم مولف این تذکره تالیف آنرا به محمد الداوابی نسبت داده است واستوری هم این عقیده را تصدیق نموده است و درنسخه این تذکره که متعلق به کتابخانه ملك است اسم مولف محمدبن محمدعارف شیرازی ذکر شده است. درپایان جلد اول این نسخه شرح احوال مختصری به نثر بسیار مصنوع آمده است ونگارنده آن شرح حال یك کسی بنام اسمعیل است که ازمولف وکتابش خیلی تعریف کرده ونوشته است که بعد از سعی بسیار دیوان مولف را بدست آورده واشعاری چند از آن انتخاب نموده دراین کتاب آورده است.

۲ـ مخزن الغرایب: ماموریلیس مخفی ومنظور نظر جهانگیر پادشاه بوده

۳ـ ر.ك. به آتشکده آذر بتصحیح آقای حسن سادات ناصری ج ۳ ص ۱۲۲۱

٤ـ سال وفات رکنا کاشی درتذکره ها ۱۰۶۶ه آمده است ولی مولف « لطایف الخیال » مینویسد که وی رکنا را در ۱۰۶۷ ه درشیراز ملاقات نموده است وازاین معلوم میشود که رکنا تاسال ۱۰۶۷ه هنوز درقید حیات بوده است . برای شرح حال حکیم رکنا کاشی ر. ك. میخانه چاپ تهران ص ٤۹۳ وخلاصة الاشعار تقی کاشی ومجمع الخواص و اکبرنامه وعرفات تقی اوحدی وتوزك جهانگیری وعمل صالح وسرو آزاد وخزانه عامره .

بود در اصفهان رفاقت مفصلی با صائب وشاه مجدای تهرانی و صادقا پسر شیخ مومن اصفهانی[1] بوی دست داد . درباره صائب مینویسد که او بر مولف خیلی لطف و شفقت میفرمود ومولف ازصحبت وی خیلی استفاده کرد.

مولف دوباره بهندوستان رفت (ولی معلوم نیست درچه سال) وتالیف این تذکره (لطایف الخیال) را درسال ۱۰۷۶ه درحین اقامت دوهند شروع کرد چنانکه درذیل نام میرمحمد باقر داماد پسر میرزا صادق شیرازی مینویسد : « دربعضی جنگل هندوستان که حقیر تالیف این مجموعه مینمود ازاشعار ایشان این بیت درخاطر بسهیل انموزج بصفحه اوراق نقل نموده . بیت .

با این دو روزه عمر چه آید بدست ما   بامایه قلیل چه سودا کند کسی

مولف بهمراهی میرزا قاسم خلف میرزامحسن متخلص به تاثیر بزیارت نجف اشرف و کربلای معلی رفت اماسال این مسافرت معلوم نیست .

شعرای دیگر که مولف باایشان ملاقات کرده بدین قرارند :

۱ـ میرتقی شاگرد میرزا جلال اسیر که مولف درباره وی مینویسد که درموقع تالیف این تذکره میرتقی درجهانگیرنگر (دهاکه) بوده ودیوان خود را ترتیب میداد وخیلی مشتاق ملاقات باا و بود .

۲ـ میرصابر حسینی که بامولف صحبتی داشت، مولف مینویسد که میرمزبور در برهانپور درسال ۱۰۶۴ه فوت کرد.

۳ـ مولانا واهب همدانی[2] که بقول مولف درحیدرآباد بسال ۱۰۷۴ فوت کرد

۴ـ میرزا صادق کاشی که مولف اورا درذیل شعرای نوجوان معاصر حساب

۱ـ مخزن الغرایب : شیخ مومن درخدمت جهانگیر پادشاه و ازرفقای تقی اوحدی (مولف عرفات العاشقین) بوده .

۲ـ مخزن الغرایب : برادر مولانا رونقی همدانی .

کرده است .

درباره بقیه احوال زندگانی مولف اطلاعاتی دردست نیست .

آثار مولف

طبق یادداشتی بعنوان « توضیح » کـه در آخر نسخه «منتخب تذکره لطایف الخیال» متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آمده است ملاشاه محمد(مولف تذکره لطایف الخیال) « تصانیف مفیده بسیاردارد ازآن جمله است شرح صحیفه سجادیه موسوم بریاض العارفین»[1].

این تذکره هیچ مقدمه وخاتمه ندارد وظاهراً هیچوقت بپایان نرسیده است وبنابراین سال تالیف وسبب تالیف وغیره راندارد اما ازمتن کتاب معلوم میشود که مولف تالیف این کتاب را بسال ۱۰۷۶ھ آغاز نموده است چنانکه درذیل نام میرمرتضی مینویسد : «درحین تالیف این مجموعه که سنه ست وسبعین (والف یعنی سنه ۱۰۷۶ھ) است درجهانگیر نگر ترتیب دیوان لطافت بنیان که سه هزار بیت است داده اند».

همچنین درذیل باقرای عصارشیرازی ومیرزا صائب سال (آغـاز) تالیف را ۱۰۷۶ھ ذکر نموده است .

مولف ظاهراً تاسال ۱۰۷۸ھ درتالیف این کتاب مشغول بوده است چنانکـه درپایان شرح حال میرزا اسمعیل مینویسد : « تاسنه هزاروهفتاد وهشت هجری که تاریخ تالیف لطایف الخیالست .....» اماچون بعدازه۱۰۷۸ھ سالی دراین کتاب ذکر نشده بنابراین میتوان باین نتیجه رسید که بعلت مرگ مولف یا بعلل دیگر کار تالیف این تذکره ناتمام مانده است .

درمتن کتاب اسم هیچ کتـاب دیگری رابعنوان مـأخذ ذکرنکرده است و

۱ـ این یادداشت امضاء یااسم نویسنده ندارد اما ظاهراً بخط آقای باستانی راد است که سابقاً این نسخه متعلق بکتابخانه وی بوده وبعضی یادداشتها باین خط وبامضای وی درحواشی وابتدای کتب دیگر نیز که سابقاً متعلق بکتابخانه وی بوده واکنون متعلق بکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است دیده شده است .

بنا براین معلوم نیست که در تالیف شرح حال شعرای قدیم چه کتابهائی جزو منابع مولف بوده است . البته شرح حال شعرای معاصر را غالباً از خود نوشته است .

تبصره بر کتاب

طبق فهرست اسامی شعرا که در ابتدای نسخه دانشگاه لاهور آمده است عده شعرا چهارصد و پنجاه و چهار است اما نسخه دانشگاه لاهور که تنها جلد اول این تذکره را دارد شامل ذکر صدو پانزده[1] شاعر است و در نسخهٔ کتابخانهٔ ملک تهران که هردو جلد این تذکره دارد تنها سیصد و پنجاه و چهار ذکر شده است .

مؤلف شعرا را از روی استان و شهرهای آنان طبقه بندی کرده است بدین قرار :

۱ ـ فارس و شبانکاره ۲ ـ توابع فارس ۳ـ اصفهان ٤ ـ توابع اصفهان ۵ ـ کاشان و توابع آن ٦ ـ دارالمؤمنین قم ۷ ـ قزوین و ساوه و نواحی آن ۸ ـ ری و تهران و توابع آن ۹ ـ همدان ۱۰ ـ توابع همدان ۱۱ ـ اردبیل آذربایجان ۱۲ ـ تبریز ۱۳ ـ توابع آذربایجان ۱٤ ـ شوشتر ۱۵ ـ طبرستان و گیلان ۱٦ ـ مازندران ۱۷ ـ استرآباد ۱۸ ـ یزد و توابع آن ۱۸ ـ کرمان و توابع آن ۲۰ ـ خراسان و توابع آن ۲۱ ـ نیشابور ۲۲ ـ مشهد مقدس ۲۳ ـ هرات و توابع آن ۲٤ ـ بلاد متفرقه از خراسان ۲۵ ـ قندهار و سیستان ۳٦ ـ ماوراء النهر ۲۷ ـ هندوستان و توابع آن ۲۸ ـ روم و توابع آن و نجف اشرف و کربلای معلی .

این تذکره شامل ذکر بعضی از شعرای متقدم و متأخر است که تا سال ۱۰۷۸ هجری میزیسته اند و با «حافظ» شروع شده با «قدسی کربلائی» تمام میشود .

مؤلف درذیل نام اکثر شعرا شرح حال آنهارا مختصر ولی اشعار آنانرا مفصل آورده است .

تنها درذیل نام شعرا و اشخاص زیر شرح حال آنهارا نسبة مفصل آمده است .

---

۱ ـ درمقاله ایکه پروفسور اقبال در اورینتل کالج مگزین مورخ نوامبر ۱۹۳٤ (قسمت اول) راجع به «لطایف الخیال» نوشته است عده شعرای این نسخه تذکره را دویست و چهارده ذکر نموده است .

نظام دستغیب و کمال‌الدین اسمعیل اصفهانی وضمیری وشیخ بهاءالدین محمد ومیرزا صایب وشیخ صفی و شاه صفی الصفوی وشاه‌عباس‌ثانی و ابوطالب تبریزی و فارغ وشمس الدین شوشتری و نورالله شوشتری ومیر سیدعلی وتقی‌الدین محمد و طالبای آملی و نصیرالدین‌طوسی وسیدحسینی ومولاناجامی وهلالی‌وانوری‌واصفی.

رویهمرفته شرح حال نورالله شوشتری مفصل تر ازهمه (در چهار صفحه) آورده است .

اشعارقریب به‌صدوبیست وپنج‌شاعررا نسبة مفصل واشعار شعرای‌زیررا خیلی مفصل‌آورده است :

شیخ بهاءالدین‌محمد (۲۴ص) ومیرزا جلال اسیر (۲۰½ص) و میرزا صایب (۲۲ص) وزلالی‌خوانساری(۵۱ص)وعارف‌شیرازی(مؤلف۱۷ص)وطالبا آملی(۱۸ص) و وحشی یزدی (۲۵½ ص) و ظهوری ترشیزی (۴۷ ص) .

رویهمرفته‌اشعارزلالی خوانساری‌را مفصل‌ترازهمه (۵۱ ص) آورده است و ازاقسام شعر اشعارمنتخب ازساقی‌نامه ظهوری ترشیزی [1] رامفصل‌ترازهمه(۴۲ص) آورده است .

درذیل‌نام‌اشیخ‌بهاءالدین محمداسم آثاروی رامفصلاذکر کرده است .

رباعیات سام‌میرزا وهمچنین‌رباعیات سنائی غزنوی (بعدازحسن دهلوی) و اشعار منتخب‌فیضی رابدون شرح‌حال آنان‌آورده است (وظاهراً فرصت‌نکرده است شرح‌حال آنان رابنویسد) .

درذیل‌نام اکثرشعرا یك سطربرای معرفی و چندبیت ازآنان آورده است

۱- برای‌نسخه‌کامل ساقی‌نامه‌ظهوری ر.ك. ساقی‌نامه ظهوری چاپ‌کانپور ۱۸۷۶ م که درحدود چهارهزار وپانصدبیت‌محشی‌دارد . این‌کتاب درکتابخانه‌شخصی‌آقای گلچین معانی‌درتهران موجوداست و مشارالیه درموقع تصحیح انتخاب ساقی‌نامه ظهوری که درمیخانه‌عبدالنبی آمده‌است این‌کتاب‌را پیش‌نظرخودداشته است(ر.ك.میخانه‌چاپ تهران باتصحیح وتحشیه‌آقای گلچین ص۳۶۵ حاشیه ۱) .

«کاشان وتوابع آن» آمده‌است تنها ذکر سه شاعر دراین نسخه‌آمده است . این‌نسخه مقدمه وخاتمه هم ندارد .

(۲) کتابخانه ملک‌تهران شماره فیش۴۳۲۵ – نسخه مؤلف‌استدردوجلدولی ازبعضی‌لحاظ ناقص است چون :

۱ ـ این نسخه نه‌فهرست‌دارد ونه‌دیباچه وخاتمه (ازمؤلف)

۲ ـ ازجمله سی ودو تن‌ازشعرای‌کاشان وتوابع آن‌تنها پنج شاعردارد .

۳ ـ شعرای‌قم تاتوابع‌همدان راندارد (رجوع‌شود به‌ترتیب‌اسامی که‌درسطور فوق‌ذکرشده است) .

٤ ـ درذیل محمدحسین‌افسرشیرازی ومفید گیلانی وشمس‌طبسی ومیرغازی نیشابوری وملهمی غزنوی تنها اسمشان‌آمده وجابرای شرح‌حال وآثارشان‌خالی گذاشته شده است.

۵ ـ درذیل شیخ‌روزبهان شیرازی ونظام استرآبادی ورای منوهر برای‌ثبت اشعارآنان جاخالی گذاشته‌شده است .

٦ ـ بعدازاهلی‌شیرازی‌بجای‌فغانی اسم «عرفی» نوشته‌شده است ودروسط آن سه‌بیت ازمثنوی اهلی‌شیرازی که درذیل اهلی‌شیرازی سابقاً نوشته شده مکررآمده است .

هردونسخه فوق باحافظ شروع‌میشود وابتدا ودیباچه وخاتمه‌ندارد .

نسخه کتابخانه ملک قبل ازجلد دوم مقدمه‌ای دارد که بعبارت زیر شروع میشود :

« چمن‌طرازی که رنگ‌رخسار گل تشنه‌آبیاری فیض اوست‌بنام کدام الفاظ برشته‌معنی‌چهره ثنایش‌توان‌افروخت وگلشن‌پردازی که‌هم‌هوایش‌برهر گل‌زمین‌دل نهال ناله نیراست سرخ روئی کدام مضمون بشعشعه پیشانی قندیل‌آفتاب‌بربارگاه احمدش تواند سوخت.

فهرست اسامي شعرا: رجوع شود به‌نسخه خطي دانشگاه لاهور .

کلمات الشعرا

ابتـدا

«سخن جانست ودیگر گفتگو جانان زمن بشنو

اگر هر لحظه جان تازه می خواهی سخن بشنو

بعدحمد سخن آفرینی که حقیقت انسان را بشرافت امتیاز نطق اشرف مخلوقات ساخته ونعت نبی امی که نوک قلم ازعارشق نکرده بشق القمر پرداخته» .

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب میرزا میان محمدافضل متخلص به سرخوش وبقول اشپرنگر معروف به «چیلا» است .

اسم جدش میر لعل بیگ است که اصلا اهل بدخشان بودو اسم پدرش محمدزاهد است که درسر کارعبدالله خان زخمی[1] سمت میر سامانی را داشت . بعدازوفات عبدالله خان چون مردم اووارد خدمت شاهی شدند هر پنج پسر محمدزاهد درزمره منسلکین در گاه عـالمگیری منخرط شدند از آنجمله میـان سرخوش که پسردوم محمدزاهد بود نیز جزو نوکران شاهی گشت .

سرخوش درسال ۱۰۵۰ ه بعهد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰٦۸) در کشمیر متولد شدو میرمعز «افضل اهل زمانه» تاریخ تولداو گفته است .

نصرآبادی اورا لاهوری نوشته است ونیز میگوید که سرخوش درسال ۱۰۸۳ ه درلاهور سکونت داشت ولی خوشگو این قول نصرآبادی را تکذیب نموده است. سرخوش میگوید که در موقع تألیف این کتاب (۱۰۹۳ ه) دردهلـی در گوشهٔ خلوت انزوا نشسته بود .

اگرچه سرخوش در کشمیر متولد شدولی درسرهند بزرگ شد. وی ازخردسالی بشعرگوئی علاقمند بود وبا ناصرعلی سرهندی رفیق بود . درشعراول شاگرد برادر

۱- برای شرح حال عبدالله خان زخمی ر.ك. مآثرالامرا ج۳ص۹۲

[illegible]

(= ٨٧٠١٥) [illegible]

[illegible] ٨٧٠١٥ [illegible]

[illegible]

سپس‌رو به طرف یاران کرد که آن‌وقت حضور داشتند و گفت چون من به‌جهان دیگر میرسم ازمن سئوال میکنند که سرخوش از جهان چه آوردی ؟ جواب میدهم که این رباعی بعنوان هدیه و نذر آورده‌ام اگر بخشید بهتر والا میگویم که‌شعر فهمی عالم بالامعلوم شد .

بعدازیك پاس ازاین‌حالت بسن هفتادوشش سالگی آزادانه جان‌بجان‌آفرین سپرد ومتصل‌قدم رسول (؟) مدفون گشته :

لاله سکه‌راج متخلص به‌سبقت ماده‌تاریخ وفات‌وی‌را «افضل دهور» (یا «آه افضل دهر») یافته‌وحکم‌چندندرت‌یکی‌ازشاگردان‌وی «زجهان رفت آه‌عارف‌پاك» گفته‌است .

سرخوش‌درکلمات‌الشعرا راجع‌به‌پسری‌صحبت کرده است وتاریخ‌ولادت وی را « اکمل محمد افضل » (= ۱۰۹٤ه) آورده است و خان‌آرزو اسم پسر دیگر را از سرخوش ذکر نموده که‌بقول‌وی «بعدازو (بعدازسرخوش) شعرمیگفت وهنر تخلص مینمود ودرعین‌شباب‌جهان گذران را وداع نمود » - مؤلف گل‌رعناوسفینه‌خوشگو تخلص‌فضل‌الەرا خوشتر واوراپسرمیانه نوشته‌اند .

آثارمولف

(الف)ـ شعر .

۱ - دودیوان ـ بقول مؤلف « گل‌رعنا» شامل شعرقدیم وجدیدبود « وحاوی قصاید وغزلیات و رباعیات ونظم‌های مختلف» واز بی‌احتیاطی و غفلت فـرزندان سرخوش تلف‌شد[1] - راجع بدیوان‌سرخوش گردآورنده «سرو آزاد» درحاشیه آن نوشته‌است که‌درکلکته بطبع‌رسیده است‌اما گمان‌میرود که‌آن‌دیوان میرزایحیی‌خان‌سرخوش باشد که‌شاعرایرانی ومعاصرمظفرالدین‌شاه قاجار است و دیوانش بسال ۱۹۰٦ م در چاپخانه حبل‌المتین کلکته چاپ‌شده است .

۲ ـ کلیات سرخوش ـ بقول‌خوشگو کلیات سرخوش‌مشتمل برچهل‌وپنج‌هزار

۱ــ «اما... حیف که‌بسبب کم‌توجهی‌و بی‌پروائی‌صاحبزاده‌ها شهرت کم‌یافته»: ر.ك. سفینه خوشگوچاپ پتنه هند ص۷۷ .

بیت است ودر نسخه بانکی ج۸ص۳۰۹و بلاندش ۱۸٤۸ ص ۱٦۹ عده این اشعار چهل هز
ذکر شده است .

۳ - مثنوی نورعلی نور بتقلید رومی که مطلعش اینست :

شیشه از قلقل حکایت میکند غمزه ساقی روایت میکند

٤ – ساقی نامه که مطلعش اینست:

ساقی نامه نشاة بخش ادا که بسر کند جام حمد خدا

٥ مثنوی حسن وعشق – درداستان عشق سسی پنون [1] که مطلعش اینست :

الهی سوزش در دم فزون کن نمك دانی بداغم سرنگون کن

٦ – مثنوی قضا وقدر .

۷ – مثنوی در بعضی خصوصیات هندوستان .

۸ - مثنوی جنگ نامه محمد اعظم شاه [2].

۹ – مثنوی در تعریف خسخانه [3] .

(ب) - نثر .

۱ – رساله «رایح» در تتبع و تقلید لوایح جامی .

۲ - جوش وخروش.

۳ - تذکره کلمات الشعرا - تذکره مورد بحث .

٤ - دیباچه‌ها بر دیوان میر معزو ناصرعلی سرهندی که سرخوش آنهارا ترتیب
وتدوین نموده واین دیباچه‌هارا بسبك ظهوری نوشته است.

---

۱ – داستان عشق «سسی و پنون» افسانه عشقی است که به سند (سابق) پاکستان غربی تعلق
دارد وبعضی شعرا آنرا بشعر فارسی وسندی بیان کرده‌اند .

۲ – بقول خوشگو کلیات سرخوش مثنویهای ش۳ تا ۸ را نیز شامل بود .

۳ – «خسخانه» اطاق یازیرزمینی را میگویند که در تابستان جلوی پنجره یادرهای آن
چیزی کرکره مانند از بوته مخصوصی که آنرا «خس» میگویند درست کرده میگذارند وروی
آن گاهگاهی آب میپاشند وبدین ترتیب هوا که از شکاف سوراخهای این بوته‌ها میگذرد خنك شده
وفضای داخل اطاق را خنك میسازد .

شرح‌حال‌شعرا که مؤلف دراین‌تذکره آورده‌است اکثرازخود مؤلف است و ازجای‌دیگر نقل‌نکرده‌است . امادر تألیف این کتاب ازبیاض میرمعزموسوی خان موسوم به گلشن «فطرت»وبیاض محمدعلی‌ماهر و بیاض‌محمدزمان‌راسخ نیزاستفاده کرده‌است وظاهراً اشعاربعضی‌شعرارا از آنجا نقل و انتخاب نموده‌است .

چون اکثرشعرای‌این‌تذکره معاصرمؤلف‌بودند ومؤلف‌باغالب آنان‌ملاقات کرده یاباآنان‌رفیق بوده‌است‌بنابراین‌بیانات واظهارات وی‌درباره آنان‌قرین‌اعتبار واعتمادمیباشد .

درزمانیکه‌شعرا ازبی‌اعتنائی وعدم‌توجه‌امرا وپادشاهان‌وقت درگوشه‌عزلت زندگی بسرمیکردند مؤلف‌باتألیف‌این‌تذکره وجمع‌آوری اشعارآنان‌دراین‌کتاب ثابت‌کرده‌است که حتی در آن دوره که بازار سخن کساد بوده با این وصف بعضی شعرای‌خوبی درسرزمین هندوستان میزیسته‌اند ومحفل شعروسخن فارسی راگرم نگهداشته‌اند .

باوجوداینکه مؤلف بااکثرشعرای مذکوراین تذکره‌معاصر بوده وبااکثر آنان ملاقات نموده‌وبنابراین موقعیت وفرصت خوبی‌برای بدست‌آوردن اطلاعات لازم راجع بزندگانی‌شان مانندسال ولادت ووفات وشرح تحصیلات وآثار آنان‌را داشته‌اما متاسفانه‌مولف‌ازاین‌فرصت‌خوب کماحقه‌استفاده‌نموده‌ودرذیل‌شرح‌حال‌شعرا اکثراطلاعات‌مهم‌راجع بزندگی‌آنان را بهم‌رسانیده و بجای‌آن بنوشتن حکایات نامعتبروبی ارزش پرداخته است .

مؤلف درپایان دیباچه‌کتاب طی بیت‌زیر ادعای عجیبی کرده است :

داخل‌اهل سخن‌نیست به پیش دانا   هر که نامش نه بوددر کلمات‌الشعرا

البته مقصود ومنظور مؤلف شعرائی‌است که از زمان جهانگیرشاه تا زمان عالمگیر شاه‌می‌زیسته‌اند چون این تذکره تنها در ذکرشعرای همان‌دوره‌میباشد .

شرح‌حال‌شعراراخیلی‌مختصر آورده‌است وحتی درذیل‌نام‌شعرای‌زیر که‌شرح حالشان رانسبة مفصل‌آورده است اکثراطلاعات مهم‌راجع بزندگانی شان نداده است :

نسخ خطی

۱ - اشپرنگر ش ۱۳ .

۲ - ایوانو ش ۲۲۱و۲۲۲ (هردوتنها قسمتی از کتاب رادارد) .

۳ - ایوانو ذخیره کرزن ش۱۵ (مورخ ۱۱۱۱ هـ) و ش ۵۲ (ناقص‌الاخر مورخ‌قرن ۱۸م) و۵۳ (قرن۱۹م) و۵٤ (ناقص‌الاخر قرن ۱۹م) .

٤ - رامپور ش۸۸ (۱۱۲۹هـ - مصور) .

۵ - مدراس ش ٤٤۱ (۱۱۵٤هـ) وش ۳-٤٤۲ .

٦ - اته ش٦۷۰ (۱۱۵٤هـ) و٦۷۱ (تاریخ ندارد) و٦۷۲ (قسمتی از کتاب) ج۲ ش ۳۰۲٤ (۱۲۷۰ هـ)

۷ - اندیا آفس دی‌پی- ش۷۰۹ (e) [1](۱۱٦٤ هـ) و٤۰٤٦ (ناقص-۱۳۳۷هـ[1]).

۸ - ریو ج۱ص ۳٦۹ الف (۱۱۵٦هـ)

۹ - اکسفورد - مؤسسه هند(مورخ ۱۱۵۷هـ) .

۱۰ - لندزیانا ص ۲۱٦ ش ۳۲۲ (تقریباً ۱۷٦۰م) .

۱۱ - بلوشه‌ج۲وش۱۱٤۹ (قرن ۱۸ م) ش ۱۱۵۰ (۱۱۷۹هـ) .

۱۲ - برلن ش ٦۵۰ (۱) (مورخ ۱۲٤۲هـ) و ش٦۵۱(۱۷۷٤م) .

۱۳ - آصفیه ج۱ص۳۱۸ ش۱٤ (۱۲۲۲هـ) وص۳۲۲ ش ۵۱ (تقریباً۱۹۱۲م)و ش ۵٤ (تقریباً۱۹۱۲م) وش ۹۷ (درحدود ۱۹۱۲م) .

۱٤ - بانکی‌پور ج۸ش٦۸۸ (قرن۱۹م) .

۱۵ - بانکی‌پور تکمله ج ۲ش۲۱۷۵ (قرن ۱۹م) .

۱٦ - بوهار - ش ۹۱ (قرن۱۹م) .

۱۷ - براون - تکمله - ش ۲۹٦ .

---

۱ - این‌نسخه‌ها درفهرست اته ذکر نشده است - ر.ك. استوری ج ۱ق۱ص xvi در ذیل‌علامت I.O .

۱۸ - پیشاور ش۱٤۱۳ .

چاپ کتاب

۱ ـ لاهور بسال ۱۹٤۲ م

۲ ـ دانشگاه مدراس ۱۹۵۱م .

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به‌اشپرنگر ص ۱۰۹ـ۱۱۵ .

برای **شرح حال مؤلف**

رجوع شود به‌تذکره نصرآبادی ص٤۵ وکلمات‌الشعرا واشپرنگر ص۱۰۸ و ریو ج۱ص۳٦۹ ومرآت‌الخیال ش ۱۰٦ .وهمیشه بهار (اشپرنگر ص۱۲۳) وسفینه خوشگوچاپ‌پتنه‌ص۷۱ـ۷٦ ومنتخب‌الاشعار ش۳۱۷ ودیوان‌منتخب‌سراج(اشپرنگر ص۱۵۰) وخزانه عامره ش۶۰ص۲٦۳ـ۲٦٤وگل‌رعنا وفرحت‌الناظرین (رجوع‌شود به اورینتل‌کالج مگـزین ج ٤ ش٤ مورخ اوت ۱۹۲۸ ص۹۵) و صحف‌ابراهیم و خلاصة‌الافکار ش ۱۳۵ ومخزن‌الغرایب ش ۱۰۳٤ نشترعشق واستوری ج ۱ق ۲ ص ۸۲۳.

مرآت الخیال

ابتـدا

ای ز تو بند بر زبان نطق سخن سرای را

فکر تو باعث جنون عقل گره گشای را

گلدسته محمدت ایزدی برطاق ایوان رفیع‌البنیانی اتفاق نیفتاده که اگر منشیان‌روزگارراب رسرهرانگشتی مانند چنارهزاران دست برآید گلی از آن رشك بهارستان معنی توانندچید وجواهرولاآلی‌ثنای کبریای‌صمدانی‌نه آن مایهٔ گران‌بار واقع‌شده که اگر کنوزفکروخزاین استعداد مستعدان عالم امکان درمقابل آن بمیزان انصاف سنجنددر آینه کفهاش صورت‌اعلی واسفل بتوانندویده .

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکره شیرخان لودی[1] و اسم پدرش علی امجدخان لودی است. مؤلف مدتی در کوچکی در بنگال بسر برده که آنجا پدرش درخدمت سلطان محمدشاه شجاع [2] پسر دوم شاه جهان بود. درزمان اقامت خود در بنگال مؤلف نزد ملافرخ حسین ناظم هراتی [3] تحصیل میکرد که بعدازاتمام تحصیلات هرات وطن خودرا ترک گفته درجهانگیرآباد (دهاکه) رحل اقامت افکنده بود. ملاناظم هراتی درسال ۱۰۶۸ ه فوت کرد وبرعکس برادران خود شیرخان بعلت کم سنی نتوانست ازمحضر آن استادزیاد استفاده کند وتنها بعضی «مختصرات» فارسی وعربی را پیش وی خوانده بود که استاددر گذشت.

بعدازآن مؤلف دیگر نتوانست تحصیلات منظم ومرتبی داشته باشد اماازصحبت پدرودوستان او کسب فیض میکرد.

پدرش در ۱۰۸٤ ه فوت کرد وبرادرش عبدالله خان در ۱۰۸۷ ه در کوههای کابل «شربت شهادت چشید» واین مرگ پدر وبرادر برای مؤلف موجب بسیار حزن وملال شد وچون مؤلف دید که این غم واندوه باعث خرابی حافظه اوشده خودرادر کارتحریر وتالیف مشغول داشت تامگر بدین ترتیب بتواند این غم را سبک سازد.

شیرخان در ۱۰۹۰ ه درخدمت سیدشکرالله خان (خوافی) در آمد. سیدمزبور درزمان اقامت پدر شیرخان در بنگال جزو دوستان پدر بود و درمرآت الخیال شیرخان درباره وی چنین مینویسد: «بقریت فوجداری درچکله سرهندکامروائی و

---

۱ ـ اسم یکی ازطوایف افغان است ـ ر.ك. دایرة المعارف اسلام(انگلیسی) تحت «افغانستان».

۲ ـ شاه شجاع در ۱۰۲۵ ه متولد ودر ۱۰٤۸ ه حاکم بنگال شد ودر ۱۰۶۹ ه بدست اورنگزیب برادر خود شکست خورده ودرسال ۱۰۷۱ ه فوت کرد.

۳ ـ کلمات الشعرا: «اصلش ازهرات است بعداز تکمیل (تحصیلات) خویش ازوطن برآمده بحسب قسمت بملك بنگاله افتاده».

(Rosen Institute - Page163

نظم بر نثر را نشان داده‌است . همچنین برای اثبات شعر شواهدی را از قرآن و احادیث آورده است .

سپس در مورد ابتدای شعر فارسی و اقسام آن و بیان خط و اقسام آن و بیان حروف و الفاظ و اعراب بحث کرده‌است .

شش قسمت شعرا بقرار زیر است :

قسمت اول ـ مشمل بر ذکر پنجاه‌و هشت تن [۱] از شعرای متقدم که با رودکی شروع‌شده با آصفی (معاصر جامی) تمام میشود .

قسمت دوم ـ مشتمل است بر ذکر هشت تن از شعرای معاصر که با میر جلال‌اسیر [۲] شروع‌شده با مولانا سحابی نجفی تمام میشود .

قسمت سوم ـ مشتمل است بر بیست و هفت‌تن [۳] از شعرای عهد شاه جهان که با محمدجان قدسی شروع‌شده با یوسف‌بیگ‌شایق [٤] تمام میشود .

قسمت چهارم ـ مشتمل‌است بر ذکر یازده تن‌ازشعرای‌زنده که با نواب‌عاقل خان (رازی) شروع شده‌با احمدعبرت تمام‌میشود .

قسمت پنجم ـ مشتمل‌است بر ذکر یازده تن[٥] از شعرای‌زنده که صیت شهرت آنان بایران‌و توران‌رسیده‌است و باشیخ‌ناصرعلی‌شروع‌شده باشیخ‌محمدامین‌وحشت[٦] تمام میشود .

قسمت ششم ـ مشتمل است‌بر ذکر پانزده زن شاعر که بامهری هروی‌شروع شده باهمدمی تمام میشود .

---

۱ ـ ازروی نسخه ریو ٦۰ تن

۲ ـ ریو «میرزا» نوشته‌است وهمان صحیح است .

۳ ـ ریو : ۲۸

٤ ـ درنسخه ریوقسمت سوم با امیرمعزفطرت تمام‌میشود ویک‌شاعراضافه دارد .

٥ ـ ازروی نسخه ریو ۹ تن .

٦ ـ نسخه ریو با «شیخ عبدالقادر» تمام‌میشود ودوشاعرکسردارد.

بقول ریو مؤلف این تذکره را بنام شاه جهان آراسته است[1] اما این **محققاً صحیح نیست چون شاه جهان شاه** در ۱۰٦۸ه بدست پسر خود اورنگزیب از تخت معزول شده و **بزندان افتاد** ودرسال ۱۰۷۵ه فوت کرد. بنابراین مرآت الخیال که تألیف ۱۱۰۲ه میباشد بیست و نه سال بعداز فوت شاه جهان تألیف شده است . مؤلف این کتاب را بنام هیچکدام از «ملوك و خوانین» عنوان نکرده است چنانکه درمقدمه کتاب در ذیل عنوان «تمهید» (س ۲۰) مینویسد :

«بعضی عزیزان درسوابق ایام تذکره ها بنام پادشاهان نوشته اند ودرضمن احوال شعراذکر ملوك وحالات آنهادرج نموده. اگرچه آن تألیفات نیز خالی از فایده نیست و همان فواید که از کتب تاریخ حاصل آید از آن رسایل متصوراست ولیکن چون راقم حروف را ازتحریروترتیب این گلدسته بهارستان خیال مقصدی دیگر درپیش است و شایبه مدحت ملوك وخوانین پیرامون خاطر این غرض راه ندارد ...»

شرح حال شعرای قسمت اول را ازتذکره های دیگر نقل کرده است ولی بقول خودمؤلف قسمتهای دیگر راخودش نوشته است وازجای دیگر بر نداشته است چنانکه خودش بعدازذکر خواجه آصفی (آخرین شاعر قسمت اول) چنین توضیح میدهد:

«آنچه دراوراق صدر برزبان وقلم گذشته ازتذکره ها و کتب تواریخ بود بعد از این هرچه ثبت میگردد نتیجه کلك مؤلف این اوراق است والتکلان علی الملك المنان ».

وتنها احوال و آثار بقیه پنجاه وهفت نفر شاعر را مؤلف خودش نوشته است .

---

۱ ــ ر.ك. ریو جلداول ص ۳۷۰ ــ ظاهراً این اشتباه ازعبارت ذیل سرچشمه گرفته است که درتقریظ میرزا محمدخان ملك الکتاب (ناشرتذکره مرآت الخیال درسال ۱۳۲٤ه ازبمبئی) در ص ۳٤٤ آمده است: «وازآنجمله کتاب مستطاب گلدسته بهارستان کمال تذکره مرآت الخیال که دراین باب امیرالامرا امیرشیرعلی خان لودی درعهد سلطنت شاه جهان پادشاه هندی تالیف ساخته است ».

این کتاب (چاپ بمبئی) مشتمل است بر سیصد و چهل و دو صفحه اما دیباچه و شرح حال و نود و نه اشعار شعرا و خاتمه یعنی مطالبی که به تذکره تعلق دارد در صد و هشتاد و سه صفحه آمده است و در بقیه صد و شصت و نه صفحه مؤلف بحث‌های مبسوط و مفصلی راجع به موضوعاتی خارج خارج از موضوع تذکره آورده است. و بنا بر این حجم کتاب در نتیجه اضافه شدن این مطالب از موضوع تقریباً دو برابر شده است. با وجود این که این مطالب مهم و مفید است اما چون خارج از موضوع تذکره است بهتر بود اگر مؤلف در یک یا چند رساله جدا آنها را می‌نوشت.

تنها یک مطلب که مؤلف در ضمن شرح حال بعد از ذکر بعضی شعرا آورده است تا اندازه‌ای به موضوع کتاب مربوط است و آن بحثی است درباره علم عروض و قوافی که مؤلف در دو باب بعد از ذکر ملا شیدا در ۲۴ صفحه آورده است که در باب اول آن پنج فصل در ۱۲ صفحه و در باب دوم سه فصل در ۱۲ صفحه آمده است.

اما مطالب خارج از موضوع کتاب بقرار زیر است:

۱ ـ بعد از «ناظم (هراتی)» درباره علم نفس در یک «اشاره» و چهار «دقیقه» در شش صفحه بحث کرده است.

۲ ـ بعد از شرح حال «ملا شاه» توضیح در بیان معنی تفسیر و تأویل و تفریق میان اینها در ۷ صفحه داده است (و جالب اینست که بعد از آن اشعار ملا شاه را نقل کرده است !!).

۳ ـ بعد از «روشن ضمیر» درباره موسیقی در ۱۰ صفحه بحث کرده است.

۴ ـ بعد از «شیخ محمد سعید قریشی» درباره علم تعبیر خواب در ذیل دو اصل در ۲۹ صفحه بحث کرده است و اصل اول را در ۱۲ عنوان و ۲۲ صفحه و اصل دوم را در سه عنوان در ۷ صفحه آورده است.

۵ ـ بعد از «میرزا محمد بیگ حقیقی» درباره وجود جنیات تحت عنوان «فایده» در ۶ صفحه بحث کرده است.

۶ ـ بعد از «شیخ عبدالعزیز نوسرفراز» راجع به عشق در چهار صفحه بحث کرده

است واشعاروحکایات مختلفی‌در این‌باره نقل کرده‌است (وسپس‌ساقی‌نامه‌نوسر فراز را آورده‌است!).

٧ ــ بعداز«شایق» درباره خمر وغیره درده «وجه» بحث کرده و بعضی‌اشعار «خمریه» رادرهشت‌صفحه شرح‌داده‌است.

٨ ــ بعداز «حکیم‌فیض‌علی» بحث‌های مفصلی راجع‌بعلم‌طب دردو صفحه و اقالیم‌سبعه‌در شش‌صفحه‌و«کلیم گوش که‌ازتخم‌قابیل آدم‌اند» در٨سطرولطایف‌الم‌عنوی درهشت‌سطروریاح دریك‌صفحه وجبال‌درپنج‌صفحه‌وبحرها درپنج‌صفحه وغرایب‌عالم در ½ ٧ صفحه و عجایب دریا در٢ صفحه‌آورده است .

٩ - بعداز «وحشت» راجع‌بعلم‌اخلاق درسه « مقاله» و چند «شعبه» و «نوع» در٢٤ صفحه بحث مفصلی آورده‌است .

همچنین‌درذیل نام‌مولانا لطف‌شرح‌حال امیرتیمور گورکان و درذیل‌نام سید نعمت‌الله شرح‌حال‌شاهرخ‌بن‌امیرتیموررا آورده است که هردو ظاهراً هیچوقت شعر نسروده‌اند.

درذیل نام دوشاعر زیرغیر ازنمونه اشعار چند نمونه نثررا نیز ازآنها نقل کرده است .

١ــ درذیل نام شکرالله خان دونامه ازناصرعلی وجواب‌آن‌ازطرف شکرالله.

٢ــ درذیل نام خلیل‌خراسانی‌یك رقعه‌او (نامه‌او) درتهنیت عیدالفطر .

مؤلف شرح‌حال‌اکثرشعرارا مختصرآورده‌است ولی‌غالبا اطلاعات‌مهم‌راجع بزندگانی‌آنان ماندسال تولدووفات وغیره‌را بهم‌رسانیده‌است اماچون‌اقلاپنجاه‌و هفت شاعرازجمله‌شعرای‌مذکور معاصرمؤلف‌بودندومؤلف ظاهراً بابسیاری‌ازآنان ملاقات‌هم کرده‌بودحیف‌است که‌شرح‌حال‌آنهارا‌باین ایجازواختصار آورده‌است‌چون حق‌این‌بود که‌شرح‌آنان را مفصل‌ترومبسوط‌ترمیآورد .

همچنین اشعارشعراراهم‌غالباً مختصرآورده‌است‌ولی‌میتوانست‌مفصل‌تربیاورد چون‌اشعارآنان دردسترس وی‌بودند وحتماً‌مؤلف‌دواوین بعضی‌ازشعرای مذکوررا

(چه آنهائی که فوت کرده بودند وچه آنهائیکه هنوزدرقید حیات بودند) دیده بود و بنابراین میتوانست از دواوین آنها اشعار بیشتری را انتخاب نماید. درهرحال معلوم نیست علت این اختصار وایجاز عدم فرصت بیشتری بوده یا عدم توجه خود مؤلف باین موضوع

رویهمرفته اگر از نقص اختصار فوق العاده صرفنظر کنیم از حیث اصالت مطالب این تذکره جزو بهترین تذکره های دوران اورنگزیب عالمگیرشاه (۱۰۶۸–۱۱۱۹) میباشد .

گاهی آثار منثور شعرا رانیز بطور نمونه آورده است مثلا رجوع شود بهشرح حال شاه نعمت الله و شکرالله خان و میرزا خلیل خراسانی و ناصرعلی[1] و بیدل[2].

مؤلف شرح حال شعرای زیر را نسبتاً مفصل آورده است :

رودکی وامیرخسرو وخواجه حسن وعبدالرحمن جامی وظهوری وعرفی وصائب وطاهر کشمیری و محسن فانی وشیخ عبدالعزیز نوسرفراز(هر کدام دریك صفحه) و عبیدزاکانی و فیضی وقدسی وناظم هراتی وچندربهان وملافطرت و بیدل (هر کدام در ۱ ½ صفحه) وفردوسی و شیداو شاه نعمت اله ومحمدعلی ماهرو نواب عاقل خان وشکرالله خان (هر کدام در۲ صفحه) ومحمدسعیدقریشی(در۳صفحه) وملاشاه (در ۳ ½ صفحه) .

رویهمرفته شرح حال ملاشاه را ازهمه مفصل تر آورده است.

هر کدام مؤلف نمونه اشعارشعرای زیرا نسبة مفصل آورده است : کمال الدین اسمعیل قدسی وشیداو ملافطرت ومحسن فانی (هر کدام دریك صفحه) و شاه نعمت اله و بیدل (هر کدام در ۱ ½ ص) ومحمدسعید قریشی (در۲صفحه)وشیخ عبدالعزیز نوسرفراز (در ۲ ½ ص) رویهمرفته نمونه اشعار نوسرفرازرا از همه مفصل تر آورده است .

گاهی بعضی اصطلاحات واشعار راشرح داده است (رجوع شود بنام امیرخسرو وحافظ).

۱ ـ درذیل نام اورقعه ای (نامه ای) را ازخودهم نقل کرده است .
۲ـ درذیل نام او دو رقعه(نامه) را ازناصرعلی نقل کرده است .

دردیل نام فیض‌علی حلیم اشعارعربی‌را هم ازاو نقل کرده‌است .

سبك انشای مؤلف غالباً ساده وغیرمصنوع است اما درموقع تعریف شعرا بعضی جمله‌هارا به نثرمصنوع و گاهی نثر مسجع آورده است .

نسخ خطی

۱ - اشپرنگر ش ۱٤.

۲ - بادلین ش ۳۸٤ (۱۱۳۳ه) وش ۳۷۵ (۱۲۱۳ه).

۳ - بلوشه ج۲ش ۱۱۵۲ (اوایل قرن ۱۸م) وش ۱۱۵۵ (اواسط قرن ۱۸م)

٤ - بانکی‌پور ذیل ج۱ش ۱۷۸۵ (مورخ ۱۱٤۱ه)

۵ - ایوانو ش۲۲۳ (مورخ ۱۱٤۱ه) وش۲۲٤ (اواخرقرن ۱۸م)

٦ - اته ش ٦۷۳ (۱۱٤۷ه) وش ٦۷٤ (قسمت شاعره ها ندارد و تاریخ هم ندارد) .

۷ - ریو ج۱ص۳٦۹ب (قرن۱۸م)و ص۳۷۱الف (۱۱۸۳ه)و ص ۳۷۱ الف (ناقص الاخر-قرن۱۸م)

۸ - آصفیه ج ۱ ص ۳۲٤ ش ۲۵ (۱۱۲۱ ه) ش٦۲ (تاریخ ندارد) ص ۱۷۰ ش ۲٤۳ .

۹ - لندزیانا ص ۲۲۲ش ۳۱٦ (درحدود ۱۸۰۰م)

۱۰ - اومر ش٤ (۱۲۲۰ه)

۱۱ - برلن ش٦۵۰ (۲) (تقریباً یك‌چهارم اول کتاب —۱۲٤۲ه)

۱۲ - دانشگاه‌لاهور (ناقص‌الاول و آخر- رجوع‌شودبه اورینتل کالج‌مگزین لاهور ج ۸ ش ۱ مورخ نوامبر ۱۹۲٦م ص۷٤).

۱۳ - مؤسسه روزن ش۳۲

۱٤ - بخارا فهرست سمونوف ش ۱۰٤

۱۵ - پیشاور ش۱٤۷۱

چاپ کتاب

۱ ـ کلکته ۱۲۴۶ هـ

۲ ـ بمبئی ۱۲۹۲ هـ (رجوع شود به اشپرنگر ش ۱۴)

۳ ـ بمبئی مطبع مظفری ۱۳۲۴ هـ

فهرست اسامی شعراء: رجوع شود به بادلین ستونهای ۲۰۷ - ۲۱۱

برای **شرح حال مولف**: رجوع شود به مرآت الخیال و استوری ج ۱ قسمت ۱ ص ۸۴۴

تذکر

کتابی بهمین نام (مرآت الخیال) از تألیفات تلسی رام لبهی دهوی چند است که داستان عشقی است بی نظیر (برای نسخه آن رجوع شود به اندیا آفس ج ۲ ش ۳۰۶۹).

همیشه بهار

ابتدا

« ای ذکر تو گلفروش بازار سخن
رنگین ز تو آبروی گلزار سخن
اوصاف تو دیباچه مجموعه حسن
توصیف تو مشاطه رخسار سخن »

سبحان الله زهی رتبهٔ سخن که اگر اورا میوه پیش رس بوستان مظاهر تجلیات گوناگون خوانم بجاست و اگر باعث نشو و نمای اشجار روضات انفس و آفاقی موافق امر کن گویم سزا».

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب کشن چند متخلص به اخلاص است شفیق در «گل رعنا» اورا جهان آبادی (دهلوی) مینویسد. اسم پدرش اچل داس دهلوی است که منزل وی

مرکز فضلا بود و وی در شعر شاگرد میرزا عبدالغنی قبول کشمیری بود[1]. وی از قوم کهتری بود و پدرش مشرب درویشی داشت و غالباً در صحبت فقرای صاحب کمال بسر میبرد [2].

اخلاص در زمان حیات پدرش کاردبازی (که بزبان اردو پهکیهتی گویند) یاد گرفت. بعد از آن بشعر گوئی متوجه و مایل شد. وی در زمان احمدشاه (۱۱۶۰-۱۱۶۷ھ) فوت کرد [3].

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۳۶ھ تألیف کرده است چنانکه بقول خودش عدد اسم آن «همیشه بهار» (=۵۶۸) دوبرابر کرده سال تألیف کتاب را میرساند.

این تذکره مشتمل است بر شرح حال و نمونه آثار سیصد و هفت شاعر [4] بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «امیر خان انجام»[5] شروع شده با «احمد یار خان یکتا» تمام میشود. این تذکره درباره شعرائی است که از زمان جهانگیرشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ھ) تا جلوس محمدشاه (۱۱۳۱ھ) می زیسته اند و همچنین بعضی شعرا که در زمان اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ھ) بودند نیز در این تذکره مذکورند.

مؤلف شرح حال «ملاشیدا» را (در شش صفحه) و اشعار کلیم کاشانی را (در چهار صفحه) مفصل تر از همه آورده است.

سبک انشای مؤلف در دیباچه مصنوع و گاهی مسجع است ولی شرح حال شعرا را نسبةً بزبان ساده تر نوشته است.

---

۱ - ر.ك. گل رعنا درذیل نام «اخلاص جهان آبادی».

۲- رك گل رعنا درذیل نام «اچل داس»

۳ - ر .ك. ریوج ٤ ص ۱۰۸۶

٤ - استوری : تقریباً دویست شاعر (ر.ك. استوری ج ۱ ص ۸۲۶)

۵ - نسخه «خدابخش» (بانکی پور) با «میرزا جلال اسیر» شروع میشود و «انجام» آنجا شاعر هشتم است و در نسخه اندیا آفس «امیر الهی» شاعر اول است و «انجام» آنجا شاعر دوم است ولی در نسخه اشپرنگر «انجام» شاعر اول است.

نسخ خطی

۱ ـ اشپرنگر ش ۱۶

۲ ـ اندیا آفس ش ۴۴۰۱ (مورخ ۱۱۳۸ه)

۳ ـ اته ش ۶۷۸ (مورخ ۱۱۳۹ه)

۴ ـ لندزیانا ص ۵۶؛ ش ۳۲۳ (قریب ۱۸۳۰م)

۵ ـ بانکی‌پور ج۸ ش ۶۸۹ (مورخ قرن ۱۹م)

۶ ـ آصفیه ج۱ ص ۳۱۸ ش ۱۳

برای **شرح حال مولف :** رجوع شود به همیشه‌بهار و گل رعنا و صحف ابراهیم ومخزن‌الغرایب ش ۲۶۰ واشپرنگر ص ۱۱۷ و ریو ج۳ ص ۱۰۸۶ ب

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اشپرنگر ص ۳۰ ـ ۱۱۷ وریو ج۳ ص ۱۰۸۶ ب .

سفینه بیخبر

ابتدا: «سررشته سخن بسخن آفرینی میرسد که در نظم کلامش هیچ جای سخن نیست جل شانه وسلسله حدیث منتهی بامی‌ست که در باب علمش مجال دم زدن نی صل الله علیه و اله وسلم».

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب میر عظمت‌الله متخلص به بیخبر معروف به «میان صاحب» واسم پدرش (سیدالعارفین) میر سید لطف‌الله معروف به لدها[1] متخلص به احمدی است ووطن مؤلف بلگرام از الکه قنوج است ومولف از سادات حسینی واسطی است .

خوشگو در سفینه خود در ذیل احمدی مینویسد که سید لطف‌الله متخلص به احمدی

---

۱ ـ خوشگو : شاه‌دلها (شاه دولها)

در ١٠٥٣ھ بدنیا آمد و بعد از عنفوان شباب در خدمت اکثر علمای [illegible] رسیده و از صحبت آنها کسب فیض نموده چندی در سر کار جانب خان [illegible] سپاهگیری گذرانید و از جمله چهل تن که بجوهر جلادت و مردانگی اشتهار داشتند بود. بسن بیست و دو سالگی از دنیا قطع تعلق نموده بجستجوی حقیقت برآمد [illegible] بخدمت شاه برهان شطاری رسیده چندی در خانقاه وی ماند و از صحبت پیر فیض وی استفاده کرد (بعد از مرگ شاه برهان بخدمت میر عبدالجلیل (بلگرامی) رسیده تسکین قلب رسانید سپس در خدمت میر سیداحمد کالپی رسیده و دست ارادت بدامن تو [illegible] زد. (احمدی تخلص بمناسبت اسم همین پیر اوست) بعد از مرگ سید احمد ... بوطن اصلی خود مراجعت نموده قریب شصت سال در گوشه عزلت با ذوق و شوق گذرانید و بسن نود سالگی شب شنبه چهارم جمادی الاولی سنه ١١٤٣ھ داعی حق را لبیک گفت.

بیخبر آدم خوش ذوقی بود و در شعر «تلاشهای رنگین» داشت و در تصوف نیز دستگاهی بهمرسانیده و چندرساله در توحید و تصوف تألیف نمود. شعر وی جنبه موحدانه و صوفیانه داشته و وی چند مثنوی نیز در همین موضوع (تصوف و عرفان) سروده بود. وی بسیار خوش صحبت و جدی و محبوب مردم بود [illegible] حسن خلق با مردم رفتار میکرد.

بیخبر خط شکسته خوب مینوشت و شعر هم خوب میگفت و با شعرای معروف زمان خود صحبتها داشت مخصوصاً میرزا بیدل از صحبت وی بسیار محظوظ میشد. مؤلف در سفینه خود مجلس خود را با میرزا بیدل بیان کرده است.

مؤلف با موسیقی و فنون دیگر نیز آشنائی کامل داشت.

خوشگو نقل میکند که بیخبر در جستجوی کار با گرمی رفته بود اتفاقاً محمد عاشق همت در خدمت صوبه‌دار (ستاندار) که لشکری را استخدام نموده حضور داشت چون بی خبر دیر رسیده بود عاشق این مصرع ناصر علی را برای وی خواند «بیخبر دیر رسیدی در منزل بستند».

آزاد در «سرو آزاد» مینویسد که در ١١٣٤ھ بیخبر و او از بلگرام تا شاهجهان‌

آباد (دهلی) همیشه بوده‌اند.

در آخر عمر بدهلی رفت. آزاد در «مآثر الکرام» می‌نویسد که در وقت احتضار مردم از وی استفسار کردند که اگر حکم شود نعش را به بلگرام بفرستیم یا در این شهر (دهلی) جائی را انتخاب بفرمائید تا مطابق آن عمل کنیم. وی فرمود که این مشت خاک را هر جائی که خواسته باشید بیاندازید.

همچنین در حین احتضار شخصی که او را در مسألهٔ وحدت وجود با بیخبر راه سخن بود پرسید که حالا چه می‌فرمائید. بیخبر جواب داد سخن مردان یکی است.

وفات بیخبر روز دوشنبه چهارم ذوالقعده ۱۱۴۲ هـ یکسال قبل از فوت پدر در دهلی اتفاق افتاد و در همان شهر در جوار مرقد سلطان المشایخ نظام الدین اولیا بر سر شاهراه متصل بدیوار شرقی باغ دریاخان لقای اعظم شاه بن سلطان اورنگ زیب بخاک سپرده شد.

آزاد بلگرامی قصیده‌ای (مرثیه‌ای) بر وفات بیخبر انشاد کرد که هر مصرعش تاریخ فوت بیخبر را میرساند.

مطلع و بیت بعد از آن اتفاقاً ذوقافیتین شده است. این قصیده دوازده بیت دارد که بیت اول آن بقرار زیر است:

می‌زند جوش تلاطم باز عمان الم

۱۱۴۲

اشک می‌ریزد بروی روح مژگان قلم

۱۱۴۲

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است:

۱. سفینهٔ بیخبر ـ کتاب مورد بحث.

۲. چند رساله در توحید و تصوف

۳ ـ کلیات که‌مشتمل‌است برپانزده‌هزار بیت [۱] ازقصیده‌وغزل ورباعی ومثنوی

تبصره بر کتاب

مؤلف درمورد سبب‌تألیف درمقدمه‌این کتاب چنین توضیح داده‌است که‌طلب سخن برهر کس واجب‌است بنابراین‌مؤلف خواست که‌بعضی‌اشعاررا ازشعرای‌متقدم ومتأخر درسفینه‌خودباذکراسامی وموطن آنها ثبت نماید . بعضی‌ازدوستان وی باو گفتند کدهر گاه که قید نام و نشان‌شعرادرمیان آمداین کتاب بصورت‌تذکره میشود ولذا بهتر آنست که کداین نسخه بجـای‌خود علیحده باشدومولف‌هم‌طبق توصیه آنها عمل کرد . امااشعارمتقدمین راجهت‌تطویل نسخه ازاینجاجدا کرده تاباآن اشعار مجموعه‌جدا گانه‌ای‌درست کندو دراین‌سفینه‌تنهااشعارشعرای متاخراززمان‌جهانگیر شاه وشاه‌عباس‌صفوی بعدازعرفی وثنائی تازمان‌مؤلف که‌عصرمحمدشاه ومحمودشاه افغان بوده آورده‌است .

این کتاب‌بسال۱۱٤۱ه [۲] تالیف‌شد وشامل‌احوال و آثارمختصر(؟) شاعرمتاخر به‌ترتیب‌الفبا ازروی حرف‌اول‌اسم یاتخلص آنان میباشد .

این‌سفینه با احمدی (پدرمولف) شروع‌شده بااحمدیارخان یکتاتمام‌میشود.

مؤلف‌خودش‌درمقدمه‌اعتراف کرده‌است که‌دراین‌مجموعه‌بعضی‌شعرائی‌هستند که‌ازده‌بیست شعر بیشتر نگفته‌اند وحتی‌بعضی‌ها کسانی‌هم‌هستند که‌جزیك‌بیت‌دیگر نگفته‌اند ولی طبق این‌شعر:

بیك بیت دعوی مسلم بود — اگرمصرعش مصرعی‌هم بود

اسم آنها راهم دراین‌سفینه‌آورده است .

این‌سفینه‌مشتمل‌است بر۱٤۱صفحه‌وشرح‌حال واشعار اکثرشعرا بسیارمختصر

---

۱ ر.ك. سفینه خوشگو ـ ولی‌در «نشترعشق» هفت هزاربیت «در «سروآزاد» قریب به‌هفت‌هزاربیت آمده‌است.

۲ ـ ر.ك. مقدمه خزانه عامره که درآنجاآزاد در ضمن اسامی ماخذآن کتاب سال تالیف سفینه بی‌خبر را ۱۱٤۱ه ذکر کرده‌است .

است و غالباً مؤلف چندکلمه برای معرفی اسم وتخلص شاعر یک‌دوبیت ازاونقل کرده است .

شرح‌حال کلیه شعرا بسیارمختصر است (مثلاًرجوع‌شودبه احمدی. وادهم‌ومیرزا اسیر و بیخبر (مؤلف) وغیره) .

اشعار بعضی‌شعراء رامفصل‌ولی‌شرح‌حالشان را بسیار کوتاه آورده است بلکه غالباً دریك دوجمله و گاهی‌درچندکلمه آنها را معرفی کرده‌است مانندداوجی والهی وایجاد وشابورتهرانی وغیره .

اشعارشعرای‌زیررا ازدیگران‌مفصل‌تر آورده‌است : میرزااسیروبیخبر(مؤلف) وناصرعلی سهرندی (سرهندی) ووحید قزوینی .

سبك‌انشای مؤلف‌ساده وعاری‌ازتصنع‌است ودرسراسر کتاب‌مؤلف زبان‌ساده‌و آسانی‌بکار برده وازتکلف وعبارت‌پردازی‌احتراز ورزیده‌است .

رویهمرفته این کتاب‌ازاین‌حیث که مجموعه‌مختصری‌ازاشعارشعرای آن‌دوره است‌دارای‌اهمیت وارزش‌میباشد ولی‌چون فاقداطلاعات‌مهم‌درباره‌زندگانی‌شعراست نمیتوان آنرا جزءتذکره‌های خوب وسودمند حساب کرد .

البته مؤلف‌درانتخاب اشعارذوق خوبی‌نشان داده و دراین مجموعه مختصر اشعار خوبی‌رابرگزیده است .

نسخ خطی

نسخه‌ای‌ازاین کتاب دردانشگاه لاهورموجوداست که‌ظاهراً تنها نسخه ایست ازاین کتاب که‌امروزبجامانده‌است.

برای شرح حال مولف

رجوع شودبه سفینه بیخبر وسروآزاد ص۳۱۵ و۳۲۵ و مآثر اکرام ج اول ص۱۰۶-۱۱۵وخزانه عامره وسفینه خوشگو و تذکره بینظیرونشترعشق .

تذکر

استوری اسم این‌تذکره‌را درفهرست‌خودنیاورده‌است وازوجوداین‌سفینه‌اصلا اطلاع‌نداشته است .

مقالات الشعراء

ابتدا : «گلشن گلشن گلهای حمد و ثنا نیاز جناب عالی مجید سخن آفرین ...

اسم مؤلف این کتاب شیخ قیام الدین متخلص به حیرت و اسم پدرش شیخ امان الله اکبر آبادی است .

مؤلف در آورق ۲۸ (نسخه متعلق به کتابخانه رامپور) می‌نویسد که وطن آبائی او اکبر آباد (آگره) است و پیروی بکارهای جزوی مامور بود اخیر تا سی سال عمر خود را در لهو و لعب تلف کرد و بالاخره چندماه پیش از تألیف این کتاب (در ۱۱۷۳ه) همراه دیوان کشنجی بوده و دیوان مزبور در خدمت [illegible] سورج مل مقام طبابت را داشت .

تبصره بر کتاب

حیرت این تذکره را بسال ۱۱۷۳ه تألیف کرده است چنانکه اسم این کتاب «مقالات الشعراء» ازروی حرف ابجد میرساند .

مؤلف در مقدمه کتاب اسم کتب زیر را که در تألیف این تذکره مورد استفاده وی بودند ذکر کرده است :

۱ - تذکره واله

۲ - تذکره آرزو

۳ - تذکره شوق (تذکره شعرای اردو)

این تذکره مشتملست بر ذکر صد و پنجاه شاعر متأخر به ترتیب الفبا که از زمان اورنگ زیب شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹ه) تا زمان عالمگیر ثانی (۱۱۶۸-۱۱۷۳ه) میزیسته‌اند و با «آرزو» شروع شده با «محمد اشرف یکتا کشمیری» تمام میشود.

شرح ابواب این تذکره ازروی الفبا بقرار زیر است :

برگ ۳ باب الف - از سراج الدین آرزو تا میرزا ارجمند آزاد (۱۲ شاعر)

برگ ۴۴ باب الباء از میرزا مهدی بیان تا خواجه حسن الدین بیان (۸ شاعر)

برگ ۱۵ باب التاء ـ از محمدتقی تعظیم تاسیدرضا تمکین (۳شاعر)
برگ ۱۶ باب الثاء ـ ازمحمدافضل‌ساعدتاراجه جگل کشورثروت (٤شاعر)
برگ ۱۷ باب الجیم ـ از میرمحمدجعفرتاملاظفرعلی‌جرأت (۳شاعر)
برگ ۱۹ باب الحاء ـ ازحاجی‌محمد گیلانی تامیان‌محمدحیات (۱۰شاعر)
برگ ۳٤ باب الخاء ـ از بندرابن داس خوشگوتاخوشتر (٥ شاعر)
برگ ۳۵ باب الدال ـ از میرزا هاشم دل‌تاخواجه میردرد (٤ شاعر)
برگ ۳۸ باب الذال ـ عبدالله ذره (۱ شاعر) .
برگ ۳۸ باب الراء ـ از میرمحمدرضا تا محمدرحیم‌خان (٦ شاعر)
برگ ٤۰ باب السین ـ از ساطع کشمیری ت خدیجهٔ سلطان بیگم (٦ شاعر)
برگ ٤۲ باب الشین ـ ازمیرزاکاظم شررتا رای‌تنکرای شوق (۹شاعر)
برگ ٤۷ باب الصاد ـ از میرزا ضمیر تاهدایت‌علیخان ضمیر (۲شاعر)
برگ ٤۸ ب باب الطاء ـ عبدالباقی طبیب (یك‌شاعر) .
برگ ٤۸ ب باب العین ـ از سیدمرتضی علم تا سنگهم‌لعل‌عزت (۱۲شاعر)
برگ ۵۲ باب الغین ـ غافل و غیرت (۲شاعر) .
برگ ۵٤ باب الفاء ـ ازمیرزا سیدمحمد فدائی تا فایز (۹شاعر)
برگ ۵٦ باب القاف ـ ازعبدالغنی‌قبول تا مشتاق رای‌قدرت (۳شاعر)
برگ ۵۸ باب الکاف ـ ازعصمت‌الله‌کامل تامیرزا گرامی (٤ شاعر)
برگ ۵۹ باب اللام ولمیم ـ ازلطفعلیخان تا میرتقی‌میر (۱۵ شاعر)
برگ ۷۳ باب النون ـ ازنورالله بیگ نزهت تا نیاز (۱۲شاعر)
برگ ۷٦ ب باب الواو ـ ازمیرزامبارك‌الله واضح‌تا واله داغستانی (۷شاعر)
برگ ۸۰ باب الهاء ـ ابوعلی‌هاتف (یك شاعر)
برگ ۸۰ ب باب الیاء ـ ازاحمدیارخان‌یکتا تامحمداشرف یکتا (٤شاعر)
این‌تذکره‌مشتمل‌برذکرشعرای‌متاخرمیباشدواکثرمطالب‌آن ازتذکره‌های
دیگرکه اسم‌آنها درسطور فوق گذشت ماخوذ ومقتبس است وبنابراین نمیتوان

برای این تذکره اهمیت زیادی قائل شد.

درهر حال بعضی مطالب راجع به شرح برخی شعرا مؤلف از خودش هم اضافه کرده است و بنا براین نمیتوان بکلی ارزش آنرا انکار کرد.

نسخ خطی

۱ - اشپرنگر ش ۳۱

۲ - رامپور - مورخ ۲۵ جمادی الاخری ۱۲۲۸ه (رجوع شود به مجله اورینتل کالج لاهور ج ۶ ش ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰م ص ۱۰۶–۱۴)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اشپرنگر ص ۶۰–۱۵۳.

برای **شرح حال مولف:**

رجوع شود به مقالات الشعراء حیرت و مجله اورینتل کالج لاهور ج ۶ ش ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰م.

سفینه خوشگو

ابتدا: (دفتر اول): (؟).

دفتر دوم - «الحمدلله و المنت که بتوفیق (او) از تسوید دفتر اول سفینه خوشگوی فراغ حاصل شد ..»

دفتر سوم - «احوال متاخرین از دفتر ثالث سفینه خوشگو مشتمل بر ذکر معاصرین است که با بعضی از آنها نسبت همعصری داشته ..»

(نسخه «آب آورد»):

«در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است

صراحی می ناب و سفینه غزل است

کشتی حیات را ناخدا حمدخدائیست که بنی نوع انسان را از بحر عدم بکناره وجود کشانیده وسفینه نجات را معلم نعت خاتم الانبیائیست که کشتی شکستگان دریای ضلالت را بساحل رستگاری وحدانیت رسانیده ».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب بندرابن داس متخلص به خوشگو است . وی در سفینه خود هیچ جا شرح حال خود را ننوشته وتنها در ذیل بعضی شعرا باشاره هائی برمیخوریم که بعضی وقایع زندگانی وی را روشن میسازد و برای شرح حال مفصل وی ناچار باید بکتب دیگر مراجعه نمود . خوشگو در سفینه خود در ذیل شیورام داس متخلص به حیا مینویسد که پدرش با پدر شیورام در زمان عالمگیر در لشکر شاهی خدمت داشت وعموی وی سدانند متخلص به تکلف در خدمت «حرم» اعظم شاه در سرکار قدسیه جهان زیب بانو بیگم بود.

شفیق مؤلف « گل رعنا » در فصل دوم آن کتاب در باره اسم خوشگو چنین توضیح داده است که بندرابن اسم محلی است در متهرا وداس در زبان هندی غلام را گویند یعنی غلام بندرابن بلا تشبیه مثل نجفقلی چون بندرابن) متهرا موطن کشن (کرشن) است که از رهبران قدیم مذهب هندو بوده است .

شفیق میگوید که خوشگو از اهالی متهرا[1] واز فرقه بیس[2] بود . اما مؤلف

۱ـ متهرا شهریست درشمال هند در اترپردیش امروز در ۳۰ میل طرف شمال غرب شهر آگره . خوشگو در ذیل شرح حال عموی خود سدانند بی‌تکلف وطن خود را لکهنوتی (سهارنپور) نوشته است وازاین بعضی گمان میکنند که خوشگو هم اصلا اهل لکهنوتی بوده وبعداً درمتهرا توطن گزیده است. اما درهمان کتاب در ذیل نام « بیکس » خوشگو مینویسد : «دوسه مرتبه درمتهرا که وطن فقیر است دیده شد »(ر.ك. دفتر سوم ص ۲٤۷) وبنا براین وطن خوشگو متهرا بوده نه شهری دیگر

۲ـ دربین هندوها چهار طبقه یا فرقه بزرگ وجود دارد : برهمن (اهل مذهب) کهتری (اهل جنگ واسلحه) ویش یا بیس (بازرگانان وکشاورزان وغیره ـ اهل حرفه) وشودر (طبقه پائین ـ کفاشان وسپوران وغیره). این چهار فرقه بزرگ از زمان قدیم بعداز ورود آریائی‌ها درهند معمول بوده است.

«روز روشن» خوشگو را بندرابن‌داس «دهلوی» نوشته‌ست که صریحاً اشتباه است.
قیام‌الدین حیرت در مقالات‌الشعراء مینویسد که خوشگو از قوم هندو بقال بوده و
اثر رنگر (ص ۱۵۵) مینویسد که حیرت در بارهٔ خوشگو نوشته است که وی بنیا بود
از بنارس و ازشاگردان بیدل بود. باید توجه داشت که بنیا و بقال مترادف و بالمعنی است
وشعبه‌ایست ازفرقهٔ بیس اما اینکه خوشگو اهل بنارس بود صحیح نیست. همچنین
مؤلف مخزن‌الغرایب» مینویسد که خوشگو از طایفه بیس راجپوت بود. بهگوان
داس هندی در «سفینهٔ هندی» نیز این قول را تأیید نموده‌است ومیگوید که خوشگو
ازطایفه بیس است که «فرقه‌ایست از قوم راجپوت بیواره من مضافات اوده و سلسله
انساب ایشان بسالباهن که سنهٔ او مثل سنه راجه بکرماجیت (راجه بکرماجیت) در کرافن
جاریست میرسد» ــ اما ظاهراً راجپوت از قوم کهتری بوده‌اند نه بیس.
سال تولد خوشگو معلوم نیست اما خوشگو درسفینهٔ خود که در بین سالهای
۱۱۴۷و۱۱۳۷ هـ تألیف شده‌است درذیل شرح حال بیدل مینویسد: «فقیر دراین مدت
عمر که پنجاه‌وشش مرحله طی کرده» [۱] وبنا براین تولد خوشگو دربین سالهای
۱۰۷۸ ــ ۱۰۸۸ هـ اتفاق افتاده است.
خوشگو درسفینه خود درباره استادان خود اشاره‌هائی کرده‌است. درذیل
نام حکم چند ندرت مینویسد: «او وفقیر باهم ربط معنوی داشته و باتفاق بخدمت
مؤلوی محمد عابد اخلاق ناصری میخواندیم و در جناب حضرت سرخوش میکده
سخن مشق میگذرانیدهٔ هم مشق وهم طرح بودیم».
همچنین درذیل شرح حال میان صادق القا (ص ۲۱۹) مینویسد:
«درعهد بادشاه سبق (درس) از مخزن اسرار درخدمتش خوانده و این
قدر بشاگردی موسوم است» و در ذیل شرح حال بهوپت رای بیغم بیراگی
(ص ۱۰۱) مینویسد: «عمر چهارده سالگی از خدمت او استفاده معنوی
میکرد(م)» ودرذیل ترجمه حال حاتم بیگ حاتم (ص ۹۰) مینویسد: «فقیر خوشگو

۱ - ر.ك. سفینه خوشگو دفتر سوم ص ۱۱۸

برتعلیم نوشته‌اومشق کرده» .

خوشگو درشعر شاگرد محمد افضل سرخوش (متوفی ۱۱۲٦هـ) بودچنانکه خودش درذیل شرح‌حال‌سرخوش مینویسد که‌درچهارده سالگی اشعار خودرا بنظر اصلاح وی می گذرانید و همچنین می گوید که سرخوش تخلص وی‌را خوشگو گذاشت: «همان روز ازروی کمال تخلص خوشگوعنایت فرمودو گفت لفظ خوش از تخلص خود برآورده بخشیده‌ام.... »

قیام‌الدین حیرت در«مقالات‌الشعرا» مینویسد که‌خوشگو در اول مشق‌سخن پیش مرزا بیدل ومحمد افضل سرخوش وسعدالله گلشن نموده و خان‌آرزو مینویسد که‌خوشگوازشاگردان اوبوده‌چنانکه درمجمع‌النفایس‌می گوید: «حالادرعظیم‌آباد وبنارس میباشد وگاه‌گاهی خطوط (نامه‌ها) با اشعار خود پیش فقیرمی فرستد » و جای دیگر مینویسد که خوشگو تابیست وپنج‌سال مصاحب دائمی‌وی بوده است وقول آرزو مبنی برصحت میباشد چنانکه نه تنها آرزو شعرخوشگورا اصلاح مینمود بلکه حتی درسفینه خوشگوهم چندین مرتبه‌نظر کرده ودرچندین‌موارد عباراتی‌را بدست‌خود اضافه نموده‌است .

پروفسور عطاءالرحمن (گردآورنده سفینه خوشگوچاپ پتنه) مینویسد که خوشگو شاگردمحمدافضل سرخوش وسراج‌الدین علیخان آرزوولاله‌سکهراج‌سبقت وبهوپت‌رای بیراگی بیغم‌ومصاحب دائمی شاه سعدالله گلشن ومرزا عبدالقادر بیدل بود وروابط دوستانه بامرزا مظهر و آبروو‌شعرای‌دیگر معاصرخود داشت.

خوشگو درمشاعره‌ها (محافل ادبی) که در منزل مرزا بیدل و گلشن برپا میشدحضورمی‌یافت واین‌قبیل اجتماعات‌را درمنزل‌خودهم تشکیل میداد وازشعرای معروف آنوقت دعوت نموده وازآنهاپذیرائی گرمی بعمل‌میآورد

خوشگو ازهمه بیشتر با بیدل ارادت داشت چنانکه درذیل شرح حال‌بیدل مینویسد که مؤلف هرروز بخدمتش میرسید (ص۱۰۹) و« درعمرزیاده‌ازهزارمرتبه بخدمتش‌مستفیدشده باشم» (ص۱۱۸).

[illegible]

خوشگو اول خدمت میکردولی بالاخره ترك دنیا کرد بلباس فقراء درآمد. اول کسیکه صحبت وی خوشگورا بامذاق عرفان آشنا کرد سدانند بی‌تکلف عموی خوشگو بود [۱] وهمان لذت بعداً اوراوادار کرد که ازلذاید دنیادست کشیده در گوشه انزوا بریاضت بپردازد.

خوشگو بعدازترك دنیا اول درالهآباد وبنارس وعظیم آباد بسرمیبردوایام آخر زندگانی را درالهآباد گذرانیده بالاخره درعظیم آباد (پتنه) درسال ۱۱۷۰ ه از این دارفانی بسوی ملك جاودانی شتافت. قدرت‌الله شوق در «تکملة‌الشعرا» در باره خوشگو مینویسد: «آخر درقصبه بندر ابن رفته فوت شد» اما شفیق در «گل رعنا» مینویسد: «درعشره سابع بعدماية والف (۱۱۷۰ه) درعظیم آباد پتنه پیکر عنصری واگذاشت»

خوشگو درباره شاگردان خوددرسفینه اشاره‌ای نکرده و تنها در «سفینه‌هندی» اسم نورالعین واقف بعنوان شاگردخوشگوذکر شده‌است چنانکه مؤلف «سفینه‌هندی» مینویسد:

«نورالعین واقف درابتدامشق سخن نزد وی (خوشگو) میکرد».

آثار مؤلف

آثارمؤلف بدین قراراست:

۱ـ سفینه خوشگو ـ تذکره مورد بحث

۲ـ مرقع ـ خوشگوموقعی ترتیب داده و درآن اشعار و نمونه آثار شعرای معاصررا بخط خودشان جمع آوری نموده بود اما حیف که امروز اثری از آن مرقع بجا نمانده است.

۳ ـ ملفوظات بیدل ـ خوشگو درذیل شرح بیدل مینویسد که وی «ملفوظات بیدل راترتیب داده بودچون هزارها باردرخدمت وی حضورداشته. امامتأسفانه امروز ازاین کتاب هم هیچ نسخه‌ای باقی نمانده است.

۱ـ ر.ك. سفینه‌خوشگو دفترسوم، شرح حال «سدانند بی‌تکلف».

تبصره بر کتاب

چنانکه درسطورفوق گذشت مؤلف تألیف این کتابرا بسال۱۱۳۷ ﻫ آغاز نموده و بسال ۱۱۴۷ﻫ باتمام رسانیده‌بودودرسال ۱۱۵۵ﻫ خان‌آرزو به‌شرح‌حال بعضی شعراودیباچه‌ای به‌این کتاب‌اضافه کرد. بیت‌زیر آغازواتمام این کتابرامیرساند:

آغازش‌در**سفینه‌خوشگوی**بود	انجامش‌در**سفینه‌خوشگوی**است
۱۱۳۷	۱۱۴۷

ترتیب اسامی این‌تذکره زروی تاریخ تولد یا فوت شعرا است .

این کتاب مشتمل است برسه‌دفتر_ دفتر اول شامل ذکر ۳۶۲ شاعر متقدم است وبا«رودکی» شروع‌شده‌با » کافی تمام میشود. دفتر دوم مشتملت بر ذکر ۸۱۱ شاعر [1] متوسط و متأخروبا «جامی» شروع شده‌با «شگونی» (متوفی درحدود ۱۰۶۰ﻫ)تمام میشود. دفترسوم شامل‌ذکر۲۴۵شاعرمعاصر مؤلف‌است‌وبا « فطرت» شروع‌شده‌وبا «منشی، سرب‌سکه خاکستر» تمام‌میشود[2] .

برای شرح دفتر اول این کتاب رجوع شودبه‌نسخه‌اند یا آفس ش۴۰۲۳.

تبصره‌بر نسخه«آب آورد»

نسخه‌ای از«سفینه خوشگو» که دری شوشتری در ۱۲۴۱ﻫ از روی نسخه‌ای «آب‌آورد»دوباره‌استنساخ کرده‌و بعضی‌مطالب‌را بر آن‌افزوده‌شامل بعضی قسمت‌های دفتر دوم و سوم میباشدو مشتمل است برذکر تقریباً۱۱۰۲تن‌شاعر [3] بترتیب‌الفبا. مؤلف درشرح حال‌شعرا اسم کتابهای‌زیرراذکر نموده‌است که‌از آن در تألیف

۱ـ نسخه بادلین شامل‌ذکر ۸۱۱ شاعر است امانسخه اشپرنگرذکر تنها ۵۴۵ شاعر داشت (رك‌اشپرنگرص۱۳۰) .

۲ـ ر.ك. نسخه‌بانکی‌پور_ این‌نسخه با عبارت زیر شروع میشود : «تراجم بعضی موزونان فصل دوم تذکره بندرابن‌داس خوشگو تخلص »وازاین‌عبارت معلوم‌میشود که این نسخه ناقص‌الاول است وفصل اول ازآن افتاده‌است .همچنین دراین‌نسخه شرح‌حال‌شاعر اول «فطرت» اصلا نیامده ومؤلف تنها اشعار اورا نقل‌کرده است .

۳ـ ر.ك. نسخه مرکزی‌تهران ش۲۶۵۵.

این کتاب استفاده نموده است :

۱ـ کلمات الشعرای سرخوش[1] ـ رجوع شود به نام محمد باقر هندی وغیره.

۲ـ مجمع النفایس آرزو ـ رجوع به جلال اسیر وغیره.

۳ـ تذکره ملاطاهر نصرآبادی[1] رجوع شود به نصیر همدانی وغیره .

٤ـ سفینه صائب[1] (یا انتخاب صائب) ـ رجوع شود به جلال اسیر و غیره .

٥ـ بیاض آرزو ـ رجوع شود به نام میرزا رضی وغیره .

٦ـ کتاب دبستان ـ رجوع شود به نام حکیم سرمد.

۷ـ مرآت العالم ـ رجوع شود به نام حسین آشوب .

۸ـ مجمع الصنایع تألیف محمد صالح رجوع شود به نام حسین آشوب.

۹ـ هفت اقلیم[1] ـ رجوع شود به نام نور العین نوری وغیره.

۱۰ـ طبقات شاهجهانی ـ رجوع شود به نام حالتی وغیره.

۱۱ـ طبقات اکبری تألیف میرزا نظام الدین بخشی ـ رجوع شود به نام حالتی.

۱۲ـ مآثر رحیمی[1] ـ رجوع شود به نام صرفی و نظیری وغیره.

۱۳ـ عالم آرا ـ رجوع شود به مولانا هلاکی .

۱٤ ـ اقبالنامه جهانگیری تألیف معتمد خان بخشی ـ رجوع شود به نام جهانگیر وغیره .

۱٥ـ جهانگیرنامه ـ رجوع شود به نام جهانگیر .

۱٦ـ منشآت ملاطغرای مشهدی ـ رجوع شود به نام الهی همدانی .

۱۷ـ ظفرنامه شاه عباس ـ رجوع شود به نام الهی قمی.

۱۸ـ تاریخ عبدالقادر بداونی (منتخب التواریخ) ـ رجوع شود به نام ملاشیری.

۱۹ـ مسودات مجدالدین قوسی ـ رجوع شود به نام درویش دهکی.

۲۰ـ (اکبرنامه) تألیف شیخ ابوالفضل ـ رجوع شود به نام عتابی .

۱ـ مؤلف ازاین کتا بهادر تألیف این کتاب خیلی استفاده کرده است .

ونصیرهمدانی وملانادموامیرهمایون ودرویش واله .

درذیل شرح حال بعضی شعرامخصوصاً اشتباهات تذکره نصر آبادی رابیان ـ کرده است رجوع شودبه طاهروحید وحکیم سعیدومیر کفری وعلی دانش جاوید وحسین آشوب وسید مرتضی رضی .

بعضی اقوال را ازدیگران نقل کرده است مثلا رجوع شودبه نام ملاشیدا که درذیل اوقول شاه گلشن را نقل کرده وهمچنین درذیل شرح حال ناجی وحسن بیك گرامی وملافاضل قول آرزو را آورده است .

تخلص مرزاجانی راغزلی فکر کرده ذکرش را درردیف « غ » آورده است درحالیکه تخلص وی «عزتی» بوده واین عزتی را کسی غیرازمرزاجانی قلمداد نموده وی رادرردیف «ع» بنام ملا عزتی شیرازی آورده است. (ظاهراً این اشتباه بدری که سفینه خوشگورا دوباره ترتیب و تنظیم نموده رخ داده است).

درذیل شرح حال حضرت میرمشاه حکایتی راجع به شکستن ابریق ورباعی گفتن وی وروسیاه شدن وبازرباعی دیگر گفتن او ودرنتیجه دوباره روسفید شدن وی که دراکثر تذکرهها وکتب به خیام نیشابوری منسوبست (والله اعلم بالصواب) مؤلف آنرا به میرمشاه نسبت داده است .

ذکردو نفررا بنام «شاه مراد خوانساری» آورده است که ظاهراً هردو یکی بوده وآنرا مکرر آورده است. همچنین ذکرضیاء کاشی راهم مکرر آورده است (ص ۲۲۹ و۳۳۲) .

درذیل شرح حال ملاسابق مینویسد : « برادر ملا سعید اشرف که ذکرش دردفترچهارم خواهد آمد» که ظاهراً اشتباه است چون این تذکره سه دفتر بیشتر ندارد . [illegible]ری گردآورنده این نسخه« آب آورد» بعضی قسمتها رادراین تذکره اضافه نموده است مثلا رجوع شود بهقسمت آخر شرح حال ابوالقاسم فندرسکی ومیرزااشراق و میرزا برقی و جمادی (درذیل نام جمالی) وخسرودهلوی ودارا قاجار .

همچنین ذکر لامع (میرزا نورای لامع) رادرذیل حرف «لا» بعدازحرف «ها»

آورده‌است ! ! اما حرف«لا» درهیچ تذکره‌دیگر دیده‌نشده‌است .

درذیل نام‌شعرای زیر توضیح‌داده‌است که با آنها ملاقات کرده‌است :فیضان‌و **جودت**.

این رباعی بابا طاهر را بنام ملا احسنی خوندساری (ظ : خوانساری) نوشته است :

بدشت خاطرم جزغم نروید — زخاکم جز گل ماتم نروید

بصحرای دل بی حاصل من — گیاه ناامیـدی هم نرویـد

درذیل شرح‌حال«بیخبر»مینویسد : «درتذکره غلام‌علی آزادمسطوراست که میرزا بیخبر در کتاب «بیخبر نامه»تذکره‌حقیقه‌ـ مجلس خودرا بامیرزا بیدل‌متصل نوشته‌است . اما در«سرو آزاد» اسم‌این‌تذکر سفینه بیخبر آمده‌است‌و نه«بیخبر نامه» (رجوع‌شود به‌سرو آزاد ص۳۱۵) .

درذیل حسن‌بیگ انس‌مینویسد : «تذکرة الشعرائی‌نوشته طاهر‌اًاتمام‌نیافته وبنظرهم نیفتاده»امااسم تذکره‌حسن‌بیگ انسی درجای‌دیگر دیده‌نشده‌است .

هم‌چنین دری گرد آورنده نسخه «آب آورد » درذیل نام طرزی مینویسد : «حقیر دری درتذکره ملافرویدون قمی) که بتذکرفریدونی مشهوراست‌احوال‌ملا طرزی راچنین‌دیدم ...»

سبك انشای‌مولف

درنسخه‌آب‌آورد سبك‌انشای مؤلف غالباً ساده‌است امادرموقع تعریف شعرا بنثرمصنوع‌پرداخته‌است .

گاهی القاب توصیفی قبل‌یابعد ازاسامی‌شعرا آورده‌است مانند :

«ابوالولای‌تازه گویان‌حضرت‌میرزا محمدعلی صائب تبریزی استادالاساتذه روزگار وسر آمد معنی‌بندان نادره کار »یا« سر کرده شهرستان گفت و شنیدنواب وحیدالزمانی میرزاطاهر وحید » .

هم‌چنین گاهی جمله‌ای مصنوع درمعنی «فوت شد»آورده‌است مانند :

میرزاتسکین : بعهد عالم گیری از کشمکش روزگار تسکین یافت .

تبصره بردفترسوم سفینه خوشگوی

اکنون دفترسوم این‌سفینه (نسخهٔ بانکی‌وچاپ‌پتنه ۱۳۷۸ه / ۱۹۵۹م)اینجا مورد بررسی وبحث قرارمیگیرد .

مؤلف دردفترسوم اسم کتابهای زیررا ذکر نموده است که ازآنها در تألیف این کتاب استفاده نموده است :

۱ - **کلمات‌الشعرای‌سرخوش** - رجوع‌شود به‌شرح‌حال شاه‌ناصرعلی‌وراسخ و اشرف .

۲ - **جنت‌نامه** - رجوع‌شود به‌شرح‌حال اعظم .

۳ - **تذکره‌نصرآبادی** - رجوع‌شود به‌نام ناصرعلی واشرف .

٤ - **تذکره غلامعلی آزاد** - رجوع‌شود به‌نام‌مشرب .

۵ - **ید بیضا** - رجوع‌شود به‌شرح‌حال ثابت .

٦ - **همیشه بهار** - رجوع‌شود به‌شرح‌حال حجت .

۷ - **تذکره علی قلیخان واله** - رجوع‌شود به‌ایمن .

شرح‌حال شعرای زیررا مفصل‌تر از دیگران آورده است : شاه‌ناصرعلی و مخلص(هر کدام در۳ص) وشاکر (در ½ ۳ص) وگلشن (در ٤ ص) و سرخوش (در۵ ص) وبیدل (در۲۱ص) .

درذیل‌نام مظهر (جانجانان) و سراج الدین علیخان‌آرزووشرح حالی که خودشان برای خوشگوفرستاده اند نقل کرده است (رجوع‌شود به‌شرح‌حال مظهر ص ۳۰۲ وآرزو ص۳۲۳) .

اشعار شعرای زیرامفصل‌تر ازسایرین‌آورده‌است : شاه ناصرعلی واشرف و محمداعظم ونعمت خان عالی (هر کدام در۳ص) ومخلص وحضوری و حیا وآفرین (هر کدام در٤ص) ومظهر وسرخوش (هر کدام در۵ص) وآرزو (در۱۰ص) و بیدل (در۲۳ ص) .

اشعارشعرای زیرراطبق پسندآرزو نقل کرده‌است : شاه‌ناصرعلی و غنیمت
وحشت وسالم وا.تیازخان خالص ومحمدامین مطلع وصداقت .
هم‌چنین اشعاره‌بیراگی» راازروی پسند سرخوش نقل کرده‌است(رجوع‌شو
به ص۱۰۲) .

شعرای ذیل‌اشعارشان رابخط خودبرای‌خوشگوافرستاده‌اند وخوشگوآنهارا
دراین‌سفینه شامل کرده‌است : رواج واشتیاق واختر وبی‌ریا ورفعت وتمکین وقابل
ومست وحشمت ومتین ومخلص وسابق وبیکس وشورش وابنای‌داس مخلص .
مؤلف اشعاربیدل را ازبیاضی که وی‌بامضای خودش بمؤلف داده‌بود انتخاب
ونقل کرده‌است (رجوع‌شود به‌صفحه ۱۲۵) .
مؤلف دیوان شعرای‌زیررا دیده واشعارشان راازآنجا انتخاب‌نموده است
راسخ ومائل واشرف وسیادت ومیر نجابت ولامع وبیرنگ و عاشق ونعمت‌خان‌عالی
وفیضان ووحدت وسرخوش وجنون وعالی وواضح وبی‌تکلف وتأثیر وحیاورائج و
ثابت وحسرت وحزین والفت.

رویهمرفته شرح‌حال بیدل (در۲۱ص) واشعار اورا (در۲۳ص) ازهمه‌مفصل‌تر
نقل کرده‌استودرذکربیدل اکثرآثاروی ووقایع مهم‌زندگانی وسراپای‌اوورابطه
او باامرا و ملوك معاصر وقوت وی وحکایات مختلف راجع بادوار مختلف‌زندگی
وی‌رابیان کرده وچون‌مؤلف اکثر درخدمت بیدل‌بوده بنابراین بیانات او درباره
بیدل مورداعتماد وموثق‌تراز تذکره‌نویسان دیگرمیباشد و میتوان گفت که‌درباره
بیدل‌هیچ کتابی غیرازتألیفات خودبیدل معتبرتر ازاین کتاب وجود ندارد .
درذیل شرح‌حال بعضی‌شعرا برخی‌حکایات رابدون ذکر مأخذ نوشته است
رجوع‌شود به‌شرح‌حال ملاساطع (ص۲۳٦) وغیره .
درذیل شرح‌حال شعرای زیرتصریح نموده‌است که باآنهاملاقات کرده‌است:
میان شاه‌ناصرعلی وحفظ‌اله خان حفظی وفیضان وجودت وسرخوش وتلاش
ومحمدعلی مطلع وحاتم‌بیگ حاتم وذوالقدر و تمکین وبیراگی وبیدل وقبول و

مؤلف با«ماده‌تاریخ گوئی» هم علاقه‌داشت‌وماده تاریخ‌فوت‌شعرا که‌دیگر ا
سروده‌اند درذیل‌شرح حال آنها آورده‌است : رجوع‌شود به شرح حال ناصرعلی
سرخوش وبیدل‌ومحمداعظم‌ومرزاحاتم بیگ وجودت ومنعم وبیرنگ‌ومیرالفت.

سبک‌انشاء مؤلف در دفترسوم

دردفترسوم سفینهٔخوشگو نیزسبک‌انشای‌مؤلف اکثرساده‌است اما در موقع
تعریف ازشعرا مخصوصاً درذیل نام بیدل و آرزو نثر مصنوع‌و گاهی نثرمسجع بکا
برده‌است.

گاهی بعضی اصطلاحات وعبارات عربی‌را بکار برده است مثلا :
درذیل‌ناصرعلی مینویسد : درشاعری« کوس اناولاغیری» نواخته (ص۳) .
«جودان » : دعوی«اناولاغیری» نموده(ص۲۸۰)
«سامی » : «ومن‌ادعی فعلیه‌السند » (ص۲۳۲)
« غبار » : «وکان ذالک فی‌شهرالف‌ومآة‌وخمسین»(ص۲۱۰)

همچنین‌بعضی کلمات اردو (که بعضی‌از آنهااصلا فارسی‌است)بکاربرده‌است :
قابو بمعنی قوت وطاقت (رجوع شود به‌شرح‌حال محمدزمان راسخ ص۸)
گولی بمعنی گلوله(رجوع‌شود به‌نام‌اعظم‌ص۴۳) چند گهری‌بمعنی‌ساعت (سخا ـ
ص۱۹۵) کچهری‌بمعنی دادگاه (شاه گلشن ص ۱۶۶ ومنعم ص۵۳) خطوط بمعنی
نامه‌ها(عاشق‌ص۵۷) خط بمعنی نامه (تجرید ص ۲۲۶) پوره بمعنی کامل و تمام
(مشرب ص۸۲) چلم بمعنی سرقلیان گلی (بیدل ص ۱۱۲) پالکی بمعنی‌تخت‌روان
(بیدل ص۱۱۲) چبوتره بمعنی سکو (بیدل ص ۱۲۱) پله‌ترازو بمعنی کفه ترازو
(بیدل‌ص۱۲۳) بلاناغه بمعنی مرتب وبدون‌تعطیل(بیدل ص۱۲۰)

املای‌بعضی‌کلمات را طوری نوشته که یااصلاغلط است ویاامروزفرق کرده
است :

مسنوی بجای مثنوی (لامع ص ٥٤) نبیسه‌بجای نبسه بمعنی نوه و نواده
(عاشق ص۵۷) بست بجای‌بیست (ریاض ص۱۹۲) .

بعضی اصطلاحات را خودش درست کرده و بکار برده است :

صائبانه = بطرز صائب (ناجی ص ۷۱) ظهوریانه = بطرز ظهوری (سرخوش ص ۷۷) هندوستان‌زا بجای هندوستان‌زاده (رسائی ص ۱۸۹ و تمنا ص ۲۴۹) نهایت نهایت محظوظ گشت = بی نهایت محظوظ گشت (سخاص ۱۹۵) ·

بعضی افعال را استعمال کرده که امروز فرق کرده است:

برگردید بمعنی برگشت (ناصرعلی ص ۲) آرید بمعنی آورد (رجوع شود به حیا – ص ۱۸٤) نویسانیده – متعدی از نوشتن (بیراگی ص ۱۰۳ و بیدل ص ۱۱۲ و ۱۲۳).

گاهی جمله‌ای مصنوع در معنی «فوت‌شد» بکار برده است مثلا :

درذیل شرح حال سالم مینویسد: ازبار عنصری سبکدوش شد.

درذیل شرح حال رسا مینویسد : برعجوزه شوهر کش دنیا طلاق گفت .

» » فیضان: ازاین تنگنای فانی بفضای جاودانی آهنگ نمود.

» » قبول: دعوت حق را لبیك اجابت گفت.

همچنین گاهی جمله‌ای مصنوع درمعنی «متولدشد» بکار برده است مثلا:

درذیل نام بیدل مینویسد : قدم ببارگاه شهود گذاشت

رویهمرفته این تذکره ازحیث جامعیت وتحقیق درباره بعضی مطالب راجع بزندگانی شعرا خوبست. مخصوصاً دفتر سوم این تذکره از حیث اصالت مطالب بسیار مهم است چون مؤلف با اکثر شعرا ملاقات نموده و اکثر اطلاعات را ازروی علم خود آورده است . مؤلف با بسیاری ازشعرای معاصر خود از نزدیك آشنائی داشته وبنا براین بیانات وی درباره این شعرا مورد اطمینان و باارزش میباشد . مؤلف سال وفات یا «تاریخ» وفات شعرائی که قبل از تألیف این کتاب فوت کرده بودند آورده است که بسیاری ازآنها در کتب دیگر ذکر نشده است همچنین اشعار منتخب ازشعرا نیز غالباً خوبست ·

خلاصه دفتر سوم این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره‌های فارسی شمرد.

نسخ خطی

الف ـ۱ـ اندیا آفس۴۰۲۳ (دفتراول)[۱] ۲ـ اشپرنگر ۳۳۰ = برلن۳۰۲ـ۵۲
(دفتراول و دوم. ناقص).

۳ـ مجلس ش۴۰۳ (دفتردوم‌ـ۱۲٦۸ه)٤ـ بادلین۳۷٦ (دفتردوم) .

۵ـ دانشگاه‌لاهور(دفتر دوم‌ـ ناقص‌شامل‌ذ کر۷۷۵شاعر ازجامی‌تامرزارازی)
بادلن ش۷۷۹ .

٦ـ بانکی‌پور ج۸ص۸۳ـ۱۱۵ [۲] دفتر سوم(ظاهراً ناقص‌ـ بخط‌آزادبلگرامی
مورخ۱۱۸۲ه) ذیل ج۱ص ۱۷۸٦ (دفتردوم‌ناقص‌ـ ازجامی تاسروری) ـ بادلین
٦۳٦ (قرن ۱۹م) .

ب ـ نسخه «آب‌آورد «که» دری »درحدود ۱۲٤۳ه درشوشترازروی اوراق
پراکنده‌وآب خورده دوباره ترتیب واستنساخ نموده‌است .

۱ـ سپه‌سالار ج۲ش۴۹۰و۱۱۱٦   ۲ـ ملك‌تهرانـ۴۳۰۵ (قرن۱۳ه) .

۳ـ ریوذیل ش ۱۱۱ (۱۲۵۲ه)   ٤ـ مرکزی تهران ۲٦۵۵ (۱۲٤۷ه

۱ـ این نسخه درفهرست اته‌ذکر نشده‌است‌ر.ك.استوری ج۱ق۱ ص x・i که آنجا
استوری‌علامت I.O راشرح‌داده‌است .

۲ـ این‌نسخه دوقسمت‌داردـ قسمت اول در «تراجم بعضی موزونان ازفصل‌دوم‌تذکره
بندرابن داس خوشگو تخلص »میباشدومشتملست برذکرشعرای زیر ، ۱ـ فطرت۲ـ حسینی
۳ـ بابامحمدعلی اصفهانی ٤ـ شاه‌اسمعیل ذبیحی‌ـ‌ذبیح ۵ـ قدیرا متخلص به عرفان ٦ـ
مرزانظام‌الدین احمد ۷ـ سراجا متخلص به‌نقاش اصفهانی ۸ـ میرزا محمد طاهر متخلص
به طاهر ۹ـ مرزا بدیع‌الزمان متخلص به‌اقدس ۱۰ ـ حاجی عبدالواسع متخلص به‌اقدس
۱۱ـ میرمحمدهاشم متخلص به مضمون۱۲ـ محمد ابراهیم متخلص به‌انصاف۱۳ـ میرجمیل
متخلص به سوزی۱٤ ـ مرزااسمعیل متخلص به‌حجاب ۱۵ ـ محمد اسحق متخلص به شوکت
بخارائی ۱٦ـ مخلص کاشی۱۷ـ شفیعامتخلص به‌اثر وقسمت دوم به‌عنوان «قسم‌سوم» مشتملست
برشعرای‌معاصر که مؤلف بابعضی ازآنان آشنابودوباهمیان‌شاه نصیر متخلص به‌علی» شروع
شده‌با «منشی سرب‌سکه متخلص به‌خاکستر» تمام‌میشود ـ دراین‌نسخه فهرست‌اسامی شعرا
درچهارصفحه‌آمده است.

دراین نسخه آقای حسینعلی باستانی راد
مالك سا ق این نسخه بعضی حواشی
اضافه کرده است) .

چاپ کتاب

دفتر سوم پتنه ۱۳۷۷ هـ/ ۱۹۵۸م باهتمام پرفسور سید شاه عطاء الرحمن .

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به سفینه خوشگو (که درذیل نام برخی شعرا ...هائی کرده که بعضی وقایع زندگی او را روشن میسازد) ومقالات الشعراء حیرت و گل رعنا ومجمع النفایس ومخزن الغرایب ش۷۳۶ واشپرنگر ص۱- ۱۳۰ وتکملة ...ای شوق وسفینه هندی ش۹۷ وروز روشن ص۲۰۶ وادبیات فارسی مین هندوون ...(اردو) از دکتر سید عبداله ص۱۱۴ و۱۱۵ و۱۷۷ و۱۷۸ و فهرست بانکی پور و دیباچه انگلیسی وفارسی سفینه خوشگو چاپ پتنه از پروفسور عطاء الرحمن .

فهرست اسامی شعرا

۱- دفتر اول- درهیچ کتاب نیامده است.

۲- دفتر دوم- رجوع شود به بادلین ستونهای ۲۱۲ - ۲۳۹.

۳- دفتر سوم- رجوع شود به بانکی پور ج۸ ص۸۶-۱۱۵ .

ید بیضا [1]

انتدا : - حمد من نظم الاشیاء وعلم الادم الاسماء .

شرح حال مولف

اسم مؤلف میر غلامعلی متخلص به آزاد است وی نسباً حسینی [2] واصلا واسطی

۱- درفهرست کتابخانه آصفیه ج۲ ص۱۶۲ ش۱۸۶ اسم این تذکره بدینقرار آمده است : تذکره یدبیضا موسوم به «صبح خندان» .

۲- آزاد در انسباً اگر «زیدی» بگوئیم صحیح تر خواهد بود چون وی از اولاد موتم الاشبال زید شهید بوده چنانکه در سطور آینده میآید .

ووطنا بلگرامی دمذهبا حنفی و طریقة چشتی‌است . نسبش به موتم‌الاشبال بن زید شهید بن‌امام زین‌العابدین میرسد چنانکه خودش درباره آن گفته‌است :

گرچه باشدموتم‌الاشبال‌عیسی‌جدمن　　　عیسی جان‌بخش‌شیرانم بامدادنفس

آزاد میگوید که معنی «موتم الاشبال» یتیم کننده شیر بچها است وچون‌وی اکثرشکارمیکردبنابراین‌باین‌لقب‌ملقب‌شده‌بود .هم‌چنین دیگرجای‌آزاد باین‌امر که‌وی‌ازاولادزیدشهیداست اشاره کرده‌است چنانکه میگوید :

مرا به‌تیغ‌ستم کشت و گفت‌ازسر ناز　　　چراغ دوده زید شهید روشن شد

آزاد روزیکشنبه ۲۵ صفر ۱۱۱۶ ه قمری درمحله میدانپوره درقصبه‌بلگرام ازتوابع صوبه (استان) اود متولد شد . وی نزد پنج استاد تحصیل نمود . اولا نزد میرطفیل احمد اترولوی‌بلگرامی علوم‌درسی وثانیاً نزد میرعبدالجلیل جدمادری خود[1] لغت وحدیث وسیر نبوی وفنون ادب وثالثاً پیش‌میرسید محمددائی خود[1] عروض وقوافی و بعضی ازفنون ادب ورابعاً نزدشیخ محمد حیات سندهی در مدینه صحیح‌بخاری و «صحای سته وسایر مفردات» وخامساً نزدشیخ عبدالوهاب طبطاوی درمکه «بعضی فوایدعلم‌حدیث» راخواند . آزاددرپانزده‌سالگی فارغ‌التحصیل شد . وی درسنه ۱۱۳۰ ه بدست قدوة العارفین میرسید لطف‌اله بلگرامی که ذکرش را درمآثرالکرام‌وسروآزاد آورده‌ست درطریقه‌چشتیه‌بیعت کرده وبدان‌طریقت‌منسلك ومربوط شد .

مؤلف بقول خود درتمام‌عمرسه‌بار[2] ازوطن به‌مسافرت خارج‌رفت . اول

۱ــ ر.ك.«سخنوران بلندفکر»(اردو)درذیل‌نام‌آزاد .

۲ــ آزاد ومولف سخنوران بلندفکر «سه‌بار» نوشته ند ولی‌این‌درست نیست چون‌بعد ازحج‌آزادبه‌اورنگ‌آباد رفت‌وازآنجا چندین‌بارباتفاق امرائی‌مانند صمصام‌الدوله برای‌سیر وسیاحت دکن‌وشهرهای دیگررفت‌اما گرگفته‌شودکه ازوطن خود سه مسافرت‌کرد درآن صورت این‌قول‌صحیح خواهدبود چون ظاهراً آزاد بعداز مسافرت‌سوم هیچ‌وقت بوطن‌خود (بلگرام) مراجعت نکرد .

در ۱۱۳۴ ه باتفاق میر عظمت‌اله بیخبر بلگرامی برای دیدن جدمادری خودمیر ـ عبدالجلیل بشاهجهان آباد (دهلی) رفت و آنجا دوسال اقامت‌داشته واز صحبت جد مادری خود استفاده نموده دوباره به بلگرام وطن خود بر گشت.

مسافرت دوم وی درذی‌الحجه ۱۱۴۲ ه اتفاق‌افتاد موقعیکه وی‌از راه‌شاه‌ـ جهان آباد ولاهور وملتان به‌سیوستان یاسهوان از بلادسند درخدمت خال(دائی)خود میرسیدمحمد بلگرامی رفت. میر سیدمحمد مزبور ازطرف پادشاه دهلی میر بخش و وقایع نگار آنجابود . آزاد روز دهم ربیع الاول ۱۱۴۳ بسیوستان رسید . میرسید محمدآزاد رابرای‌مدت چهارسال به‌نیابت خوددرهر دوخدمت مذکور مقرر کرده خودش به‌بلگرام‌رفت‌و بعداز چهارسال به‌سیوستان مراجعت‌نمود. آزاد در۱۱۴۷ ه ازهمان راهی که به‌سیوستان رفته‌بود بشاه‌جهان آباد رفت.

دراین مسافرت آزاد باحزین در ۱۱۴۷ ه درشهر بهکر ملاقات کرد وحزین برخی ازاشعار خودرا بخط خودبطور یادگار بوی داد و چون‌آزاد باعجله بسوی دهلی میرفت وی حزین رادرهمان‌شهر گذاشته خود بسوی منزل مقصود راه افتاد[1] همچنین درحین‌مراجعت موقعیکه ازراه لاهور بشاه جهان آباد میرفت باواله در۱۱۴۷ه درلاهور ملاقات کردوهردوتاشاه‌جهان آباد باهم مسافرت کردند . بعداز ورودبه دهلی آزاد درآنشهریك‌هفته توقف نموده بسوی اله‌آباد رهسپار شد و واله دردهلی ماند وهمانجا رحل‌اقامت افکند[2] .

چون سایراعضای خانواده‌آزاد درآن‌زمان درشهراله‌آباد اقامت‌داشتند وی نیز ازدهلی‌خودرابه اله‌آبادرسانید ودرآنشهر سه‌سال اقامت کرد ولی دراین مدت دوبار بوطن‌خود بلگرام رفته وهربار به‌اله‌آباد باز گشت .

مسافرت سوم آزاد دررجب ۱۱۵۰ ه روی‌داد موقعیکه وی‌ازبلگرام به‌حجاز بقصد حج رفت . این‌آخرین مسافرت آزاد بود چون دیگر وی هیچوقت به‌وطن

۱ ـ ر.ك. خزانه‌عامره ص۱۹۴ .
۲ ـ ایضاً ص ۴۴۸ .

شدو آنجا چهل روز توقف نموده روز ۲۹ محرم وارد مکه شد. چون بمکه رسید هنوز مدت زیادی بوقوع حج مانده بود وبنابراین سه روز در مکه اقامت داشته وبعداز طواف بیت‌الله وزیارت عتبات عالیه بمدینه رفت وعیدفطر را آنجا گذرانیده روز ۱٤ شوال دوباره بمکه مراجعت نمود وآنجا مناسك حج را بجا آورد .

«عمل اعظم» (= ۱۱۵۲ه) تاریخ بجا آوردن حج را میرساند . چنانکه درسابق گذشت درمدینه نزد شیخ محمد حیات سندهی صحیح بخاری خواند وسندبقیه صحاح سته را ازوی گرفت ودرمکه پیش شیخ عبدالوهاب طبطاوی درس حدیث گرفت .

درربیع‌الاول ۱۱۵۲ بطایف رفت وبعد دوباره بمکه برگشت ودرعشره آخر همان‌ماه عازم هندوستان شد ودر ۳ جمادی‌الاول درجده سوار کشتی شده در هشت روز به مخامین رسید وازآنجا بزیارت علی بن عمرشاذلی مشرف شد و چهارروز آنجا توقف نموده روز بیست ونهم درسره سروره پیاده شدوروز ۲ جمادی‌الثانی وارد بصره شد و (بقول استوری) پنج‌ماه دربصره بودوبروایت «سخنوران بلندفکر» روز ۲ جمادی الثانی بسورت رسیدو آنجا پنج‌ماه اقامت داشت (که ظاهراً صحیح نیست) ودر ۱۱ ذوالقعده ازآنجا حرکت نموده روز ۲۷ آن‌ماه باورنگ‌آباد دکن رسید. «سفر بخیر» (= ۱۱۵۲ه) تاریخ مراجعت وی بهندوستان ومهاجرت بدکن را میرساند .

در اورنگ‌آباد آزاد در تکیه شاه مسافر غجدوانی (متوفی ۱۱۲٦ه) رحل اقامت افکند .

در ۱۱۵٤ه برای سیاحت حیدرآباد وبیدر رفت وبعداز چندروز دوباره به تکیه مزبور مراجعت نمود .

مؤلف «سخنوران بلندفکر» مینویسد که چون در ۱۱۵۸ نواب نظام‌الدوله ناصر-جنگ شهید حاکم حیدرآباد (۱۱٦۱–۱۱٦٤ه) ازطرف پدرخود نواب آصفجاه به صوبه-داری (استانداری) اورنگ‌آباد مأمور گشت وی آزاد را بدربارخود دعوت نمود و ازوی خیلی احترام وتجلیل نمود وچنان مجذوب اخلاق آزاد گشت که وی را مصاحب و مقرب خود مقرر کرده وتا زنده بود هیچوقت اورا ازچشم خوددور نمیکرد . نواب

مزبور در شعر از آزاد اصلاح میگرفت.

درهمان سال(۱۱۵۸ه) نواب مزبور برای سیاحت و گردش بکرناتك رفتو آزاد راهم همراه خودبردو باتفاق وی آزاد درغرهماه صفر ۱۱٦۱ ه باورنگ آباد مراجعت کرد. آزاد درهمان سال (۱۱٦۱ه) به اتفاق نواب به برهانپوررفتوچندروز بعددوباره باورنگ آبادبر گشت. روز۱٤ شوال بهمراهی نواب مزبور بارکات رفت ویکسالوچندماه درمسافرت بود. درهمین مسافرت در محرم سنه ۱۱٦٤ه نواب ناصرجنگ کشتهشدو بعداز کشتهشدن نواب آزاد ۱۵رجمادی الاول۱۱٦٦ه باورنگ آباد مراجعت نمود. شمس اله قادری مؤلف «قاموس العلوم» (اردو) مینویسد که آزاد از طرف نواب ناصر جنگ مستمری می گرفت اما هیچوقت مقامی یا خدمتی را قبول نکرد.

در۹ رجب ۱۱۷٤ه آزاد بدعوت صمصام الدوله شاهنواز خان وزیر اعظم به حیدرآباد رفت و چندماه بعد روز۱۹ ذوالقعده دوباره باورنگ آباد مراجعت نمودوچندروز در تکیه شاه مسافر سابق الذکر توقف نمود.

در۱۱٦۷ه نواب امیرالممالك صلابت جنگ خلف آصفجاه حاکم حیدر آباد (۱۱٦٤ – ۷۵) نواب صمصام الدوله را بسمت وکالت خود منصوب کرده و به حیدرآباد دعوت نمود. نواب صمصام الدوله با کمال اشتیاق آزاد را پیش خوددعوت نمود وچون آزاد به حیدر آباد رسید نواب نظام علیخان آصفجاه ثانی (۱۱۱۸ – ۱۲۷۵) نیزوی را مورد تعظیم و تجلیل قرارداد. در ۱۱۷۰ه صمصام الدوله معزول شد اما در نتیجه مساعی رفقای صمیمی خودمانند آزاد دوباره بمقام خود بر گشت ولی درسال بعد (۱۱۷۱ه) ۳ر رمضان در نتیجه توطئه ای صمام الدوله کشته شد ومنزل وی را بغارت بردند. دراین دستبردوغارتگری [1] نسخه ناتمام مآثرالامرا تألیف صمصام الدوله نیز گم شد. اما آزاد بعداز تلاش بسیار موفق شد اکثر اوراق پریشان آنرا پیدا کرده «وخطبه وتمهید» وشرح حال مؤلف وبرخی دیگررا اضافه نموده بصورت یك کتاب

۱– برای شرح این واقعه ر.ك. بهارستان سخن: شرح حال مؤلف (صمصام الدوله).

درآورد[۱].

سه سال بعد از فوت آصفجاه ثانی در۱۱۷۸ه[۲](؟) آزاد باورنگ آباد مراجعت نموده دوبار در تکیه شاه مسافر مذکور در گوشه عزلت وانزوا نشست و بقیه زندگی خود را همانجا بسر آورد.

آزاد در خزانه عامره تألیف ۱۱۷۷ه (ص۱۲۵) مینویسد: چندبار بتماشای اطراف ملك دکن بر خاستم اکنون (در شصت وسه سالگی) در دارالامن اورنگ آباد گوشه گیرم.

بقول مؤلف «سخنوران بلندفکر» آزاد در سال ۱۱۹۵ه در «روضه»[۳] (خلدآباد) دراطراف مزارشاه برهان الدین غریب قطعه‌ای زمین را خریداری نموده واسم آنجا را «عاقبت خانه» گذاشت و آنجا قبری برای خود درست کرد. سپس ضیافت بزرگی ترتیب داده بعضی ازمشایخ وشعرا و امرا رادعوت نمود و بعدازصرف غذا بهمه مهمانان دستداد و گفت «این ضیافت تودیعی بود. هذا فراق بینی وبینك»[٤] بعدازآن تا دم

۱ـ بسیاری ازنسخ این کتاب که آزاد ترتیب داده ودارای شرح حال ۲٦۰ تا ۲۹۰ نفر میباشد دربعضی کتابخانه‌ها موجوداست نا گفته نماند که چندی بعد در ۱۱۹٤ه صمصام الملك میرعبدالحی فرزند صمصام الدوله این کتاب را دوباره ترتیب داده وعده امرای مذکور این کتاب را بقریب ۷۳۰ نفر رسانید. این کتاب در کلکته در سال ۹۱ ـ ۱۸۸۷م درسه جلد بطبع رسیده است.

۲- در «محبوب الزمن» (اردو) سال ۱۱٦۸ه ذکر شده است.

۳ـ روضه یاخلدآباد بمسافت هفت میل از دولت آباد واقعست. برای شرح مفصل این گورستان بزرگ که قبراورنگ زیب عالمگیر و ابوالحسن قطب شاه و آصفجاه وبعضی سلاطین احمد نگر وعده زیادی از عرفای معروف آنجاست رجوع شود بکتاب «آثارمهم تاریخی دکن» (بانگلیس) ـ تألیف هیگ» چاپ الله آباد ۱۹۰۷م صفحات ۸ـ٥٦.

(Historical Landmarks of the Deccan – T.W. Haig – Allahabad,1907)

٤ـ اصل عبارت درتذکره «سخنوران بلندفکر» بزبان اردوبدینقراست: یه وداعی ضیافت تهی ـ هذافراق بینی وبینك».

مرگ در گوشهٔعزلت نشست .

پنج‌سال بعد ازضیافت مزبور درسنه۱۲۰۰ ه[۱] بسن ۸٤ سالگی فوت کرد شاعری‌تاریخ وفات وی‌را چنین گفته‌است: «آه‌غلام‌علی آزاد»[۲] (=۱۲۰۰ه).

وجیه‌الدین‌اشرف‌در«بحرذخار» مینویسد که آزاددر۲۱ذوالقعده‌سال ۱۲۰۰ ه فوت کردودر «روضه» یا « خلدآباد » دفن شد[۳] ومؤلف « نتایج الافکار» مینویسد که‌وی‌در «روضه» پائین مزارحضرت حسن دهلوی‌مدفون‌شد .

اینك‌عقاید وآرای‌تذکره نویسان ودیگران درباره اخلاق وپایه‌علمی آزاد نقل‌میشود.

تقریباً همه‌تذکره‌نویسان معاصر آزادبعلم وفضل او اعتراف کرده‌اند . آرزو در«مجمع‌النفایس» تألیف (۱۱۶۳ ه) مینویسد که آزادمردی‌عالم‌وفاضل‌استوبحج رفته وچندوقتست که در اورنگ آباد اقامت‌دارد وصوبه‌داران (استانداران) دکن درتعظیم وتوقیر (احترام) وی‌میکوشند وخدمت او را برای خود سعادت محسوب میدارند. بـامن اخلاص وآشنائی‌غائبانه دارد و بوسیله حواله پستی یکبار اشعار وشرح حال من را خواسته وبار دیگر اشعار و شرح حال خود را فرستاد . گویند تذکرةالشعرائی[٤] نوشته ودراین ایام‌درآن تجدیدنظر مینماید.

حاکم در«مردم‌دیده» (تألیف۱۱۷۵ ه)مینویسد که‌وی آزاد راقریب‌به‌سی‌سال

۱ـ شفیق در«چمنستان‌شعراء»(اردو)مینویسد که آزاد در۱۱۵۲ه وارد اورنك‌آبادشد وهفت‌سال را درتکیه باباشاه مسافر بسربرد و رویهمرفته چهل‌وهشت سال از عمر خود را دردکن‌بسربردوهمانجافوت‌کرده ودرخلد آبادمدفون گشت(ر.ك.«چمنستان شعراء»چاپ انجمن ترقی اردو، ص ٤)

۲ـ ر.ك. سخنوران بلند فکر تحت‌نام«آزاد».

۳ـ ر.ك. نسخه«بحرذخار» متعلق به‌موزه بریتانیاس۳۱۵ که در فهرست ریو ج۳ ص۹۷۶ب ذکر شده وریو درباره اینمطلب درج ۱ص۳۷۳ب اشاره کرده است .

٤ ـ مراد «یدبیضا» تذکرهٔمورد بحث است.

پیش [1] درخدمت شاه‌آفرین‌لاهوری استادخود در لاهور دیده‌بود وهنگامیکه بقصد زیارت حرمین دراواخررجب (۱۱۷۵ ه) به‌اورنگ آباد رسید چندین‌بار بخدمت آزاد رسیداماچون (حاکم) عزم مسافرت بحجاز داشت بیش از سه چهار روز در اورنگ آباد توقف ننمود وسپس چون‌در ۱۵ جمادی‌الاول بعدازحج باورنگ‌آباد مراجعت‌نمود مکرربخدمت آزاد میرسید [2] .

سپس مینویسد که همه‌اعضای‌خانواده آزاداهل فضل وکمال بوده‌اند وآزاد دیوانی داردبعربی که من‌ازفهم‌آن قاصرم. غزلیات فارسی‌وی‌خیلی‌شیرین‌است . تذکره‌های یدبیضا،خزانه‌عامره [3] بی‌تصنع (است) وازبسیاری‌ازتذکره‌های‌دیگر-گوی سبقت برده . بااین‌همه‌علم وفضل هیچ غرور و تکبرندارد. بامردم باکمال تواضع وگشاده‌پیشانی رفتار میکند وغرباوفقرارامرهـون احسان‌خود میسازد . چند نسخه ازتذکره‌خودبمن ونورالعین واقف‌لطف کرده‌است وازمامرتب پذیرائی کرده ومارا ممنون ومرهون مروت وحسن اخلاق خود میگرداند. تاسال تحریر (مردم دیده) که یکهزارویکصدوهفتادوپنج‌هجریست درهمین‌شهر (اورنگ‌آباد) بخوبی وخوشی میگذراند وجمیع‌اکابراعم‌ازصوبه‌دار(استاندار) ومرتبه‌داران‌دیگر وعموم مردم همه معتقد کمال واخلاق این‌عزیزبزرگ‌میباشند [4] .

هیگ درکتاب «آثارمهم تاریخی دکن » (انگلیسی) در صفحه ۵۸ در باره معروفیت‌آزاد بعدازمرگ اوچنین‌مینویسد : « صیت وشهرت علم وفضل این شاعر (آزاد) باندازه ‌یست که‌والدین‌بچه‌های‌خود را بمزاروی میبرند تا آنها دانه‌ای

۱ـ حاکم آزادرا در۱۱۴۷ ه موقعیکه او ازسیوستان بطرف دهلی‌میرفت وچندی درلاهورتوقف‌نموده بوددیده‌است (ر. ك .مسافرت دوم مؤلف‌درسطورقبل)

۲ـ ر.ك. «مردم دیده» ص۳۴

۳ـ ازاین معلوم میشودکه حاکم‌خزانه‌عامره تألیف ۱۱۷۶ه را قبل از اتمام آن در ۱۱۷۵ه دیده بود.

۴ـ ر.ك. مردم‌دیده ص ۳۴ـ۳۵.

قندرابالبهای خود ازقبر بردارند ودر نتیجه‌هم‌صاحب‌ذوق‌علم شوند وهم‌صاحب‌توفیق واستعدادبرای تحصیل آن »[1].

همچنین ولیام چمبرز[2] درباره «خزانه عامره» مقاله‌ای بزبان انگلیسی در «آسیاتیك میسلانی» نوشته‌است که‌ترجمه‌قسمتی ازآن بقرارزیراست :

«مؤلف (یعنی آزاد) .... امروز در اورنگ‌آباد دکن‌درقید حیات‌استوآنجا بعدازچندین‌سال که درمشاغل ادبی ومسافرتهائی‌بنقاط دور ودراز گذرانده‌با کمال احترام وتااندازه‌ای باشان وشکوه زندگی میکند وسن‌وی بهشتادوپنج‌رسیده‌است. نظام‌جدید (حیدرآباد دکن) دو بارشخصاً برای ملاقات وی بآن شهر آمده است اینجانب نسخه‌ای از نامه‌ای دارم که غازی‌الدین معروف بنام‌وی (آزاد) بسال ۱۷۷۵م (= ۱۲۰۰ ه) نوشته است وطی آن نامه‌عالی‌ترین مراتب احترام را بآزاد تقدیم داشته است . کتاب مورد بحث (خزانه عامره) راوی درآنجا بسن شصت ویك‌سالگی تألیف نموده‌است . غیر ازاین کتاب، وی چندین کتاب دیگر رابه نثر ونظم نوشته‌است‌ازجمله چنانکه خودش به غازی‌الدین طی جواب‌نامه فوق مینویسد عده اشعار عربی‌وی‌به چهارهزار بیت‌واشعار فارسی به‌هشت هزار بیت‌بالغ‌میشود وهمچنین درآن‌نامه‌اعتراف‌میکند که‌وی‌به‌تعدادهردونوع شعر (عربی‌وفارسی) دائماً میافزاید درحالیکه سن وی درآنوقت از هفتادسال تجاوز کرده‌بود.

۱– اصل عبارت‌بانگلیسی بقرار زیراست :

"The fame of the poet' s learning is such that parents take their children to his shrine in order that they may by picking up with their lips a piece of sugar from the tomb obtain both a taste for knowledge and the ability to acquire it ."
(Historical Landmarks of the Deccan – T . W . Haig – Allahabad,1907).

۲– William Chambers

«اما مؤلفات تاریخی وی (مثلا بیوگرافی های نوابان و امرا وغیره که در خزانه عامره آمده است) برای خوانندگان اروپائی جزو نادرترین و باارزش ترین آثار وی میباشند و نیز دارای این مزیت خاصی هستند که وی اکثر وقایعی را که بیان میکند بچشم خود دیده است وخودش بکشورهائیکه صحنه این وقایع بوده مسافرت کرده است ودرموقع مطالعه این اقتباسات که باعجله وبدون تعمق گل چینی شده است مراتب فوق را باید مخصوصاً در نظر داشت چون این اقتباسات بعضی جریانات را روشن میسازد که انگلیسها و فرانسویها هردو با آن مربوط هستند و بیانات هردوشان راجع باین جریانات در بعضی موارد از هم تفاوت داشته است»[1].

اما ابوطالب خان تبریزی اصفهانی مؤلف «خلاصة الافکار» تنها تذکره نویسی است که بر آزاد تاخته و وی را بباد انتقاد کشیده است وحتی او را مورد تمسخر قرار داده است . وی در تذکره خود درذیل نام خاقانی بر فضل ودانش آزاد مخصوصاً (وبرسایر فارسی دانان هندوپاکستان عموماً) انتقاد کرده است و در ذیل حکایتی راجع به بیت زیر خاقانی که بخاقان نوشته بود .

وشقی ده که در برم گیرم　　　　یاوشاقی که در برش گیرم

(وشق بمعنی پوستین ووشاق بضم اول غلام امرد را گویند)وخاقان متغیر گشته که چرا هردورا نخواسته وخاقانی مگس را پروبال کنده نزد خاقان فرستاد که گناه من نیست گناه اینست یعنی من «با وشاقی » نوشته بودم امامگس فضله انداخته «با» را «یا» ساخت. در اینجا مؤلف خلاصة الافکار مینویسد : «میرغلامعلی آزاد بلگرامی دراین مقام اظهار تعجب میکند که چرا خاقان از جهت غلام امرد خواستن نرنجید. مؤلف گوید این شبه بسبب کم تتبعی از اوضاع مردم ولایت (ایران) وی را رو داده چه درزمان قدیم کنیز وغلام خود جزو خلعت و مرحمت دستور بوده والی الان هم اعزه تمام ولایتها باسلاطین و امرای خود بشرط اتحاد

۱ـ ر.ك. آسیاتیك میسلانی ج ۱ـ کلکته ۱۷۸۵م صفحات ۷ـ ۴۹۶ .
Asiatick Miscellany - vol i - Calcutta,1785,pp.496 -7.

بی تکلفانه زندگی میکنند وازعاداتی که متأخرین تیموریه درهند رواج داده‌اند که سایر خلق سلوك عبدیت، بااکابر نمایند بغایت دوراند و حق اینست که بسیار قبیح‌است که درمواضع خاص اکابرازمتوسلان خویش ادب عامیانه توقع کنند»

سپس ابوطالب مینویسد :

« و ایضاً (آزاد) مقالات هزلیه را سبك پنداشته ومضمون این بیت کلیم را میستاید :

گرهجو نیست درسخن‌من‌عجب‌مدار حیف آیدم که زهر در آب بقا کنم

غافل ازاینکه هجوحربه وواسطه عزت‌شاعراست چنانکه آلت شمشیر باعث هیبت سپاهی (سرباز) است ودلیل‌لطف وقوت طبع‌اوست [1] - اعاظم شعرای‌سلف‌عدم آنرا باتفاق نقص‌میدانستند ومتأخرین بسبب عجز طبیعت عذری پیدا ساخته».

وسپس‌مینویسد:

« ونیز عجیب‌ترازاین هردو اینکه ازامثال‌این تشبیهات که دراین‌اشعارواقع شده ودواوین استادان ازآن‌پراست دبقبح‌آن گاهی(هیچوقت) شنیده نشده‌بودچون این‌شعروحید :

شاعران‌جان ازبرای شعرفهمان میکنند دخترهرکس‌وجیه‌افتاد مفت‌شوهراست

بزیربار توسعدی جوخربگل مانده‌است

واین‌مصراع‌عرفی:خون حیض‌دخترزجوشدازلبهای‌من.

واین ابیات حکیم مسطور :

چون هما اندك خور و کم شهوتم دانند ومن

چون خروس دانه چین زانی شهوت پرورم

گر ز مردی دم زنم ای شیر مردان‌مشنوید

زانکه چون‌خرکوش گاهی‌ماده و گاهی‌نرم

۱- همچنین مؤلف «خلاصة‌الافکار» درباره هزل درذیل‌فوق‌الدین یزدی‌مینویسد : «هزل‌بهریکی‌ازفنون عشره شعربلکه‌اصعب طرق ومحك‌امتحان‌قوت‌طبع‌شاعراست».

۶ـ **شجره طیبه** درشجره‌هاوشرح‌زندگانی‌شیوخ‌بلگرام ـ برای **نسخ** رجوع شودبه‌آصفیه‌ج۱ص۳۲۲ش۳۵وج۲س۱۷۷۸ش۲۱۴.

۷ـ روضة الاولیاـ تألیف۱۱۶۱ه مشتمل‌برشرح‌حالده عارف **صوفی**است که درخلدآبادیاروضه‌نزدیک‌دولت‌آباددفن‌هستندبا«الغریب‌الهنسوی»شروع‌شده‌با«آزاد» (**مؤلف**) تمام‌میشود. برای‌نسخ رجوع شود به‌آصفیه ج۱ ص۳۲۰ وج۳ ص۱۶۴ واته ۶۵۵ **چاپ** اورنگ‌آباد ۱۳۱۰ ه.

۸ ـ مآثرالکرام (فی) تاریخ‌بلگرام ـ در۱۱۶۶ ه تمام شد وشامل‌دوفصل است.فصل‌اول شامل‌ذکر هشت‌نفراز «فقرای»بلگرام واطراف‌آن وفصل‌دوم‌شامل ذکرهفتادنفر از«فضلای» بلگرام واطراف‌آن‌است ـ برای‌نسخ رجوع‌شودبه‌آصفیه ج۱ ص۳۴۸ ش ۱۰۵ واته ۶۸۲ (که مؤلف به‌ریچارد جانسن در۱۷۸۵ م فرستاده بود) وریورج ۳ ص۹۷۱ الف وبانکی‌پور ج۸ ش ۷۲۳ وبرلن ۶۰۳ (تنها فصل دوم دارد ـ فهرست اسامی‌این‌فصل درفهرست‌برلن‌آمده‌است، رجوع‌شودبه ص۸ـ۵۶۷). **چاپ** حیدرآباد ۱۹۱۰ م بامقدمه مولوی عبدالحق.

۹ ـ یدبیضا ـ تذکره موردبحث

۱۰ ـ سروآزاد ـ تذکره دیگرمؤلف (۱۱۶۶ه)

۱۱ ـ خزانه عامره ـ تذکره‌سوم شاعر (۱۱۷۶ه)

انتقاد بر آثارفارسی آزاد

۱ ـ **شرایف‌عثمانی** تألیف‌غلام‌حسین‌صدیقی‌بلگرامی که‌مؤلف‌آن برای‌اصلاح «اشتباهات» مآثرالکرام وسرو آزاد نوشته‌است ـ برای نسخ رجوع‌شود به ایوانو ۲۷۷ واندیاآفس ۳۹۰۳ وآصفیه ج۲ص۱۶۴.

۲ ـ **تحقیق السداد فی‌مزلات الازاد** تألیف محمدصدیق سخنور عثمانی بلگرامی که در۱۱۶۷ ه تألیف شدوطی‌آن مؤلف برمآثرالکرام وسروآزاد انتقاد کرده ونیز سبک وشعرآزاد راباد انتقادگرفته است ـ برای نسخه‌آن رجوع‌شود به ایوانو ۳۹۷.

درجواب این کتاب عبدالقادر سمرقندی دهلوی کتابی بنام «تأدیب الزندیق فی تکذیب الصدیق» نوشته است - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۸.

(ب) آثار عربی مولف

۱ - **ضوءالدراری** - تفسیر صحیح بخاری تا آخر کتاب الزکاة (رجوع شود بسبحة المرجان ص۱۲۲) نسخه این کتاب امروز در هیچ کتابخانه پیدا نیست.

۲ - **سبحة المرجان فی آثار هندوستان** - در ۱۱۷۷ه تألیف کرد شامل چهار فصل: **فصل اول**[1] در اشاراتی که در قرآن وحدیث رسول درباره هندوستان آمده است و **فصل دوم**[2] فی تراجم العلما و غیره و **فصل سوم** فی محسنات الکلام و **فصل چهارم** فی بیان المعشوقات والعشاق در پنج مقاله - برای نسخ رجوع شود بمانچستر فهرست عربی ۳۹۲ و مدرسه کلکته ص۶۷ ش۸۸ وریو ج۳ ص ۱۰۲۲ ب و ۱۰۵۵ ب (بعضی قسمتهای کتاب)- **چاپ** بمبئی ۱۳۰۳ ه.

۳ - **دیوان**[3] - درسبحة المرجان درذیل آثار خود که درص۳-۱۲۲ آورده است آزاد دو دیوان عربی را که شامل سه هزار بیت بوده ذکر کرده است. بقول شمس الله قادری مؤلف قاموس العلوم (اردو) این دیوان متجاوز از سه هزار بیت دارد و در ۱۳۰۰ه در حیدرآباد درچهار جلد چاپ شده است - درفهرست آصفیه دو نسخه خطی ویك چاپی «هرسه حصه» (جزو) دیوان ذکر شده اما سال ومحل چاپ ذکر نشده است.

سارکیس[4] دیوانهای زیر آزاد را ذکر کرده است.

۱- این کتاب سابقاً بطورمستقلی بنام شمامة العنبر فی الهند من سیدالبشر تألیف شده بود - برای نسخ ر.ك. آصفیه ج۳ ص۲۵۸ ش۸۵۳ و۸۵۷ و۸۵۹.

۲- فصل اول و دوم این کتاب را سیدشمس الدین بن شاه وارث علی حسنی الحسینی بنارسی درسال ۱۲۸۶ه بفرمایش راجا بنارس مهاراج ایساری (ایشوری) پرشاد در زمانیکه مترجم در خدمت راجای مزبور بوده بزبان فارسی ترجمه کرده است.

۳- آزاد درخزانه عامره (ص۱۲۵) مینویسد که دیوان عربی وی سه هزار بیت دارد واینکه «دیوان فقیر (مؤلف) درحرمین شریفین وبلاد یمن ومصر مشهور است».

۴ - ر.ك. Dictionaire encyclopedique de bibliographie arabe –Sarkis.

۱ ـ **الدیوان الاول** که در ۱۱۸۷ ه باتمام رسید و در کنز العلوم پر[س]
حیدرآباد چاپ شد .

۲ـ **الدیوان الثانی**[1] درلوح‌محفوظ پرس حیدرآباد دکن چاپ شد .

۳ ـ **الدیوان الثالث** در کنزالعلوم‌پرس‌حیدرآباددکن چاپ‌شد .

همچنین‌دیوانی‌بنام «السبعةالسیاره»رامؤلف در۱۱۷۶ آغاز ودر۱۱۹۴ه‌باتما[م]
رسانیده‌است ـ نسخه‌آن‌بخط‌مؤلف در کتابخانه‌نواب‌نورالحسن‌لکهنمو موجود است.
بقول سیدمقبول احمد صمدانی مؤلف حیات‌جلیل (ج۲ ص۱۷۵ یادداشت
ش ۱۳۹) منتخبات این هفت دیوان بنام «مختار دیوان آزاد» درآسی پرس لکه[نو]
در ۱۳۲۸ ه چاپ شده‌است .

دیوان تاسع و عاشر (نهم‌ودهم) آزاد ـ درذخیره‌سبحن‌اله‌درعلیگره(ص۱۲۶)
موجود است .

درفهرست علیگره (سبحن‌انه‌ص۱۲۶) وآصفیه ج۱ ص۶۹۶ ورامپور فهرس[ت]
عربی ج۱ ص۵۸۶ تنها«دیوان‌آزاد» بلگرامی ذکرشده‌است .

٤ ـ **مظهر البرکـات** ـ مثنوی در هفت دفتر ـ اول‌آن در۱۱۹٤ ه تما[م]
شد و دوم و سوم وچهارم‌آن در۱۱۹۵ ه تمام‌شد وبقیه‌آن تاریخ‌ندارد ـ نسخه آن
بخط‌مؤلف درآصفیه‌موجوداست (رجوع‌شودبه‌قاموس العلوم ستون ۳۶) ونیز برای
نسخ رجوع‌شودبه‌مانچستر فهرست عربی ٤۸۱ الف وپرنستن‌فهرست‌عربی(۱۹۰۸م)

۵ـ**شفاءالعلیل فی اصلاح کلام ابی‌الطیب‌المتنبی**ـ نسخه‌آن‌در کتابخان[ه]
سیدعلی حسین‌بلگرامی‌درحیدرآباد دکن‌موجوداست رجوع‌شودبه‌نذیراحمدمجله
انجمن‌آسیائی سال۱۹۱۸ ص۱۲۳ (cxxiii) .

۶ ـ **شکول** ـ برای نسخ خطی رجوع‌شود به آصفیه ج۳ ص٦٤۲ ش۲٤۲
(اساساً بخط مؤلف) و ش۲۶۱ .

۱ـ نسخه‌ای چاپی‌آن درعلیگره موجوداست ر.ك.ذخیره‌سبحن‌اله کتب‌چاپی‌ص۲۵
وآنجاسال چاپ۱۲۸۷ه ذکرشده است .

دراین تذکره آمده‌است ازشعرای متأخرین بودند و اکثرشان معروف نبودند.
سبك انشای مؤلف غالباً ساده‌است اما گاهی کلمات عربی را بکار برده‌است.

نسخ خطی

۱ ـ اشپرنگر ش۱۳.
۲ ـ بانکی‌پور ج۸ ش۱۲۶ (قسمتی بخط مؤلف).
۳ ـ اندیا آفس ۳۹۶۶ (ب) [۳] (۱۱۸۷ ﻫ).
۴ ـ آصفیه ج۳ ص ۱۶۲ ش۱۸۶ و ش ۱۵۵ (تذکره «صبح خندان» یعنی «ید بیضا»).
۵ ـ کتابخانه‌شخصی آقای محمد ابراهیم در گرهی یاسین (سند) پاکستان غربی.

برای **شرح حال آزاد بلگرامی** - رجوع شود به ید بیضا (۱۱۴۸ ﻫ) و روضة الاولیاء (۱۱۶۱ ﻫ) و مآثر الکرام (۱۱۶۶ ﻫ) وسرو آزاد (۱۱۶۶ ﻫ) وخزانه عامره (۱۱۷۶ ﻫ) و سبحة المرجان (۱۱۸۷ ﻫ) و جمع النفایس آرزو و مردم دیده حاکم لاهوری ص۳۴-۳۵ و ریاض الشعرا وسفینه خوشگو و گل رعنا و چمنستان شعرا (اردو) وصحف ابراهیم ش۱۹۹ و خلاصة الافکار ش۴۱ و آرایش محفل و نتایج الافکار و بلاند مجله انجمن سلطنتی آسیائی بنگال ج۹ مورخ ۱۸۴۸م ص۳ - ۱۵۰ و گارسن دتاسی ج۱ ص ۲۵۹ - ۲۶۰ و آسیاتیك مسیلانی (انگلیسی) ج۱ س۸ - ۴۹۷ و آثار مهم تاریخی دکن (انگلیسی) تألیف هیگ چاپ اله آباد س۵۸ و حدایق الحنفیه (اردو) تألیف مقبول احمد صمدانی چاپ اله آباد ۱۹۳۹ م ج۲ ص۷۷ ـ ۱۶۳ و قاموس العلوم (اردو) تألیف شمس اله قادری قسمت اول چاپ حیدر آباد ۱۹۳۵م ستونهای ۳۲ـ۳۵ وفهرست دانشگاه بمبئی ۲۰۰ ـ ۲۰۳ و آزاد بلگرامی (مقاله بانگلیسی) ازسید وجاهت حسن (که در مجله انجمن سلطنتی آسیائی بنگال سلسله سوم (مکتوبات) ج۲ سال ۱۹۳۶م ص ۳۰ ـ ۱۱۹ چاپ شده‌است) وبروکمان ذیل - ج۲ ص ۶۰۰ ـ ۶۶۱ ومحبوب الزمن تذکره شعرای دکن (اردو) حصه (جزو) اول ص۶۴-۴۵۴ تألیف مولوی ابوتراب محمد عبدالجبار

(۳) این نسخه درفهرست اته ذکر نشده‌است ر.ك. استوری ج۱ ق۱ ص xvi.

و « هفت گلشن » مشتمل برذکر شعرائی از قرن پنجم تا یازدهم (هر گلشن برای یك قرن) ویك « حدیقه » یاخاتمه درذکر شعرای معاصر از قرن دوازدهم.

نسخه خطی - رجوع شود به اته‌ش ٦٧٦ (ناقص الاخر است و تنها تا گلشن سوم دارد - گلشن اول ودوم دراین نسخه جدا نشده ومشتملست برذکر شعرای قرن ٥ و ٦ ازعنصری، تاجمال‌الدین عبدالرزاق و گلشن سوم مشتملست برشعرای قرن ۷ از کمال الدین خلاق المعانی شروع شده و دفعة باجمال‌الدین تمام میشود - این نسخه تنها برگهای ۳۲ تا ۷۱ دارد صفحه‌ای ۱۷ سطر و ٤ سطر درحاشیه).

شرح حال مولف : درهیچ کتاب دیده نشده است .

فهرست اسامی شعرا : درهیچ کتاب ذکر نشده است .

گلدسته

ابتدا : بسم‌الله الرحمن الرحیم وبه نستعین من کعبه عرفان انتخاب عرفات العارفین (العاشقین) تصنیف میرتقی الدین حسینی دقاقی بلیانی که به موجب حکم نورالدین محمد جهانگیر پادشاه تذکرة‌الشعرا بقلم آورده » .

انتخاب کننده

اسم انتخاب کننده این کتاب عبدالوهاب عالمگیری است و اسم پدرش سید منصورخان است. عبدالوهاب نوه سید دلاورخان و نبیره غیاث‌الدین خان بن جملة‌الملك اسلام‌خان مشهدی است .

تبصره بر کتاب

اوحدی بعداز ترتیب تذکره عرفات العاشقین خلاصه‌ای ازآن تذکره بنام « کعبه عرفان » ساخت وسپس بموجب امر جهانگیرشاه خلاصه کعبه عرفان را بنام « انتخاب کعبه عرفان » ترتیب داد وآنرا بسه رکن قسمت کرد : حنانی ومنانی ودیانی

که بترتیب‌شامل ذکرشعرای‌متقدم ومتوسط ومتأخر بود .

گلدسته مجموعه‌ایست منتخب از« انتخاب کعبه عرفان » که عبدالوهاب عالمگیری بسال ۱۱۵۵ ه ترتیب داده است و اسامی شعرا را به ترتیب الفبا آورده است.

ا ن کتاب با..؟.. شروع شده بامیرزا یوسف‌خان تمام میشود.

مؤلف در آخر کتاب شرح حال مختصری از خیام با مجموعه بعضی رباعیات او بترتیب الفبا (غیراز رباعی اول)آورده است.

سپس مجموعه اشعاری تحت عنوان موضوع‌های مختلف آورده است. این عنوانها نیز بترتیب الفبا است.

نسخه خطی : بانکی پور ج ۸ ش ۶۹۲ (قرن ۱۸ میلادی)

برای **شرح‌حال** عبدالوهاب عالمگیری رجوع شود به‌گلدسته و استوری ج ۱ ص ۸۱۱

فهرست اسامی‌شعرا: درهیچ کتاب ذکر نشده است.

بهارستان سخن

ابتدا

« طراوت بهارستان سخن بآبیاری ستایش حرف آفرینی است که عندلیب ناطقه رابه ترانه خوش نوائی سخن مترنم ساخت ونضارت بستان سرای کلام به ثنای فصیح بیانیست که گلبانگ کلمات معجز سمات وی حدایق مسامع گوش مستمعان هدایت توامان را بثمرات‌سعادت انباشت.»

شرح حال مولف

اسم مولف این کتاب میرعبدالرزاق ملقب به‌صمصام الدوله است. اصلش از

خواف است وجد بزرگش میر کمال‌الدین در زمان اکبر شاه(٩٦٣-١٠١٤ﻫ) بهند آمد و درسلك ملازمین وی منسلك شد.

پسرش میرك حسین در زمان جهانگیر شاه(١٠١٤ - ١٠٣٧ﻫ) در خدمت درگاه سلطانی بود و پسر میرك حسین بنام میرك معین‌الدین ملقب به امانت خان درزمان شاه‌جهان (١٠٣٧ - ١٠٦٨ﻫ) به‌منصب عالی مفتخر بود ودرزمان اورنگ زیب‌عالمگیر(١٠٦٨ - ١١١٩ ﻫ) بدیوانی‌لاهوروملتان وکابل و کشمیرسرافرازی داشت و هنگامیکه شاهزاده عالم بصوبه داری (استانداری) ملتان منصوب شد امانت خان علاوه برسمت دیوانی نیابت صوبه‌داری را هم داشت و در زمانی که پادشاه درهندبود صوبه‌داری دکن به‌جان‌جهان کوکلتاش‌ودیوانی‌دکن‌وبخشیگری ووقایع نگاری به‌امانت خان مرحمت شد .

از جمله پسران امانت خان چهار نفر بمراتب عالی‌رسیدند.

میرعبدالقادر دیانت‌خان‌ومیرحسین امانت‌خان ومیرعبدالرحمن‌وزارت‌خان متخلص بگرامی و کاظم‌خان .

وزارت خان گرامی سمت دیوانی‌بیجاپور راداشت وشعرهم میگفت وصاحب یك دیوان اشعار بود وکاظم‌خان سمت دیوانی ملتان‌را داشت .

میرحسین علی‌پسر کاظم خان مذکور پدر صمصام الدوله شاهنوازخان بود. وی بسن بیست سالگی فوت کرد . از طرف مادر نسب صمصام الدوله به‌میرحسین‌امانت‌خان‌فوق‌میرسد.

میرعبدالرزاق بروز ٢٩ رمضان سنه١١١٨ ﻫ درلاهور متولد شدوچون اکثر نزدیکان وی در اورنگ‌آباد بودند وی‌هم‌دراوایل ایام جوانی باورنگ‌آبادمنتقل شد وازپیشگاه نواب آصفجاه (١١٢٢-١١٦١ﻫ) بمنصبی سرافراز شد.وچندی‌بعد بدیوان پادشاهی صوبه (استان) برار مأمورشد ومدتی آن سمت‌رابدست داشت . و هنگامی که درسال ١١٥٠ﻫ محمدشاه‌پادشاه‌هند(١١٣١ - ١١٦١) آصف جاه را بحضور خودطلب کرد نواب آصف جاه پسر خود نواب نظام‌الدوله ناصر جنگ

را به‌نیابت حکومت دکن مامور ساخت و خودش عـازم دارالخـلافه دهلی شد.
نظام‌الدوله از خدمات صمصام خیلی راضی بود و دیری نگذشت که وی‌را بدیوان
سرکار خودودیوانی پادشاهی برارهر دو مفتخر کرد.

چون آصف‌جاه در۱۱۶۱ه فوت کرد نواب نظام‌الدوله برمسند پدر نشست و
نواب صمصام الدوله را از برار طلبیده مثل‌سابق بدیوانی سرکار خود مأمور ساخت
وچون نظام‌الدوله (۱۱۶۱ ـ ۱۱۶۴ه) رااحمد شاه (۱۱۶۱ـ۱۱۶۷ه) بشاهجهان ـ
آباد (دهلی) احضار نمود وی نواب صمصام الدوله را بدکن گذاشت و در موقع
وداع انگشتری خود را باو داد.

بعد ازشهادت نظام‌الدوله درسنه ۱۱۶۴ ه مظفر جنگ جانشین وی شد ولی
اونیز بعد از دوماه نزدیك شهر کرپه بقتل رسید ومسند ریاست‌بنواب امیرالممالك
صلابت جنگ رسید که پسرسوم نواب آصف‌جاه اول‌بود.

لشکر وی ازنواحی کرپه بشهر کرنول رسید.

نواب وصمصام الدوله تاآنشهر بهمراهی لشکررفت وچون به کرنول‌رسید
ازلشکر جداشده باورنگ‌آبادرفت وچندی‌بخانه‌خود نشسته ودرنهم رجب۱۱۶۵ه
درحضور نواب امیر الممالك صلابت جنگ (۱۱۶۴ـ۱۱۷۵ه)درحیدرآباد رسیده
بصوبه‌داری (استانداری) حیدرآباد منصوب‌شد اما چندی بعدازآن سمت معزول
شده باورنگ‌آباد مراجعت نمود وآنجا منزوی گشت.

هنگامیکه در۱۴ صفر۶۷ ۱ ه صلابت جنگ امیرالممالك باورنگ آباد
رفت وی صمصام الدوله‌را بحضور خود طلب کرده و او را خلعت وکالت مطلق
ومنصب هفت هزاری سوار ولقب صمصام الدوله عطا فومود و صمصام‌الدوله مدت
چهار سال بمنصب وکالت مطلق مأمور بود وکارهای مربـوطه‌را بنحواحسن انجام
میداد.

دیر نگت که صمصام‌الدوله لشکر نواب صلابت جنگ امیرالممالك‌را
برای‌تنبیه‌و گوشمالی رگهوجی‌بهونسله جانب‌برار برده و رگهوجی بوررا گوشمالی

داده وپنج‌لك روپیه (پانصدهزار روپیه) ازوی بعنوان پیشکش گرفته کامران و کامروا بر گشت.

سپس صمصام الدوله برای‌سر کوبی سریاراو زمیندار نرمل که‌یاغی‌شده‌بود رفت واورا دست گیر کرده ناحیه‌وی‌را به‌سرکار صلابت جنگ منضم‌ساخت. این هردوخدمت مذکوررا وی درسال اول دوره وکالت‌خود انجام‌داد.

همچنین درسال دوم وکالت خود درسنه۱۱۶۸ه وی نـواب صلابت جنگ امیرالممالك مزبوررا بملك میسور برده و ازراجای میسور پنجاه‌لك(پنج‌میلیون روپیه) بعنوان پیشکش گرفته بحیدرآباد معاودت‌نمود.

درهمان اوان عالمگیر ثانی (۱۱۶۷–۱۱۷۳ه) برای نواب صمصام‌الدوله «ماهی‌ومراتب» فرستاد و شخصی‌بمناسبت این واقعه این مصرع تاریخ گفت:ازشاه هندآمد ماهی وهم مراتب.

درسال سوم دوره وکالت‌صمصام‌الدوله درسال ۱۱۶۹ ه. بکمك بالاجی‌راؤ که شهر سانور را محاصره نموده بود شتافت چون افاغنه شهرمزبور چندین دفعه ازحصار بیرون آمده ومردم‌مورچال‌رازده‌بودند وبالاجی‌بستوه‌آمده ازصمصام‌الدوله کمك خواسته بود. صمصام‌الدوله صلابت جنگ‌را بکمك بالاجی برد و افاغنه‌را گوشمالی داد.سپس بفکر برانداختن نصاری فراسیس افتاد.

مخفی نماند که چون نواب نظام‌الدوله ناصرجنگ بـرای جنگ بملك ارکات رفت‌مظفرجنگ باکمك فراسیس پهولجری جنگ کرده‌وبالاخره شکست خورد و فراسیس پهولجری فرار کرده و مظفر جنك بدست ناصرجنك افتاد.

فراسیس باکمك افاغنه لوای سرکشی افراشت ونواب‌نظام‌الدوله‌را درسال ۱۱۶٤ه بقتل رسانید ومظفرجنك همشیره‌زاده ناصر جنك رابسرداری خودانتخاب نمودند. بعدازشهادت‌نظام‌الدوله فراسیس ازبنادر خود پابیرون نهاده‌وملك ارکات‌را بتصرف خود درآورد. بالاخره مظفر جنگ فراسیس مزبوررا بخدمت و ملازمت خود درآورد ورفیق و ندیم خود ساخت.

امر مشکلی نبود ولی همین موضوع کوچك که صمصام الدوله بآن هیچ اعتنائی نمیکرد برای وی خیلی گران تمام شد.

در ۲ ذوالقعده ۱۱۷۰ه لشکریها نواب امیر الامراء شجاع الملك پسر محمد شریف خان بسالت جنگ، پسر پنجم نواب آصفجاه را ازمنزلش بیرون آورده و وی را پیش نواب امیر الممالك بردند و خلعت و کالت مطلق برای شجاع الملك گرفته حکم معزولی نواب صمصام الدوله را نیز از وی گرفتند.

مردم دراثر خشم و غضب میخواستند برمنزل صمصام الدوله حمله کرده آنرا بغارت برند و صمصام الدوله قبل از وقت ازاین خطر باخبر شده در نصف شب اثاثه لازم را برفیلها بار نموده و عازم قلعه دولت آباد گردید و درهشتم ذوالقعده ۱۱۷۰ه آنجا رسید. بعداز حرکت وی مردم به منزل او حمله کرده بقیه اثاثه وی را بتاراج بردند و اکثر اموال وی بدست دولت افتاد.

چندی بعد لشکری ازطرف سرکار (دولت حیدرآباد) به قلعه دولت آباد اعزام شد و قلعه مزبور را محاصره نموده با مردم آن جنگ کرد. در آن ایام غلام علی آزاد مولف «سرو آزاد» و «خزانه عامره» نیز جزو ملتزمین رکاب نواب صمصام الدوله بود و جهت صلح و آشتی بین صمصام الدوله و نواب شجاع الملك تلاش و کوشش بسیار می نمود و در نتیجه مساعی آزاد و رفقای دیگر صمصام الدوله از محاصره قلعه دست کشیدند اما هنوز بشرایط مصالحت بین طرفین توافق کامل بوجود نیامده بود که نواب نظام الدوله ثانی پسر بسالت جنگ ناظم صوبه برار از یلچپور باورنگ آباد آمد و نواب امیر الممالك وی را بمنصب ولیعهدی خود انتخاب نموده ولقب نظام الملك آصفجاه (ثانی) بوی اعطا کرد.

نواب آصفجاه ثانی آزاد بلگرامی را به حضور خود طلب کرد و او را برای استمالت نواب صمصام الدوله بقلعه دولت آباد فرستاد و آزاد بالاخره موفق شد صمصام الدوله را برای حضور درخدمت نواب آصفجاه ثانی راضی کند و نواب مزبور نیز سرداران عمده خود را برای استقبال وی فرستاد. صمصام الدوله درغره ربیع الاول ۱۱۷۱ه از قلعه

آثار مولف

۱ـ بهارستان سخن ـ تذکره مورد بحث.

۲ـ مآثرالامراء ـ که دراحوال امراء وسلاطین تیموری هند است وصمصام الدوله آنرا بدقت جمع آوری نموده وازحیث تاریخ دارای اهمیت زیادی میباشد (این کتاب درسه مجلد از طرف انجمن آسیائی بنگال باهتمام مولوی عبدالرحیم در کلکته بسال ۱۸۸۸ میلادی بطبع رسیده است).

۳ـ مجموعه رقعات ـ تمام منشآت صمصام الدوله جمع نشده است واکثر آن اردستبرد زمانه تلف شده وتنها چند بدست پسر مولف افتاده بودو بطور نمونه در کتاب بهارستان سخن درج یافته است.

٤ـ فوایدالفواید ـ محتوی برعقاید دینی ومسایل شرعی و آداب واخلاق است که مولف اسم آنرا درمقدمه بهارستان سخن ذکر نموده است.

تبصره بر کتاب

درمورد سبب تألیف این کتاب مؤلف درمقدمه کتاب چنین توضیح داده است که درهنگام جمع آوری کتابی بنام «فوایدالفواید» درعقاید دینی وغیره (رجوع شود به آثار مؤلف درسطور فوق) صمصام الدوله فصلی درجواز شعر نوشت واز آنجا که «سخن ازسخن می‌خیزد» درموقع نوشتن آن کتاب برخی متعلقات فن شعر مانند عروض و قافیه وصنایع شعر و بعضی متممات آن ازقبیل انشاء واملا وغیره احوال و بعضی شعرا مورد توجه ودقت قرار گرفت | چون این موضوع باموضوع کتاب فوق مختلف بودو بعضی رفقای مولف نیز اصرار داشتند که کتابی علیحده دراین موضوع برای استفاده دیگران بنویسد بنا براین مولف بتألیف این کتاب مبادرت ورزید وقبل ازاتمام کتاب فوق این کتاب (بهارستان سخن) راتمام کرده آنرا به «بهارستان سخن» موسوم ساخت.

ازتوضیحی که پسر مؤلف میرعبدالحی خان [1] دراین کتاب داده است معلوم میشود که درحین تسوید «فوایدالفواید» نواب صمصام الدوله درسنه ۱۱٦۰ هـ میخواست احوال چند نفر سخن سرایان را باین کتاب منضم سازد وبنابر این اسامی آنهارا

بر پشت این کتب یادداشت نمود ولی بعلت گرفتاری زیادی فرصت نکرد این فکر را عملی سازد و بنابراین میر عبدالحی پسر مؤلف در اثنای تکمیل کتاب «مآثر الامراء» به اتمام این کتاب هم همت گماشت و شرح احوال اشخاص مذکور را از کتب معتبره اقتباس نموده بصورت این کتاب در آورد و باوجود اینکه جمع و ترتیب این کتاب تا ۱۲٦۰ه طول کشید ولی چون اتمام آن در ۱۱۹۲ه بوقوع پیوست تاریخ اتمام آنرا چنین گفته است :

چون[1] این گلستان گشت صورت پذیر
کز و بشگفد خاطر جزو و کل

عجب محفلی رنگ و رونق گرفت
قران یافت در وی بهم جام و مل

بجستم ز دل سال اتمام او
بگفتا : بهار سخن کرد گل

(= ۱۱۹۲ه)

مؤلف اسم مآخذ را درمقدمه ذکر نکرده است ولی از محتویات کتاب معلوم میشود که وی از کتب زیر استفاده کرده است چنانکه اسامی آنرا درذیل شرح حال شعرا آورده است :

۱ ــ هفت اقلیم (رجوع شود به ذکر فردوسی ووطواط و نظام استرآبادی) .

۲ ــ نفحات الانس جامی (رجوع شود به ترجمه حال فردوسی وسنائی وخاقانی ونظامی واوحدی و کمال خجندی وقاسم انوار) .

۳ ــ تذکره دولتشاه (رجوع شود به شرح حال سنائی وانوری و کمال الدین اسمعیل و اوحدی اصفهانی و کاتبی و آذری اسفراینی) .

٤ ــ تاریخ گزیده حمدالله مستوفی (رجوع شود به شرح حال خاقانی)

۵ ــ شرح دیوان مرتضوی ازمیرحسین میبدی (رجوع شود به شرح حال انوری)

۱ ـ ظاهراً : چو

۶ ـ چهارمقاله (رجوع‌شودبه ذکرفردوسی وعمرخیام) .

۷ ـ رساله رباعیات خیام از احمدبن حسین رشیدی تبریزی (رجوع شود به ذکرخیام)

۸ ـ جواهرالاسرارآذری (رجوع شودبه ذکرخاقانی وامیرخسرو)

۹ ـ حبیب‌السیر (رجوع‌شودبه‌ذکرخاقانی وقاسم‌انوار ومیرشاهی‌سبزواری)

۱۰ ـ مجمل‌التواریخ (رجوع‌شودبه ذکرخاقانی)

۱۱ ـ صبح‌صادق (رجوع‌شودبه نظامی وسحابی‌استرآبادی)

۱۲ ـ بهارستان جامی (رجوع شود به ذکر کمالدین اصفانی وامیرشاهی سبزواری).

۱۳ ـ اخبارالاخبار عبدالحق‌دهلوی (رجوع شود به‌ذکرامیرخسرو)

۱۴ ـ تذکرة الاتقیا (رجوع‌شود به‌ذکرامیرخسرو) .

۱۵ ـ حاشیه نفحات محمد دهدار (رجوع‌شود به ذکرحافظ)

۱۶ ـ تاریخ فرشته (رجوع شود به‌ذکرآذری اسفراینی)

۱۷ ـ تحفه سامی (رجوع‌شود به‌ذکرهاتفی)

۱۸ ـ عالم‌آرای‌عباسی (رجوع‌شودبه ذکرملك‌قمی)

۱۹ ـ مرآت‌الخیال (رجوع شود به ذکر سحابی استر آبادی و قدسی و چندربهان برهمن

۲۰ ـ اکبرنامه شیخ‌ابوالفضل (رجوع شود به ذکر نظیری نیشابوری)

۲۱ ـ کلمات‌الشعراء (رجوع شود به ذکر چندربهان برهمن) .

این کتاب مشتمل‌است برمقدمه و دوازده فصل وخاتمه‌بترتیب‌زیر :

مقدمه ـ درسبب تألیف کتاب.

فصل‌اول ـ دربیان کلام منظوم واسناد شعرگوئی ازآیات واحادیث‌رسول و تاریخ ابتدای شعرگوئی عربی وفارسی (در۱۸ صفحه) .

فصل دوم ـ درعروض (در۱۷صفحه) .

[illegible]

جنبه تحقیق که مولف درمورد احوال‌شعرا بعمل آورده است نمیتوان زیاداهمیت برای این کتاب‌قایل شد.

شرح حال اکثرشعرارامولف مختصر ولی‌جامع آورده است ودرمورد اکثر شعرا سال ولادت ووفاتشان یاتنها سال وفات آنهاراذکر کرده است. تنهادر مورد شعرای‌زیر شرح‌حالشان‌را نسبتاً مفصل آورده است:

سلمان ساوجی و امیرشاهی سبزواری وهلالی استرآبادی وشاه‌طاهردکنی و کلیم و صائب وناصرعلی(هر کدام درسه‌صفحه) وفردوسی وفیضی(هر کدام‌درچهار صفحه)وکمال‌الدین‌اصفهانی‌ومولانا رومی وشاه‌نعمت‌الهولی وشیخ‌آذری اسفراینی و خانخانان (هر کدام درپنج‌صفحه)و حافظ (درشش صفحه)وآصفجاه نظام‌الملك (در ½ ۸ صفحه ـ که بیشتر حاوی مطالب تاریخی است از دوره حکومت وی در دکن)

رویهمرفته شرح‌حال حافظ و آصفجاه‌نظام‌الملك‌را مفصل‌ترازهمه آورده‌است درضمن‌احوال‌بعضی‌شعرا شرح‌حال دیگران‌را نقل کرده‌است‌مثلا:

در ذیل نام شاه‌نعمت‌الهولی شرح‌حال «اولاد و احفاد» او (ص۷ـ۳۵۵)

« هلالی « شکیب‌خان (ص۳۹۸ـ۴۰۰)

« قاسم‌خان‌جوینی « پدرنورجهان‌واسلاف‌واخلاف‌وی(۴۶۵-۴۷۲)

درضمن احوال شعرامؤلف روایات مختلف تذکره نویسان ومورخین‌را موردبحث و تحقیق‌قرار داده وچنانکه بعقیده وی اصح و معتبربوده بیان کرده است(رجوع شود به فردوسی ص۲۵۳ و سنائی ص ۲۵۶ و خاقانی ص ۲۶۶ ونظامی ص ۲۸۱و کمال‌الدین اسمعیل ص۲۸۸ و اوحدی‌اصفهانی‌ص۳۰۹وسلمان ساوجی ص ۳۳۲) .

اشعار بعضی از شعرای معروف‌را مختصر نقل کرده است و علت آنرا چنین بیان کرده است که چون اشعار این‌شاعر« درالسنهو افواه‌جاریست» بنابراین‌بنقل چند بیت ازوی اکتفا کرده است(رجوع شود به‌نام فردوسی‌ص۲۵۳).

تنها اشعارشعرای زیرانسبة مفصل آورده‌است:

عمرخیام (درسه‌صفحه ـ بیست رباعی) و طاهر وحید(در ½۳صفحه) وحافظ وکلیم ورفیع مشهدی (هر کدام در٤صفحه) وسعدی‌وعرفی (هر کدام در ½٤صفحه) وناصرعلی (در٦صفحه) وشوکت‌بخاری (در٨صفحه) وغنی کشمیری (در۱۰صفحه) وصائب‌وبیدل (هر کدام در۱۸صفحه).

رویهمرفته اشعار صائب‌وبیدل رامفصل‌تر ازهمه‌آورده است.

تنهادرذیل نام صائب درمورد کلیات وی(دریك صفحه) بحث کرده است و عقیده خودرا درمورد مقام وی درشاعری طی آن‌اظهار نموده است.

درذیل‌نام ملاشیدا هفت‌بیت‌محمدجان قدسی‌واعتراضات‌ملاشیدارا بامحاکمه ملامنیرلاهوری آورده‌است(ص٤٧٨ـ٤٨٢).

درذیل نام‌نواب دلاورخان‌نامه‌ای بعربی‌از وی بنام‌مولوی علی‌اصغرلکهنوی نقل کرده است که‌باموضوع‌تذکره مربوط نیست (ص٦٥٨ـ٦٦٠)

سبك مؤلف اکثرساده است ولی درمقدمه وگاهی درموقع تعریف شعرانثر مصنوع نوشته است‌وکلمات عربی‌را فراوان بکاربرده است. گاهی‌بعضی‌اصطلاحات عربی‌رااستعمال کرده مانند:

کمالایخفی (رجوع شودبه‌انوری) النهایةهوالرجوع‌الی البدایة(رجوع‌شود به‌نام‌عراقی)

باتخلص و نسبت شعرای زیر«الف ولام عربی» راآورده است:

ابوالمجد آدم السنائی الغزنوی ومولانا جلال‌الدین محمدالبلخی‌والسعدی الشیرازی و فخرالدین ابراهیم المشهور بالعراقی و سیدغلام حسین‌حسن القادری الرضائی.

گاهی سالهارا بزبان عربی آورده است مانند:

«وکان ذلك‌فی‌ست وعشرین‌وست مائة (رجوع شود به کمال الدین‌اصفهانی)

قبل‌ازاسم شعرای‌زیرلقب توصیفی برای‌آنها‌آورده است:

سحبان العجم (فردوسی)و استادالحکما (سنائی)و حجة‌الحق(عمرخیام) و حسان‌العجم(خاقانی) ملك‌الکتاب(وطواط).

گاهی برای فوت‌شد جمله‌ای بنثر مصنوع آورده است مانند :

ابوحلاج شیرازی: درسنه هشتصد وهشتاد وهفت‌ازخوان الوان نعمت‌دنیوی دست کشیده میل‌نعیم‌اخروی‌نمود.

نسخ خطی

۱ کتابخانه نسخ خطی دولت مدراس‌ش۵۲۸(در۳۵۲ص وصفحه‌ای ۱۷ سطر مورخ ۲۳محرم‌سنه ۱۲۵۹ه).

۲ـ کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن‌ش۱۲۱ (بخط پسر مؤلف در۲۷۷ص و صفحه‌ای ۲۵ سطر مورخ ۱۱ ربیع‌الاول‌سنه۱۱۹۴ه ایـن نسخه تکملـه‌شعرا کـه میرعبدالحی‌خان اضافه کرده است ورقعات وعرایض مولف راندارد).

۳ـایضا ش ۱۹۳(در ۵۴۷ ص وصفحه‌ای۱۷سطرشامل «تکلمه شعرا و رقعات وخطوط وعرایض »مورخ ۱۲۰۴ ه).

٤ـایضا ش۱۷(در۲۵۰ ص‌وصفحه‌ای ۱۷سطرمورخ ؟)

چاپ

از طرف دولت مدراس هندوستان باهتمام چندرسکهـارن رئیس کتابخانه دولتی نسخ خطی‌شرقی‌مدراس بسال ۱۹۵۸ م [1].

۱ـ « چاپ بسیاربسیار بد وپراز اغلاطی است وگاهی صورت بعضی کلمات بوسیله مصحح (!) وکاتب یاحروف‌چین چنان مسخ شده است‌که پی‌بردن باصل‌آنها بسیار مشکل وگاهی ناممکن‌است. ازنشان استفهام (؟)که مصحح(!) بعداز بعضی‌کلمات‌آورده است‌معلوم میشودکه وی‌آدم‌کم استعدادی‌بوده است ولیاقت تصحیح‌این‌کتاب‌بلکه این قبیل‌کتابها را نداشته است. غیر از اغلاط مصحح وکاتب اغلاط‌چاپی‌نیز در این‌کتاب فراوان است ولی

بقیه‌حاشیه‌درصفحه بعد

برای **شرح حال صمصام الدوله** رجوع شود به مآثرالامرا چاپ انجمن آسیائی **بنگال** کلکته ج ۱ ترجمه صمصام‌الدوله از میرغلامعلی آزاد ص۱٤-٤۱ (که **بهترین مأخذ** برای شرح حال صمصام‌الدوله‌میباشد) ومقدمه« بهارستان‌سخن» ازسید عبدالوهاب بخاری(که‌پرازاغلاط است) و سرو آزاد وسوانح دکن برگ۸۳ و حدیقةالاقالیم ج ۲ ص۱٥٤ و تاریخ الافروز برگ ۷۸ و کاتلاگ مارلی‌ص۱۰۱ و تاریخ هند تألیف ایلیات ج ۸ ص ۱۸۷-۱۹۱ ربو ج و ۱ص۳٤۰ ب)

ریاض الشعرا

ابتدا

«تذکره محفل‌خاطرقدس‌مآثرصاحبدلان آگاه‌حمدناطقیست که نظم‌مجموعه ممکنات رابکلمه کن ازقلم طراز صورت نگاربرلوح تکوین‌باحسن نظامی‌جلوه ظهور بخشیده»

بقیه حاشیه از صفحه قبل

مصحح (۱) نه زحمت غلط‌گیری را تقبل فرموده و نه حتی هیچ غلطنامه‌ای دراول یاآخر کتاب آورده است. شایدبعقیده وی این‌کتاب هیچ غلطی ندارد .

چاپ کتابها بچنین وضع‌بسیار تأسف‌آوراست .خصوصاً امروزکه وسایل چاپ‌بهتر و مترقی‌تر شده است و معلوم نیست چرا دولت مدراس این کارمهم را بدست چنین آدمهای بی‌سواد وبی‌استعدادسپرده که‌باعث‌تضییع پول‌آن دولت هم‌شده‌است. البته این امر که‌جدیداً دولت مدراس بچاپ نسخ فارسی وعربی همت‌گماشته است برای فارسی دانان‌موجب‌مسرت وخوشحالیست اما بهتر اینست‌که این‌کار بدست‌کسانی‌سپرده‌شودکه لیاقت واستعدادچنین کاری‌را داشته‌باشندو عده چنین اشخاص درهندوستان هنوزکم نشده‌است.

شرح حال مولف

اسم‌مؤلف باالقاب وی نواب خان زمان بهادرظفرجنگ علی‌قلی‌خان متخلص بواله شمخالی [۱] لزکی [۲] داغستانی است واز اولاد حضرت عم پیغمبراست [۳]. درفتنه هلاکو و سقوط عباسیان جمعی ازافراد خانواده‌اش متفرق شدند و گروهی بطرف حجاز و جماعتی بسوی هندوستان رفتند.

اجداد واله بجانب داغستان مهاجرت کردند و آنجا متوطن شدند. مردم داغستان که ازقبیله‌لزکی وتمام آنها شافعی بودند جدبزرگ والەرا که بداغستان مهاجرت کرده‌بود شمخال (رئیس)خود انتخاب نمودند وتاتألیف «ریاض‌الشعرا» بقول واله بنی‌اعمام و اقوام وی در داغستان سکونت داشتند و شمخالی آن مملکت دردست آنها بوده است.

چون سلطنت ایران‌بسلاطین صفویه رسیدنظر باینکه داغستان سرحد ایران بود درمیان پادشاهان ایران وداغستان همواره نزاع بوده‌وچون این ایالت‌درمرز ایران واقع شده حکام‌آنجا گاهی بسلطان روم (ترکیه) و اکثر بپادشاه ایران هر کدام قوی‌تربوده منسوب و مربوط میشدند

داغستان چنان ملکی است که درزمان شاه‌عباس وشاه‌صفی سپاه‌آنها چندین مرتبه بآن سرحد رفت که آن ناحیه‌را تحت تسلط‌شاه ایران در آورند اما هربار ازآنهاشکست‌خورده‌نا کام‌ونامراد برمیگشتند وحتی نادرشاه که‌سلاطین‌هندوعثمانی رامکررشکست‌داد باوجودحمله‌ای که سه‌سال‌طول کشید نتوانست به‌داغستان‌تسلط پیدا کند [٤].

۱– بقول‌آزاد شمخال رئیس(قبیله) راگویند(ر.ك. خزانه عامره ص ٤٤٦)

۲– ر.ك. خزانه عامره ص ۲٤٦ – درآتشکده لکزی آمده است . ر.ك. ش ۱٥

۳–خود والەمیگوید:

دارد ز زلف‌کسوت عباسیان پیر — از دودمان ماست رخ دلستان‌ما

٤– ر.ك. مجمع النفائس‌آرزو

اما در ۱۱۴۲ھ اصفهان و نواحی دیگر ازقبضه افاغنه در رفته و دوباره در تسلط و تصرف‌شاه ایران درآمدند و شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵–۱۱۴۵ھ) پسرسلطان حسین میرزا که پدرش در موقع محاصره اصفهان برای آوردن سپاه جهت کمك لشکر شاهی بجانب آذربایجان فرستاده بود درحین حیات پدر در قزوین برتخت سلطنت نشست. در این ایام واله درسلك ندمای خاص‌شاه‌طهماسب قرار گرفت‌ولی در۱۱۴۴ھ نادرشاه شاه طهماسب را ازتخت محروم و معزول کرده سلطنت رابدست خود گرفت و واله چندی دراصفهان منزوی ماند. در همان اوان سانحه‌ای برای واله پیش‌آمد که اورا مجبور کرد ترك وطن گفته بهندوستان مهاجرت کند.

واله از کوچکی باخدیجه سلطان دختر حسن‌علیخان عموی خود همدرس بوده ودرزمان همدرسی هردوشان عاشق یکدیگر شده وبالاخره نامزدشدند[1]. ولی در ایامیکه افاغنه براصفهان مسلط شدند مادر خدیجه سلطان بمادر واله پیشنهاد کرد که هرچه زودترازدواج آن‌دوعاشق بدون تشریفات صورت بگیرد. امامادرواله باکمال دلسردی دست ردبسینه مادر خدیجه سلطان‌زد.

در همان اوان شخصی ازمتوسلان نزدیك (محمود خان) افغان برای خواستگاری خدیجه سلطان‌آمد ولی چون ازطرف‌بستگان خدیجه جواب ردشنید و ازنیل بهدف مأیوس گشت باکمك محمودخان افغان دروصول بمقصود موفق شد وبزور خدیجه رابنکاح خود درآورد. دیری نگذشت که اصفهان دوباره‌بدست ایرانیها درآمد و افغانها ازآنجا منهزم گشته بطرف فارس وکرمان فرار کردند وشخصی که با خدیجه ازدواج کرده بودهم ازآنجمله بود.

دوستان و خویشاوندان واله اورا هدف تیرملامت قرار داده سینه فکار

۱– میرشمس‌الدین فقیر دهلوی عباسی که ازرفقای صمیمی واله بود درمثنوی« واله وسلطان»شرح این داستان عشق‌را بتفصیل نظم‌کرده است.این‌مثنوی‌بزودی از طرف‌اداره تحقیقات عربی وفارسی » پتنه بهار هندطبع‌میگردد.

فیل و جاگیر[1] و نقدی (پول نقد) وخدمت میرتوزکی (دوم) یافت.[2]

سپس واله درزمان احمدشاه(۱۱۶۱ـ۱۱۶۷هـ) منصب ششهزاری و لقب خان زمان بهادر ظفرجنگ یافت و در ایام سلطنت عالمگیر ثانی (۱۱۶۷-۱۱۷۳هـ) بتوسط و توصیه عمادالملك وزیر پسر امیرالامرافیروز جنگ پسر نواب آصفجاه خدیو دکن بمنصب هفت هزاری رسید . حاکم در«مردم دیده» (ص۱۰۱) مینویسد که وی واله را هنگامیکه صفدر جنگ بااحمدشاه پسر محمدشاه قهر کرده باعمادالملك جنگ میکرد بتوسط محمد یحیی‌خان متخلص به خرد نواب اعزازالدوله میریحیی‌خان بهادر (خلف نواب ذکریاخان بهادر) که ازمدتی درلباس درویشی درآمده بود ملاقات کرد . همچنین بعداز اینکه نواب صفدرجنگ باپادشاه دهلی آشتی کرد وبصوبه خود (یعنی استان اود) مراجعت کرد درراه حاکم چندین بارباواله ملاقات کردوواله اشعار خودرا پیش حاکم میخواندو گاهی این مجلسهای شعرخوانی از اول عصر تابعد از نصف شب طول میکشید.

حاکم «درمردم دیده» درذیل نام آرزو (ص۵۷) مینویسد که وی بهمراهی نواب صفدرجنگ وزیرالممالك بصوبه (استان) اود رفته بود وبعد ازفوت نواب صفدرـ جنگ آرزو نیز بهمراهی سالار جنگ برادر نجم‌الدوله بلکهنو رسید. واله نیز درآن ایام درخدمت شجاع‌الدوله بود واز این فرصت استفاده کرده هرسه شاعر (آرزو وواله وحاکم) گاهی یکجا جمع میشدند وباهم صحبتهائی داشتند امادیری نگذشت که واله وحاکم بدهلی رفتند و خان آرزو درلکهنوماند

بتدریج بین واله وحاکم صمیمیت بیشتری پیدا شد وحتی بعد ازفوت صفدرـ

۱ـ «جاگیر» املاکی یاتیول بوده که ازطرف شاه یادولت بکسی اعطا میشد ـ این رسم تاپایان حکومت انگلیسها باقی و معمول بود.

۲ـ ر.ك. «ریاض الشعرا» ـ خاتمه ـ بیل درفرهنك تراجم شرقی (انگلیسی) مینویسد که واله منصب پنجهزار سوار داشت ـ ر.ك. Oriental Biographical Dictionary- Beale

جنگ والہ ازطرف شجاع‌الدوله حاکم را استخدام کرده همراه‌خود بدهلی برد و در حدود یکهزار روپیه حقوق حاکم مقرر کرد قرار شد که بوسیله محمود کشمیری که ازمقربان واله وازدوستان حاکم بود پرداخت گردد اما حاکم این عطیه را قبول نکرد و این خود موجب مزیدصمیمیت و اخلاص بین‌آنهاشد.چون واله بشاه جهان‌آباد رسید بعلت‌تندی مزاج که داشت‌کار وی درست‌نشدوبنابراین قراردادی که بین‌حاکم و واله بسته شده بودباجرا درنیامد. بالاخره‌حاکم‌ازطرف واله مرخص شد وبلشکر شجاع‌الدوله رسید. بعداز چند ماه حاکم خبر در گذشت واله راشنید[1].

حاکم بروایت مولوی محمود درمردم دیده(ص۱۰۲) مینویسد که موقعیکه واله نزدیك بمرگ ودرحال «احتضار» (نزع) بود هنوز بفکر شعر بود.ملاعبداله نامی که درآنوقت حضور اشت بواله گفت که این چه موقع شعر گفتن‌است کلمه (لااله‌الااله محمد رسول‌اله) بخوانید و ایمان تازه کنید.

واله در جواب این‌رباعی خواند :

گرجان‌رودم زتن نخواهم مردن	و رخاك شود بدن نخواهم‌مردن
گویندعلیقلی بمرداین‌غلط است	اوهام تومرد من نخواهم مردن

گلشن‌جونپوری که واله اورا استخدام کرده‌بودوتامرگ درخدمت‌واله بود درمثنوی«صورت‌الحال»[2] سال‌فوت‌واله را۱۱۶۹ه‌آورده‌است ومیگوید که‌مرگ واله دردهلی‌اتفاق‌افتاد.سن وی‌بروایت‌مولف«مردم دیده»(ص۱۰۱)چهل وشش‌سال بود. آزاد نیزدر خزانه عامره(ص۴۴۹) سال وفات واله را ۱۱۶۹ه ذکر کرده است .

۱ـ ر.ك. مردم دیده ص ۵۷

۲ـ ر.ك. نسخه ریو ج ۲ ص ۷۱۵ ب ـ درآخر این نسخه بخط سرگرد ولوام پول این عبارت‌آمده است «علیقلی واله در دهلی درسال ۱۱۶۹ه‌بعد ازبیماری‌شش روزه درگذشت» (ترجمه)

(=٠٨١١٧)

(=٠٨١١٧)

هرچند از علوم ظاهر بهره‌ای ندارد اما ازجهت صفای ذهن و تتبع کتب از اکثر مطالب آگاهی دارد و بیشتر مقدمات مستحضر اوست علی‌الخصوص تصوف که از برکات تصفح و تفحص اولیا بتوحید حقیقی پی‌برده وعالم‌را حقیقت واحدشمرده ودرمقدمه و صحابه «تلك امة قدخلت لهـا ما کسبت ولکم مـا کسبتم ولاتسئلون عماکانوا یعملون» گویان دست از تعصب وتعنت شیعه‌وسنی برداشته وبزرگان‌هردو طریق را ببزرگی وخوبی یاد کرده و میکند و ازطعن و تشنیع که شیوه قشریان بیهوده گواست‌مدام برحذر میباشد. شاهد احوال اوست این مقال او: رباعی

دیـدیم نـزاع سنـی و شیعه لـقب
کـاموخته‌اند کیش جهـل ازام واب
هرجا که خریست کنیتش شیعه بود
هرجا که سگی است سنیش هست لقب

.....تمام دیوانش او وقایع عشق واسرارعرفان مملو است.... اکثر (در) تتبع بابافغانی است بلکه اگر بچشم دقت نظر کرده‌آید چاشنی که در کلام اوست درشعر بابانیست زیرا که اینهمه مقدمات تصوف بابا را کم دست داده»

آثار مولف

آثارمؤلف بدین قرار است:

۱- دیوان که در۱۱۵۷ه باتمام رسید. این دیوان واله را کـه مشتمل است برچهارهزار بیت[۱] فقیر دهلوی[۲] ازرفقای واله برای او ترتیب داده است (برای نسخ آن رجوع شود به‌بادلین ۱۱۸۲واته ۱۷۰۸ واندنیر ذخیره نوص ۹وآصفیه‌ج۱ ص۷۳٦ ش ۳٤۵).

۱ــ جاکم درمردم دیده (ص۱۰۱) مینویسد : قصائدغرا ودیوانی قریب هفتهزار بیت‌دارد .

۲ــ این همان شاعر است‌که داستـان عشق واله و سلطان را سروده است وذکرآن در ذیل شرح حال واله‌در سطورفوق گذشت.

۲ـ نجم‌الهدی[1] ـ مثنوی مذهبی است که واله در۱۱۴۹هـ سروده‌است(برای نسخ آن رجوع‌شود به‌بانکی‌پور ذیل ج ۱ش ۱۹۲۱ و ایوانو ۸۵۵).

۳ـ مثنوی مرزانامه ـراجع به‌داستان‌عشق‌میرزااشیرافکن. (برای‌نسخه‌آن رجوع شود به ایوانو ۸۵۶).

٤ـ ریاض الشعرا (تذکره مورد بحث).

تبصره‌بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در۱۱۶۰هـآغاز نموده و در سال ۱۱۶۱ هـ باتمام رسانیده است[2] ودر خاتمه مؤلف این رباعی‌آورده است که سال اتمام ایـن کتاب را میرساند .

این‌تذکره‌چون طرب فزای‌دل‌شد	تاریخش را دل ازخردسائل شد
گفتازریاض الشعرا رفت خـزان	دروی چوبهار سرزده داخل شد

(اینجا چون ازعدد« ریاض الشعراء» (=۱۶۱۳) عدد خزان (=۶۵۸) را منها کنیم‌وازعدد«بهار» (=۲۰۸)عدد«ب» (=۲)را منها کرده حاصل‌آنرا به‌حاصل اول(۱۶۱۳ــ۶۵۸=۹۵٤) جمع کنیم عدد۱۱۶۱بدست میآید که سال اتمام‌ریاض الشعرا میباشد) .

در مورد سبب‌تألیف، مؤلف درمقدمه کتاب چنین توضیح داده است: « غرض راقم در تسوید این اوراق اینست که بقدر مقدور اشعاربلند وافکار ارجمندفراهم آید (و) اینکه جمعی کثیر از موزونان‌را ذکر نماید »

۱ـ این مثنوی را اشپرنگر بواله نسبت داده است اما بعقیده عبدالمقدر (فهرست بانکی‌پور) این مثنوی را سید محمد موسوی متخلص به واله سروده است که در خراسان متولد شد و بحیدرآباد مهاجرت کرد و از آنجا به ارکات رفت و همانجا در ۱۱۸٤ هـ درگذشت (ر.ك. فهرست مدراس ش ۶۱ وگلزار اعظم ص ۸ ـ ۳۶۵ وگلدسته‌کرناتك)

۲ — قسمت بیشتر این تذکره در ۱۱۶۰هـ نوشته شده ودر۱۱۶۱ هـ باتمام رسیده است اما ایوانو عقیده داردکه قسمت‌آخر این‌کتاب در۱۱۶۲هـ تألیف شده است.

مؤلف درباره مآخذ کتاب درمقدمه مینویسد که قریب بهفتاد دیوان شعر و تذکره متقدم ومتاخر وچند جلدتاریخ و کتب دیگرمثل نفحات (الانس) ومجالس (العشاق یامجالس النفایس؟)وغیره در نظراو بوده واختلافاتی که در کتب مزبور بنظر رسید حتی المقدور وی در تصحیح آنها کوشش نمود و کتب معتبره مثل نفحات (الانس) وغیره را معتبر دانسته خلاف آن کتب دیگررا اعتبار نداده اما جمعیت خاطر و فرصت کافی برای انجام کار تألیف این تذکره نداشت. ولی عجب این است که از تذکره عرفات تألیف تقی او حدی که اساس ومأخذ مهم این تذکره بوده است اینجا نام نبرده است ولی درمتن کتاب اکثر اسم تقی اوحدی را ذکر نموده است و گاهی بر وی انتقاد شدید نموده است که دربعضی موارد درست است(مثلارجوع شود به نام فردوسی ومئی کلال).

همچنین اسم تذکره میرزا طاهر نصرآبادی را درذیل نام ملهمی تبریزی و تاریخ جهانگیری رادر ذیل نام مهابت خان ذکر ننموده است که در تألیف این کتاب از آن استفاده کرده است.

بعضی از مختصات این تذکره که مؤلف در خاتمه کتاب ذکر کرده است بقرارزیر است.

۱ــ فنون شعرمثل فن عروض وقافیه وصنایع وبدایع درصفحات این تذکره ذکرشده است که تذکره‌های دیگرازاین نوع فواید عاری است.

۲ــ اشعار خوب از دواوین قدما ومتاخرین کمترفوت وفرو گذاشت شده ولی ازبعضی (مانند) حکیم قاآنی وانوری ومعزی وشیخ سعدی وامیرخسرو دهلوی و مولوی جامی و میرزاصائب وچند کس دیگر که بسبب خوف تطویل در انتخاب اشعارشان مؤلف کماینبغی سعی نکرده است.

۳ــ درذیل ذکرشعرا مجملی ازوقایع سلاطین روزگارشان نوشته است.

٤ــ در ضمن احوال بعضی شعرا درباره مدارج شعر وشاعری وی بحث کرده

(نوائی و) فانی و فرخی و معزی و منوچهری و نظامی گنجوی و غیره.

این تذکره مشتمل است برمقدمه و بیست و هشت «روضه» (یك روضه برای یك حرف) و خاتمه و با «شیخ ابوالحسن خرقانی» شروع شده با «یحیی خان یکتا» تمام میشود و حاوی ذکر شعرای متقدم و متوسط و متاخر است بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر. عده شعرای این تذکره قریب به ده هزار و پانصد[1] میرسد و بنا براین مانند فرهنگ جامع اسامی شعرا است و همین امریکی ازعلل خاص اختصار و ایجاز بیان و انتخاب اشعار شعرا دراین تذکره میباشد.

در مقدمه توضیح داده است که مراد ازپادشاه شهید اول سلطان حسین صفوی و ازشهید ثانی شاه طهماسب و از قهرمان ایران نادرشاه و ازپادشاه عالم پناه محمد شاه پادشاه هند بوده است.

همچنین تذکر داده است که در ترتیب اسامی شعرا که از روی الفبا است زمان را رعایت ننموده و حتی مراتب فضل و جاه را نیز مرعی نداشته چون فرصت این کارها را نداشت.

اما در ترتیب اسامی تقدیم و تأخیر شعرا رعایت تخلص نموده و اگر تخلص نبود رعایت اسم و اگر آنهم نبود رعایت کنیت ولقب کرده و اگر احیاناً کسی بکنیت یالقب مشهور بوده درمورد او همان را رعایت کرده است.

در این کتاب مؤلف بانتخاب غزل و قصیده و قطعه ورباعی اکتفا نموده است و از مثنوی‌های بزرگ انتخابی نیاورده است و دراین مورد چنین توضیح داده است «که اگر ازشاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و سبعه مولوی جامی و مثنوی مولوی وغیرذالك انتخاب میکرد قریب بیست هزار شعر دراین تذکره اضافه میشد و ازفرط تطویل کسی را رغبت بخواندن و نوشتن آن نمی‌شد و اگر چند بیت از هر مثنوی به رعایت اختصار مینگاشت بیننده (خواننده) را توهم این میرفت که شاید باعتقاد مؤلف اشعار بلند درین مثنوی همین مقرر بوده».

۱ـ نسخه بادلین ذکر ۲۶۹۶ شاعر را دارد.

قبل و بعدازاسامی بعضی شعرا القاب تعریفی آورده است که گاهی بنثر مسجع است مانند«سلطان المشایخ ابوسعید ابوالخیر قدس سره قاید صراط المستقیم طریقت قافله سالار مراحل معرفت دلیل بوادی فناهادی وادی بقاست » . (همچنین رجوع شود به شرح حال شیخ ابوالحسن خرقانی وابوعلی سینا واسدی طوسی واهلی شیرازی و بیدل و خسرووعطاروغیره).

گاهی جمله‌ای مصنوع بمعنی «فوت شد» بکار برده است مانند :

شیخ احمدجامی : درسنه ۵۲۶ خلعت فانی را برآورده به تشریف باقی مشرف شد.

ابوسعید ابوالخیر : در سنه ۴۴۰ گوش هوش بندای یاایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی درجنت وصال آسوده گردید»

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ش۱۸ ۲ـ برلن۶۵۷ (خلاصه شامل شرح حال و یك بیت از هرشاعر محتملا ازمولف) ۶۵۶ (۱۲۲۴هـ) ۳ـ ایوانو ۲۳۰ (۱۱۷۱هـ) وایوانو- کرزن ۵۷(ناقص ـ مورخ ۱۷۹۴م) ۴ـ لیندزیاناص۱۲۱ش۳۱۱(درحدود۱۷۷۰م) و ش ۵۷ (۱۲۱۰هـ) و ش ۵۸ (ناقص الاخر ـ جدید)

۵ـ بوهار ۹۲ (۱۱۹۱هـ) ۶ـ ریو ج ۱ ص ۳۷۱ الف (۱۲۰۳هـ) تکمله۱۱۲ (۱۲۱۶هـ) ۱۱۳ (تاحرف کاف ـ قرن ۱۹م) ۷ ـ آصفیه ج ۲ص۱۶۴ ش ۱۲۰ (۱۲۵۸هـ) ۸ـ بانکی پور ج ۸ ش ۶۹۳ (قرن۱۹م) ۹ ـ بادلین ۳۷۷ (بدون تاریخ) ۳۷۸٫/. (قسمتی از کتاب) ۱۰ـ اندیاآفس۳۶۵۳[۱] ۱۱ـ دانشگاه پنجاب- دونسخه (یکی ناقص الاخر و دیگری ناقص الاول و دونسخه « خلاصه ریاض الشعراء») ۱۲ ـ ملك تهران ش ۴۳۰۱

۱ـ این نسخه درفهرست اته ذکر نشده است ر.ك. استوری ج ۱ق۱ ص xvi در ذیل علامت I.O.

خلاصه‌ریاض الشعرا

لب لباب ــ خلاصه ریاض الشعرا با بعضی اضافات که **قمرالدین علی بن ثناء الله** حسینی ناصری برای ریچارد جانسن ترتیب‌داده است. (رجوع شود به‌اته ۶۹۵ **مورخ ۱۱۹۴ه**) برای بحث مفصل‌تری درباره این تذکره رجوع‌شود به«لب‌لباب» در این کتاب .

برای **شرح حال واله** رجوع شود به ریاض الشعرا و سفینه خوشگو چاپ پتنه ص ۲۹٦ وخزانه عامره صفحه ٦٤٦ــ٦٥٠ و منتخب‌الاشعار مبتلا ش ۷۲۵ و مثنوی «صورت حال» گلشن جونپوری ومقالات الشعرا حیرت‌وآتشکده ش۸٤۱ و صحف ابراهیم وخلاصة‌الافکار ش ۳۰۱ ومخزن‌الغرایب ش ۳۰۱۸وریاض‌العارفین ص ٤ ـــ ۲٦۳ و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۵۸ و شمع انجمن ص ٤۹۱ و تذکره عبدالغنی و مردم دیده و مجمع النفایس آرزو و بیل : « فرهنگ تراجم شرقی » (انگلیسی)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به‌ایوانو ـــ کرزن ص۲۸ــ٦۳ (اسم ۲۵۹٤ شاعر)

منتخب الاشعار

ابتدا

«منتخب دیباچه حمدی که عندلیبان چمن خوشنوائی به‌بهترین زمزمه نغمه سرا شوندو دیباچه شکری که‌مرغان گلشن شیرین‌مقالی به‌نیکوترین نعمه‌زمزمه‌ پیرا گردند ... »

شرح حال‌مولف

اسم مولف این کتاب میرزا کاظم [1] ملقب به مردان علی‌خان و متخلص به مبتلا است و اسم پدرش میرزا محمدعلی‌خان بن‌میر کرم علی‌خان [2] مشهدی‌است. جدمولف درزمان محمد معزالدین جهاندارشاه (جلوس وفوت:۱۱۲٤ه) همراه نواب برهان الملك سعادت‌خان نیشابوری [3] ازخراسان بهندوستان مهاجرت نمود ودرزمان محمد فرخ سیرشاه(۳۱ـ۱۱۲٤ه) وارد سلك ملازمین دربارشاهی گردید وبلقب‌خان مفتخر گشت ودرزمان محمدشاه (٦۱ـ۱۱۳۱ه) در گذشت.

پسرش محمد علی‌خان پدرمولف‌هم اول درخدمت برهان‌الملك مزبور بوده و بعد از وفات وی درخدمت نواب ابوالمنصور خان صفدر جنك حاکم وزیر اود (۱۱٦۲ ـ۱۱٦۸ ه)درآمد وسپس بتوجه و توصیه وی ازطرف نواب مزبور به‌نیابت استانداری الهآباد منصوب گشت. وی درزمان نواب‌صفدرجنگ سپه‌سالار(فرمانده سپاه) شد و«چندفتوح نمایان‌بدست اوبظهوررسید» .

بعد از وفات نواب‌مزبور میرزا محمدعلی‌خان به‌بنگال رفت و آنجا درسلك ندمای نواب شجاع الملك جعفرعلی‌خان و نواب عالیجاه‌قاسم علی‌خان ناظم‌بنگال درآمد و در۱۸جمادی‌الاول ۱۱۷٦ه فوت کرده ودر عظیم‌آباد (پتنه) دردرگاه‌شاه ازران (متوفی۱۰۲۸ه) بجانب غرب‌مدفون گشت.

مردانعلی‌خان درسال۱۱٤٤ه [4] درلکهنو متولد شد وفن شعر و علم صرف و

۱ـ فهرست بادلین: محمدعلی‌خان بن‌محمد (که اسم پدرمولف است نه اسم خود مولف) .

۲ـ نتایج الافکار : میرزا محمد

۳ـمتوفی‌در۱۱۵۱ه ـوی‌مؤسس‌سلطنت‌اودبود ـ برای‌شرح‌حال‌اورجوع‌شود به‌خزانه عامره‌ص۷٤ـ۷٦.

٤ ـ ر.ك. تذکره«روزروشن» ـ بنابر این سن مولف بوقت‌تالیف این تذکره۱۷ سال بود و این‌ظاهرا عجیب است چون‌باین‌سن کوچك‌چطور مولف‌توانسته‌است‌تذکره‌ای باین خوبی وبنثر بقدری مصنوع ترتیب‌دهد.

نحو وفقه وعلوم متداوله دیگررا پیش مولوی وجیه‌الدین نظام‌آبادی جونپوری[1] فرا گرفت ودر شعرهم‌شاگرداوبود. مشق خطاطی را نزد میرزامحمدحسین‌دهلوی میکرده است. با وجود اینکه فرصت «تحصیل کمالات» را ندانشته معذلك چون نمیخواست از کمالات بکلی بی‌بهره‌بماند بنابراین اکثر اوقات خودرا درخدمت فضلاء و ارباب کمال بسرمیبرد و گاهی بنوشتن ومشق‌خطوط میپرداخت‌واز بعضی خطاطین معروف مانند میرعماد حسینی تقلید میکرد وخط نسخ ونستعلیق‌راخوب مینوشت. گاهی دیوان شعرای بزرگ متقدم و متاخر را مطالعه میکرد و همچنین اکثر اوقات خودرا درصحبت شعرای معروف معاصر خود مانند عبدالرضامتین و میرشرف‌الدین وفا قمی ومیرزا اسمعیل ایما و میرزا ابوعلی هاتف میگذراند و دراثرصحبت‌آنان گاهی‌خودش نیزشعرمیسرود.

بقول مولف «نتایج الافکار» مبتلا از طرف نواب صفدر جنگ بالقب مردان علی‌خان مفتخر گردید.

مؤلف«بزم سخن» مینویسد که مبتلا درغازی‌پورتوطن داشت‌واصلااهل‌بنارس و معاصر سودا دهلوی بود و بزبان اردو وفارسی دیوان وتذکره داشته است[2] اما اسم تذکره اردو جزو تألیفات او در کتب دیگر ذکر نشده است.

مبتلا درآخرعمر از لکهنوبه عظیم‌آباد (پتنه) رفت چنانکه در موقع تألیف تذکره «گل‌رعنا» وی‌در عظیم‌آباد بسرمیبرد وابیاتی چندبخط خویش برای‌شفیق مولف‌آن کتاب فرستاده و شرح حال وی را یکی از آشنایان وی‌بنام‌میرغلام‌حیدر پسرمولوی میرمحمد یوسف بلگرامی برای شفیق نوشته بود[3].

۱ـ نسخه این تذکره که در دانشگاه لاهور موجود است بفرمایش همین مولانا وجیه‌الدین‌استنساخ‌شده است. (ر.ك نسخ تذکره «منتخب الاشعار» درسطورآینده.)

۲ـ ر.ك. تذکره بزم سخن ص ۱۰۲

۳ـ ر.ك. گل رعنا : مبتلا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

(=١٢١١ ه)

[illegible]

٨١٨

انتخاب اشعار در این تذکره غالبا خوب است و معلوم میشود که مولف دارای ذوق خوبی بوده است.

سبك انشای مولف گاهی ساده و گاهی مصنوع است.

رویهمرفته ازحیث تازگی مطالب این تذکره زیاد مهم نیست ولی ازروی حسن انتخاب اشعار میتوان آنرا جزو تذکره‌های خوب حساب کرد.

نسخ خطی

۱ـ دانشگاه لاهور ذخیره پروفسور شروانی مورخ سلخ محرم سنه ۱۱۶۶ ه که بفرمایش مولانا وجیه‌الدین استنساخ شده است.

۲ـ بادلین ش ۳۷۹

۳ـ رامپور. فهرست نذیر احمد ش ۹۴ (مورخ ۱۱۶۶ه)

فهرست اسامی شعراـ رجوع شود به بادلین ستونهای ۲۳۹ـ۲۵۵

برای **شرح حال مولف**ـ رجوع شود به منتخب الاشعار وروزروشن و بزم‌ـسخن (اردو) و نتایج الافکار و گل رعنا ص ۲۹ـ۱۰۲۷ و نسخه خطی کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی.

منتخب حاکم

ابتدا: (بدست نرسید)

مولف

اسم مولف این کتاب ملاعبدالحکیم متخلص به حاکم لاهوری است (برای شرح حال او رجوع شود به «مردم دیده» دراین کتاب).

حاکم این تذکره (ظاهراً ناتمام) رادرسال ۱۱۶۱ھ ترتیب داده است چنانکه اسم این کتاب : (منتخب حاکم» (= ۱۱۶۱ھ) میرساند .

این کتاب متخصریست درذکر احوال ونمونه اشعار آفرین و آزاد وامید و آرزو که همه آنها ازمعاصرین حاکم بودند با «تکلمه» ای مشتمل برذکر میرعبدالحی وشیخ نورمحمد .

ریومیگوید که حاکم این تذکره را از « مجمع النفایس » آرزو نقل کرده و بعضی شعرا را بـر آن افزوده است. اگـر این قول صحیح باشد حاکم نسخه « مجمع النفایس » را قبل از اتمام آن در ۱۱۶۴ھ دیـده و از آن استفاده کرده است.

ظاهراً قبل ازاینکه حاکم بترتیب تذکره مفصل‌تری بپردازد این تذکره متخصری را ترتیب داده است چنانکه بعداً درسال ۱۱۷۵ھ تذکره مفصل تری بنام « مردم دیده» تهیه نموده است . باید اذعان کرد . که چهارشاعر اول این تذکره همان هستند که در «مردم دیده» نیزمذکورند اما معلوم نیست چرا حاکم ذکر میرعبدالحی و شیخ نورمحمد رادر « مردم دیده» نیاورده است.

نسخ خطی

۱ــ رهاتسك ص ۱۳۳ ش ۲۱ مورخ ۱۱۷۵ھ. قسمتی از این نسخه بخط مولف است .

۲ــ ریو ج ۳ ص ۱۰۳۷ الف (که قسمتی از این کتاب میباشد و مشتملست بریك ورق ازنسخه‌ای از کتابخانه منیرالملك).

تذکره حسینی

ابتدا

«ستایش بی‌حدونیایش بی‌عدمبدعی‌را سزد که‌افراد ایجادرا به‌ابیات منتخبه اشخاص و انبیاء علیهم الصلوة والسلام حسن‌انتظام بخشید و مجمع اشعار هدایت وارشاد بذوات‌مقدسه‌ائمة‌الهدی‌علیهم التحیة والثنا پیرایه اختتام پوشانید»[1]

شرح حال مولف

اسم مؤلف‌این‌تذکره میرحسین دوست وتخلص‌وی حسینی‌است واسم‌پدرش مولوی سیدابوطالب است واصل وی‌ازسنبهل ضلع‌مرادآباد (هندوستان) است . چنانکه‌خودش توضیح‌داده‌است وی بسن‌نوزده‌سالگی درجستجوی یك استادبزرگ ازسنبهل به‌دهلی‌رفت وآنجاشیخ‌فضل‌اله‌را استادبزرگ یافت . وی دردهلی قسمت بیشترعمرخودرا درصحبت شعرا و درجستجوی‌هنر گذرانید وبتدریج‌درشعرمهارتی پیدا کرد .

در۱۱۷۳ه دهلی راترك گفته‌به‌بریلی‌رفت وآنجا کتابی دردستورزبان‌فارسی نوشت ودر۱۷۸۹ م تیمورنامه هاتفی را بنثر درآورد . بعد ازآن درباره احوال وی خبری‌نداریم .

آثارمولف

آثارمولف‌بدین قراراست :

۱ ـ تذکره حسینی ـ کتاب موردبحث .

۲ ـ تشریح نادر ـ کتابیست دردستور زبان فارسی (برای نسخ‌آن رجوع شود به‌فهرست کلکته ص۱۰٤ ورامپور ـ نذیراحمد ش۳۰۲)

۳ ـ تیمورنامه هاتفی که‌آنرا بنثر درآورده‌است .

---

۱ ـ نسخه بانکی‌پور بعبارت زیرآغاز میشود :
«حمد بیقیاس وسپاس محمدت اساس جناب‌صانعی‌را سزاست» ....

تبصره بر کتاب

این کتاب رامولف بسال۱۱۶۳ه تألیف کرده‌است چنانکه بیت زیر در قطعه‌ایکه
درپایان کتاب آمده استمیرساند :

این نسخه چویافت زیب اتمام — تاریخ شدش «خجسته انجام»

(=۱۱۶۳)

درموردسبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح میدهد :

«امابعد خاکراه نبی و علی مؤلف این اوراق میرحسین دوست سنبهلی . . .
چون در نوزده سالگی برسبیل تحصیل علم بدرالخلافت نزهت نهاد شاهجهان آباد
وارد گشت وعمری دراکتساب علوم ادبیه بگذرانید وبفیض مجالست فصحای شیرین
کلام و شعرای بلاغت انتظام درفن شعر مهارتی بهمرسانید. یاران جانی ودوستان
روحانی باعث شدند برجمع اشعارنوو کهن. بنابرآن تذکرةالاحباب انگشت قبول
برچشم گذاشت ومجمعی (مجموعه‌ای) مختصر از احوال (و) اشعار اولیاء باصفا و
وملوك وفضلا وشعرا به تخصیص لطایفی که میان یکدیگر گذاشته‌اند پرداخته آمد
مسمی به تذکره حسینی»

مؤلف اسم مآخذ ومنابع خودرا که در تألیف این کتاب مورداستفاده قرار گرفته
است نه دردیباچه ونه درذیل شرح حال شعرادرهیچ کجانیاورده‌است وحتی حکایتو
لطایف رادرذیل شعرا بدون ذکرمآخذآن نقل کرده‌است .

این کتاب رامولف بنام شاه شرف‌الدین محمود عنوان کرده‌است (رجوع شود
به نسخه خطی دانشگاه لاهور) .

این کتاب مشتمل است برذکرچهارصد و چهل وپنج [1] شاعر متقدم و متأخر
برتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یاتخلص آنها و (تیمنا باسم حضرت امیرالمومنین

۱ ـ استوری : درحدود ۲۰۰ شاعر (ر.ك. استوری ج۱ق۲ص۸۳۲)

علی‌علیه‌السلام واصلا) باشیخ ابوالحسن‌خرقانی شروع‌شده وبایوسفی‌خراسانی‌تمام میشود . درآغازمولف مناقب وحکایاتی در توصیف و فضایل حضرت علی [1] نقل کرده‌است ویك‌رباعی وچندبیت از دیوان اوآورده است .

این‌تذکره مشتمل است بر احوال و اشعار شعرا و همچنین اولیا وملوك و ازمنقدمین ومتاخرین که شعرهم میسروده‌اند .

درذیل‌نام‌اکثرشعرا شرح‌حالشانراخیلی مختصر آورده‌است ومولف نخواسته است شرح‌حال مفصل یاجامعی‌ازشعرا رادراین تذکره بیاورد چنانکه درذیل‌نام بعضی‌شعرا وعرفای‌معروف‌مانند خاقانی وانوری وبایزیدبسطامی نیزشرح‌حالشان‌را مختصرآورده است وهرچه‌نوشته‌است، اکثر اطلاعات درمورد وقایع مهم زندگانی آنها مانندسال ولادت ووفات وغیره‌را بهم نمیرساندوحتی‌ادرذیل شعرای‌معاصرخود مانندآرزو وغیره نیز چنین‌اطلاعات‌را ذکرنکرده است وهمچنین شرح‌حال‌خودرا نیزنیاورده است .

مولف تنها درذیل شرح حـال ۵۱ تن از شعرا وعرفا سال وفاتشان را ذکر نموده‌است .

---

۱ ـ مولف خودش ازسادات‌حسینی بوده وباحضرت علی علاقه وارادت زیادی داشته است ومناقب تنهاحضرت علی را دراین‌کتاب‌آورده است ولی‌خودش ظاهراًسنی‌بوده‌چنانکه ازقطعه زیرکه دردیباچه‌آورده است پیداست :

صاحب صدق وصفـا خاص رسول اطهر

اولین حضرت بـوبکر بـود باز عمر

سومی حضرت عثمـان حیا را مخـزن

چـارمی حیدر کرار کـرامت مظهر

این قطعه درنسخه چاپی نیست‌ولی درنسخه خطی دانشگاه لاهور موجوداست.

گاهی جمله‌ای برای معرفی شاعر و یك دوبیت یا رباعی ازوی نقل کرده است مثلارجوع‌شودبه نام مائلی ومجنون ومخلص کاشی و منعم حکاك وغیره.

ازجمله چهارصد وچهل وپنج شاعر تنها درذیل نام شعرا وعرفای زیراشعار وشرح حالشان را نسبة مفصل آورده است :

شیخ ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر و احمدجام و ابواسمعیل شیخ وشیخ جلال‌الدین آذری وبایزید بسطامی وبیدل ومولاناروحی وجامی وحسن‌دهلوی وحافظ شیرازی وخسرو دهلوی ووطواط و جمال‌الدین سلیمان و میرزا شرف جهان قزوینی وعراقی وشیخ فریدالدین گنج شکر وقطب‌الدین‌محمدبختیارکاکی وقاسم انوار وشیخ عبدالقادر جیلانی و خواجه معین‌الدین‌چشتی و نظام لدین اولیاء ونجم‌الدین کبری و نظام‌الدین گنجوی.

اما در ذیل شرح حال شعرای فوق نیزغالب اطلاعات مهم در باره زندگانی آنها را بهم نرسانیده‌است.

مولف درذیل شرح حال بسیاری ازشعرا و عرفا لطایف وحکایت جالبی نقل کرده است و از کثرت این‌حکایات معلوم‌میشود که (چنانکه خود اونیز دردیباچه توضیح داده است) یکی از مقاصد و هدفهای وی در تالیف این کتاب جمع آوری چنین حکایات بوده است.

درذیل‌نام اشخاص زیر چندین حکایت درباره آنها نقل کرده است.

شیخ ابوالحسن خرقانی و ابوسعیدابوالخیر وآصفی‌شیرازی و انوری‌ومیرزا ابراهیم ادهم و بایزید بسطامی وجامی وسعدی شیرازی وعزت‌هراتی‌وشیخ فریدالدین گنج شکرو خواجه کرك ابدال و شیخ‌عبدالقادر جیلانی و نظام‌الدین اولیاء ونجم‌الدین کبری .

مخصوصاً درذیل نام شیخ بایزید بسطامی حکایاتی درباره اوازهمه مفصل‌تر (درهشت‌صفحه) نقل کرده است.

درذیل نام‌شیخ‌ابوسعیدابوالخیر سی‌وسه رباعی ازاو آورده‌است وتاثیرخواندن

آنرا جهت‌نیل بمقاصد گونا گونی‌نیز شرح داده است.همچنین یازده رباعی دیگر ازوی نقل کرده‌است که ظاهراً چنین تاثیری را ندارد.

در ذیل نام هیچ شاعر براشعار وی انتقاد ننموده و برعکس غالباً ازاکثر آنها بتعریف و توصیف اکتفانموده است.

گاهی اشعار بعضی شعرا را با اشعار دیگران مقایسه نموده است چنانکه درذیل نام حزین بعضی اشعار وی را بااشعار مسرور و جامی وصوفی یا درذیل نام شیدا بعضی اشعاراورابا اشعار قدسی مقایسه نموده است

سبك انشای مولف

سبك انشای مولف غالباً ساده است ولی درموارد تعریف و توصیف‌شعرا‌بنثر مصنوع وگاهی نثر مسجع پرداخته است.

در ذیل اکثر شعرا و عرفای معروف یك‌لقب توصیفی‌قبل‌از اسم‌آنها‌آورده است که دراکثر موارد بااسم یاتخلص‌آنها هم قافیه است مانند:

« مرجع مقربان رحمانی شیخ ابوالحسن خرقانی» یا « قدوةالاولیاء عظام شیخ‌احمدجام »یا « زبده اولیای جلیل شیخ ابواسمعیل» یا«آفتاب مشرق‌سخنوری حکیم اوحدالدین انوری» یا«دیباچه سخندانی میرابوالحسن فراهانی»

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ش ۲۰

۲ـ ریو ج ۱ ص ۳۷۲ الف (قرن۱۸م) و ص ۳۷۲ ب (قرن ۱۸م)

۳ـ بانکی‌پور ج ۸ش ٦۹٤ (قرن ۱۹م)

٤ـ برلن ش ٦٥٤ (تاحرف سین)

٥ـدانشگاه لاهور (ناقص ـ رجوع شود به اورینتل کالج مگزین ج۳ ش ۱ مورخ نوامبر ۱۹۲٦ص۷٥)

چاپ کتاب

این تذکره درلکهنو در۱۸۷۵میلادی‌مطابق‌ربیع‌الثانی۱۲۹۲ه بطبع رسیده است.

خلاصه تذکره حسینی

۱- اندیا آفس ش ۳۸٤۷ [۱] (مورخ ۱۱۸۷ه)

۲- ایوانو-تکمله ثانی- ش ۹۳۳ - این نسخه که بعنوان «انتخاب بعضی از لطایف و اشعار تذکره میرحسین دوست»میباشد مقدمه و خاتمه ندارد و باشیخ ابوالحسین فرقانی شروع شده بایکتا تمام میشود و مشتمل است بر۱۱۸ صفحه و مورخ ۱۱جمادی‌الاول ۱۲۵۰ه است .

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به تذکره حسینی و استوری ج ۱ ق۱ ص ۸۳۲.

فهرست اسامی شعرا ــ درهیچ کتاب ذکر نشده است.

مجمع النفایس

ابتدا

«حمد صانعی که زبان قلم وقلم زبان را به تحریر و تفسیر کلمات فصحا بمقتضای السنةالحق اقلام‌الحق موفق گردانید و بمروای‌ان تحت‌العرش الله کنزاً مفاتیحه السنه‌الشعرا بیدقدرت کامل‌خویش نیروی روان بخشید»

۱ــ این نسخه درفهرست اته‌ذکر نشده است ــ ر.ك. استوری ج۱ق۱ص xvi عبارت ۱۰۵ درذیل

شرح حال مولف

مولف این تذکره شیخ سراج الدین علی خان متخلص به آرزو و ملقب به‌استغنادخان است و اسم پدرش شیخ حسام‌الدین است که در سلك منصبداران عالمگیر شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹ه) بود وباوجود اینکه مرد نظامی بود معذالك گاهی بشعر گوئی میپرداخت وگاه حسامی و گاهی حسام تخلص میکرد ودرسال ۱۱۱۵ه فوت کرد.

نسب آرزو ازطرف پدر به‌شیخ کمال‌الدین همشیره‌زاده‌شیخ نصرالدین محمود المشتهر (معروف) به چراغ دهلی (متوفی ۷۵۷ه) و ازطرف مادر به‌شیخ حمیدالدین عرف (معروف به) محمدغوث گوالیاری (متوفی ۹۷۰ه) مولف الجواهر الخمسه که‌مزارش در گوالیار است میرسد و نسب شیخ محمد غوث بچند واسطه به‌شیخ فریدالدین عطار می پیوندد...

قیام الدین حیرت در تذکره «مقالات الشعرا» مینویسد که آرزو درسال ۱۰۹۹ه در گوالیار بدنیا آمد وسپس بدهلی رفت.

مولف «صحف ابراهیم» نیز مینویسد که او در گوالیار متولدشد اما آزاد دراین باره هیچ جاتذکر نداده است وریو و عبدالمقتدر (گردآورنده فهرست بانکی پور) میگویند که آرزو دراکبرآباد (آگره) متولد شد. همچنین خوشگو که‌ازشاگردان ارشدآرزو بوده درسفینه خود مسقط الراس (محل تولد) آرزورا اکبرآباد نوشته‌است وهمین اصح است.

اشپرنگر میگوید که آرزو در ۱۱۰۱ه در آگره‌یا گوالیارمتولد شدودرآگره بزرگ شد. آزادنیز درخزانه عامره‌سال تولدآرزو را ۱۱۰۱ه ذکر نموده است اما خوشگودرسفینه خود سال تولدآرزو را ۱۰۹۹ه نوشته وعبارت «نزل غیب» رانقل کرده است که پدرآرزو درتاریخ تولد وی گفته‌است.

اما باید اذعان کرد که آزاد و خوشگو هردو شرح حال آرزو را از خودش گرفته‌اند اماچون خوشگو به‌آرزو نزدیکتر بودو«ماده‌تاریخ تولد» آرزورا هم نقل

کرده است بنابراین قول وی در این باب اصح است.

بقول مؤلفه وی از بدو شعور تاسن چهارده سالگی بتحصیل علوم مشغول بود وغیر از کتاب گلستان و بوستان و پندنامه شیخ سعدی و نامحق (وآنهم در پنج شش سالگی) دیگر کتب فارسی نخواند و تا چهارده سالگی بکسب علوم عربیه اشتغال داشت. موقعیکه پدرش از لشکر عالمگیرشاه بگوالیار رفت در هنگام شب صدیا دویست بیت ازشعرای متاخر بآرزو یاد داده بود وهمان سرمایه شاعری آرزو بود.

بسن چهارده سالگی در وی ذوق شعر ایجاد شد و درسرزمین شورانگیز متهرا وی بشعر گوئی آغاز نمود.

چون چندی بعد دوباره به گوالیار مراجعت کرد آنجا دوسه ماه در خدمت میرعبدالصمد متخلص به سخن که سمت مشرفی جزیه آنجا را داشت اشعار خودرا بنظر اصلاح وی میگذراند ولی دیری نگذشت که میر مزبور از گوالیار به اکبرآباد رفت وآرزو مدتی با بیکسی و تنهائی دمساز بود. اتفاقاً چندی بعد صحبت میرغلامعلی متخلص به احسن بوی دست داد و درخدمت او بکسب فن شعر پرداخت.

در این مدت نزد وی درس هم میخواند و دوغزل خود را از نظر اصلاح وی گذراند و سپس تا مدتی بعلت گرفتاریهای گوناگون نتوانست بشاعری توجه کند.

سپس آرزو برای مدتی باتفاق عالمگیر شاه بدکن رفت و نه ماه در لشکر شاهی بود و بعد از اینکه عالمگیر شاه فوت کرد و شاهزاده محمداعظم بجای پدر بر تخت سلطنت جلوس کرد آرزو باتفاق شاهزاده مزبور از دکن مراجعت نمود ودر گوالیار وطن اجداد مادری خود رسید وبخواهش والده خود چندی در آن شهر اقامت نمود.

سپس از گوالیار باکبرآباد (آگره) رفت و مدت پنج سال نزد مولانا شیخ عمادالدین معروف بدرویش محمد کتب متداوله را خواند ودرضمن بشعر گوئی هم

میپرداخت . در این ایام صحبت اکثر شعرای معروف آن وقت مانند شاه گلشن ومیرزا حاتم بیگ حاتم ومیان عظمت‌اله کامل و محمد مقیم آزاد ومیان علی عظیم خلف‌الصدق میان ناصرعلی علی سرهندی وغیره باو دست داد.

چندی بعد آرزو بخواهش والده بگوالیار رفت ومدتی در آن شهر اقامت داشت تا آن که دوباره جنگ داخلی بین شاهزادگان شروع شد و بالاخره محمد عظیم الشان پسر دوم ومحمد رفیع الشان پسر سوم و جهان شاه پسر چهارم عالم گیر شاه کشته شدند ومعزالدین جهاندارشاه پسر ارشد پادشاه فاتح شد وبر تخت سلطنت نشست. بعد از جلوس جهاندار شاه (۱۱۲۶هـ) آرزو با کبرآباد رفت.

دیری نگذشت که بین جهاندار شاه و فرخ سیر پسر دوم محمد عظیم الشان جنگی در گرفت وجهاندارشاه بطرف دهلی گریخت ومحمد فرخ سیر عازم دارالخلافه دهلی شد وچون آنجا رسید عموی خود را بانتقام قتل پدر کشت و چندی « به عیش و کامرانی وسخا و زرافشانی» گذرانید.

در اوایل سلطنت محمد فرخ سیرشاه (۱۱۲۴-۱۱۳۱هـ) بسبب مأموریت بخدمتی بشاهجهان آباد(دهلی) رفت و ازآنجا بخدمت مهمی بگوالیاررفت وشش سال در آنجا براحت بسر برد.

دراین ایام کمتر بشاعری میپرداخت . درزمان تسلط سادات بارهه خدمت مذکور تغییر پیدا کرد وآرزو باردوی شاهی رسید که در آن وقت مشغول رفع شورش نیکوسیر بود ودوباره ازآنجا بخدمت سوانح نگاری گوالیار مأمورشد و درحدود ده ماه در آن شهر بسر برد. در همان اوان ستاره اقبال سادات بارهه روبه تنزل آورد وآرزو نیز ازخدمت مزبور معزول شده و چندی بیکار ماند.

بعد از جلوس رفیع الدوله (۱۱۳۱هـ) آرزو دوباره عازم اکبرآباد شد و بعد از فتح قلعه اکبرآباد بتوجه نواب میرزاخان در اطراف گوالیار بخدمتی مأمور گشت ودرحدود یکسال آنجا بسر برد.

چون بعد ازشکست عبداله خان محمدشاه (در۱۱۳۱هـ) فاتحانه وارد دهلی شد

وبر تخت سلطنت نشست آرزودرسال۱۱۳۲هـ بدهلی رفت و همانجا سکونت گزید واز آن ببعد بیشتر وقت خودرا در تألیف وتصنیف میگذرانید. (درموقع تألیف مجمع النفایس (۱۱۶۳هـ) سی‌وسه سال بود که دردهلی بسرمیبرد).

چون آرزو به‌دهلی رسید روزی برای ملاقات محمد افضل سرخوش رفت این موقعی بود که سرخوش بصارت چهم‌را ازدست داده‌بود. آرزو بفرمایش وی غزلی خواند وسرخوش بسیار محظوظ شد وبسرو پیشانی آرزو بوسه داد و گفت :

مدتیست دراین شهریم این قسم صاحب طبعی (را) از نوآمدگان شهر ندیدیم و پیش محمدحسین خان ناجی ازآرزو خیلی تعریف کرد و گفت: «تمام عمراین قسم جوان بلند تلاشی (را) ندیده‌ام»[1].

دردهلی آرزو بدوستی ضمیمانه آنندرام مخلص[2] (متوفی ۱۱۶۴هـ) مفتخرشد ومخلص بتربیت و سرپرستی آرزو کوشید وبنابر توصیه وی آرزو ازطرف دربار لقب استعدادخان ومنصب هفتصدی « وجا گیری » دروطن خود یافت[3] همچنین مؤتمن الدوله اسحاق خان اسحاق‌شوشتری[4] خان‌سامان محمد شاه(۱۱۳۱–۱۱۶۱هـ) بآرزو کمك شایانی میکرد و بقول آرزو او بیست و چند سال درخدمت اسحق‌خان بود وبعد ازوفات وی در ۱۱۵۲هـ پسر ارشد وی میرزا محمد ملقب به اسحاق خان نجم‌الدوله[5] بآرزو ماهی صدوپنجاه[6] روپیه مستمری میداد وغیرازاین کمکهای دیگر

۱– ر.ك. سفینه خوشگو

۲– برای شرح‌حال مخلص ر.ك. خزانه عامره ص ۴۲۵

۳– خوشگو مینویسد که «جاگیر» مزبور بغارت غنیم دکن رفت ر.ك. سفینه‌خوشگو

۴– برای شرح‌حال اسحاق خان شوشتری ر.ك. مآثرالامراء ج ۳ ص ۵–۷۷۴

۵– برای شرح حال نجم‌الدوله ر.ك. مآثرالامراء ج۳ ص ۶– ۷۷۵ وخزانه‌عامره ص ۲۲۲

۶– مؤلف «شمع انجمن» مینویسد اسحاق خان وپسرش هردوماهی صدوپنجاه روپیه بآرزو میداده‌اند.

هم میکرد.

در۲۹شوال ۱۱۶۳ه نجم‌الدوله درجنگی بین‌افاغنه وصفدرجنگ‌در بین‌پتیالی و سهاور در میدان جنگ کشته شدآرزو درمجمع‌النفایس درذیل شرح حال خود مینویسد:«اکنون‌سیزده‌سال است که اکثر اوقات (را)صرف خدمت وصحبت نواب نجم‌الدوله که ستاره عمردولتش براوج اقبال روز افزون وافق‌ازدیاد پیوسته‌لامع وروشن بادمینماید»[1].

حاکم در «مردم دیده» مینویسد که بعد از مراجعت نادرشاه از دهلی وی اتفاقاً بدهلی رفت واول دفعه باآرزو درآنجا ملاقات کرد ونامه‌ای کـه شاه آفرین لاهوری بنام‌آرزو داده بود بوی رسانید وآرزو از حـاکم پذیرائی گرمی بعمل‌آوردوبعد ازآن هرموقع حاکم ازلاهور بدهلی میرفت باآرزوملاقات‌میکرد وهردو باهم رفت وآمدداشتند.

درآن ایام‌آرزو مشغول نوشتن‌دیوانی درجواب دیوان فغانی بود.حاکم‌هم گـاهی بتقلید وی شعر میسرود و پیش‌آرزو میخواند و آرزو خیلی خوشحـال می‌شد.

روزی حاکم‌دیوان خودرا نزدآرزو برده‌ازوی‌خواهش کرد بتعمق‌در آن‌نگاه کرده درموردحسن وقبح‌اشعارش‌اظهارنظر کند. آرزواول‌ازقبول آن‌امتناع‌می‌ورزید امادرنتیجه‌اصرارحاکم‌قبول کردوبعدازدوماه دیوان‌رابوی‌بر گرداند ودرهرموردی که‌ایرادداشت‌دردیوان یاداشت‌نمود ولی‌اکثراین‌ایرادات‌آرزومورد پسند وموافقت حاکم قرار نگرفت و وی عقیده داشت که تنها دربعضی موارد ایرادات آرزو وارد بـود[2].

آزاد در «خزانه عامره» در ذیل‌نام حاکم لاهوری مینویسد که چون وارسته

۱ــ از این عبارت معلوم میشود که‌آرزواین قسمت ازشرح‌حال خودرا قبل‌از فوت نجم‌الدوله (۱۱۶۳ه) نوشته است

۲ ــ ر.ك. مردم‌دیده ص۷ ــ ۳۵۶

سیالکوتی اعتراضات وایرادات خان آرزو را دید در جواب آن رساله‌ای بنام «جواب شافی» نوشت اما عجب اینست که باوجوداین مناقشه صمیمیتی که بین آرزو وحاکم وجود داشت بجای خود ماند وهیچ تغییری نکرد وخان آرزو درمجمع النفایس حاکم ایخوبی یاد کرده وحاکم خان آرزو راحتی موقعیکه اواز عالم رفته و احتمال رودر بایستی وریا در بین نبود بخیر یاد میکرد ودر «مردم دیده» ازوی بسیار تعریف کرده است. چنین حسن معامله ومجاملت در بین شعرا بندرت اتفاق میافتد . آزاد عقیده دارد که وارسته سیالکوتی دررساله «جواب شافی» تنها در بعضی موارد توانسته است بایرادات آرزو خوب جواب دهد اما در بعضی موارد دراین منظور موفق نشده است و حتی اعتراف کرده است که ایرادات آرزو درچنین موارد درست وصحیح بوده است.

آزاد خودش به بعضی ایرادات آرزو وبراشعار حاکم که بعقیده وی درست نبوده در «خزانه عامره» جواب داده است [1].

خلاصه بعدازفوت نواب نجم الدوله برادر کوچک وی نواب رشید خان سالار جنگ روابط صمیمانه وقدیم خانواده خودرا با آروز ادامه داد وچون صفدر جنگ ناظم صوبه (استان) اود واله آباد درروز ۷ذوالحجه ۱۱۶۷ ﻫ فوت کرد وسالار جنگ دراواخر محرم ۱۱۶۸ ﻫ نزد شجاع الدوله به‌اود رفت آرزو راهم همراه خودبرد . دراین ایام میر محمد یوسف بلگرامی خالعزاده میر غلام علی آزاد آزرو راهم در اود ملاقات کرد وی قبلا نیز اورا درهلی دوبار دیده بود· وی طی نامه‌ای بآزاد نوشت که آروز درآنوقت دیوانی در بحور قصار نظم میکردو تاردیف دال رسانیده بود .

بزودی بین آرزو وسالار جنگ قرارشد که آرزو بقیه عمر خودرا در اجودهیا که وطن اصلی جدش شیخ کمال الدین بوده بگذراند .

حاکم در «مردم دیده» مینویسد که وی بهمراهی نواب صفدر جنگ وزیر-الممالك بصوبه (استان) اود رفت وبعد ازفوت نواب صفدر جنگ (در ۱۷ ذوالحجه

۱ ــ ر.ك خزانه عامره ص۲ ــ ۲۰۱ .

۱۱۶۷ه) خان آرزو نیز بهمراهی سالار جنگ بلکهنو[1] رسید. نواب واله(مولف ریاض‌الشعرا) نیزدرآن ایام درخدمت نواب شجاع‌الدوله خلف صفدرجنگ بود وآنجا گاهی صحبت‌هائی بین‌هرسه نفر(آرزووحاکم و واله) صورت‌میگرفت‌ولی چندی بعدحاکم و واله بدهلی رفتند ولی خان‌آرزو درلکهنوماند[2].

دیری‌نگذشت که سالارجنگ‌خان‌آرزو را به‌نواب‌شجاع‌الدوله معرفی کرد ونواب‌مزبور ماهی سه‌صدروپیه مستمری برای‌آرزو مقرر کرد اما هنوز چند ماه بیش‌نگذشته بود که خان‌آرزو بمرضی‌شدید وخطرناك مبتلاشد وچون دانست که مرگ وی نزدیك است وصیت کرد که بعداز مرگ جسد اورا بدهلی برده‌آنجا دفن کنند. بالاخره در۲۳ربیع‌الثانی ۱۱۶۹ه(مطابق ۲۶ژانویه ۱۷۵۶م) بسن‌هفتاد سالگی درلکهنو فوت کرد.

آزاددر«سروآزاد»مینویسد که آرزو درجمادی‌الاخری سنه ۱۱۶۹ه دربلده لکهنوفوت کرد ودرهمان شهر مدفون گردید اما درخزانه عامره مینویسد که اول جسد وی را درلکهنو امانت گذاشتند وچندی بعد بقیه جسد وی را بدهلی برده آنجادفن کردند و قول‌آخروی اصح است.

شفیق در« چمنستان شعرا » قطعه تاریخ فوت‌آرزو راکه آزاد گفته است و در « سروآزاد »آمده است نقل کرده که بقرارزیراست.

سراج‌الدین علی‌خان نادرعصر	زمرگ او سخن راآبرو رفت
اگر جوید کسی سال وفاتش	بگو، آن‌جان معنی‌آرزو رفت

(=۱۱۶۹ه)

۱ـ ناگفته نماندکه درآن ایام لکهنو مرکز شعر وادب فارسی بوده و بعلت تربیت وسرپرستی علم و ادب ازطرف نوابان اود اکثراهل‌علم‌وفضل ازتمام‌گوشه وکنارهندوستان بسوی لکهنو روی‌آورده دراین شهرجمع شده بودند.

۲ـ د.ك. مردم دیده ص ۷ـ ۵۶ .

آزاد در خزانه عامره «قطعه زیر را آورده است که وی در تاریخ فوت آرزو گفته است:

خان والاشان سراج الدین علی — شمع رونق بخش بزم گفتگو
زد رقم آزاد سال رحلتش — رحمت کامل بروح آرزو

(=۱۱۶۹ھ)

دکتر منوهر سهامی انور مینویسد که بعداز مرگ آرزو طبق وصیت وی جسد اورا بدهلی برده در منزل شخصی وی[1] در وکیل پوره واقع در دارالسلطنت دهلی در نزدیکی رودخانه جمنا بخاک سپردند [2].

خان آرزو یکی از نوابغی است که از سرزمین شبه قاره هند و پاکستان برخاسته اند وی نه تنها شاعری ماهر و ادیبی لبیب بود. بلکه در فن تاریخ نویسی و زبانشناسی وفن شعر و فرهنگ نویسی و نقد ادب و شرح شعر هم «اقتدار و دستگاه» کامل داشت و در بین دانشمندان آن دوره هیچکس مثل او جامع جمیع فنون و علوم نبوده است. وی باچندین زبان آشنائی کامل داشت و اول کسی بود که بوسیله آشنائی خود با زبان سانسکریت توانست تشابه و تجانس بین زبانهای سانسکریت و فارسی را درك و احساس کرده و نزدیکی این دو زبان را آشکار کند [3].

باوجود این علم و فضل آرزو هیچوقت غرور و تکبر را بخود راه نمیداد و همواره عقاید و آرای نقادان و ایراد گیران را با کمال خونسردی مورد تحقیق و تدقیق قرار

---

۱ ـ خوشگو راجع باین منزل در سفینه خود مینویسد «لاجرم بگوشه و توشه در ساخته مکانی (منزلی) بیرون وکیل پوره در دارالخلافه مرتب فرموده متصل رای خجسته رای آنند رام مخلص ... اقامت دارند و صحبت میان این هردو بزرگ بسیار گرم است».

۲ ـ ر.ك. مقاله بعنوان «خان آرزو و آثار وی» از دکتر منوهر سهامی انور رئیس قسمت فارسی و عربی وارد و دردانشگاه پنجاب دانشکده کامپ دهلی که در مجله هندوایران (اندوایرانیکا) ج۱۳ ش۴ مورخ دسامبر ۱۹۶۰ م بانگلیسی چاپ شده است.

۳ ـ ر.ك. سراج اللغات.

داده ایرادات صحیح را با کمال شهامت قبول میکرد و تا آخر عمر حاضر بود خود را اصلاح نموده معایب و نقایص خود را رفع سازد و حتی بسن پنجاه و چهار سالگی هم در فن شعر برخود اعتماد کامل نداشت چنانکه اعتراف میکند :

«خدا آگاه و انصاف گواه است که فقیر آرزو از عمر (سن) چهارده سالگی مشق شعر میکنم و تا امروز که پنجاه و چهار مرحله از عمر طی شده برخود اعتماد ندارم . . . هر چند مسودات نظم و نثر و کتب و شرح و فرهنگ و غیره قریب صد هزار بیت مکتوب شده باشد[1] .

اما باید اذعان کرد که بعضی از شاگردان آرزو مانند مخلص و خوشگو و مظهر و واقف مدتی قبل از مرگ استاد خود دیوانهای خود را ترتیب داده بودند و همچنین بعضی شاگردان وی مانند آبرو و مضمون و یکرنگ و میر سودا و درد و غیره که از شاگردان و تربیت یافتگان خوشگو و مظهر بودند از جمله شعرای معروف ریخته (اردو) بوده‌اند . باوجود اینکه بسیاری از شعرای معروف اردو شاگرد آرزو بودند معهذا خودش بندرت بار دو شعر میسرود .

در آن عصر هیچکس درسراسر هند و پاکستان نمیتوانست درعلم و فضل حریف آرزو شود و بارزترین ثبوت این امر عقیده تذکره نویسان معاصر است که درمورد مقام علمی آرزو اظهار کرده‌اند[2] . مخصوصاً قایم چاندپوری در «مخزن نکات» مینویسد در حال حاضر ممکن نیست تصور کرد که شاعری بزرگتر و فاضلتر از آرزو وجود دارد. همچنین مولف «مجموعه نغز» مینویسد :

«اگرچه زبان دانان ایران از مهر حسد بنفس الامراز او حسابی نمیگیرند (نمی برند) اما حق آنست که وجود چنین کس در خاک هندوستان حکم اکسیر اعظم (را) دارد» وسپس میگوید همچنانکه علمای اهل حق را اعیال ابوحنیفه کوفی میگویند

---

۱ ـ ر.ك. سفینه خوشگو چاپ پتنه .

۲ ـ ر.ك. تذکره ریخته گویان گردیزی و مخزن نکات قایم چاندپوری وتذکره حسینی وسرو آزاد ومجموعه نغز .

دا گر شعرای هندی‌زبان‌راعیال خان‌آرزو گویند می‌سزد»[1].

بعقیده‌بلوخمان درمیان شارحانی که‌ازسرزمین هندوستان برخاسته‌اند‌آرزو بهتر ازهمه‌آنهاست، شرح وی براسکندر نامه نظامی وقصاید خاقانی وعرفی‌وهمچنین شرح گلستان وی بنام «خیابان» بسیار ارزش دارد . بلوخمان عقیده دارد که بهتر بود‌اگر برهان‌قاطع‌را بدون انتقادات آرزوچاپ‌نمیکردند وهمچنین‌وی‌توصیه‌میکند که «تنبیه الغافلین» آرزو راحتما بایدمطالعه کرد چون این برای گرد‌آورندگان فرهنگ ونویسندگان دستور بسیارسودمند است بجهت اینکـه در این کتاب بعضی اشاراتی بسبك واصطلاحات فارسی آمـده است[2].

آثار مولف

سن‌خان آرزو هنوز از چهل وهشت سال تجاوز نکرده بود که کتب زیر را تألیف نمود :

۱ ــ سراج‌اللغه (یالغات) در ۱۱۴۷ ه تمام شد ــ فرهنگ کلمات غیر عربی است که شعرای متقدم‌فارسی بکاربرده‌اند . قریب به‌چهل هزاربیت باستشهادآورده است ودربعضی موارد بر برهان قاطع‌وفرهنگ رشیدی‌انتقاد کرده است گاهی‌تشابه وتجانس بین‌سانسکریت وفارسی‌را‌نشان‌داده‌است . تیك‌چند مولف « بهارعجم » که ازشاگردان آرزوبوده‌این‌فرهنگ رادرفرهنگ خود شامل کرده است. برای نسخ رجوع‌شود به اته ۲۵۱۳ ولیندزیانا ص ۲۱۶ ش ۷۶۶ وایوانو ۱۴۳۴.

۲ ــ چراغ هدایت ـ دفتردوم سراج اللغه ـ فرهنگ فارسی است مشتمل بر کلماتی که شعرای‌متاخر (بعدازجامی) بکاربرده‌اند و در فرهنگ‌های قدیم‌مانند فرهنگ جهانگیری ومجمع الفرس سروری و برهان قاطع نیامده است. درایـن

---

۱ ــ ر.ك. مجموعه نغزچاپ‌لاهور ج ۱ ص ۲۴ .

۲ ــ ر.ك. بلوخمان «فرهنگ نویسی فارسی» (انگلیسی)

Contributions to Persian Lexicography.

فرهنگ مـولف قریب بـه پنج هـزار بیت را بـاستشهاد آورده است . برای نسخ آن رجوع شود بهریو ج ۲ ص ۵۰۱ ب وج۳ص ۹۹۷ الف و۱۰۷۰ الف و ایوانو۷ـ۱۴۳۶واپوانو ـ کرزن ۵۲۶وبانکی‌پور ج ۹ش ۹ـ۸۰۷ وبرلن ۱۲۰(۱)و براون ذیل ۳۸۵ واته ۲۵۱۴ ودانشگاه‌لاهور (دونسخه) چاپ درحاشیه‌غیاث‌اللغات غیاث‌الدین‌محمد رامپوری ودر کلکته بسال ۱۸۶۸م و ۱۸۷۰م و۱۸۷۴م و۱۸۷۸م و ۱۸۹۰م/۱۳۰۷ه ولکهنو۱۲۹۶ه وبمبئی۱۸۸۰م .

۳ ـ کلیات اشعار غزل و قصیده وغیره (نظم‌ونثر) مشتمل برقریب به سی هزار بیت.

٤ـ دیوانی‌درجواب دیوان اطهرشیرازی که درهندوستان‌خیلی معروف بود دراین‌دیوان آرزوغزل بغزل بدیوان اطهرجواب نوشته‌است(نیزرجوع‌شود به‌ش۲۸و۲۹ آثارمولف) .

۵ ـ مثنوی‌سوزوساز (یاشورعشق) درجواب محمود وایازملازلالی.

٦ ـخیابان‌درشرح گلستان‌سعدی که‌دراوان کودکی‌نوشته‌بود.دراین کتاب آرزو کلمات‌واصطلاحات‌مشکل گلستان‌راشرح‌داده‌است‌ودرضمن بربعضی‌شروح‌قدیم مانندشرح میرنوراله احراری وملاسعد وغیره مفصلا انتقاد کرده است وقریب بسه هزاربیت‌باستشهاد آورده‌است . برای‌نسخ آن رجوع شودبه اشپرنگرش۴۸۱وبادلین ۷۲۵ وبرلن ۴۹(۲) چاپ‌در کانپور‌هندوستان‌بسال۱۲۹۳ه .

۷ ـ شکوفه‌زار ـ در شرح قسمت اول اسکندرنامه ـ در ایـن کتاب‌ضمنـاً بر شروح قـدیم انتقاد کرده‌است .

دراین کتاب قریب به‌شش‌هزاربیت‌باستشهاد آورده است . برای‌نسخ آن‌رجوع شودبه‌اشپرنگرش۴۲۶ وریوذیل۲۳۲ واندیا آفس دی‌ـپی ۱۲۴۲الف‌وب ودانشگاه لاهوروکتابخانه‌ایگره ص۴۹ وآصفیه ج۲ص۱۴۸۲ وبرلن ۷۳۶ ـ چاپ‌درحاشیه اسکندرنامه دربمبئی‌بسال۱۲۷۷ه .

۸ ـشرح‌قصایدعرفی ـ شامل‌قریب‌به‌چهارهزاربیت‌ـ درضمن جواب‌اعتراضات

منیر لاهوری راهم داده است . برای نسخ آن رجوع شود به اندیا آفس دی-بی ۱۲۸۶ الف و ب و ج.

۹ - سراج منیر - درجواب رسالهٔ منیر بنام «کارنامه» در اعتراضات بر چهار شاعر : عرفی وطالب و زلالی وظهوری شامل دوهزار بیت.

۱۰ - عطیه کبری دربیان (سبك) فارسی که بقول مولف درموضوع خوداولین کتابی است که قریب به یکهزاروپانصد بیت بطوراستشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع شود به ایوانو ۳۹٤ و ایوانو - کرزن ۱۷۷ و ایوانو تکمله ثانی ۹٦۹ (٤) وبانکی پورج۹ش ۸٥٤(۲)ومدراس۴۸۳- **چاپ** - کلکته ۱۸۳۲م(که باموهبت عظمی دریکجا چاپ‌شده است) و کانپوربسال ۱۸۹۷ م.

۱۱- موهبت عظمی- درفن معانی و بیان فارسی که بقول مولف مانند عطیه کبری در این موضوع اولین کتاب است که قریب دوهزار بیت باستشهاد دارد. برای نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ج ۹ ش ۸۹٤ الف و ایوانو تکمله ثانی ۹٦۹(٥) و ۹۷۰-چاپ کلکته ۱۸۳۲م (که باعطیه کبری در یکجا چاپ‌شده است)

۱۲- سراج وهاج - شرح «محاکمه» شعرا که بر بیت خواجه حافظ شیرازی نموده (ودرحل آن بیت مباحثه نموده‌اند).

۱۳- آداب عشق - در تحقیق آداب عشق.

۱٤-معیار الافکار- درقواعد صرف و نحوفارسی.

۱٥- جوش وخروش - درجواب سوزو گداز نوعی خبوشانی.

۱٦- مهروماه - مثنوی در بحرغیر متعارف. برای نسخ آن رجوع شود به لینڈزیا تا ص ۲۱٦ ش ٦۲۰ و دانشگاه لاهور.

۱۷- مثنوی بوزن حدیقه سنائی که تا تألیف سفینه خوشگو ناتمام بود.[۱]

۱۸- عالم آب-ساقی نامه درجواب ساقی نامه ظهوری.

۱- سفینه خوشگو چاپ پتنه مذیل شرح حال آرزو

۱۹ـ پیام‌شوق ـ درجواب مراسلات و مکاتیب اعزا (خویشاوندان) .

۲۰ـ گلزارخیال ـ درتعریف بهار وجشن‌هولی (هندوها).

۲۱ـ آبروی‌سخن ـ دروصف حوض‌وفوارموتاك.

۲۲ـ شرح مختصر المعانی.

۲۳ـ عبرت فسانه درجواب «قضاوقدر» ملاقلی سلیم که ناتمام ماند.

دربین سالهای ۱۷۳٤ م و۱۷۵۳ م مطابق ۱۱٤۷تا۱۱٦۷ه آرزو کتب زیررا تألیف نمود .

۲٤ـ تنبیه الغافلین ـ آرزو« ازدیوان شیخ‌علی حزین پانصدبیت نا مربوط و محل ایراد درآورد »[1] و دراین رساله قریب بـه‌هزار بیت‌بطور استشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع‌شود به‌اندیاآفس‌دی پی٤۲۳(ج)و دانشگاه‌لاهور.

۲۵ـ احقاق‌الحق ـ کتاب دیگردر انتقادبراشعار حزین[2].

۲٦ ـ تصحیح غرایب اللغات عبدالواسع هانسوی که فرهنگ کلمات اردو است بامترادف آن بفارسی وعربی و ترکی . برای نسخ آن رجوع شودبه‌ریو ج۲ ص۱۰۳۰الف و بانکی پور ج ۹ ش ۸۳۸ و ایوانو تکمله ثانی ۹٦۹ (۷) وعلیگره ص٥٦ ش ۱٦و۲۱ ودانشگاه لاهور (دونسخه)

۲۷ـ دادسخن ـ شرح قصیده «محاکمه» منیر که براعتراضات شیدابرقصیده

۱ـ مولوی امام بخش صهبائی کتابی درهمین موضوع بنام « قول فیصل» نوشت که درکانپور بسال۱۸٦۲م بچاپ‌رسیده‌است‌ودرجلد۳ کلیات‌صهبائی‌شامل‌است(ر.ك. کلیات‌صهبائی چاپ‌کانپور ۱۷۷۸ م ولکهنو ۱۸۸۰ م) همچنین بقول بلوخمان محسن علی برادر زاده آرزو نیزکتابی درهمین موضوع نوشت و تیك چند ومیرزا قتیل و وارسته از حزین دفاع کردند .

۲ـ نسخه‌ای از این‌کتاب موجود نیست اما صهبائی‌کتابی بنام «اعلای حق» درهمین موضوع نوشته بودکه درکلیات وی موجود است(ر.ك. کلیات صهبائی‌چاپ کانپور۱۸۷۸م ولکهنو۱۸۸۰م)

قدسی سروده بود شامل سه‌هزار بیت. برای نسخ آن رجوع شود به ایوانو ۲۹۳ و دانشگاه لاهور.

۲۸و۲۹- دیوان درجواب دیوان سلیم ودیوان دیگر درجواب دیوان فغانی درتذکره خود مینویسد که دیوان‌خود رادرجواب سلیم واطهر وفغانی نوشته و اول این اشعار جدا بود امابعداً این راشامل یك دیوان بزرگی کرده است. برای نسخ آن رجوع شود به ایوانو- کرزن ۲۹۵و۲۹۶ و بانکی پور ج ۳ش ۳۹۹.

۳۰- مجمع‌النفایس- تذکره مورد بحث.

۳۱- مثمر- درعلم اصول لغت ودستور فارسی بطرز «مظهر» امام جلال‌الدین سیوطی. چون‌این کتاب مستلزم اطلاعات وسیعی درباره زبان وادبیات فارسی ولغات سنسکریت بود بنابراین هیچکس درآن ایام در سراسر هندوستان بهتر از آرزو وجود نداشت که بتواند بتألیف این کتاب مبادرت نماید. برای نسخه‌آن رجوع شود به ایوانو- کرزن ۵۵۰.

۳۲- شرح گلگشتی میر نجات

درمدت‌اقامت در اجودهیا آرزو کتب زیر را تألیف نموده است:

۳۳- دیوان بزرگ شامل غزل وقصاید و رباعیات وغیره. برای نسخه‌آن رجوع شودبه‌ش۲۸و۲۹فوق.

۳۴- زایدالفواید[1] - فرهنگ مصادر غیر معروف فارسی بامشقات غیر معروف آن - این کتاب ناتمام ماند. برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو تکلمه ثانی ۹۶۹ (۱۱)

۳۵- دیوان درجواب دیوان کمال‌خجندی - (ناتمام‌ماند)

۱- دکترمنوهر سهای درمجله هند و ایران ج ۱۳ ش ٤ مورخ دسامبر ۱۹۶۰م اشتباهاً «زوایدالفواید» نوشته است. بظاهر این کتاب مربوط به«زوایدالفواید»عبدالواسع هانسوی است که در همین موضوع است و نسخه‌ای از این کتاب دردانشگاه لاهورموجوداست رجوع شود به اورینتل کالج مگزین ج ۸ ش ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۲م ص ۷۳.

غیراز کتب فوق خان آرزو کتاب زیر را نیز تالیف کرده است ؟

۳۶ ـ نوادر الالفاظ ـ در بیان لغات هندی که فارسی و عربی آن در هند غیرمعروف بود مشامل قریب به پنج هزار بیت که بطور استشهاد آورده است .

تذکر ـ برای بقیه آثار آرزو رجوع شود به فهرست اشپرنگر و بانکی پور .

تبصره بر کتاب

مولف ظاهراً تألیف این تذکره را بسال ۱۱۶۳ ه [1] (قبل از فوت نجم الدوله) شروع کرده است و بقول اشپرنگر در ۱۱۶۴ ه باتمام رسانیده است ـ آزاد نیز در خزانه عامره (ص ۸ـ۱۱۷) سال تالیف این تذکره را ۱۱۶۴ ه ذکر نموده است .

درمورد سبب تألیف مؤلف در دیباچهٔ کتاب چنین توضیح میدهد که او شوق فراوان بخواندن اشعار فارسی داشت و مدتی دواوین و تذکره ها و سفاین وغیره کتب بزرگان (را) مطالعه مینمود اما چون این اشعار را فراموش میکرد یکی از رفقای او «سفینه ضخیمی» آورد که هرچه اشعار اساتید را آرزو انتخاب نماید در آن سفینه هم ثبت کند. بالاخره آرزو اشعار منتخب از صد دیوان شعرای متوسط و متأخر را در آن سفینه جمع نمود . بعداً بخاطر مؤلف رسید که پاره‌ای از احوال آن شعرا را نیز بنویسد و بنابراین از تذکره های مختلف آنرا جمع نموده بصورت تذکره‌ای در آورد .

بقول اشپرنگر عده شعرای این تذکره ۱۴۱۹ و بقول عبدالمقتدر (فهرست بانکی پور) ۱۷۳۵ میباشد که آنها را بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص آنان ذکر نموده است .

مؤلف در دیباچه اسم تذکره‌های زیر را ذکر نموده است که از آن در تألیف این این کتاب استفاده است .

۱ ـ تذکره (عرفات) تقی اوحدی .

۲ ـ تذکره نصرآبادی .

---

۱ ـ درذیل نام حشمت مینویسد: «درهمین سال که سنه ۱۱۶۳ هجری است...»

۳ ـ کلمات‌الشعرا .

۴ ـ تحفه سامی .

ازجمله مآخذفوق مؤلف مخصوصاً از تذکره عرفات خیلی استفاده کرده است و اکثر مطالب را از آن تذکره اقتباس و نقل کرده اما گاهی بر بعضی اقوال وی انتقاد نموده است .

همچنین در بعضی موارد اقوال تذکره نگاران دیگر را نوشته و آنچه را خودش تفحص نموده است نیز نوشته است . گاهی تنها بنقل اقوال تذکره نگاران اکتفا نموده است .

این تذکره با «ابویزیدبسطامی» شروع شده با «محمد اشرف یکتا کشمیری» تمام میشود وشامل ذکر شعرای متقدم ومتوسط ومتأخر میباشد ـ دراین تذکره مؤلف قریب بچهل هزار بیت ازشعرای متقدم ومتأخر جمع نموده است.

شرح احوال اکثر شعرا را خیلی مختصر اما اشعار شعرا را معمولا مفصل آورده است در ذیل نام قریب صدو پنجاه شاعر شرح حال آنان را نسبة مفصل آورده است و اطلاعات لازم درباره زندگی آنها را نیز فراهم آورده است مانند آرزو و بیدل وجامی و تقی اوحدی وغیره .

اما درذیل قریب صدشاعر باوجود اینکه شرح حال آنها را مفصل آورده است اما اطلاعات مهمی درباره زندگی آنها را بهم نرسانیده است مانند اهلی خراسانی واهلی شیرازی وانیسی واذهم واحسن وآشنا وجلال اسیر وغیره.

درموقع نوشتن شرح حال شعرا سعی ننموده است شرح حال آنان را مفصل یا حتی جامع اکثر اطلاعات مهمی درباره زندگی آنان باشد ، اما درباره مقام وپایه شعر آنان غالباً اظهار نظر کرده است و ازاین حیث هیچ تذکره‌ای نمیتواند حریف مجمع‌النفایس باشد .

اکثر این عقاید خالی از اغراض شخصی است ومؤلف بیدلیل از کسی انتقاد ننموده است .

درذیل نام قریب چهارصدشاعر اشعار آنان رامفصل آورده است ومخصوصاً اشعار منتخب ازخود رامفصل تر ازهمه (در۱۷صفحه و بقول خودش ششصدوهشتاد وپنج بیت وچند رباعی) آورده است وبعد ازاشعار خویش اشعار بیدل عظیم آبادی را ازسایرین مفصل تر نقل کرده است .

درذیل اشعار بعضی شعرا ازخودش هم اشعاری نقل کرده است و گاهی اشعار خود رادرذیل گفتار دیگران خیلی مفصل آورده است .

گاهی بعضی اشعار شعرا رااصلاح نموده است وآنچه بنظر اوصایب وبهتر بوده نوشته است مثلارجوع شودبه اثر شیرازی .

سبك انشای مؤلف غالباً غیرمصنوعی است اما کلمات عربی را بفراوانی بکار برده است که گاهی بعضی عبارات را بصورت غریب وعجیب در آورده است اماغالباً ازنوشتن عبارات مصنوعی وپرتکلفی احتراز ورزیده است .

رویهمرفته ازحیث نقد ادبی این تذکره بهترین تذکرهای فارسی است اما قسمت شرح حال شعرا زیادمفید وباارزش نیست .

مؤلف درشعر ذوق خوبی داشته وبنابراین انتخاب اشعار شعرا نیز معمولاخوبست. درموقع انتخاب اشعار برعکس اکثر تذکره نگاران هندوپاکستان سعی نکرده است اشعاری را که مخصوصاً دارای صنایع لفظی ومعنوی باشد انتخاب نماید بلکه اشعار روان و مطبوع را انتخاب نموده است .

درمورد این تذکره آزاد در«خزانه عامره»[1] چنین اظهار نظر میکند،

« (آرزو) درجمع اشعار آبدار وانتخاب دواوین اهتمام عظیمی بکار برده. حقاً که فتاوای اشعار متاخرین است. هرچندمتوجه تحریر احوال شعرا وضبط تاریخ ولادت ووفات وسنوات وقایع و ذکر شعرا بترتیب زمان نیست و ظاهر است فرق در بیاض (جنگ) وتذکره همین باشد که بیاض تنها اشعار شاعر دارد وتذکره احوال واشعار هر دو دارد لیکن خوددر دیباچه وخاتمه کتاب عذر این معنی برمیگذارد ومعهذا درضمن

---

۱ ــ ر.ك. خزانه عامره ص ۱۱۸ .

عبارات صاف (و) بی‌تکلف لطایف وتعبیرات تازه با برخی فواید منشرح ساخته از این سبب کتاب او را کیفیتی خاصی بهم رسیده » .

نسخ خطی

۱ – اته ۶۸۰ (ج۲ کتاب است با ضیاء الدین فارسی شروع شده با حرف «یا» تمام میشود و مورخ ۱۱۶۶هـ است که از نسخه مولف استنساخ شده است) .

۲ – اندیا آفس دی پی ۷۳۹ (ناقص[۲]).

۳ – بانکی پور ج ۸ ش ۶–۶۹۵ مورخ ۱۱۷۹ هـ .

۴ – بادلین ۳۸۰ (تاریخ ندارد) .

۵ – ایوانو ۲۳۱ (تنها حرف الف تا جیم دارد – مورخ قرن ۱۹م) .

۶ - دانشگاه لاهور دو نسخه. (یکی نقطه‌های غلط دارد و دیگری ناقص الاول و آخر است و با آرزو ناقص الاول شروع شده با قاضی سلام اله ناقص الاخر تمام میشود) .

خلاصه مجمع النفایس

۱ -منتخب مجمع النفایس –برای نسخ خطی آن رجوع شود به اته ۶۸۱ مورخ ۱۲۴۳هـ مطابق ۴۲ سال اکبرشاه ثانی (۱۲۲۱-۱۲۵۳هـ)(تمام شعرای مجمع النفایس دارد اماشرح حال شعرا خیلی مختصر است یا اصلا نیست) و اندیا آفس د ۴۰۱[۲]

۲ –جامع الفواید – این کتاب را کهرك پت رای کایست در ۱۱۹۵ یا ۱۱۹۶ هجری با انتخاباتی از تراجم شعرا تذکره آرزو و نقد و نظر بر اشعار شعرا ترتیب داده است. برای نسخه خطی آن رجوع شود به اندیا آفس ش ۴۰۸۱ مورخ ۱۱۹۶هـ[۲]

برای شرح حال **خان آرزو** رجوع شود به مجمع النفایس و اشپرنگر ص۳-۱۳۲ و مقالات الشعرای حیرت و صحف ابراهیم ش ۳۹۳ و سرو آزاد و خزانه عامره ص۱۱۶–۱۲۱ و ریاض الشعرا و مردم دیده و سفینه خوشگو و چمنستان شعرای شفیق و

---

۲ – این نسخه در فهرست اته ذکر نشده است. ر.ك. استوری ج۱ ق۱ ص xvi در ذیل عبارت .I O.

ومنتخب‌الاشعار مبتلا ش ٨٤ ودیوان منتخب سراج (اشپرنگرص ١٥٠) وذکرمیر ص٤-٦٣ و خلاصة‌الکلام ش٨ و خلاصة الافکار ش ٤٠ ومخزن الغرایب ش٢٢٩ و مجموعه نغز ج١ ص٦-٢٤ ربلوخمان «فرهنگ نویسی‌فارسی» (انگلیسی) (مجله انجمن آسیائی بنگال ش٣٧قسمت ١ مورخ ١٨٦٨ ص١٨-٢٥ و ٧٠-٧١) وگارسن دتاسی ج١ ص٨-٢٢٦ وبیل «فرهنگ تراجم شرقی» (انگلیسی) درذیل نام‌سراج‌الدین‌علی خان وآب‌حیات آزاد (اردو) ص٥-١٢٣ وریو ج ٢ص٢-٥٠١ و رحمن علی ص٧١ و بانکی‌پور ج ٣ص٨-٢١٧ وج ٨ص١١٢ وتاریخ ادبیات اردو تألیف رام بابوسکسینه (انگلیسی) ص٨-٤٧ وقاموس‌العالم تالیف‌شمس‌اله قادری (اردو) حصه اول - چاپ حیدرآباددکن ١٩٣٥ م ستون٢٦-٢٩ ومقاله دکترمنوهرسهای انوربعنوان «خان آرزو وآثاراو» (بانگلیسی) (رجوع سود به مجله هند و ایران ج ١٣ ش ٤ مورخ دسامبر ١٩٦٠م).

فهرست اسامی شعرا- رجوع‌شود به مجمع النفایس.

تذکرة المعاصرین

ابتدا

« تعالی‌اله حمد بیچونی که اوراق پریشان مجموعه کون و مکان را برشته ایجاد شیرازه بسته وازترکیب ظلمت ونور عدم وظهور صفحه ساده امکان را بچندین نقش ونگارغریب آراسته».

شرح‌حال مولف

اسم مؤلف این‌تذکره با القابش شیخ جمال الدین ابوالمعالی محمد علی و متخلص بحزین است. یکی‌ازاجداد وی شیخ‌شهاب الدین علی بلده‌آستارا راکه

موطن او بوده ترک گفته بدارالسلطنت لاهیجان موطن اجداد حزین گردید از آنجمله شیخ علی بن عطاءاله ازمعاریف علمای زمان خود بود و بگفتن شعرهم رغبتی داشت و وحدت تخلص میکرد ، خان احمد خان پادشاه گیلان نظر باستعداد و فضل وی در تعظیم و تکریم وی مبالغه مینمود ودر مسایل علمی ازوی استفاده میکرد .شیخ علی در دارالسلطنت بصحبت شیخ جلیل بهاءالدین محمد عاملی رسید و هر دو باهم موانست ومحبت تمام داشتند .

نسب حزین ازپانزده واسطه بهشیخ زاهد گیلانی [1] میرسد که پیرو مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی سرسلسله سلاطین صفوی بود.

پدرحزین ابی طالب زاهدی لاهیجی جیلانی است که بسن بیست سالگی ازلاهیجان باصفهان رفت و آنجا به تحصیل علوم پرداخت وسپس همآنجا منزلی خریده توطن گـزید و در سال ۱۱۲۷ ه بسن شصت و نه سالگی در آن شهر در گذشت . حزین پسر ارشد ابی طالب بود . یکی از برادران او در کودکی و دو برادر دیگر در عنفوان شباب فوت کردند.

حزین در روز دوشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۱۰۳ ه در اصفهان متولد شد و بسن چهار سالگی شروع بتحصیل کرد و در عرض دو سال سواد خواندن و نوشتن را کسب کرد وبزودی ذوق وشوق فراوانی برای تحصیل علوم در وی ایجاد گردید و وی بسیاری از کتب نظم و نثر فارسی را مطالعه کرده بخواندن رسایل صرف و نحو و فقه و منطق همت گماشت و چون ذوق شعر داشت و از خواندن آن بسیار لذت میبرد خود او نیز بگفتن شعر پرداخت ولی تا مدتی شعر خودرا ازنظروعلم دیگران پنهان داشت و چون استاد وی از این موضوع باخبر شد ویرا ازسرودن شعر منع کرد و پدرش هم بسختی در این امر تأکید نمود ولی حزین با وجود این همه تهدیـدات و سختی ها از گفتن شعر دست نکشید و هر موقعیکه شعری

---

۱ ـ اسم شیخ زاهد گیلانی در نفحات الانس در ذیل ترجمه امیر قاسم تبریزی مسطور است .

بخاطرش وارد میشد آنرا یادداشت میکرد اما از دیگران پنهان میداشت.

درسن هشت سالگی بامر پدر خود مشغول یادگرفتن تجوید وقرائت قرآن شد و دوسال دراین فن مشغول بود و دراین مدت چندرساله در فن تجوید مطالعه کرد. سپس پدرش شخصاً بتدریس وی پرداخت وحزین شرح جامی بر کافیه وشرح نظام برشافیه و تهذیب و شرح ایساغوجی و شرح شمسیه و شرح مطالع در منطق و چند کتاب دیگر در فقه و حدیث و اصول نزد پدر خود خواند. همچنین بامر پدر در حدود سه سال در خدمت شیخ خلیل‌اله طالقانی تحصیل کرد. اتفاقاً شیخ مزبور حزین را از گفتن شعر منع و زجر نمیکرد و حتی گاهی بشعرهای تازه وی گوش میداد و بقول حزین وی این تخلص‌را بنا بتوصیه و پیشنهاد وی اختیار نمود. بعداز فوت شیخ مزبور حزین نزد شیخ بهاءالدین گیلانی تحصیل میکرد.

حزین ده ساله بود [1] که پدرش بقصد ملاقات و زیارت برادر و اقارب خود بلاهیجان رفت وحزین‌را همراه خود برد. حزین قریب یکسال درلاهیجان توقف نمود ورساله خلاصة‌الحساب را درخدمت عموی خود شیخ ابراهیم زاهدی جیلانی (متوفی در۱۱۱۹ هـ)خواند.

بعد از یکسال باصفهان مراجعت نمود و در صحبت بعضی علمای این شهر کسب فیض کرد ومخصوصاً علم هیأت وتفسیر ومنطق و طب وهندسه را دراین مدت درخدمت فضلای اصفهان فرا گرفت.

روزی در مجلسی پدرحزین ازوی خواست که غزلی بر بیت زیر محتشم کاشی بسازد و بخواند:

ای قامت بلند قدان‌در کمند تو — رعنائی آفریده قد بلند تو

حزین غزلی ارتجالا ساخت و در آن مجلس خواند. حضار مجلس این غـزل را بسیار پسندیدند و از همان وقت پدر حزین نیز باو اجـازه گفتن

۱ــ ر. ك. تذكرة‌المعاصرين.

شعر را داد [1].

در همان اوان روزی حزین سوار اسب شده در صحرا مشغول اسب دوانی بود. ناگهان‌ازاسب بزمین افتاد و استخوان دست راست وی شکست و تا مدت یک سال خوب نشد اما درآن روزها هم حزین ازکارنوشتن و خواندن غافل نشد وقلم را بدست چپ گرفته مینوشت. از جمله اشعاری که درآن ایام سروده بود ساقی‌نامه‌ایست در قریب یکهزار بیت.

حزین در اصفهان با بعضی اکابر علماء و فضلای آن شهر صحبت وآشنائی داشت از جمله مولانا محمد باقر مجلسی [2] و میرزا علاء الدین محمد معروف به گلستانه و شیخ جعفر قاضی و مسیح‌الزمان آخوند مسیحائی کاشانی و مولانا حاجی ابوترابی و میرزا باقر قاضی و مولانا شمس‌الدین محمد از علمای معروف زمان خود بودند.

---

۱ – مؤلف«مخزن الغرایب»مینویسد که روزی دو سه نفر از فضلاء مهمان پدر شیخ حزین بودند و بپدرش گفتند که این پسر شما خدا فضلش زیادکناد معروف جهان خواهد بود عجب طبیعت وذهن رسا دارد مخصوصا در علم شعر. از استماع این حرفها حزین که از پدر خود مخفیانه شعرمیسرود پیش پدر خیلی خجالت‌زده شد. در این اثناذکرشعرای گذشته بمیان آمد و نوبت بفضل مولانا محتشم کاشی رسید همه حضار بمدح و ثنای او لب گشادند و بیان این مطلع در میان‌آمد :

ای گردن بلند قدان درکمند تو   رعنائی آفریده قد بلند تو

مولانا حسن‌که از فضلای زمان بود در آن مجلس تشریف داشت بشیخ گفت مطلعی در جواب‌آن مطلع بسازد شیخ بلاتأمل این مطلع بگفت وبخواند :

صید از حرم‌کشد خم جعد بلند تو   فریاد از تطاول مشکین کمند تو

مولانای مذکور برخاست بوسه برپیشانی حزین داد و فضلای دیگر که درآنجا بودند نیز به‌شیخ تحسین وآفرین گفتند.

۲ – حزین میگوید که وی سه چهار بار در خدمت ملا باقر مجلسی رسید و هنوز هفت هشت ساله بود که ملای مزبور فوت کرد.

چندی از مدتی در حزین ذوقی و شوقی برای استطلاع حقایق ادیان و ملل مختلف پیدا شد ودر نتیجه وی باعلمای نصاری و کشیش آنها بنام خلیفه[۱] آوانوس[۲] اختلاط و نزدیکی بهم رسانید و نیز بطور مخفی بیك نفر کلیمی بنام شعیب ملاقات کرده ونزد او کتب مسیحی و ترجمه تورات را خواند[۳] همچنین بتحقیق اختلافات فرق مختلف اسلام پرداخت و کتب هر فرقه را «منصفانه ومشتاقانه» مطالعه کرد و بامردمی که با مذهب خود علاقه و رابطه خاصی داشتند صحبت میکرد . در ضمن کتب متداوله را تدریس میکرد و بربعضی کتب حواشی و تعلیقات مینوشت و همچنین رسایل جداگانه‌ای در موضوعات مختلف نوشته و غالباً از نظر فضلای آن فنون گذرانیده اطمینان خاطر حاصل مینمود.

در همان ایام تا مدت دو ماه مبتلا به عارضه مفاصل شد و در آنوقت چون فرصت داشت اکثر اوقات خودرا بگفتن شعر میگذراند. سپس کلیه اشعاری را که تا آنوقت سروده بود از قصاید و مثنوی وغزلیات و رباعی جمع آوری نموده اولین دیوان خود را ترتیب داد که تقریباً هفت هشت هزار بیت داشت[٤].

چندی بعد به شیراز رفت و از صحبت علمـای آن شهر اکتساب معرفت نمود و طبیعیات شفا والهیات و شرح اشارات و حدیث ومعارف و کتاب تلویحات شیخ اشراق و نبذی از قانون و کتب دیگر را مطالعه کرد ودر ضمن کتب متداوله را تدریس مینمود.

۱ـ کشیش ترسایان و ارمنی‌ها را درآنوقت «خلیفه» میگفته‌اند ـ ر.ك. حاجی بابا تألیف موریر و «نظری بزندگی وآداب ایران» تألیف خانم شیل چاپ لندن ۱۸۵٦ م:

« Glimpses of Life & Manners in Iran » –
by Lady Sheil

۲ـ بقول ریو این کشیش رومن کاتولیك و شاید أصلا فرانسوی بود.

۳ـ ر.ك. استوری ج ۱ ق ۲ ص ۸٤۱

٤ـ اما چنانکه شرح آن بعداً میاید این دیوان حزین تلف شد .

آزاد در خزانه عامره مینویسد: «(حزین) شاگرد محمد مسیح فسائی را شاگرد آقای حسین خوانساری است و در شیراز از او منطق و هیئت و حساب، طبیعیات و الهیات کسب نمود و برخی احادیث و کتاب حکمة‌العین با حواشی ازملامحمدشیرازی‌بسندرسانید[1]. حزین ازشیرازبه‌بیضا رفت و آنجا با یك فرد دانشمند مجوس برخورد کرد و از وی اطلاعاتی درباره مذهب مجوسی کسب نمود و رساله «تحقیق غناء» و «رساله منطق» را در آنجا تألیف کرد. دوباره بشیراز برگشت و از آنجا به اردکان فارس رفته ازصحبت علمای آن شهر استفاده نمود و در همان شهر تألیف مجموعه‌ای را بنام «مدة‌العمر» مشتمل بر نفایس نوادر شروع کرد و تا سال ۱۱۳۵ ه بقریب هفت هزاربیت رسانید (ولی درهمان سال در اصفهان سانحه‌ای روی داد که در نتیجه آن کتابخانه حزین بغارت رفت).

از شیراز به فسا و از آنجا به کازرون رفت و از صحبت علمای آنجا کسب فیض کرد. سپس به شولستان و جهرم و داراب رفت و در خدمت علمای آنجا فیض علم اندوخت. در داراب رساله «لوامع مشرقه» در تحقیق واحد و وحدت و چند رساله دیگر در غوامض مسایل الهیه نوشت. از آنجا به‌لار و بندرعباسی[2] رفت.

اتفاقاً در آن ایام چند کشتی از بندرعباس به‌مکه میرفت و حزین هم فرصت را غنیمت شمرده عازم مکه شد اما کشتی وی گرفتار باران و طوفان شدیدی شد و بالاخره چندروز بعدبسواحل عمان رسید و آنجاراهزنان دریائی اموال‌مسافران کشتی‌را بغارت بردند وحزین بازحمت بسیار خودرا بمقسط رساند و یکماه آنجا توقف نمود و بالاخره ازمسافرت مکه منصرف شده وعازم جزیره بحرین شد ویك ماه بعد ازآنجا به‌بندر معموره گنگ و از آنجا بسیر مناطق سردسیر فارس رفت و در عرض این‌مدت ازاکثر نواحی فارس دیدن کرد. خلاصه بشیرازرفت وازآنجا

۱ـ ر.ك. خزانه عامره ص ۱۹۳   ۲ـ بندرعباس امروز.

آزاد در خزانه عامره مینویسد: «(حزین) شاگرد محمد مسیح فسائی و ا
شاگرد آقای حسین خوانساری است و در شیراز از او منطق و هیأت و حساب و
طبیعیات و الهیات کسب نمود و برخی احادیث و کتاب حکمة‌العین با حواشی
ازملامحمدشیرازی‌بسندرسانید[1]. حزین ازشیراز به‌بیضا رفت و آنجا بایك‌نفر دانشمند
مجوس برخورد کرد و از وی اطلاعاتی درباره مذهب مجوسی کسب نمود و رساله
«تحقیق غناء» و «رساله منطق» را در آنجا تألیف کرد. دوباره بشیراز برگشت و از
آنجا به اردکان فارس رفته ازصحبت علمای آن شهر استفاده نمود و در همان شهر
تألیف مجموعه‌ای را بنام «مدة‌العمر» مشتمل بر نفایس نوادر شروع کرد و تا سال
۱۱۳۵ ه بقریب هفت هزاربیت رسانید (ولی درهمان سال در اصفهان سانحه‌ای
روی داد که در نتیجه آن کتابخانه حزین بغارت رفت).

از شیراز به فسا و از آنجا به‌کازرون رفت و از صحبت علمای آنجا کسب
فیض کرد. سپس به شولستان و جهرم و داراب رفت و در خدمت علمای آنجا
فیض علم اندوخت. در داراب رساله «لوامع مشرقه» در تحقیق واحد و وحدت
و چند رساله دیگر در غوامض مسایل الهیه نوشت. از آنجا به‌لار و بندرعباسی[2]
رفت.

اتفاقاً در آن ایام چند کشتی از بندرعباس به‌مکه میرفت و حزین هم فرصت
را غنیمت شمرده عازم مکه شد اما کشتی وی گرفتار باران و طوفان شدیدی شد
و بالاخره چندروز بعد بسواحل عمان رسید و آنجا راهزنان دریائی اموال‌مسافران
کشتی‌را بغارت بردند وحزین بازحمت بسیار خودرا بمقسط رساند و یکماه آنجا
توقف نمود و بالاخره ازمسافرت مکه منصرف شده وعازم جزیره بحرین شد ویك
ماه بعد ازآنجا به‌بندر معموره کنگ و از آنجا بسیر مناطق سردسیر فارس رفت
و در عرض این‌مدت ازاکثر نواحی فارس دیدن کرد. خلاصه بشیراز رفت وازآنجا

۱ـ ر.ك. خزانه عامره ص ۱۹۳
۲ـ بندرعباس امروز.

بهوامیزدباصفهان مراجعت کرد. در راه در شهر یزد با بعضی علمای آنجا ملاقات و صحبت کرد.

بعداز مراجعت باصفهان نزد مولانا صادق اردستانی[۲] کتبی چند درحکمت نظری و علمی خواند و در همان ایام رسایل زیررا تألیف نمود:

رساله توفیق درتوافق حکمت وشرکت ورساله توجیه کلام قدمای حکمای مجوس در مبداء عالم وحواشی برشرح حکمت اشراق وررایح الجنـان ورسالـه ابطال تناسخ وشرح رساله کلمة التصوف شیخ اشراق وحاشیه برالهیات شفا وفراید الفواید وحاشیه بشرح هیاکل‌النوررساله درمدارج حروف وفرسنامه.

همچنین در همان ایام اشعار خودرا جمع‌آوری نموده دیوان دوم خود را ترتیب‌داد که تقریباًده‌هزار بیت‌بود. مثنوی تذکرة‌العاشقین‌را نیزدرهمان اوان در اصفهان‌شروع کرد. این‌مثنوی‌متضمن‌حکایتی‌است‌منقول‌ازاصمعی‌ویکهزار بیت دارد.

درسال۱۱۲۷ ه پدرش فوت کرد ودوسال‌بعددر۱۱۲۹ ه مادرش نیزدر گذشت.

سپس مؤلف بشیرازرفت وچندی در آن شهراقامت نمود وهمانجا دیوان سوم خود را ترتیب داد که شامل‌سه چهارهزاربیت بود. ازشیرازدوباره باصفهان بر گشت.

دراوایل ۱۱۳۴ ه محمود خان افغان برایران حمله کرد و در این حمله ازجمله‌شهرهااصفهان را نیزغارت کرد. حزین دوهزارمجلد کتاب را متفرق‌ساخت وبقیه درآن حمله بـغارت رفت. درهمان ایام دو برادر حزین و جده مادری وی درگذشتند وخودش نیزتامدتی مریض‌بود.

درغره محرم ۱۱۳۵ ه حزین‌تغییرلباس کرده ازاصفهان خارج شد وبزحمت تمام خود را بخوانسار رسانید وازآنجـا به خرم‌آباد رفته دوسال درآنشهراقامت داشت ودراین مدت باعلمای‌آنجاآشنائی بهم رسانید. درهمـان اوان «رومی‌ها» (یعنی ترکها) بشهرهمدان وارد وآنرا محاصره کردند وآنجارا موردتاخت‌وتاز

۲ــ حزین در «تذکرة‌المعاصرین» از این استاد خود خیلی تعریف‌کرده است.

قرارداده‌اند . حزین برای نجات دادن آشنایان خود بدان شهر رفت و از آنجا
به‌نهاوند وولایت بختیاری رفت. آنجا تصمیم گرفت که برای همیشه بعراق عرب برفته
آنجا کوطن نماید . باهمین قصد بخرم‌آباد مراجعت نموده عازم شوشتر و خوزستان
شد ودرراه درشهر شوشتر با علمای آن شهر نزدیکی و آشنائی بهم رسانید . از آنجا
به‌بصره رفت. اتفاقاً یك کشتی ازبصره عازم یمن بود. بنابراین بقصد یمن رفت اما آنجا
مریض شد تا اینکه موقع حج گذشت ودوباره ازحج محروم ماند.

ازیمن به بصره مراجعت نمود واز آنجا ازراه شوشتر بخرم‌آباد رفت امادر آن
شهر مریض شد ودرهمان اوان رومی‌ها (ترکها) برآن شهر حمله کردند وحزین
با لشکر آنها بکرمانشاهان رفت ومدتی در آنجا بسربرد و رساله «مفرح القلوب »
درمجربات وفواید طبیه ورساله تجرد نفس را درآنجا تألیف نمود . از آنجا بقصد
تویسرکان ومحال دامن کوه الوند رفت واز آنجا به بغداد و کربلا ونجف رفت و
بالاخره درنجف رحل اقامت افکند ودرحدود سه سال درآنشهر اقامت داشت. دراین
مدت یك نسخه مصحف (قرآن) را بخط خود نوشته درروضه حضرت علی گذاشت
وبا علمای آن شهر صحبت هائی داشت .

ازنجف بقصد مشهد ازراه بغداد و کردستان و آذربایجان بمازندران رفت و
چون شاه طهماسب صفوی [1] (۴۴ ـ ۱۱۳۵هـ) مشهد را فتح کرد حزین ازراه استرآباد
بمشهد رفت ودر آنشهر قسمت بیشتر کتاب کشفیه خود را باچند رساله دیگر تألیف
نمود و گاهی با «اعیان ومستعدان» آنجا صحبت هائی داشت . همانجا اشعارخود را
جمع آوری نموده دیوان چهارم خود را ترتیب داد ومثنوی «خرابات» بطرز و روش

---

۱ ـ حزین چندین بارباشاه طهماسب ملاقات کرد . بقول حزین شاه طهماسب درمشهد
برای دیدن وی آمد ودرسنه ۱۱۴۱ هـ هنگامیکه لشکرشاهی براشرف افغان حمله کرد شاه
طهماسب ازحزین دعوت کرد که باتفاقوی برود وهمچنین درموقعی دیگر حزین بشاه مزبور
نصیحت هائی کرد واورا طرقی برای تحفظ وبقای سلطنت خانواده اوتلقین کرد (ر.ك.
تاریخ احوال حزین).

بوستان سعدی که یکهزار و دویست بیت دارد همانجا شروع کرد ولی این مثنوی در آن شهر باتمام نرسید .

درسال ۱۱۴۲ ه موقعی که طهماسب میرزا یاشاه طهماسب دوم صفوی برای استیصال اشرف خان افغان متوجه اصفهان شد حزین نیزبدعوت وی همراه اورفت ولی‌درسبزوار به تب دچار گردید وبنابراین بمساری مازندران رفته بسرای دوماه آنجا بستری شد اما در آن حال‌هم بعضی‌شاگردان را درس میداد . ازساری براه تهران واصفهان وشیرازولار به بندرعباس رسید ودر۱۱۴۳ ه آهنگ سفرحجاز کرد ازبندرعباس به بندرصورت (؟) ۲ وازآنجا به مکه رفت وبعد ازفراغت از حج «بسبب اشارتی که دررؤیا روی داد »رساله امامت را تألیف نمود وسپس در۱۱۴۵ه به جزیره بحرین وازآنجا به بندرعباس مراجعت نمود .

ازبندرعباس به لاررفت ولی‌بنا بعللی دوباره به بندرعباس برگشت وتصمیم گرفت ایران ر ترك گفته به نجف برود . اما چون درآن ایام « خان معظم » بغداد را محصورداشت با «جماعت ولندیسیه» (ولندیزی) بسواحل عمان رفته و مسقط رسید ولی‌ازآنجا بعلت ناسازگاری طبع دوباره به‌بندرعباس مراجعت نمود وازآنجا بکرمان رفت .

چون لشکرقزلباش ۱ شکست خورد و«خان معظم » ازبغداد مراجعت کرد حزین دوباره بعزم بصره ونجف به‌بندرعباس رف ولی‌دراین اثنا راه بغداددوباره بسته شد بنابراین ناچاردراول‌رمضان ۱۱۴۶ ه حزین باکشتی‌عازم سند(هندوستان) شد .

علت این‌تصمیم ناگهانی حزین را برای مسافرت‌بهند واله‌در«ریاض‌الشعراء»

---

۲ ـ معلوم نیست‌که حزین برای رفتن به‌حجازچرا اول به بندرسورت (هند)رفت ظاهراً «بندرصورت» غلط چاپی‌است .

۱ ـ قزلباش اشاره به «نادرشاه» است چنانکه حزین درموارد متعددی در«تاریخ احوال» برای نادرشاه همین‌کلمه را بکاربرده است.

ذیل شرح حال حزین چنین توضیح داده است :
شیخ حزین یك دوماه نزد اهل لار بود که میرزا باقر کلانتر هجوم کرد .
وقت طلوع صبح بخانه ولی‌محمدخان شاملومتخلص به سرور که در آنوقت ازجانب
قهرمان ایران[۲] حاکم لار بود ریخته خان مشارالیه را بقتل رسانید وازآنجا نزد
شیخ رفته عمل شنیع خود را اظهارواعتراف نمود ولوای خاصمت ومخالفت نادر
شاه را افراشت . محمدخان بلوچ که با چند هزار نفر ازطرف نادرشاه برای محاصره
جهرم فرستاده شده بود (چون حاجی غنی بیگ حاکم آنجا یاغی شده بود) باستماع
این خبر متوجه لار گردید . حزین و کلانتر مزبورومردم شهر درحراست شهر پافشاری
نمودند ولی بالاخره نصف شب ازیك طرف شهر بر آمده متفرق گشتند ودر نتیجه بعضی
ازآنها دستگیرو گروهی طعمه شمشیرشده وبرخی جان بسلامت بردند .

بنابراین حزین متهم بقتل ولی‌محمدخان وتوایداین فتنه شد . حزین بهزار
زحمت خودرا بساحل عمان رسانید ولی ازفرط مشقت تاب نیاورده باز به بنادر فارس
مراجعت نمود وازآنجا بکرمان آمده عازم اردبیل شد . کلانتر کرمان ازورود
حزین باخبر شده بسعایت شخصی ازملازمان ولی‌محمدخان که در آن شهر بود بمحمد
تقی‌خان مشهدی رضوی بیگلربیگی آنجا خبر رسانید وهردودرصدد «ایذاواهانت»
حزین بر آمدند .

اتفاقاً درهمان ایام واله بعلت فوت موسم سفردریا نتوانست بهندوستان عزیمت
نماید وبنابراین بکرمان رفته درانتظار موسم مناسبی برای رفتن بهندوستان بود .
بیگلربیگی مزبوراز آشنایان نزدیك واله بود ولذا واله کلانترو بیگلربیگی هردو
را ازآسیب رساندن واذیت کردن شیخ منع کرده وشیخ را باتفاق خود به بندرعباس
برد . میرزا اسمعیل زمین داوری که حاکم بندرعباس بود از هردو آنها پذیرائی
گرمی بعمل آورد وشیخ نزد اوماند وواله عازم هندوستان گردید . اما بعدا ازوه

---

۲ ـ ازقهرمان ایران مراد «نادرشاه» است چنانکه واله مکرر در تذکره «ریاض الشعراء»
اورا باین لقب یادکرده است .

روزشیخ حزین نیز بعلت تعذرازتوقف دربندرعباس مجبورشد به هندوستان عزیمت نماید ».

حزین غره شوال به ته رسید وازآنجا باکشتی بـه خداآباد رفت ومدت هفت ماه بعلت بیماری درآن شهر توطن نمود . ازآنجا به بهکر کنارآب سندرسید وآنجا قریب بیکماه توقف نمود[۱] وازبیك قریه ایکه نزدیك حصارملتان بودرفت ودوسال درآنجا اقامت داشت وهمانجا رساله « کنه المرام » دربیـان قضا وقدر وخلق اعمال وچند رساله دیگررا تألیف نمود . از ملتان بلاهوروازآنجا بدهلی رفت ویکسال درآن شهراقامت داشت وسپس بعزم برگشتن بایران بلاهوررفت ولی آنجا خبررسیدن لشکر «قزلباس» قندهاررسید[۲] ومحاصره آن شهرخیلی طول کشید .هنوز نـادرشاه درکابل بود که حزین ازلاهوربسوی سلطان پورحرکت کرد وازآنجا بسرهندرفت وچون نادرشاه براه کرنال عازم دهلی شد[۳] حزین نیزبدهلی

---

۱ ـ آزاد درخزانه عامره (ص ۱۹٤) مینویسد «اتفاقاً درآن ایام که درحدودسنه سبع اربعین ومائة والف (۱۱٤۷ ه) بود فقیرازسیوستان محمل سفرجانب هند بربستم و دربلده بهکرفرودگاه شیخ وفقیربر نزدیك واقع وباهم صحبتها دست دادوجزوی اشعاربخط خود برسبیل یادگارتسلیم من نمود. فقیربرجناح استعجال راه پیش گرفتم وشیخ بتانی قطع مسافرت کرده برسرملتان ولاهورعبورنموده بمنزل مقصود یعنی دارالخلافه شاهجهان آباد فایزشد » .

توضیح ـ باید اذعـان کرد کـه در آن ایام قسمت شمالی هندوستان را هند یا هندوستان و قسمت جنوبی هندرا دکن وقسمت شرقی را بنگاله میگفتند .

۲ ـ نادرشاه قبل ازنوروز ۱۱٤۹ ه بقندهاررسید واین شهرروز۲ ذوالقعده ۱۱۵۰ه بدست وی افتاد.

۳ ـ نادرشاه در۱۵ ذوالقعده ۱۱۵۱ه درجنك کرنال لشکردشمن را شکست داد و در۹ ذوالحجه ۱۱۵۱ه وارد دهلی و۷صفر۱۱۵۲ه آنشهرراترك گفت .

رفت وتا مراجعت نادرشاه ازدهلی در آن شهر خودرا پنهان نگهداشت [۱]
بعدازمراجعت نادرشاه (۷ صفر۱۱۵۲ ھ) حزین دوباره بلاهوررفت ولی
ذکریاخان حاکم آنجا دشمن اوشده نزدیك بود اورا آسیبی رساند که اتفاقاً حسنعلی
خان کاشی که ازجانب محمد شاه « برسبیل سفارت » پیش نادرشاه رفته بود بلاهور
بر گشت [۲] وبنا بتوصیه واله ازآنجا شیخ حزین را همراه خود بعافیت به دهلی
رسانید [۳].

چون حزین بدهلی رسید محمد شاه بنا بتوصیه وپیشنهاد عمدة الملك امیرخان
متخلص به انجام بحزین سیورغلی عطا کرد [۴]. مؤلف « مخزن الغرایب» مینویسد:
« امیرخان انجام جاگیرمبلغ چهل هزارروپیه در نزدیکی اکبر آباد (آگره) برایش
گرفت ازمردم ثقه شنیدم که پادشاه مزبورمبلغ پنج لك روپیه بمعرفت (بتوسط)
نواب مزبور بشیخ عطا فرموده ».
غلامحسین خان مؤلف «سیر المتاخرین» مینویسد: «محمدشاه بوساطت عمدة الملك

---

۱ – آزاد درخزانه عامره (ص۱۹٤) مینویسد که درمدتیکه نادرشاه دردهلی بود
حزین درخانه واله پنهان بود . وواله دره ریاض الشعراء» دراین باره مینویسد: «شیخ لابد
بدهلی تشریف آورد. درکلبه این ذره ناچیز منزوی و مخفی ماند تاکوکب اقبال شاهی
ازشاهجهان آباد مراجعت بایران نمود».

۲ ـ واله دراین باره در«ریاض الشعرا »چنین مینویسد: «بنا برجهتی کهشرح آن طولی
دارد ذکریاخان بهادردلیرجنك که صوبدار(استاندار) آنجا (لاهور) بودخواست به حضرت
شیخ آسیبی برساند اتفاقاً درآنوقت اخوی ملکای حسنعلی خان کاشی ازجانب پادشاه عالم-
پناه بسفارت بخدمت قهرمان رفته مراجعت نموده بلاهوررسیده بود. راقم حروف (واله)
بعنان معزالیه نوشتم شیخ را باتفاق خود بشاهجهان آباد سالما وغانما رساند وتا حال
تحریر(۱۱٦۳ ھ) درشاه جهان آباد تشریف دارد».

۳ ـ ر.ك. خزانه عامره ص ۱۹٤

٤ – ر.ك. خزانه عامره ۱۹٤

ودیگرمقربان دولت خواه مکرم پیغام داده مسألت نمود که (حزین) متعهد امضای امورورزارت گشته رونق افـزای سلطنت اوشود اما چون سرفـرودآوردن بدنیا ننگ وعار آن نقاوه اخیاربود راضی نشد »[1].

اکنون وضع مالی حزین مستحکم گشت ولی بعلت هجوونکوهش سرزمین هند بعضی امرا وخواص دهلی بمخالفت اوبرخاستند . آزاد در«خزانه عامره» باین موضوع چنین اشاره میکند :

« قضارا شیخ اهل‌هند را هجو کرد از آنجمله است این بیت :

نسناس سیرتی‌است تمنای مردمی ازدیولاخ هند که انسان نداشته است»[2]

همچنین در کتاب « تاریخ احوال » که حزین در۱۱۵٤ ه دردهلی تألیف کرد درباره خود خواهی وخود غرضی مردم هند میگوید :

« رسوخ این شیوه ازتأثیرات آب وهوای هند است چه ظاهراست که خلق این دیارباکسی بی غرض آشنا نیستند وازباستان‌نامه ها هویدا است که قبل‌ازاسلام نیزرایان وفرماندهان این دیار را همین طبیعت بوده است » .

در کتاب فوق حزین در چندین مورد از اهالی هند نکوهش و بدگوئی کرده‌است و همین هجو و بدگوئیها بود که بعضی شعرا و ادبای هند را بمخالفت حزین برانگیخت و بعضی از آنها مخالف سرسخت وی شدند و حتی علیقلی‌خان واله که اصلا ایرانی بود و تعصب ملی در او باندازه‌ای بود که اکثر شعرای فارسی معاصر هندی الاصل را بحساب نمیآورد و خود دوست صمیمی حزین بود براین عمل قبیح حزین وی را مورد سرزنش وانتقاد قرارداده ودر «ریاض‌الشعرا» دراین باره چنین مینویسد :

«پادشاه و امرا و سایر ناس کمال محبت و مراعات نسبت بوی (بحزین) مرعی دارند از آنجا که مروت جبلی و انصاف ذاتی حضرت شیخ است عموم اهل

---

۱ ـ سیرالمتاخرین چاپ کانپور۱۸٦٦م ج ۲ص٦۱۵

۲ ـ ر ك. خزانه عامره‌ص ۱۹٤

این دیار را از پادشاه وامرا و غیره هجوهای رکیك که‌لایق شأن شیخ نبوده نمو
و هرچند اورا از این‌ادای زشت منع کردم فایده نبخشید و تاحال در کار است. لابد
پاس نمك پادشاه وحق صحبت امرا و آشنایان بیگناه گریبان گیرشده ترك آشنائی
وملاقات آن بزرگوار نموده این دیده‌را نادیده انگاشتم. آفرین برخلق کریم و کرم
عمیم این بزرگان که باکمال قدرت در صدد انتقام بر نیامده بیشتر از پیشتر
دررعایت احوالش‌خودرامعاف نمیدارند واین‌معنی‌زیاد موجب خجلت عقلای‌ایران
که‌دراین دیار ببلای غربت گرفتار اند میشود :

هرکه پاکج میگذارد ما دل خود میخوریم
شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما

«القصه (خلاصه) بعضی از غیوران این مملکت کمر انتقام بسته تیغ هجا
بروی کشیده در نظر ارباب خرد خفیفش نمودند. از جمله سراج الدین علیخان
آرزو که از شعرای این شهر است و در فضیلت وسخنوری گوی از میدان همگنان
میرباید بسیار اشعار غلط از دیوان شیخ برآورده رساله مسمی به «تنبیه‌الغافلین[۱]»

۱-آرزو درمقدمه این رساله‌که واله نیز در «ریاض الشعراء» آنرا نقل کرده است
درمورد سبب‌تألیف‌آن چنین توضیح داده‌است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم بعد حمدکلام‌آفرین کلیم و قابل فوق‌کل ذی علم علیم جل
شانه و اعظم برهانه و صلوة برافصح‌الفصحاکه فاتحه‌کتاب خلقت و خاتمه رساله نبوت‌است
علیه‌وآله من‌التحیات اتمها عرض میشودکه دراین ایام مطالعه دیوان بلاغت تبیان جناب
فیض مآب شعرای روح نکته‌پردازی ونیرفلك سخن سازی بقیة‌السلف و حجة‌الخلف نتیجه
متقدمین وخاتم متاخرین شیخ محمد علی متخلص بحزین‌که تخمینا ازمدت ده سال بسبب
هنگامه ایران وارد هندوستان جنت نشان‌که داخلش من دخله‌کان آمنا گویانست‌گردیده
و از طنطنه شاعریش‌گوش اکابر واصاغر پرگشته اتفاق افتاد و استفاده تمام دست بهم داد
ولیکن در بعضی اشعارکه بسبب قصور ذهن بمعانی‌آن نرسیده وفایز بمقاصدآن نگردیده

بقیه حاشیه درصفحه‌بعد

نوشته و ابیات مذکور را یك یك ذکر کرده و تعریضات نمود چنانچه قدری از آن رساله در اینجا ذکر کرده شود تا ارباب فکرت وذکا عبرت از آن گیرند ...»
همچنین حزین میرمحمد افضل ثابت وغیره را هجو کرد و درجواب آن پسرمحمد افضل بنام میرمحمد عظیم ثبات پانصد بیت ازدیوان شیخ درآورده شیخ را بسرقت آن ازشعرای دیگرمتهم کرد و ملا ساطع وغیره درجواب هجو مردم کشمیر حزین را هجو کردند.

اما تعداد هوا خواهان حزین در هند کم نبود چنانکه بعضی از آنها مانند تیك چند و مرزا قتیل وسیالکوتی مل وارسته وآزاد[1] وغیرهم بدفاع وی برخاستند و حتی بعضی رساله هائی در جواب اعتراضات آرزو و معترضین دیگر نوشتند وطی آن از حزین دفاع نمودند. ولی مخالفین حزین در دارالسلطنت دهلی باندازه‌ای زیاد و قوی و با نفوذ بودند که حتی خاطر عمدة‌الملك امیرخان متخلص به انجام را نیز که ازمربیان بزرگ حزین بود ازطرف حزین مکدر کردند. خلاصه‌چون حزین محیط دهلی‌را سازگار و موافق خود ندید مجبور شد دهلی‌را ترك گفته

بقیه‌حاشیه از صفحه قبل

بتردد‌هائی روداد. ناچار در تحریر بروی قلم مشوش رقم خود کشاند و نیز پاره‌ای ازمصارعی‌را که از نارسائی فهم خویش نارسا فهمیده‌گاهی باندك تغییر و تبدیل گردانیده وگاهی خودگفته و رسانیده. پس این‌را از عالم خطای بزرگان گرفتن‌که درواقعی خطای بزرگیست تصورنباید فرمود بلکه برای غلط خودکه دستمایه اهل هند است مستندی پیدا نمود. امیدوار است‌که اگر بنظرشریف او درآید از خلل و زلل برآید ...»

همچنین مولوی امام بخش‌صهبائی کتابهای «قول فیصل» و«اعلای‌حق» و محسن علی برادرزاده‌آرزو کتابی درانتقاداشعار حزین تألیف‌نموده‌اند(ر. ك . حاشیه‌او ۲ ص ۳۳۵ در ذیل‌آثارآرزودراین کتاب).

۱ــ ر.ك. خزانه عامره ص۶ــ۱۹۵ که آنجا آزاد به بعضی اعتراضات آرزو جواب داده است.

به آگره رود واز آن‌شهر بعبنارس مهاجرت کند وهمآنجا برای‌همیشه متوطن شد.

با وجود اینکه حزین در بنارس (که بزرگترین مرکز مذهبی هندوان بود) با کمال‌راحت واحترام زندگی میکرد وارادتمندان وی همیشه برای عرض ارادت بخدمت وی رفت وآمد داشتند[1] ولی بااین وصف او هیچوقت با زندگی خود در هندوستان خرسند و راضی نبود و چندین بار سعی کرد به ایران بر گردد اما در این منظور موفق نشد چنانکه مؤلف سیرالمتأخرین در این باره مینویسد :

«چند بار آن عالی‌مقدار تاعظیم آباد (پتند) رسیده عازم بدررفتن ازخاک‌سیاه[2] هند بود (ولی) تقدیر مساعدت‌ننمود»[3].

در باره زندگی وی در بنارس حسین دوست در «تذکره‌حسینی»مینویسد : «ازمال هندوستان چیزی نمیگرفت تاآنکه عمدة‌الملك امیرخان‌انجام ازاله‌آباد آمده اعتقاد بهمرسانید سند چند لك دام بطریق مدد خرج درست کرده آورد التماس قبول نمود. ازآنجا که تحقیق ربط شده بود (یعنی با هم علاقه صمیمی‌پیدا کرده بودند) رد آن نفرمود و نواب مشارالیه آن سند را بشخصی‌تفویض کرده که حالات حاصلات (یعنی در آمد محصولات) آنرا فصل به فصل عاید سرکار شیخ نماید».

همچنین‌حاکم در«مردم‌دیده» مینویسد: بالفعل دربنارس فروکش دارد (یعنی اقامت دارد)درلباس‌فقیری (زندگی‌خودرا) امیرانه میگذراند».

در بنارس چندین دفعه در ۱۱۷۷ه شاه عالم پادشاه هند(۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ه) وشجاع الدوله وزیر اود ومیرقاسم ناظم بنگال برای دیدن حزین آمدند وظاهراً نظر بشهرت وی در تقوی وتعبد وکشف وکرامات وعقیدت که خودشان درخدمت

---

۱ - ر.ك. سفینه خوشگو: حزین
۲ - عجیب است‌که حتی بعضی اهالی هند هم اینقدر پست و بی‌حمیت بودندکه به تقلید بعضی ایرانیهای مغرور خاك هند را «سیاه» می‌گفتند .

۳- ر.ك. سیرالمتأخرین ج ۲ ص ٦١٥

شیخ داشتند در مسایل کشور باوی مشورت میکردند چنانکه حزین بآنها توصیه کرد که باانگلیسها جنگ نکنند[1].

در آخر زندگی حزین تصمیم گرفت بقیه عمر خود را در بنارس بسر آورد و حتی مقبره‌ای در آن شهر برای خود بنا کرد و چون در روز دهم (یا پانزدهم یا سیزدهم یاهیجدهم) جمادی‌الاول ۱۱۸۰ ه[2] چشم ازاین جهان بربست درهمان مقبره مدفون گشت . آزاد تاریخ فوت حزین را در خزانه عامره (ص۳۰۰) شب یازدهم جمادی‌الاول ۱۱۸۰ ه ذکر نموده وقطعه زیررا که خودش درتاریخ فوت حزین گفته‌است آورده‌است :

علامه عصر و شاعری خوب	افسوس که ازمیانه برخاست
تاریخ وفات او نوشتم	ازفوت‌حزین‌حزین‌دل‌ماست

مقبره حزین در شهربنارس در محله‌ای که بنام فاطمان معروف است هنوز پابرجااست وروی قبروی این عبارت‌بخط خوداو کنده شده‌است :

زبان‌دان محبت بوده‌ام دیگر نمیدانم
همین دانم که گوش از دوست پیغامی شنید اینجا
حزین از پای ره پیما بسی سرگشتگی دیدم
سر شوریده بر بالین آسایش رسید اینجا

حزین شیعه اثنی‌عشری و دارای مقام ارشاد بود و دیوان وی پر از شواهد تشیع‌وی میباشد.

اکنون عقاید و آرای بعضی تذکره نگاران معاصر در باره حزین اینجا نقل میگردد.

باید توجه داشت که در هندوستان بعد از اینکه حزین هجو بکشور هند و

---

۱ ــ سیرالمتاخرین ج ۲ ص ۷۴۶

۲ ــ ر.ك. استوری ج ۱،ق۲ ص ۸۴۱ ،همچنین در تحفة‌العالم تالیف عبداللطیف موسوی (قرن ۱۳م) ودر مرآت الاحوال ، سال فوت حزین۱۱۸۱ ه ثبت‌شده است.

اهالی آنجا را مرتکب شد دو گروه افراطی وجودداشت اول ازموافقان حزین و دوم از مخالفان وی. اما در بین این دو گروه یك گروه سومی هم بود که باهیچکدام ازاین دو گروه افراطی تعلق نداشت. حالاعقاید هریك ازاین سه گروه اینجا نقل میشود.

سراج الدین علی‌خان آرزو که از مخالفان سرسخت حزین بود در «مجمع النفایس» درباره حزین مینویسد : « مدت مدید گذشته که (شیخ حزین) از تسلط نادر شاه برقلمرو ایران و نارسائی روزگار و مزاج خودش وارد هندوستان جنت نشان گشته ودر هنگامیکه نادرشاه برشاهجهان آباد (دهلی) مسلط شده بود وشهر مذکور بتصرف قشون او درآمده بوددر گوشه‌ای خزیده بود. بعد از رفتن افواج شاهی باز ظاهر شد چون کسی چنانکه قدر او بود در آنوقت نشناخت و نازکی مزاجش که از کمرخوبان باج میخواهد باسختی ایام نساخت بعزم ولایت(ایران) عازم لاهور گردید وبیشتر نتوانست رفت. ازبس که طبع ناساز دارد وطن وغربت بر (برای) او یکسانست ..

« عجب آنکه شیخ مذکور رساله‌ای مشتمل برحسب و نسب و سیر و سفر خود نوشته دعوی های بلند درآن نموده که صاحب داعیه از آن معلوم میشود . گویا علت غائی نوشتن رساله مذمت هند و اهل هند است ... (باوجود اینکه) درهندوستان بهشت نشان هیچکس اورا بالای چشمت ابرواست نگفته عبث عبث در حق این ملك واهالی آن گفته آنچه گفته...

«دیوان مذکور(چهارم) مکرر بمطالعه درآمده بآن درجه که مظنون ومتیقن (جماعت) نصیریان اوست نیست... اکثرتربیت طلبان و کاسه لیسان اعتقاد بیش ازپیش درخدمت عزیزدارند... میگویند که شیخ مذکور فاضل است وصاحب تصانیف لیکن هیچ تصنیفی ازعلم حکمت و کلام بنظر نیامده بعد(از) مطالعه احوال مصنفات معلوم خواهد شد. آری شعر که میگوید»

عبدالحکیم حاکم که به هیچکدام از این دو گروه افراطیون تعلق نداشت در «مردم دیده» درباره حزین مینویسد : « در بنارس دو مرتبه بصحبت شیخ محمد

علی‌حزین سلمه‌اله تعالی رسیدم بسیار بخلق برخورد. ازحالات و کمالش چه نویسم که‌درهندوستان وایران اشتهار تام دارد. دراین‌عصر همچو اوی نیست... آنچه خان آرزو در«تنبیه‌الغافلین» براشعارش ایراد گرفت اکثر آن از ستم ظریفی است مگر دربعضی‌مواضع گرفت(یعنی‌ایراد) بجاست».

میرحسین دوست که بهمین گروه بیطرف تعلق داشت در « تذکرهٔ حسینی » می‌نویسد : الحال در بنارس سکونت دارد و درفن‌شعراورا یدبیضاست بطور (یعنی به‌سبك) قدیم و جدید و در حسن مجاورت[1] بی‌نظیر است.خط ثلث و نسخ و رقاع و شکسته در نهایت جودت مینویسد و زند و پازند درست میداند و از غریب علوم بهره‌منداست. چون شیخ در جنب (یعنی در مقابل) شعرخود شاعران هندرا وقعی ننهاده از این معنی عداوت بهمرسید و در پی آهو گیریها (یعنی عیب جوئیها) کمر بستند چنانکه سراج‌الدین علیخان سلمه‌اله‌ازدیوان (حزین) چهارصد بیت‌مغشوش و اکثر بی ربط ترکیب و بسیاری خلاف محاوره متقدمین و متاخرین برآورده خطبه وخاتمه نگاشته نسخه ساخته تنبیه‌الغافلین نام‌نهاده‌این چندبیت‌ازآنست.... قطع نظر (صرفنظر) از اینها انصاف آنکه شیخ زمانه باکمال تقدس و صفا و ورع و همت و سخا است و در شعر ثانی میرزا صائبا هیچ یکی از شعرای حال پهلو به‌اونمی تواند زد (یعنی نمی تواند حریف او شود) و عالمی داشته (حالی داشته) که وی را (از) اختلاط خوش نمی‌آمد فقیر (مؤلف) یك دیوانش که تصنیف هندوستانست قریب بست (بیست) هزار بیت سیر کرده انتخاب برداشته از جمله چند بیت مرقوم میشود»

آقای رموند[2] مترجم سیرالمتاخرین که در سال های ۱۷٦٤ و ۱۷٦۵ میلادی (مطابق ۱۱۷۸و۱۱۷۹ ه) باحزین‌ملاقات کرده بودمینویسد که‌بعقیده وی حزین « صاحب فهم و دانش» بود.

۱- ظ : محاورت

Mr. Raymond -۲

اکنون عقایددوستان و ارادتمندان حزین درمورد فضل و کمال وی مرقوم می گردد.

واله که ازدوستان صمیمی حزین بود درپایان شرح حال وی در «ریاض الشعرا» مینویسد: «خلاصه باوجود این حال (یعنی ایرادات آرزو وغیره) بیان واقع آنست که شیخ دراین جزوزمان سرآمد سخنوران عالم است چنانکه این ابیات که ازمنتخبات افکار اوست اثبات این مدعامینمایده».

غلامحسین خان مؤلف «سیر المتأخرین» که از عقیدتمندان حزین بود و دراواخر عمر باحزین خیلی نزدیك شده ومکرر برای دیدن وی به بنارس رفته بود درباره فضل وتبحر علی حزین مینویسد: «مخفی نماند که فقیر (مؤلف) و کسانیکه بهمه وجوه بهتر ازحقیر بوده انداعتراف دارند که دراین جزو زمان چون او کسی دیده نشده بلکه مترددین عرب و عجم[1] نیز بجامعیت آن جناب درجمیع علوم ظاهر وباطن احدی رادراطراف واکناف عالم نشان ندیده. آیتی بود از آیات الهی»[2].

خوشگو که از شاگردان خان آرزوبود اماعلاقه و ارادت مفرطی در خدمت شیخ حزین داشته درباره حزین درسفینه خود مینویسد: «چندسالست که بدارالخلافه شاهجهان آبادزینت افروز استوعالمی ازبرکات خدمتش بهره اندوز. بسیار صوفی مزاج و تفردپیشه است. ازعلوم ظاهر وباطن نصیبه وافی یافته و سنت اسلاف اشراف زنده داشته. بمتقدمین مثل سعدی و خواجه شیراز وپاره (ای) بفغانی (علاقه) دارد و دیگر تازه گویان مثل صائب وسلیم و کلیم راوجود نمیگذارد (یعنی اهمیت نمیدهد) وچون مصارفش عمده است (یعنی خرجش زیاد است) (و) ازهیچکس چیزی قبول نمینماید از این جهت مردم از گمان غالب آنست که حضرت شیخ دست غیب دارد والله اعلم.

«بحقیقت الحال امروزاهل ایران جناب اورا بمرشدی میپرستند (به) خصوص

۱ـ یعنی کسانیکه بعرب وعجم رفت وآمد داشتند.

۲ـ سیرالمتاخرین ج ۲ ص ۶۱۵

مباهات‌میکردند که‌من‌شرف صحبت شیخ‌رادریافته‌ام. فی‌الواقع‌جای مباهات است
چرا که همین بزرگانند که قابل‌الزیاره هستند و حضرت شیخ اکثر بزرگان
دریافته وازنفایس قدسیه‌آنها فایده‌ومیمنت حاصل‌نموده‌بود. تاحین رحلت اوقات
شریف(را) بلطافت‌و سخاوت بسربرده. درباب‌اخراجش (مخارج او) که بهزاران
روپیه‌میکشید مردم‌انواع‌قسم حرفها میزدندچیزیکه اورا عقل باور و قبول نماید
استماع‌نیفتاده وحضرت‌شیخ جامع‌انواع‌طرز سخن‌است ».

خلاصه‌مردم عامی‌هندوستان وحتی‌اکثر خواص آن کشورعقیده داشتند که
شیخ‌حزین صاحب کشف و کرامات بوده چنانکه در « آرایش محفل » (تألیف
۲۰–۱۲۱۹ ه) آمده‌است که ازطرف‌خدا برحزین‌الهام‌میشده ووی‌معجزه‌میکرده
وبرآفتاب هم‌تسلط وقدرتی‌داشته‌است.

آثارمؤلف

آثارمؤلف بدین‌قراراست :

(الف)ـنظم

چهـار دیـوان شعر ـ حزین در « تاریخ احوال » ذکر این دیوانها را
درصفحات ٦٤و٩٧و١٠١و١٦٣ آورده‌است. (رجوع‌شود بشرح‌حال حزین) اماهیچ
نسخه‌ای ازسه‌دیوان‌اول حزین‌امروز وجودندارد وتنهابعضی نسخ‌دیوان‌چهارم وی
مورخ ١١٥٥ ه که‌درآن‌مؤلف‌تذکر داده‌است که قبل‌ازآن‌سه دیوان ترتیب داده
و این که‌آن دیوان چهارم رادرهندوستان ترتیب داده‌است امروز بجا مانده است.
نسخه‌ای‌ازاین‌دیوان درموزه بریتانیاموجوداست(رجوع‌شودبه‌ریو ج٢ص٧١٥الف)
همچنین درخاتمه دیوان که درآخرتذکرةالمعاصرین ضمیمه‌شده‌استمؤلف‌تذکر
داده‌است وی‌در١١٥٥ ه چهارمین‌دیوان خودراترتیب‌داده‌است .

دیوان‌چهارم حزین‌شامل قصایدوغزلیات‌ومتفرقات‌غزلیات‌ورباعیات وقطعات
وقسمت‌هائی که‌ازمثنوی‌های وی‌بنام«چمن وانجمن» و«خرابات» و«مطمح‌الانظار»

(فاتحه آن) وتذکرة‌العاشقین» (تنها فاتحه‌وخاتمه آن) میباشد. کلیات‌حزین که در کانپورولکهنوچاپ شده‌است اساساً مشتمل است برهمین دیوان‌چهارم وی‌اما دو مثنوی دیگر بنام«صفیردل» مورخ۱۱۷۳ ه «فرهنگ‌نامه» هم‌داردو همچنین‌مثنوی دیگر«ودیعة‌البدیعه» مورخ۱۱۷۳ ه که‌بسن‌هفتادسالگی بتقلیدحدیقه سنائی‌سروده است‌در‌بعضی نسخ‌دیوان دیده شده است . نسخه‌ای از کلیات حزین در کتابخانه مجلس‌تهران[1] (ش۹۷۱ مورخ۱۲۲۸ ق) موجود است .آنجا نیز مؤلف سن خود راهفتادسال ودر ص۱٤۵ عده‌اشعار خودرا پنجاه‌هزاربیت گفته‌است:

بعدپنجه هزاربیت گزین　　　　که‌در آمد بدختر تدوین

مندرجات کلیات‌حزین ازروی‌نسخه مجلس‌تهران بقرارزیر میباشد:

۱ـ قصایدمشتمل برتوحیدو نعت‌ومدایح قریب به۲۱۵۰بیت

۲ـ مثنوی‌در‌وصف حضرت‌پیغمبر ص - ۵٦بیت

۳ـ مقطعات شامل ماده‌های تاریخ ومواعظ ومراثی ومکاتیب منظوم‌ـقریب به۱۱۰۰ بیت

٤ـ صفیردل‌ـ مثنوی‌بامقدمه‌مختصری بنثردرحدود۶۷۰ بیت

۵ـ حدیقه‌ثانی درجواب‌حدیقه سنائی

٦ـ خرابات‌ـ مثنوی‌در ٤۷۰ بیت

۷ـ چمن‌و انجمن‌ـ مثنوی در ۳۰۰بیت

۸ـ مطمح الانظاردرجواب مخزن‌الاسرارنظامی‌ـ قریب‌به۱۱۲ بیت

۹ـفرهنك نامه‌ـمثنوی‌در ۳۵۰بیت

۱ـ ازمندرجات این کلیات‌معلوم می‌شود که‌حزین‌خواسته است که دربرابرپنج گنج نظامی گنجهائی‌انشاء کندچنانکه درص۱۲۳ بیت۹(نسخه‌مجلس) می‌گوید.

کنی تازه‌تاخمسه گنجوی　　　　شرابت کهن‌باد و رایت قوی

اماظاهراً دراین‌منظور توفیق‌نیافته است‌چون ازگنجهای‌وی جز ابیاتی چند امروز دردست‌نیست.

۱۰ـ تذکارات (تذکرة) العاشقین ـ مثنوی بر وزن لیلی و مجنون که اشعار عربی دارد قریب به ٤٧٠ بیت

بعد از دیوان چهارم حزین هیچوقت بتدوین و ترتیب دیوان پنجم همت نگماشت و بعد هرچه گفته بدیوان چهارم خود اضافه و علاوه نموده است چنانکه نسخه‌ای از دیوان وی در موزه بریتانیا موجود است[1] که نسبت بنسخ دیگر وی بعضی قصائد و غزلیات اضافی دارد که حزین حتماً در آخر عمر سروده است.

(ب)ـ نثر

کتب بنثر[2] که نسخ آن امروز موجود است[3] بدینقرار است:

۱ـ رساله در حقیقت نفس و تجرد[4] ـ برای نسخ آن رجوع شود به اته ش ۱۹۰۳ و بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۱ و ایوانو ـ کرزن ش ۵۰۲ (۲) و ایوانو تکلمه دوم ش ۱۰٤۳ (۵)

۲ـ رساله فرس نامه ـ این رساله را درهندوستان بطرز کتابی دیگر نوشته است که سابقاً در جوانی در اصفهان درهمین موضوع تألیف نموده بود. برای نسخ رجوع شود به بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۲ و ۲۳٤ ولیندزیانا ص ۱۵۲ وریو ج ۲ ص ٤۸۳

۳ـ اللمعه (من) مرآت اله فی شرح شهید اله. تفسیر سوره ۳ آیه ۱٦ بزبان عربی که در اردبیل در ۱۱۳۹ هـ نوشت. برای نسخ آن رجوع شود به اته ش ۱۹۰٤ و ایوانو ـ کرزن ۷۵۲ (٤) واندیا آفس نسخ عربی ج ۲ ش ۱۱٦۵ (۲)

۱ـ ر.ك. ریو ج ۲ ص ۷۱۷ الف

۲ـ فهرست آثار حزین درنجوم السما ص ۲۸۷ـ۲۹۳ نیز ذکر شده است اما آن فهرست هم کامل نیست.

۳ـ حزین در «تاریخ احوال» اسم بیست رساله را آورده است که اکثر آن حواشی بر بعضی متون فارسی بوده اما امروز غالب آن از بین رفته است.

٤ـ ظاهراً این رساله و رساله «تجرد نفس» که حزین در کرمانشاه تألیف نموده و در تاریخ احوال بدان اشاره نموده است یکی است.

٤ـ **شجرةالطور فی‌شرح آیت‌النور** ـدر تفسیر سوره۲٤ آیه۲٥ بزبان عربی درمشهددر۱۱٤۰ هـ نوشت. برای‌نسخ آن‌رجوع‌شود به‌اته ۱۹۰٤ وایوانو ـ کرزن ۷٥۲(۳)واندیاآفس‌نسخ‌عربی ج۲ ش ۱۱٦٥(۱)

٥ـ رساله درتحقیق معاد روحانی ـبرای نسخ‌آن رجوع شود به بانکی‌پور ج ۳ ص ۲۳۳ وایوانو ـ کرزن ۷٥۲ (۱) و ایوانو تکلمه‌ثانی۱۰٤۳(۳)

٦ـ رساله در اوزان شرعی یا رساله در اوزان مثقال و درهم و دینار وغیره . برای نسخ‌آن رجوع شود به بانکی پورج ۳ ص ۲۳۲ وریوج ۲ ص ٤۸۳ وایوانو ـ کرزن ٥۰۲ (۷).

۷ـ رساله درمسئله حدوث وقدم ـبرای نسخ‌آن رجوع شود به بانکی‌پور ج۳ص۲۳۳ و ایوانو ـ کرزن ٥۰۲(۳)وایوانو ذیل ثانی ۱۰٤۳(٤) .

۸ـ جواب رقعات‌شیخ حسن مرحوم ـبرای‌نسخه‌آن رجوع شود به‌بانکی‌پور ج ۳ ص ۲۳۳.

۹ـ شرح قصیده لامیه. شرح قصیده خود به منقبت امیرالمومنین ـ برای نسخ‌آن رجوع شود به بانکی پورج ۳ ص ۲۳۲ و۲۳٥ .

۱۰ـ رساله صیدیه یا رساله درخواص حیوان ـ برای‌نسخ‌آن رجوع شودبه علیگره ذخیره‌سبحان الله ص ۸ وبانکی پور ج ۳ص ۲۳۲ وریوج ۲ ص ٤۸۳.

۱۱ ـ رساله درحمله‌های ایران برهند ـ در۱۱۷۰ هـ در حسین آباد باتمام رسید . برای‌نسخه آن رجوع‌شود به‌ریو ج ۲ ص ٦۱٥.

۱۲ ـ رساله دستورالعقلا ـ درحکمت عملی وغیره در۱۱٥۳هـ دردهلی‌نوشت. برای نسخ آن رجوع شود به اندیاآفس دی پی ۱۲۰۷ و ایوانو ـ کرزن٥۰۲(۱).

۱۳ ـ مواعد لاسحار ـ درفقه شیعه . برای نسخ‌آن رجوع شود به براون ذیل ش ۱۲۸۰ .

۱٤ ـ مذاکرات فی‌محاضرات ـ برای نسخه‌آن رجوع شود به آصفیه ج ۱ ص۱۷۰ تحت‌عنوان «بلاغت» .

۱٦ - تاریخ احوال- در دهلی در ۱۱٤٤۵ ھ دردوشب نوشت. برای نسخ آ رجوع شود به:

۱-اشهر نگرش۲۲

۲ - بانکی‌پور ج ۷ ص ٦۲٤ (۱۱٦۲ھ)٦۲۵(۱۲۸۱ھ)

۳ - ایوانو ۲۲۵ (حدود ۱۱۸۰ ھ) و ۲۲٦ (قرن ۱۸م) و۲۲۷ (قرن ۱۹م)

٤ - ایوانو -کرزن ۵۵ (قرن ۱۸ م)

۵ - لیندزیانا ص۱۵۱ ش٤٤٦ (حدود۹۰-۱۷۸۰م) ش٤٤۷ (حدود ۱۸۰۰ م) ش۵۵۹(۱۲۱۸م)

٦ - بادلین ۳۸۳ (۱۱۹۷ھ)

۷ - براون ذیل ش ۳۰۰ (قبل‌از ۱۷۸۸م)

۸- ریوج۲ص۱۸۲۳ الف (اواخرقرن۱۸م) ج ۱ ص۳۸۱ الف (۱۲۱٦ھ) ج۲ ص۸٤۳ ب (۱۲٤٤ھ)

۹- رهاتسك ص ۲۱۸ ش ۱۱(ظ : ۱۲۱٤ ھ)

۱۰- اندیاآفس دی‌پی ص ٦۷٤ الف[1](۱۲۲۳ھ) اته ٦۷۷ (۱۲۲۷ھ)

۱۱ - اندیاآفس ۳۹۵۲ [1](۱۲۵۹ھ)و۳۹٦۷(c)[1]

۱۲- راس و بروان ۲٤۰ (۲) (۱۲۸۰ھ)

۱۳- ولرز ۹۸۷ (۲) .

این کتاب درلندن در ۱۸۳۱م‌ودر بنارس در۱۸۵۱ م و در لکهنو در ۱۲۹۳ھ (جزو کلیات‌حزین) ودر کانپور در ۱۸۹۳م(جزو کلیات حزین) ودردهلی‌در۱۳۱۹ھ چاپ شده‌است . وترجمه انگلیسی آن بوسیله‌اف سی بلفور[2] در بمبئی در ۱۹۰۱م (تنها قسمت دوم)ودر ۱۹۱۰م (دردوقسمت)وبا مقدمه وفهارس بوسیله ا م سی‌ماستر[3] دربمبئی در ۱۹۱۱م چاپ‌شده است.

۱۷- تذکرة‌المعاصرین - تذکره مورد بحث

---

۱ -این نسخه درفهرست اته ذکر نشده است ر.ك. استوری ج ۱ صxvi در ذیل عبارت I・O .

۲- The life of Sheikh Mohammad Ali Hazin by F・C・ Belfour

۳- M.C.Master

اصفهان که یا مؤلف هم‌عصر بودند و دراواخر عهد صفویه می‌زیسته‌اند و در این
تذکره مؤلف هیچ‌ترتیب مخصوصی نه الفبائی‌و نه‌تاریخی و نه‌جغرافیائی مرعی
نداشته‌است.

این کتاب شامل‌دو فرقه‌است بقرار زیر:

فرقه‌اولی: درذکر علمای‌معاصر که بانشاد شعر زبان بلیغ گشوده وتوجه
خاطر بآن مبذول فرموده اند » این قسمت با « صدرالدین سید علیخان بن سید
نظام‌الدین احمدالحسینی » شروع شده‌با«صدرالدین‌الجیلانی» تمام میشودو شامل
ذکرحال‌واشعار بیست‌نفر میباشد.

فرقه‌ثانی: درذکر شعرای‌معاصر استو با«میرزاطاهر» شروع شده‌با«میرزا
محمدشیرازی» تمام‌می‌شود وشامل‌ذکرحال و اشعارهشتاد شاعرمیباشد.

کلیه‌شعرا وفضلائی که ذکرشان دراین کتاب آمده است شیعه اثنا عشری
بوده‌اند چنانکه مؤلف‌خودش دردیباچه دراین‌باره توضیح داده است: «بطون این
همایون دفترباظهار شعرای‌ملت‌اثنی‌عشر اختصاص خواهد داشت ». و تمام آنان
معاصرمؤلف بودندو وی با اکثرشان ملاقات و صحبت داشته استچنانکه خودش
دردیباچه‌مینویسد:«وچون‌این‌راقم آثم‌راحصول ملاقات‌وصحبت‌اکثری‌روی‌داده‌اگر
برسبیل‌ندرت درین‌محفل سامی‌وبزم گرامی ذکرقلیلی‌ازعزیزان بزبان‌قلم آید که
ادراك صحبت‌صورت نبسته باشدخالی ازاشعارو اشارت نخواهد گذاشت»

درخاتمه دیوان که در آخر این کتاب ضمیمه شده است[1] مؤلف در سه
صفحه به‌نثر بسیار مصنوع و معرب‌از شکسته حالی خود درهندوستان‌شکوه‌ونوحه
کرده‌است و این‌نمودار وضع‌وی در هندوستان وعقیده‌ونظر اودرباره آن کشور و
اهالی آن‌میباشد.

بعضی‌مزایای‌این تذکره‌بقرار زیراست :

---

۱ – ر.ك تذکرة‌المعاصرین چاپ شرکت‌تایید‌اصفهان ۱۲۴۴ ش.

۱ـ این تذکره دارای فواید تاریخی وادبی است وتا اندازه‌ای وضع انحطاط ادبی و فترت سیاسی دراواخر دورهٔ صفوی راروشن میسازد. اشعاری که‌دراین تذکره انتخاب و ثبت‌شده است شاهداین حقیقت است که فن شعر و شاعری در آن دوره قوس نزولی خودرا تاحد ابتذال پیموده بودچنانکه اکثر اشعاری که مؤلف اینجا نقل کرده‌است نمیتوان‌همسنك و همپایه اشعار متقدمین ومتوسطین باشد.

۲ـ جمعی ازعلماو فضلاو ادباومعاصر مؤلف که‌دراین کتاب از آنان‌یادشده استزیاد معروف نبوده‌و بنابراین درجای‌دیگر شناخته نشده‌اند وازاین حیث‌این تذکره تنهامنبع ومأخذ اطلاعات‌درباره شرح زندگانی و مقام ادبی وعلمی ایشان می‌باشد .

۳ـ برعکس اغلب تذکره نویسان مؤلف سعی کرده است تا حد امکان تاریخ فوت شعرا و علما را ذکر نماید یا بطور دیگر عصر آنان را تعیین‌نماید. ایــن اهتمام و التزام مؤلف با وجود عدم وسایل بسیار قابل تعریف و تمجید است مخصوصاً در آن زمان « تیره روزی » که تلخی آن از صفحات خاتمه این کتاب پیدا است.

٤ـ مؤلف با اکثرشعراو علمای‌مذکور ملاقات‌وصحبت داشته‌است وبنابراین بیانات‌وی درباره‌آنــان بیشترمورداعتبار واهمیت میباشد.

امانقص و عیب‌بزرگی که این کتاب دارد اینست که مؤلف این کتاب‌را در مدت بسیار کم بانداشتن وسایل لازم برای این‌کار تألیف نموده است چنانکه خودش درپایان کتاب تصریح نموده است که‌آنرا درمدت نه روزتنها از محفوظات خاطرخویش استمداد نموده‌و ترتیب‌داده‌است. ظاهراً مؤلف‌مجال اصلاح و تجدید نظردر مسودات‌آنرا هم‌نداشته چنانکه‌یکنفر بنام‌مختار نهاوندی راعیناً درتحت‌دو عنوان‌مکرر و در دوشماره متوالی (۷۵و۷٦) ضبط نموده است.

این‌نشانه پریشان‌خیالی وعدم‌جمعیت خاطرمؤلف میباشد وبااینکه‌ازطرفی موجب تحسین وتعریف است امااز طرف دیگر باعث ایجاد شك و تردید در ذهن

خواننده نسبت‌به‌صحت ودرستی بعضی‌بیانات مؤلف‌میباشد وفکرش‌را باین‌عقیده و حقیقت سوق می‌دهد که‌اکثر سال‌های مربوط به زندگانی شعرا و وقایعی که دراینجا ذکرشده‌است ازروی حدس وتخمین بوده است و این حقیقت تا اندازه‌ای از اهمیت این‌تذکره‌میکاهد.

مؤلف درذیل شرح‌حال‌شعرای زیرتصریح‌نموده است که‌وی باآنها ملاقات کرده است .

در**فرقه‌اولی** تمام فضلا مذکور و در **فرقه‌ثانیه** میرزا طاهر و میرزا داود ومیرزا محمد شفیع ومیرزا محمد امین‌ازل ومیرزا ابراهیم ومیرزا اشرف.

همچنین درذیل شرح‌حال شعرای زیر تصریح‌نموده‌است که‌ملاقات آنها بوی دست نداده است:

ملاسعید اشرف ومیرزا مهدی عالی مشهدی و تعظیم مـازندارانی و میرزا محمودشیرانی .

بنابر این درذیل تمام بقیه شعرا دراین مورد هیچ نوع تصریح ننموده که با آنها ملاقات کرده یا خیر .

تنها در مورد شعرای زیر سال وفاتشان را ذکرنموده است:

شیخ ابراهیم۱۱۱۹ ه ومیرزا هاشمی الهمدانی۱۱۳۶ه و کمال‌الدین حسینی الفسائی ۱۱۳٤ه ومحمدعلی‌الکاکی‌الشیرازی ۱۱۳۵ه ومحمد هـادی ۱۱۳٤ه و میرزا داود ۱۱۳۳ه و میرزا محمدشفیع ۱۱۲۹ه ومیرزا محمدامین‌ازل ۱۱۳۵ ه و میرزا اشرف ۱۱۳۳ه ومیرزا غیاث‌الدین محمد ۱۱۳٤ه (یکسال بعد از اشرف) شوکت بخارائی ۱۱۰۷ ه وملا سعید اشرف ۱۱۱۶ه ولطف‌علی‌بیگ شامی۱۱۲۰ه و میرزا سید رضا ۱۱۳۳ ه ومیرزا ابوطالب حیات ۱۱۳۵ه و میرزاهاشم ارتیمانی ۱۱۳٤ ه و میرزا اسمعیل ایما و تعظیم مازندرانی ۱۱۲۸ ه ومحمد علی‌بیگ‌دیهیم ۱۱۰۵ه .

در ذیل‌شرح حال‌شعرای زیر تنهاسنشان درموقع‌وفات آورده است ولی‌سال

وفاتشان‌را ذکر ننموده‌است:

مسیح :قریب۹۰سال(عشر تسعین)   میرزا طاهر : قریب به صد سال

میرزا باقر:۷۰سال (عشرسبعین)   ملاحاجی محمد گیلانی:هفتادسال

مخلصای‌کاشی : ۹۰سال   بخشای‌کاشی: تقریبا ۷۰سال(درعشر سبعین)

عرب بروجردی :«عمرش‌ازهفتاد سال گذشته‌بود» بدیع‌اصفهانی:ازهفتاددر گذشته (یعنی تجاوز نموده) میرمعصوم‌اصیل :۴۰سال

در ذیل شرح حال شعرای زیر سال مقرون و تقریبی را آورده است یا بواقعه‌تاریخی اشاره نموده است که از آن‌میتوان سال وفاتشان را معلوم کرد :

قهرمانی همدانی ـ «بیست سال شده باشد که بملك بقا پیوست»

عبدالمولی اصفهانی ـ «چند سال پیش‌از تحریررحلتش مسموع شد»

واصل گیلانی ـ « پنجاه سال گذشته که در اصفهان برحمت حق متواصل گشت»

آقارضا ـ «سی‌سال گذشته باشد که رحلت نمود»

اعلی اصفهانی- «هنگام استیلای رومیه (بر) همدان‌آن نادره زمان در آن شهرغربت بشهادت فایز گردید»

شریف شیرازی اصفهانی ـ «قریب بچهل سال گذشته که بعالم بقا ارتحال نموده»

میرزا محمد شیرازی ـ «تخمیناًسی‌سال گذشته که درمشهدرضویه علی‌مشرفها التحیه سعادت رحلت نمود»

در «فرقـه اولی» اشعار و شرح حال فضلا را معمولا هر کدام در نیـم صفحه نقل کرده‌است اما ازفضلای زیراشعار وشرح حالشان را نسبة مفصل‌تر نقل کرده‌است :

صدرالدین سید علیخان‌الحسینی ومسیح (الانام) وشاه محمد شیرازی وشیخ ابراهیم وشیخ جلیل‌اله طالقانی وظهیر(الانام) وقوام‌الدین محمد یوسف‌الحسینی و

محمد مسیح کاشانی و کمال‌الدین حسینی‌الفسائی و محمد علی‌الکاکی‌الفیرازی و میرزا هاشمی‌الهمدانی ومیرزا باقر.

در ذیل نام صدرالدین سید علی خان الحسینی مزبور تنها اشعار عربی ازاو نقل کرده ودرذیل نام مسیح (الانام) علاوه براشعارفارسی اشعار عربی اورانیز آورده‌است

همچنین در «فرقه ثانیه» اشعار و شرح احوال اکثرشعرا را هر کدام درنیم صفحه نقل کرده‌است امادرذیل نام شعرای زیراشعار وشرح‌حالشان‌را نسبةً مفصلتر آورده‌است:

میرزا طاهر و میرزا داود و میرزا محمد امین ازل و ملا حاجی محمد گیلانی و مرحوم میر نجات و شوکت بخارائی و ملا سعید اشرف و میرزا محسن تأثیر و شفیعای اثر شیرازی و مخلصای کاشی و بخشای کاشی و لطف علی بیگ شاملی وسید عبداله حسابی وملامحمد نصیرفایض ابهری‌اصفهانی ومیرزامهدی‌الهی تبریزی وملاعلی‌اعلی اصفهانی.

اشعار علما وشعرای زیررا ازهمه مفصلتر آورده‌است :

در**فرقه‌اولی** اشعارمسیح (الانام) (در٤ ص)

در**فرقه‌ثانیه**اشعارملاحاجی‌محمد گیلانی (۲ص) و ملاسعیداشرف وبخشای کاشی(قریب $\frac{1}{2}$-۲ص)ومیر نجات‌وشفیعای اثرشیرازی‌وملانصیرفایض ابهری‌اصفهانی (هر کدام در۳ص) ومیرزا طاهر(قریب $\frac{1}{2}$۳ص)

همچنین شرح‌حال علماء و شعرای زیررا مفصل‌ترازهمه آورده‌است :

در **فرقه‌اولی** مسیح ($\frac{1}{2}$۱ ص) و صدرالدین سید علی خان الحسینی (۲ ص)

در **فرقه‌ثانیه** میرزا طاهر($\frac{1}{2}$۱ص) و شوکت بخارائی (۲ص)

در ذیل نام میرزا فتح‌اله خورانی و سعید قصاب هیچ شعری از آنها نقل نکرده است.

درذیل نام فضلای زیر که همه‌شان در «فرقه اولی» آمده‌اند اسامی آثارشان را نسبةً مفصل ذکر نموده است :

صدرالدین سید علیخان‌الحسینی ومسیح وشیخ ابراهیم و قوام‌الدین محمد یوسف‌الحسینی و کمال‌الدین حسینی الفسائی.

درذیل شرح حال محمد مسیح کاشانی حکایت عجیبی را نقل کرده است که عقرب کاشان غریبرا نمیگزد!!

غالباً در تعریف علما وشعرا راه اغراق و مبالغه پیموده‌است چنانکه در ذیل نام مسیح‌الانام مینویسد:

«علامه روزگار ونادره زمان بود. اودرجمیع علوم سرآمد علمای اعلام و احقق اذکیای افاضل عالی مقام‌بود»

گاهی براشعار بعضی شعرا ایراد گرفته واز آنها انتقاد نموده است چنانکه درذیل مخلصای کاشی مینویسد: «طبعی سخن‌آشنا ومیل مفرط بشعراء داشت واشعار خوب دارد. سلیقه‌اش در شعرقصوری نبود لیکن چون از سرمایه دانشوری عاریست وصنعت ابهام‌را بجد گرفته گاهی بلکه اکثرسخنش با وجوز تناسب الفاظ سبك و خام میافتد و اگر او را تربیت افاضل فیض‌گستر و ملوك دانشور فرارسیدی و نفس اورا کیفیتی حاصل آمدی از فارسان و سایفان مضمار سخن گشتی»

در ذیل نام میرزا زاهد علی سخا منویسد : «اگرچه در گویائی اقتداری نداشت لیکن ابیات خوب دارد وطبعش شگفته و خیالش را طراوتی‌است».

درذیل نام تورس دماوندی مینویسد : «بشاعری مشهور و عمری بآن پیشه مغرور وازاماثل خود کمی نداشت لیکن بلاغت وحلاوت سخن نصیبی‌است شگرف که هر کس‌را میسر نیاید وهرمرغکی‌انجیر نخاید».

سبك انشای مولف

نثر مؤلف غالباً آمیزش کلمات عربی بفراوانی دارد و به‌این حقیقت اشاره

که از کرام‌شیرازودرنزاهت ولطافت هوا ممتازاست»[۱].

و در ذیل نام « شیخ عبداله زاهدی جیلانی» می نویسد : «عم عالی مقدار این خاکسار است و مظهر شوارق انوار و مؤید بتایید کردگار و از نوادر روزگار بود».

گاهی در معنی « فوت شد » جمله های مصنوع و پرتکلفی بکار برده است چنانکه در ذیل نام میر باقر مینویسد : « این جهان را بدرود نموده بحظایرقدس ارتحال فرمود».

درذیل نام میرهادی مینویسد: «ازاین دار بیقراربعالم انوار پیوست»

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ۲۱
۲ـ ایوانو ۲۲۸ و ۲۲۹
۳ـ اته ۶۷۸ و ۶۷۹
۴ـ اندیا آفس دی - پی ۴۹۳ (p) [۲]
۵ـ اندیا آفس ۵۸۶ الف[۲] و۳۹۶۸ الف[۲]
۶ـ علگیره ذخیره سبحن‌الله ص ۶۰ ش ۱۱
۷ـ برلن ۶۵۵
۸ـ بانکی‌پور ج ۳ص۴۰۷ و۴۰۸
۹ـ بانکی پور تکمله ج ۲ ش ۲۳۵۰
۱۰ـ ریو ج ص ۸۷۳ و۳۷۳ ب و ۸۴۳ ب

چاپ

۱ـ لکهنو ۱۲۹۳ ه (جزو کلیات حزین)
۲ـ کانپور ۱۸۹۳ م (جزو کلیات حزین)

۱ـ ظ :... فسائی است ازکرام شیراز که درنزاهت ... الخ
۲ـ این نسخه درفهرست اته ذکر نشده است رجوع‌شود به استوری ج اق‌اشxvi در ذیل I.O.

۲ـ اصفهان ۱۳۳٤ ش (چاپ دوم)

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به‌اشپرنگر ص ۱۳۵ ـ ۱٤۱ و بلاند درمجله انجمن‌همایونی آسیائی[1] ج ۹ ص ۹ ـ ۱٤۷.

برای شرح حال حزین رجوع شود به تذکرة المعاصرین و تاریخ احوال و سفینه خوشگو دفتر ثالث و منتخب‌الاشعار مبتلا و ریاض‌الشعراء واله ومجمع ـ النفایس و خزانه عامره ص ۱۹۳ ـ ۲۰۰ و تاریخ محمدی و آتشکده ش ۷۸۳ و سیرالمتاخرین چاپ‌لکهنو۱۸٦٦ ج ۲ وخلاصة‌الکلام ش ۱٦ و عقد ثریا وخلاصة‌ـ الافکار ش٦۸ و شرح‌حال حزین (نسخه‌اند یاآفس ش٤۰۳۸ که اسم مؤلف ندارد) و مخزن‌الغرایب ش ٦٥۲ ومرآت‌آفتاب نما وآرایش محفل و نشتر عشق ونغمه عندلیب و مجمع‌الفصحا ش ۹٤ (درسه سطر) و هفت‌آسمان ص ۲ـ۱٦۱ و شمع‌ـ انجمن‌ص۱۳۰ونجوم السما ص۲۸۳ـ۲۹۳ (که فهرست آثارحزین بقلم خودش‌دارد) وتذکرة حسینی‌ومردم دیده وغیره.

سفینه‌علی‌حزین

ابتدا: «باسمه سبحانه ـ مولانااهلی شیرازی...»

مولف: اسم مولف این کتاب شیخ محمد علی حزین است (برای‌شرح حال وی رجوع شود به تذکرة‌المعاصرین در این کتاب).

تبصره برکتاب

سال تألیف‌این کتاب‌هیچ‌جا ذکر نشده است، این کتاب درذکر ۱۰۷شاعر

---

[1] Journal et fho Royal Asiatic Society of Beugal-۱

متاخردرصدو دوصفحه (از روی‌چاپ دکن۱۳۴۸ هـ = ۱۹۳۰م)بترتیب‌القبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص‌شاعر میباشد . این سفینه با «اهلی‌شیرازی» شروع شده با «کمال‌الدین ضمیری‌اصفهانی»تمام میشود.

حزین اکثرشعرا را دریك جمله معرفی نموده است و درذیل نام شعرای زیر فقط چند بیت از آنها آورده اما شرح حال‌آنها را اصلانوشته‌است:

اهلی شیرازی و آصفی و امیدی و ملاخراسانی و ابوالحسن‌فراهانی‌وحالتی ومولانا سپهری و میرزا اشرف جهان وتقی‌الدین اصفهانی ومیرزا حسابی نظیری ومیرحضوری قمی و میر حیدر معملئی وذوقی اردستانی .

تنها در ذیل نام شعرای زیرا اشعار و شرح حال آنها هردو را نسبة مفصل آورده است :

ابوالفتح ابراهیم میرزا وسام میرزا وسالم(محمودبیك)وملاحیرتی‌ودرویش دهکی قزوینی وبابافغانی شیرازی ومولانا کمال الدین ضمیری اصفهانی.

اشعاروشرح حال بابا فغانی را مفصل تراز همه‌آورده است .(اشعاردر۷ص و شرح حال در ۲½ ص)

این سفینه ذکر بعضی شعرا را دارد که در تذکره های دیگر نیامده و ازاین‌حیث دارای اهمیت وارزش میباشد اما در ذیل نام‌اکثرشعرا تنها اسمشان را ذکر نموده‌واز‌آنان یك دو بیت نقل شده است و ظاهرا مؤلف درباره اکثرشان اطلاع بیشتری نداشته واز آنها اشعاری نشنیده‌است وجائی ندیده است.

در ذیل نام بعضی شعرا براشعارشان انتقادنموده وهمچنین برعکس درذیل شرح حال بعضی‌شعرا ایراداتی‌را که دیگران براشعارشان گرفته‌اند ازطرف خود جواب داده و از آنان دفاع نموده است مثلا رجوع شود به نام کمال الـدین اصفهانی .

سال تولد ووفات هیچکس را ذکرنکرده است .

رویهمرفته این کتاب مانند مجموعه اشعاریست که مولف درآن درباره

زندگی ومقام بعضی از شعرا اشاره هائی نموده است.

سبك انشای مولف معمولا ساده است.

چاپـدارالطبع جامعه‌عثمانیه حیدرآباد دکن ۱۳۴۸ھ ۱۹۳۰م

فهرست اسامی‌شعرا - رجوع‌شود به‌خود کتاب چاپ حیدرآباد دکن.

تذکر ـاستوری اسم این کتاب را ذکر ننموده و از وجود آن اطلاعی نداشته است.

تحفة‌الشعرا

ابتدا

ای‌ذکر توگلفروش بازارسخن　　رنگین زتو برگ‌برگ گلزارسخن

اوصاف تومجموعه دیبا چه نطق　　توحید تو مشاطه رخسار سخن

زیبائی خامه سرومثال از حمد گلشن آرائیست که‌چمن پردازی صحیفه گلستان رقم‌کشیده قلم نوبهار اوست ورنگین نامه گلشن مال از ثنای چمن پیرائیست که گلشن طرازی نسخه بوستان بهمرسیده رقم زرکار وی»

مولف

اسم مولف میرزا افضل بیگ قاقشال‌اورنگ‌آبادی است (مولف شرح حال خودرا در تذکره نیاورده واز کتب‌دیگرهم‌بدست‌نیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را درسال ۱۱۶۵ ھ تالیف نموده‌است چنانکه قطعه زیر میرغلام علی آزاد که‌درمقدمه این کتاب آمده‌است‌میرساند:

صاحبان معنی افضل بیگ خان (قاقشال)   کرد تألیفی مرتب ازپی ارباب شعر
کلکش او بر لوح گیتی بست نقش تازه‌ئی   میشود تاریخ سالش «تحفه اصحاب شعر»
(= ۱۱۶۵ ه)

همچنین تاریخ تألیف این کتاب را عارف‌الدین خان عاجز از « تحفه اوج کلام شعرا » ومیرزا علی نقی ایجاد نیز ازروی تعمیه ازقطعه زیر یافته است :

خان افضل بیان معنی سنج   مجلس آرای صفه شعرا
کرد تألیف نسخه رنگین   ازسخن های طرفه شعرا
سال تاریخ این زروی قبول   گفت ایجاد تحفه شعرا

(اینجا چون عدد روی قبول‌را که حرف « ق » (= ۱۰۰) است باعدد «تحفه شعرا » = ۱۰۶٤ جمع کنیم عدد ۱۱٦٤ بدست میآید که یك عدد کمتر ازسال تألیف کتاب (۱۱٦٥) میباشد .

درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه کتاب چنین مینویسد که چون قبل ازاو دیگران تذکره هائی نوشته بودند بنابراین اونمیخواست تذکره شعرای بزرگی که ذکر آنها درتذکره های قدیم بکرات آمده است بنویسد بلکه « بحکم لکل جدید لذة باشتمال احوال آن گروه والاشکوه . . . که درخدمت فیض ومسرت آنها ربط بندگی واخلاص داشت . . . بعبارتی که خالی ازتکلف است پرداخت و به تحفة الشعرا موسوم ساخت » .

این تذکره مشتمل است برذکر شصت ودو (٦٢) شاعر معاصر دکن که درزمان نظام‌الملك میزیسته‌اند که دونفر از آنها هندوهستند وبا «سید غلام حسن قادری متخلص به سالك » شروع شده با «میرزا جان‌جانان مظهر جهان آبادی» تمام میشود و مؤلف درذکر اسامی هیچ ترتیب خاصی را مراعات نکرده است .

درذیل شرح حال آصفجاه و نظام الدوله وقایع تاریخی معاصر را مفصل آورده است ز چون این وقایع درزمان مؤلف اتفاق افتاده واکثر آن چشم دید اوست بنابراین ازحیث تاریخ معاصر این مطالب دارای اهمیت فراوانی میباشد .

اورنگ آبادی وقار ۲۵ ـ عارف‌الدین خان میرزائی عاجز اورنگ آبادی ۲۶ ـ جان‌میرزا مخاطب(ملقب) به‌میرزاخان‌رساحسینی‌همدانی ۲۷ـ آقاامین‌ایلچپوری وفا۲۸ـ میرزاعلینقی ایجادمخاطب (ملقب) به‌نقی‌علی خان ۲۹ـ میرزا محمدتقی صبامخاطب(ملقب) به‌علینقی‌خان ۳۰ـ غلام‌ابراهیم خان۳۱ـ قاضی‌محمد جان‌آشنا ۳۲ـ میرمحمدرضی شوشتری ۳۳ـ میرمحمد واله‌حیدرآبادی۳٤ـمیرعبدالوهاب افتخار دولت‌آبادی۳٤ـ میرسیداحمد هنرمخاطب(ملقب) به‌فدوی احمدخان۳٦ـ میرزاترک‌علی بیگ‌واصل اورنگ آبادی ۳۷ ـ شیخ‌نور محمد عاصی برهانپوری ۳۸ـ شیخ‌محمد انوریکدل ۳۹ـ شیخ‌غلامحسین عرف‌میان جوبن‌امدادبرهانپوری ٤۰ ـ نصیرالدین خان دانـا ٤۱ ـ نورالدین علی رنگین ٤۲ ـ شیخ احمد فـدا اورنگ‌آبادی ٤۳ـ نوازش خان راز٤٤ـ میریوسف خان بسمل ٤٥ـ میر کامل کامل‌برهانپوری ٤٦ ـمحمدقلی تسلیم‌برهانپوری٤۷ـ محمدحامد مخاطب(ملقب) به‌حامدعلیخان دولت‌آبادی ٤۸ـ میریحیی مخاطب(ملقب) به عاشق علیخان‌ایما ٤۹ـخواجه کامگارخان‌عالی‌اورنگ‌آبادی۵۰ـمیرمحمدعلی افصح‌شاجهان‌آبادی ۵۱ـ آقاصاپیا معتمد ۵۲ـ میرمحمدعلی ضیا ۵۳ـ میرزا خلیل خلیل حیدر آبادی ۵٤ـ مبارک‌یارخان‌مبارک ۵۵ـمحمدعاقل‌خان عاقل‌مخاطب(ملقب) بدانشمندخان ۵٦ـ امین‌الدین علی‌مخاطب (ملقب) به‌علیخان امین اورنگ‌آبادی ۵۷ـ حافظ محمدفاضل گجراتی ۵۸ـشیخ‌محمدفاضل‌جویا سرهندی۵۹ـمهاسنگ‌عرف کیسامل حقیر ٦۰ـرای‌مدن‌سنگه موزون٦۱ـقاضی‌محمدصالح روشن٦۲ـمیرزاجان‌جاتان مظهرشاهجهان آبادی.

کتاب آن را «مآثر الکرام» موسوم و در دودفتر قسمت کرد و نام دفتر اول آنرا «مآثرالکرام فی‌تاریخ بلگرام» گذاشت که مشتملست بردو فصل در ذکر عرفاء و فضلای بلگرام و نام دفتر ثانی این کتاب را «سرو آزاد» گذاشت.

مؤلف اسامی مآخذ ومنابع خود رادردیباچه یاخاتمه کتاب ذکر نکرده است، امادرذیل احوال شعرا اسم کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده‌است :

۱ـ صبح‌صادق(رجوع‌شود به‌نام‌سحابی‌و فیضی‌و ملازمانی‌وشیدا)

۲ـ آئین‌اکبری‌ابوالفضل(رجوع شود بنام فیضی)

۳ـ اعلام‌الانعام شیخ‌محمد یحیی‌اله‌آبادی(رجوع‌شود بنام‌فیضی)

٤ـ تذکره‌ناظم‌تبریزی (رجوع‌شود به‌نام‌ملازمانی وملك‌قمی)

٥ـ تاریخ عالم‌آرای‌عباسی(رجوع‌شود به‌نام‌ملك‌قمی)

٦ـ مکتوبات فیضی(رجوع شودبنام‌فیضی‌وملك‌قمی)

٧ـ خوان‌خلیل ملاظهوری (رجوع‌شود به‌نام‌ملاظهوری)

٨ـ تذکره‌نصرآبادی (رجوع‌شوم به‌نام زکی همدانی)

٩ـ تذکره‌عرفات تقی‌اوحدی(رجوع‌شود بنام‌فصیحی‌ومرشد یزدجردی)

١٠ـ تذکره‌میرتقی(رجوع‌شود به‌نام‌مرشدیزدجردی)

١١ـ شاهجهان‌نامه شیخ‌عبدالحمید(رجوع‌شودبه‌نام‌قدسی‌مشهدی‌ویحیی‌کاشی)

١٢ـ مرآت‌الخیال (رجوع‌شود به‌نام قدسی‌مشهدی)

١٣ـ شاهجهان نامه‌ملاعلاءالملك‌تونی (رجوع‌شود به‌نام‌قدسی‌مشهدی)

١٤ـ عمل‌صالح(رجوع‌شود به‌نام‌قدسی مشهدی)

١٥ـ کلمات الشعرای سرخوش (رجوع شود به نام صیدی تهرانی و ماهر اکبرآبادی)

١٦ـ مطول‌ملاتفتازانی (رجوع‌شودبنام سلیم‌طرشتی)

١٧ـ سلافة‌العصر سیدعلی‌معصوم مکی(رجوع‌شودبنام فرخ‌شوشتری)

فیضی اکبرآبادی و مشرقی مشهدی وشیدا وفرج شوشتری وواعظ قزوینی و سیدی تهرانی و فیاض وتجلی واشرف وشوکت ووحید وآفرین لاهوری.

تنها اشعاروشرح حال شعرای زیررا خیلی مختصر آورده است وحتی سال تولد یاوفاتشان را هم ذکر نکرده است:

شوقی (میرمحمدحسین) وسعید ایزدی ونادم لاهیجانی وسروری کابلی ومطیع تبریزی وناصح تبریزی وسالك قزوینی وراقم مشهدی وغبارو آگاه (سید علیرضا) وسخنوروثمین ووامق ومحزون بلگرامی.

شرح حال سید عبدالله خان ($\frac{1}{2}$۷ص) و امیرالامرا سید حسین علی خان (در $\frac{1}{2}$۹ص) وآصف آصفجاه (در۹ص) و آفتاب نظام الدوله (در۱۲ص) را خیلی مفصل آورده است اما هیچ شعری ازآنها نیاورده وتنها اشعاری که دیگران درمدح آنها سروده اند نقل کرده است.

همچنین درذیل نام سیدمعصوم علی مدنی تنها شرح حال اورا نقل کرده اما هیچ شعری را ازاو نیاورده است:

رویهمرفته شرح حال میر عبدالجلیل واسطی را مفصل تر از سایرین (در۳۳ ص) آورده است وهمچنین اشعار بیدل (۷۲ بیت ویك رباعی) وبیخبر بلگرامی (۱۶۵ بیت و ده رباعی) و آزاد یعنی مؤلف (۲۲۸ بیت) را ازهمه شعرا مفصل تر آورده است.

درمیان رباعیات منتخب رباعیات سید غلام مصطفی از همه مفصلتر (۲۶ رباعی) آورده است چون بقول مؤلف شاعرمزبوردیوان رباعیات دارد.

در ذیل شرح حال شعرای زیر تذکر داده است که خودش با آنها ملاقات کرده است:

آفرین لاهوری و اقدس شوشتری و متین صفاهانی و عـزلت و رسا وایجاد وبیخبر.

شرح حال مظهر جانجانان و افتخار و آرزو از خود شانست و از این حیث

سبك انشای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی نثرمسجع‌را هم بکار برده است مخصوصاً در مدقع تعریف و توصیف شعرا نثرمسجع آورده است وحتی گاهی بعضی القاب توصیفی‌را نیز بنثرمسجع آورده مانند:

فیضی : طوطی هند سخن گستری است وملك‌الشعرای در بار اکبری

انیسی شاملو: نکته سنج یگانه‌است وانیس‌معانی بیگانه.

همچنین درذیل نام شعرای ذیل‌قبل‌از نقل‌اشعارشعرا جمله‌ای مصنوع درمعنی «اینك اشعاراو» آورده‌است:

زمانی : غنچه تأملش بـاین رنگ می شگفد

شانی تکلو : چراغ فکرش چنین پرتو میدهد

رضی اصفهانـی: نقش سخن باین آئین می بندد

نظیر : آهـوان‌معانی را باین قسم شکارمیکند

سروری کابلی : نهال فکرش باین رعنائی‌میبالد

نادم‌لاهیجانی: ریحان کلامش‌درسرزمین‌ورق‌سبزمیشود

فرح شوشتری : پریزادان سخن‌راچنین تسخیرمیکند

ناظم هروی : سنبل شعرش کاکل می افشانـد

واعظ قزوینی : این چند غزال از ختن او بخرامش میآید

اقدس شوشتری : حریر کلك اقدس سامعه (را) می‌افروزد

همچنین در ذیل نام شعرای زیر جمله‌ای مصنوع بمعنی « فوت‌شد » بکار برده‌است:

سحابی : فنای صورت‌را بافنای معنوی‌هم‌آغوش ساخت

ادهم : زندان هستی‌را بدرود نمود

ظفرخان : محمل بصحرای فنا کشید

آشنا : رخت به نهانخانه عدم کشید

ولضح : ودیعت حیات سپرد

یکتا : خلوت نشین ترابشد

طاهرصفاهانی : بردست قطاع‌الطریق رشته حیاتش انقطاع یافت.

مخمور : مسافت زندگانی (را) بپایان رسانید.

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ش ۲۴ ۲ـ نذیر احمد ۸۴ (حکیم عبدالحی لکهنو. بخط مؤلف) ۳ـ آصفیه ج ۱ ص ۳۲۰ ش ۱۶ (۱۱۹۴ هـ) ۴ـ ایوانو . تکمله اول ۷۴۵ (۱۲۲۳ هـ). ۵ـ ایوانو ـ کرزن ۵۸ (قرن ۱۹ م)

۶ـ لیندزیانا ص ۱۴۴ ش ۳۳۰ (g) (۱۲۳۷ هـ) ۷ـ اته ۶۸۳ (تاریخ ندارد) ۶۸۴ (فصل ۲ ندارد ـ ۱۲۶۵ هـ).

۸ـ بانکی پور ج ۸ ش ۶۹۷ (قرن ۱۹م).

۹ـ دانشگاه بمبئی ـ ۱۲۲ (اوراق پریشان شامل ذکر تنها ۳۹ شاعر).

چاپ

لاهور ۱۹۱۳م (مطبع دخانی رفاه‌عام لاهوراز طرف مولوی عبدالحق وابسته بکتابخانه آصفیه حیدر آباد دکن).

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود به ایوانو ـ کرزن ص ۶۴ ـ ۶۶ (۱۳۲ شاعر فارسی ـ اما در ابتدای نسخه چاپی فهرست اسامی ۱۴۳ نفر شاعر فارسی آمده است).

سفینة‌الشعرا

ابتدا

«این تذکره سفینة‌الشعرا... مؤلف این نسخه طبع رسا وخاطر معانی پسند...»

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست[1] اما او یکی از رفقای آنندرام مخلص (متوفی در ۱۱۶٤ هـ) بوده است چنانکه مؤلف اسم او را در برگهای ۹۱ و ۱۲۳ و ۲۵٤ در نسخهٔ ایوانو ـ کرزن ذکر نموده است همچنین در برگهای ۱ و ۲۳۲ و ۳۱٦ و ۳۲۸ همین نسخه بدون ذکر نسبت خود با آنندرام مزبور، بخودش هم اشاره میکند ولی در هیچ جا اسم خود را ذکر نکرده است . در برگ ۳٤۸ وی میگوید که در ۱۱٤۰ هـ سخی شاعر را در لاهور ملاقات کرده است .

تبصره بر کتاب

این تذکره بین سالهای ۱۱۵۱ و ۱۱۷۰ هـ تالیف شده است چون مؤلف در برگ ۲۱۱ سال ۱۱۵۱ هـ و در برگ ٦۱ سال ۱۱۵۲ هـ و در برگ ۲۹ سال ۱۱٦۰ هـ را ذکر نموده و همچنین در برگ ۲٦٤ سال ۱۱۷۰ هـ را سال جاری نوشته است.

بظاهر این کتاب ناتمام مانده و مولف از ترتیب آن هیچوقت فراغت نیافته است . ذکر بعضی شعرا در دو یا سه جای مختلف تکرر شده و از این پید است که مولف شرح حال این شعراء را از منابع و ماخذ مختلف نوشته است و تا پایان عمر فرصت تجدید نظر در این کتاب و تکمیل آنرا بدست نیاورده است.

آقای ایوانو (گردآورندهٔ فهرست کتابخانهٔ انجمن آسیائی بنگال) در فهرست ذخیره کرزن (ص ۲۳۲) چنین اظهار نظر میکند که در اول این تذکره حتماً از تذکره «ریاض الشعراء» واله بزرگتر وظاهراً مشتمل بر قریب بدو هزار شاعر بوده و نسخه موجود که مشتملست بر ذکر ٦۹۳ نفر از شعرا تنها یك سوم اصل کتاب میباشد اما اگر سفینة الشعرا حاوی ذکر دو هزار شاعر بوده در آنصورت محققاً از تذکره واله کوچکتر بوده است چون تذکرهٔ واله مشتملست بر ذکر حال دو هزار و پانصد شاعر.

۱ـ اسم مولف این تذکره در سراسر نسخه موجود هیچ جا ذکر نشده است و همچنین اشارات کافی درباره شرح حال و غیره مولف نیامده که در تعیین و پی بردن بهویت مؤلف کمك و راهنمائی نماید .

ذکر شعرا در این کتاب بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص شاعر آمده است . اما همه جا این ترتیب کاملا رعایت نشده است .بعضی قسمتهای این تذکره ناتمام مانده وتنها درذیل حروف «الف ب ت ث ج ح خ د ر س ش ص ض ط ف ق» ذکر شعرا نسبة کامل است اما بعضی قسمت های بزرگ این تذکره یعنی قسمت «ع و م» از این نسخه تقریباً بکلی افتاده است وهمچنین این نسخه قسمت عمده حروف «ذ ز» وتقریبا تمام حروف «ل ن و ه ی» را ندارد .ترتیب بر گنها نیز دربسیاری ازموارد مغشوش است.

مآخذ مهم مؤلف تذکره تقی اوحدی (عرفات العاشقین) تذکره نصرآبادی است که اسم آنها را مولف دراکثر موارد ذکر کرده است اما ظاهراً منابع وی در تألیف این کتاب غیراز این دوتذکره کتابهای دیگری هم بوده که اسم آنها درنسخه موجود نیامده است .

این نسخه نا تمام تذکره شعرای متقدم ومتاخر فارسی است که شرح حال مفید شعرای مذکور را دارد که مولف ازمنابع مختلف گردآورده و دراین تذکره جمع کرده است اماچنانکه مؤلف (درص۱ این نسخه) تذکرداده است مقصوداصلی وی از ترتیب این کتاب انتخاب وجمع آوری بهترین اشعارهرشاعر بوده و نه نوشتن شرح حال گویندگان آن اشعار .

مؤلف شرح حال شعرای متاخررا مخصوصا آنهائی که در قرن دوازدهم هجری میزیسته اند خیلی مفصل آورده است اما درذیل نام شعرای متقدم شرح حالشان را نسبة مختصر نقل کرده است .

همچنین اشعارشعرا نیزدراین تذکره غالبا مفصل آمده است.

رویهمرفته این تذکره بسیار مفید و با ارزش است اما حیف که هیچ نسخه کاملی از آن امروز موجود نیست.

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد ازاین تذکره در کتابخانه انجمن آسیائی بنگال ذخیره

کرزن موجود است(رجوع شود به ایوانو- کرزن ش۳۲۶)-این نسخه خیلی ناقص است و بد ترتیب و تنظیم شده است. ترتیب برگها در بسیاری از موارد صحیح نیست درابتدای آن چند ورق خراب شده وخوانده نمیشود. در بعضی صفحه‌ها اسم شعرا ضبط نشده اما جا برای این منظور خالی گذاشته شده است. این نسخه ۵۰۲ صفحه و صفحه‌ای ۱۵ سطر و ذکر ۶۹۳ شاعر دارد و مورخ اواخر قرن دوازد هم هجری است. بعضی تفصیلات بیشتر درباره این نسخه درسطور فوق گذشت.

برای فهرست اسامی ۶۹۳ شاعر این نسخه رجوع شود به نسخه فهرست ایوانو - کرزن ش۳۲۶ ص۲۳۳-۲۴۰.

تذکره بینظیر

ابتدا

«جان جهان حمد معروض بدرگاه صنعت طرازی که پریزدان معانی را درشیشه‌های الفاظ جا داد ولیلی وشان سخن را درسیاه خیمه‌های حروف بندقبا بر گشاد».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره میرعبدالوهاب متخلص به افتخار است وی ازخانواده سادات بخاری بوده و سلسله نسبش به مخدوم جهانیان سید جلال الدین بخاری میرسد. جدش درزمان اورنگزیب عالمگیر (۱۰۶۸- ۱۱۱۹ه) باحمدنگر که دار السلطنت نظامشاهیان (۸۹۴ - ۱۰۰۶ه) بوده مهاجرت کرد و افتخار دراحمدنگر متولدشد وهمانجا بزرگ شد سپس با دخترسید مرتضی خان «حارس حصار شهرپناه قلعه دولت آباد» ازدواج کرده ودرشهر دولت آباد رحل اقامت افکنده.

غیراز زبان فارسی وی عربی هم خوب بلد بود و بردستوروعروض این زبانها تسلط واز فقه وعلم‌الادویه بهره وافری داشت.

افتخار ازرفقای صمیمی آزاد بلگرامی بوده و آزاد اورا در سال ۱۱۸۳ ﻫ بنواب نظام الدوله ناصر جنگ متوفی (در۱۱٦٤ﻫ) معرفی کرد و افتخار بخدمت نواب مزبور درآمد. افضل بیك قاقشال در«تحفة‌الشعرا»مینویسد که افتخار درحال تنگدستی وفقر زندگی‌میکرد اما ممکنست این‌قول او برای زمانی که هنوز افتخار وارد خدمت نواب مزبور نشده بود صادق‌باشد.

مولوی عبدالجبار صوفی‌ملکاپوری در«محبوب الزمن»(اردو-تألیف۱۳۲۹ ﻫ) مینویسد که افتخار درسال ۱۱۸۲ﻫ درخدمت نواب اشجع‌الدوله غیورجنگ یکی از امرای دربار آصفجاه بود و بالاخره در سال ۱۱۹۰ ﻫ فوت کرد و در شهر دولت‌آباد جنب مقبره برهان‌الدین غریب مدفون شد.

تبصره بر کتاب

مولف این کتاب را درسال۱۱۷۲ﻫ تألیف نموده است چنانکه اعداداسم این کتاب «تذکره بینظیر »(= ۱۱۷۲ﻫ)سال‌اتمام‌این کتاب(۱۱۷۲ﻫ)را میرساند.

مؤلف اسم منابع این کتابرا درمقدمه یاخاتمه نیاورده‌است اما درذیل‌شرح حال شعرا اسم کتابهای زیررا ذکر نموده است که در تالیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است:

۱ـ اخبار الاخیار ـ رجوع شود به‌نام ایجاد.

۲ ـ تادیب الزندیق [1] تألیف میر عبدالقادر سمرقندی ـ رجوع شود به‌نام آزاد.

۳ـ تسلیة‌الفوادفی‌قصایدآزاد (رجوع‌شود به‌نام‌آزاد)

٤ـ تذکرة‌الشعرای اخلاص (همیشه بهار)ـ رجوع شود به‌نام جنون

۱ـ ر.ك :آثار آزاد بلگرامی:(انتقاد برمولفات‌فارسی‌آزاد (۲) درذیل‌بحث‌درباره یدبیضا دراین کتاب

ومیرزا ارجمند.

۵ـ تذکرة الشعرای حزین ـ رجوع شود به نام میر عبدالجلیل واسطی بلگرامی.

۶ ـ تذکرة الشعرای متین (حیات الشعرا) ـ رجوع شود به نام جنون ومتین.

۷ ـ تذکرة الشعرای وارسته ـ رجوع شود به نام آزاد.

۸ ـ تذکرة الشعرای آزاد (سرو آزاد وید بیضا) ـ رجوع شود به نام آزاد ومتین.

۹ ـ جواب شافی ـ رجوع شود به نام آزاد.

۱۰ ـ فرهنگ رشیدی ـ رجوع شود به نام آراد.

۱۱ ـ ماثر الامراء ـ رجوع شود به ضیاء ووقار.

۱۲ ـ مآثر الکرام ـ رجوع شود به نام آزاد.

۱۳ ـ مصطلحات الشعرای وارسته ـ رجوع شود به نام آزاد.

۱۴ ـ نادرشاهنامه رجوع شود به نام عارف.

۱۵ ـ دیوانهای اثر و آزاد (عربی وفارسی) و آفرین وافصح وایجاد وبیخبر و ثابت وجرأت وحزین وخالص وزایر وشهرت وعاقل وعالی وعزلت ومتین ومخلص و مشرب ومظهر ومنصب ومیرزا ونجات (کلیات) ونوید.

۱۶ ـ ساقی نامه دردمند.

۱۷ ـ مثنویهای شهید (شورجنون وناله عشق نواز وغیره).

۱۸ ـ مثنویهای یکتا (گلدسته حسن وجهان آشوب وغیره).

از جمله مآخذ فوق تذکرة الشعرای متین و وارسته (ش۶و۷) امروز باقی نمانده است واین امر خود ارزش این تذکره را بالا میبرد.

این تذکره مشتمل است بر ذکر صدوچهل ونه[1] شاعر بترتیب الفبا که ۱۱۰۰ه تا ۱۱۷۲ه در ایران یا هندوستان میزیسته اند و با «آزاد بلگرامی» شروع شده با

---

۱ ـ استوری : ۱۳۶ (ر.ك. استوری ج ۱ ص ۸۵۴).

«میریوسف» تمام میشود .

«درذیل نام اکثرشعرا مؤلف شرح‌حال را مختصر آورده است» اما اکثر اطلاعات مهم راجع بزندگانی آنها را فراهم آورده‌است و سال اکثر وقایع مهم زندگی(ولادت یا وفات)را ثبت‌نموده‌است.

اشعار منتخب شعرانیزغالباً مفصل‌ولطیف است ونمودارذوق عالی مولف‌است و این اشعار را مؤلف از دیوانهای اکثر شعرا خودش انتخاب وگل چین نموده است .

ازحیث جامعیت شرح حال‌وخوبی انتخاب اشعاراین تذکرمرا میتوان‌جزو بهترین تذکره های فارسی شمرد. البته‌این تذکره زیاد مفصل‌نیست‌اماهرچه‌است نغزوزبده‌است.

سبك انشای مؤلف غالباًساده‌وعاری ازتکلف‌وتصنع‌است.

چاپ

اله‌آباد سنیت‌هاوس ۱۹٤۰میلادی.

برای **شرح‌حال مؤلف** رجوع‌شود بسرو آزاد وتذکره بینظیرچاپ‌اله‌آباد (مقدمه گردآورنده)ومحبوب‌الزمن(اردو) چاپ‌حیدرآباد دکن ص۷- ۲۰٦ و تحفة الشعرا تألیف افضل‌بیك‌قاقشال.

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع‌شود به‌چاپ‌اله‌آباد۱۹٤۰میلادی.

باغ معانی

ابتدا

رب یسر بسم الله‌الرحمن الرحیم وتمم بالخیر
فاتحه وفتح کلام خدا نام خدا آمده نام خدا

«سپاس بیقیاس بهار آفرینی را سزد که عنادل ناطقه را بر شاخسار زبان جا (داد) ولهجه وستایش ونیایش بیقرینی را بجاست که طوطی مقالدا در گل زمین طبع موزون نهاد».

مؤلف

اسم مؤلف نقش علی[1] است (شرح حال وی اصلا بدست نیامد) .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷٤ ﻫ نوشته است چنانکه خود اسم این کتاب «باغ معانی» (= ۱۱۷٤) ازروی حروف ابجد میرساند وهمچنین درذیل نام عطاءالله خان متخلص به اعلی مینویسد «دراین اوقات که هزارویکصدوهفتادوچهار هجریست ..» اما از متن کتاب پیداست که مؤلف، بعداً در کتاب اضافه هائی نموده است چنانکه درذیل نام سیدنورالدین خان متخلص به الفتی سال ملاقات با اورا ۱۱۹۰ ﻫ ذکر نموده است. همچنین در ذیل نام آزاد مینویسد که اومشغول تألیف سرو آزاد (تألیف بسال ۱۱٦٦ ﻫ) است ودرحاشیه بخط خودش مینویسد که وی یك نسخه ازخزانه عامره (تألیف بسال ۱۱۷٦ ﻫ) دریافت نموده و« تذکره سوم که ازتألیفاتش بنظرعاصی مؤلف رسیده نام خزینه (خزانه) عامره نهاده لیکن مختصراست وبطریق تاریخ حالات نواب نظام الملك و اولادش نوشته (است) » .

نسخه کامل این کتاب امروزهیچ جاپیدانیست . اشپرنگر مینویسد (ص۱۵۲) که بعقیده اواین تذکره مشتمل برسه یا چهارمجلد باورقهای بزرگ بوده که

۱ـ اشپرنگردراسم مؤلف اشتباه کرده است وتألیف این کتاب را به علی ابراهیم خان خلیل نسبت داده است (ر.ك اشپرنگر ص ۱۵۲) اما درنسخه کتابخانه بانکی پوردرعبارت زیراسم مولف صریحاً ذکرشده است «امابعد میگوید مولف این اوراق سك آستان نبی وولی نقش علی عفی اله عنه من جرایم الخفی والجلی که چون ازآراستن پنج چمن تذکره باغ معانی با بیاری سحاب الطاف وسرچشمه اعطاف الهی شادابی خاطر حاصل شد حالیا منقار عندلیب کلکم برشاخسار گلهای چمن ششم وهفتم وخاتمه هزاراست » .

ازآنها خود اشپرنگر تنها جلد دوم را دیده بود . همچنین نسخه خطی که دربانکی‌پور موجود است جلدسوم این کتاب است و شامل ذکر شعرای قرن نهم تازمان مؤلف است که اکثرشان یا بهندوستان رفته یا درآن سرزمین زندگی میکرده‌اند ترتیب اسامی این تذکره الفبائی بوده است ازروی حرف اول اسم یاتخلص شاعر.
شرح حال اکثرشعرا را مختصر آورده است وانتخاب اشعارشان را نیزمختصر نقل کرده است .

رویهمرفته شرح حال مولانا شیدای مشهدی را (در۲۹ سطر) واشعار باقر خرده‌کاشی را (در $\frac{1}{2}$ ۱۲ ص) مفصل‌تر ازهمه آورده است .
سبك انشای مؤلف غالباً ساده وغیرمصنوع است .

نسخه خطی

۱ - اشپرنگر ص ۱۵۲ (چمن ۳ - شاهان چمن ٤ - وزراء و امراء چمن۵ - ۳۲۲ شاعراززمان هارون الرشید تا ۸۰۰ هـ) .

۲ - بانکی‌پور ج ۸ ش۶۹۸ (چمن۶و۷-شامل ذکر شعرائی مخصوصاً ازهند یامتعلق بهند ازقرن ۹ تازمان مؤلف . ناقص، تا « ظریف » است ، ومحتملا بخط مؤلف است) .

۳ - ریوج ۳ ص ۱۰۲۲ ب (قسمتی از چمن ۳و٤ - مورخ تقریباً ۱۸۵۰ میلادی است) .

فهرست اسامی شعرا

فهرست اسامی شعرای این تذکره درهیچ کتاب نیامده است .

شرح حال مولف

درهیچ کتاب دیده نشد .

«تذکره شاعرات»

ابتدا

اسم مؤلف این تذکره درنسخه موجود هیچجا ذکرنشده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال۱۱۷٤ ه تألیف نموده است چنانکه درذیل نـام خدیجه سلطان بیگم مینویسد «خدیجه بیگم تاحین تحریراین سطور که ۱۱۷٤ه است دراصفهان زنده است » .

مؤلف اسم کتابهای زیررا درشرح حال شاعره‌ها ذکر کرده است که درتألیف این کتاب مورد استفاده وی قرا گرفته است .

۱ ـ مرآت الخیال ـ رجوع شود به نام حجابی وحجابی استرآبادی ومهری جلایرهروی ونورجهان بیگم ونهانی

۲ ـ ریاض الشعراء واله ـ رجوع شود به نام حجابی استرآبادی وکامله بیگم ومهری جلایرهروی

۳ ـ مجالس النفایس ـ رجوع شود به نام مهری جلایرهروی

٤ ـ تذکره تقی اوحدی ـ رجوع شود به نام جمیله خانم فصیحه وبیجه نهانی

۵ ـ تاریخ وصاف ـ رجوع شود به نام بیجه مهستی

٦ ـ حبیب السیر ـ رجوع شود به نام بیجه مهستی

۷ ـ جواهرالعجایب ـ رجوع شود به نام بیجه مهستی

درنسخه دانشگاه لاهور (که ناقص الاول است) تنها ۳۹ زن شاعرمتقدم ومتأخر بترتیب الفبائی ذکرشده است وبا « تونسی اتون » شروع شده با « همدمی تمام میشود .

مؤلف اشعارشاعره هارا غالباً مختصر آورده است و از تذکره های دیگر نقل کرده‌است .

همچنین شرح حال اکثرشاعره ها را مختصروگاهی جامع نقل کرده است اما سعی کرده است که اطلاعات مهمی درباره زندگانی آنان دراین کتاب مجملا ذکر نماید.

تنها درذیل نام شاعره های زیرشرح حالشان را (مختصراما) جامع آورده است :

خدیجه سلطان بیگم وجمیله خانم فصیحه وزیب‌النساء بیگم و نورجهان بیگم.

گاهی بعضی کلمات را شرح داده است مثلا درذیل نام بی‌بی مهری کلمه « کنده » را شرح داده است.

همچنین اشعاربعضی شاعره هارا اصلاح نموده است مثلا درذیل شعرزیر « نسائی ».

عاشقی با قامت ابرو کمندی کرده‌ام [1]　　　با همه پستی تمنای بلندی کرده‌ام

مینویسد : « اگر بجای ابرو کمندی مشکین کمندی باشد خوش محاوره است » .

درذیل نام بعضی شاعره ها براقوال تذکره نگاران دیگرانتقاد کرده است چنانکه درذیل نام کامله بیگم برقول خان واله که راجع بیك رباعی کامله بیگم درتذکره خود نوشته است « این باعی اغلب ازسلیمه بیگم باشد چه درهندوستان زبان فارسی را مردان آنجا خوب نمیدانند چه جای زنان ودرآن زمان رواج زبان فارسی درهند نبوده » مؤلف مینویسد :

« محاوره فارسی درهندوستان ازعهد قطب‌الدین ایبك وشمس الدین ایلتمش (معمول شده) است که اکثر بلکه بسیاری ازمردم خراسان وماوراء النهروبلخ وطخارستان (که) همراه ایشان بودنددرینجا سکونت ورزیدند ایشان بهمان زبان

---

۱ ـ دراین نسخه درمصرع اول « کرده‌ام » ودرمصرع دوم « کرده‌ایم » آمده‌است

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرغلامعلی شیر متخلص به قانع است و سلسله نسبش بعقاضی سید شکرالله میرسد که در زمان شاه‌بیگ ارغون (٩٢٧-٩٢٨ ه) ازشیراز بسند آمد .

قانع درسال ١١٤٠ه درشهر تته(سند) بدنیا آمدو « خلق انسانامن‌السلاله » ماده‌تاریخ ولادت اوست. وی درتته پیش علمای بزرگ آن‌شهر درس خواند. اسامی بعضی ازاستادان خودرا در این کتاب (مقالات‌الشعرا) ذکر نموده است. ازابتدای زمان تحصیل بشعروشاعری علاقه‌داشت وبسن‌دوازده سالگی(درسال ١١٥٢ه) بگفتن شعر آغاز کرد ودیوان اشعارخود رامشتمل برهشت هزار بیت ترتیب داد امابعداً بنابر بعضی علل نامعلومی این‌دیوان‌رابدریا انداخت. سپس‌درحدود سال ١١٥٥ه صحبت میر حیدر الدین ابوتراب متخلص به کامل وی را دوباره بوجد و شور در آورد ودرنتیجه‌قانع‌دوباره بشعر گوئی پرداخت و در حلقه شاگردان میر کامل مزبور در آمد .

اجدادقانع همیشه در ادوارمختلف درسند بمراتب معزز وعالی فایز بودند و ازطرف دولتهای سندمستمری دریافت می‌نمودند[1]. درزمان میان غلام شاه کلهوره والی‌سند (١١٧٠-٨٦ه) درسال ١١٧٥ه قانع بخدمت تاریخ نویسی خاندان دولتی منصوب گشت وبامرشاهی نوشتن دو کتاب راآغاز نمود یکی بشعر بسبك شاهنامه فردوسی ودیگری به‌نثر. اماچندی‌بعدبعللی نامعلوم ازتألیف این کتابهادست کشیدو ظاهراًبعد ازیکی‌دوسال ترك‌این‌خدمت گفته‌به‌تته وطن خود مراجعت‌نمودو درسال ١١٨٠ه درآن‌شهر بتألیف تحفة‌الکرام مشغول‌شد.

ازشرح حالی که‌خودش نوشته است معلوم‌میشود که درتمام‌عمر غیرازسورت

١- بعضی اسنادرسمی وفرامین شاهان سند که در کتابخانه شخصی دانشمند معظم پیرحسام‌الدین گردآورنده ومصحح مقامات‌الشعرا موجوداست روشن‌می‌سازد که‌دولتهای سنددر ادوارمختلف باجدادقانع وظیفه (مستمری) می‌داده‌اند.

و کوچو احمدآباد وجوناگره بهیچ‌جای دیگرمسافرت نکرده وتمام اوقات‌زندگی خودرا درشهر تته درکار تصنیف وتألیف گذرانیده‌و ازسن دوازده سالگی‌تاوفات‌خود (۱۲۰۳ه) همواره‌بدینکار مشغول‌بوده است.

قانع‌چنانکه ازاشعارش معلوم‌میشود شیعهٔ تفضیلی[1] بودامادر طریقت‌بگروه نقشبندیه منسلك بوده و اکثر اعضای خانواده وی‌نیز مانندا‌و بهمین سلسله بیعت داشته اند.

از آثار او پیدا است که وی آدم وسیع‌النظر و غیر متعصبی بود چنانکه می گوید.

چورافضی نکنم‌سردل‌ببغض کسی　　زچار یاردرین دهر گرم‌محفل‌ماست

نبودعجب‌بما نشدار صاف رافضی　　گودل ز گرد سینه اصحاب شسته‌ایم

قانع‌به ماده(تاریخ‌گوئی) علاقه فراوانی داشت چنانکه در قطعه‌ای تاریخ فوت‌پدر خود عزت‌اله (متوفی در۱۱۶۱ه)چنین گفته است:

خرد گفت تاریخ سال وفات　　که پیوست با رحمت ایزدی

و همچنین ماده‌تاریخ فوت پدررا ازسوره « المنافقون » چنین آورده است : للله‌العزة‌ولرسل‌وللمؤمنین[2].

قانع‌تا آخرعمر درکار تصنیف‌و تألیف مشغول‌بوده وحتی‌یکسال قبل‌ازوفات سه کتاب بنام«طومار سلاسل گزیده » و«شجره اطهر اهل‌بیت» و « سالکان طریقت » رادر سال۱۲۰۲ ه باتمام‌رسانید و باوجودپیری وبیماری گوناگون هیچوقت‌ازکار علمی دست‌نکشید. بالاخره درسال۱۲۰۳ ه بسن۶۴سالگی‌درتته‌چشم‌از جهان‌بر بست ودر کوهچه مکلی‌در قبرستان خانواده خودمدفون گشت.

۱ـ یعنی‌باوجود اینکه به‌خلفای‌ثلاثه‌احترام می‌گذاشت امادربین چهارخلیفه بفضیلت حضرت‌علی قایل‌بود.

۲ـ ر.ك آیه‌۸ سوره‌المنافقون: وللله‌العزة‌ولرسوله‌وللمومنین

میر قانع سه‌پسر داشت. بعدازاو بعضی‌از اخلاف وی نیز مانند او بفارسی شعر میسروده‌اند.

آثار مولف

آثار قانع درتاریخ سیاسی‌و اجتماعی معاصرحاوی اطلاعات ذیقیمتی میباشد. عده آثاراو بسیار بوده امااز‌دستخوش روزگار اکثر آن‌ازبین رفته‌است.طبق اسامی که درمقالات‌الشعرا وفهرست کتابخانه‌تته و کتب‌دیگرذکر شده عده مؤلفات وی به‌چهل‌و سه‌بالغ‌میشود. بسیاری‌از کتابهای‌قانع ناتمام مانده و وی در تکمیل آن توفیق نیافته‌است. درباره‌عده اشعارخود در «مقالات‌الشعراء» مینویسد که‌اگر آنهارا جمع‌آوری مینمود به‌سی هزار بیت میرسید : «الی‌الحال ۱۱۷٤ه اگربجمع شعر میپرداخت تاسی‌هزار کماوبیش (کم‌و بیش) رسیده‌میبود امااغلب‌طبع بدین‌نبوده . اکثرمسودات‌بهرجا که ماندند ماندند»[1].

آثارمؤلف بدین قرار است :

۱ـ دیوان‌علی‌شیر- درسال۱۱٥۲ بسن‌دوازده سالگی گرد آورده‌بود اما بعداً آنرا بدریا انداخت .

۲ـ مثنوی شمه ازقدرت حق»[2]- درسال۱۱٦٥ ه تألیف نمود.

۳ـ مثنوی قضاوقدر- در۱۱٦۷ ه تألیف نمودونسخه آن‌در انجمن‌ادبی سند موجود است.

٤ـ نوآئین خیالات ـ در۱۱٦۹ه بنثر تألیف کرد.

٥ـ مثنوی قصه کامروپ[2] ـ در۱۱٦۹ ه سرودو حاوی‌سه هزار بیت بود.

٦ـ دیوان‌قال‌غم[2]- در۱۱۷۱ ه سرودوحاوی نه‌هزار بیت‌بود.[1]

۱- ر.ك مقالات‌الشعراص۵۷۲

۲- از این کتابها نسخه‌ای بجا نمانده اما اسامی و منتخبات و مقتبسات آن درمقالات‌الشعرا وبعضی‌کتب دیگرآمده است.

۷ـ ساقی‌نامه[1] ـ در۱۱۷٤ ﻫ سروده بود».

۸ـ واقعات حضرت‌شاه[1] ـ درسال۱۱۷٤ﻫ سرود و حاوی یك‌هزار بیت بود.

۹ـ مثنوی‌چهار منزله[1] ـ در۱۱۷٤ﻫ سرود وحاوی یکهزار بیت بود.

۱۰ـ تزویج‌نامه‌حسن‌وعشق[1] ـ در۱۱۷٤ ﻫ بنثر تألیف کرد.

۱۱ـ اشعارمتفرقه درصنایع‌وتاریخ[1] ـ در۱۱۷٤ سرودو هزار بیت بود.

۱۲ـ بوستان‌بهارمعروف به‌مکلی‌نامه ـ در۱۱۷٤ﻫ تألیف کرد. رساله کوچکی است بنظم‌و نثردرباره‌مقابر قبرستان‌مکلی. نسخه خطی آن‌در انجمن‌ادبی‌سندموجود است و این رساله در مجله مهران شماره ۲ تا ٤ سال ۱۹۵٦م بـا حواشی چاپ شده است.

۱۳ـ مقالات‌الشعرا ـ تذکره‌موردبحث درسال۱۱۷٤تألیف کرد.

۱٤ـ تاریخ عباسیه ـ درسال۱۱۷۵ﻫ بنثر آغاز کرد ولی ناتمام ماند.

۱۵ـ تاریخ عباسیه ـ درسال ۱۱۷۵ﻫ بشعر آغاز کرد ولی‌نا تمام ماند. کل بیست‌هزار بیت‌بود.[1]

۱٦ـ تحفة‌الکرام ـ درسه‌جلد در۱۱۸۱ﻫ تألیف کرد. تاریخ عمومی است اما درباره اوضاع‌و احوال‌سیاسی واجتماعی‌سندبحث کرده است.

۱۷ـ مثنوی اعلان‌غم ـ در۱۱۹۲ ﻫ سروده‌است و۱۱۷۳۳ بیت دارد. نسخه‌ای بخط‌مؤلف درموزه بریتانیا موجوراست.

۱۸ـ زبدة‌المناقب ـ در۱۱۹۲ﻫ سرودوحاوی ۱۲۰۰۰ بیت‌بوده (رجوع شود به‌فهرست کتابخانه تته).

---

۱ ـ از این کتابها نسخه‌ای بجا نمانده اما اسامی و منتخبات و مقتبسات آن درمقالات‌الشعرا وبعضی‌کتب دیگر آمده‌است.

۲ـ جلدسوم‌این تاریخ که‌مشتمل‌براحوال سیاسی واجتماعی‌سنداست‌درمطبع‌ناصری دهلی در سال ۱۳۰۵ ﻫ بطبع رسیده است و به زودی از طرف انجمن ادبی‌سند نیز منتشر می‌شود.

۱۹ـ مختار نامه ـ در۱۱۹٤ﻫ سرودو حاوی ۷۰۰۰ بیت است. نسخه‌ای از این کتاب‌در انجمن‌ادبی سندموجود است.

۲۹ـ نصاب‌البلغا. در۱۱۹۷ ﻫ تألیف کرد که در فکر آلات و اقسام اشیاء و حیوانات مختلف ومصطلحات ادبی‌است. نسخه‌ای بخط مؤلف‌در کتابخانه شخصی مولانا محمدابراهیم گرهی‌یاسینی‌موجود است.

۱۲ـمثنوی ختم السلوك ـ در۱۱۹۹ ﻫ سروده است و نسخه‌ای از این کتاب بخط مؤلف درانجمن ادبی سندموجوداست.

۲۲ـ طومار سلاسل گزیده ـ در۱۳۰۲ ﻫ تألیف نموده ودر ذکر سلسله های طریقت و مشاهیر صوفیه سند است. نسخه‌ای بخط مؤلف در انجمن ادبی سند موجود است.

۲۳ ـ شجره اطهراهل بیت[1]. در۱۳۰۲ﻫ تألیف نمود و در ذکرشجره‌نسبت سادات سندبود.

۲٤ـ معیار سالکان طریقت ـ در۱۲۰۲ﻫ تألیف نمود در ذکر یکهزار نفر از مشاهیر روحانی است و نخسه خطی آن درموزه بریتانیا موجوداست.

۲٥ـ روضة‌الانبیا ـ (سال‌تألیف معلوم نیست؟) بشعر بود و درفهرست کتابخانه تته اسم‌آن ذکر شده است

۲٦.. زینت‌الاخلاق ـ بشعر بود مشتمل بر نصایح‌ومواعظ.

۲۷ـ غوثیه ـ بشعر بود درسلوك ومعرفت.

۲۸ـ مثنوی قصاب نامه ـ امروز ۲٦۳ بیت‌ازآن‌مانده‌است

۲۹ـ میزان‌الافکار ـ بشعر بوده است.

۳۰ـتذهیب‌طباع(؟)

۳۱ـسرافرازنامه (؟)

۱ـ از این‌کتابها نسخه‌ای بجانمانده امااسامی ومقتبسات‌آن درمقالات‌الشعراوبعضی کتب دیگر آمده است .

۳۲ـ حدیقه غلبا مجموعهٔ شعرای فارسی است. نسخه ناقص الاخر آن در انجمن ادبی سند موجود است.

۳۳ـ مثنوی کان جواهر(؟).

۳٤ـ میزان فارسی (؟)

۳۵ ـ رساله معمی مع شرح ـ بنثر وشعر بوده .

۳٦ ـ لب تاریخ کلهوره.

۳۷ـ بیاض محک الشعرا ـ جنگی است شامل اشعار گزیده فارسی . نسخه‌ای ازاین بخط مؤلف درانجمن ادبی سندموجوداست.

۳۸ـ دیوان اشعار[1].

۳۹ـ قصاید ومنقبت.

٤٠ ـ انشای قانع ـ نسخه‌ای از آن درانجمن ادبی سند موجوداست.

٤۱ ـ مثنوی محبت نامه ـ ۱۵۹ بیت از آن در بیاض (جنگ) مکلی نـامه موجوداست.

٤۲ ـ ٤۳ ـ . . . (در فهرست میر مائل[2] اسم این دو کتاب محو شده و خوانده نمی‌شود).

تصبره براین کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۱٦۹ ﻫ آغاز نمودودر ۱۱۷٤ ﻫ باتمام رسانیده است واسم تذکره « مقالات الشعرا» ازروی ابجد سال اتمام آنرا میرساند چنانکه مؤلف دراین باب درمقدمه توضیح داده‌است اما درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه چنین مینویسد: «روزی درمجمعی ازیاران ...مضمون این معنی وحقیقت چنین بیان

۱ـ ازاین کتاب نخسه‌ای بجا نمانده امااسم ومقتبسات آن درمقالات الشعرا وبعضی کتب دیگر آمده‌است .

۲ـ میرغلامعلی متخلص به مایل یکی از سه پسر قانع بودکه بعداز پدر جانشین وی شد(ر.ك. شرح حال میرمایل تتوی از پیرحسام الدین راشدی در مجله مهران ـ بهار ۱۹۵۵م)

۷ـ مجالس المومنین (رجوع شود به نام بیرم خان)

۸ـ قوانین انشا بالغ (رجوع شود بد نام بالغ)

۹ـ تاریخ غیاث الدین هروی (رجوع شود به نام سپاهی).

۱۰ ـ لطایف الطوایف ـ علی بن ملاحسین واعظ کاشفی (رجوع شود به نام شهود)

۱۱ـ مجمع الصنایع ـ نظام الدین احمد

۱۲ـ تاریخ نظامی (رجوع شود به نام نظام الدین)

این تذکره مشتمل است برذکر هفتصدونوزده شاعر دربیست وهشت باب باین ترتیب که برای هریك حرف یك باب مخصوص است واسامی شعرارا بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص آنها آورده است.

این تذکره با «ابراهیم، ملا ابراهیم بندرلاهری» شروع شده بـا « یونس میرمحمد یونس ارغون» تمام میشود .درخاتمه کتاب بعضی غزلهای شعرای معاصر را آورده و گاهی اشعار خودش را هم نقل کرده است .این غزلها قافیه وردیف شبیه بهم دارد .

گاهی بعضی حکایات مبتذل در این تذکره نقل کرده است مثلا درذیل نام بالغ.

درذیل نام بعضی شعرا بعضی اطلاعات جالبی آورده است مثلا درذیل نام باقرمینویسد: «نان باقرخانی وکوزه باقرخانی از مخترعات اوست » اما قبل ازقبول چنین روایاتی لازمست تحقیق بیشتری دراین زمینه بعمل آورده شود.

ازجمله ۷۱۹ شاعردرذیل نام ٤٣٧ شاعرمؤلف شرح حال آنها را دریك ودو سطروازهر کدام یك دوبیت نقل کرده است وحتی درذیل بعضی ازآنها بذکراسم و وطن شاعروآوردن یك بیت از اوبدون هیچ شرح حال اکتفا نموده است مانند شاو روح الله وغیره .

شرح حال شعرای زیررا مفصل تر از دیگران آورده است : خانخانان

[۲۰ ص) وامین‌الدین خان و بابروجانی بیگ میرزا وامیرشاه قاسم (هر کدام در ۳ ص) واعظم خان وسپاهی (هر کدام در ½ ۵ ص) وقانع (مؤلف‌سور۸۶ص).

همچنین‌اشعارشعرای زیررا مفصل ترازسایرین‌آورده است: طالب (۲ ص) وخالص وکامل (هر کدام در۳ ص) وشاعر(½ ۳ ص) و میرجانشاه (۵ ص) ومداح (½۵ ص) وآزاد و رجا (۷ص) ومحسن (تقریباً۲۵ص) وقانع (مؤلف ـ۶۸ص) .

بدین ترتیب شرح حال و اشعار خودش را از همه مفصل تر (هر کدام در۲۸ص) آورده است .

درنوشتن شرح حال شعرا هیچگاه سعی نکرده است آنرا مفصل بنویسد واطلاعات هرچه بیشتر را در بساره آنان بهم رساند واین تذکره غالباً فاقداکثر اطلاعات مهم درباره شعرا میباشد وحتی شرح حال‌بعضی شعرارا که مؤلف بآسانی میتوانست ازتذکره های دیگرمفصلا نقل کند نیزمفصل ننوشته است مانندآزاد وحزین وسرخوش وغیره وهمچنین‌شرح حال شعرائی‌را که مؤلف باآنان ازنزدیك آشنائی داشت نیزمفصل ننوشته است

درذیل نام شعرای زیرهیچ شعری‌ازآنها نقل نکرده است وتنها شرح حال آنها را آورده است :

عبداللطیف (تبارك) وگل محمد و مشتاقی. اما درباره این موضوع هیچ توضیحی‌هم نداده است.ظاهراً یا سهواً وغفلة ننوشته است یا شعری ازآنها دردست مؤلف نبوده است .

همچنین درذیل‌نام « ابوبکرسوستانی» تنها بنقل‌اشعارش اکتفا نموده وشرح حال وی را اصلا ننوشته است . درذیل شرح حال خود مؤلف شرح حال مفصل ازبعضی اسلاف خود نوشته است که اساساً شاعرنبوده اند .

مؤلف اشعارخود را درذیل اشعاردیگران نیزنقل کرده است (رجوع شود به نام تسلیم وعاشق محمدکریم وعبدالله حاجی کربلائی وحکیم غالب ومحسن ونجم‌الدین) ومخصوصاً درذیل‌نام عاشق چندین غزل‌کامل خود را درجواب بعضی

درك نمود مخصوصاً رجوع شود به صادق ونجم‌الدین .
علاوه براشعارشعرا گاهی نمونه هائی ازنثرآنها را نیز نقل کرده است مثلاًدرذیل نام اکرم رقعه ای (نامه ای) وازقدوس دورقعه (دونـامه) وازخود مؤلف ۲۸ فقره (جمله) ویك رقعه (نامه) بنثرازکتاب خود بنام « آئین خیـالات » که بقول خودش « به ازنظم است » (یعنی بهترازشعراست) .

سبك انشاى مؤلف

نثرمولف آمیزش عربی زیاد دارد و گاهی بعضی اصطلاعات و کلمات عربی راآورده است که بفارسی معمول نیست مانند کره ثانی بمعنی دفعه دوم (ص۲٤۲) وغیره.

سالها را همه جا بزبان عربـی آورده است ودراکثرموارد درنوشتن بعضی مطالب از آیات واحادیث استفاده کرده است مثلارجوع شود به شرح حال عبدالله (واعظ) وعبدالرسول . مخصوصاً در « ماده تاریخ گوئی » ازآیات واحادیث زیاد استفاده نموده است مثلا رجوع شود به نام عبدالرشید ومیرعبداللطیف وعریضی وآخر اشعارمولف . گاهی بعضی کلمات اردو یاسندهی یاکلماتی که اصلا فارسی بوده اما درهندوپاکستان بمعانی مخصوصی درآمده است بکاربرده است[1] مانند :

« بفوجداری پرگنات معیشت داشته » (رجوع شود به نام الله وردی بیگ ص ۷۰) « نواسه » بمعنی نواده (رجوع شود به نام تسلیم ص ۱۲۱) «دردیوانخانه ایشان نشسته کچهری میکرد » (رجوع شود به نام ابراهیم ص ٦۸) « دوپاس بمعنی ظهر که باردو دوپهر گویند (رجوع شود به نام رجا ص ۲۳۲) «سرشته‌دا دامهای جاگیرجاگیرداران » (رجوع شود به نام ابوالمعالی ص ۷۵) «خوشنویس ودستخط »(رجوع شود به نام اسدالله ص ۷٦) «دهر» بزبان سندهی بمعنی «تشکر گاهی بجای «فوت شد» بعضی کنایات مخصوص وجالبی آورده است مانند

۱ ـ اکثرنویسندگان متأخرهند وپاکستان درموقع نوشتن فارسی همین روش ر داشته‌اندمانندآزاد وآرزووحاکم وخوشگووشفیق وغیره.

« رخت صفا بعالم بقا کشید » (رجوع شود به نام صفائی) « ازصهبای کل من علیها فان نوش کرده سرمست وصل بزمگاه حقیقی شد » (رجوع به نام صهبا) « درمنا بزیارت بیت آخرشتافت » (رجوع شود به نام کامران) « ساغرشرابا طهورانوش فرموده سرمست وحدتکده باقی گردید » (رجوع شود به نام مشرب)

وگاهی ازتخلص واسم شاعراستفاده کرده برعایت آن بعضی عبارات راآورده است مثلارجوع شود به جملات وی که ازشرح حال صفائی وصهبا ومشرب درسطور فوق نقل شده است.

نسخ خطی

١ ـ کتابخانه شخصی پیرحسام الدین در کراچی

٢ ـ ریوج ٢ ص ٨٤٨ الف (مورخ ١٢٤٦ ھ)

٣ ـ اند یا آفس ٤٤٩٧[1] (١٢٧١ ھ)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به «مقالات الشعراء» چاپ کراچی

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به مقدمه مقالات‌الشعرا چاپ کراچی

چاپ

ازطرف انجمن ادبی سند کراچی درسال١٩٥٤م بتصحیح وتحشیه آقای پیرحسام‌الدین راشدی بطرزبسیارمطبوع ونفیسی چاپ شده است . دراین کتاب مصحح فاضل آن مقدمه مفید وارزنده‌ای‌رادرباره مؤلف وآثاراونوشته‌است(رجوع شود به ص٢٧) و٣٢ عکس را از اشخاصیکه ذکرشان دراین کتاب آمده است (ومصحح آنرا بعداززحمت زیادی بدست‌آورده وبعضی ازآنها را اول‌دفعه دراین کتاب چاپ کرده است) نیزضمیمه کرده است .

همچنین‌درحواشی کتاب درباره بعضی ازملوك وامرا وشعراوشهرها ومقامات

---

١ ـ این نسخه درفهرست اته ذکرنشده است ر.ك. استوری ج ١ق١ ص xiv درذیل عبارت I.O.

تاریخ وغیره شرح بسیارمفیدی راازکتب تاریخ وتذکره وغیره اضافه کرده است واین حواشی مفصل را بجای خودش باید «تکمله»ای براین تذکره حساب کرد. خلاصه زحمات مصحح فاضل آن واولیای انجمن ادبی سندهی سزاوارستایش وتمجید و تشویق فراوانی میباشد واین روش در تصحیح وچاپ کتب تذکره و تاریخ بوسیله سایرین باید «شمع راه» ومورد تقلید وتتبع قرار گیرد .

سفینه عشرت

ابتدا

«حمدناظمی را که رباعی عناصر راترکیب بند ساخته وثنای راقمی که برلوح فلك ازقلم ابداع مسدس شش جهت نگاشته».

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب درگاداس است. (شرح حال اودرهیچ کتاب تاریخ یا تذکره وغیره مذکر نشده است).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷۵ هجری تألیف نموده است چنانکه اسم این کتاب «سفینه عشرت» از روی ابجدمیرساند.

نسخه ناقص الاخر این کتاب در بانکی پور (که تنها نسخه موجود آنست) مشتملست برچهارصد وپنجاه وپنج شاعر بترتیب الفبا از روی حرف اول یا تخلص شاعر وبا «اسدی طوسی» شروع شده با «حاجی فریدون متخلص بمسابق» تمام میشود وحاوی ذکر شعرای متقدم و متأخر میباشد.

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را مخصوصاً از **معاصرین مفصل** آورده است.

رویهرفته مؤلف شرح حال بیدل را (در سه صفحه) **مفصل تر از همه** آورده و **اشعار** سراج‌الدین علیخان متخلص به‌آرزو را (در ۳۳ صفحه) **مفصل‌تر** ازسایرین **نقل** کرده است.

سبك انشای‌مؤلف در مقدمه کتاب مصنوع است و گاهی‌نثر مسجع را نیز بکار برده‌است. اماشرح حال شعرا را بنثرساده‌وغیرمصنوع نوشته است.

نسخه خطی

نسخه خطی منحصر بفرد این تذکره در بانکی‌پور موجود است (رجوع شودبه‌بانکی‌پور ج۷ص۶۹۹). این نسخه‌ناقص‌الاخر استو تنهاتا حرف«سین»حاجی فریدون متخلص به« سابق» میباشد ومورخ‌قرن ۱۹ میلادی‌است.

«مردم دیده»

ابتدا

بعد (از) حمد کلیمی کهسخن آفرین‌و حکیمی که :حکم‌الحاکمین استو صلوات کریمی کەرحمةللعالمین وشفیع‌المذنبین استواهل ببت‌طاهرین‌واصحاب طیبین‌وتابعین رضی‌اله تعالی‌عنهم اجمعین...»

شرح‌حال مؤلف

این کتاب را ملاعبدالحکیم لاهوری متخلص‌به حاکم تألیف کرده است، وی‌ازطرف جده‌سید حسینی است چون جده وی‌از فرزندان قاضی یوسف بود که ازسادات‌معتبره هرات وقاضی‌بلخ‌بود.

به مسجد آن رفت که چهل باب دارد او را اجازه ندادند که به داخل مسجد برود چون بقول خودش او پول نداشت. سپس مؤلف سایر مناسك حج را انجام داد و در ماه محرم عازم جده شد و از آنجا در کشتی بنام «گنج آوری مکی» که متعلق بشیخ خواجه کوچك بود رهسپار هندوستان گشت و بالاخره در ماه صفر (۱۱۷۵ه) بسورت رسید.

حاکم در پایان مثنوی مذکور قطعه‌ای آورده است که بیت آخر آن بطریق معمی تاریخ این مسافرت (۱۱۷۵ه) را میرساند:

پی سال تاریخ بودم بفکر	دل شب بصد عجز و دست دعا
که ناگاه شنیدم زروی کرم	قبول خدا می شود حج ما
	(= ۱۱۵۵ه)

(چون عدد روی کرم که حرف کاف است (= ۲۰) را با عدد ۱۱۵۵ جمع کنیم ۱۱۷۵ بر میآید که سال این مسافرت است)

بروز ۱۵ جمادی‌الاول سنه ۱۱۷۵ ه حاکم باتفاق واقف وارد اورنگ آباد دکن شد و آنجا در تکیه شاه‌محمود اقامت کرد.

در ایام اقامت اورنگ آباد در همان سال ۱۱۷۵ه حاکم تذکرة‌الشعرائی نوشت شامل ذکر شعرائی که آنها را دیده بود و اسم آن را «تحفة المجالس» نهاد اما بعداً به پیشنهاد و توصیه آزاد بلگرامی اسم آن را به «مردم دیده» تغییر داد.

حاکم در ۱۸ شوال ۱۱۷۵ ه از اورنگ آباد به حیدر آباد دکن رفت و در ۱۹ صفر دوباره به اورنگ آباد برگشت و در دوم ربیع‌الثانی همان سال (۱۱۷۵ه) حاکم و واقف هردو از اورنگ آباد عازم شمال هندوستان شدند. چون راه برهان پور و مالوه خطرناك بود راه برار و چتر پور را اختیار کردند ولی با وجود این احتیاط در بین اورنگ آباد و بالاپور قطاع‌الطریق اثاثه آنان را بردند اما بخودشان هیچ صدمه ای نرسید. بالاخره بزحمت تمام ببالاپور

رسیدند و از آنجا بوسیله قاصدی حال خود را به آزاد بلگرامی نوشته و آز
مقداری پول برای آنها فرستاد و آنها بسلامت به کولاپور رسیدند. اما چون بار وسا
مسافرت را نداشتند دوباره بآزاد نوشتند و ازوی کمك خواستند و آزاد دوباره بآ
مقداری پول فرستاد و بالاخره حاکم وقدرت هردو بسلامت به وطن رسیدند
شوال حاکم به آزاد نوشت که وی بخانپور وهوشیارپور درنواحی لاهور نزد اهل
عیال خود رسید وواقف نیز درهمان ماه در وطن خود بتاله رسید.

روزی حاکم دیوان خودرا نزد سراج الدین علی خان آرزو برد تا
تامل ومطالعه نموده از حسن وقبح کلام اورا آگاه سازد. آرزو اول امتناع ورزید
در نتیجه اصرار حاکم بالاخره دیوانش را پیش خود نگهداشت و بعداز دوماه بحا
بر گرداند وهرچه ایراد داشت درحواشی دیوان یادداشت کرد اما حاکم با
ایرادات آرزو موافقت نداشت. چون وارسته سیالکوتی اعتراضات و ایرادات خ
آرزو را دید در جواب آن رساله‌ای بنام «جواب شافی» نوشت اما عجیب اینس
که آرزو حاکم را در تذکره خود بخوبی یاد کرده است و حاکم حتی بعد
فوت آرزو از وی، تعریف میکرد ودر «مردم دیده» حاکم درباره آرزو میگو
«فقیررا با آرزو ربط اخلاص زیاده از حد بود. روزی غزلی در تتبع غزلش گ
که مقطعش اینست:

گرچنین از فیض خان آرزو گیرد نمك طرفه شوری این غزل حاکم بلاهور افک
خان مرحوم این بیت بدیهه گفته فرستاد:
نیست شعر آرزو را رتبه‌ای گرتو با اینهم پسندی حاکمی

آزاد در «خزانه عامره» (ص۲۰۲) میگوید: «در این لفظ لطفی و ابه
هست».

آرزو در «مجمع النفایس» (تألیف ۱۱۶٤هـ) درباره حاکم مینویسد:
سال پیش ازاین دیوان خودرا که قریب چهارهزار بیت است به نظر فقیر در آورده ب
مضبوط ومربوط گفته ... چندین مرتبه وارد شاه جهان آباد گشته واین م

بسبب ظلم صوبه دار(استاندار) پنجاب وضبط(توقیف) جاگیرهای (املاك) مردم در این جا رسیده‌نیزملاقات باحقر مینماید » .

آزاد در«خزانه عامره» (ص۲۰۲) میگوید که وارسته دررساله شافی‌درمورد بعضی اعتراضات خان‌آرزو توانسته است جواب بدهد اما در بعضی موارد دراین منظور موفق نشده است وحتی معترف باشتباه حاکم شده است.

مؤلف تذکره «نشترعشق» میگوید که حاکم در هنگام مراجعت بکشمیر در شهر تته سند درسنه۱۱۷۸ه فوت‌ودرهمان‌جا دفن شد وبقول مؤلف«نتایج الافکار» حاکم در۱۱۸۲ه (اثنین وثمانین ومایة‌والف)فوت کرده است ومؤلف« نغمه‌عندلیب» میگوید که حاکم در کشمیر فوت کرده است. لچهمی نراین مؤلف « گل رعنا » مینویسد که نورالعین واقف لاهوری(بتالوی) دراوایل محرم ۱۱۸۲ه بنام آزاد بلگرامی نامه‌ای نوشته حاکی‌از این که حاکم وواقف در کشمیردر خدمت‌نواب سربلند خان بهادر صوبه دار رفتند ودر موقع مراجعت حاکم درشهر تته بعارضه اسهال فوت کرد و همانجا دفن شد و این واقعه در ۱۱۷۸ ه اتفاق‌افتاد[1].

اما استوری (ج۱ص ۸۲۹ ـ ۸۳۰)میگوید که حاکم تا موقع تألیف«عقد ثریا » (۱۱۹۹ ه) درقید حیات بود.

تبصره‌بر کتاب

مؤلف این تذکره را درسال ۱۱۷۵ ه در اورنگ آباد تألیف کرده است و در مقدمه کتاب دوقطعه ازآزاد نقل کرده است که طی‌آن‌آزاد از حاکم تعریف و توصیف کرده است. اینك دوم این‌قطعه که سال این کتاب راهم‌میرساند:

حاکم خطه معنی حاکم	کرد نوتذکره‌ای راتصنیف
سال تالیف‌نقل کردآزاد	تازه‌تألیف‌همایون‌لطیف(= ۱۱۷۵ه)

---

۱ ـ نیز ر.ك. محبوب الزمن (اردو) ج ۱ ص ۳۷۳ که در آنجا روایت فوق نقل شده‌است.

درباره سبب تألیف مؤلف درمقدمه این کتاب چنین توضیح میدهد که «از مدتی
من کوز خاطر داشت» که تذکره‌ای مشتمل بر احوال جمعی از شعرای معاصر و حا
بنویسد « وچنانچه اشعار جماعت کثیر ازسلف وخلف تخمینا تا پنجاه هزار بیت از
سه هزار شاعر کسری کم وقریب دوصد (دویست) دیوان مطالعه نموده ازهر یکی
انتخاب زده موسوم به «انتخاب» ساخته میخواست ادهم قلم را در میدان
گزارش حالات (احوال شعرا) جولان دهد» که ناگاه « عنان عزیمت از این وادی
منعطف گردید و جاذبه غیبی زمام اختیار (را) ازدست برده بعالم فقر کشید ...
در اینولا که پانزدهم جمادی‌الاولی سنه ۱۱۷۵ (هـ) ازسورت مبارکه به خجسته
بنیاد (اورنگ آباد) وارد شد » ودر تکیه شاه محمود اقامت گزید وازصحبت میر
غلام‌علی آزاد متمتع شد تذکرة الشعرائی مسمی به « مجمع‌النفایس » تألیف
سراج‌الدین علی خان آرزو بنظر وی رسید و درباره فکر تألیف تذکره تازه گشت
بالاخره تصمیم گرفت تذکره شعرائی بنویسد که خودش در خدمت آنها رسیده و
شرح آنها را تذکره « مجمع‌النفایس » نقل نموده هرجا که بیش و کم دیده شود
بقدر اطلاعات خود اضافه کند و همچنین اسامی شعرائی را که خان آرزو جها
یا عمدا در تذکره خود نیاورده نیز علاوه کند و اسم این تذکره را بموجب
فرمایش میرغلام علی آزاد « مردم دیده » گذاشت.

این تذکره مشتمل است بر ذکر شصت ویک شاعری که مؤلف با آنها
ملاقات کرده وشامل مقدمه و دو باب وخاتمه میباشد.

باب اول در ذکر هیجده شاعریست بترتیب الفبا که ازمجمع النفایس بهمان
عبارت مؤلف نوشته شده است.

باب دوم در ترجمه عزیزانی که داخل تذکره خان آرزو نیستند ومشتمل است
بر ذکر چهل و دو شاعر بترتیب الفبا وخاتمه در شمه (از) احوال خود مؤلف
ذکر حالات بزرگان شفیق او . باب اول با « آفرین » شروع شده با « واقف » تما
میشود و باب دوم با « اظهر » شروع شده با « یتیم » تمام میشود

در باب اول درذیل نام شانزده شاعرزیر علاوه بر شرح احوالی که آرزو نقل کرده است بعضی اطلاعات درشرح حال آنها را از خود هم اضافه نموده است: آفرین و آزاد و امید و آرزو و حزین و رابج و درد و عظیم و فقیر و متین و منحف و میجن و واله و وجدان و وفا و واقف.

همچنین اشعار آزاد و آرزو و مصف و وحدان و واقف را خودش انتخاب نموده و در این تذکره نقل کرده است واشعار واقف را از همه مفصل تر (در ۱۶ص) آورده است.

مؤلف در مقدمه این کتاب از آرزو گله کرده است که وی اسامی بعضی شعرا را در « مجمع النفایس » ذکر نکرده است ولذا خودش درباب دوم این تذکره آنهارا آورده است اما ازاشعار وشرح حالی که حاکم دراینجا آورده است پیداست که حق با آرزو بوده و اکثر این شعرا هیچ ارزش و اهمیت ندارند چنانکه از اکثر شعرا شرح حالشان را در یك دوسطر واز اشعار شان یك دوبیت نقل کرده است

درذیل نام شهید (ملاباقر) تنها یك بیت از او نقل کرده و نوشته است: « دیوان ضخیمی دارد کردماغ که انتخاب زند» . از این معلوم میشود که مؤلف درانتخاب اشعارشعرا زیادزحمت نکشیده است.

در ذیل نام فقیر مینویسد: « معلوم نشد که خان آرزو با اینهمه تعریف و توصیف فقیر که در تذکره نوشته کم نوشتن اشعار او چه معنی داشته باشد» اما خود حاکم هم هیچ شعری از او اضافه ننموده وتنها درشرح حال وی بعضی مطالب را اضافه کرده است.

در خاتمه کتاب اسم هیجده بزرگ « از بزرگان صاحب حال (که) بعلم ظاهر و باطن موصوف بودند و (مولف) سعادت خدمت ایشان حاصل کرده» بود ذکر نموده است و در چندسطر از آنان تعریف و توصیف کرده اما از ایشان هیچ شعری نقل نکرده است و معلوم نیست آنها شاعرهم بودند یاخیر. ظاهرا این قسمت

خارج از موضوع تذکره میباشد.

مؤلف گاهی بر اشعار شعرا انتقاد نموده است مثلا رجوع شود بمقام فقیر

سبك انشای مؤلف اکثر ساده و غیر مصنوع است اما ببعضی جاها مخصوص

در موقع تعریف و توصیف شعر: نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع بکار برده است

روی‌همرفته این تذکره را میتوان متکلمه مجمع‌النفایس آرزو نامید. اما

غیر از پانزده شاعری که ذکرشان در سطور فوق گذشت مؤلف در انتخاب اشعار

شعرا زحمت نکشیده و حتی در باب دوم این کتاب در ذیل شرح حال شعرائی که

ذکرشان در مجمع‌النفایس نیامده‌است اکثر اطلاعات لازم را از زندگانی این

شعرا نیاورده است.

نسخه خطی

کتابخانه مرحوم صدریار جنگ حبیب الرحمن خان شیروانی (عکسهائی

که از این نسخه برداشته شده است در کتابخانه دانشگاه لاهور موجود

است).

چاپ

ازطرف آکادمی ادبی پنجابی لاهور سال ۱۳۳۹ ش باهتمام دکتر س...

عبداله بطبع رسیده است. این چاپ پر از اغلاطیست بدون مقدمه مصحح

شرح‌حال مؤلف واهمیت کتاب وغیره).

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به مردم دیده چاپ لاهور۱۳۳۹ش که در آغاز آن فهرست اسامی

شعرا نیز ذکر شده است.

برای شرح حال مؤلف

رجوع شود به مردم دیده و خزانه عامره و مجمع‌النفایس و نغمه عندلیب

نشتر عشق و مخزن‌الغرایب ش۶۴۲ و مقالات‌الشعرای حیرت و عقد ثریا و سفینه خوشگو

سفینه هندی.

خزانه عامره

ابتدا

«سر کلام را جیغه‌حمد صانعی که انسانرا بگوهر گرانمایه ناطقه نواخت ودهان او را بجواهر زواهر مملوساخت».

مؤلف

مؤلف این تذکره میرغلام‌علی متخلص به آزادبلگرامی است. (برای شرح‌حال او رجوع شود ببحث‌ درباره «یدبیضا» دراین کتاب).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷۶ ه[1] در اورنگ آباد دکن تألیف کرده است چنانکه درشرح‌حال خودمینویسد«اکنون دردارالامن اورنگ‌آباد گوشه گیرم»: در مقدمه کتاب قطعه ذیل آورده است که سال تألیف کتاب (۱۱۷۶ ه) را می‌رساند:

آزاد رقم نمود نو تذکرهٔ	در جیب ورق ریخت‌نقودسرهٔ
گنجورخرد گوهر تاریخ‌فشاند	**حق‌داده‌عجب‌خزانه عامرهٔ**
	(=۱۱۷۶ه)

مؤلف درمورد سبب‌تألیف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد:

«عزیزالقدر میر اولاد محمد ... که برادر زاده فقیـر است خواهش نمود که تذکرهٔ تألیف کرده شود در ذکر شعرائی که چراغ مدح‌ارباب کرم افروخته‌اند ،صلات ازدولت‌قدردانی ممدوحان خوداندوخته. چون‌خاطرمشارالیه

۱ـ اما مؤلف بعضی ازوقایعی بعدازسال ۱۱۷۶ ه را هم در این تذکره ذکر نموده است چنانکه سال فوت درگاه قلی‌خان (متوفی‌در۱۱۹۰ه) راهم ضبط نموده است ([illegible] خزانه عامره‌ص ۲۲۴).

عزیز بود: التماس او بحسن قبول رسیده.

مؤلف فهرست مآخذ کتاب خود را در مقدمه بقرار زیر آورده است:

۱- لب‌الالباب (لباب‌الالباب) محمد عوفی
۲- تذکره دولتشاه
۳- تذکره سامی سام‌میرزا صفوی
۴- خاتمه خلاصة‌الاشعار (میر تقی کاشی)
۵- تذکره میر تقی کاشی (خلاصة‌الاشعار)
۶- هفت اقلیم امین احمد رازی
۷- منتخب‌التواریخ بداونی
۸- مجمع‌الفضلاء بقائی
۹- تذکره میرزا طاهر نصرآبادی
۱۰- مرآت‌الخیال شیرخان
۱۱- کلمات‌الشعرای سرخوش
۱۲- همیشه بهار اخلاص
۱۳- حیات‌الشعراء محمدعلیخان متین کشمیری
۱۴- سفینه بی‌خبر
۱۵- ید بیضا (تذکره دیگر آزاد)
۱۶- ریاض‌الشعرای واله
۱۷- مجمع‌النفایس آرزو
۱۸- تذکره شیخ علی حزین
۱۹- سرو آزاد (تذکره دیگر آزاد)
۲۰- تذکره بی‌نظیر عبدالوهاب دولت‌آبادی
۲۱- مردم دیده حکیم (حاکم) لاهوری

همچنین در ذیل بحث و شرح اشعار شعرا از فرهنگهای زیر استفـ

کرده است.

۲۲ـ فرهنگ برهان قاطع

۲۳ـ قاموس عربی

۲٤ و ۲٥ ـ منتخب اللغات و فرهنگ فارسی . عبدالرشید تتوی (ص ٤١٠ و ٤٢٤).

از جمله کتب فوق مؤلف از همه بیشتر ا کتاب مجمع النفایس آرزو استفاده کرده است وحتی گاهی اشعار شعرا را از آن نقل کرده است. باید اذعان کرد که از جمله کتب فوق تذکره حیات الشعرا متبن کشمیری امروز بجای نمانده است .

علاوه بر این مؤلف «از بسیاری اردواوین شعرا و کتب فن تاریخ وغیر آن» استفاده کرده است. همچنین مؤلف در مقدمه کتاب تذکر داده است که بعضی مآخذ « ید بیضا » مانند نفایس المآثر و صبح صادق و تذکره ناظم تبریزی و تذکره ملا قاطعی وغیره در این وقت (یعنی درموقع تألیف خزانه عامره) حاضر نیست لهذا دراین کتاب برخی از مقدمات از ید بیضا گرفته شد. درباره عرفات تقی اوحدی مینویسد:

« و فقیر عرفات (را) از حرف الضاد تا حرف الیاء (در) سابق دیده بودم حالا حاضر نیست».

غیر از کتب فوق مؤلف اسامی کتابهای زیر را درمتن کتاب آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده است.

۲٦ـ چهارمقاله نظامی عروضی(رجوع شود به نام ابوسعد سلمان).

۲۷ـ حدایق السحر وطواط(رجوع شود به نام ابوسعد سلمان).

۲۸ـ تاریخ گزیده حمدالله مستوفی (رجوع شود به نام حسن غزنوی).

۲۹ ـ اخبار الاخیار شیخ محدث دهلوی (رجوع شود به نام شیخ جمالی دهلوی) .

۳۰- نفحات‌الانس جامی (رجوع شود به‌نام حافظ).

۳۱- تاریخ فرشته‌محمد قاسم فرشته (رجوع‌شود به‌نام حافظ).

۳۲- مرآت‌الصفا (رجوع‌شود به‌نام حافظو نظیری)

۳۳- اعلام‌الانعام شیخ‌محمدیحیی‌اله آبادی (رجوع‌شود به نام‌حافظ).

۳٤- تاریخ مکه یاتاریخ قطبی قاضی قطب‌الدین حنفی (رجوع شود به
حافظ) .

۳۵- نفایس المآثر علاءالدوله قزوینی (رجوع شود به نام حیرتی وغیر

۳٦- تفسیر در منثور شیخ جلال‌الدین سیوطی (رجوع شو: به نام‌حید
تبریزی) .

۳۷- تاریخ‌طبری (رجوع شود به‌نام حیدری‌تبرتزی).

۳۸- بدرالحق امام‌غزالی (رجوع‌شود بنام حیدری تبریزی).

۳۹- مآثررحیمی نهاوندی (رجوع‌شود به‌نام خانخانان).

٤۰- تنبیه‌الغافلین آرزو (رجوع‌شود ، نام حزین).

٤۱- ابوالجناب رفیع‌واعظ قزوینی (رجوع شود‌به نام حا کم‌لاهوری).

٤۲- حبیب‌السیر (رجوع‌شود‌به نام‌خاقانی).

٤۳- بهارستان جامی (رجوع‌شود‌به‌نام‌امیرخسرو).

٤٤- منشآت‌حاجی عبدالعلی طالقانی(رجوع‌شود به‌نام دانش‌مشهدی).

٤۵- تذکره‌ملاقاطعی (رجوع‌شود به‌نام‌شهیدی).

٤٦- تاریخ‌صبح صادق (رجوع شود‌به نام‌ظهیرفارابی).

٤۷- ثمرات‌القدس (رجوع‌شود به نام‌عبدالقادر بداونی).

٤۸- شاهجهان نامه‌عبدالحمید لاهوری (رجوع‌شود به‌قدسی).

٤۹- تاریخ عالم‌آرای‌عباسی (رجوع‌شود به‌نام ملک‌قمی).

۵۰- تفسیر قاضی‌بیضاوی (رجوع شود‌به‌نام‌حزین).

۵۱- صحاح جوهری (،   ،   ).

این تذکره مشتمل است بر ذکر صد و سی و پنج شاعر متقدم و متأخر بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «انوری خاوری» شروع شده با «(میر) یوسف بلگرامی» تمام میشود.

مؤلف درمورد انتخاب اشعار درمقدمه کتاب چنین توضیح داده است که اشعاری که در این تذکره آورده است از جای دیگر نقل نکرده «الابقدر قلیل بناء برضرورت» چون اشعار مطلوب از جای دیگر بدست نمی آمد و مؤلف فرصت مقابله انتخاب خود با کتب دیگر نداشت بنابر این احتمال دارد گاهی اشعاری را که در کتب دیگر انتخاب شده است در کتاب خود نیز آورده باشد.
همچنین درباره اینکه گاهی اشعار خوب دراین تذکره پیدا نیست چنین توضیح میدهد که اشعار خوب را قبل از وی کسی دیگر در تذکره خود انتخاب کرده یا از نظر مؤلف افتاده یا دیوان شاعر بصورت تمام و کامل بدست مؤلف نرسیده است.
همچنین مؤلف توضیح میدهد که باوجود اینکه برخلاف سرو آزاد که مطالع برغیر مطالع مقدم دارد دراین کتاب چنین التزام مراعات ننموده است.

اما در موقع انتخاب دیوان ترتیب ردیف را نگهداشته چنانکه اگر بیتی مطلوبست زود پیدا شود.

همچنین مقداری از اشعار عربی را از خود و از دیگران در این تذکره ثبت نموده است و درباره اشعار عربی توضیح و شرح لازم داد است مثلا رجوع شود به نام حزین.

گاهی اشعار فارسی بعضی شعرا را شرح داده است مثلا در ذیل نام نعمت خان عالی قطعه‌ای که وی درطوی (جشن) کامگار خان سروده است داده است که بیت آن بقرار زیر است:

کدخدا شد بار دیگر خان عالی مرتبت
باکمال عز و تمکین و وقار و زیب و زین

در ذیل شرح حال بعضی شعرا چون بعضی وقایع مهم زندگانی آنها بعد از

بلکه این کتاب به مؤلف رسیده است این مطالب را در پایان شرح حال آنها اضافه
(ایسه مثلا رجوع شود به کرشاهو (میر سید محمد بلگرامی)).

مؤلف در ۸۱ صفحه این کتاب (ص ۳۳۵ تا ص ۴۱۶) بعضی وقایع تاریخی
را به شرح حال نوابان و امرای آن وقت بیان کرده اند. این قسمت کتاب از
نظر تاریخ اهمیت فراوانی میباشد چون اکثر وقایع مذکور چشم
مؤلف بوده است و همچنین نوابان امرای مربور نیز معاصر وی بوده اند و آزاد
با اکثر شان ملاقات کرده است. این قسمت مشتمل است بر ذکر حال نواب آصف
و امیر الامراء فیروز جنگ و عماد الملک نواب نظام الدوله ناصر جنگ و مظفر جنگ
و امیر الممالک و نواب آصفجاه ثانی و نواب برهان الملک و وزیر الممالک صفدر جنگ
و وزیر الممالک شجاع الدوله و سپس ذکر احمد شاه درانی و هفت حمله وی
هندوستان و ذکر حاصلات (در آمد) ایران و در ضمن ذکر مرهته ها و بیان
دولت آباد و در چه وقت و بچه نهج بتصرف سلامیان (مسلمانها) در آمده بوده
آصفجاه و نواب نظام الدوله بعضی از اشعاری که آنها سروده اند آورده است. همچنین
دیگر آسحاق خان و اولادش را در ذیل نام آرزو آورده است.

در هر حال چون اکثر این مطالب (غیر از اشعار آصفجاه و نظام الدوله)
مربوط بموضوع تاریخ است و بنابراین خارج از موضوع تذکره میباشد. بهتر
بود که مؤلف آنرا بصورت رساله جداگانه ای مینوشت تا با مطالب این تذکره
و آمیخته نشود.

... در ذیل نام ناقص ... واقعه محاصره اصفهان (۱۱۳٤ هـ) و وقایع
زمان سلطان حسین و نادر شاه را نقل کرده است که البته از حیث تاریخ مهم است
از موضوع این کتاب خارج است.

شرح حال شعرای زیر را از همه مفصل تر نقل کرده است: آزاد (در ۳۰
آرزو (پنج صفحه) و مولانا قمر الدین (در ٤ صفحه).

... الشعرای زیر را از همه مفصل تر نقل کرده است بیخبر ... و

وکلیم (هر کدام در ٤ ص) وشاه آفرین (در ½٤ ص) وابوسعید لاهوری (در ٥ صفحه) و[illegible] (در ½٥ ص) وآزاد (مؤلف اشعار فارسی در ٦ ص واشعار عربی در ½٣ ص) وشیدا وامیر عبدالجلیل (هر کدام در ٦ ص) ومحمد علی ماهر (در ٨ ص) وبیدل (در ١٣ ص).

اشعار خود را که در قافیه یا ردیف یا معنی شبیه با اشعار شعرای دیگر بوده درذیل اشعار شعرای زیر آورده است:

بدرجاجرمی وحافظ وحزین (اشعار عربی) وشیدا وصایب وعرفی.

همچنین اشعار شعرای زیررا در ذیل اشعار شعرای دیگر بمناسبت شباهت قافیه وردیف یا معنی آورده است.

۱ـ اشعار امیر خسرو وسعدی را در ذیل اشعار میرزا اشرف جهان.

۲ـ اشعار خواجوی کرمانی و حافظ وامیر خسرو وسلمان ساوجی را در ذیل اشعار بدرجاجرمی.

۳ـ مطلع وحشت تهانیسری را درذیل اشعار بیخبر.

٤ـ اشعار آرزو وخسرو ومتنبی رادرذیل اشعار خاقانی.

٥ـ اشعار عصمت بخاری وحسن رادر ذیل اشعار امیر خسرو.

٦ـ اشعار مهربان را در ذیل اشعار ذکا.

۷ـ اشعار خاقانی وانوری را درذیل اشعار ظهیر.

۸ـ بیتی ا امیرشاهی سبرواری را درذیل اشعار سلمان ساوجی.

۹ـ قطعه ظهوری رادرذیل اشعار شیدا.

۱۰ ـ اشعار رفیعی کاشی را درذیل اشعار واله داغستانی.

۱۱ـ اشعار قپلان بیك وآرزو را در ذیل اشعار مولانا لطف‌الله شیرازی.

در ضمن نقل اشعار بعضی شعرا کلمات مشکل زیررا که در اشعارشان بکاررفته شرح داده است:

اشهب وادهم (انوری ص۹) ونوا (ابوسعد سلمان ص١٤) وذنب‌وذنابة‌النسرجان

[illegible] کتاب [illegible] است این مطالب را در پایان شرح حال آنها اضافه کرده [illegible] رجوع شود. بعد کرشاهز (میر سید محمد بلگرامی).

مؤلف در ۸۱ صفحه این کتاب (ص ۳۵ تا ص ۹۱٦) بعضی وقایع تاریخی معاصر [illegible] شرح حال نوابان وامرای آنوقت بیان کرده است. این قسمت کتاب از حیث تاریخ [illegible] دارای اهمیت فراوانی میباشد چون اکثر وقایع مذکور چشم دید مؤلف بوده است و همچنین نوابان امرای مزبور نیز معاصر وی بوده اند و آزاد شخصاً [illegible] اکثرشان ملاقات کرده است. این قسمت مشتمل است بر ذکر حال نواب آصفجاه [illegible] الامراء فیروز جنگ و عماد الملك نواب نظام الدوله ناصر جنگ و مظفر جنگ و [illegible] الملك و نواب آصفجاه ثانی و نواب برهان الملك و وزیر الممالك صفدر جنگ [illegible] الممالك شجاع الدوله و سپس ذکر احمد شاه درانی و هفت حملهٔ وی بسر هندوستان و ذکر حاصلات (در آمد) ایران و در ضمن ذکر مرهته ها و بیان آنکه [illegible] آباد در چه وقت و بچه نهج بتصرف اسلامیان (مسلمانها) در آمده بود. در ذیل آصفجاه و نواب نظام الدوله بعضی از اشعاری که آنها سروده اند آورده است. همچنین [illegible] خان واولادش را در ذیل نام آرزو آورده است.

در هر حال چون اکثر این مطالب (غیر از اشعار آصفجاه و نظام الدوله) مربوط بموضوع تاریخ است بنابر این خارج از موضوع تذکره میباشد. بهتر بود اگر مؤلف آنرا بصورت رساله جداگانه ای مینوشت تا با مطالب این تذکره مخلوط و آمیخته نشود.

[illegible] همچنین در ذیل نام ناقص [illegible] واقعه محاصره اصفهان (۱۱۳٤ هـ) ووقایع دیگر [illegible] سلطان حسین و نادر شاه را نقل کرده است که البته از حیث تاریخ مهم است اما از موضوع این کتاب خارج است.

شرح حال شعرای زیر را از همه مفصل تر نقل کرده است: آزاد (در ۳ ص) و آرزو ([illegible]) و مولانا قمر الدین (در ٤ صفحه).

[illegible] اشعار شعرای زیر را از همه مفصل تر نقل کرده است بیخبر [illegible] و کاتبی

و کلیم (هر کدام در ٤ ص) وشاه آفرین (در ½ ٤ ص) وابوسعید لاهوری (در [illegible]) ورالم مشهدی (در ½ ٥ ص) و آزاد (مؤلف اشعار فارسی در ٦ ص واشعار عربی در [illegible] ص) وشیدا وامیر عبدالجلیل (هر کدام در ٦ ص) ومحمد علی ماهر (در ٨ ص) و بیدل (در ١٣ ص).

اشعار خود را که در قافیه یا ردیف یا معنی شبیه با اشعار شعرای دیگر بوده درذیل اشعار شعرای زیر آورده است :

بدرجاجرمی وحافظ وحزین (اشعار عربی) وشیدا وصایب وعرفی

همچنین اشعار شعرای زیررا در ذیل اشعار شعرای دیگر بمناسبت شباهت قافیه وردیف یا معنی آورده است.

١ـ اشعار امیر خسرو وسعدی را در ذیل اشعار میرزا اشرف جهان.

٢ـ اشعار خواجوی کرمانی و حافظ وامیر خسرو وسلمان ساوجی را در ذیل اشعار بدرجاجرمی.

٣ـ مطلع وحشت تهانیسری را درذیل اشعار بیخبر.

٤ـ اشعار آرزو وخسرو ومتنبی رادرذیل اشعار خاقانی.

٥ـ اشعار عصمت بخاری وحسن رادر ذیل اشعار امیر خسرو.

٦ـ اشعار مهربان را در ذیل اشعار ذکاء.

٧ـ اشعار خاقانی وانوری را درذیل اشعار ظهیر.

٨ـ بیتی ا امیرشاهی سبزواری را درذیل اشعار سلمان ساوجی.

٩ـ قطعه ظهوری رادرذیل اشعار شیدا.

١٠ ـ اشعار رفیعی کاشی را درذیل اشعار واله داغستانی.

١١ـ اشعار قبلان بیك وآرزو را در ذیل اشعار مولانا لطف الله شیرازی.

در ضمن نقل اشعار بعضی سعرا کلمات مشکل زیررا که در اشعارشان بکاررفته شرح داده است :

اشهب وادهم (انوری ص ٩) ونوا (ابوسعد سلمان ص ١٤) [illegible]

وشرنله وبخیله وسهروفکر(ابومسلمان ص۱٦و۱۸و ۲۰)وقالین (شله آبریز ص ۳٤) وشوروشاق وقتس(خاقانی ص۲۰۵و۲۰۷) ومصقل متحل وومغزله وطوطی وحلیه(ظهیر فاریابی ص۳۰۲-۳۱۲) شرح قطعه‌ای از نعمت خان عالی و کلمات مشکل آن (ص۳۳٦-۳٤٦) جوهر(عاقل شاهجهان آبادی ص۳۵۰) وبسمل و گردصیفل وشمرو کسله وزکام وصناروبوالهوس (هایلی تبریزی ص۴۰۷-۴۱۰).

همچنین بعضی کلمات مشکل را در ذیـل اشعار بساطی سمرقندی و بیدل وشیدا ونظامی شرح داده است وغالباًسندآنرا از فرهنگ ها واشعار شعرای دیگر آورده است .

اشعارخودرا نیزدر۸صفحه شرح داده است وسنداستعمال بعضی اصطلاحاترا ازشعرای دیگرآورده‌است .

مؤلف اگرچه‌درذیل‌نام خاقانی‌از آوردن اشعار « رکیك » ومبتذل هجو وی خودداری کرده‌است اما درذیل اشعار نعمت‌خان‌عالی قطعه‌ای‌درهجوبسیار مبتذل‌را نه‌تنها نقل کرده‌است‌بلکه‌در۱۰صفحه آنراشرح‌هم‌داده‌استودرپایان«خمار بدمستیهای ریزش‌این‌جام » رابوسیله استغفاروتوبه رفع ساخته‌است .

دربارهٔ اشتباهات تذکره نویسان دیگر اشعار زیرشعرا را بجای گویندگان اصلی آنهـا بنام دیگران نسبت داده‌اند تذکر داده و گوینده اصلی‌آنهـا ذکر نموده است :

۱ ـ بیتی‌اززلالی که مؤلف هفت‌اقلیم بنام‌قطران‌نوشته‌است (ص۲٤۸) .

۲ ـ بیتی‌ازمحمدطاهرغنی کشمیری که‌مولف‌منتخب‌التواریخ‌بنام‌شخص‌دیگر آورده‌است (ص۲٤۸) .

۳ ـ بیتی از عشیقه امیر خسرو کـه در محمود وایـاز زلالی آمده است (ص ۲٤۸) .

٤ ـ دوبیتی که‌آرزو در «مجمع‌النفایس» بجای محمد قلی سلیم‌تهرانی بنام شیدا نوشته‌است (ص۲۸۱) .

٥ ـ بیتی ازمیرعبدالغنی که آرزو بنام طالب آملی ومیرعبدالغنی هردو نوشته و واله بنام غنی تفرشی نوشته اند (ص۳۰۲).

٦ ـ رباعی از میرعبدالغنی که آرزو بنام زاهد علیخان سخا و میرعبدالغنی تفرشی هردو نوشته وحزین وواله بنام غنی تفرشی نوشته اند (ص۳۰۲) .

٧ ـ رباعی ازوجدان سرهندی که آرزو بنام میرزا مظهر جانجانان آورده و بقول حاکم اصلا ازوجدان است (ص٤٤٥).

مؤلف با «ماده تاریخ گوئی» علاقه فراوان داشت ودرذیل نام شعرا واشخاص زیر ماده تاریخی را که خودش دروفات آنان سروده نقل کرده است : نواب آصفجاه و نواب نظام الدوله و آرزو وبیدل وشاعر وصائب (خیلی مفصل) وناصرعلی ومیرعبدالجلیل ومتین اصفهانی وشاه محمود و معزالدین .

همچنین درذیل شرح حال شعرا واشخاص زیر ماده تاریخی که دیگران دروفات آنان سروده اند نقل کرده است .

قطعه تاریخ فوت امیرالممالك ازمیراولادمحمد ذکا وراهب ازمشتاق اصفهانی وسلمان ساوجی ازناصر بن بوزرجمهر ومیرمعصوم ازمحمدعلی ماهر وشکیبی صفاهانی ازمیرالهی وشانی تکلو ازمحمدعلی ماهر .

ماده تاریخ وفات ناصرعلی وسرخوش ومحمدعاکف وغزالی (مشهدی) ازفیضی ومحمدزمان ازماهر ویوسف بلگرامی ازذکا .

درذیل نام شعرای زیر ایراداتی را که دیگران براشعارشان گرفته اند جواب داده است :

١ ـ اعتراض آرزو برشعرحیرتی تونی .

٢ ـ اعتراضات آرزو براشعار حزین وحاکم وسرخوش (و دوباره درذیل نام شیدا) .

٣ ـ اعتراض کسی بربیتی ازناصرعلی .

٤ ـ نقصی دربیت عاقل .

• - اعتراض بر بیتی از میرمحمدزمان (درذیل وجدان سرهندی) .

همچنین ایرادتی را که بعضی بر اشعار شعرای زیر داشته‌اند ذکر شده‌است :
حافظ (بر ودع الدنیاء) وصائب (مکرر درذیل نام‌عنصری) وعرفی و نعمت‌خان عالی و فردوسی .

در ضمن شرح حال شعرا یا نقل اشعارشان در باره موضوعات زیر بحث کرده است .

١ - درذیل نام انوری در باره تشبیب و نسیب وحسن‌طلب ومقطع .

٢ - درذیل نام حیدری‌تبریزی درباره مذمت هند ازشعرای ایرانی واینکه خود ایرانیها هم هندی‌الاصل هستند (چون حضرت‌آدم اول بسرزمین هند نازل شد.)

٣ - درذیل‌نام شانی تکلودرباره موضوع بزر کشیدن شعراء (ص٧٠-٢٦٩) .

٤ - درذیل‌نام ضمیر تحقیقی درباره بحورعربی وفارسی (ص٩-٢٩٨) .

٥ - درذیل‌نام‌عرفی‌شیرازی درباره «های مختفی»(ص٣٢١).

٦ - در ذیل نام علی سرهندی، درباره قاعده جمل در ماده تاریخ گوئی (ص٣٣٠) .

٧ - در ذیل نام نعمت‌خان عالی درباره نواقص شعری (ص٣٣٨).

٨ - درذیل نام نظامی درباره نوعی ازتشبیه که آنرا علمای بدیع‌هندی‌ایهنا النکار گویند (ص٤٣١) .

سبك انشای مولف

سبك انشای‌مؤلف‌غالباً نیم‌مصنوع و گاهی‌بکلی‌مصنوع‌است مخصوصاً درمقدمه ودرموقع تعریف شعرا بنثرمسجع‌پرداخته‌است و گاهی برعایت‌اسم یاتخلص شاعر جناس آورده‌است مثلا :

در ذیل نام انوری خاوری مینویسد « استاد فن و یکی از رسل ثلاثه قلمرو سخن است » .

درذیل نام ابوسعدسلمان‌لاهوری مینویسد « زمین‌سخن‌بوراثت‌ملك‌یمین‌اوست وقلمروبیان ازبیاض پدر وجد زیرنگین او » .

درذیل نام ادهم مینویسد « زنجیروحشیان خیال است ودام‌آهوان مقال ».

« ایجاد « « ایجاد شعرکاراوست واختراع انشاء شعاراو » .

« خاقانی « « حسان العجم وافتخاراللوح والقلم است ».

« امیرخسرودهلوی « خسروقلمرومعانی است وصاحبقران سواد اعظم سخندانی».

درذیل نام بعضی‌شعراجمله‌ای مصنوع درمعنی«اینك‌اشعاراو»آورده‌است‌مثلا:

درذیل نام ازرقی مینویسد «برخی‌ازکلام (اشعار) نیل‌رخساروزق نموده میشود».

« « بیخبربلگرامی «اوساغرعرفان میگرداند».

« « حیاتی‌گیلانی «آبحیات ازظلمات دوات بیرون می‌آرد».

« « خواجوکرانی «اونخل‌سخن می‌بندد».

همچنین گاهی‌جمله‌ای مصنوع درمعنی «فوت کرد»بکاربرده‌است مثلا :

درذیل نام بیخبربلگرامی مینویسد «بسرابستان قدس‌خرامید» .

« شکیبی تبریزی « «بسیروادی خاموش پرداخت».

« شاعربلگرامی «بجنت الماوی خرامید ».

مؤلف کلمات عربی رابفراوانی بکاربرده‌است ودرسراسر کتاب ترکیبات و کلمات عربی رابکثرت درنثرخودآورده است وحتی‌سالها رادرسراسر کتاب بالفاظ عربی‌نوشته است . همچنین گاهی درنثرخودآیات قرآن وضرب المثلهای عربی‌را بکاربرده است مانند:ان‌الحسنات یذهبن السیئآت(ص۳) وآتینافی‌الدنیا حسنة وانه فی‌الاخرة لمن الصالحین (ص٤) تعالی (الله)من ذلك‌علوا کبیرا (ص٦) قل‌لوکان البحرمدادالکلمات ربی‌لنفدالبحرقبل‌ان‌تنفد کلمات ربی‌ولوجئنا بمثله مددا(ص٦)

گاهی کلمات اردو رادرنثرخود بکاربرده است مانند:جاگیربمعنی‌املاکی که ازطرف دولت یاپادشاه بکسی داده میشده‌است (آرزوودرگاه قلی‌خان) وجهاز

بعضی کفتی (حزین وحاکم) وغیره.

گاهی املای کلمات و اسامی اشخاص و شهرهای هندی را بحروف اردو نوشته ایست رجوع شود به صفحات ۳۵ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ٤٦ ، ٤٧ ، ٤٨ ، ۵۳ ، ٦٧ ، ۱۱۰ ، ۱۱۹ .

اما برعکس گاهی املای بعضی شهرها را بحروف فارسی نوشته مانند تته (ص ۳٦ و ۱۹٤) و گلکنده (ص ۲۵).

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگرش ۲۵ ۲ـ لیدزیانا ص ۱٤٤ (ش ۳۱۹ (۱۱٦٧ هـ) ش ۹۲۵ (۱۱۹٦ هـ) ش ۳۲۰ (قسمتی از کتاب ـ تقریباً ۱۷۸۰ م) .

۳ـ اته ٦۸۵ (۱۱۸۲ هـ ـ ازروی نسخه خود مؤلف استنساخ شده است) ٦۸٦ (۱۱۹۳ هـ). ٦۸۷ـ۹۰ (هرچهار نسخه تاریخ ندارد) ٤۹۰ (تنها قسمت تاریخ)

٤ـ اندیا آفس دی‌پی ٦٤٤[1] .

۵ـ اندیا آفس ۲۹۹۱[1] (تنها شرح حال آصفجاه) ٤۰۷۸[1] .

٦ـ ریوج ۱ ص ۷۹۸ الف (تنها قسمت اول تاذکر احمد شاه درانی ـ ۱۱۹۷ هـ) ۳۷۳ الف (قسمتی از کتاب با آزاد تمام میشود ـ اواخر قرن ۱۸ م) ص ۳۷٤ ب (قسمتی از کتاب ـ از آصفجاه تا آزاد اوایل قرن ۱۹ م) ۳۷٤ ب (قسمتی از کتاب ـ آصفجاه وپسران وی وغیره ـ ۱۲۳۲ هـ).

۷ـ بادلین ۳۸۱ (۱۱۹۹ هـ)

۸ ـ بلوشه ج ۲ ش ۱۱۵۷ (قرن ۱۸ م) ۱۱۵۸ (قسمتی از کتاب اواخر قرن ۱۸ م).

۹ـ آصفیه ج ۱ ص ۳۱۸ ش ۲٦ (۱۲۲۱ هـ) .

۱۰ـ بانکی پور ج ۸ ش ۷۰۰ (قرن ۹ ام) ٦۵۸ (قسمتی از کتاب ـ آصفجاه

۱ـ این نسخه در فهرست اته ذکر نشده است و لا استوری ج ۱ ق ۱ ص xvi درذیل علامت I.O.

وغیره - ۱۴۰۳ه) تکمله ج ۱ش ۱۷۸۸(قرن ۱۹م) .

۱۱- علیگره ذخیره سبحان اله ص۶۰ ش۲۰(۱۲۶۶ه) .

۱۲- ایوانو ۲۳۲ (قرن ۱۹م) ذخیره کرزن ۵۹(۱۲۸۲ه).

۱۳- براون - نسخ فارسی - ۱۱۵

۱٤- براون ذخیره H۲۳(۲) (شرح حال آصفجاه وغیره).

۱۵ - انجمن همایونی آسیائی فهرست فارسی ش ۱۱۶(نیز ش ۱٦٤و۱٦۵).

چاپ

کانپور۱۸۷۱م و۱۹۰۰م ومنشی نولکشورلکهنو(سال ؟)

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به خزانه عامره چاپ لکهنووکانپور.

تذکرة الشعرا

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست .

مؤلف این کتاب رابین سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰ ه تالیف نموده است چون درصفحه ۹۵ الف نسخه اته سال فوت سراج الدین آرزو را ۱۱۷۰ ذکر کرده و سپس درص ٦٦٣ الف درباره میرشمس الدین فقیر (متوفی در۱۱۸۰یا۱۱۸۱ه) مینویسد که وی هنوزدرقیدحیات است .

این تذکره مشتملست بر۲۸«حدیقه»هر حرف دریك حدیقه وهر حدیقه مشتملست برسه «گلشن» برای ذکرشعرای ۱ - متقدم ۲- متوسط ۳ - متاخر و گلشن سوم دو«چمن»دارد : چمن اول درذکرشعرای ایران وتوران وچمن دوم درذکر شعرای هندوستان.

این کتاب با «شیخ ابوالحسن خرقانی» شروع میشود و مشتملست برذکر

۲۲۰۰شاعر بترتیب الفبا . شرح حال شعرای متقدم مخصوصاً پراز اغلاط است مثلا سال وفات شیخ ابوالحسن خرقانی را۳۵۲۱ بجـای۴۵۲ھ وسال وفات ناصرخسرو را۱۱۹۰۱ھ ثبت کرده‌است .

اته گمان کرده است که این نسخه «تذکره بینظیر» است[1] اما این محققاً درست نیست (رجوع شود به بحث درباره «تذکره بیظیر» دراین کتاب).

نسخه خطی

برای نسخه خطی منحصر بفرداین تذکره رجوع شود به اته ش۶۹۲(ظاهراً نسخه چرکنویس است ومقدمه وخاتمه واسم مؤلف ندارد. این نسخه دارای۹۳۶ برگ وصفحه‌ای ۳ ستون وهرستون ۱۵سطردارد).

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ص ۱ـ۱۷ نسخه اته ش۶۹۲ فوق.

گل رعنا

ابتدا

یـارب مقبول سـاز انشای مـرا	درخوش سخنان بلندکن جای مرا
چون بوقلمون کمرنگ قایم دارد	ایمن زخزان کن کلك رعنای مرا

برنظارگیان سخن وتماشائیان بنفشه زاراین چمن مخفی مباد کـه متمسك عروه وثقای آزادی بنده لچهمی نراین متخلص به شفیق اورنگ آبادی کـه ازروز ازل داغ غلامی حضرت آزاد بلگرامی مدظله العالی برجبین است .

---

[1] ـ د . ك . ، اته ص ۳۵۵

شرح حال مؤلف

لمم مؤلف این کتاب لچهمی نراین ماتهراز قوم کهتری کپوروتخلص وی شفیق است. جدش بهوانی داس همراه اردوی عالمگیری (اورنگ زیب عالمگیر (١٠٦٩-١١١٨هـ) ازلاهور وارد دکن شده ودرشهر اورنگ آباد متوطن گشت و در سلك ملازمین غازی الدین خان منسلك شد. پسر متوسط وی منسارام پدرشفیق هنوز ده ساله[1] بود که بهوانی داس فوت کرد. بعد ازفوت بهوانی داس جسونت رای که هم قوم وهم جدی بود تربیت منسارام رابعهده گرفت. چون وی بزرگ شد نظر بلیاقت واستعداد خود درعهد نواب آصفجاه (١١١٣-١١٦١هـ) به پیشکاری صدارت شش صوبه (استان) دکن مامور گشت وتاموقع تألیف «گل رعنا» مدت چهل سال[2] بود خدمت مزبور را بخوبی انجام میداد. سپس نواب صمصام الدوله (م ١١٧١هـ) درایام وکالت خود (١١٦٧-١١٧٠هـ) نظر باستعداد وی ودر نتیجه توصیه میرغلام علی آزاد بلگرامی اورا منصبی اعطا نمود وپیشکاری بخشی الممالك دکن را بخدمت سابق وی علاوه کرد. درسنهٔ ١٢٠٤هـ منسارام دیوان بودچون شفیق در «حقیقت‌های هندوستان» تألیف ١٢٠٤هـ وی را دیوان مینویسد.

شفیق دردوم صفر ١١٥٨هـ دراورنگ آباد بدنیا آمدودرسایه عطوفت میرغلام علی آزاد بلگرامی که اورا «پیر»[3] خود مینویسد تربیت یافت. چون بزرگ شد درسلك ملازمین نواب نظام علیخان (١١٧٥-١٢١٨هـ) منسلك شدو نیزدرخدمت نواب

١- مؤلف «نتایج الافکار» دوساله مینویسد اما شفیق درفصل دوم «گل رعنا» ده ساله نوشته است.

٢- منسارام درابتدای کتاب «مآثر نظامی» مینویسد «بنده عقیدت شناس منسارام آصفجاهی پسر بهوانی داس غازی الدین خانی نبیره بالکشن عابد خانی درحدود پنجاه سال درین سرکاردولت مدار زندگی داراحت بسربرده وخدمت صدارت کل راانجام داده ومورد عاطفت وشفقت قرار گرفته‌ام» (ترجمه).

٣- ر. ك. گل رعنا وفهرست بانکی پور ج ٨ ص ١٢٨

صمصام الدوله به منصبی و لقب «دولت چند» سرافراز گردید» وی در اول «صاحب» تخلص داشت ولی در سنه ۱۱۸٦ ه آزاد بلگرامی وی را «شفیق» تخلص داد اما در ریخته (اردو) کمافی السابق «صاحب» تخلص داشت و همچنین در شعر فارسی نیز در بعضی بحور که شفیق آنجا نمی گنجید صاحب تخلص میآورد.

مؤلف تذکرهٔ «سخنوران بلند فکر» (اردو) مینویسد که شفیق در تاریخ نویسی مهارتی تام داشت و مآثر آصفی و مآثر حیدری از آثار اوست و اینکه شفیق در خدمت نواب عالیجاه فرزند نواب نظام علیخان آصفجاه ثانی نظام دکن (۱۱۷۵-۱۲۱۸ ه) ملازم بوده و دارای منصبی و لقب «دولت چند» بوده و درسال ۱۲۰۱ ه فوت کرد. اما این درست نیست چون شفیق تا سال ۱۲۱٤ ه که سال تألیف «بساط الغنایم» وی است در قید حیات بوده است. در روی جلد «گل رعنا» فصل دوم (چاپ حیدرآباد دکن عبارت زیر آمده است: «تألیف شفیق متوفی ۱۲۲۳ ه» ولی مأخذ این اطلاع معلوم نیست.

مؤلف «نتایج الافکار» مینویسد که شفیق در اوایل مأیهٔ ثالث فوت کرد.

آثار مولف

آثار شفیق بدین قرار است:

الف ـ تواریخ

۱ـ **حقیقت‌های هندوستان** (اسم تاریخی است و سال تألیف ۱۲۰٤ ه را میرساند) مشتمل است برچهار مقاله درباره فردهای دفتر قدیمه و شرح استانهای هندوستان و دکن وشرح مختصر سلاطین مسلمان هند از معزالدین سام تا شاه عالم پادشاه هند. این کتاب را مؤلف بفرمایش وبنام مربی خود کاپیتان ویلیام پاتریک[1] ریزیدنت تألیف کرده است. برای نسخ آن رجوع شود بفریو ج۱ ص۲۳۸ب و ۲۳۸ الف و ج۳ ص۱۹۱۳ الف و ایوانو ش۱۷۹ و بانکی پور ج ۷ ص ۵٤۳ و اته ٤۲٦.

Captain William Patrick -۱

۲ـ **تنميق شگرف** ـ(اسم تاريخي است وسال تأليف آن ۱۲۰۰ھ راميرساند) در تاريخ دكن است وشامل مطالب جغرافيائي و تاريخي وآمارهائي راجع باستانهاي مختلف دكن ونيز شرح سلطنت بهمنيه و حال مختصر حكومتهائي كه بعد از آن خاندان بوجود آمدند مانند عادلشاهي وقطبشاهي ودر آخر حال سلاطين تيموري هند تاسال ۱۲۰۰ ھ است .شنيق اين كتاب را بنام مستر ريچارد جانسن[1] ريزيدنت حيدر آباد عنوان كرده است . براي نسخ آن رجوع شود به ريو ج۲ ص ۸۵۹ ب و اته ٤٤۷ و ٤٤۸ .

۳ـ **مآثر آصفي** ـ تاريخ خاندان آصفجاه نظام دكن از خواجه عابد (جد نظام الملك آصفجاه اول) تا آصفجاه ثاني است ونيز شامل شرح شورشهاي مرهته و حال امرا و راجاهاي معاصر است.مؤلف آنرا در۱۲۰۸ھ تأليف كرده است . براي نسخ آن رجوع شود به اته٤٦۸ و ايوانو ۱۹٦ و ريو ج۳ ص۱۰۳۹الف .

٤ـ **مآثر حيدري** ـ(رجوع شود به سخنوران بلندفكر ـ اردو)

۵ـ **بساط الغنايم** ـ اسم كتاب تاريخي است و سال تأليف آن ۱۲۱٤ ھ را ميرساند. اين كتاب در تاريخ مرهتهها است و مؤلف بفرمايش سرجان ملكم[2] آنرا تأليف كرده است كه در آنوقت درحيدر آباد بود . براي نسخ آن رجوع شود به ريو ج ۱ ص۹ـ۲۲۸ و آصفيه ج۱ ص۲۲۰ و اته ج ۲ ش۳۰۱۸ و هاتسك ص۷۳ .

٦ـ **حالات حيدر آباد**[3] ـ تاريخ مختصر مساجد وقصور و باغات و غيره شهر حيدر آباد ونيز شامل شرح شهر بيدر وورنگل است كه مؤلف در۱۲۱٤ھ تأليف كرده است .

۷ـ **خلاصة الهند**[4] ـ براي نسخهٔ آن رجوع شود به آصفيه ج ۱ ص ۲۳۸

۱ـ Mr. Richard Johnson

۲ـ Sir John Malcolm

۳ـ ر.ك. مقدمه چمنستان شعرا از مولانا عبدالحق ص۸ .

٤ـ ر.ك. استوري ص ۸ـ٤۷٦ و ۸٦۸ .

۷۰۵

ب ـ تذکره

۱ـ **چمنستان شعراء :** اسم کتاب تاریخی است و سال تألیف ۱۱۷۵ ه را میرساند. این تذکره شعرای اردو است که مؤلف بسن ۱۸ سالگی بترتیب الفبائی بزبان فارسی نوشته‌است. در ۱۹۲۸م در اورنگ‌آباد چاپ شده‌است.

۲ـ **شام غریبان** ـ تذکره شعرای فارسی ایرانی‌الاصل‌است که بعلتی وارد هندوستان شدند. نسخه‌ای ازاین کتاب امروز موجودنیست.

۳ـ **گل رعنا** ـ تذکره موردبحث .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتابرا بسال ۱۱۸۱ ه آغاز کرده‌است چنانکه قطعه زیر میرساند :

نوك قلم لآلی بحر سخنوران	از قوم مسلمین وفریق‌هنودسفت
تاریخ‌این‌صحیفهٔ رنگین‌سحر کمی	ازباغ‌طبع‌سرزده«رعناگلی‌شگفت»

(= ۱۱۸۱ه)

همچنین درپایان کتاب این‌قطعه‌را آورده‌است که سال اتمام کتاب ۱۱۸۲ ه را میرساند:

این کتاب مناقب شعرا	بچه اسلوب تازه شد مرقوم
از پی ختم این صحیفه شفیق	گفت تاریخ « نامه مختوم »

(= ۱۱۸۲ه)

مؤلف درباره سبب تألیف دردیباچهٔ کتاب چنین توضیح داده‌است:

«الحال که شهور احدی وثمانین و مایةوالف‌است بخاطرفاتر آورد که کتابی ترتیب باید داد مشتمل برموزونانی که مولد و منشای ایشان هندوستانست و عندلیبانی که گلزمین ایجاد ایشان این‌بوستان وآنرا بردوفصل منقسم بایدساخت اول درسخن طرزان اسلامیان و دوم درنکته‌پردازان اصنامیان».

مؤلف اسم کتابهای زیررا دردیباچه کتاب آورده‌است که در **تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار** گرفته‌است .

۱ـ مرآت‌الخیال تألیف شیرخان لودی .

۲ـ کلمات‌الشعرا تألیف سرخوش دهلوی .

۳ـ همیشه‌بهار تألیف اخلاص‌دهلوی .

٤ـ حیات‌الشعرا تألیف محمدعلی‌خان کشمیری .

٥ـ ریاض‌الشعرا تألیف واله داغستانی.

٦ـ تذکره خوشگو (فصل‌ثالث) .

۷ـ مجمع‌النفایس تألیف سراج‌الدین آرزو .

۸ـ۹و۱۰ـیدبیضا و سروآزاد و خزانهٔ‌عامره تألیف آزادبلگرامی.

۱۱ـتذکرهٔ بی‌نظیر تألیف میرعبدالوهاب دولت‌آبادی.

۱۲ـمردم‌دیده تألیف عبدالحکیم حاکم‌لاهوری .

این‌تذکره مشتمل است بر.... (؟) شاعرفارسی هند اعم‌ازاینکه‌اجدادآنهااز ایران آمده مقیم‌هند شدند یا اصلا اهل هندوستان بودند ومشتمل‌است بردو**فصل** **فصل‌اول** شامل ذکر شعرای مسلمانست که با «میرغلام علی‌آزاد» شروع شده با «میریوسف بلگرامی» تمام میشود و **فصل‌دوم** شامل ذکر شعرای **هندو است** و با«اچلداس» شروع‌شده با «هنر(گیان‌رای)»تمام‌میشود .

شرح‌حال آزاد خیلی مفصل وتقریباً ازسایر شعرا مفصل‌تراست و **همچنین** شرح‌حال اکبر تقریباً در ٤۸ص آمده‌است که ازسایرین مفصل‌تراست.

اشعار و شرح‌حال عده زیادی ازشعرا را مفصل آورده‌است و **گاهی مختصر** ولی جامع وحاوی اطلاعات مفیدی‌میباشد .

اشعار بعضی شعراء را بااشعار دیگران مقایسه نموده‌است مثلا در ذیل نام «وارسته سیالکوتی» اشعارش را بااشعار حاکم وحافظ مقایسه نموده‌است.

همچنین گاهی بعضی مطالب‌مبهم‌را شرح داده‌است مثلا درذیل نام‌محمدافضل ثابت درقصیده‌ای که اصطلاحات طبی وتلمیحات تاریخی به‌فراوانی بکار رفته‌آنرا شرح داده است .

سبك انشای مؤلف اکثر ساده‌است اما گاهی مخصوصاً درمقدمه نثر مصنوع وحتی نثرمسجع بکاربرده است .

رویهمرفته این‌تذکره دارای اهمیت و فواید زیادی است و محتویات آن مورد اعتبار و اعتماداست چون مؤلف در نوشتن آن خیلی دقت و توجه خاصی بخرج داده‌است مخصوصاً قسمت شعرای‌معاصرین مفصل‌تر وباارزش‌تر آورده‌است

نسخ خطی

۱-بانکی‌پور ج۸ ص۷۰۱ (مورخ۱۲۰٤فصلی) .
۲- اندیا آفس ۳-۳٦۹۲ [1] .
۳-ریو ج۳ ص۹۷۷ ب (قسمتی ازفصل‌اول- قرن ۱۸م) .
٤- آصفیه ج۳ ص ۱٦۲ ش۱۸۳(تاحرف«ف») .
٥-رهاتسك ص۱٦۱ ش۱۲۱ (کامل) وش۱۲۲(ناقص-تاحرف«ز»).
٦- کتابخانه انجمن ترقی‌اردو کراچی ش دفتر ۳٥/ف/۳/٤ .
۷-دانشگاه پنجاب‌لاهور (خیلی کرم خورده است و اکثر عبارات ازکرم‌خوردگی خوانده‌نمیشود).

چاپ

فصل‌دوم (مشتمل برذکر شعرای هندو) انجمن ترقی اردوحیدرآباد دکن.

فهرست اسامی‌شعرا

فصل‌اول رجوع شود به‌ریو ج ۳ ص ۹۷۷ . و **فصل‌دوم** رجوع شود بسه

۱ - این نسخه درفهرست اته ذکر نشده است . ر.ك. استوری ج ۱ ق ۱ ص xvi درذیل عبارت I.O.

بانکی‌پور ج۸ ص۱۲۹–۱۳۴ .

برای **شرح حال مؤلف** رجوع‌شود به «گل‌رعنا» وحقیقت های هندوستان و نتایج‌الافکار وسخنوران بلندفکر(اردو) ومقدمهٔ چمنستان شعرا ازمولوی عبدالحق (اردو) و بانکی‌پور ج۸ و استوری ص۸–۴۷۶ .

شام غریبان

مؤلف :

این کتابرا شفیق مؤلف «گل‌رعنا» بسال ۱۱۸۲ﻫ تألیف نموده‌است.

تبصره بر کتاب

این کتاب تذکره شعرای‌فارسی‌است که اصلا ایرانی بودند اما بعلتی وارد هندوستان گشته‌اند. شرح‌حال شعرامختصر ولی جالب ومفید است و انتخاب‌اشعار نیز خوبست و گاهی مؤلف بعضی نکات را درباره برخی اشعار توضیح‌داده‌است.

نسخه‌ای ازاین کتاب امروز پیدانیست . ریو درذیل «گل‌رعنا» درباره این کتاب تذکر داده‌است (رجوع‌شود بهریو ج۳ ص۱۰۸۵ب) .

تذکره یوسف علیخان

مولف

اسم مؤلف یوسف علیخان واسم پدرش غلام علی خان است.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را درمرشدآباد بسال ١١٨٤ﻫ باتمام رسانیده است
این تذکره تکملهٔ کتاب «حدیقة‌الصفا» اثر دیگر مؤلف میباشد ومشتملست
برخاتمه‌ایکه آنرا «تذکره یوسف علیخان» میگویند.
این کتاب رامؤلف بعنوان تکمله «مجمع‌النفایس» آرزو تألیف کرده است
ودراین تذکره شرح‌حال ونمونه اشعار مختصر تقریباً سیصد شاعر متقدم و متأخر
ودر ذیل تتمه‌ای شرح‌حال ونمونه اشعار بیست شاعر معاصر راکه درتذکره سابق
الذکر آرزو نیامده آورده است و اهمیت این تذکره تنها در ذکر شعرای معاصر
میباشد.

نسخ خطی

١ـ اشپرنگر ٦٢

٢ـ بادلین ١١٨ (بخط مؤلف)

٣ـ برلن ٦٦١ (مورخ ١٢١٣ﻫ)

٤ـ بانکی پورج ٦ ص ٤٨٠ (تنها تتمه دارد ـ قرن ١٩م)

٥ـ ایوانو ٤٥.

برای فهرست اسامی ٢٠ شاعر که در «تتمه» آمده است رجوع شود
به اشپرنگر ص ٤ـ١٩٣.

مجموعه عشق

یا «چهار چمن» یا «باغ گلهای حسن»

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب شیخ غلام محی‌الدین قریشی میر تهی‌است که اول‌مبتلا تخلص میکرد و بعد تخلص عشق را اختیار کرد . پدرش شیخ نعمت‌الله متخلص به«نعمی» بود وعشق بسن‌دوازده سالگی درتدوین دیوان قطور پدرخود کمك کرد. عشق ذوق شعر را ازپدر بارث برده بود وخودش نیز دیوانی ترتیب داده که درآن دیوان مبتلا تخلص آورده است.عشق باوجودیکه اکثراوقات خودرا درتیراندازی صرف میکرد ولـی هیچگاه در موقع بیکاری ازمطالعه کتب مختلفه غافل‌نمیشد. وقتی که‌شاه‌عالم(١١٧٣-١٢٠٢ه) ازپتنه (ظ:ازاله‌آباد) به دهلی رفت (در١١٨٥ه) وی بایکی از درباریان پادشاه مزبور دوست شد که لقب وی نواب نجف‌خان واسمش ابراهیم بیك وتخلص وی عالم بود و بـه پیشنهاد نواب نجف خان مزبور عشق دیوانی دیگر ترتیب داد ودردیوان مزبور تخلص عشق را اختیار کرده است وهمچنین عشق بفرمایش نجف خان مثنوی فسون عشق راکـه داستان «شاهرخ و ماهرخ» را بیان میکند سرود .

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است :

١ـ مجموعه عشق ـتذکره مورد بحث

٢ـ دو دیوان فارسی باتخلص مبتلا وعشق .

٣ـ مثنوی «فسون عشق» (دربیان داستان شاهرخ وماهرخ).

٤ـ چهار دفتر شوق ـ مجموعه منشآت .

٥ـ نسخه سرایر ـدرتاریخ گوئی .

تذکره یوسف علیخان

مولف

اسم مؤلف یوسف علیخان واسم پدرش غلام علی خان است.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را درمرشدآباد بسال ١١٨٤ﻫ باتمام رسانیده است. این تذکره تکمله کتاب «حدیقةالصفا» اثر دیگر مؤلف میباشد ومشتملست برخاتمه‌ایکه آنرا «تذکره یوسف علیخان» میگویند.

این کتاب رامؤلف بعنوان تکمله «مجمع‌النفایس» آرزو تألیف کرده است ودراین تذکره شرح‌حال ونمونه اشعار مختصر تقریباً سیصد شاعر متقدم و متأخر ودر ذیل تتمه‌ای شرح‌حال ونمونه اشعار بیست شاعر معاصر راکه درتذکره سابق الذکر آرزو نیامده آورده است و اهمیت این تذکره تنها در ذکر شعرای معاصر میباشد.

نسخ خطی

١ـ اشپرنگر ٦٢

٢ـ بادلین ١١٨ (بخط مؤلف)

٣ـ برلن ٦٦١ (مورخ ١٢١٣ﻫ)

٤ـ بانکی پورج ٦ ص ٤٨٠ (تنها تتمه دارد ـ قرن ١٩م)

٥ـ ایوانو ٤٥.

برای فهرست اسامی ٢٠ شاعر که در «تتمه» آمده است رجوع شود به اشپرنگر ص ٤ـ١٩٣.

مجموعه عشق

یا «چهار چمن» یا «باغ گلهای حسن»

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب شیخ غلام محی‌الدین قریشی میرتهی‌است که اول‌مبتلا تخلص میکرد و بعد تخلص عشق را اختیار کرد . پدرش شیخ نعمت‌الله متخلص به«نعمی» بود وعشق بسن‌دوازده سالگی درتدوین دیوان قطور پدرخود کمك کرد. عشق ذوق شعر را ازپدر بارث برده بود وخودش نیز دیوانی ترتیب داده که در آن دیوان مبتلا تخلص آورده است.عشق باوجودیکه اکثراوقات خودرا درتیراندازی صرف میکرد ولـی هیچگاه در موقع بیکاری ازمطالعه کتب مختلفه غافل‌نمیشد. وقتی کهشاه‌عالم(۱۱۷۳ـ۱۲۰۲ه) ازپتنه (ظ:ازاله‌آباد) به دهلی رفت (در۱۱۸۵ه) وی بایکی از درباریان پادشاه مزبور دوست شد که لقب وی نواب نجف‌خان واسمش ابراهیم بیك وتخلص وی عالم بود و بـه پیشنهاد نواب نجف خان مزبور عشق دیوانی دیگر ترتیب داد ودردیوان مزبور تخلص عشق را اختیار کرده است وهمچنین عشق بفرمایش نجف خان مثنوی فسون عشق را کـه داستان «شاهرخ و ماهرخ» را بیان میکند سرود .

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است :

۱ـ مجموعه عشق ـتذکره مورد بحث

۲ـ دو دیوان فارسی باتخلص مبتلا وعشق .

۳ـ مثنوی «فسون عشق» (دربیان داستان شاهرخ وماهرخ).

٤ـ چهار دفتر شوق ـ مجموعه منشآت .

٥ـ نسخه سرایر ـدرتاریخ گوئی .

٦ـ بحارالتشریح. تألیف بسال ١٢٢٠ه.
٧ـ عشقیاتالعشق ـدرباره تصوف تألیف ١٢٢٠ه .
٨ـ طبقات سخن ـتذکره دیگر فارسی و اردو .
«مجموعه عشق» یا «چهارچمن» یا «باغ گلهای حسن» تذکره فارسی است که ١٢٨٠ صفحه دارد (رجوع شود به اشپرنگر). مؤلف این کتاب را بسال ١١٨٧ه تألیف نموده‌است. چنانکه نام این کتاب «باغ گلهای حسن» ازروی ابجد میرساند.

نسخه خطی

برای نسخه منحصر بفرداین تذکره رجوع شود به‌فهرست علیگره سبحن‌الله ص ٥٣ ش ٨ .

برای **شرح حال مولف** رجوع شود بـه طبقات سخن تحت عشق و مبتلا و مجموعه نغز ج ١ ص ٤٠١ واشپرنگر ص ١٨٧ واستوری ص ٤ـ ٨٨٣ .
فهرست اسامی شعرا درهیچ کتاب ذکر نشده‌است.

لب لبـاب

ابتدا

حمدی منزه‌ازوصمت انقطاع سزای بارگاه‌کلیمی‌است که انه‌تذکرة‌للمتقین نعت کلام ...

مولف

اسم مؤلف قمرالدین علی‌بن ثناءالله‌الحسینی‌الناصری است.

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۲ رجب ۱۱۹٤ هـ برای آقای رچارد جانسن[۱] ترتیب داده است.

این تذکره اصلا خلاصه تذکره « ریاض‌الشعراء » است وتقریباً نام تمام شعرائی که در ریاض آمده است دراین تذکره نیز ذکر شده است اما با این فرق که شرح‌حال شعراء ونمونه اشعارشان درتذکره اخیر نسبة مختصر آمده است.

باوجود اینکه این کتاب اساساً خلاصه «ریاض‌الشعرا» میباشد اما مؤلف‌آن بعضی مطالب جالب‌را دراین کتاب افزوده است که درتذکره «ریاض‌الشعرا» نبوده واز این حیث این کتاب دارای اهمیت وارزش بیشتری از « خلاصه ریاض‌الشعرا » میباشد.

ذکرشعرادراین کتاب نیز مانند ریاض‌الشعراء بترتیب الفبا آمده است اما برخلاف‌ریاض‌الشعرا که با « شیخ ابوالحسن خرقانی » شروع میشود این تذکره با ذکر «شیخ ابوسعید بن ابوالخیر» آغاز میگردد.

نسخه خطی

اته ش ٦۹٥ (مورخ ۱۱۹٤ هـ دارای ۲۳٦ برگ و صفحه‌ای ۱٥ سطر بخط شکسته).

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب ذکر نشده است.

۱- Richard Johnson

انیس الاحبا

ابتدا

«ستایش بی‌حد و نیایش لاتعد سخن آفرینی را که بنغمه کاف و نون چندین زمزمه گوناگون بر آورده و بمصداق کلمه فیکون هژده (هیجده) هزار عالم را باطوار بوقلمون ظاهر کرده».

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکره موهن لعل متخلص به انیس است. اسم پدرش رای تولارام است کـه قانونگوی پرگنه گوپامو درسرکار خیرآباد بوده است. مؤلف هندوی کایسته بود. اسم جد انیس دیوان اودهیراج بود. انیس ازشاگردان میرزا محمد فاخر مکین بود ودرموقع تألیف این تذکره بیش از پنجاه سال بود که درخدمت حویلی لکهنومضاف صوبه نصرنگر اود خدمت میکرد[1].

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در۱۱۹۷هـ نوشته است. چنانکه قطعه زیر که درخاتمه کتاب آورده است میرساند:

این نسخه که رشك باغ بی‌سعی جلیس	چون ساخت انیس از گل شعر نفیس
سالش ز چمن طراز دانش جستم	فی‌الفور بگفت **این بود باغ انیس**

(=۱۱۹۷هـ)

۱ـ مؤلف دراین تذکره همین قدر شرح حال خودش را آورده است و سپس درچندین صفحه پشت سرهم عباراتی بسبك مصنوع آورده است که مبنی و مظهر شکسته نفسی مولف میباشد اما هیچ اطلاعی را درباره زندگانی وی نمیرساند و بکلی بیهوده و بی‌فائده است.

درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه چنین توضیح داده است :

«مخفی نماند که ... تذکره نویس موهن لعل انیس ... (از شاگردان) میرزا محمد مکین ... بعد (از) ترتیب دیوان خیال آن داشت که چندی از اشعار تلامذه آنحضرت بامجمل احوال هریکی جمع نموده رساله بوضع تذکره باید نگاشت تا حاضران را تذکاری و آیندگان را یادگاری باشد اما تا حال از بعضی عوارض این خیال در دل گره بود و این گره از خاطر نمیگشود . درینولا که ... دیوان نواب سرافراز الدوله ناظم‌الملك میرزاحسن رضاخان بهادرظفرجنگ نایب وزیرالممالك سلیمان زمان سپهسالارشجاع‌الملك یحیی‌خان آصف‌الدوله بهادرهزبر جنگ وزیرهندوستان[1] یعنی نظام بخش کاروبار ملکی‌ومالی مهارجه تکیت (یاتکت) رأی بهادر مدظله‌العالی (بوسیله) ... رأی سیلداس ... (که از دوستان اوست)این احقرالناس... (را) طلب‌فرمود (ومصاحب خود گردانید) ... اتفاقاً تذکره شیخ‌المتأخرین شیخ محمد علی حزین ... را مطالعه نموده وخواستند تذکره‌ای بطرز آن تألیف شود.ایجانب ترتیب تذکره مذکور (را) بهرحالی که بودم قبول کردم وبنوشتن آن همت گماشتم ... مراین مجموعه‌را متضمن‌بافتتاح وفتح‌الباب واختتام وحسن خاتمه ومشتمل بریك فصل وفاصله ساختم» .

این تذکره کوچکی‌است مشتمل برذکر پنجاه[2] شاعر(در۱۸۷صفحه کوچك) بدون هیچ ترتیب مخصوصی . این تذکره دراصل مشتملست براشعار وشرح حال میرزافاخرمکین (استاد مؤلف) وشاگردان او اما تیمنا اشعار وشرح حال عظیمای اکسیر اصفهانی‌را نیزدرابتدای این تذکره‌آورده است چون اواستاد میرزافاخر مکین بوده است .

نسخه اشپرنگر حاوی دوباب بوده بدین قرار : باب اول شامل ذکر سی وسه شاعر مسلمان که اولشان «میرزا عظیمای اکسیر اصفهانی» وآخرشان « میر

۱ـ آصف‌الدوله از ۱۱۸۹ تا ۱۲۱۲ ﻫ نواب وزیر اود بود .

۲ـ از روی نسخه ریو ج۱ص ۳۷۷ الف ۹۱ شاعر.

نورعلی واصلی» است و باب دوم شامل ذکر شش شاعر هندو است که اولشان «رای سروپ سنگه دیوانه و آخرشان «موهن لعل انیس (مؤلف)» میباشد. علاوه بر این مؤلف در خاتمه ذکر یازده شاعر را آورده است که آنها شاگردان مکین بودند و اولشان «محمد حسن» و آخرشان «دیبی پرشاد سایل» است[1].

ترتیب نسخه اشپرنگر با نسخ بانکی‌پور ومجلس فرق دارد و ترتیب نسخ اخیرالذکر بدین‌قرار است[2].

افتتاح درذکر حال واشعار میرزاعظیمای اکسیر اصفهانی استاد میرزافاخر مکین.

فتح‌الباب درذکر حال واشعار میرزافاخر مکین.

فصل «دربیان احوال وافکار مستفیدان آنجناب که محلی به‌پیرایه‌اسلامند» وشامل ذکر سی ویك شاعر مسلمان از شاگردان مکین است که اولشان «شاه عالم پادشاه متخلص به‌آفتاب» و آخرشان «میر نورعلی متخلص به و صلی» است.

فاصله «درذکراحوال‌واشعارشاگردانی که‌ازفرقه هنود زینت‌بخش کلامند» وشامل ذکر شش شاعر هندو ازشاگردان فاخر مکین است که‌اولشان «رأی‌سرب سکه دیوانه» و آخرشان «موهن‌لعل متخلص به‌انیس (مؤلف)» میباشد.

اختتام « محتویست باحوال و افکار شاگردان مسلمین تلامذه آنجناب» وشامل ذکرپنج شاعر مسلمان‌است که شاگردشاگردان فاخرمکین بوده‌اند واول آنها «خواجه محمدحسن‌حسن» وآخرآنها «میرزاابراهیم بیك متخلص بـه‌دوست» میباشد.

ودرحسن خاتمه «مذکوراست احوال واشعار تلامذه هنود شاگردان‌فیض»

۱ـ ر. ك. نسخه اشپرنگر ش ۳۳.

۲ـ همچنین ر. ك. نسخه ریو ج۱ص ۳۷۷ الف که در ۱۲۳۵هـ باتمام رسیده‌است واضافه‌های زیادی دارد چنانکه درفصل پنجاه شاعر ودر فاصله دوازده‌ودراختتام یازده و درحسن خاتمه هیجده شاعر داردونسخه آن در ۱۲۳۲هـ نوشته شده است.

مآبیه و مشتمل برذکرشش شاعرهندواست که شاگردشاگردان فاخرمکین بودند و اول آنها «خوشحال چند عریان» و آخرشان «لاله داتارای متخلص به رفیق» است

مؤلف اشعار و شرح حال شعرائی را که دراول درزمره شاگردان مکین بودند اما بعداً از گرفتن اصلاح ازاودست کشیدند دراین تذکره نیاورده است. چنانکه خودش درمقدمه کتاب باین موضوع اشاره میکند.

«ذکراشخاصی که دل صاف نداشتند و بعداز گرفتن اصلاح سخن خودرا ازاین دولت محروم گذاشتند پسند خاطر نیفتاد و قلم انصاف رقم آنها رادراین صفحه (صحیفه) جا نداد».

مؤلف دراین تذکره هیچ جاسعی نکرده است اطلاعات مهمی راجع بزندگانی شعرا راکه خود باآنان از نزدیك معاشریامعاصر بوده بنویسد و حتی سال تولد و وفات عظیمای اکسیر اصفهانی وسال ولادت فاخرمکین استاد خود راهم ذکر نکرده است.

درسرتاسر کتاب تنها درذیل تمام شعرای زیرسالها را ثبت کرده است که به بعضی وقایع زندگانی آنان اشاره میکند:

درذیل نام «محبت» مینویسد « درسنه ۱۱۸۸ هـ ... بلکهنو رسید».
» «فایض» » « درسنه ۱۱۹۰ هـ ... این رباعی را درمدح گفته»
» «بیمار» » « درسنه ۱۱۸۰ هـ ... ترك تعلق (ازدنیا) نمود».

همچنین درذیل نام شعرای زیر اشاره هائی به بعضی وقایع تاریخی نموده است که از آن میتوان سال تقریبی آن واقعه رابدست آورد:

درذیل نام ساکن مینویسد «بعد (از) هنگامه احمدشاه ابدالی در... لکهنو رسید»
» عیاش » « درجنگ سکهان صیدصیاداجل گردید».

شرح حال میرزا محمد فاخرمکین را (در $\frac{1}{2}$ ۸ ص) ومیرزا عظیمای اکسیر اصفهانی را (در $\frac{1}{2}$ ۳ ص) از همه مفصل تر آورده است.

همچنین اشعار منتخب خودرا (در $\frac{1}{2}$ ۱۳ ص) ومیرزا محمد فاخرمکین را (در ۱۵ ص)

ازهمه مفصل‌تر آورده‌است.

هم‌چنین اشعار شعرای زیر را نیز نسبة مفصل آورده‌است:

لطفعلیخان ناطق (در ٤ص) حسن‌علیخان ذهین و عنایت بیگ ... رالی والی (هر کدام در ٥ص) و برهان‌علیخان رهین (در ٦ص) و محمدجعفرخان راغب (در ٧صفحه).

مؤلف درمقدمه این کتاب دوادعا کرده است‌اما هردورا در تألیف این کتاب رعایت نکرده است.

١ـ ادعای اول مؤلف راجع بسبک‌خوداست. مؤلف میگوید: «ودل‌ازتکلفات عبارت منشیانه واشارات حریفانه و ظریفانه پرداختم (خالی کردم) که مراد ادای مطلب است نه‌اظهارادب رغیرادب».

اما متاسفانه سبک انشای مؤلف در این کتاب باندازه‌ای پرتکلف وپرتصنع است که غالباً درذیل‌شرح‌حال‌شعرا اطناب بیخودوعبارت‌پردازی بی‌معنی‌جای مطالب لازم را گرفته استو بارزترین دلیل آن‌شرح حال‌خود مؤلف‌استدرذیل‌نام انیس که بعلت همین‌عبارت‌پردازی وتصنع هیچ‌اطلاعی دربارەسال‌ولادت وتحصیلات وخدمات وغیره مؤلف‌را بهم‌نمیرساند.

٢ـ ادعای دوم‌مؤلف راجع به‌عدم مبالغه واغراق‌است‌چنانکه‌خودش‌میگوید: «این هیچمدان که چنین شغل (را) پیش گرفته محض برای تذکار دوستانستو سبک‌دوشی‌خود ازحقوق‌ایشان. احوال‌هریک بی کم وکاست‌نگاشته و هرگزرعایت طرف‌دوستی منظور نداشته‌ودراین امرمعاف ومعذوراست که‌تکلف‌ومبالغه ازدیانتو راستی‌دوراست».

اما اکثرشعراء را که اشعاربسیاری ازآنها بی‌اهمیت‌وارزش میباشد بالقاب پرتکلفی یاد کرده‌است. مخصوصاً درذیل نام‌میرزا عظیمای اکسیراصفهانی ومیرزا محمد فاخرمکین درآوردن القاب وتعریف باین‌اندازه مبالغه ورزیده‌است که‌ازآن عبارات‌غیرازتکلف وتعریف بیخودو بیجهت‌مقصود ومنظوردیگری‌پیدا نیست. همچنین

در تعریف شعرای دیگر نیز خیلی غلو کرده و اکثر تعریف آنها اغراق آمیز است.

با اسم و تخلص هر شاعر بعضی القاب در تعریف وی بنثر مسجع آورده است مانند:
«والا دودمان شمع شبستان فضل و کمال و گل سرسبد دولت و اقبال کمال آئین محمد برهان علیخان رهبن».

«بزرگی شعار عالی تبار صاحب رأی صائب محمد جعفر خان راغب».

سبك انشای مؤلف درذیل نام اکثر شعرا پر تکلف و مصنوع است ومخصوصاً در موقع تعریف و توصیف از شعرا تصنع بیشتری بچشم میخورد. نثر مصنوع این تذکره آئینه ذوق مشکل پسندی آن دوره میباشد.

همچنین اشعار منتخب این تذکره نیز نمودار ذوق آن زمان است و رویهم رفته بد نیست.

این تذکره کوچك مشتملست بر ذکر بعضی شعرائی که در تذکره های دیگر اسامی آنان یافت نمیشود. مؤلف احوال و نمونه آثار شاگردان استاد خود فاخر مکین وشاگردشاگردان وی را در این تذکره جمع آوری نموده است وشعرای خوب را از بین آنان انتخاب نکرده ودر نتیجه بعضی شعرای مبتدی و تازه کار را نیز در این تذکره ذکر نموده است. همچنین چون در ترتیب این تذکره نظر و منظوری داشته و آن جمع آوری اشعار استاد خود وشاگردان او بوده بنا بر این هیچ جا جز خوبی و تعریف اسم آنها را نبرده وهیچوقت بر اشعار آنان انتقاد ننموده است.

نسخ خطی

۱ــ اشپرنگر ش ۳۳

۲ ــ ریو ج ۱ ص ۳۷٦ الف (مورخ قرن ۱۸م ــ ظاهراً به خط مؤلف یا باتجدید نظر مؤلف) ص۳۷۷ الف (باتجدید نظر و اضافه هائی ـ آغاز در ۱۲۰۹ﻫ واتمام در ۱۲۳۵ﻫ) با پنجاه شاعر در فصل و ۱۲ درفاصله و ۱۱ در اختتام و ۱۰ درحسن خاتمه ـ مورخ ۱۲۳۷ ﻫ)

۳ــ برلن ٦٦۲(۱۲۱۸ﻫ)

٤ـ بانکی‌پور ج ۸ش ۷۰۳ (قرن ۱۹ م)

٥ـ مجلس تهران(= کتابخانه شخصی استاد سعیدنفیسی در تهران).

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به انیس الاحباء ونتایج الافکار (اما هیچ جا شرح حال مفصل وی نیامده است).

فهرست اسامی

نسخه اول (مورخ ۱۱۹۷هـ) رجوع شود به اشپرنگر ص۳ـ۱۶۲.

خلاصة الکلام

ابتدا

«تعالی اله ماقاصر فهمان کوته‌بیان را چه یارا که زبان بحمد و ثنای متکلم بی‌زبان توانیم گشود وذات بی‌نشان مبدع کون ومکان را که بفهم وادراك وعبارت درنگنجد دانیم ستود».

شرح حال مؤلف

اسم مـؤلف این تذکره علی ابراهیم خان و تخلص وی خلیـل[1] والقاب او نواب امین‌الدوله عزیزالملك خان بهـادر ناصر جنگ است و سلسله نسبش به‌دوازده‌واسطه به‌شیخ شمس‌الدین فریاد رس لودی میرسد که‌درزمان‌مخدوم‌اشرف جهانگیر کچه چهاوی‌وارد هندوستان گردیده‌ودر تصوف شاگردومرید مخدوم‌مزبور بود. شیخ فریادرس در ۷۹۰هجری‌فوت کرد ومزارش درضلع(شهرستان) فیض آباد درشمال‌غربی‌دریاچه ایتوه زیارت گاه‌خاص وعام‌است.

۱ـ دکترزوردرحاشیه مقدمه «گلشن‌هند» تخلص‌علی‌ابراهیم‌خان خلیل‌را‌خلیه‌نوشته است که‌درست نیست.

در ۱۱۷٤ هـ (مطابق ۱۷٦۱م) موقعیکه انگلیسها میر جعفر را معزول کرده ومیر قاسم را برمسند نظامت (بنگال) نشاندند میر قاسم مزبور خلیل را بعنوان سفیر خود انتخاب نمود و بعلاوه‌گی «داغ وصحیحه» مأمور کرد. دکتر اختر اورینوی[1] مینویسد که خلیل وزیر نواب میرقاسم علی خان عالیجاه بوده و مدتی صوبه دار (استاندار) عظیم آباد (پتنه) و نایب ناظم آنجا بود. بعدازاینکه دوره «عالیجاه» سپری شد از نواب اود شجاع الدوله جداشد وبمرشدآباد رفت.

سپس تامدتی خلیل در گوشه عزلت وانزوا بسر برد تا اینکه در ۱۱۷۷ هـ (مطابق ۱۷٦۳ م) بعدازفوت میر جعفر انگلیسها نجم الدوله را برمسند نظامت (بنگال) نشاندند و نواب مظفرجنگ محمدرضاخان بهادر را نایب مدارالمهام او مقرر کردند. مظفرجنگ مزبور خلیل را برای نیابت خود وسمت امانت انتخاب نمود. اما چون در سنه ۱۱۸۳ هـ (مطابق ۱۷٦۹ م) مبارك الدوله پسر پنجمین میر جعفر بر مسند نظامت جلوس کرد خلیل بااو توافق نظر نداشت و بالاخره مجبور باستعفاشد.

درمدت ۱۱۸۳هـ تا ۱۱۹٤ هـ خلیل اوقات خودرا بیشتر در مشاغل ادبی و کار تصنیف وتألیف صرف میکرد. در ۱۱۹٥ هـ (مطابق ۱۷۸۰م) لردوارن هیستنگز[2] گورنرجنرل (فرمانروای کل) هندوستان که از رفقای خلیل بود اوراهمراه خود به‌لکهنو برده به‌نواب آصف‌الدوله بهادر نواب وزیر او در (۱۱۸۹-۱۲۱۲هـ) معرفی کرد ونواب اوراخلعت فاخرعطا کرد. سپس در ۱۱۹٦ هـ شاه‌عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۲هـ) خلیل‌را لقب «امین الدوله عزیزالملك نصیرجنگ» عطا کرد و ویرا جاگیری نیز بخشید.

در ۱۲۰٦هـ (مطابق ۱۷۹۱م) خلیل ازطرف کمپانی هند شرقی بتوصیه وپیشنهاد

۱-ر.ك. بهارمین اردوزبان و ادب کاارتقا ۱۸٥۷ تك» بزبان اردو ازدکتر اختر اورینوی چاپ پتنه ۱۹٥۷ م).

۲-لرد وارن هستنگز (Lord Warren Hastings) ازسال ۱۱۸٦ تا ۱۲۰۰ هـ از طرف کمپانی هندشرقی گورنرجنرال (فرمانروای کل) هندوستان بود.

لرد هیستینگز دادستان عالی ضلع بنارس مأمور وحقوق وی دوهزار روپیه ماهیانه مقرر شد. پس از چندی با حقوق پانصدروپیه ماهیانه نایب او انتخاب شد. درزمان فرمانروائی کل لرد کارنوالس[1] خلیل گورنر (استاندار) بنارس شد.

درمدتی که خلیل در بنارس مأموریت داشت وی همواره مشغول کار تصنیف و تألیف بود چنانکه تذکره‌های خلاصة‌الکلام و صحف ابراهیم و گلزار خلیل را درزمان اقامت در بنارس تألیف نمود.

خلیل در ٢٦ جمادی‌الاول ١٢٠٨ ه (مطابق اول دسامبر ١٧٩٣م). در بنارس فوت کرد وپهلوی مرقد شیخ‌علی‌حزین در قطعه‌زمینی که خودش برای این منظور خریداری کرده بود دفن شد. مسیو دتاسی سال وفات خلیل را ١٧٩٣ یا ١٧٩٤م مطابق ١٢٠٨ ه ضبط نموده‌است وجرأت مصرع زیر را در تاریخ فوت خلیل بزبان اردو سروده‌است :

«لو آه متامطلع دیوان‌عدالت» (یعنی: آه‌مطلع‌دیوان‌عدالت‌محو شد).

آثار مؤلف

١ــ صحف ابراهیم ـ تذکره‌دیگر شعرای‌فارسی (رجوع شود به بحث درباره «صحف ابراهیم» دراین کتاب).

٢ــ خلاصة‌الکلام ــ تذکره مورد بحث.

٣ ــ گلزار ابراهیم ـ تذکره قریب به‌سیصدتن از شعرای ریخته (اردو) که‌خلیل در ١١٩٨ه باتمام رسانیده‌است. برای نسخ آن رجوع‌شود به اشپرنگر ٤٥ وبادلین ٣٩٨ وریو ج١ ص٣٧٥ ب (قرن ١٨م) وج٣ ص١٠٦٩ الف (قرن ١٩ م) و بانکی‌پور ج ٨ ص٧٠٧ (١٢٢٠ه) وایوانو تکلمه‌اول ٧٦٨ (قرن١٩م) وبرای ترجمه آن که‌بفرمایش گلکریست بعمل‌آمده است رجوع‌شود به براون‌ذیل ش ١٠٨٤ .

٤ ــ دیوان اردو.

١ــ لرد کارنوالس (Lord Cornwallis) ازسال ١٢٠٠ تا ١٢٠٨ ه از طرف کمپانی‌هندشرقی گورنر جنرال (فرمانروای کل) هندوستان بود .

٥ - وقایع جنگ مرهته - کتابیست درباره جنگ مرهته ها که در سنه ۱۱۷۹ و ۱۱۹۱ه روی داد وخلیل این کتاب را در زمان لرد کارنوالس در ۱۲۰۹ه تألیف نموده است و سر گردفلز آنرا بزبان انگلیسی ترجمه کرده است.

٦ - رساله‌ای راجع بشورش راجه چیت سنگه که حاکم بنارس بوده اما چون خلیل بقول خودش یکی از خیرخواهان کمپانی انگلیسی بود بنا براین مطالب این کتاب را نمیتوان خالی از تعصب و غرض شمرد.

٧ - مکاتیب - مجموعه‌ای از نامه‌های خلیل در موزه بریتانیا موجوداست که بعضی وقایع سیاسی زمان مؤلف را روشن میسازد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در سال شانزدهم جلوس شاه‌عالم مطابق ۱۱۸۷ه آغاز و در سال بیست وهفتم جلوس شاه‌عالم مطابق ۱۱۹۸ه باتمام رسانیده است.

در تألیف این کتاب کتابهای ذیل مورد استفاده مؤلف قرار گرفته است.

١ - تذکره دولتشاه

٢ - خلاصة الاشعار (و زبدة افکار)

٣ - مآثر رحیمی

٤ - تذکره طاهر نصرآبادی

٥ - عرفات العاشقین

٦ - تذکره ناظم تبریزی

٧ - کلمات الشعرا

٨ - مجمع النفایس

٩ - ریاض الشعرا

١٠ - تذکره شیخ علی حزین

١١ - سرو آزاد

١٢ - نفحات الانس جامی

١٣ - نفایس المآثر

این تذکره مشتمل است بر ذکر احوال واشعار هفتاد وهشت شاعر بترتیب الفبا از روی حروف اول اسم یا تخلص شاعر در دو جلد وجلد اول آن با «استاذ الشعرا حکیم اسدی طوسی» شروع شده با «جمال الدین ضمیری» تمام میشود وجلد دوم آن با «ملا طغرای مشهدی» شروع شده با «یحیی کاشی» تمام میشود وشامل ذکر شعرائیست که

سایه وغیرمصنوع است. البته گاهی درموقع تعریف و توصیف شعرا نثر مصنوع وحتی گاهی مسجع را بکار برده است مانند «ملاطغرای مشهدی : طغرای منشور سخنوری سرلوح دیوان نکته پروری».

روبهمرفته این کتاب درموضوع خود خیلی مهم و باارزش است. تنها تذکره های دیگر که درباره قسمی ازاقسام مثنوی نوشته شده است یکی میخانه است که تنها درباره «ساقی نامه» میباشد و دیگر «هفت آسمان» که درباره مثنوی گویانست اما حیف که تنها یک «آسمان» آن که مشتمل برذکر تنها یک نوع ازانواع مثنوی میباشد بطبع رسیده است و آسمانهای دیگر که مشتمل برشش نوع دیگر مثنوی بوده ظاهرا تمام نشده وهیچوقت چاپ نشده است.

نسخ خطی

۱ـ بانکی پور ج ۸ ش۵ـ۷۰٤ (این نسخه دردو جلد است. جلداول آن ناقص الاخر است وبا «اسدی» شروع شده باامیرخسرو تمام میشود ولی جلددوم آن کاملست وبا «ملاطغرای مشهدی» شروع شده با «میریحیی کاشی» تمام میشود وهم چنین جلد اول بعضی اشعار «شیرین خسرو» امیرخسرو وذکرشعرائی ازحرف «دال تا ضاد» را کم دارد) و ش۷۰٦ (شرح حال شعراء راندارد مورخ قرن ۱۹ میلادی).

۲ـ بادلین ۳۹۰ (مورخ ۱۲٤٦ه).

۳ـ لندزیانا ص۱۷۷ ش۳۱۸ (مورخ تقریباً ۱۷۹۰م).

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به تذکره گلشن هند (که درحاشیه مقدمه آن دکتر محی الدین زور شرح حال و آثار خلیل را بزبان اردو نوشته است) وتاریخ شعرای بهار تالیف عزیز الدین بلخی وسیر المتاخرین چاپ نولکشور ص۶۱۱ و «بهار مین اردو زبان وادب کا ارتقا ۱۸۵۷ تک» (تحول وتکامل زبان وادب اردو دربهار تا سال ۱۸۵۷ میلادی) باردو تألیف دکتر سیداحمد اختر اورینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پتنه چاپ پتنه بهار س۱۹۵۷ میلادی ص ٦ و ۳۲٤ ومسیو دتاسی

تذکر

اکثر مطالب راجع بشرح حال علی ابراهیم خان خلیل را آقای پروفسور سید حسن استاد زبان فارسی در مؤسسه تحقیق فارسی و عربی بهار (پتنه) هندوستان بعد از پرسش و تفتیش و تحقیق از خانواده خلیل و رفقای نزدیك خلیل و منابع معتبر دیگر بدست آورده و با کمال لطف برای نگارنده این رساله ارسال فرموده و نگارنده از این زحمت و احسان و همکاری پروفسور دانشمند بسیار ممنون است.

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود به بادلین ش ۳۹۰ ستونهای ۲۹۵ـ ۳۰۲ و بانکی پور ج ۸ ص ۱۳۸ـ۱۴۶ (غیر از حروف «د» الی «ض»).

عقد ثریا

ابتدا

«اول کهزبان سلسلهجنبا ی کرد	از لسلهطرفه سخن رانی کرد
بعی کهزحمدحق چو پیچیدعنان	زد بر در نعت و منقبت خوانی کرد

طایر تیز پرو هم و خیال انسان سست بنیان را چه یارا که باوج هوای محمدت و ثنای باری عز اسمه بال پرواز تواند گشود و مرغ آسمان سیر اندیشه آدمی خاکی نژاد را چه طاقت که بقوت تیز پری و بلند پروازی ادراك خود را رهبر آشیان عنقای معرفتش تواند نموده».

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکره شیخ غلام همدانی متخلص به مصحفی است و اسم پدرش

ولی‌محمد بن درویش محمد است. وطن آبائی او امروها[۱] (هندوستان) و مولدش هم امروهاست[۲]. مولانا حسرت موهانی در تذکره خود ولادت مصحفی را در سال ۱۱۶۰ه نوشته است ولی مصحفی در ریاض الفصحاء (تذکره شعرای اردو) در ذیل شرح حال خود مینویسد که سن وی در آنوقت هشتاد سال بود و تألیف تذکره مذکور را در سال ۱۲۲۱ه آغاز و در سال ۱۲۳۶ه تمام کرده است. بدینجهت سال ولادتش میان سالهای ۱۱۴۱ و ۱۱۵۶ه اتفاق افتاده است هم چنین چون مصحفی بروایت شیفته در ۱۲۴۰ه در ۸۴ سالگی فوت کرده است بنابراین سال تولد وی ۱۱۴۶ه میباشد.

تحصیلات مقدماتی وی در امروها و تکمیل تحصیلات نظم و نثر بسن سی سالگی در دهلی صورت گرفت. در آخر عمر قرآن و تفسیر و ادبیات عربی را فرا گرفت و علم عروض و قافیه را از کلام و اشعار استادان سخن یاد گرفت.

مصحفی در عنفوان شباب (در حدود ۱۱۹۰ه) بدهلی رفت و آموزش وی همانجا صورت گرفت. در دهلی در مجالس مشاعره[۳] شرکت میکرد و شعرای معروف آنوقت در منزل مصحفی نیز جمع میشدند. وی در دهلی دوازده سال باردو شعر میسرود ولی قبل از این بیشتر مایل بشعر فارسی بود.

چون اوضاع دهلی مشوش شد مصحفی بشهر تانده رفت و از آنجا در حدود ۱۲۰۱ه به لکهنو مهاجرت نمود و در آن شهر در حدود سال ۱۲۰۷ه بوسیله میرانشا وارد دربار صاحب عالم شد که دربار وی در آن ایام مرکز شعر و سخن بود. بقول گارسن دتاسی مربی مصحفی شاهزاده سلیمان شکوه پسر دوم شاه عالم ثانی بوده است.

۱ـ در ۲۰ میلی شمال شهر مرادآباد.

۲ـ بقول گراهام بیلی وی اصلا از امروها بود ولی در جوانی بدهلی رفت و آنجا را وطن خود می گفت. بروایت گارسن دتاسی وی در لکهنو متولد شد و بقول سکسینه وی در اکبرپور متولد شد امادو محل باین نام مشهور است یکی نزدیک شهر فیض آباد و دیگر نزدیک کانپور. بقول شیفته وی در دهلی متولد شد اما قول گراهام بیلی صحیح است و دیگران اشتباه کرده اند.

۳ـ مشاعره مجلس ادبی را میگویند که در آن شعرا شعر میخوانند و هنوز هم در هندوستان و پاکستان چنین مجالس ادبی معمول است.

مؤلف«تذکره گلشن هند» (اردو) مینویسد « فعلا که ١٢١٥ﻫ است چهارده **سال‌است که** اوقات‌خود رادرلکهنوبسرمیبرد ، ضیق‌معاش آنجا ازمدتی‌نصیب اهل **کمال‌است وهمین**‌طورحال‌این‌غریب‌هم درهم‌برهم‌است»(ترجمه ازاردو)[1].درتذکره **«نتایج‌الافکار»** سال‌فوت‌مصحفی ١٢٥٠ﻫ ذکرشده‌است.

شیفته درتذکره‌خودمینویسد که‌ده‌سال است که مصحفی فوت کرده وتذکره **شیفته** درسال ١٢٥٠ﻫ تالیف شده‌است و بنابر این سال وفات مصحفی ١٢٤٠ﻫ است. وفات وی‌بسن٨٤سالگی درلکهنو اتفاق‌افتاد.«درشمع انجمن» هم همین سال ذکر شده است.

آثارمولف

آثارمؤلف بدین‌قراراست:

١ــ تذکره هندی گویان که بسال١٢٠٩ﻫ تألیف کرده است. برای نسخ‌آن رجوع‌شودبه‌اشپر نگرش٤٧ = ایوانوذیل‌اول٧٦٩ ((١٢١٩ﻫ) وریو ج١ص٣٧٨الف (اواخرقرن١٨م) وبانکی‌پورج ٨ ش ١٧١٠ (١٢٢٨ﻫ) **چاپ** در اورنگ‌آباد از طرف انجمن‌ترقی‌اردو باهتمام و تصحیح‌مولوی‌عبدالحق.

٢ــ ریاض‌الفصحا ـ تألیف‌آن در١٢٢١ﻫ آغاز و در١٢٣٦ﻫ تمام شد. تذکره مختصر ٣٢٥ شاعراردواست . **چاپ** دراورنگ‌آبادازطرف‌انجمن‌ترقی اردو(ش٧٧).

٣ــ خلاصة‌العروض ـ رساله‌ایست‌درعروض.

٤ــ مفیدالشعرا ــ رساله‌ایست دراصطلاحات‌فارسی.

٥ــ دودیوان‌فارسی[2]ــ یکی‌ازآنها که درجواب‌نظیری‌بودناتمام‌ماند.

٦ــ سه(یابقول‌بعضی)چهاردیوان اردو.

١ــ تذکره گلشن‌هند چاپ‌علیگره. ص٢٢٧-٢٢٨

٢ــ بقول‌اشپرنگرچهاردیوان. ازآن‌جمله‌یکی‌نسخه‌چرکنویس‌دیوان‌فارسی‌است که‌بسبک‌شعر ناصرعلی‌ویکی‌دیگر بطرز جلال اسیر سروده‌است اماعبدالمقتدردرفهرست بانکی پور)میگوید که مصحفی تنها یك دیوان بسبك جلال اسیروناصرعلی دارد.

۷ـ شاهنامه ـ (ناتمام ماند وتاشاه‌عالم سروده‌است).

۸ـ تذکره‌فارسی ـ در۱۲۳۶هـ تألیف کرد ومشتمل‌است‌بر ذکر شعرای‌متاخر فارسی که‌تقریبا ازهمه آنهااشعاراردو انتخابو نقل کرده است. برای نسخه آن رجوع شود به بانکی‌پورج ۸ش ۷۱۱ (مورخ۱۲۳۷هـ).

۹ـ عقدثریاـ تذکره مورد بحث.

تبصره‌بر کتاب

این تذکره را مؤلف در سال ۱۱۸۹ هـ باتمام رسانیده‌است‌چنانکه‌درمقدمه کتاب چنین توضیح میدهد « دریك هزار ویکصد ونود ونه این‌تذکره.... صورت اختتام‌پذیرفته».

همچنین درپایان کتاب قطعه‌ای‌آورده است که بیت زیرآن سال اتمام کتاب را می‌رساند :

این روضه شد چوساخته چون روضه بهشت

تـاریخ یـافت خامـه « زهی‌باغ‌باصفا »

(=۱۱۹۹هـ)

درمورد تألیف‌مؤلف درمقدمه کتاب‌چنین‌توضیح میدهد که میرزامحمدحسن متخلص‌به قتیل بیاضی داشت ازنظم ونثرواحوال معاصرین و روزی آن بیاض را بمؤلف‌نشان دادو«فسون‌تألیف تذکره معاصرین» رابگوش وی دمید. مؤلف‌اشعار و شرح حال بعضی شعرا را ازآن بیاض برداشته و احوال بعضی‌ها را بدست خود نوشته است.

137

این تذکره مشتمل است برصدوسی وهفت شاعر[1] معاصر مؤلف بترتیب الفبا که ازعهدمحمدشاه (۱۱۳۱ـ۱۱۶۱هـ)تازمان‌شاه عالم (۱۲۲۱ـ۱۲۳۷هـ)میزیسته‌اند

۱ـ استوری : ۱۳۳ شاعر (د.ك. ج ۱ص ۸۷۶)

وبا «انجیه شروع شفه بادیوسف» تمام میشود .

این تذکره بسیار مختصراست و درذیل نـام اکثرشعرا مـؤلف تنها شرح حالشان را نقل کرد ولی‌هیچ شعری از آنان نیاورده است . اما ازانجب و آصف و اکثروامین وپیامی وپروانه وشاه پنچها وتوفیق وثابت وقاسم ومحیط وءالعوءادی هر کدام یك بیت وازباسطی و هاتفی هر کدام یك مصرع وازآزاد وبیدار وشهاب دو بیت وازآگاه وفغان ومظهرسه بیت وازمجید یك رباعی وازواصل یك بیت ویك رباعی وازحاتم ۸ بیت نقل کرده است .

مؤلف حتی اشعاری ازخود هم بعدازشرح حـال خود نیاورده است امادرذیل نام مظهروحاتم قطعه‌ای فـوت راآورده که خودش سروده وبترتیب مشتمل است بر۱۰و٤ بیت .

همچنین درذیل نام شعرای زیرتنها درچند کلمه آنها رامعرفی کرده اماهیچ شعری ازآنها نیاورده است:ذهین وسوزوسروروصبوح وضیاء وطبیب وکاشف ومسرور نیازی ووفا.

درخاتمه کتاب ازمولوی فخرالدین ومیرمحمد حسین‌لندنی ازهر کدام یك بیت نقل کرده اما شرح حالشان رااصلانیاورده است.

سبك انشای مؤلـفدرا کثرمواردغیرمصنوع است اما غالبا کلمات مشکل را بکاربرده‌است.

رویهمرفته این تذکره جنگ مانندی تقریباً بی‌ارزش وبی‌اهمیت است‌چون مؤلف نـه شرح حال شعرا رادراین تذکره مفصلاآورده‌است ونه انتخاب ازاشعار آنهارامفصلانقل کرده‌است وچنانکه خودش درذیل سبب تألیف اعتراف نموده‌است اکثرمطالب این تذکره راازبیاض‌قتیل برداشته اما خودش‌حتی‌درنوشتن‌شرح‌حال شعرائی که معاصروی بودند وبنابراین وی‌ظاهراً بابسیاری ازآنان‌آشنا بوده هیچ زحمت نکشیده است . نظربملاحظات فوق این کتاب را باید «سفینه» نامید که‌آن هم ناتمام مانده است چون گاهی مؤلف تنها بنقل اشعاروگاهی بنقل شرح حال‌یا

چند کلمه درمعرفی شعرا اکتفا نموده است وشرح حال واشعار هر دو را انتا کنونهم را نیاورده است. بنا براین میتوان باین نتیجه رسید که مؤلف فرست دانه‌ها آن را انداشته است.

چاپ

این تذکره درحیدر آباد دکن درسال ۱۹۳٤م ازطرف انجمن ترقی اردو حیدر آباد دکن درجامع برقی پرس دهلی بطبع رسیده‌است.

برای شرح حال مولف رجوع شود به تذکره عقد ثریا مقدمه ازمولوی عبدالحق وتذکره هندی گویان مصحفی و تذکره (اردو) عشقی و مجموعه نغز ج۲ص۲۸۸ـ۱۹۵و گلشن بیخار شیفته و نتایج الافکار ص٤۲۰ واشپرنگر ص۱۸۲:۳و۶۲۵ و گارسن‌دتاسی ج ۲ص ۸ ـ ۲۸۳ (نام مصحفی) وآب حیات محمد حسین آزاد (اردو) وتاریخ ادبیات اردو سکسینا (بزبان انگلیسی وترجمه اردو) ودایرة المعارف اسلام (نام مصحفی) و ریو ج۱ص۳۷۷ ب و بانکی پورج ۸ص۵۰ـ۱٤۹ وفرهنگ تراجم شرقی[1] (انگلیسی) بیل ص ۲٤٦ وتاریخ ادبیات اردو (بانگلیسی) گراهام بیلی[2] واستوری ج۱ص ٦ـ۸۷۵.

فهرست اسامی شعرا ـ رجوع شودبه چاپ حیدر آباد دکن ۱۹۳٤م

تکملة الشعراء جام جمشید

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب مولوی محمد قدرت الله متخلص بـه شوق است و اسم پدرش قبول محمد است. شرح احوال مختصر خود و اجدادش را

۱- Oriental Biographical Dictionary - Beale

۲- History of Urdu Literature - Grahame Bailley

درتاریخ جام جهان‌نما آورده‌است(رجوع شود به صفحه ۷٤۷ ـ تتمه کتاب). مؤلف درموضع موی تحصیل‌بهیری ضلع بریلی بدنیا آمد. در آن ایام موضع مذکورجزو ریاست‌رامپور بود وچون ریاست رامپورازاو جداشد و زیر اقتدار بریتانیادر آمد تمام قسمت مزبورازریاست رامپورجداشدوازهمان روزازرفت و آمد مردم آن به رامپور کاسته شد.

شوق درتاریخ جام جهان‌نمامیگوید که جد بزرگ او باتفاق چندنفرولشکر چند هزارسوار برای‌جنگ بارای پتهور آمد ودرنواحی سنبت جنگ کردوهمانجا باچندنفرازهمراهیان خود شهیدشد. سپس سید حسین خنگ سوار بهندآمدواولاد اجداد مؤلف‌نیز باتفاق سید حسین مزبور بهندآمده ودرسنبت رحل‌اقامت‌افکندند. ذکراجداد مؤلف درتواریخ هند مانند تاریخ مبارکشاهی وطبقات اکبری آمده است ومؤلف خودش نیزبشرح حال آنان درخاتمه کتاب پرداخته‌است.

شوق‌تذکره الشعراء ریخته (اردو) بنام «حقیقت‌الشعرا»رانیزترتیب داده بود چنانکه‌درصفحه ۷۸ درذیل نـام حافظ امیرالدین متخلص به امیربداونی‌مینویسد:

«باین مؤلف رابطه برادرانه داشت ... گاهی‌شعرریخته هم میگفت‌چنانچه درتذکره حقیقت الشعرا اشعار اواکثرنگاشته شده».

آثار مولف

۱ـ تذکره حقیقت الشعرا. درذکرشعرای ریخته گویان (اردو).

۲ـ تاریخ جام جهان نما ـ درتاریخ سلاطین واولیاء ایران وهندوستان‌است ومشتملست‌بریك مقدمه و۳۹ طبقه ویك خاتمه ـ مؤلف این کتاب رادر۱۱۹۱ه‍ آغاز نموده و در ۱۱۹۹ه‍ باتمام رسانیده است نسخه‌آن در رامپور (در۷۵۲ ص) موجود است. رجوع شود به‌مجله اورینتل کالج‌لاهورمورخ نوامبر۱۹۳۰م ص۶۹ـ ۷٤.

۳ـ تکملة الشعرای جام جمشید ـ تذکره مورد بحث.

٤ـ طبقات‌الشعرا ـ تذکره دیگرمؤلف درباره شعرای ریخته گویان(شعرای

اردو) برای نسخه آن رجوع شود به آصفیه ج۱ ص۳۲۲ ش۴۰. چاپ شد باهتمام محمد ابواللیث صدیقی بدایونی.

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را بعد ازتالیف تاریخ جام جهان نما(اتمام :۱۱۹۹هـ) ترتیب داده‌است.درمورد سبب تألیف درمقدمه چنین مینویسد که هنگامیکه ازتألیف تاریخ جام جهان نما فارغ شد بعضی رفقای او فرمایش کردند که چون تاریخ مزبور تذکره شعرای فارسی نداردبنا براین مؤلف حالات شعرای فارسی رابعنوان تکمله آن کتاب بنویسد و بنا براین مؤلف درامتثال امردوستان خوداین تذکره راترتیب داده‌است. اماچون تهیه تذکره‌هائی که احوال شعرای متقدم ومتاخرداشته باشند کارمشکلی بود بنابراین احوال آنها راازتذکره‌های دیگرجمع نمود.

مؤلف درمقدمه کتاب اسم کتب زیررا ذکرنموده‌است که شرح حال شعرارا ازآنها اقتباس ونقل کرده است.

۱ـ تذکره علیقلی‌خان شش انگشتی متخلص به واله ۲ـ تذکره سراج‌الدین علیخان ۳ـ تذکره سرخوش. ۴ـ تذکره غلامعلی آزاد. ۵ـ منتخب اللطایف رحیم علیخان (وغیره)

این تذکره مشتمل است بردو مقاله بقرار زیر:

مقاله‌اول ـ درذکر شعرای عرب **مقاله‌دوم** درذکرشعرای عجم.

مؤلف اشعار وشرح‌حال خودرا دراین کتاب نیاورده‌است اما هرگاه ملاقات باشاعری بوی دست داده بود درباره این موضوع درذیل نام آن شاعر تذکر داده است مثلا رجوع شود به ذکر حافظ امیرالدین متخلص به امیر بداونی (ص۷۸) و شاه قدرت‌الله بلیغ ساکن‌اولدهن صاحب هفت دیوان (ص ۱۱۴) ودوست علی پسر قاضی عبدالخالق متوطن درقصبه جلیسر (ص ۲۲۹).

غالب مطالب این تذکره از کتب دیگر اقتباس و نقل شده است و بنابراین ازحیث اصالت این کتاب دارای اهمیت زیادی نمیباشد.

است ودر دیباچه کتاب قطعه آورده است که سال تألیف آنرا میرساند:

ز تائید نقاش هرزشت و زیبا	شد این نقش نودر نکوئی یگانه
چو تاریخ اتمام جستم زهاتف	بگفتا بگو شمع بخش زمانه

(=۱۲۱۵هـ)

درمورد سبب تألیف مؤلف دردیباچه چنین توضیح داده است:

«این احقرالعباد ... پیوسته باهمه فزونی مشغله اوقات فرصت را بمطالعه تصانیف علماء وعقلا ودواوین شعر بسر آورده بمرور دهروآنچه از کلام فصیحان عصر وبلغای دهر بوده است بادقت وامتیاز بسلك انتخاب کشیده بود و حین عرض نسخ زیاده برصد هزار بیت بشمار آید. لاجرم جوهری اندیشه بنظاره دریا دریا گوهر لفظ آبدار ومعدن معدن یاقوت معنی نگین بصد آرزو (جمع آوری نموده) و(خواست) که این جواهر گیسوان بها از تفرقه بجمعیت رسد و بسلك تألیف کشیده شود. بسبب کثرت مشاغل وهجوم ابنای نوع که برای حل وعقد امورروی التفات با این خیرخواه خلایق ونیك اندیش مخالف میکردند سالها گذشت که سرانجام این امرعظیم ومقدمه جسیم میسر نگشت تا آنکه درعهد ظل سبحانی زیب افزای اورنك جهان بانی شاه عالم پادشاه خلداله ملکه بآبیاری توفیق خالق بیچون وهبوب نسایم افضال فرمانروای کن فیکون این گلبن امید بسرزمین بلده بنارس روی شگفتگی دیده».

مؤلف دردیباچه کتاب درمورد مآخذ و منابع خود درتألیف این کتاب مورد استفاده اوقرار گرفته است چنین مینویسد: بهنگام تسوید این اوراق هفتاد و دو جلد لازم مصنفات متقدمین ومتوسطین ومتأخرین که شمردن نام آنها بطول انجامد مهیا بود».

بعضی کتابهائی که اسم آنها را مؤلف درمتن کتاب در ذیل شرح حال شعرا آورده ومورد استفاده مؤلف درتألیف این کتاب قرار گرفته بدین قرار است:

۱ـ نفحات‌الانس
۲ـ معجم‌البلدان
۳ـ مجالس‌المؤمنین
٤ـ مجالس‌العشاق
۵ـ کتاب انساب سمعانی
٦ـ ریاض‌الشعرا
۷ـ تذکره دولتشاه
۸ـ منتخب‌التواریخ
۹ـ هفت‌اقلیم
۱۰ـ تذکره منیر لاهوری
۱۱ـ تاریخ گزیده
۱۲ـ مرآت جهان نما
۱۳ـ زبدة‌الافکار[1]
١٤ـ خلاصة‌الاشعار
۱۵ـ مجمع‌النفایس
۱٦ـ (چهار مقاله) نظامی عروضی
۱۷ـ مجمع‌الشعرا
۱۸ـ خلاصه ریاض‌الشعرا
۱۹ـ تذکره معاصرین حزین
۲۰ـ کلمات‌الشعرا
۲۱ـ عالم‌آرای عباسی
۲۲ـ تذکره سامی
۲۳ـ مآثر رحیمی
۲٤ـ عرفات‌العاشقین
۲۵ـ تذکره نصرآبادی
۲٦ـ جواهرالاسرار شیخ آذری

از جمله مآخذ فوق تذکره منیر لاهوری امروز در هیچ کتابخانه‌ای پیدا نیست .

این تذکره مشتمل است برذکر سه هزار و دویست وهفتاد و هشت شاعر[2] بترتیب الفبا از روی حروف اول اسم یا تخلص شاعر واز حیث تعداد شاعران این بزرگترین تذکره فارسی است وشامل ذکر شعرا وعرفا وفضلا وسلاطین ووزرای

۱ـ این تذکره اصلاهمان خلاصة‌الاشعار (ش١٤) است که اسم کامل آن خلاصه‌الاشعار وزبدة‌الافکار است . معلوم نیست مؤلف چرا یکجا اسم این تذکره را خلاصة‌الاشعار آورده وجای دیگر زبدة‌الافکار نوشته است در صورتیکه اسم آن تذکره همه‌جا خلاصة‌الاشعار نوشته‌اند وهیچکس غیر از خلیل آنرا بنام «زبدة‌الافکار» یاد نکرده است .

۲ـ ر . ک . نسخه برلن ش ٦٦٣ ص ٦٢٧

متقدم ومتوسط ومتأخر میباشد وبا «شیخ ابویزیدبسطامی» شروع وبه «ملایک ... بلخی» تمام میشود .

دراین تذکره طبق توضیح خود مؤلف «تخصیص قسمتی از اقسام نظم نیست وقصاید وغزل وقطعهورباعی وترجیع وترکیب (بند) و مخمس ومسدس ومعماهم مسطور است وبندرت وضرورت ابیات مثنوی هم مذکور است»[۱] .

مؤلف درمورد محل‌وسال تولد ووفات ومدفن‌وغیره شعرا از کتابهای مختلف تحقیق کرده ونتیجه تحقیق وتفحص خودرا دراین کتاب ذکر نموده است چنانکه خودش درمقدمه کتاب دراین‌باره توضیح میدهد :

«درتحقیق مولد ومنشا ومدفن وزمان ظهور وسال ارتحال ونمایش رتبه کلام واعلان قدر ومنزلت هر کدام از طایفه فرجام مجوز و تقصیر و تساهل نگشته از کتب‌سیر واخباروتذکرههای متداوله استنباط این مراتب نموده است ودرمواقع اختلاف اقوال تدقیق وتنقیح درکارداشته قول معتبررا که خرد خرده شناس‌بصحبت وصواب آن طمانینت پذیرفت اختیار کرده» .

همچنین مؤلف در دیباچه کتاب‌توضیح داده‌است برخلاف رسم تذکره‌نویسان معاصر بشرح معایب شعرا نپرداخته و همچنین درستایش آشنایان خود «ژاژخائی وهرزه درائی» نکرده‌وازافشای‌قبایح وذمایم کسانیکه مرتکب‌ناپرهیزکاری‌بوده‌اند بمحوای آیه کریمه «هذاتذکرة للمتقین» اجتناب واغماض اولی وانسب دانسته و اگرگاهی اشاره‌ای باین معنی‌آمده بنابر علتی بوده است . حتی درموقع ذکر شعرای معاصر که جمعی از هندوستان وبعضی ازبلاد دیگر بوده جانبداری وتعصب نورزیده است .

مؤلف انتخاب اشعار غزلیات را مقدم برقصاید آورده ودرموقع نوشتن‌اشعار

۱ـ مؤلف تذکره‌ای دیگر دارد بنام «خلاصة‌الکلام» که در آن تنها اشعار مثنوی را انتخاب نموده است (ر . ک . بحث درباره «خلاصة‌الکلام» دراین کتاب).

رعایت ترتیب ردیف احسن دانسته جمیع اصناف سخن را مردف نوشته و همچنین جمعی ازشعرا راکه «درتخلص مشارکت یادرعلم ولقب وکنیت مشابهت داشته‌اند پهلوی هم»آورده است تااگر خواننده‌را ظن تکرار شخص واحد روی دهد همان لحظه بتواند رفع آن ظن واشتباه کند

گاهی مؤلف عقاید شعرا وتذکره نگاران رادرباره مقام ومرتبه اشعار شعرا درذیل شرح‌حال آنها آورده‌است مثلا رجوع‌شود بشرح‌حال انوری.

در ذیل نام بعضی شعرا طبق رسم تذکره نگاران و مورخین قدیم بجای نوشتن اسم کتاب یا شخص تنها « گویند ... » نوشته مثلارجوع شود بهشرح حال ارجاسپ امیدی رازی وقزلباش‌خان‌امید.

درذیل نام اکثر شعرا شرح‌حال‌واشعار منتخب ازآنهارا مختصرآورده‌است.

رویهمرفته شرح‌حال مولانارومی (درسه‌صفحه) واشعارعرفی (۹۹۴بیت) را مفصل‌ترازسایرین آورده‌است .

ازحیث اطلاعات‌تاریخی راجع‌بزندگانی‌شعرااین کتاب‌دارای اهمیت‌وارزش فراوانی میباشد چون‌درمورد اکثرشعرامؤلف شرح‌حالشان‌رابعدازمقابله وتحقیق ازتذکره‌ها وتواریخ مختلف‌نقل کرده‌است.

سبك انشای مؤلف دراکثر مواردساده‌است اما درمقدمه کتاب بنثر مصنوع پرداخته‌است.

نسخ‌خطی

۱ـ برلن ش۶۶۳ [۱]

۱ـ درنسخه برلن عبارت زیر بخط اشپرنگر آمده است.

10. صحف ابراهیم Biographies of 3263 Persin Poets alphabetically arranged by Nawwab Ibrahym Aly Khan, who compiled these notices from

بقیه حاشیه درصفحه بعد

۲- بانکی‌پور ج ۸ ص ۷۰۸ (این نسخه ناقص است و به میرزا فتح‌الله متخلص به جناب تمام میشود . در فهرست کتابخانه مزبور اسم شاعر آخر «عرفی شیرازی» آمده است اما در متن نسخه آن شاعر آخر میرزا فتح‌الله جناب است و عرفی قبل از او آمده است).

۳- کتابخانه شخصی یکی از رفقای پروفسور سیدحسن در پتنه هند.

٤- کتابفروشی اسدی میدان بهارستان تهران. این نسخه ناقص‌الاخر است مشتمل است بر دو جلد . جلد اول با «شیخ ابویزید بسطامی» شروع شده با «میر محمد هاشم متخلص بسنجر کاشی» تمام میشود و جلد دوم با «مخدوم الملک شرف‌الدین ابن حسن» شروع شده با «(گنج) شکر کازرونی» تمام میشود . جلد اول در اکثر موارد درست است اما در جلد دوم قسمت آخر آن بریده و با کاغذ مومی درست شده اما بعضی کلمات بعلت بریدگی خوانده نمیشود. در این نسخه در بعضی جاها تنها اسم شعرا و اشعار نوشته و جا برای شرح حال خالی گذاشته شده است مثلا رجوع شود به نام حکیم صدرالدین محمود الهی و میر عمادالدین الهی همدانی و امانی همدانی دهاوی و غیره.

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به فهرست برلن ص ۶۲۸-۶۶۷

بقیه حاشیه از صفحه قبل

72 works at Benaras in 1205 . This is one of the best Tazkiras extant and so rare that I never succeeded to obtain the sight of a copy of it in India - small folio ... 692pp. written in clear Dywany.

Sprenger

عکسی که از این نسخه در کتابخانه مرکزی تهران موجود است نشان میدهد که این نسخه تنها شرح حال شعرا را دارد و اشعار شعر در آن نسخه ذکر نشده است . در این نسخه بعد از ابوالعلای گنجوی ش ۷٤ شیخ آذری ش ۷۵ یکی از شعرای کتاب حساب شده اما این اشتباه است چون آنجا مؤلف تنها قولی از شیخ آذری نقل کرده نه خود شرح حال و نمونه اشعار آذری .

هندوستان‌شد و اینجا درسلك ملازمین برهان‌الملك در آمد واین‌خدمت را با کمال موفقیت انجام میداد اما پس از فوت برهان‌الملك ابوالحسن مزبور دیگر روی بسپاهیگری ولشکر نیاورد .

ابوطالب‌خان در ۱۱۶۶ھ درشهر لکنهو هندوستان بدنیا آمد و بعدازمهاجرت پدرش نواب شجاع‌الدوله بعلت نظر لطفی که بر پدرش‌داشت بتربیت مؤلف‌پرداخت وکمك هزینه تحصیل برای وی تعیین نمود و هرموقعی بلکنهو میرفت از وی احوالپرسی میکرد و اورا مورد تفقد قرار میداد . مؤلف چهار ساله بود که مادرش از نواب مزبور اجازه گرفته بمرشدآباد نزد شوهر خود رفت اما هنوز سن‌مؤلف‌ازچهارده‌سالگی تجاوز نکرده‌بود که پدرش در۱۱۸۲ھ در گذشت‌ودرنتیجه مرگ‌پدر وی کفیل مسئولیت‌های‌سنگین خانواده شد و شش‌سال دیگر در بنگال توقف نمود . وی ازسن ۱۳ الی ۲۰ سالگی در دربار مظفر جنگ مرشدآباد زندگی میکرد .

در اوایل جلوس نواب آصف‌الدوله بهادر (۱۱۸۹ - ۱۲۱۲ ھ) والی اود در اواخر ۱۱۸۹ھ مؤلف به‌لکنهو رفته دوباره وارد خدمت ملازمت نواب مزبور گشت و بنا برپیشنهاد مختارالدوله (نایب آصف‌الدوله) که از قدیم با وی روابط دوستانه داشت بعضی محالات میان دوآب (کنگا و جمنا) و (فرماندهی) رساله‌ای از لشکر بعهده وی قرار گرفت و سیدزین‌العابدین‌خان که باتفاق وی وارد صوبه (استان) اودشده‌بود بعنوان شریك وهمکار او انتخاب ومأمورشد و موقعیکه سید مزبور علیه حیدربیگ‌خان کابلی قیام کرد مؤلفرا نیز تاآخر همراه خود داشت و این‌امر وبعضی سوء تفاهم دیگر موجب تغییر نظر وعقیده نواب نسبت بوی‌شد و بعدازسقوط مختارالدوله در ۱۱۹۰ ھ یك‌نفر دیگر نسبت بجای مؤلف مقرر شد و مؤلف بازنشسته‌شد .

بعدازفوت سید سابق‌الذکر مؤلف بعنوان یکی از دستیاران سرهنگ هانی[۱]

۱- Col. A. Hannay

که ازطرف نواب وزیر اود بانتظام محالات سرکار گور کهپور مأمور ودربین مردم برای نیکخوئی مشهوربودانتخاب شداما اتفاقاًدرمیان‌مؤلف وسرهنگ‌هانی موافقت تمام روی‌داد و مؤلف سه سال با وی همکاری داشت . دیری نگذشت که سرهنگ مزبور باز بآزار و تعدی بمؤلف برآمد اما خوشبختانه آقای جانسن[1] بهادر که ازطرف شرکت هندشرقی (ایست‌اندیا کمپنی) بمعاونت‌پرداخت امور سرکار نواب وزیر اود مأموربود مؤلفرا تحت حمایت خود گرفته وی را از همکاری سرهنگ نجات داد و سپس مؤلف بفرمان آقای میدلتن[2] شورش راجه بال بهدراسنگه را فرونشاند . بعدازآن سرهنگ‌هانی ومؤلف باهم آشتی کردند. اما دیری‌نگذشت که سرکار سرهنگ‌مزبور دوباره برفتار معاندانه خود بسر گشت و به‌تأذی مؤلف پرداخت و حتی موجب قطع درآمد قلیلی که از سرکار وزیر عاید میشد گردید. دیگرطاقت‌صبروتحمل‌مؤلف‌طاق‌شدچون‌ازآن‌بیشتر نمیتوانست‌استقامت وپافشاری نماید و دراواسط ۱۲۰۲هـ عازم شهر کلکته شد و برخلاف خواستهٔ سرهنگ مزبور آنجا مورد لطف واحترام عاملین شرکت هندشرقی واقع شد. اما هنوز قضیه وی حل وفصل نشده‌بود که «حیات آن محسن‌خلایق‌بسررسید».

خلاصه بعلت هرج‌ومرج که ازآغاز سن تمیز وشعور دراوضاع‌زندگی‌مؤلف وجودداشت فرصت تحصیل علوم وفضایل نصیب وی نشد اما بمقتضای شوق فطری خود وی غالباً درصحبت افاضل بوده و ازمطالعه کتب غافل نبود.

درکلکته مؤلف درخدمت عاملین شرکت‌هندشرقی درآمد وسمت‌های‌مختلف بعهده داشت.در اول رمضان ۱۲۱۳ هـ مطابق ۱۷۹۹ میلادی[3] مؤلف باتفاق سروان

۱- Mr. Johnson

۲- Mr. Middleton نماینده سیاسی سلطنت‌انگلیس درسرکار اود(لکنهو)

۳- در «مفتاح‌التواریخ» (ص۳۷٤) بجای سنهٔ هزاروهفتصد ونودونه اشتباهاً سنه هزاروهشتصدونودونه ذکر شده است .

ریچاردسن[۱] بمسافرت اروپا رفت و در ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۱۸ه پس از پنج سال اقامت در اروپا بهند مراجعت کرد و وارد کلکته شد. مؤلف شرح مفصل این مسافرت را در کتاب «مسیر طالبی فی بلاد افرنجی» که در ۱۲۱۹ه باتمام رسید داده است.

مؤلف در ۱۲۲۰ه در لکهنو بدرود حیات گفت. بیل در «منتخب التواریخ» (ص۵-۳۷۴) دو قطعه تاریخ فوت ابوطالب‌خان را که وی بفرمایش میرزا یوسف باقر پسر ابوطالب گفته است نقل کرده است و یکی از آنها بقرار زیر است:

رخت سفر چو بست ابوطالب ازجهان هوش و حواس عالمیان از دماغ رفت
هاتف زغیب بادل افگار ناگهان از بهر سال فوت دو صد بار آه گفت

(چون عدد «دل افگار» که «۲۰» است به‌عدد دوصد بار آه (=۲۰۰×۶=۱۲۰۰) جمع کنیم عدد ۱۲۲۰ بدست میآید که سال وفات ابوطالب‌خان میباشد.)

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدینقرار است:

۱- دیوان فارسی - برای نسخهٔ آن رجوع شود به‌بادلین ۱۹۹۴.

۲- اشعار میرزا ابوطالب که باترجمه انگلیسی بوسیله سوئتن[۲] در ۱۸۰۷م درلندن چاپ شده است.

۳- مثنوی سرورافزا در تعریف لندن برای نسخه آن رجوع شود بفهرست ادنبرگ ش ۳۲۴.

۴- معراج التوحید - کتابیست بشعر راجع بفلك شناسی باشرح آن بنثر که مؤلف در ۱۲۱۹ه تألیف وبنام ابوالفتح سلطان محمد صفوی عنوان کرده است. برای نسخهٔ آن رجوع شود به‌فهرست ادنبرگ ش ۹۳.

۵- پنج رساله در (۱) - علم اخلاق (۲) - مصطلحات موسیقی (۳) - علم عروض وقافیه (۴) - فنون خمسه طب (۵) - لب السیر وجهان نما. این پنج رساله در آخر

۱- Captain Richardson

۲- G. Swinton

بعضی از نسخ تذکره خلاصة الافکار ضمیمه شده است (مثلا رجوع شود به نسخه ملك تهران)
برای شرح رساله «لب السیر و جهان نما» رجوع شود به تاریخ هند ایلیات و دوسن
(انگلیسی) ج۸ ص۲۹۸–۳۰۰ ، این رساله را مؤلف بنام آصف الدوله نوشته است
و آن مشتملست بر چهار باب درباره (۱) رسول (۲) – خلفا (۳) – فلاسفه و اصحاب
رسول و فضلا و شعرا و غیره (٤) – خاندانها که معاصر رسول بودند یا بعد از او
(در بعضی نقاط دنیا) سلطنت میکرده‌اند . برای نسخ این رساله رجوع شود به اته
ش٦٤٦ برگ ۳۹٦–٤۷۳ (که در آخر خلاصة افکار ضمیمه شده و این نسخه را
سوینتون استنساخ و خود مؤلف در ۱۸۰٤ م آنرا تصحیح نموده است) و ش ٦۹۷
برگ ۳۲۲–۳۹۰ (تاریخ ندارد) و بادلین ش۳۹۱ (به خلاصة الافکار ضمیمه شده است
مورخ ۱۲۱۰ ه) و آصفیه ج۳ ص ۹۸ ش ۱۳۱۲ (مورخ ۱۲۲۰ ه) و ریو ج ۳
ص۸۹۵ ب (تنها مقدمه و فصل ۸ از باب ٤ درباره هند دارد – مورخ ۱۸۵۰ م) ریو
تکلمه ش ۱۱٦ (۲) (اوایل قرن ۱۹ میلادی) و ملك تهران (ش فیش ٤۳۰۲) .

٦ – مسیر طالبی فی بلاد افرنجی – کتابیست بفارسی راجع بشرح مسافرت
مؤلف باروپا – برای نسخ آن رجوع شود به ریو ج۱ ص۳۸٤ الف (مورخ ۱۲۲۱ ه) و ۳٤۸ ب
تنها ج۳ دارد – اوایل قرن ۱۹ م) بادلین ش۱۸۰ (۱۲۲۲ ه) بلوشه ج۱ ش ٦٤۷
(۱۲۳۸ ه) و علیگره ذخیره سبحن‌الله ص ۵۷ ش ۱ و آصفیه ج ۲ ص ۸۳٦
ش۳۹ و بانکی پور ج۷ ش٦۲۷ و براون نسخ فارسی ش ۱۱٦ (کمتر از نصف
کتاب) و ادنبرگ ش۹۰ و اته ش ۲۷۳۷ و مدراس ش٤٤۹ و رویال ایشیاتك
سوسایتی ص ۱۷۷ . چاپ کلکته ۱۸۱۲ میلادی **ترجمه بانگلیسی** چاپ لندن
۱۸۱۰ م و با اضافه‌ها ۱۸۱٤ م و **ترجمه بفرانسه** چاپ پاریس ۱۸۱۱ م و ۱۸۲۹ م
و **ترجمه بآلمانی** چاپ وین ۱۸۱۳ م و **ترجمه باردو** بوسیله میرزا رضا محزون مراد
آبادی چاپ مراد آباد (تنها قسمت اول) و **خلاصه بانگلیسی** چاپ کلکته ۱۸۲۷م و ۱۸۳٦م
(این خلاصه را اصلا داوید ماك فرلن **David Macfarlane** ترتیب داده است) .
برای نسخه آن رجوع شود به برلن ۳۵۸ .

۷- تفضیح الغافلین - تاریخ عصر آصف الدوله (۱۱۸۸-۱۲۱۲ﻫ) بفرمایش کاپیتان ریچاردسن در ۱۲۱۱ﻫ تألیف کرد اما هیچ نسخه‌ای از آن اکنون پیدا نیست. ترجمه انگلیسی آن در ۱۸۸۵ﻫ در اله آباد چاپ شده است بعنوان زیر:

History of Asafud Daula ······ being translation of "Tafzihul Ghafilin" ······ compiled by Abu Talib······ and translated by W. Hoey - Allahabad, 1885.

۸- خلاصة الافکار- تذکره مورد بحث.

غیر از تألیف کتب فوق مؤلف تصحیح وهمکاری در انتشار کتبی مانند کلیات خواجه حافظ وشیخ سعدی وغیره نیز داشته است چنانکه درذیل نام خواجه حافظ مینویسد مستر جانسن در آغاز ۱۲۰۲ﻫ خواست که بعضی کتب مشهوره اسلامی که بتصحیف کاتبات وخطاطان درشرف تضییع است بطرز چاپ فرنگ انتشار دهد واهتمام این کاررا به مؤلف محول کرد ومبلغی برای این کار مخصوص کرد. مؤلف دیوان خواجه حافظ را ازده دوازده نسخه تصحیح نموده وبالاخره در ۱۲۰۶ﻫ ازانتشار آن فراغت حاصل نمود وازاین دیوان قریب به ۱۲۰۰ جلد چاپ شد وقیمت ششصد نسخه از آن که با کاغذ فرنگی چاپ شده بود یك اشرفی یعنی شانزده روپیه وششصد دیگر که با کاغذ هندی چاپ شده بود قیمت آن هشت روپیه بود وحروف آن بخط نستعلیق بود: (همچنین رجوع شود به «خلاصة الافکار» شرح حال سعدی).

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب رادرسال ۱۲۰۶ﻫ شروع ودر ۱۲۰۷ﻫ باتمام[1] رسانیده است. در دیباچه این کتاب هفده قطعه آورده است که آغاز واتمام تألیف این کتاب را میرساند وآخر آنها بقرار زیر است:

۱- بلاندسال ۱۲۰۷ﻫ بطور آغاز تالیف و ۱۲۱۱ﻫ راسال اتمام این کتاب ذکر کرده که اشتباه است (ر.ك، بلاندص ۱۵۲-۱۵۸)

حدیقه آن مشتمل است برذکر سیصد ونه شاعر وذیل برذکر صدوپنجاه ونه شاعر وخاتمه بر ذکر خود مؤلف و بیست وسه شاعر معاصر وبدین ترتیب تعداد کل شعرای مذکور این تذکره مبالغ به چهارصد ونود وهفت[2] (باضمام ذکر خود مؤلف) میشود. قسمت بیست و هشت حدیقه با «ابوسعید ابوالخیر» شروع شده با «محمد یوسف جرپادقانی» تمام میشود و ذیل با «ادهم کاشی» شروع شده با «یحیی» تمام میشود و خاتمه با «میرمحمد حسین» شروع شده با «ابوطالب اصفهانی» (مؤلف) تمام میشود.

درمقدمهٔ کتاب مؤلف براصل وابتدای شعروتطور کامل این هنر تاقرن دوازدهم هجری بحث کرده وسپس اقسام شعروشرایط تذکره نگاری را آورده است.

ذیل کتاب مشتمل است برذکر ۱۵۹ شاعر که احوال آنها «درحین تحریر اوراق چنانچه بایدبوضوح نپیوست ودواوین ایشان هم حاضر نبود و بیشتری از ایشان صاحب دیوان نیستند لهذا فقط بذکر اسامی وثبت قلیل اشعار ایشان ازروی تذکره ها اکتفا کرده» وخاتمه کتاب مشتمل است برذکر بیست وسه شاعر معاصر مؤلف وابوطالب خان (مؤلف).

مزایاومختصات این تذکره بقرارزیراست

۱ـ دراین کتاب مؤلف ازهمهٔ اقسام شعرونثرانتخاب آورده استودرذیل نام هر شاعر بعد از شرح حالش اول انتخاب نثر آورده است) (تنها در صورتیکه مؤلف از او انتخاب نثر آورده است) و سپس قصاید و غزلیات و قطعه و ترجیع الغزل (ترجیع بند) و ترکیب بند و مربع و مخمس ومسدس و غیره وسپس رباعیات ومثنویات وبعدازاین اشعار مصنوع ومراثی وهزل وهجورا بترتیب الفبا آورده است اما درذیل نام بعضی شعرا انتخاب اشعار آنها راازیک دونوع آورده است وهرگاه بعضی اقسام شعر قابل انتخاب نبود آنرا حذف نموده است.

١ـ استوری: ١٦٠

٢ـ استوری: بدمحمود ٤٩٤ و بلاوان: ٤٩١

۴ ـ شانزده رقعه از رقعات عالمگیری .

۵ ـ رساله‌ای درصنایع شعر بنام خلاصة‌البدیع ازمیرشمس‌الدین‌فقیر دهلوی

۶ ـ یك جزو نثر ازمنشآت تاریخ نادری میرزا مهدی‌خان کوکب .

۷ ـ یك (جزو) نثر ازمنشآت ابواب‌الجنان میرزا رفیع واعظ قزوینی .

۸ ـ پنج رساله ازتألیفات خود بقرار زیر :

(۱) ـ رساله‌ای درعلم اخلاق (درحدود ۳ صفحه) و

(۲) ـ رساله درمصطلحات موسیقی شامل ذکر نغمات قریش وهند (در ۳ صفحه).

(۳) ـ رساله درعلم عروض وقافیه دردو باب (درده صفحه) .

(۴) ـ رساله مختصر درفنون خمسه طب درپنج جلد (در ۲۹ صفحه).

(۵) ـ لب‌السیر وجهان‌نما (تألیف ۱۲۰۸ هـ) شامل ذکر بعضی وقایع مهم تاریخ ازقدیم تازمان مؤلف با نضمام تاریخ مختصر اروپا وذکر « انبیاء و سلاطین و سایر مشاهیر طوایف انام واحوال بلاد از آغاز بنای هریك تازمان تحریر » . این رساله بسیار مفید وجامع است ومؤلف مطالب آنرا ازصدها کتاب خلاصه و جمع‌آوری نموده است و در تدوین این رساله خیلی زحمت کشیده است. این رساله مشتمل است بر ۱۰۳ صفحه بزرگ .

درذیل نام اورنگزیب تنها ۱۶ رقعه از اونقل کرده است و درباره اینکه چرا وی شعر نگفت چنین مینویسد : «بسبب تقوی ومتانت مزاج ازمبادرت شعر حتی سماع آنهم پرهیز میفرماید» .

همچنین درذیل نام میرزا مهدی کوکب نیز تنها انتخاب نثر ازمنشآت تاریخ نادری او آورده است .

شرح حال اکثر شعرا را دریك دوسطر وحتی شرح حال بعضی شعرای معروف مانند ابوالفرج رونی وادیب صابر وانوری واثیرالدین اخسیکتی واوحدی مراغه‌ای واوحدی کرمانی وغنی کشمیری ومجیر بیلقانی ومنوچهری و غیرهم را هم در دوسطر آورده است امـا غالباً سال وفات وگاهی اسم آثارشان را ذکر نموده است. ولی

عبارت ازمؤلف نقل شده است) .

سبک انشای مولف

سبک انشای مؤلف ساده و غیر مصنوع است اما در مقدمه گاهی بتکرمصنـ پرداخته است . همچنین در ذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصنوع درمعنی « فوت شد » آورده است چنانکه در ذیل نام آرزو مینویسد : « درسنه ١٠٦٩ رایت عزیمت بعالم آخرت برافراخت » .

در ذیل نام جناب مینویسد : « بالاخر باتش قهران قهرمان جهان آتش خرمن عمرش سوخته گشته بجهان دیگر خرامید » .

در ذیل نام بنای هروی مینویسند : « فی سنه نهصد و دو بنای قصر حیاتش انهدام یافت » .

گاهی کلمات اردو رابکار برده است مانند : چلپه (بمعنی چاپ) وچهاپه خانه (بمعنی چاپخانه) وچهاپه گران (چاپ کنندگان) (رجوع شود بنام حافظ و سعدی) .

رویهمرفته این کتاب ازحیث جامعیت مطالب که مؤلف درعین اختصار و ایجاز از کتب معتبر دیگر جمع آوری نموده وهمچنین اصالت و خوبی انتخاب اشعار که غالباً مؤلف خودش از دواوین شعرا انتخاب نموده این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره‌های فارسی حساب کرد .

نسخ خطی

١ــ کتابخانه ملک تهران ش ٤٣٠٣ . این نسخه منذهب ومزین مورخ ٢ رجب ١٢٤٠ه بقلم میرزا محمد کاظم شهیر به آقاسی نقاش است مشتمل بر ٣٨٣ برگ و صفحه‌ای ٢٥ سطر میباشد .

٢ــ دانشگاه لاهور

٣ اشپرنگر ش ٣٤

٤ــ بادلین ٣٩٠ (١٢٢٠ ه)

٥ــ بانکی پور ج ٨ ش ٧١٢ (سیر ساله در آخر کتاب نماره ... مورخ قرن ١٩ م)

۶ـ ریوج۱ص۳۷۸ب(خیلی ناقص است مورخ اوایل قرن۱۹م)ج ۳ ص۱۰۰۳ب (تنها اشعار دارد . مورخ قریب‌به ۱۸۵۰ م).

۷ـ اتهش ۶۹۶ (بخط سوتتن که قبل ازاعزام او بهند ابوطالب اورادرلندن فارسی تدریس میکرد . رجوع‌شودبه اته‌ستون ۸ـ۳۵۷. این نسخه‌را ابوطالب مؤلف در۱۸۰۴م/ ۱۲۱۹هـ تصحیح کرده‌است) وش۶۹۷ (چهاررساله اول که‌درخاتمه کتاب آمده‌است ندارد).

برای **شرح‌حال مؤلف** رجوع‌شود به‌مفتاح‌التواریخ ص۵ ـ۳۷۴ وتاریخ هند انگلیسی)ازایلیات ودوسن جلد۸ ص۹ـ۲۹۸ وریو ج ۱ ص ۳۷۸ ودایرةالمعارف اسلام تحت‌نام ابوطالب‌خان وخلاصةالافکار (خاتمه) واستوری ص۳ـ۱۴۴ومیشود: «تراجم جهانی» ج ۱ ص۸۵ ـ ۷ وفهرست کتابخانه ادنبرگ ش ۹۰ .

فهرست‌اسامی شعرا رجوع شود به بادلین ستونهای ۳۰۲ـ۳۲۵ فهرست ۴۹۴ شاعر)

تذکر ــ در نسخه «سرورافزا» متعلق بکتابخانه ادنبرگ تمثال مؤلف‌هم آمده‌است که برای«مجله»(European Magazine) کشیده شده‌است.

تذکره نوبهار

ابتدا

«الحمدلله الذی علم‌الانسان مالم یعلم وصل‌الله علی خیر خلقه محمد وآله وصحبه‌سلم».

۱-Michaud: Biographie Universelle , Paris , 1843, pp.85 -7.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد رفیع الدین و اسم پدرش محمد شمس الدین است [illegible] سلسله نقشبندیه قادریه منسلک بود و روز پنجشنبه بعد از نماز صبح [illegible] جمادالثانی سنه یکهزار و یکصد و شصت و چهار (١١٦٤) هجری در قصبه قندهار از توابع صوبه (استان) محمد آباد سرکار نادر[1] متولد شد و چندی بعد از آنجا بحیدر آباد دکن هندوستان مهاجرت نمود و در آنجا بسال ١٢٦١ هـ فوت کرد[2].

١٢١٧ م مؤلف این کتابرا بسال ١٢٢٦ هـ تألیف نموده است و راجع بسبب تألیف در دیباچه چنین توضیح میدهد: «فقیر (مؤلف)... بپاس خاطر بعضی عزیزان مشتاق که خاطر ایشان عزیز بود تذکره در ذکر شعرائی که چاشنی عرفان بمذاق ایشان رسیده بطریق انتخاب مع تراجم آنها از ابتدای شعر که بیانش میآید تا الغایت تحریر این رساله که یکهزار و دوصد (دویست) و شانزده هجری است بقید قلم می آرد».

مؤلف اسم مآخذ و منابع کتابرا در دیباچه یا خاتمه کتاب نیاورده ولی در ذیل شرح حال شعرا اسم کتابهای زیررا ذکر کرده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است:

١ـ تاریخ فرشته ـ رجوع شود به نام حافظ.
٢ـ حبیب السیر ـ رجوع شود به نام حافظ
٣ـ مرآة الصفا ـ » حافظ و شوکت
٤ـ ذخیرة الخواقین ـ رجوع شود به نام عرفی
٥ـ شاهجهان نامه ملا عبدالحمید لاهوری ـ رجوع شود به نام یحیی کاشی.
٦ـ نفحات الانس جامی ـ رجوع شود به نام حسن دهلوی.
٧ـ مجمع النفایس آرزو ـ رجوع شود بنام تراب و میر حیدر تهانی.
٨ تذکره دولتشاه ـ رجوع شود به نام بدر جاجرمی.

١ـ باید اذعان کرد که این نادر افغان غیر از نادر شاه ایرانی است.
٢ـ ر.ك. استوری ج ١ ص ٨٨٠

همچنین اشعار شعرای غیر راسفصل تر از سایرین آورده است

حافظ ورافت ووجد (هر کدام ۲ ص)،

گاهی اقوال تذکره نویسان مختلف را دربار سال وفات شاعر آورده است

مثلا رجوع شود بنام خاقانی وشوکت بخاری.

سبك انشای مؤلف غالباً ساده وغیر مصنوع است.

بهمرفته این تذکره ازحیث اصالت مطالب اهمیت وارزش زیادی ندارد اما

قسمت شعرای معاصر که مفصل تر است مفید و با ارزش است.

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد این تذکره دردانشگاه لاهور موجود است . (این

نسخه بسیار کهنه و کرم خورده است و بعضی کلمات آن از بین رفته است و آنرا

نمیتوان خواند ظاهراً این نسخه مؤلف است چون بعضی جا ها اسامی شعرا را

اصلاح نموده وبعضی عبارات را خط کشیده است).

برای شرح حال مولف رجوع شود به تذکره نوبهار و استوری ج ۱ ق ۲

ص ۸۸۰

فهرست اسامی شعرا

بقرارزیر است:

١ـ شیخ اوحدالدین کرمانی ۲ـ شیخ اوحدالدین اصفهانی

۳ـ انوری ٤ـ ابوسعدبن سلمان لاهوری

٥ـ شیخ آذری ٦ـ ادهم کاشی

۷ـ الفتی یزدی ۸ـ شاه آفرین لاهوری

۹ـ آصفجاه ۱۰ـ آرزو

۱۱ـ میرغلامعلی آزاد ۱۲ـ بدرجاجرمی

۱۳ ـ بساطی سمرقندی ١٤ـ(در غلبه نجم ثانی و قتل عام در ۹۲۸

مقتول شد)

١٥ـ بیدل ١٦ـ بلیغ مولوی قدرت‌الله

١٧ـ تراب میرزا ابوتراب ١٨ـ ثبات محمدعظیم.

١٩ـ مولاناجمال‌الدین معاصر سلطان محمد بن تغلق شاه ٢٠ـ شیخ جمالی دهلوی

٢١ـ حافظ شیرازی ٢٢ـ حزین

٢٣ـ حاکم ٢٤ـ خاقانی

٢٥ـ امیرخسرو ٢٦ـ حسن سنجری

٣٧ـ میر رضی رضوی ٢٨ـ نواب درگاه قلی‌خان

٢٩ـ ذکا میراولاد ٣٠ـ میرعبدالقادر مهربان

٣٢ رفیع قزوینی ٣٢ـ [illegible]افت.

٣٣ـ محمد رفیع الدین (مؤلف) ٣٤ـ شیخ سعدی

٣٥ـ شهیدی قمی ٣٦ـ شریف تبریزی

٣٧ـ شوکت بخاری ٣٨ـ شاعر بلگرامی

٣٩ـ صائب ٤٠ـ میرصیدی تهرانی

٤١ـ نواب صمصام الملك ٤٢ـ ظهوری

٤٣ـ عرفی شیرازی (م ٩٩٩هـ) ٤٤ـ علی سرهندی

٤٥ـ علی (عالی) شیرازی ٤٦ـ عاقل شاهجهان آبادی

٤٧ـ غیرت ٤٨ـ فردوسی

٤٩ـ قدسی مشهدی ٥٠ـ سید فریدالدین اورنگ‌آبادی

٥١ـ کاهی ٥٢ـ کلیم

٥٣ـ لسانی شیرازی ٥٤ـ محتشم کاشی

٥٥ـ میرزا معزالدین ٥٦ـ شیخ نظامی گنجوی

٥٧ـ نظیری نیشاپوری ٥٨ـ وجد

١ـ اسم این شاعر بعلت بوسیدگی وکرم‌خوردگی کاغذ خوانده نمیشود.

۵۹ـ واقف بٹالوی ... ۶۰ـ هلالی استرآبادی
۶۱ـ هلالی همدانی ... ۶۲ـ یحیی کاشی

مخزن الغرایب

ابتدا

«گوهر الفاظ فصاحت بنیان و لامعانی بلاغت توامان شایستهٔ رشتهٔ حمد خداوندی که عروس زیبای سخن موزون را بمعجز جواهر نگار مضمون تازهٔ دلفریب زیب غرفه حسن وجمال میسازد».

شرح حال مولف

نام مؤلف این کتاب شیخ احمد علی هاشمی سندیلوی است واسم پدرش شیخ غلام محمد بن مولوی محمد حاجی است . مؤلف درحدود ۱۱۶۴ﻫ درسندیله بدنیا آمد (و سندیله شهریست در۳۲ میلی شمال غربی لکهنو) چون درمقدمه « مخزن الغرایب » (تألیف ۱۲۱۸ﻫ) مینویسد که وی این کتاب را بسن پنجاه وچهارسالگی تألیف کرده است . بعلت ناسازگار ومشوش بودن وضع اقتصادی پدر مؤلف مجبور شد از کودکی خانه پدررا ترك گفته درتلاش معاش بغربت بیافتد وبالاخره نواب عزت الله میرزا حسن سهراب جنگ بن میرزا محمد محسن برادر بزرگ نواب صفدرجنگ (نواب وزیر اود متوفی در۱۱۶۷ﻫ) مؤلف را به نواب ذوالفقارالدوله میرزا نجف خان بهادر غالب جنگ[1] معرفی کرد ومؤلف براثر نفوذ نواب عزت الل

۱ـ ر. ك . بیل تحت نام «نجف خان»

[illegible] رساله[1] (لشکر) شاه عالم (۱۱۷۳–۱۲۲۱ه) شد.

بعدازمرگ نجف خان که در۱۱۹۶ه در زمان قتل وغارت اهالی دهلی روی داد احمد علی ازصحبت ایرانیهائی که از خراسان وعراق وفارس آمده بودند استفاده میکرد وهمین صحبت فضلای ایران دروی علاقه بشعرفارسی ایجاد نمود و سپس مؤلف به جمع آوری اشعارفارسی پرداخت وبالاخره درنتیجه تشویق استاذ وی میرزامحمد حسن قتیل احمد علی تصمیم گرفت تذکره‌ای بنام «مخزن‌الغرایب» بنویسد. بقیه شرح حال مؤلف بدست نیامد.

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب رابسال ۱۲۱۸ه تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که درخاتمه کتاب آورده است میرساند:

این تذکره ازلطف قدیرقیوم	گردید بمخزن الغرایب موسوم
تاریخ‌تمامیش مراشد درخواب	«ختم صحف» از هاتف غیبی معلوم

(=۱۲۱۸ه)

درمورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح داده است که وی ازسن سیزده وچهارده سالگی تازمان تألیف کتاب که پنجاه‌وچهارسال ازعمروی گذشته بود غالباً اشعارغزل واقسام دیگرشعررا خوانده وغ. وروزمشغول مطالعه دواوین شعرا بود وچون دراول خوب فارسی بلد نبود هرموقعیکه بدهلی میرفت بامردم خراسان وفارس تماس داشته ازصحبت آنهااستفاده مینمود تابالاخره تااندازه‌ای این زبان رایادگرفته واکثراشعارشعرای خراسان وعراق و فارس راکه وی میشنید برپاره‌های کاغذ جدا جدا مینوشت. سرانجام مؤلف میخواست ازاین اشعارجنگی ترتیب دهداما استاد وی میرزا محمد حسن متخلص به قتیل باوتوصیه کردکه‌چون وی اشعاری ازاقسام مختلف شعرجمع آوری نموده بنابراین باید تذکره‌ای بترتیب الفبا بنویسد تاخواننده شعرهرکدام شاعررا بخواهد بتواند بآسانی آنرا دراین

1- «رساله» ازتقسیمات نظامی است مانند هنگ وگردان.

کتب پیدا کند و بنا بر خواهش استاد خود مؤلف «این جواهر زواهر» را بترتیب الفبا «در رشته تحریر کشید».

مؤلف اسم کتابهای زیر را در مقدمه کتاب ذکر نموده است که بنا بر قول خویش اکثر اشعار این کتاب را از این مآخذ نقل کرده است. همچنین در نقل شرح حال شعرا نیز از این کتابها استفاده کرده است:

۱- تذکره عوفی ۲- تذکره دولتشاه سمرقندی

۳- مجالس العشاق ٤- تذکره (مجالس النفایس) امیر علیشیر

۵- تذکره (نفحات الانس) جامی ٦- تذکره میرزا محمد صائب.

۷- تذکره سام میرزا ۸- تاریخ بداونی

۹- طبقات اکبری ۱۰- مجمع النفایس

۱۱- تاریخ فیروزشاهی ۱۲- تذکره تقی اوحدی (کعبه عرفان)

۱۳- تذکره نصر آبادی ۱٤- هفت اقلیم

۱۵- تذکره لذت النساء[1] ۱٦- تذکره (مرآت الخیال) شیرخان لودی افغان

۱۷- ۱۹- بیاض های میرزا معز فطرت و دارا شکوه و محمد اکبر بن اورنگزیب.

۲۰ تذکره المعاصرین حزین.

۲۱- تذکره عقیلی خان عباسی (واله).

۲۲- تذکره (نفایس المآثر) علاءالدوله[2].

این کتاب مشتمل است بر ذکر ۳۱٤۸ شاعر متقدم و متأخر بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها و از حیث تعداد شعرا دومین جامع ترین تذکره

۱- تذکره‌ای باین نام نداریم. ظاهراً این اشتباه کاتبست که بجای «تذکرة النساء» تذکره «لذت النسا» نوشته است.

۲- ر.ك. اشپرنگر ج۲ش۲ ص ۱٤٦ و دو فیل شماره ۲۳

فارسی است[۱] . این کتاب با « ابوسعید ابوالخیر » شروع و با « یوسف بیگ بخارائی » تمام میشود. بقول اشپرنگر مؤلف این کتاب را بنام صفدر جنگ (متوفی در ۱۱۶۷هـ) نوشته است[۲] . اما این درست نیست چون سال تألیف این کتاب ۱۲۱۸هـ است .

مؤلف در این کتاب « اشعار عاشقانه و صاف وروان و قریب الفهم و سهل ممتنع » را انتخاب کرده است و در ذیل هر حرف اول شعرای متقدم را ذکر نموده و سپس متأخرین و معاصرین را آورده است.

مؤلف در دیباچه مینویسد که وی میخواست اشعار شعرای مقندم را در این کتاب نقل نکند چون مردم زمان وی از شعر شعرای متقدم خوششان نمی آمد و نیز پی بردن بمطالب و معانی آن خیلی مشکل بود اما درهرحال نمیخواست اصلا از نقل این اشعار صرفنظر کند.

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده است و غالباً در دو سه جمله آنهارا معرفی نموده و دو سه بیت را از آنها نقل کرده است.

اشعار شعرای زیر را نسبة مفصل آورده است :

بیدل و خیام و رفیع مشهدی و سلیم تهرانی و سعید ملتانی و ملاشریف آملی و میرزا اشرف قزوینی و شیدا و ناصرعلی سرهندی و فیاض لاهیجی و کمال خجندی و مولانا رومی و شیخ مغربی و ملک قمی و مقیمی بهارلو و نعمت اله ولی (هر کدام در ۲ص) و سحابی سترآبادی و مشرب دهلوی و نظمی تبریزی و میرزا طاهر وحید و واعظ قزوینی (هر کدام در ۲ص) و ابن یمین و میرزا رضی و طالب آملی و ظهیر فاریابی و عطار و کاتبی نیشابوری و مایل یزدی (هر کدام در ۳ص) و میرزا جلال اسیر و جمال الدین اصفهانی و رهین و فقیر

۱ــ از روی فهرست بادلین جامع ترین تذکره است اما جامع ترین تذکره فارسی « صحف ابراهیم » است که مشتمل است بر ذکر ۳۲۷۸ شاعر . ر . ك . صحف ابراهیم در این کتاب .

۲ــ ر . ك . اشپرنگر جلد اول .

دهلوی ومسیح کاشانی ونسیتی وهلالی (هر کدام در ½۳ص) وخاقانی وشانی وصیدی تهرانی (هر کدام در ٤ص) واهلی شیرازی وسلمان ساوجی (هر کدام در ½٤ص) وفخر الدین جرجانی ومیر نجات (هر کدام در ٥ص) وانوری و کمال الدین اسماعیل ووالد (هر کدام در ½٥ص) وسنائی (در ½٦ص) وظهوری وعرفی و کلیم و نوعی خبوشانی (در ۷ص) و امیرخسرو (در ½۷ص) و فیضی (در ½۸ص) ومحتشم (در ۹ص) وحزین و شفائی (هر کدام در ۱۰ص) وجامی در (½۱۱ص) وصائب وفغانی (هر کدام در ½۱۲ص) وسعدی و نظیری (هر کدام در ۱۳ص) وقتیل (در ۱۷ص) ووحشی بافقی (در ۲٦ص).

رویهمرفته اشعاروحشی بافقی راازهمه مفصل تر آورده است.

گاهی درذیل نام بعضی شعرا بعضی مطالب و اشعار مشکلی را شرح داده است مثلا رجوع شود به نام خاقانی.

شرح حال شعرای زیررا از سایرین مفصل ترآورده است:

ابراهیم ادهم وانشا وسعدی وسرخوش وسعید ملتانی وملاشاه بدخشانی وعطار ومظهر و ناصر خسرو و میرمعصوم نامی ونواب عمادالملك (هر کدام در یك ص) وبیرم خان وامیر خسرو وسرمد وشیدا واحمدغزالی (هر کدام در ½۱ ص) ومیرزا محمد امین خان وخیام (هر کدام در ۲ ص) و نواب میرزا زین العابدین (در ½۲ص) وجامی (در ½۳ص) وسید اشرف جهانگیر سمنانی (در ½٤ص).

رویهمرفته شرح حال سید اشرف جهانگیر سمنانی را از همه مفصل تر آورده است .

درذیل نام ملك قمی پاره‌ای ازنثر او با اشعاری درهجو ملامائلی نقل کرده است که بسیار مبتذل است وقسمت آخر آن پراز صنایع لفظی میباشد.

گاهی براشعار بعضی شعرا اصلاح نموده است مثلا در ذیل این بیت شمس الدین فقیردهلوی :

رود بخانه اغیار ازدل آزادی   کرا مقیم سرراه انتظار کند

مینویسد بجای لفظ مقیم اگر هلاك بخوانند شاید بهترباشد.

درذیل نام بعضی شعرا بطور اغراق آمیزی از آنها تعریف کـرده است چنانکه در ذیل نام شفائی اصفهانی میگوید:«اوهام فضلا وخیال بلغا از توصیف آن عاجز اید».

سبك انشای مؤلف غالباً ساده وعاری از تکلف و تصنع است اما گاهی چند کلمه توصیفی قبل از اسم یا تخلص شاعر آورده است مـانند « مهر سپهر شریعت آفتاب عالمتاب حقیقت سلطان المشایخ ابوسعید ابولخیر» یا «زبدة الاولیاوقدرة العرفا شمس الانوار شیخ فریدالدین عطار» یا « صاحب صورت (و) معنی عین القضاة همدانی»وغیره.

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر۱۷ (کتابخانه فرح بخش) ۲ـبادلین۳۹۵ (۱۲۲٤ه)

۳ـ بانکی پور ج ۸ص ٤ـ ۷۱۳ (۱۲۲٤ه)٤ـریوتکلمه ۱۱۷(نصف اول کتاب قرن ۱۹ م)

٥ ـ ریو ج۳ص ۱۰۱٥ب (تنها ۳٤ شاعردارد. مورخ۵۱ـ۱۸۵۰م)

٦ـ دانشگاه لاهور ذخیره پروفسور شیرانی.

۷ـ اعظم گرهدار المصنفین (رجوع شود به مجله اورینتل کالج لاهورج ۳ص۲ فوریه ۱۹۲۷ م ص۳٦.

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به بادلین ستونهای ۹٦ ـ ۳۱۷ و ایوانو ـ کرزن ص۱٦۷۲ ـ ۱٦٦۲.

برای شرح حال مؤلف رجوع شود بـه مخزن الغرایب و استوری جلد ۱ ص۸۸۱ .

سفینه‌هندی

ابتدا

«حمد وسپاس آفریدگاری را رواست که سخن‌سنجان اسرار قدرت عالم را ازپرده غیب بشهرستان وجود جلوه‌گر ساخته ودرودنامحدود مهر سپهر رسالترا سزاست که انوارتجلیات جاودانی مجمع اسرارمشاهدات‌معانی گردانیده».

شرح‌حال‌مولف

اسم مؤلف این‌تذکره بهگوان داس [1] است واو اول بسمل‌تخلص میکرد وبعد تخلص‌هندی[2]را اختیار نمود. وی‌پسردوم دلپت‌داس‌بن هربنس رای است که ازقوم‌کایسته(هندو)بودووطن اصلی‌وی کالپی‌ومسکن‌وی‌سوندها بود. موهن‌لعل‌انیس در«انیس‌الاحبا»مینویسد که‌وطن اصلی بهگوان داس مکده کالنجراز مضافات‌صوبه (استان)مالوه‌است.

۱ــ مصحفی درتذکره«عقدثریا»(نسخه را مپور هند)ذکری از«راجه‌بهگوان داس» آورده است که‌صوبه دار (استاندار)کتهیربوده باحتمال قوی منظور حسین بهگوان داس هندی است که رای بود نه راجه (ر.ك. ضمیمه‌الف سفینه هندی چاپ‌پتنه هند ص۲۷۷) .

۲ـدر«انیس‌الاحبا »تخلص‌بهگوان داس بسمل‌ذکرشده ودر فهرست بانکی پور نیز «هندی» بعنوان تخلص بهگوان داس‌نیامده است ولی چون مؤلف شرح حال خود را درردیف«ها»آورده و نیزآنجا تذکر داده‌است که‌وی‌دراول بسمل تخلص‌داشت‌باحتمال‌قوی هندی تخلص آخروی بوده است.

ومحمد صدیق سخنور و رای بال گوبند شاد و دیبی پرشاد شاد و بال مکند شهود و نظام الدین صانع و محمد کرم عیش و منشی بهکاری لعل عزیز و شیخ محمد عاشق عاشق و میر غلام حسین دهلوی و میر شمس الدین فقیر و کشن چند قریب و نواب محمد خان محبت و ملهار سنگه مکین و رای میکو لعل مستانه و میر محمد تقی میر و بهوری سنگه مشرب و محمد واصل خان واصل و میرزا ابوعلی هاتف.

در ذیل نام شعرای زیر «ماده تاریخ» فوت آنان را که دیگران سروده اند آورده است:

آرزو : آرزو رفت از جهان افسوس   انجام (عمدة الملك) : غم عمده (۱۱۵۹ =)

انصاف : بردا مضجعه بیخبر : (یك بیت از قصیده آزاد در تاریخ فوتش)

در گاه قلی خان : خدایش بیامرزد   ساکن : اهل دینی ساکن فردوس گشت (از مؤلف)

سالك : از جهان رفت زبدة الفقر   جانجانان مظهر : مظهر کل (از آزاد)

اطلاعات زیر در تذکره های دیگر نیامده است:

۱ ـ میر عظیم ثبات: در تألیف ریاض الشعرا باعلیقلی خان واله تخلص معاون مانده (ص ٤٥)

۲ ـ رای منکه رای شوق: در آن ایام (۱۱۷۰ هـ) تذکره مسمی به سفینة الشوق تألیف می نمود (ص ۱۱۵).

۳ ـ شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت: تذکرة الاولیا و تذکرة الشعرائی نیز تألیف کرده (ص ۱۲۸).

اما عجب آنست که مؤلف از وجود تذکره «مردم دیده» حکیم حاکم لاهوری اطلاع نداشت و در ذیل شرح حال حکیم اشاره ای باین تذکره ننموده و ازوی مختصراً در دو سطر یاد کرده و ٤ بیت نقل کرده است.

سبك انشای مولف

سبك انشای مؤلف غالباً ساده و روان است و بعضی اصطلاحات و استعارات و کنایات دور از ذهن که در بعضی آثار نویسندگان فارسی‌زبان هند نیز موجود است (مانند آزاد وخوشگو و غیره) دراین تذکره فراوانست . به بعضی نکات ومختصات سبك انشای مؤلف دراینجا مختصراً تذکره داده میشود .

۱ ـ بعضی اصطلاحات و بدعت‌های لفظی دارد مانند بمنصب پنجهزاری سرفراز کنانید (بجای کرد) (ص۹۳) . هندوستان زا بجای هندوستان‌زاده (رجوع شود بنام جلیس) ونبیسه بجای نبسه (رجوع شود به نام عاصی) ونمیگویانند (گویاندن = فعل متعدی از گفتن ـ رجوع شود به نام محمدشا.) .

۲ ـ بعضی کلمات فارسی را بروش عربی جمع بسته است مثلا نامجات جمع نامه.

۳ـ گاهی بعضی کلمات اردو را نیز بکار برده است: سوانح‌عمری بمعنی شرح حال (جنون) نواسه بمعنی نبسه (خرد) وچبوتره بمعنی مصطبه (حزین) وسپاهی به معنی سرباز (حشمت) وتعنات‌شد بمعنی منصوب‌شد (حیران) وموروثی بمعنی ارثـی (درد) صوبه بمعنی استان (زایر وسخنور وغیره) وپروانه بمعنی نامهٔ جواز (سخنور) جایگیر بمعنی املاك (ساطع) و کملی بمعنی پتو (محمدشاه) وچکله بمعنی ناحیه (مکین).

٤ ـ املای بعضی کلمات واسامی هندی را بخط اردو آورده است:
مثلا رجوع شود به شرح حال دولت وراجه رام‌ه زائن و راغب ورائج وروشن وسخنور و سواد و قتیل و مخمور ومنت ومستانه ومائل و نژاد ووارسته.

۵ـ بجای عبارت «فوت‌شد» جمله‌ای مصنوع آورده است.

امید : درسنه ۱۱۵۹ بمرض سکته رخت هستی بسوی عالم بقا کشید.

اسحق خان : در همان سال (۱۱۵۲) رخت حیات مستعار را ازبن کشید.

رهین : نقد حیات (را) بمقابض ارواح سپرد.
فقیر : کشتی حباتش غریق بحر رحمت شد.
٦ـ گاهی قبل یا بعد از اسامی بعضی شعرا القاب توصیفی بـه نثر مسجع آورده است.

حزین : فرمانروای اقلیم سخنوری و کشور گشای مملکت بلاغت گستری.
مکین: مهر برج فضل و کمال وماه سپهر عز وجلال...

نسخ خطی

تنها یك نسخه از این کتاب در کتابخانه خدابخش پتنه مـوجود است کـه بخط مکهن لال است ودر نهم جمادی الاخری سنه ۱۳۲۰ ه (سال اتمام تألیف کتاب) بخط شکسته استنساخ شده است (رجوع شود به فهرست بـانـکی پـور ج ٨ ص٧١٥).

چاپ

در پتنه هند باهتمام و تصحیح سیدشاه محمدعطاء الرحمن عطا کاکوی استاد اداره تحقیقات عربی وفارسی پتنه بهارهندوستان بسال ۱۳۷۷ ق = ۱۹۵۸ م بطبع سنگی رسیده وباوجود اینکه اغلاط چاپی وغیره در آن زیاد است که غالب آن ظاهراً بعلت کم سواد بودن نساخ نسخه اصلی (مکهن لال مـذکوره فوق) است اما زحمتی که مصحح آن درتهیه توضیحات سودمندی وفهارس اسامی و اماکن و کتب تذکره قابل تقدیر وتمجید میباشد.

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به سفینه هندی و انیس الاحبا واستوری ج۱ ق۲ ص۲ - ۸۸۱

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود به تذکره « سفینه هندی » چـاپ پتنه هند.

تذکر ...ر تبصره برابن کتاب مقاله‌ای که درراهنمـای کتاب سال دوم

شماره پنجم ازطرف انجمن کتاب تهران دربارهسفینههندی چاپ شده استنیزمورد استفاده نگارنده قرار گرفته است.

طبقات‌سخن

مولف

اسم‌مؤلف شیخ‌غلام‌محی‌الدین‌قریشی میرتهی است که‌اول مبتلاتخلص‌میکرد و بعد عشق تخلص‌اختیار کرد(برای شرح‌حال و آثار اورجوع شود به بحث‌درباره مجموعه عشق‌در این کتاب)

تبصره‌بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال۱۲۲۲ه تألیف نموده است چنانکه اسم آن«طبقات سخن »ازروی ابجدمیرساند.

این تذکره ازحیث‌اصالت مطالب خیلی مهم وبا ارزش است‌چون‌شرح حال شعرا که دراین تذکره آمده است مؤلف خودش نوشته است و از جای‌دیگر نقل یا اقتباس ننموده‌است.

این تذکره مشتملست‌بردو طبقه بدین‌قرار:

۱ـ طبقه اول ـ مشتمل است‌برذکر ۱۹۶شاعرریخته (اردو)

۲ـ طبقه دوم ـ مشتمل‌است برذکر شعرای معاصرفارسی.

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگرش ۵۳ = ۲ـبرلن ۷۶۰(طبقه ۲ ندارد).

فهرست اسامی

برای فهرست اسامی شعرای طبقه اول رجوع شود بـه فهرست بـرلن ۶۷۵ - ۶۷۶.

تذکره کاتب

ابتدا

شعله که بواله اخگراوزمین و آسمان را فرو گرفته منورسازد.....

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب میرزا محمدعلی کاتب صفوی است که در اول شاهزاده ابوالمنصور میرزا محمدسلیمان شکوه پسر شاه عالم (۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ ه) اورا برای استنساخ دواوین فارسی واردو استخدام نمود و سپس وی مصاحب و کاتب سلطان ابوالفتح محمد صفوی متخلص به طلوعی گردید. سلطان ابوالفتح مزبور اسماً آخرین پاشاه صفوی بود که محمد خان وی را در ۱۲۰۰ ه در تهران پادشاه اعلام کرد اما بعداً وی در ۱۲۰۵ ه بسند فرار نمود و بالاخره در ۱۲۱۰ ه در لکهنو رحل اقامت افکند.

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۱۵ ه تألیف نمود چنانکه این قطعه که در پایان کتاب آورده میرساند:

شد تذکره از فضل قدیر قیوم … گردید بدهر نام کاتب موسوم
تاریخ تمامیش بگفتا هاتف … کم کن توصداز تذکره گردد مفهوم

(چون از اعداد تذکره(= ۱۳۲۵) عدد ۱۰۰ منها کنیم ۱۲۲۵ باقی‌میماند وهمان‌سال‌تألیف‌این کتاب است).

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی درخدمت سلطان ابوالفتح محمدصفوی سمت میر منشی را داشت. سلطان صفوی ویرا امر کرد که اشعاری را که در موقع مطالعه «مخزن‌الغریب» وی‌روی آنها نشان‌گذاری کرده بود جمع کند و همچنین شرح حال شعرا را که سلطان در «تحفة الشعرا»[1] نیاورده نیزعلیحده تهیه کند بنا براین کاتب «تعمیلا لحکم السلطان» این تذکره‌را ترتیب داد وبمناسبت سمت خود اسم آنرا «تذکره کاتب» گذاشت.

شرح‌حال اکثر شعرا دراین تذکره مختصر آمده است و تقریباً تمام‌آن از «مخزن‌الغرایب» نقل شده است. البته‌اشعاری که در این کتاب گردآوری شده است نشانه ذوق خوب گردآورنده میباشد.

ترتیب اسامی شعرا ازروی الفبا است و شاعر اول در این تذکره سید شریف جهانگیرسمنانی وشاعر آخرمحمداشرف یکتااست.

رویهمرفته این کتاب‌زیاداهمیت ندارد چون‌تقریباً تمام مطالب‌آن‌ازمخزن‌الغرایب و کتب دیگر نقل شده است وبنابراین از حیث اصالت تقریباً هیچ ارزش ندارد.

نسخه خطی نسخه منحصر بفردآن در رامپور موجود است که تاریخ‌ندارد ومشتملست بر ۲۹۰ صفحه (رجوع شود به‌مجله اورینتل‌کالج لاهورج ۶ش ۲ موزخ فوریه ۱۹۳۰ میلادی ص۱۰۸ - ۱۱۱ وج ۱۸ ش ۱۳۷ ص ۱۱۲ و نذیراحمد ش ۸۱).

---

۱ تحفة الشعرا چنانکه از سیاق عبارت پیداست تذکره‌ای بوده‌که سلطان محمد صفوی آنرا ترتیب داده بوداما اسم این تذکره‌درهیچ‌جای‌دیگر ذکر نشده ونسخه‌ای هم ازاین‌کتاب امروز باقی‌نمانده است. تذکره‌ای‌بهمین نام رامیرزاافضل‌بیك‌قاقشال‌اورنك‌آبادی در ۱۱۶۵ ه تألیف نموده است (رجوع شود به‌بحث درباره «تحفة الشعرا» دراین کتاب)

رياض الوفاق

ابتدا

«در شکرستان شکرشکنی شکروسپاس ناطق نطق ...»

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب ذوالفقار علی متخلص به مست است (شرح‌حال مؤلف بدست نیامد).

آثار دیگر مؤلف بدین‌قرار است:

۱ـ دبستان حقوق در اخلاق

۲ـ انتخاب نسخه طیبه ابواب جنان

۳ـ مجموعه غزلیات «باغ و بهار» و «بیاض نوطرز»

۴ـ تحفة‌المبتدی در فن انشاء

۵ـ نگارستان نظایر ـ مجموعه اقتباساتی است که در انشاء آنرا میتوان بکاربرد.

۶ـ رساله‌ای درباره سبك شعرای متقدم ومعاصر با نمونه‌اشعار.

۷ـ بهارستان ضمایر ـ مجموعه‌اشعار مؤلف

۸ـ لطف سخن ـ درشرح اقسام‌سخن(شعر).

۹ـ نیرنگ ظهور ـ دربیان «ذات» های مختلف درهند (یعنی طبقات مختلفی که در بین هندوها معمول‌بوده‌است).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۲۹ ه در بنارس (هندوستان) تألیف کرده‌است

و اسم کتاب «ریاض‌الوفاق» (= ۱۲۲۹هـ) از روی ابجد سال تألیف کتاب را میرساند.

این کتاب مشاملست برذکر صد وچهل و دو[1] شاعر متأخر از کلکته وبنارس که بفارسی‌شعر میسروده‌اند وبا «محمد اسلم بلگرامی» شروع‌شده با «یعقوب خواجه یعقوب علی» تمام میشود.

اکثر شعرائی که دراین تذکره ذکر آنان آمده استمعاصر مؤلف وبرخی ازآنها ازآشنایان او بوده اند وبنابراین شرح حالی که که مؤلف در این تذکره از آنها آورده است قابل اطمینان واعتماد میباشد. اکثر این شعرا بزبان اردو نیز شعر میسروده‌اند.

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ۳۶ = ۲ ـ برلن ۶۶۵.

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اشپرنگر ص ۱۶۵ ـ ۱۷۲

نشتر عشق

ابتدا

جمع محامد مرمحمودی را که نسخه جامع‌موجودات را بقلم قدرت ومداد ارادت برصفحه تحریر فرمود وتمامی مدایح آن ممدوح را که کتاب مشهودات را

---

۱ ـ استوری: ۱۴۴

بکلك جواهر سلك تکوین و سواد تقریر بسر سفینه اختراع و بیاض ابداع تسطیر نمود».

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب آقا حسین‌قلی خان متخلص به عاشق عظیم آبادی و کنیت وی ابومحمد واصلش از خراسان است. جداو نواب عکسرخان است وجدبزرگ اونواب عیسی خان ازشهر جام درآغاز سلطنت احمد شاه (١١٦١-١١٦٧هـ) باتفاق بعضی ازمتعلقین ووابستگان به درالخلافه شاه جهان آباد (دهلی) رسیده وآنجا سکونت گزید .ـ اجداد اودر ملازمت سلطان احمد شاه و عالمیگیر ثانی در آمده بلقب نواب وخان بهادر ومناصب عالی گاهی « به بعضی کارخانجات حضوری و برخی باتنظام محالات وچکله داری» سرافراز شده ودرمدت قلیل حشمت واقدار کثیراندوخته » بکام دل زندگانی مینمودند. بالاخره جدبزرگش درسال پنجم جلوس احمد شاه مطابق سنه ١١٦٥هـ فوت کرد .

جد مؤلف نواب عسکرخان تاعهد عالمگیر ثانی با عزت واحترام زندگی میکرد. موقعیکه احمدشاه درانی بهندوستان حمله کرد وخزانه شاهی خالی شد بعضی ازمصاحبین پادشاه باو پیشنهاد کردند که املاك عسکرخان راتوقیف نماید وبنابر توصیه آنها و بامر پادشاه سی هزار اشرفی (سکه طلائی) و بیست و دولك (دویست وبیست ملیون) روپیه (سکه نقره‌ای) نقد ودو عرابه ظروف طلا وآلات نقره و اشیای دیگررا بخزانه شاهی بردند .در ١١٧٠ هـ موقعیکه احمد شاه درانی برای دفعه پنجم حمله کرد بعضی ازمردم لشکر عسکرخان رادر حال تلاوت قران بقتل رساندند.

جدمؤلف سه پسرداشت که آقاعلی خان شاهجهان آبادی پدر مؤلف ازهمه کوچکتر بودودر وقت فوت پدر سن او دو سال بود. چون نواب منیرالدوله که ازخویشاوندان نزدیك جدمؤلف بودبوزارت شاه عالم(١١٧٣-١٢٢٢ هـ) رسید

وخبر فوت عسکر خان را شنید بازماندگان اورا به‌اله آباد نزد خود خواند و آنها دوسال در آن شهر بودند. سپس منیر الدوله که در عظیم آباد املاك زیادی داشت‌بآنها منزلی دادو برای کفالت آنها مستمری‌مقرر نمود.

آقا علی‌خان پدر مؤلف بعد ازرسیدن بسن‌تمیزواتمام تحصیلات کدخداشد وازسن بیست‌تابیست وپنج سالگی بعدازفوت منیرالدوله باپسراو نواب محمدشجاع قلی‌خان‌بااحترام تمام بسرمیبرد وسپس بخدمت نواب‌های دیگر بوده و بالاخره به‌عظیم آباد(پتنه)مراجعت کرد وچون وی به‌بنارس‌برای‌فروش بعضی‌جواهرمیرفت وی راآقای کننگهم[1] ضلعدار اتاوه نزدخود خواند واز۱۲۱۶ه به تحصیلداری‌چند پرگنه مانندشکوه‌آبادوفیروزآبادمقرر نمود[2] وبوقت تألیف«نشترعشق» وی‌برهمان منصب مأمور بود. همچنین دوعم مـؤلف برمناصب عالی درخدمت بعضی نوابان بسرمیبردند.

مؤلف در۱۱۹۴ه درعظیم آباد بدنیا آمد تاسن چهارده سالگی اکثراوقات خودرا درفراگرفتن زبان‌فارسی وتاریخ وصرف و نحو بسربرده وباتفاق پدر بسیر و سیاحت نقاط مختلف کشوررفته و غالباً درصحبت شعرا بوده اما از تحصیل عربی بی‌بهره ماند.

مؤلف درموقع‌تألیف این کتاب‌ازمدت هفده سال درخدمت کمپانی‌هندشرقی بوده و آنوقت تحصیلدارسیپری بود.

مؤلف بفارسی‌شعرمیسرود وعاشقی‌تخلص‌میکرد.دراین کتاب وی سی وچهار بیت فارسی‌ازخود نقل کرده‌است.

۱- Mr · Cunningham

۲- ضلع وتحصیل ازتقسیمات‌کشوری هند میباشدو هرضلع (شهرستان) مشتمل برچند تحصیل(بخش)بوده‌است وحاکم ضلع راضلعدار یاکلکتروحاکم تحصیل راتحصیلدارمیگفتند همچنین پرگنه باصطلاحی‌که درهندوپاکستان معمول بوده است حوزه‌بزرگه مالیاتی‌میباشد و حاکم آن را «حاکم پرگنه» میگفته‌اند.

را ازقصبه بلگرام وفرخ‌آباد وضلع علیگره ووطن خود عظیم آباد و اکبرآباد و شاهجهان آباد و از دیگران خواسته و در عرض هشت سال اشعاری از رودکی تاشعرای معاصررادراین مجموعه جمع‌آوری کردوبالاخره در۱۲۲۴ه به تسوید این تذکره پرداخت وبعداً تاهشت سال اتمام این کاربتعویق افتاد تااینکه درسال ۱۲۳۳ه آنرا باتمام رسانید.

مؤلف دردیباچه اسم کتابهای زیررا آورده‌است که از آنها درتألیف این کتاب استفاده کرده‌است:

۱ـ تحفةالسامی (تحفه سامی)
۲ـ همیشه بهار
۳ـ حیات‌الشعرا
۴ـ مردم دیده
۵ـ خلاصة الافکار
۶ـ خزانه عامره
۷ـ سروآزاد
۸ـ یدبیضا
۹ـ گل رعنا
۱۰ـ تذکره بینظیر
۱۱ـ ریاض الشعرا
۱۲ـ تذکرة المعاصرین
۱۳ـ مجمع‌النفایس
۱۴ـ منتخب اللطایف
۱۵ـ کلمات الشعرا
۱۶ـ مرآت الخیال
۱۷ـ خریطه جواهر
۱۸ـ تاریخ صبح صادق
۱۹ـ تاریخ فرشته
۲۰ـ تاریخ عالم‌آرای عباسی
۲۱ـ تاریخ بداونی
۲۲ تاریخ اکبری
۲۳ـ اخبارالاخیار
۲۴ـ تاریخ جهانگیری
۲۵ـ تاریخ شاهجهان‌نامه
۲۶ـ تاریخ عالمگیری
۲۷ـ تاریخ نادری
۲۸ـ تاریخ مرآت‌آفتاب‌نما
۲۹ـ سفینةالاولیا
۳۰ـ چراغ هدایت
۳۱ـ فرهنگ رشیدی
۳۲ـ فرهنگ‌جهانگیری.

از جمله کتب فوق حیات الشعرا متین کشمیری و خریطه‌جواهر امروز
بجا نمانده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر هزار و چهارصد و هشتاد شاعر متقدم و متوسط
و متأخر بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «شیخ ابو اسماعیل عبدالله
انصاری» شروع شده با «یوسف بلگرامی» تمام میشود.

این تذکره بسیار مفصل است و شرح حال و آثار شعرا و اشعار منتخب آنها در این
تذکره خیلی مفصل آمده است و تنها اشعار عشقی شعرا نقل و اکثر این اشعار از غزل و رباعی
انتخاب شده است.

مؤلف شرح حال اکثر شعرا را مفصل آورده است و مخصوصاً در ذیل نام شعرای
معاصر شرح حال آنها را خیلی مفصل آورده و همچنین اشعار شعرا را هم غالباً بتفصیل
نقل کرده است.

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی نثر مسجع را هم بکار برده است.
گاهی جمله ای مصنوع در معنی «فوت شد» آورده است و بعضی جاها بمناسبت
اسم یا تخلص شاعر جناس آورده است مثلا در ذیل نام بسمل مینویسد. « بسمل تیغ
فنا گردید».

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ۷۳۲

۲ـ بانکی‌پور ج ۸ ص ۷۱۶ـ۷۱۷

۳ـ رامپور ـ رجوع شود به نذیر احمد ش ۹۷ (۱۲۳۶ هـ).

٤ـ دانشگاه پنجاب ـ دو نسخه ـ یکی از این نسخه‌ها ناقص الاول و الاخر است. از روی
فهرستی که در اول کتاب (ناقص الاول) آمده است تعداد کل شعرا ۱٤۸۰ ذکر شده
اسامی شعرا هم بهم خورده و بعد از رضا قزوینی در حرف «را» ذکر امیر خسرو آمده است
ولی شرح حال وی ناقص و ناتمام مانده است. این تذکره در یک جلد است و دیباچه هم

داود و نسخه‌دیگر با شیخ عبداله انصاری شروع شده باواقف بتالوی (ناقص الاخر) تمام میشود و این نسخه متعلق بکتابخانه مولانا محمدحسین آزاد دهلوی نویسنده معروف اردو بوده و بعضی عبارات آن بخط آزاد است. اماسبك مؤلف را که اصلا خیلی مصنوع بوده اینجا بکلی تغییر داده واشعار شعرا راهم مختصر نقل کرده است.

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به نشتر عشق تحت نام عاشقی و گلشن بیخار و گارسن دتاسی ج۱ ص۲۳۵ تحت نام عاشقی و نگارستان سخن ص۵۹ و صبح گلشن ص۲۷۱ و بزم سخن ص ۸۴ واستوری ج۱ ص۸۸۶.

فهرست و اسامی شعرا

درهیچ فهرست یا کتاب دیگر ذکر نشده است.

انیس العاشقین

ابتدا

«تذکره سعادت تبصره که عزت بخش فصیح بیانان لوذعی والمعی[1] تواند بود وحمد سخن آفرینی است که بآیه وافی الهدایه فاتوبصورة من مثله کج طبعان مدرسه ضلالت و گمراهی را باعتراف ربنا ظلمنا انفسنا فاغفرلنا ذنوبنا انا کنا من الخاطئین بمقامات صدق ویقین رسانده است...».

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکره کنور رتن سنگه متخلص بزخمی است که ازطرف شاهان

۱ـ بود لوذعی المعی تیزرای (نصاب الصبیان)

اوبه القاب منشی‌الملوك فخرالدوله دبیرالملك مهاراجه (رتن‌سنگه) بهادرهوشیار
جنگ مفتخرشد. وی سکمینه کایسته[۱] بودواصلش ازبریلی بود . خانواده اواز چندین
پشت درخدمت شاهان اود بودند وجدش راجه بهگوان داس دیوان واتالیق (استاد)
وزیرالممالك نواب آصف الدوله بهادر (۱۱۸۹-۱۲۱۲ه) والی اود بودموبعداً مدتی
ناظم بریلی بود.

پدرزخمی رأی بالك رام متخلص به صبوری نایب مهاراجه چهاولال بوده درسر کار
نواب آصف الدوله سمت میر آتش راداشت وتوپخانه بالك گنج درلکنهو هنوزهم بنام
وی مشهوراست. وی مدتی صاحب دیوان نواب آصف الدوله بود. بالاخرمدرغره شوال
۱۲۱۱ه به عظیم آباد رفت ونواب مزبور که وی را خیلی دوست داشت «تاب جدائی
نیاورده» روز۲۸ربیع الاول۱۲۱۲ه ازاین سرای فانی بعالم جاودانی شتافت و بالك رام
نیزخدمت شاهی را ترك گفته از دنیا مافیها بی خبرو بی‌پروا شد و تامدتی در بلاد
مختلف هند آواره وسر گردان ماند. البته گاهی برای دیدن پسرخودزخمی میآمدو باز
بعلت شوریدگی بسر گردانی میپرداخت تابالاخره در ۱۲۶۰ه ازاین سر گردانی
راحت شده وسر بزیر خاك کشیده بخواب ابدی فرورفت.

زخمی درلکهنودرشب یکشنبه ۲۳ محرم سنه۱۱۹۷ه مطابق ۹ دسامبر ۱۷۸۲
میلادی چشم بدنیا گشود ودر آغازشباب شوق اکتساب علوم بدلش افتاد. بنابراین
بعضی زبانهای مشهور و متداول مانند فارسی وعربی وهندی وانگلیسی را بقدر
مایحتاج فرا گرفت و با علوم عقلیه ونقلیه دراین زبانها آشناشد.

مؤلف بسیرو سیاحت اکثر بلادهندوستان پرداخته و نخستین مسافرت وی
ازلکهنو به بریلی وطن آبائی وی بود . سپس در۱۲۱۸ ه به کلکته رفت و آنجا چند

۱- فرقه‌ایست ازهندوها که بعضی افرادآن ازعلماوفضلای معروف عربی وفارسی بوده‌اند
وامروزهم بیش ازسایراقوام هندو بزبانهای عربی وفارسی ذوق وعلاقه دارند.

سال درخدمت ابست اندیا کمپنی[1] بود. بالاخره در ١٢٣٠ه به لکهنو مراجعت نموده درخدمت شاه اود درآمد.

وی درزمان غـازی الدین حیدر اولین پـادشـاه اود و پسروی نصیرالدین حیدر دومین پادشاه اود بلقب وخدمت منشی‌الملوکی ملقب ومامورشد ودرزمان محمدعلی‌شاه سومین پادشاه‌اود بسمت دیوانی آن ریاست[2] و به‌لقب‌مهاراجگی‌مفتخر وبالاخره وزیردارائی اود شد.

زخمی گاهگاهی بسیاحت نقاط مختلف هندوستان می‌پرداخت. در موقع تألیف این کتاب (١٢٣٩ یا ١٢٤٥ ه) اکثر اوقات خودرا در بریلی بسرمیبرد و گاهی به‌لکهنو میرفت.

«بعنایت ... میرزا حسن (متخلص به) قتیل ... (فن) شعر گفتن» راآموخت و بسبك شعرای متقدم شعر میسرود وبفارسی دیوانی ترتیب داده بود.

درسال ١٢٦٣ ه زخمی مسلمان شدو بعدازسه‌سال‌در١٢٦٧ ه(١٨٥٠ ـ ١٨٥١م) فـوت کـرد. اشپرنگر نیز سال وفات وی را ١٨٥٠ یـا ١٨٥١ مـیلادی ثبت

---

١ ـ شرکت هند شرقی‌که درسنه ١٦٠٠ م بوجود آمد . در اول یك شرکت بازرگانی وتجاری بیش نبود اما بتدریج از اوضاع وخیم سیاسی هندوستان سوء استفاده کرده در امور سیاسی آن مملکت دخالت نمود وبالاخره در نتیجه دسایس وتوطئه های متوالی درآن کشور تسلط پیدا کرده وموسس و بنیان‌گذار حکومت انگلیس درهندوستان شد تا اینکه در ١٨٥٧ م وکتوریه ملکه انگلستان زمام امور سلطنت‌هند را مستقیماً بدست خود گرفت و هندوستان را جزو مستعمرات انگلستان اعلام نمود وبدین ترتیب به‌حکومت کمپنی مزبور در هندوستان خاتمه‌داد .

٢ ـ ناحیه‌های نیم مستقلی‌که حکام‌آنجا را درشبه قاره هندوستان نواب وراجه و مهاراجه میگفته‌اند مانند حیدر آباد دکن‌وکشمیروغیره.

کرده است؛[۱]

بقول مؤلف «صبح گلشن» زخمی با اکثر علوم عربی وفارسی وترکی وانگلیسی و سنسکریت آشنائی داشت . وی پسری داشت بنام کنور دولت سنگه شکری که درعنفوان جوانی فوت کرد و بقول مؤلف «صبح گلشن» «در جمله فنون از پدر خود نیز قدم فراتر میگذاشت»

آثار مولف

۱ــ جام گیتی نما ــ برای نسخه رجوع شود به ریوص ۱۰۹۶

۲ــ سلطان التواریخ ــ تاریخ مفصل شاهان اوداست وشامل وقایع تاریخی تا مرگ محمد علی‌شاه پادشاه اود (۱۲۵۸هـ) میباشد ــ مؤلف آنجا شرح حال خود وا نسبة مفصل آورده است ــ برای نسخ رجوع شود به ریو ج ۳ ص ۹۶۲ (مورخ ۱۲۶۵ هـ) واندیا آفس ۳۹۶۱ (مورخ ۱۸۷۸ م)

۳ــ دیوان فارسی ــ نسخه آن در دانشگاه لاهور در کلکسیون شیرانی موجود است.

٤ــ انیس العاشقین ــ تذکره مورد بحث .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را ظاهراً در ۱۲٤٥ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیباچه نسخه خطی دانشگاه لاهور مینویسد که وی این کتاب را بسال یکهزار و دوصد (دویست) وچهل وپنج ۱۲٤٥ هـ تألیف نموده است. اما در خاتمه جلد دوم ورتوگراف (عکسهای) نسخه کتابخانه لاله ماتاپرشاد عبارت زیر آمده است: بست وهفتم (بیست‌وهفتم) رمضان المبارك سنه ۱۲۳٦ هجری مطابق بست و

۱ــ بقول ریو نسخه‌ای از سلطان التواریخ تألیف رتن سنگه زخمی درموزه بریتانیا موجوداست که مؤلف آنرا به سر اجام ایلیات در ۱۸٥۱ م تقدیم کرده است(ر.ك. ریو ج ۳ ص ۹٦۲). ازاین معلوم میشود که مؤلف این کتاب را چندی قبل از مرگ خود به سرایلیات تقدیم کرده ودرهمان سال گذشته است.

در تذکره «محبوب الزمن» سال وفات او ١٢٤٧ھ ضبط شده ولی در گلزار
اعظم» و «نتایج الافکار» و «اشارات بینش» ١٢٤٨ھ آمده است. در تذکره «سخنوران
بلندفکر» (اردو) قطعه تاریخ وفات رایق که سید ابوطیب خان والا گفته بدین قرار
آمده است :

داروی اجل چو خورد رایق	با بدرقه گلاب ایمان
سالش ز سر بکا دلم گفت	حقا کز دهر رفت لقمان

بقول مؤلف «سخنوران بلندفکر» (اردو) اینجا از سر بکا تعمیه است یعنی باید عدد
«ب» = ٢ را بعد مصرعه دوم = ١٢٥١ اضافه کرد و بدین ترتیب سال وفات رایق (١٢٥٣ھ)
بر میآید که با اصل سال وفات رایق که بقول مؤلف گلزار اعظم وغیره ١٢٤٨ھ است پنج
سال فرق دارد. اما حقیقت اینست که بمؤلف سخنوران بلند فکر اشتباه دست داده و باید
عدد ٢ را از ١٢٥١ منها کرد و در نتیجه ١٢٤٩ بدست میآید که فقط یکسال از وفات رایق
که بقول مؤلف گلزار اعظم وغیره ١٢٤٨ھ میباشد فرق دارد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ١٢١٠ھ آغاز نموده چنانکه اسم تذکره ازروی
ابجد میرساند و در بین ١٢٤٤ و ١٢٤٨ باتمام رسانیده است اما بروایت صاحب «گلزار
اعظم» سال اتمام این کتاب ١٢٤٠ است چنانکه «گلدسته زیبای کرناتك» میرساند.
این تذکره مشتمل است بر ذکر ٧٠ شاعر بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا
تخلص شاعر که در کرناتك در اواخر قرن ١٨ و اوایل قرن ١٩م زندگی میکرده اند
چون مؤلف باتمام این شعرا آشنا بود و آنها همشهری وی بودند بنابراین اطلاعاتی که
دراین تذکره درباره این شعرا بهم رسانیده است اعم از اینکه در دربار یا خارج از دربار
بودند درهر حال قابل اعتماد و اعتبار است.

نسخ خطی

برای شرح حال مولف رجوع شود به گلدسته کرناتك و نتایج الافکار ص ١٨٩
وصبح وطن ص ٨-٨١ و گلزار اعظم ص ٢١٢ و اشارات بینش ش ٤٩ ص ٩٤-٩٥ و حدیقة المرام

(بزبان عربی) تألیف مولوی محمد مهدی واصف مدراس چاپ مدراس ۱۲۸۹ ه ص۴ـ۲۳واستوری ج۱ص ۸۹۰وسخنوران بلندفکر (اردو) تألیف مولوی محمد منور گوهرچاپ دانشگاه مدراس هندوستان ۱۲۵۲ه)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ایوانودیل اول ص۸ـ۱۰ (اسم ۷۰ شاعر)

محك شعرا

ابتدا

ای حمدتو آب وتاب ابحارسخن	وی ذکر تو چشمه سارانهارسخن
از فیض ثنای توتمامی مه وسال	آسیب خزان ندیده گلزارسخن

بی بهاحمدی که شمیمش دلهای مرده را زندگی دهدو جانفزاشکری که نسیمش جانهای پژمرده را تازگی بخشد حمد محمودیست جل جلاله و شکر منعمیست عم نواله ...»

مؤلف

اسم مؤلف محمدصالح شاملوی خراسانی است که ازمعاصرین فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ـ۱۲۶۰ه) بود. (شرح حال مؤلف بدست نیامد).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۵۲ه تألیف نموده است. (رجوع شود به مقدمه کتاب).

درمورد سبب تألیف کتاب مؤلف درمقدمه چنین توضیح میدهد که ازمدتی وی بفکر جمع آوری منتخبات اشعار شعرای معاصر بود امابعلت گرفتاریهای گونان این فکر صورت عمل نمیگرفت تااینکه درسال ۱۲۵۲ه در بلده حیدرآباد سندجمعی

ازدوستان ...[۱]

این کتاب مشتمل است بر ذکر ۱۸۱ تن سخنگو بشمول فتحعلی شاه و شاهزادگان
وامرا و شعرای زمان وی و با «فتحعلی شاه قاجار» شروع شده با «میرزا وصال شیرازی»
تمام می‌شود.

مؤلف درذیل شرح حال اکثر شعرا اطلاعات مهم زندگانی آنهارا مانند سال و
محل ولادت وغیرمرا نیاورده است واغلب بعبارت آرائی پرداختمو از اکثر شعرا دردوسه
سطر یاد کردمو از آنها دوسه بیت را نقل کرده است.

عجیب اینست که اکثر شعرای این کتاب معاصر مؤلف و حتی از رفقا و آشنایان وی
بوده اند اما مؤلف شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده و اکثر اطلاعات ضروری
را درباره زندگی آنها نداده است.

اکثر شعرای این تذکره درتذکره‌های معاصر ایران ذکر شده اما ذکر بعضی
از آنها مخصوصاً ذکر شعرای متأخر هندوستان درتذکره‌های دیگر ایران نیامده
است اما بعضی از آنها در تذکره های هند ذکر شده اند . از جمله شعرای این
تذکره شعرای زیر یا اصلا هندی بوده یا درموقع تألیف این تذکره درهند اقامت
داشته‌اند .

چراغ علیخان آصف جاهی فطرت مازندرانی وعباسقلی خان نصرت خان الشهیر
به دکنی ومیرغضنفر علیخان آزاد کشمیری ومیرزا نورالعین واقف هندی شاهجهان
آبادی[۲] و برهان قلی خان لکناهوری(لکهنوی) ومیر محمدحسین لکناهوری(لکهنوی)
ومیرزا محمد فاخر مکین نطنزی[۳] ومیرزا علینقی خان نقی لاهوری .

درذیل نام اشخاص زیر مؤلف شرح حال آنهارا نسبة مفصل آورده است : نشاط
اصفهانی وطایر شیرازی وفاضل خان ساوی همدانی(هر کدام در۲ص) و بسمل شیرازی

۱– درنسخه کتابخانه‌ملک این عبارت ناتمام مانده است.
۲– برای نورالعین واقف ر.ك. «مردم دیده» ۳–برای میرزا محمد فاخر مکین ر.ك.
«انیس الاحباء».

ذکر پادشاه

۱- فتحعلیشاه قاجار

ذکر شاهزادگان فتحعلی‌شاه

۲- نواب محمد علی‌میرزا
۳- شاهزاده حسین‌علی‌میرزا
۴- نواب محمدقلی‌میرزا خسروی
۵- نواب محمدتقی‌میرزا شوکت
۶- نواب علیشاه ظل‌السلطان
۷- شیخ علی‌میرزا شاپور
۸- عبدالله میرزا
۹- نواب امام ویردی میرزا
۱۰- نواب محمود میرزا
۱۱- نواب محمد رضامیرزا افسر
۱۲- نواب حیدرقلی‌میرزا خاور
۱۳- نواب همایون میرزا حشمت

ذکر امرای زمان فتحعلی‌شاه قاجار

۱۴- ابراهیم‌خان طغرل
۱۵- سلیمانخان عزت
۱۶- محمد قاسم‌خان شوکت
۱۷- الله یارخان

ذکر شعرای زمان فتحعلی شاه

۱۸- نیری شیرازی
۱۹- میرزا رضی تبریزی
۲۰- میرزا سحاب اصفهانی
۲۱- میرزا صبوری کاشی
۲۲- ملك الشعرا صبای کاشی
۲۳- میرزا مفتون شیرازی
۲۴- مولانا نشاط اصفهانی
۲۵- خاوری تبریزی
۲۶- حسین علی‌بیگ شرر اصفهانی
۲۷- سلیمان صباحی کاشی
۲۸- میرزا مائل طهرانی
۲۹- میرزا سیدحسین مجمر اصفهانی
۳۰- میرزا صادق همای مروی
۳۱- میرزا داود بینوای مشهدی
۳۲- میرزا بوالحسن شیدای یزدی
۳۳- آقامحمد علی‌شیدای اصفهانی
۳۴- آقامحمد صفای اصفهانی
۳۵- میرزا سعیدفدای اردستانی
۳۶- منت علی‌بیگ‌نوای شیرازی
۳۷- میرزا محمدعلی وفای اصفهانی
۳۸- میرزا محمد حسین وفای فراهانی
۳۹- میرزا ابوالحسن یغمای جندقی

٤٠ـ میرزا عبدالله خان شهاب ترشیزی ٤١ـ میرزا محمدتقی صاحب مازندرانی

٤٢ـ میرزا محمدرفیع خان طرب شیرازی ٤٣ـ ملك الشعرا محمدحسین خان عندلیب کاشی

٤٤ـ میرزا عبدالعلی کوکب یزدی ٤٥ـ آقا میرزا محمدصادق کوکب شیرازی

٤٦ـ میرزا مرتضی محجوب ترشیزی ٤٧ـ میرزا حیدرعلی محجوب شیرازی

٤٨ـ میرزا محمد قلی الفت کاشی ٤٩ـ محمودخان الفت شیرازی

٥٠ـ آقامیرزا محمدحسین عشرت شیرازی ٥١ . ملامحمد تقی حسرت همدانی

٥٢ـ میرزا علی خان بیگ حسرت اصفهانی ٥٣ـ ملاباقر صحبت لاری.

٥٤ـ آقامحمد طلعت اصفهانی ٥٥ـ بی بی عفت شیرازی

٥٦ـ بی بی عشرت ٥٧ـ بی بی عشرت شیرازی

٥٨ـ محمد امین بیك فطرت اصفهانی ٥٩ـ چراغ علیخان آصفجاهی فطرت مازندرانی

٦٠ـ میرزا سید نعمت الله فکرت مازندرانی ٦١ـ عباس قلی خان نصرت الشهیر به دکنی

٦٢ـ میرزا سلطان بیك نصرت گیلانی ٦٣ـ میرزا محمدحسین نصرت شیرازی

٦٤ـ میرزا رضاقلی بیگ هدایت دامغانی ٦٥ـ محمدحسن خان فرخ خان زند ملقب به خانلرخان

٦٦ـ میرغضنفر علی خان آزاد کشمیری ٦٧ـ میرزا محمدخان امید اصفهانی

٦٨ـ میرزا ابوالحسن امید نهاوندی ٦٩ـ میرزا جواد اصفهانی

٧٠ـ حاجی عابد اصفهانی ٧١ـ آقامحمد شیرازی

٧٢ـ میرزا احمدبیگ اختر گرجی ٧٣ـ میرزا علی اکبر اصفهانی

٧٤ـ ابراهیم خان انور شیرازی ٧٥ ـ میرزا شیخ محمدعلی بهادر دارابجسردی

٧٦ـ آقاحسین بیمار شیرازی ٧٧ـ محمودخان خاور آذربایجانی

٧٨ـ مولانا حاجی شیخ محمد ساغر خزرعی ٧٩ـ محمدنبی خان سفیر شیرازی

٨٠ـ حسین علی بیك شرر اصفهانی ٨١ـ میرزا علی نقی جابر شیرازی

۸۲ـ میرزا احمد صبور کاشی
۸۳ـ حسنعلی خان طایر شیرازی
۸۴ـ آقا لطفی فکار شیرازی
۸۵ـ میرزا محمدحسین مجمر اردستانی
۸۶ـ میرزا رضا منصور اصفهانی
۸۷ـ آقا میرزا محمد ابراهیم منظور شیرازی
۸۸ـ میرزا امان‌الله بیگ کاتب اصفهانی
۸۹ـ میرزا محمد مظهر اصفهانی
۹۰ـ میرزا سیدعلی نیاز شیرازی
۹۱ـ سیدحسین نیاز جوشقانی
۹۲ـ میرزا یوسف انیس نهاوندی
۹۳ـ میرزا ابوالحسن فردوس شیرازی
۹۴ـ میرزا محمد مونس اصفهانی
۹۵ـ میرزا محمدرضا مونس اصفهانی
۹۶ـ میرزا محمدعلی دانش اصفهانی
۹۷ـ میرزا عبدالرحیم دانش شیرازی
۹۸ـ ملادرویش قائنی
۹۹ـ میرزا محمدنبی مخلص شیرازی
۱۰۰ـ آقا میرزا بابا عارض اصفهانی
۱۰۱ـ میرزا معصوم محیط
۱۰۲ـ شیخ محمد قانع شیرازی
۱۰۳ـ آقا محمدجعفر مطبوع شیرازی
۱۰۴ـ میرزا ابوالحسن حریف جندقی
۱۰۵ـ میرزا محمدحسن ظریف اصفهانی
۱۰۶ـ شیخ عابد عارف کازرونی
۱۰۷ـ آقا محمدتقی عارف اصفهانی
۱۰۸ـ میرزا انورالعین واقف هندی شاه‌جهان آبادی
۱۰۹ـ هادی بیگ شایق هندی
۱۱۰ـ آقا علی عسکر شایق اصفهانی
۱۱۱ـ میرزا مرادبیگ مشفق شیرازی
۱۱۲ـ میرزا صادق ناطق اصفهانی
۱۱۳ـ میرزا محمدعلی واقف یزدی
۱۱۴ـ آقا محمدصالح واقف اصفهانی
۱۱۵ـ میرزا محمدرحیم بیدل شیرازی
۱۱۶ـ میرزا محمدامین خان بیدل نیشابوری
۱۱۷ـ آقا میرزا جانی سائل شیرازی
۱۱۸ـ میرزا محمدعلی مایل آشتیانی
۱۱۹ـ آقا محمد قائل شیراز
۱۲۰ـ شیخ محمدرحیم سایل اصفهانی
۱۲۱ـ میرزا ابوالقاسم آذربایجانی
۱۲۲ـ میرزا ابوالقاسم شیرازی
۱۲۳ـ میرزا نجفعلی خرم شیرازی
۱۲۴ـ میرزا هاشم خرم اصفهانی
۱۲۵ـ محمدحسین خرم خراسانی

١٢٦ـ میرزا علی قایم‌مقام فراهانی

١٢٧ـ آقامیرزا حسن‌علی محروم شیرازی

١٢٨ـ میرزا منعم شیرازی

١٢٩ـ ملامحمد نادم شیرازی

١٣٠ـ میرزا مرتضی بیگ پریشان

١٣١ـ برهانقلیخان اکناهوری (لکهنوی)

١٣٢ـ ملاحسن نهاوندی

١٣٣ـ ملاحسین مازندرانی

١٣٤ ـ میر محمد حسین هندی لکناهوری (لکهنوی)

١٣٥ـ میرزا محمدعلی حیران یزدی

١٣٦ـ میرزا عبدالرسول حیران رشتی

١٣٧ـ میرزا احمد روشن شیرازی

١٣٨ـ میرزا محمدعلی گلشن زنگنه

١٣٩ـ میرزا محمد فاخر مکین نطنزی

١٤٠ـ میرزا محمدحسین مجنون شیرازی

١٤١ـ عبدالرزاق بیگ مفتون تبریزی

١٤٢ـ میرزا رفیع مفتون قمی

١٤٣ـ شیخ عبدالمعال همایون اصفهانی

١٤٤ـ آقا چماقلوی مازندرانی

١٤٥ـ میرزا آقاعلی اشرف آگه شیرازی

١٤٦ـ میرزا کلب حسین بیگ آشفته ایروانی

١٤٧ـ میرزا عبدالغنی ذره تفرشی

١٤٨ـ محمدمهدی خان شحنه مازندرانی

١٤٩ـ میرزا عبدالوهاب قطره اصفهانی

١٥٠ـ میرزا احمد کشته نطنزی

١٥١ـ نصرالله خان قراگوزلو

١٥٢ـ آقامیرزا محمدکاظم واله اصفهانی

١٥٣ـ میرزا عبدالباقی باقی اصفهانی

١٥٤ـ آقامیرزا رجب‌علی تسلی شیرازی

١٥٥ـ میرزا محمدحسین جانی شیرازی

١٥٦ـ میرزا حسین حسینی یزدی

١٥٧ـ میرزا فضل‌الله خاور شیرازی

١٥٨ـ آقابزرگ میرزا ذوقی شیرازی

١٥٩ـ میرزا فاضل‌خان راوی همدانی

١٦٠ـ میرزا محمدعلی رفیقی

١٦١ـ آقا میرزا محمد ابراهیم کاشانی

١٦٢ـ میرزا رضاقلی رفیقی مازندرانی

١٦٣ـ میرزا صفی کاشانی

١٦٤ـ آقامیرزا محمد صفائی کرمانی

١٦٥ـ میرزا محمدعلی صفائی یزدی

١٦٦ـ میرزا صفرعلی بیگ فردی زند شیرازی

١٦٧ـ میرزا محمدحسین عالی شیرازی

۱۶۸-آقاعلی شیرازی

۱۶۹-حاجی حسین حامی شیرازی

۱۷۰-آقامیرزا محمدجعفر فدوی

۱۷۱-میرزامحمد فکاری اردکانی

۱۷۲-آقامیرزا عبدالرحیم قضائی یزدی

۱۷۳-مهدی بیگ شقاقی آذربایجانی

۱۷۴ ـ میرزا محمد حسین یاری الشهیر به‌خراسانی

۱۷۵ ـ میرزا محمدباقر بیگ گرجی اصفهانی

۱۷۶- میرزا علینقی‌خان نقی لاهوری

۱۷۷- میرزا عباس نشاطی مازندرانی

۱۷۸-نورعلیشاه اصفهانی

۱۷۹- میرزامهدی شیرازی

۱۸۰-حاجی علی‌اکبر بسمل شیرازی

۱۸۱-میرزا محمدشفیع وصال شیرازی

معراج الخیال

ابتدا

«عنبرین زلف رعنا(ی) شاهد سخن را شانه‌زنی‌فرمودن بنام پاك نطق آموزی میزیبد تعالی‌شأنه که طبع رنگین‌خیالان صائب‌افکار گل در گریبان‌از بهارمکرمتش و اندیشه نازك تلاشان عالی دستگاه گهر بدامان از نیسان‌مرحمتش»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب وزیرعلی متخلص به‌عبرتی‌است. وی درعظیم آباد پتنه متولدشد و شاگرد راجاپیاری لال‌الفتی (متوفی۱۲۵۴هـ) بودو بعدازاتمام تحصیلات درخدمت رئیس‌الامرا روشن‌الملك مبارك‌الدوله نواب محمدمهدی‌قلی‌خان بهادر شوکت‌جنگ درآمد و اتالیق محمدحسن‌خان بهادر تهور شوکت جنگ مزبور هم بود. چون فخرالامرا مبارزالملك ضیاءالدوله نواب سیدمحمدحسن‌خان بهادر

تهورجنگ که در کلکته بود بهعظیم آباد رفت عبرتی بسمت منشی او منصوب شد و باتفاق او به بنارس هم رفت .

عبرتی بعداز تألیف «اعجازالمحبت» (۱۲۴۷ه) بکلکته رفت وچندماه در آنجا بسیاحت و گردش پرداخت وسپس بدهاکا (درپاکستان شرقی امروز) نیز رفت .
عبرتی در تذکره خود شرح حال بعضی شعرا وامرای آن شهر را آورده است . درهمان سال ۱۲۴۷ ه دوباره به بنگال رفت اما قبل از ۱۲۵۰ه بهعظیم آباد (پتنه) مراجعت نمود چنانکه دررقعهای (نامهای) درمصباح الاخلاق (تألیف ۱۲۵۰ه) مینویسد: «هنگام ـ بازگشت ازجهانگیرنگر (دهاکه) حال در گذشتن پدرپیر آن جوان سال (را) شنیدم» همچنین رقعهای (نامهای) کهدر «ریاض الافکار» عبرتی موجوداست و نواب تهورجنگ (متوفی در ۱۲۵۰ه) بهمؤلف نوشته است چنان میرساند کهمؤلف در آن وقت ترك ملازمت نواب کرده بودو نواب براین واقعه اظهار تأسف میکند اما اجازه میدهد کهعبرتی در وطن خود (عظیم آباد) زندگی کند .

عبرتی درعظیم آباد (پتنه) درخدمت راجا بهوپ سنگه درآمدو به معلمی مهیت سنگه پسر راجای مزبور مأمور شد . راجا بهوپ سنگه شعرهم میسرود و ولا تخلص میکرد . قبل از ۱۲۶۶ه عبرتی بر نظارت مأمور بود امادر نتیجه خیانت رای شنکر لعل (صدر اعظم پتنه) عبرتی مجبور شد آنرا ترك گوید چنانکه شرح آنرا در «جام جهان نما» تألیف ۱۲۶۶ه آورده است . عبرتی بعداز ترك خدمت فوق درخدمت نواب سید ولایت علیخان در آمد ودرهمان ایام «جام جهان نما» را تألیف کرد .

آخرین کتاب عبرتی «ریاض الافکار» است که وی بسال ۱۲۶۸ه تألیف نموده است بعداز آن تاریخ احوال وی بدست نرسید .

عبرتی شیعه اثناعشری بود وبزبانهای فارسی وعربی تسلط کافی داشت وغالباً متوجه نوشتن نثر بوده و کمتر بگفتن شعر میپرداخت .

آثارمؤلف

آثارفارسی عبرتی بقرار زیراست :

۱ – اعجازالمحبت – اولین تألیف عبرتی است که وی بسال ۱۲۶۷ هـ نوشته است . این کتاب دراصل خلاصه مثنوی «نلدمن» فیضی است بنثر فارسی. برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو- کرزن ش۲۵۹.

۲ – مصباح‌الاخلاق – مجموعه ۱۷۶ رقعه (نامه) عبرتی است که وی بسال ۱۲۵۰ هـ ترتیب داده وبزبان بسیارمصنوع ومغلق نوشته است. برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو کرزن ش ۵۰۷.

۳ – معراج‌العشاق – مشتمل است برداستان لیلی ومجنون که مؤلف مثنوی «لیلی و مجنون» هاتفی را بسال ۱۲۵۱ هـ بنثردر آورده است – برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو- کرزن ش ۲۴۶ .

۴ – سراج‌المحبت – مشتملست برداستان «هیرورانجها» که مؤلف مثنوی «هیرورانجها» تألیف میوقمرالدین را در ۱۲۵۴ هـ بصورت نثر در آورده است. برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو- کرزن ش ۳۱۴.

۵ – معراج‌الخیال – تذکره مورد بحث .

۶ – جام جهان نما – تاریخ هندوستان است اززمان ورود انگلیسها به هندوستان تازمان تسلط آنها بر آنکشور . نسخه ای ازاین کتاب در مدرسه سلیمانیه شهر پتنه موجود است .

۷ – ریاض‌الافکار – تذکره نثر نگاران است که بسیاری از آنها شاعرهم بودند مخصوصاً ازقرن ۱۷ و۱۸ و۱۹ میلادی واکثرشان هندی‌الاصل بوده یا ایرانی‌الاصل که درهندوستان سکونت داشته‌اند . این تذکره درسال ۱۲۶۸ هـ باتمام رسید ومشتمل است بر۲۸ «خیابان» (هرخیابان برای یك حرف). برای نسخ آن رجوع شود بـه بوهار ۹۳ (۱۲۸۲ هـ) وبانکی پورذیل ج ۱ ش ۱۷۸۴ (مورخ ۱۲۷۲ فصلی) که فهرست اسامی این تذکره هم در آنجا آمده است .

دکتر اختر اورینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پتنه در کتاب خود بزبان اردو «بهار مین اودو زبان وادب کا ارتقا ۱۸۵۷ء تك» (تطور و تحول زبان و ادبیات اردو در بهار تا سال ۱۸۵۷م) چاپ پتنه مارس ۱۹۵۷ میلادی در صفحات ۳۲۷ و ۳۲۸ اسم تذکره‌ای بنام «روز روشن» تألیف ۱۲۶۰ه از تالیفات وزیر علی عبرتی عظیم آبادی ذکر نموده است اما ظاهراً این همان «معراج الخیال» عبرتی است که دکتر مز بور هم در ص ۳۴ اسم آن را آورده است. سپس در ص ۳۴۳ دکتر اورینوی تنها «تذکره عبرتی» نوشته است و معلوم نیست منظور او کدام تذکره عبرتی است .

همچنین شاد عظیم آبادی در «حیات فریاد»[1] مینویسد که عبرتی یوسف و زلیخا و اسکندر نامه را هم بنثر در آورده و «مکاتیب مهپت سنگه» شاگرد خود را نیز گرد آورده بود. اما نسخه‌ای از این کتابها در هیچ جا پیدا نیست .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۵۷ه[2] تألیف نموده است چنانکه بیت آخر قطعه زیر که در خاتمه کتاب آورده است میرساند :

چو فکر سال ترتیبش نمودم   چکید از خامه‌ام « نظم روانی »

(=۱۲٦٧ه)

درباره سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب بنثر مصنوع نوشته است که وی چون بشعر خیلی علاقه داشت اکثر اوقات خود را بمطالعه دیوانهای اساتید سخن از هند و ایران میگذراند و از دیوانهای شعرا غزلی که مورد پسند خاطر مؤلف قرار میگرفت آنرا با شرح حال شاعر از تذکره‌های مختلف یادداشت میکرد و چون مؤلف مناسب ندید که آن مجموعه «دلگشا» تلف شود بنا بر این از روی آن یادداشتها این تذکره را ترتیب داد .

---

۱ ـ برای شرح حال فریاد ر.ك. معراج الخیال .

۲ ـ اما بعضی مطالب را تا ۱۲٦۲ ه بعداً اضافه کرده است چنانکه در ذیل فرقتی و مولوی انورعلی یأس سال فوت آنها (۱۲٦۲ه) را ذکر نموده است .

مؤلف درمقدمه اسم کتابهای زیر راآورده‌است که درتألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته‌است :

۱ – نشترعشق ۲– سروآزاد ۳– یدبیضا ٤ ـ طبقات‌الشعرا
٥ ـ آتشکده آذر ٦– ریاض‌الشعرا .

امادرشرح حال‌شعرا اسم کتابهای زیررانیز آورده‌است

۱– مرآت‌الخیال (رجوع‌شود به‌فانی)

۲ – تذکره صحایف شرایف تألیف میرمحمدعسکری (رجوع‌شودبه رما) .

۳– تذکره‌دولتشاه (رجوع‌شودبه‌سلمان) ٤-تاریخ‌فرشته(رجوع‌شودبه‌صادق)

٥ ـ تحفة‌السامی تالیف اسمعیل‌حسینی (رجوع شودبه شرح حال مانی ومومن)

این‌تذکره مشتملست برذکردویست‌وپنج[1] شاعرمتقدم‌ومتوسط‌ومتأخرمخصوصاً ازقرن۱۸و۱۹میلادی بترتیب الفبا ازروی حرف اول‌اسم‌یا تخلص‌شاعر وبا «ابدال» شروع‌شده با «یوسف‌شاملو» تمام‌میشود. این کتاب مشتملست بربیست وهشت‌انجمن وهرانجمن برای‌یک‌حرف مخصوص است بقرارزیر :

انجمن اول مشتمل برافکاربیست وهفت‌تن[2] ازجادونفسان‌است که جان‌سخن پروانه‌شمع‌ایشان .

انجمن‌دوم مشتمل‌برافکارنه تن[3] ازبرجسته خیالان‌است که طبع درخشانشان غیرت عمان .

انجمن‌سوم مشتمل‌برافکار چهارتن ازبلاغت گستران‌یکه پیوند است که طبع مضمونشان معانی‌را حلی بند .

---

۱ – مؤلف درخاتمه « دوصد (دویست) شیرین رقمها » نوشته‌است بقول پروفسور محفوظ‌الحق عده‌شعرای‌این کتاب‌دویست‌وسه (۲۰۳) است امادرنسخه‌دانشگاه‌لاهورذکر۲۰۵ شاعرآمده‌است

۲و۳ ـ درخودکتاب بترتیب ذکربیست و شش و یازده تن‌آمده است (رجوع شود به‌نسخه دانشگاه لاهور).

انجمن چهارم مشتمل برافکار دوتن ازمعنی رسان کهنه خیال است که خامه ازگلریزی طبع‌شان نهال .

انجمن پنجم مشتمل برافکاردوتن ازمعانی‌پرورانست که نزهتشان نشتریست خون‌چکان .

انجمن ششم مشتمل برافکار ده تن ازصائب تلاشانست که بعذوبت کلامشان شنیدن‌را آب درهان .

انجمن هفتم مشتمل برافکارچهارتن‌ازشیرین‌تلاشانست که‌شور کلامشان برزخم جگر نمك پاشان .

انجمن هشتم‌مشتمل برافکار دوتن‌ازاعجازدستگاهانست که طرزبیانشان‌بدل سامعین‌الماس‌فشان .

انجمن نهم مشتمل‌برافکار دوتن ازعرش‌خیال جادو تلاشانست کـه برنگینی کلامشان شنیدن‌راصد گلستان‌بدامان .

انجمن دهم مشتمل برافکارنه‌تن ازدل کبابانست که‌رحیق‌خیالشان‌نشه‌بخش دماغ‌معنی‌یابان .

انجمن یازدهم مشتمل بر افکار دو تن از همه درد مو شکافانست که هربیت خیزشان هوش‌ربای‌سینه صافان .

انجمن دوازدهم مشتمل برافکار چهارتن‌ازشیرین تلاشانست که شور کلامشان برزخم‌جگر نمك‌پاشان

انجمن سیزدهم‌مشتمل برافکارهفت‌تن[1] ازهمه‌سوزعالی دستگاهانست که هر مصرعه‌پیچیده‌شان مانا بزلف‌نگاهان .

انجمن چهاردهم مشتمل برافکارهشت‌تن‌ازسراپا اعجاز ادابندانست که‌هرشعر شورآموزشان‌برق خرمن‌شکیب نزاکت‌پسندان.

۱ـ درخود کتاب بترتیب‌ذکر بیست وشش ـ یازده ـ ده‌تن آمده است . (رجوع شود به‌نسخه دانشگاه‌لاهور) .

« بیست‌وششم » » شش تن [1] ازسخنورانست که جنس خامه‌شان حان معنی‌پروران.

« بیست‌وهفتم » » سه تن ازفصاحت اندیشانست که سلمای کلاه‌شان هوش‌ربای مهر کیشان.

« بیست‌وهشتم » » پنج تن ازشعله بیانانست که هر صفحه دیوانشان دیده فروزتر ازرخ‌جانان .

مؤلف در این تذکره انتخاب اشعار شعرا را تنها از غزلیات آورده است ودرذیل نام‌هرشاعریك‌غزل(غالباً) کامل نقل کرده‌است.

شرح حال شعرا غالباً جامع است و اکثرا اطلاعات مهم راجع بزندگانی شعرا را ذکر نموده‌است.

درمورد شعرای زیر مـؤلف میگوید که آنها در زمان وی درقید حیات بودند :

اختروبسمل(مولوی‌مهدی‌علی)وحسرت‌وحسرتی‌وذبیح‌وشفاوضمیروعظیم‌وغالب وفرقتی وفریاد و کوکب‌ویکتا(میرزانوروزعلی‌خان) .

در ذیل نام ۸۷ تن شاعر سال وفاتشان را ذکرنکرده است اما در ذیل نام بقیه شان (غیر از شعرائی که در زمان او در قید حیات بودند) سال وفاتشان را ذکر نموده است.

مؤلف اکثر مطالبرا ازتذکره های دیگر نقل کرده‌است اما اگر قدری بیشترزحمت میکشید میتوانست شرح‌حال‌بقیه شعرارا نیز جامع‌تربیاوردمخصوصاً در مورد اسیرو اعظم وآفرین ونواب عاقل خان رازی وشاپور و شوکت و طغری وغنیمت وغیره.

دیوانهای‌اکثرشعرا راخودش مطالعه کرده‌است وغزلی که خیلی مورد پسند

۱ـ در خود کتاب ذکر هشت تن آمده است : (رجوع شود به نسخه دانشگاه لاهور)

از پروفسور محمد محفوظ الحق در مجله ندیم (اردو) پتنه (بهار نمبر) مورخ جولائی و اگست (ژوئیه و اوت) ۱۹۳۳ میلادی ۰ استوری ج ۱ ص ۹۰۰.
برای **فهرست اسامی** تنها ۲۳ شاعر معاصر مؤلف رجوع شود به ایوانو. کرزن ۸-۶۷

صبح وطن

ابتدا

«خدا در انتظار حمد ما نیست   محمد چشم بر راه ثنا نیست

اما بعد غلام پر ازلوث محمدغوث کان الله له که عکس پذیر سجنجل ضمیر تلامذه رحمان که رفعتشان.....»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمدغوث و القاب وی امیرالهند والاجاه عمدة الامرا مختار الملك عظیم الدوله خان بهادر شهامت جنگ و تخلص وی اعظم بوده و وی پسر نواب امیرالهند فخرالامرا مدارالملك روشن الدوله محمد منصورخان بهادر بهادرجنگ سپهسالار و صوبه‌دار (استاندار) ملك کرناتك (۴۱-۱۲۱۴ه) بود. نسبش ازجانب پدر به سی ودو واسطه بحضرت عمر و ازجانب مادر به بیست وشش واسطه بامام حسین میرسید. مادرش فرزند ضیاء الدوله بهادر و نبیره نواب ضیاء الملك حیدرآباد دکن بود.

نواب اعظم ساعت ده روز چهارشنبه ۲۹ ذوالحجه ۱۲۳۹ه بدنیا آمد و هنوز پانزده ماه[1] بیش نگذشته بود که ازسایه پدر محروم شد. روز دوم چهلم پدر بتاریخ ۲۵ اوت ۱۸۴۲ میلادی (مطابق ۱۷ رمضان ۱۲۵۸) بعنوان نواب صوبه‌دار کرناتك

۱ــ اشارت بینش سن نواب اعظم بروقت فوت پدر دوسال نوشته است (ر.ك. اشارات بینش ص ۱۲)

درقصبه چیوك برمسند ریاست نشست وعمویش نواب‌عظیم‌جاه‌بهادر نایب‌مختار برای
هفده سال بکارنیابت (نایب‌السلطنه) مأمور شد وکارهای مربوطه بریاست کرناتك
را بجای نواب‌صغیر انجام میداد.

ناگفته نماند که ریاست کرناتك ازنواب والاجاه به‌خلف‌الرشید وی نواب
عمدةالامرا بهادر و از وی ببرادرزاده وی نواب رحمت مآب عظیم الدوله بهادر
(۱۲۱۶-۱۲۳٤) خلف‌الرشید نواب امیرالامرا رسید و از وی به رضوان‌مآب اعظم
جاه محمدمنورخان بهادر(۱۲۳٤-۱۲٤۱ه) و ازوی بپسر وی نواب محمدغوث‌خان
مؤلف صبح وطن رسید.

نواب‌اعظم در پنج سالگی بمکتب (دبستان) رفت ونزد حافظ محمد مکی‌و
حافظ عبدالوالی قرائت قرآن را تمام کرد وازمختصرات‌فارسی تا اخلاق حسنی
پیش‌غلام محی‌الدین خوشنویس (سعدی) وانشای خلیفه وزلیخاو گلشن سعادت و
رساله عبدالواسع هانسوی وسکندر نامه واخلاق‌جلالی ودیوان غنی (کشمیری) و
دیوان ناصرعلی‌سرهندی ودیوان جلال اسیر را خواند وازمطولات ونثر«سه‌نثر»و
«پنج‌رقعه»و«مینابازار»ظهوری‌ورسایل‌طغرای‌مشهدی وانشای‌بیدل وانشای‌نعمت‌خان
عالی وسبعه سیاره‌وفن عروض و قافیه ودرعربی فدایه ضیائیه‌المشهو: بهشرح‌ملای
جامی نزد مولوی جمال‌الدین احمد ودرعقایدوفقه وحدیث«بقدرمایحتاج»ودیوان
نخستین عربی‌آزاد بلگرامی را نزد مولوی ارتضی علی خان خواند وخط عربی
وفارسی را از مولوی مزبور وعنایت حسین خان خوشنویس‌یاد گرفت.

نواب در شعر شاگرد ابوطالب‌خان والاهودولی باناصرعلی‌سرهندی‌ارادت‌وعقیدت
خاصی داشت و بتقلید وی شعرمیسرود. وی شعرزودمیگفت ودرعرض یکی‌دوساعت
غزلی‌درست میکرد وشبی قصیده‌ای مشتمل بر٤۷ بیت درمنقبت امام حسین‌سرود.
دراندك مدت دیوانی بتقلید ناصرعلی سرهندی‌بجواب دیوان‌مظهرترتیب‌داد. نواب
اعظم با ناصرعلی سرهندی خیلی ارادت داشت چنانکه در تذکره «گلزاراعظم»
باعتراضات و ایراداتی که مولوی‌محمد مهدی واصف درتذکره «معدن الجواهر»

بر بعضی اشعار ناصر علی گرفته بود جواب‌داده‌است.

نواب اعظم در ۱۲۶۰ ه انجمن ادبی‌بنام «محفل مشاعره‌اعظم»[1] تشکیل‌داد و دو نفررا بعنوان داورمقرر نمود که یکی از آنها محمدقدرت الـه گوپـاموی مؤلف تذکره «نتایج‌الافکار» بود. وی در مکه چندین رباط بنا کرد و در مدراس کتابخانه عام‌اهل اسلام ومدرسه‌اعظم ولنگر خانه‌ای[2] درست کرد. بعدازیك‌عمر بذل وجود وعطا و بخشش[3] بسن‌سی ودوسالگی[4] روز۲٤ محرم ۱۲۷۲ه(مطابق۱۷ اکتبر ۱۸۵۵م) از این دنیای فانی بسوی سرای جـاودانـی شتافت و در مقبره جد خود نواب عظیم‌الدوله بهادر رحمت مآب نواب کرناتك (۳٤-۱۲۱٦ ه) واقع درمحوطه مسجد والاجاهی ترملکهیری[5] دفن‌شد . «سرغیب» و«مظلوم بمرد»هـر کدام سال‌وفات وی (۱۲۷۲) رامیرساند[6].

استوری مینویسد که‌نواب اعظم هیچوقت‌حاضر نبود با اروپائی هامعاشرت کند . دراول‌قدری انگلیسی یاد گرفته بوداما آنرا هم بعداً فراموش کرد. وی زندگی خودرادرعیش و عشرت میگذراندوهمیشه احتیاج‌بپول داشت که‌بدرباریان خود عطا وبخشش کند.

بی محل‌نخواهد بوداگر اینجا شرح مختصری درباره انجام کرناتك داده شود. نواب‌اعظم‌اولاد نرینه (پسر) نداشت‌ودر زمان‌فرمانداری کل(گورنرجنرلی) لرد دلهوزی(۱۲٦٤- ۱۲۷۳ه) طبق صلح نامه مورخ ۱۸۰۱ میـلادی (=۱۲۱٦ه) قرارشده بود که ریاست کرناتك‌ارثی باشد واینکه شرایط ومقررات آن‌صلح‌نامه تازمان جانشینان نواب عظیم‌الدوله بهادر مراعـات گـردد ولی چون نـواب‌اعظم

۱ـ ر.ك. سخنوران بلندفکر درذیل نام‌قدرت   ۲ـ مرکزی که‌آنجا بفقرا غذامیدهند

۳ـ بقول استوری: یك عمرعیش‌وعشرت   ٤ـ استوری : بسن‌سی‌ویك‌سالگی

٥ـ استوری. درشمال‌مسجدجامع تربلی کان   ٦ـ ر. ك. تذکره سخنوران بلندفکر

وارثی از اولاد نرینه بجا نگذاشت بنابراین دولت انگلیس تصمیم گرفت بریاست[1] کرناتك خاتمه داده وبرای نواب عظیم جاه بهادر عموی نواب اعظم وسایر اعضای خانواده نواب مستمری مقرر گردد. همچنین برای ملکه خیرالنسا بیگم که نواب مرحوم درسال ۱۲٦٤ ﻫ باوی ازدواج کرده بود وبرای اعظم النسا بیگم ملکه دوم نواب اعظم چهار هزار روپیه مستمری مقرر نمودند وبرای سایر متعلقین وملازمین نواب نیز حسب مدارج ومقام آنها حقوقی مقرر کردند.

برای پرداخت و واریز بدهکاریهای نواب اعظم اثاثیه وی را بدست یکنفر معتمد سپردند واملاك و منازل وی را حراج کردند و خود دولت بریتانیا آنرا به پنج لکه (پانصدهزار) روپیه خریداری نمود.

نواب عظیم جاه مزبور تقاضانامه خود را متضمن ادعای او نسبت بریاست کرناتك پیش ملکه ویکتوریا ملکه بریتانیا تقدیم نمود ومستر داسن را برای احقاق حق خود درپالمان بریتانیا انگلستان اعزام نمود. درپالمان بریتانیا عده‌ای با نواب عظیم جاه موافق بودند و گروهی مخالف وی. بالاخره همان شد که شد و تصمیم قطعی گرفته شد که بریاست کرناتك خاتمه دهند. برای تسلی واشك شوئی نواب عظیم جاه روز ۱۲ آوریل ۱۸۷۱م (مطابق ۲۰ محرم ۱۲۸۸ﻫ) کرد نپیئر گورنر (استاندار) مدراس لقب پرنس آف ارکات[2] (شاهزاده ارکات) ازطرف دولت انگلیس باو اعطا کرد و ماهیانه بیست و پنج هزار روپیه مستمری برای وی مقرر نمود ووی را امیردرجه یك درهند جنوبی شناختند. همچنین دولت انگلیس بوی قول داد که مادامیکه دولت بریتانیا درهند بوده نصف مستمری ماهیانه وی یعنی دوازده هزار و پانصد روپیه به جانشینان و پسران و دختران وی داده خواهد شد.

۱- برای توضیح کلمه «ریاست» رجوع شود به ح ۲ ص ٥۲۷ کتاب حاضر

۲- Prince of Arcot

این تذکره مشتمل‌است برذکر نودودوشاعر[1] متأخراستان مدراس درجنوب هندوستان بترتیب‌الفبا ازروی حرف‌اول اسم یا تخلص‌شاعروبا «اعظم محمدغوث (مؤلف)شروع‌شده‌بادیادمولوی‌خواجه‌حمیدالدین» تمام‌میشود.

تنها مأخذی که مؤلف اسم آن را در این کتاب‌درمقدمه‌آورده است‌تذکره گلدسته کرناتك است اما این تذکره اصلاتکلمه ایست برای گلدسته کرناتك و (چنانکه مؤلف در مقدمه توضیح داده است) برای رفع نقص آن کتـاب نوشته شده است.

مؤلف در دیباچه کتاب توضیح داده است‌که شرح احوال هر شاعـررا بایازده‌غزل‌ازدیوان‌او بدون انتخاب (یعنی‌کامل) آورده است اماهر گاه که دیوان کسی پیدانشد اشعاراورا ازتذکره گلدسته کرناتك برداشته ودراین کتاب نقل کرده‌است . همچنین اسامی بعضی شعرا که بعد از فوت رایق شروع بشعر گفتن نموده‌اند نیز باچند غزل دراین‌تذکره آورده‌است.

مؤلف ادعا کرده است غزلهای شعرا را بصورت کامـل آن نقل کـرده «تاهویدا گردد که‌سره چیست وناسره کیست ودر صورت انتخاب این معنی بظهور نمی‌پیوندد»امادراین کتاب :

درذیل نام ۲۳ شاعر یازده غزل را ازیشان نقل‌کرده است.

» «۱٤» کمتر از یازده غزل‌را »

» رایق دوازده غزل ازوی‌نقل کرده‌است.

» ۲٤ شاعر تنهایك‌یادو بیت‌از آنها نقل کرده‌است .

» بقیه شعرا چند بیت ازآنها نقل کرده‌است.

شرح‌حال بعضی شعرا را از خودشان نقل کرده است مانند بینش و شاعـر وعاشق وبنابراین بکلی مورد اطمینان واعتبارمیباشد.

ازجمله نود و دو شاعر شرح‌حال ۲۱ شاعر را مفصل‌آورده استمانند‌اعظم

۱– استوری : ۹۰شاعر

[illegible]

[illegible]

[illegible] (١١٨٥-١١٢٥) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١٠-٧-١ [illegible]

شیخ سعدالدین خیرآبادی قدس سره خرقه خلافت داشت» بهمین منوال امرار معاش میکرد.
بعد از وفات وی پسرش مولوی شاه عبدالرحیم که مؤلف «فتاوی مجمع المسائل» بوده جانشین پدر گردید و تا انقراض سلسله تیموری وعهد نواب شجاع الدوله (متوفی در ۱۱۸۹ه) اولاد واعقابش یکی بعدازدیگری بهمان خدمت مأمور بودند.

اسم پدر مؤلف محمدکامل بود. قدرت درسال ۱۱۹۹ ه متولد شد و چون بسن تمیز رسید کتب درسی فارسی و عربی را پیش بعضی استادان مانند مولوی محمدمقیم وشیخ غلام جیلانی وشیخ بدرعالم خواند. درفن شعر ازل شاگرد «خوشدل» بود و چندی بعد بدست سیدشاه غلام نصیرالدین سعدی بیعت کرده و در سلسله قادریه در آمد. دراوایل سن بیست و نه سالگی درسال ۱۲۲۷ ه جهت استفاده از صحبت استادان خود خوشدل و خوشنود بمدراس مهاجرت کرد.

مولوی محمد ارتضی علیخان خوشنود، قدرت را بدربار نواب اعظم جاه رضوان مآب نواب کرناتك (۱۲۳٤ - ۱۲٤۱ ه) معرفی کرد و قدرت بدین ترتیب درزمره ندمای نواب مزبور در آمد. درسال ۱۳۲۹ه نواب مزبور قدرت را بتولیت مقبره نواب اعظیم الدوله بهادر (۱۲۱٦-۱۲۳٤ه) پدر خود مأمور کرد و لقب «خان» بوی اعطا کرد. نواب اعظم جاه درسال ۱۲٤۱ه فوت کرد وسپس سراج الدوله محمد غوث خان بهادر جنگ رحمت مآب (۱۲٤۲-۱۲۷۲ه) جانشین نواب اعظم شد و بریاست کرناتك منصوب گشت.

درسال ۱۲٦۰ ه نواب محمدغوث خان انجمن ادبی بنام «محفل مشاعره اعظم» تأسیس نمود ودونفر را بعنوان داور مقرر کرد که یکی از آن دو نفر قدرت بود. «قدرت زاهدی بود شب زنده دار و عابدی بود پرهیزکار». سال وفات او معلوم نیست اما وی تا موقع تألیف تذکره گلزار اعظم (۱۲٦۹ه) درقید حیات بود.

آثار مؤلف بدین قرار است:

۱- دودیوان فارسی[1] ۲- نتایج الافکار تذکره مورد بحث

۱- ر.ك. استوری ج ۱ ق ۱ درذیل نام محمد قدرت الله گوپاموی

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۵۶ھ آغاز کرده است چنانکه در مقدمه
تذکر میدهد :

«لهذا درسنه ست و خمسین و ماتین والف بتلخیص بعضی دواوین موجوده
درافتاده:..» اما درروز ۲۱ شعبان ۱۲۵۸ھ آنرا تمام کرده است چنانکه دراین مورد
درخاتمه کتاب توضیح داده است .همچنین درپایان کتاب هشت قطعه آورده است که
سال اتمام این کتاب رامیرساند. ازجمله قطعه های فوق سه قطعه اول سال ۱۲۵۷ را
میرساند ولی پنج قطعه آخر که قطعه مؤلف هم جزو آنست سال ۱۲۵۸ ھ را
میرساند.

قطعه مؤلف بقرار زیراست:

فکر سال نتایج الافکار	هریکی کرد در معنی سفت
عقل چون حرف به ندیددر آن	**هدیه بارگاه اعظم گفت**

ازهمین قطعه معلوم میشود که مؤلف این کتاب را بنام نواب اعظم (نواب
محمد غوث خان) عنوان کرده است.

درمورد سبب تألیف مؤلف دردیباچه چنین توضیح داده است :
«گاه گاه بخاطر خطور میکرد دربیاضی اشعار شعرای نامدار متقدمین ومتأخرین
وبعضی از معاصرین نگاشته آید. دراین ضمن رای اکثری ازاجله و احباب بر این قرار
گرفت که چیزی (از) احوال هریکی از آنها هم قلم و دل بقید قلم در آید تا از نو تذکره
(ای) یادگار باشد...»

مؤلف اسم کتابهای زیررا دردیباچه کتاب آورده است که در تألیف این کتاب
مورد استفاده وی قرار گرفته است :

۱ـ تذکره «آتشکده عجم» تالیف آذر اصفهانی
۲ـ «ریاض الشعرا» تألیف واله داغستانی
۳ـ مجمع النفایس تألیف خان آرزو اکبر آبادی

همچنین اشعارشعرای زیرامفصل ترازدیگران نقل کرده‌است : امیرخسرو وراغب وعرفی (هر کدام‌در ٤ ص)و میردرد وناصرعلی سهرندی (سرهندی) ومظهر جانجانان و والا (هر کدام در ۴½ ص) و جامی و حافظ و حزین و شوکت‌بخاری (هر کدام در۵ ص) وسرخوش (در۶ص) و شاپور تهرانی وصایب وقدرت (هر کدام در۷ص) ومحتشم‌کاشی (در۸ص) وواقف (در ۹ص) وخوشدل (در۱۲ص) .

سبک‌انشای مولف

سبک‌انشای مولف غالباً مصنوع است و مؤلف در آوردن عبارات مصنوع و پرتکلف‌اکثر کمال‌سعی و کوشش‌بخرج داده‌است‌وحتی‌دراین‌تلاش گاهی‌زبان بسیار پرتصنع وغریب رابکار برده‌است مثلادرپایان کتاب این‌عبارت را آورده‌است :

«بیمن افضال‌ایزدمتعال پیکرتذکره‌اواخرسال گذشته کسوت مسوده‌پوشیده بود امروز که‌تاریخ‌بیست‌ویکم‌شعبان۱۲۵۸ ثمان وخمسین و ماتین‌والف است‌خلعت بیضه دربر کشیده وشبدیز قلم که‌در ساخت‌رقم گرم عنانی داشت بسرمنزل اختتام قیام ورزید» .

سالهارادرسراسر کتاب بزبان‌عربی آورده‌است .

قبل‌ازاسم‌وتخلص‌شعرایک یاچندلقب توصیفی‌آورده‌است که‌دراکثرمواردبنثر مسجع و گاهی بمناسبت تخلص یا اسم شاعر جناس دارد، مانند: «عندلیب گلستان آگاهی نخبةالسادات میرالهی» یا «مقبول بارگاه سبحانی‌شیخ‌اوحدالدین کرمانی» یا «سرمست جام وحدت وسرخوش باده‌محبت شیخ‌الاسلام ابوالنصر احمدجام» .

همچنین برای «فوت شد» جمله‌ای مصنوع و گاهی به‌مناسبت تخلص شاعر جناس آورده است مانند : «... از دارالملال (به) نزهتکده‌وصال فایز گردید» (شیخ ابوسعید ابوالخیر) «اواخر .... مبتلای پنجه‌اجل گردید» (مبتلا) .

گاهی بعضی اصطلاحات‌آورده است که برای خواننده‌های ایرانی‌معنی‌آن روشن‌نیست مانند «ولایت» بمعنی ایران و افغانستان و«پستر» بمعنی سپس و«یکنیم سال» به‌معنی‌یکسال ونیم . همچنین در املای بعضی کلمات‌بجای «و» حرف «ب»

آورده است چنانکه :

«نبه» بجای نوه (رجوع شود بمعزالدین موسوی) و«نبگان» بجای نوگان (رجوع شود به شوقی) هم چنین «قومشه» بجای « قمشه» (رجوع شود به شاه نظر) و«نمی بر- آمد بجای» بر نمی آمد نوشته است .

مؤلف دراین تذکره گاهی کلمات زبان اردو وحتی انگلیسی رابکار برده است مانند :

«جهاز» بمعنی کشتی (رجوع شود بـه معزالدین) و«طیار»[1] بمعنی آماده و حاضر (رجوع شود به غیاث زرباف) «باورچیخانه» بمعنی آشپزخانه (رجوع شود به عالی) «لکه» بمعنی صدهزار (رجوع شود به ضمیری) «پلنگ» بمعنی تختخواب (رجوع شود به امیر خسرو) «گورنر جنرل» بمعنی فرمانروای کل[2] (انگلیسی، گورنر جنرل) .

نسخ خطی

١ – اشپرنگر ش٧٣٠ ٢ –ریوج ٣ ص١٠٢٤ الف (تنها شرح حال–مورخ قریب ١٨٥٠م) ٣– اندیا آفس٤٠٢٧[3] (١٨٩٥م) .

چاپ

١ – مدراس ١٨٤٣م ٢– بمبئی ١٣٣٦ ش با هتمام اردشیر خاضع .

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به نتایج الافکار (مقدمه و شرح حال «قدرت») گلدسته کرناتك وصبح وطن ص ١٤٨ - ١٥٣ و گلزار اعظم ص٢٨٨–٢٩٠ و اشارات بینش ش٥٠ وحدیقة المرام محمدمهدی واصف مدراسی(بزبان عربی)چاپ مدراس ١٢٧٩ص ٤٧–٤٨ و شمع انجمن ص٣٩٢ واستوری ص٩٠٠) .

فهرست اسامی شعرا – رجوع شود به نتایج الافکار چاپ بمبئی ١٣٣٦ش .

---

١ – بزبان اردو «تیسار» بادت» بمعنی آماده وحاضر است .

٢ –گورنر جنرل (انگلیسی) کسیکه اززمان تسلط انگلیسها تاقبل ازجمهوری شدن هندوپاکستان ازطرف پادشاه انگلستان برشبه قاره هندوستان حکومت میکرد .

٣ – این نسخه درفهرست اته ذکر نشده است ر.ك. استوری ج١ ق١ ص xvi در ذیل I.O.

نغمه عندلیب[1]

شرح‌حال مؤلف

اسم‌مؤلف این کتاب‌محمدرضا متخلص به‌نجم‌طباطبائی ملقب به‌نجم‌الدوله افتخارالملك حسام‌جنگ واسم‌پدرش ابوالقاسم طباطبائی‌است . نجم‌درپتنه‌متولدشد ودر۱۲۲۷ هـ بعداز خدمت نه‌سال بعنوان فرماندار [2] بریلی وی را بدهلی طلب کردند وآنجا اورا جانشین پدر کرده القاب پدرش راباودادند واوهشت سال نایب خانسامان خانواده شاهی وداروغه‌خزانه‌بود . وی‌بعد از هفت سال خدمت بعنوان دیوان‌راجه راگهوجی درناگپور بازنشسته‌شد وبقیه عمرخودرادرلکهنودر مشاغل ادبی گذراند .

بقیه احوال زندگی وی‌بدست‌نرسید .

آثار مولف

آثار وی بدینقراراست :

۱ ـ **اخبارات‌هند**ـ درتاریخ‌عمومی هندوستانست که‌مؤلف بطورجزو پنجم دایرةالمعارف خود «بحرالذخار» بنام‌اچام ایلیات نوشته است . برای نسخ رجوع شود به‌ریو ج۳ ص۹۱٤ ب(مورخ‌تقریباً ۱۸٤۸م)وص ۱۰۱٤ب (جلد۲.قسمتی‌ازاین کتاب‌ـمورخ‌قریب‌به۱۸۵۰م)وص۱۰۱۸ب(ج۵.قسمتی‌ازاین کتابـمورخ۱۸٤۹م).

۲ ـ **مفاتیح الریاست** . درتاریخ‌هنداست حاوی‌وقایعی از۱۱۵۰هـتا۱۲۵۱هـ

---

۱ ـ درنسخه ایلیات درصفحه‌اول عنوان این‌کتاب «چهارباغ» آمده‌است اما درمتن کتاب هیچ‌جا «چهارباغ» ذکرنشده‌است .

۲ ـ Collector ضلعدار (فرماندار) .

که جزوچهارم «بحرالذخار» است. برای نسخ رجوع شود به‌ریو ج۳ ص ۱۰۱۴ ب
(قسمتی از کتاب‌مورخ قریب به۱۸۵۰م) وص۱۰۱۸ب (جلد ۶ از صفحه ۱۲۶ تا
۲۵۲ . قسمتی‌از کتاب‌مورخ ۱۸۴۹م) و۱۰۵۳ الف(. اوراق مربوط به‌جلد۴) .

۳- نغمه عندلیب - تذکره موردبحث - جزوی از کتاب «بحرالذخار»است.
برای نسخ رجوع‌شودریو به‌ج۳ص ۹۷۸ ب(مورخ ۱۸۵۰م که مؤلف به‌اچ ام‌ایلیات
تقدیم کرده است. رجوع‌شودبه‌تاریخ‌ایلیات‌ج۸ ص ۴۳۲) و ص۱۰۱۴ب (قسمتی از
این کتاب) وص ۱۰۱۸ب (قسمتی‌ازاین کتاب) .

٤- خورشیدلامع‌یامنظرالعالم- درجغرافی- جزوی‌از کتاب«بحرالذخار»است

٥ - مجمع‌الملوك - تاریخ عمومی که جزو سوم «بحرالذخار» است درحدود
۱۲۶۰ه تألیف آن‌شروع‌شد. برای‌نسخ‌رجوع‌شودبه‌نذیراحمد۷۰(متعلق‌به کتابخانه
محمد علی‌حسین حیدرآباد - بخط مؤلف) وریو ج ۳ص ۱۰۱۴ب (قسمتی‌از کتاب
مورخ۱۸۵۰م) وص۱۰۵۳الف (قسمتی‌از کتاب)و نیزرجوع شود به ص۱۰۴۸الف

٦- زبدةالغرایب - تاریخ عمومی‌درپنج‌جلد - آغازدر۱۲۳۱ه وبقول‌ایلیات و
دوسن در بین ۱۸۱۶و۱۸۳۰م تألیف شد. برای نسخ رجوع شود به‌اندیاآفس‌دی‌پی
۲۶۲ (بلگرام ۱۳۲۲- جلد٥ آن در ذکرفلاسفه وعرفا وشعرا وغیره‌است - بخط
مؤلف) ریوج۳ص ۱۰۴۲ب (قسمتی‌ازجلد٥ مورخ‌قریب‌به۱۸۵۰م) وص۱۰۲۶الف.
(فقط مقدمه وفهرست‌دارد - مورخ قریب به۱۸۵۰م) وص۱۰۵۳الف (قسمتی‌از ج ٤
راجع به تیموریان هند) .

تبصره بر کتاب

«نغمه‌عندلیب» رامؤلف در ۱۲۶۱ه تالیف نموده‌است چنانکه اسم آن ازروی
ابجد میرساند - تذکره کوچکی است در۲۲۸ صفحه که مؤلف بنام واجد علیشاه
پادشاه اود (۱۲۶۳-۱۲۷۲ ه) نوشته است و مشتمل‌است بر دو روضه - روضه اول
شامل پنج بهاراست بقرار زیر:

١ - در دستورفارسی (ص٧) .
٢ - درانواع شعرفارسی (ص١١الف) .
٣ - درصنایع شعری (ص١٣الف) .
٤ - درقافیه و ردیف (ص١٥ الف)
٥ - شرح حال مختصر قریب به ٤٥٠ شاعرمتقدم ومتاخر آن بترتیب الفبا که اکثرآن مهم نیست (ص ١٩ تا ٢٠٠ ب) اما شرح حال شعرای هندی نژاد وآن‌هم مخصوصاً ازشعرای معاصرمؤلف تا اندازه‌ای مفید است . غالباً اشعارشعرا را نقل کرده‌است بدون‌شرح‌حال آنها اما قسمت شعرای هندمفصل‌تراست . شرح‌حال خودرا باانتخاب اشعارخود تحت‌نام «نجم» درص٩-١٨٤ آورده‌است وشرح‌خانواده‌خود راتحت آغا (اقتدارالدوله سیدمحمدخان) در ص ٢٧ - ٣٠ آورده‌است .

روضه‌دوم‌شامل‌دوحدیقه‌است-حدیقه‌اول‌درموسیقی‌یونانی(ص٢٠١الف)وحدیقه دوم‌درموسیقی‌هندی است(ص٢٠٣ب)

رویهمرفته این‌تذکره زیاد اهمیت وارزش ندارد و مؤلف توجه بخصوص درجمع‌آوری‌مطالب آن‌صرف‌ننموده وتنها بذکراسامی‌شعرا اکتفانموده ودوسه‌بیت ازآنان‌نقل کرده است وتنهادرمورد شعرای هند که معاصرمؤلف بودندبعضی‌مطالب مفید وبا ارزش دارد .

نسخ خطی

١ - ریو ج ٣ ص ٩٧٨ ب (مورخ تقریباً ١٨٥٠م که‌مؤلف به اچ ام ایلیات تقدیم کرده‌است .رجوع‌شود به‌تاریخ‌ایلیات ج ٨ص٤٣٢) ص١٠١٤ب (قسمتی‌ازاین تذکره) ص١٠١٨ب (قسمتی ازاین‌تذکره) .

برای **شرح‌حال مولف** رجوع‌شود به نغمه عندلیب تحت‌نام نجم ومفاتیح‌الریاست (مقدمه) وتاریخ هند تألیف ایلیات و دوسن ج ٨ ص٣-٤٣٢و٧-٤٣٦وریو ج٣ ص٩١٤ .

فهرست‌اسامی شعرا - رجوع‌شود به نسخه ریوج ٣ص ٩٧٨ب

حدایق الشعرا

مؤلف

اسم‌مؤلف این کتاب میرزا امیربیگ متخلص به امیر بنارسی است . وی از زمان سعادت علیخان (۲۹-۱۲۱۲هـ) تا زمان محمدامجدعلیشاه(۶۳-۱۲۵۸ هـ) درخدمت سلاطین‌اود بود .

تبصره‌بر کتاب

مؤلف تألیف‌این کتابرا در۱۲۱۱ هـ بفرمایش ظفرالدوله فتح‌علیخان کپتان آغاز ودر۷ شعبان ۱۲۶۲هـ تمام کرده‌است .

این‌تذکره مشتملست‌برذکر ۲۶۰۹ شاعربترتیب الفبا که اول‌آنان «آبرو» و آخرشان«محمدیونس‌خان ابهری»است.ذکراین‌شعرارا در۳۱«حدیقه» (ازصفحه ۸تا صفحه۱۶۶ب)آورده است وهر حرف راتحت یك‌حدیقه نقل کرده‌است .

همچنین‌این تذکره مشتملست برقسمتهای زیر :

۱- ۳۰«شجره»درالقاب‌صحیح ملوك وشعرا (ص ۱۶۶ب الی ص۱۸۳)

۲ - ۳۰«دوحه»دراسامی ‌رست جغرافی (ص۱۸۳ الی ص۲۱۳) .

۳ - دو «ثمره» در اسامی‌وتواریخ جلوس و مدت سلطنت ملوك از دوره قبل ازاسلام درایران ودنیای اسلام (ص۲۱۳الی‌ص۲۲۹) .

٤ -هفت«نخله» درباره‌هفت زبان محلی ایران (هروی و سگزی وغیره) (ص۲۲۹ب‌الی‌ص۲۳۰).

٥ - ۳۰«نتیجه» که‌مجموعه‌اشعارشعرا بترتیب ردیف میباشد .

چنانکه ازفهرست محتویات این کتاب‌معلوم میشود کتابی‌است بسیارمفید و مطالب‌واطلاعاتی که درآن‌جمع‌آوری شده بسیاربا ارزش وسودمند میباشد .

نسخ خطی

۱ ـ ایوانو کرزن ۷۰۲ ـ محتملا بخط مؤلف است.

۲ ـ بوهار فهرست نسخ عربی ـ ص ۵۲۹ ـ ۵۳۰ (تنها حدیقه‌ها وشجره‌ها دارد) .

فهرست اسامی شعرا : درهیچ کتاب ذکر نشده است .

خزینة الشعرا

شرح حال مولف

اسم مؤلف سیدعلی کبیر المدعو (یاعرف) محمدمیر نجان اصلا اجملی است .
اسم پدرش سیدعلی جعفر حسین محمدی جنیدی حنفی نقشبندی است و اصل او ازشهر اله آباد هنداست.

مؤلف در۲۸ محرم ۱۲۱۲ ه بدنیا آمده ومادر وپدروی از اولادعارف وفاضل معروف بنام شاه خوب اله که اسم اصلی وی محمدیحیی است بودند . مؤلف چندین کتاب درفقه وغیره تألیف کرده ویك دیوان وچندین مثنوی نیزسروده است .

همچنین کتاب « سرالشهادتین » تالیف عبدالعزیز دهلوی را در۱۲۵۱ ه درغازی پوراز عربی بفارسی بنام (اظهارالسعادة فی ترجمهٔ اسرارالشهادة» ترجمه کرد که در۱۲۵۳ه بامتن عربی در کلکته بطبع رسیده است .

فهرست اسامی آثار دیگر مؤلف در«خزینة الشعرا» درص ۱۸۵ ب و۱۸٦ الف آمده است

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲٦۰ ه آغاز نموده است چنانکه خوداسم کتاب «خزینة الشعرا» میرساند وبسال ۱۲٦۵ ه آنرا باتمام رسانید چنانکه بقول خودش « واقعات النادرات» ازروی ابجد میرساند.

این تذکره مشتملست برذکر ۱۹۰ شاعر که اول آن ناصرعلی سرهندی (متوفی در۱۱۰۸ ه) است.

تقریباً تمام‌شعرائی که‌ذکرشان‌دراین کتاب آمده‌است اصلاهندی‌هستند.اکثر آنان ازشاگردان ودوستان وخویشاوندان شاه‌خوب‌السابق‌الذکر ومحمد افضل متخلص بمحقق‌اله‌آبادی عموی‌مؤلف میباشند.

نسخه خطی

اندیاافس ش۳۸۹۹[1] (مورخ ۱۹۰۸م).

برای**شرح‌حال‌مولف**رجوع‌شود به‌خزینة‌الشعرا ص۱۸۰–۱۹۶

فهرست‌اسامی

درهیچ کتاب ذکر نشده‌است.

اشارات‌بینش

ابتدا:

حمد بدیعی که زبان معنی پروران مصرعیست درصف ابداع مایه کلام او ثنای ناظمی که لب سخندان بیتی است درستایش نظم بانظمام او منحصر بگفتن نیست ...»

شرح‌حال‌مولف

اسم مؤلف سید مرتضی متخلص به بینش است و وطن قدیم آبای او مشهد مقدس است و نسبش بچند واسطه بحضرت امام حسین‌میرسد. جدبزرگ او ازمشهد هجرت نموده روی‌بدکن آورد ودرشهر گلبرگه رحل‌اقامت افکند. یکی‌ازاجداد

۱– این‌نسخه درفهرست اته‌ذکرنشده‌است رجوع‌شود به‌استوری ج ۱ ق۱ ص xvi درذیل عبارت I.O.

وی شاه ابراهیم مصطفوی[1] حسینی که خال قدوة السالکین زبدة العارفین سیدمحمد **گیسودراز است** وازاولادش شاه نوراله حسینی است در زمان حکومت نواب **سعادت اله خان** وارد ملك کرناتك شده در دار النور محمدپور (ارکات) اقامت گزید ودر جنگ با فرانسویها درشهر جیت پهنه شهید شد .

سپس فرزند وی شاه نوراله ابراهیم حسینی کو جدمؤلف بوه در عهد پسدر اعظم رخت اقامت به چیناپتن کشید وبغرب واحترام تمام بسرمیبرد[2] . پدرمؤلف میرصادق علی رضوی الحسینی مدراسی مختلص به صادق مخصوصادر «ماده تاریخ گوئی» یدطولائی داشت وهنگامیکه نواب عازم زیارت عتبات شد اوعبارت « یاعلی موسی الرضا» (= ۱۲۳۸ه) که «ماده تاریخ» آن واقعه بود برنقره پساره کنده و خدمت نواب تقدیم کرد. بالاخره میرصادق در۱۲۵۳ه رخت ازاین جهان بربست.

برادر بزرگ مؤلف میرمهدی الحسینی متخلص به ثاقب (متولددر۱۲۲۳ ه) ازشعرای معروف مدراس بودونیزمثل پدردر «ماده تاریخ گوئی» مهارتی بسزاداشت.

دربیشتر سال ۱۲۲۷ ه در مدراس متولد شز و بفیض تربیت پدر خود در دوازده سالگی نوشتن و خواندن فارسی را یادگرفته وبزودی بگفتن شعرپرداخت وچون سلیته واستعداد خاصی برای این فن داشت طبعاً دراین میدان مهارت بسزائی بدست آورد .

مؤلف محبوب الزمن (اردو) درذیل نام بینش مینویسد: « بینش نزد علمای مدراس کتب درسی عربی وفارسی خواند واول پیش پدر و برادر خود مشق سخن میکرد وبعدازآن ازمولوی واقف استفاده کرد. وی ذکی الطبع وصحیح الفکر و خوش تقریر و درحال جوانی بیمثل ونظیر ودر شعروشاعری بی بدل و عدیل بود

۱ـ صبح گلشن ص۷۵ : مصطفی ومحبوب الزمن ص۳۰۵ :شاه ابراهیم مصطفی

۲ـ ایضاً: بقدردانیهای نواب امیرالهند والاجاه محمدعلی خان بهادر مختص گشته مدراس را موطن ومسکن ساخت .

مدتی درحیدر آباد اقامت داشت سپس بمدراس رفته عضو انجمن «مشاعره اعظم» شد وباشعرای معاصر خود مناظره ومعارضه میکرد سرانجام در۱۲۶۵ه عازم مکه شد وبعد ازتحمل شداید بسیار درراه بالاخره بادای حج و زیارت موفق و مشرف شد و بعد از یکسال بوطن مألوف (مدراس) مراجعت نمود و بعد از مدتی اقامت داشت. اماسال وفات وی درهیچ تذکره ذکر نشده است.

در«گلزار اعظم» [۱] آمده‌است که بینش‌درسال ۱۲۶۵ ه از نواب‌اعظم‌مرخصی برای‌سه‌سال گرفته بقصد زیارت‌عتبات عالیه‌عازم آن‌مواقف‌مقدسه شد. چون به‌بصره رسید بعلت خرابی هوااهل‌قافله بعارضه تبولرزه مبتلا شدند و انتظام قافله بکلی بهم‌خورد ودرهمان‌عالم هراسانی‌بعضی‌بسوی بغدادشتافتند وبرخی براه‌نجف اشرف افتادند . بینش هم‌بمرض تبولرزه مبتلاشدامادیری نگذشت که اوهم به‌نجف‌اشرف رسید ویکهفته‌در آن‌سرزمیر اقامت‌داشت وچون آنجا کسی‌را ندید که ازوی‌مواظبت وپرستاری کند به جانب کربلای شتافت امازوزیکه واردبقعه مبارکه‌شد« نقدجان‌را نثار آن‌آستان‌غربت نشان‌نموده‌در صحن روضه‌مبارکه‌بیاسود».

تبصره‌بر کتاب

مؤلف این کتاب رابسال ۱۲۶۵هجری تألیف نموده‌است. خوداسم‌این کتاب «اشارات بینش» ازروی‌ابجد تاریخ‌اتمام‌آن (۱۲۶۵ه) رامی‌رساند.

درمورد سبب‌تألیف این کتاب‌مؤلف دردیباچه چنین‌توضیح داده‌است که‌درسال ۱۲۶۲ه مجلس مشاعره‌بریاست خان بهادرراقم‌دردارالخلافه(مدارس) تشکیل‌شد و درآن مجلس«واقف»و«قدرت» حکمین مناظره انتخاب شدند رئیس این کمیته‌نواب اعظم جاه‌بود. مؤلف‌بطریق سیاحت‌سری‌بحیدرآباد کشید امیراعظم‌جاه‌اورا درسلك

۱ . ر.ك گلزاراعظم ۱۲۲ - ۱۱۹

همچنین اشعارشعرای زیررا نسبةً مفصل نقل کرده است:
انوارو بیهوش وشایق وعفق وفایق ومعاون ووالا وواقف ووالا (هرکدام در ۲ص) وفاروق وقدرت وقمر وواصف (هرکدام در ۲½ص) و راقم ورسا وفرصت (هرکدام در ۳ص) ووافظم ورونق (هرکدام در ۳½ص) وثاقب وراغب وصاحب (هرکدام در ۵ص) وبینش (مؤلف در ۷ص) وذکاو (در ۹ص) ورویهم رفته اشعارخودوذکاراازهمه مفصل‌تر آورده است.

درذیل نام شعرای زیردوسه سطردرشرح حال آنان وسه‌چهاربیت ازاشعارشان آورده است:
احقرو بینواوجوهرواحمدی و بیخود وسعید وضمیرورفعت وناظروقدیروقدرت وواجدویگانه.

درذیل اشعار شعرای زیراشعاری که خودمؤلف درجواب آنها سروده است نیز آورده است:

سه بیت درذیل اشعاربیهوش
یك « « « حاجب
« « « دید
دو « « « رایق
یك رباعی درذیل شرح حال زایر
یك بیت درذیل اشعارضمیر
دو « « « فاروق
دو « « « قدرت
یك « « « معاون

دو بیت در ذیل اشعار ثاقب
یك « « « خوشنود
سه « « « راغب
چهار « « « راقم
یك بیت درذیل اشعارصاحب
« « « علیم
سه « « « فایق
دو « « « مجرم
سه « « « نامی

اشعاربعضی شعرا را بااشعاردیگران مقایسه نموده است چنانکه اشعاروصال را بااشعارحبیب‌الله ذکاوشعرخود راباشعر کلیم همدانی.
مؤلف درفن «ماده تاریخ گوئی» مهارتی بسزا داشت و«ماده تاریخ» فوت شعرای

زیرا که خودش گفته‌است درذیل‌شرح‌حال آنها آورده‌است:

«ماده‌تاریخ» فوت بصارت‌وماده‌تاریخ‌فوت‌معشوقه‌راغب(که کلمه«راغب»سال فوت آنرامیرساند).

همچنین مؤلف ماده‌تاریخ تألیف‌رساله‌ای‌درعلم عروض که محمدعزیزالدین متخلص به‌دیدتألیف‌نموده‌بود«مجمع‌العروض»(= ١٢٦٠هـ) گفته وماده‌تاریخ تدوین دیوان ریخته (اردو) محمد حبیب اله ذکا نایطی‌را «چشم‌بینش‌روشن»(= ١٢٦١هـ) گفته‌است.

سبك مولف‌غالباً ساده‌وغیرمصنوع‌است غیرازدیباچه که‌آنجا گاهی‌بنوشتن‌نثر مصنوع‌پرداخته‌است.

درذیل‌نام بعضی شعرا القاب‌تعریفی آنان‌را بنثرمسجع آورده‌است:

اعظم : امیرعالی‌تبارخدیومعدلت‌آثار...

حسن : عالم‌یگانه وفاضل‌فرزانه....

خوشنود: حقایق‌آگاه مئاون‌دستگاه...

راغب : سلالةالسادات الکرام خلاصة الامرای‌العظام...

صاحب: عالی‌مناصب‌والامناقب...

همچنین‌برای «فوت‌شد» جمله‌ای مسنوع‌آورداست مانند:

بیهوش : (در١٢٦٠هـ) ازتلاش معنی‌بیگانه بجستجوی‌یگانه‌برحق‌شتافت.

نسخ

ایوانو کرزن‌ش٦١(بااضافات وتغییرات محتملابدست خود مؤلف)

چاپ

مدارس١٢٦٨هـ (در٢٠٣صفحه)

برای **فهرست‌اسامی‌شعرا** رجوع‌شودبه‌ایوانو کرزن‌ص٦٨-٧٠(اسم٦٠شاعر)

برای **شرح‌حال‌مؤلف** رجوع‌شودبه‌اشارات‌بینش‌وصبح‌وطن ص٣٨-٤٢وصبح گلشن ص٧٥و گلزاراعظم ص٢٢-١١٩و استوری ٩٠٠-٩٠١و٩٠٤-٩٠٣

گلزاراعظم

ابتدا

ای حمد تو ورد دل‌وجان شام وپگاه — وی‌نام تو بر نوك زبان درهمه گاه
بی‌فضل تو سویت نتوان بردن راه — لا حول و لا قوة الا بـالله

شگفتگی گلزارسخن به‌اهتزاز نسیم حمدبهار آرائیست که چمنستان‌خیالات رنگین رابه‌آبیاری مضمون‌دلنشین‌درخطه‌قلوب نخلبندان‌حدیقه نکته‌دانی‌سرسبزو شاداب گردانید و گلستان‌صنایع‌لطیفه‌وبوستان بدایع‌معنویه‌را برنگ وبوی‌بلاغت وآب‌وتاب فصاحت‌در گلزمین‌افئده گلچینان گلشن دقیقه‌یابی کل گل شکفانید»

مؤلف

اسم مؤلف نواب‌محمد غوث‌خان بهادر متخلص‌به‌اعظم‌است (برای‌شرح حال اورجوع شودبه«صبح‌وطن» دراین کتاب).

تبصره‌بر کتاب

مؤلف‌تألیف این کتاب‌رابسال ۱۲۶۷ هـ آغاز[1] ودر۱۲۶۹هـباتمام‌رسانیده‌است اسم این تذکره تاریخی‌است‌یعنی ازروی‌ابجد سال تألیف کتابرامیرساند. همچنین مؤلف درمقدمه کتاب قطعه ذیل‌را آورده‌است که سال‌تألیف این کتاب (۱۲۶۹ هـ) را می‌رساند:

چوتیار شد گاشن بی خزان — که افزاید ازسیر آن عقل‌وهوش
شدم درپی نام و تاریخ او — ندا کرد «گلزار اعظم» سروش
(= ۱۲۶۹هـ)

۱ــ مؤلف درمقدمه کتاب مینویسد: درعرصه(مدت) دوسال‌شاهد مدعارابحله انصرام آراستم «دچون سال اتمام کتاب۱۲۶۹ است‌بنابراین‌مؤلف تألیف این کتاب‌را در۱۲۶۷ آغازنموده‌است.

[illegible]

[illegible]

٨- [illegible]

[illegible]

٢- [illegible]

٥- [illegible]

٣- [illegible]

٤- [illegible]

٦- [illegible]

١- [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شرح حال شعرای زیر را مفصل آورده است: ابجدی و بسمل و حزین و دلیق و مختار
سیف الملک و مجرم و معاون و نامی و مولوی تراب علی و ناظر و فایز و واقف (هر کدام در
۱$\frac{1}{2}$ص) و نورالدین انور و اکرم و بینش و ذوقی و وفیع و شایق و قربی و قدرت و معجز
(هر کدام در ۲ص) و خوشدل و راقم و مهربان (هر کدام در ۲$\frac{1}{2}$ص) و خوشنود و ضیوط
(هر کدام در ۳ص) و مولانا محمد باقر آگاه نایطی و اعظم (مؤلف) و ماجد (هر کدام
در ٤ص) و والا (در ٥ص). رویهمرفته شرح حال والا را از همه مفصل تر آورده است.

اشعار شعرای زیر را مفصل آورده است: خاجی و دستگیر (هر کدام در $\frac{1}{2}$۱ص)
و اکرم و بهجت و بلیغ و خوشنود و خالص و رایق و شایق و صاحب و فاروق و معجز و معاون
و مخلص و نامی غلام الدین و السید محمد موسوی (هر کدام در ۲ص) و ذوقی (در $\frac{1}{2}$۲ص)
و ثاقب و راغب و قدرت (هر کدام در ۳ص) و آگاه مولانا محمد باقر نایطی و انور و احسن
و فایق و مهربان (هر کدام در $\frac{1}{2}$۳ص) و ماجد (در ٤ص) و رونق و واقف (در $\frac{1}{2}$٤ص)
و بینش و والا سید ابوسعید (هر کدام در ٥ص) و راقم در $\frac{1}{2}$٥ص) و اعظم (مؤلف)
(در $\frac{1}{2}$۱۲ ص).

رویهمرفته مؤلف اشعار خودش را مفصل تر از سایرین آورده است.

اشعار خود را درذیل اشعار شعرای زیر نیز نقل کرده است: محمد باقر آگاه
و خوشدل و راغب و فایق و قدرت و مهربان و ماجد و والا.

درذیل اشعار رونق اشعاری را از سید محمد خلوص و اعز الدین خان نامی و شایق
علیخان شایق و همچنین دو رباعی را از حکیم عبدالباسط عشق درذیل اشعار فاروق
نقل کرده است.

درذیل شرح حال خود جواب اعتراضاتی را که واصف بر ٤۲ بیت ناصر علی
درتذکره خود آورده بود (در ۲٦ص) داده است و در دو صفحه از ناصر علی تعریف
کرده است.

درذیل نام ماجد اعتراضات وی را بر اشعار دیگران (در $\frac{1}{2}$٥ص) نقل کرده است
همچنین درذیل نام واصف اشتباهات تذکره مرآت الخیال را در دو صفحه

مولوی‌محمد باقر آگاه وشیخ محمدامین امین ومولوی میراسمعیل خان ابجدی و نورالدین‌محمدخان انوروسیدنظام‌الدین احقروحافظ شاه‌انوارالحق انوار نقشبندی و غلام احمداحمدی ورضاحسین‌خان‌بهادر افسروشاه محمد عزیزالدین قادری دید و سیدعبداللطیف ذوقی وسیداحمد راغب ومولوی‌محمد حسین‌راقم قادری وشیخ‌محمد خان‌بهادر سخن اصفهانی وغلام محی‌الدین شایق وشمس‌الدوله غلام عبدالقادرخان شمس ومیرعلی‌مردان یکدل ومولوی‌شاه‌وجیه‌اله طالب و مولوی عبدالودود عاشق و قدرت اله خان قدرت و مولوی حافظ شاه عبد القادر مهربان و ذوالفقار الدوله محمدعلی‌حسین خان بهادر[1] وسیف‌الملك محمد انورخان خان‌بهادر مختار وغلام محی‌الدین محز .

همچنین‌بعضی‌ازاین‌شعراتالیفات دیگرهم بفارسی‌داشته‌اند که برخی‌از آنهارا نواب اعظم‌درتذکره« گلزاراعظم» ذکرنموده‌است‌مانند: بهجت وتمنا ومولوی‌محمد حسن و خوشنود و شاه محمد عزیزالدین دید قادری و ذوقی و راقم و شایان و شمس وشاعر و میرمرتضی منزوی ومهربان ومولوی تراب علی‌نامی و ناظر ووالا و واصف .

سبك انشای مؤلف

سبك انشای‌مؤلف غالبأساده‌است‌اما گاهی سعی کرده‌است نثرمصنوعی‌بنویسد مخصوصا درموقع تعریف شعرا بنثرمصنوع پرداخته‌است .

درذیل‌نام اکثرشعرا درموقع نقل اشعارآنان جمله‌ای‌مصنوع بمعنی «اینك اشعاراو و غالباً بمناسبت تخلص شاعرجناس آورده‌است مثلا :

ابجدی : دردبستان‌سخن ابجدمضامین بدین‌آئین تعلیم میکند .

قـاضی احمد احمد : قاضی فکرش در دار الانصاف معنی یابی چنین داد سخن سنجی میدهد .

۱ــ اینجا اعتراضات متعرضین را اعترافات واصف ذکر کرده است ودرهیچ‌مورد بجواب این اعتراضات نپرداخته‌است

امداد : بطبع وقادش بدینگونه امداد سخن میکند .
امتیاز : چهره شاهد کلامش بغازه رنگین‌مضامین بدین آئین‌حسن‌امتیازدارد.
حاجی : حاجی فکرش درجبل‌العرفات ونگین خیالی باین‌نازك ادائی‌لبیك گویانست .

همچنین درذیل نام اکثر شعرا جمله‌ای‌مصنوع بمعنی « فوت کرد » آورده است مثلا :

ابجدی : درسنه ۱۱۹۳ه ازاین دار فانی رخت‌هستی بربست .
انست : درسنه ۱۲۰٤ ه رخت هستی ازاین جهان گذران بربست و بـه شهر خاموشان پیوست .
اظفری : در۱۲۳٤ه رخت‌ازاینجهان‌فانی‌بربست‌وبرچهار بالش ملك‌جاودانی مربع نشست .

رویهمرفته این تذکره ازلحاظ اصالت مطلب وانتخاب اشعارخیلی مهم است مخصوصاً ازنظرنقدشعر بعدازتذکره آرزو میتوان آنرا بهترین‌تذکره‌حساب کرد.

نسخه‌خطی رجوع شود به‌آصفیه ج۱ص۳۲۲ش۳۸ (مورخ۱۳۰۲ه) .
چاپ ـ درمدراس‌مطبع‌سرکاری(دولتی) بسال۱۲۷۲ه بطبع‌رسید .

فهرست اسامی‌شعرا

رجوع‌شود به چاپ‌مدراس ص۷ـ۲ .
برای شرح حال مولف : رجوع‌شودبه‌بحث‌درباره«صبح‌وطن» دراین کتاب.

فصل سوم

از آغاز سلطنت انگلستان (۱۸۵۷م = ۱۲۷۴ه) تا ۱۹۳۰ م مطابق ۱۳۴۹ ه

ملاحظات عمومی

بر

فصل سوم

(۱۲۷٤ ـ ۱۳٤۹ ه)

وضع سیاسی و اجتماعی این دوره

در این دوره انگلیسها در نتیجه دسایس و توطئه های دامنه داری که برای برانداختن سلطنت تیموری درهند چیده بودند بالاخره نوانستند نقشه‌خودرا عملی سازند و بعداز فرونشاندن شورش ۱۸۵۷ م / ۱۲۷٤ ه[1] درهمان سال طبق اعلامیه صادره از طرف سلطنت انگلستان بحکومت کمپانی هند شرقی[2] خاتمه‌داده شد و ملکه ویکتوریای انگلستان « باکمال لطف » سرزمین هندوستان را جزو مستعمرات خود قرارداده و نماینده خودرا بعنوان حاکم اعلی[3] و نایب السلطنه[4] انگلستان برای شبه قاره هندوستان فرستاد . نا گفته نماند که تا استقلال کامل[5]

---

۱ ـ در تاریخ هند این شورش رابنام « غدر » (Mutiny) یاد میکنند. این اولین کوششی بوداز طرف اهالی هندبرای بیرون کردن انگلیسها ازآن کشورکه متاسفانه نتیجه مثبتی نبخشید والا سرنوشت تاریخی آن سرزمین بکلی عوض میشدودر تاریخ‌هنددوره‌ای بنام « دوره استعمار انگلستان » که تقریباً صد سال طول کشید دیده نمیشد .

۲ـ East India Company

۳ ـ Governor-General

٤ ـ Viceroy

٥ ـ پاکستان و هندوستان روز ۱٤ و ۱٥ اوت ۱۹٤۷ مستقل‌شدند اما هندوستان روز ۲٦ ژانویه ۱۹٥۰ م وپاکستان روز ۲۳ مارس ۱۹٥٦ م جمهوری شد. اولین‌حاکم‌اعلی پاکستان مرحوم محمد علی جناح و اولین حاکم اعلی هند همان لرد مونت باتن (Lord Mountbatten) که قبل‌از استقلال وتقسیم شبه قاره هند بعنوان حاکم اعلی ازطرف‌دولت‌انگلستان برهندوستان حکومت میکرد . ازطرف رهبران سیاسی وارباب‌حل‌و عقدآن کشور نوزاد انتخاب شد وتاروزجمهوری بعنوان‌حاکم اعلی برهندوستان‌حکومت‌میکرد

ادبی فارسی درهندوستان بکلی ازبین نرفته بود وعده ای ازشعرا و نویسندگان آن
کشور باین زبان شعر میسروده و کتبی تألیف میکردند.

تذکره های فارسی راجع به شعرای اردو

همچنین یك نکته قابل توجه دیگراینست که دراین دوره ودر آخردوره سابق
بسیاری ازتذکره ها درباره شعرای اردو نیزبزبان فارسی تألیف شده است.
دراین تذکره ها مانند «تذکره هندی» مصحفی گاهی مؤلف آن درضمن نقل
اشعار اردو و بعضی اشعار فارسی شعرا را هم بطور نمونه آورده است.
اینك درباره تذکره های فارسی که در این دوره در شبه قاره هند وپاکستان
تألیف شده است بحث میشود.

ریاض الفردوس

ابتدا

خاکی نژاد ضعیف البنیان گم کرده هوش و خرد انس پذیر مجانس
وحوش واانعام ننگ بنی آدم محمدحسین(را) که سپید ازسیه(را) ممتاز نتواند کرد کجا
زهره و کی مجال آن دارد که بمحمدت جناب احدیت عزا سمه که وجود کونین ادنی
صفت ایجادیه اوست....»

مؤلف

اسم مؤلف مولوی محمد حسین خان و اسم پدرش غلام قادرخان صاحب
شاهجهان پوری است. (شرح حال مؤلف بدست نیامد).

١٨٨١ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١٨٨١ [illegible] ١٨٨٨ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٨٧٤ [illegible]

[illegible]

١٨٧٤ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هفت آسمان

ابتدا

«الحمدالله رب‌العالمین والصلوة علی رسول محمدالامین و علی آله‌واصحابه اجمعین »

شرح‌حال‌مولف

مولف آقا احمدعلی متخلص به‌احمد است و اسم پدرش شجاعت علی است و خانواده وی همراه نادرشاه بهندوستان رفت . احمد علی بروز ۱۰شوال ۱۲۵۵ ه دردهلی [۱] متولدشد .

اسم تاریخی او«مظهرعلی» است که سال ولادت اورا میرساند. از اوایل عمر بجهت اطلاعات‌وسیعی که درزمینه ادبیات فارسی داشت درهندوستان‌خیلی‌معروفیت پیدا کرد. ودر سال۱۸٦۲م در کلکته مدرسه احمدیه‌را تأسیس نمود و تا آخر عمر ریاست آن مدرسه‌را بعهده داشت.

درسال ۱۸٦٤م بتوصیه پروفسور کوول احمد علی بسمت معلمی فارسی در مدرسه دولتی کلکته انتخاب شد و درسال دیگروی مؤید برهان‌را منتشر کرد. این کتاب تبصره ناقدانه است بر کتاب برهان قاطع وطی این کتاب احمد علی درمقابل انتقاد شدیدی که غالب دهلوی شاعر معروف براین فرهنگ‌در کتاب‌خود قاطع برهان نموده بود ازمؤلف این‌فرهنگ دفاع کرده است.

سپس چون غالب دهلوی کتابی در جواب این رساله نوشت احمدعلی رساله دیگری بنام «شمشیرتیزتر»را انتشارداد.

۱ـ استوری: دهاکه بنگال شرقی

Professor Cowell -۱

این‌دو کتاب احمدعلی درزمینه فرهنگ نویسی دارای اهمیت فراوانی میباشد.
در۱۸۶۶م کتابی بنام « رساله ترانه » درباره رباعی فارسی تألیف نمود و بلوخمان
برای اینکه حق‌شاگردی وی را ادا کرده باشد این کتاب را بطبع رسانید.
همچنین احمد علی چند کتاب دیگر نیز تألیف کرد و بعضی کتب قدیم را
باتصحیح و حواشی خودبچاپ رسانید.
«هفت آسمان » تذکره مورد بحث آخرین اثر احمدعلی است‌اما بعلت‌مرگ
ناگهانی مؤلف تنها آسمان‌اول(ازجمله‌هفت آسمان) چاپ‌شد و شش آسمان دیگر
این کتاب بعدازمرگ اوچاپ نشد.
احمدعلی بروز۶ ربیع‌الثانی ۱۲۹۰ه (مطابق ژوئن۱۸۷۳م) بعارضه تب چشم
ازجهان بربست.

آثار مولف

۱- مؤید برهان - در دفاع از برهان قاطع در مقابل اعتراضات غالب
دهلوی-این کتاب در سال ۱۸۶۵ در ٤٧٥ صفحه در مظهرالعجایب پرس کلکته
بطبع‌رسید.

۲ - شمشیر تیزتر - در جواب رساله « شمشیر تیز» تألیف غالب که وی
درجواب «مویدبرهان» نوشته‌بود. این‌رساله در۱۰۶ صفحه در۱۸۶۸میلادی در کلکته
چاپ‌شد.

۳- رساله ترانه - درباره رباعی فارسی که اچ-بلوخمان در۱۸۶۷ در کلکته
چاپ کرد.

٤- رساله اشتقاق - دستور مقدماتی فارسی.

همچنین احمدعلی در تصحیح وچاپ درقسمت اول اکبر نامه و اقبالنامه
جهانگیری‌ومآثرعالمگیری ومنتخب‌التواریخ وسکندر نامه‌ویس‌ورامین که ازطرف
انجمن کتاب هند یاانجمن آسیائی بنگال منتشر شده‌بود همکاری داشت.

٨ـ ریاض‌الشعرای‌خان‌واله داغستانی
٩ـ آتشکده‌آذر اصفهانی
١٠ـ کلمات‌الشعرای سرخوش
١١ـ خزانه عامره‌آزاد بلگرام

اما از متن کتاب معلوم میشود که مؤلف از کتابهای زیر نیز در تألیف‌آن استفاده کرده است :

١٢ - رساله قافیه مولانا قاسم کاهی (رجوع شود به عنوان تحقیق مثنوی و تعریف‌آن ص٣)

١٣ـ بدایع‌الافکار ملاحسین واعظ‌کاشفی (ایضا)

١٤تا١٨ـ مجمع الصنایع وهفت قلزم ودریای لطافت ومخزن الفواید و کشاف‌الاصلاحات (ایضا)

١٩ـ انوار سهیلی ملاحسین واعظ کاشفی (رجوع‌شود به‌عنوان مثنوی گوئی)
٢٠ـ شرع‌الشعرا (رجوع شود به‌رودکی وتحفة‌الاحرارجامی)
٢١ـ سلم‌السموات قاسم‌ایرانی (ایضا)
٢٢ـ کشف‌الظنون (رجوع شود به‌فخری گرگانی)
٢٣ـ حدایق البلاغت شمس‌الدین فقیر (رجوع شود‌به‌نظامی)
٢٤ـ مفتاح التواریخ(رجوع شود به‌دقیقی بخاری)
٢٥ـ تذکره‌تقی کاشی(رجوع شود به‌نظامی گنجوی)
٢٦ـ فهرست اشپرنگر (ایضا)
٢٧ـ شرفنامه (ایضا)
٢٨ـ صولت فاروقی آشوب تورانی (ایضا)
٢٩ـ رساله عبدالواسع هانسوی (ایضا)
٣٠ـ نفایس المآثر (رجوع‌شود به قران‌السعدین‌خسرو)
٣١ـ منتخب‌التواریخ بداونی (رجوع شود به مثنوی قاسم کاهی)

۳۲ـآئین اکبری شیخ ابوالفضل (رجوع شود به عرفی شیرازی)

۳۳ـنوادرالمصادر (رجوع شود به خفاف و ابوشعیب)

۳٤ـلارنس گزت میرت (رجوع شود به مثنوی دردوداغ مرزاغالب دهلوی)

این کتاب قرار بود یك « اوج (مقدمه) » و هفت آسمان در مثنویهائی که درهفت بحر مثنوی سروده شده است و یك«افق» (خاتمه) داشته باشد ولی هنوز جزیك «اوج» ویك «آسمان» که آسمان اول نام دارد بچاپ نرسیده بود که مؤلف آن ناگهان بدرود حیات گفت وشش آسمان ویك«افق» این کتاب دیگرچاپ نشد.

مقدمه این کتاب که«اوج» نام دارد مشتمل است برتحقیق مثنوی و تعریف آن وطرح مثنوی گوئی وشرح حال شعرای قدیم ذیل که مثنوی گفته‌اند:

۱ـرودکی
۲ـابوشکور بلخی
۳ـ دقیقی بخاری
٤ـ ملك الشعراعنصری
۵ـ اسدی طوسی
٦ـ فردوسی طوسی
۷ـناصر خسرو
۸ـ اسعد گرگانی
۹ـ قطران الاجلی
۱۰ـمسعود سعدسلمان
۱۱ـ سنائی غزنوی
۱۱ـعمعق بخارائی
۱۳ـنظامی عروضی سمرقندی
۱٤ـ فصیحی جرجانی
۱۵ـنظامی گنجوی

«آسمان اول»این کتاب مشتمل است برشرح ۷۸مثنوی زیر در« بحرسریع»:

۱ـ مخزن‌الاسرار نظامی
۲ـمطلع‌الانوارامیرخسرو دهلوی
۳ـقران السعدین خسرو دهلوی
٤ـ مثنوی جلال فراهانی
۵ـ روضة‌الانوار خواجو کرمانی
٦ـ مونس الابرارعماد فقیه
۷ـ گلشن ابرار محمدکاتبی
۸ـ ساقی‌نامه مسیحی
۹ـتحفة‌الاحرارجامی
۱۰ـ مثنوی کعبه جامی

Lawrence Gazette Meerut-۱

۱۱ـمثنوی آصفی هروی ۱۲ـ منظر الابصار قاضی سنجابی
۱۳ـفتوح الحرمین محیی لاری ۱۴ـمظهر آثار امیرهاشمی کرمانی
۱۵ـ گوهر شهوار عبدی جنابدی ۱۶ـمشهد انوار غزالی مشهدی
۱۷ـ مرآت الصفات غزالی مشهدی ۱۸ـ نقش بدیع غزالی مشهدی
۱۹ـ قدرت آثار غزالی مشهدی ۲۰ـ منظور انظار رهائی مروی
۲۱و۲۲ـدومثنوی نویدی شیرازی ۲۳ـ مشاهد داعی شیرازی
۲۴ـمثنوی قاسم کاهی ۲۵ـمهر وفای سالم محمدبیگ
۲۶ـمظهر الاسرار حکیم ابوالفتح دوانی ۲۷ـخلدبرین مولانا وحشی کرمانی
۲۸ـمجمع الابکار عرفی شیرازی ۲۹ـزبدة الافکار نیکی اصفهانی
۳۰ـمرکز ادوار شیخ فیض فیاض ۳۱ـمثنوی زاهد
۳۲ـمثنوی میرمعصوم ۳۳ـ مثنوی مولانا علی احمد نشانی
۳۴ـ تحفه میمونه محمدحسن دهلوی ۳۵ـ مثنوی شانی تکلو
۳۶ـمنبع الانهار ملک قمی ۳۷ـ دیده بیدار حکیم شفائی
۳۸ـزبدة الاشعار قاسمی گنابادی ۳۹ـ دولت بیدار ملاشیدا
۴۰ـمثنوی شیخ بهاءالدین عاملی بهائی ۴۱ـحسن گلوسوز زلالی خوانساری
۴۲ـمثنوی باقر کاشی خرد ۴۳ـمثنوی قدسی مشهدی
۴۴ـ مثنوی سلیم محمد قلی ۴۵ـ مثنوی حکیم حاذق گیلانی
۴۶ـنازونیاز نجاتی گیلانی ۴۷ـمثنوی الهی سعدآبادی
۴۸ـمثنوی ابراهیم ادهم صفوی ۴۹ـمثنوی غافل محمدتقی
۵۰ـمثنوی فدائی محمدبیگ ۵۱ـمثنوی مولانا غیاث سبزواری
۵۲ـمظهر الانوار هاشمی بخاری ۵۳ـمثنوی صفامحمد باقر نایینی
۵۴ـمثنوی ملاصبحی بیرم بیگ ۵۵ـمثنوی، ملامحمد شریف
۵۶ـمثنوی فایز میرزا علاءالدین محمد ۵۷ـمثنوی طاهر وحید
۵۸ـمثنوی والهی قمی ۵۹ـمثنوی درویش حسین واله هروی

[illegible]

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف نواب سید صدیق حسن خان و تخلص او نواب و کنیت وی ابوالطیب است ، وی پسر اصغر سید اولاد حسن[1] حسینی بخاری قنوجی فاضل معروف است که از شاگردان عبدالعزیز دهلوی و مرید سید احمد بریلوی بود و در «جهاد» سید احمد مزبور شرکت داشت. نواب صدیق روز یکشنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۲۴۸ھ در محله شیخ پوره در شهر قنوج (بریلی) میان دو آب گنگا و حمنا بدنیا آمد. مادرش نجیب النساء از اهالی بریلی بود. نسب نواب صدیق به سید جلال الدین بخاری «مخدوم جهانیان جهان گشت» (متوفی ۷۸۵ھ) میرسد و از او بامام زین العابدین بن امام حسین منتهی میشود و بنابراین اقوام او به سادات حسینی بخاری شهرت داشته‌اند . جد سید جلال الدین مزبور سید جلال گلسرخ در ۶۵۳ھ از بخارا بهند آمد. نواب صدیق مذهب سنی و پیرو طریقه نقشبندی بود اما بدست کسی بیعت نکرده بود.

نواب صدیق علوم متداوله را در دهلی و شهرهای دیگر نزد چندتن از اساتید معروف عصر خود تحصیل نمود و نزد مفتی محمد صدرالدین خان بهادر صدرالصدور متخلص به آزرده دهلوی منطق و حکمت و فقه و علم و ادب را فرا گرفته از وی سند اجازه فتوی گرفت و علوم شرعی و دینی از قبیل تفسیر و حدیث و فقه سنت و اسماء رجال و احکام را نزد قاضی حسین بن محسن انصاری قاضی حدیده تحصیل نموده از وی اجازه فتوی گرفت سپس سند دواوین اسلام از قبیل معاجم و مسانید و صحاح و جوامع و امثال آنرا از مولانا شیخ محمد یعقوب دهلوی مهاجر مقیم مکه برادر مولوی محمد اسحاق دهلوی کسب نموده و همچنین از شیخ مولوی عبدالحق بن فضل الله ساکن قصبه نیوتنی نیز سند اجازه بدست آورد. سپس بقیه عمر را در مطالعه «اسفار و صحف کثیر» از هر موضوع گذرانید و مخصوصا کتب اهل حدیث وی را تحت تأثیر خود قرار داده و در نتیجه وی در زمره «اهل حدیث» در آمد اما جز بکتاب و سنت از کسی دیگر پیروی

۱ـ ر.ك. اتحاف النبلا. اسم پدرش در شمع انجمن «حسن» و در تذکره علمای هند تالیف رحمن علی (ص ۲۴) «سید آل حسن» ذکر شده است

وتقلیدنمی کرد.

نواب درتمام عمرپنج بارمسافرت کرد.

درمسافرت‌اول‌وی درطلب علم بدهلی وشهرهای دیگررفت.

درمسافرت‌دوم وی درطلب معاش وروزی به بهوپال وتونك رفت. درتونك درنتیجه اصراروزیرالدوله حاکم آنجا قریب بهشت‌ماه توقف نمود و سپس دوباره به‌بهوپال برگشت‌و آنجا بادخترمحمد جمال‌الدین‌خان‌صاحب بهادرمدارالمهام‌و نایب ریاست[۱] بهوپال ازدواج کرد ودر۱۲۷۵ﻫ درهمان شهررحل‌اقامت افکند وثمره‌این ازدواج یك دخترودوپسر بود. درزمان اقامت در بهوپال گاهی‌تنها و گاهی باتفاق نواب سکندربیگم‌والیه بهوپال‌برای‌بازدید ازشهرهای‌دیگرمیرفت ودوباره‌به‌بهوپال برمی گشت. درزمان سکندربیگم(متوفی۱۲۸۵ﻫ) وی‌دراداره‌انشاکارمی کردوبعداً متصدی اداره تألیف تاریخ بهوپال شد.

مسافرت‌سوم نواب‌صدیق در۱۲۸۵ﻫ صورت گرفت موقعی که وی‌برای‌حج وزیارت‌عتبات عالیه بحجازرفت. وی‌یك‌هفته درجوارمزاررسول توقف‌نموده‌به مکه برگشت و سپس براه حدید (راه آهن) به بهوپال مراجعت نمود و طی این مسافرت کتب بسیارازعلوم قرآن وحدیث مطالعه کرد وازبعضی کتب‌نسخه‌برداری و بعضی دیگررا خریداری‌نموده به بهوپال آورد وبه کتابخانه شخصی خوداضافه نمود. بعدازمراجعت به بهوپال مدتی اهتمام (وانتظام‌امور) ومدارس‌ریاست‌مزبور رابعهده داشت. درزمان شاهجهان بیگم والیه بهوپال (که بعد ازفوت سکندربیگم در۱۲۸۵زمام اموررا بدست گرفت) نواب‌صدیق اول‌رئیس‌فرهنگ وسپس‌میرمنشی یاامیرالانشاشد واز طرف بیگم‌القاب میردبیر وخان بوی‌اعطاشد. در۱۲۸۸ﻫ (بعد ازفوت زن‌اول) نواب‌بابیگم ازدواج کرد. آیه«واخری‌تحبونها» بتعمیه‌یك‌عددتاریخ این ازدواج رامیرساند. درنتیجه این ازدواج اقطاع‌هفتاد وپنج هزارروپیه سالیانه

۱- ریاست مخصوصا درزمان انگلیسها بایالتی میگفتند که‌استقلال‌داخلی‌داشته‌است‌اما درسیاست خارجی‌پابندسیاست‌انگلیسها بود.

ازمحال بریلی که وابسته بریاست بهوپال بوده بنواب صدیق پرداخت میشدواو بسمت وزیردوم بیگم بالقب معتمدالمهام منصوب شد. درسال دیگر بیگم این اداره را منحل کرد و نواب صدیق را لقب نواب، والاجاه و امیر الممالك عطا کرد. همچنین نواب نشان مجیدی درجه ثانیه راازطرف سلطان عبدالحمید عثمانی نیزدریافت نمود.

مسافرت چهارم نواب درسال ۱۲۸۹ه صورت گرفت چون او باتفاق نواب شاهجهان بیگم به بمبئی رفت و آنجا لرد نارت بروك[۲] گورنر جنرل ووایسرای هندوستان[۳] ازطرف ملکه و کتوریه نواب شاهجهان بیگم را مدال نیتی درجه یك با خلعت ساخت انگلستان و علم عالی پرچم و لقب « گراند کماندر استار آف اندیا»[٤] باسند لقب موشح بامضای ملکه و وزیراعظم انگلستان و لقب رئیس دلاور اعظم طبقه اعلای ستاره هند اعطا کرد دراین مسافرت نواب صدیق در شهرهای دیگر مانند گجرات وسورت واحمدآباد و بیدر نیز سیاحت کرد.

مسافرت پنجم نواب صدیق در سال ۱۲۹۱ ه صورت گرفت موقعی که وی باتفاق شاهجهان بیگم به کلکته رفت و این مسافرت مدت دوماه وچهارروز طول کشید. دراین مسافرت نواب صدیق بامیرتراب علیخان سرسالارجنگ بهادر وزیر ریاست حیدرآباد کن و نواب امیرعلیخان بهادروزیرالسلطان وچندتن دیگرازمعاریف و واعاظم کشور ملاقات کرد و همچنین با گورنرجنرل و پرنس آف ویلزشاهزاده انگلستان مکرر ملاقات کرد واز بناها و باغها وخیابانها ونهرهای معروف آن ناحیه دیدن کرد، ضمنا درراه نواب صدیق یك هفته در بنارس واله آباد وکانپور توقف نمودو بعد از بازدید از اهالی و باغهای آنجا به بهوپال مراجعت کرد و برای بقیه عمرهمانجا

۲ـ Lord Northbrooke فرمانروای کل هندوستان (۱۸۷۲-۱۸۷٦م مطابق ۱۲۸۹-۱۲۹۳ هجری)

۳ـ گورنر جنرل یعنی فرمانروای کل کسی بود که ازطرف پادشاه یا ملکه انگلستان بر هندوستان حکومت میکرد واو را وایسرای (نایب السلطنه) هم میگفتند.

٤ـ Grand Commander Star of India

اقامت داشت .

بتدریج نواب‌صدیق اکثراختیارات حکومت را بدست‌خود در آوردتا اینکه درسال۱۸۸۵م=۱۳۰۳ه حکومت‌هند (انگلیسی) وی‌راازآن مقام معزول نمود و از کلیه‌القابش‌محروم کرد.

درمطبوعات آن‌وقت ازجمله علل‌معزولی‌وی جبر و تعدی‌وسوءادارموبدانتظامی ذکرشده‌است اما برای‌مخالفت وانتقادازرفتاروی علل‌دیگرهم‌وجودداشت‌مانندعقیده «وهابیت» نواب وعدم وفاداری‌وی بحکومت انگلیسی‌هند . بایداذعان کرد که‌نواب ازاهل حدیث بود(که اشتباها آنهارا «وهابی» می گویند).اهل‌حدیث مسئله‌تقلیدرا قبول ندارند ودرمسایل‌دینی خیلی‌تعصب‌بخرج‌می‌دهند.

وان دایک[1] در کتاب خود نواب صدیق را بباد انتقاد گرفته‌است‌اماایرادات‌و اعتراضات وی‌مبنی برصحت وحقیقت نیست .

نواب صدیق درشب‌پنجشنبه۲۹ جمادی‌الثانی۱۳۰۷ه[2] دربهوپال‌فوت کرد و همانجا دفن‌شد.

آثارمؤلف

آثارنواب صدیق بزبان عربی وفارسی واردو بسیاراست ودر «مآثرصدیقی» مشتمل‌برشرح حال وآثارنواب صدیق تألیف‌نواب سیدعلی‌حسن‌خان پسرارشد او درقسمت۴ ضمیمه فهرست ۲۲۲ کتاب (۷۴بعربی و۴۵ بفارسی و۱۰۳ باردو) آمده است اما ازآنجمله ۲۵ کتاب هنوزبطبع نرسیده وبقیه درهند ومصر وترکیه چاپ شده است.

۱ـ ر.ك. Bibliography: Ed-Van Dyke.

۲ـ سلطان جهان‌بیگم تاریخ فوت نواب‌صدیق‌را ۲رجب(=۲۲فوریه) نوشته است که‌اشتباه‌است چون‌وی‌در۲۰فوریه۱۸۹۰م(=۲۹جمادی‌الثانی۱۳۰۷ه) فوت‌کرده است. درتذکره علمای هندتألیف رحمن‌علی شب‌پنج‌شنبه جمادی‌الثانی۱۳۰۷ه آمده‌است وظاهرا آنجا تاریخ۲۹ازقلم‌افتاده‌است.

درذیل نام شعرای زیر تنها اشعارشان را نسبة مفصل آورده است: **اهلی شیرازی**، **اشرف** ، **آفرین لاهوری**، ایجاد، افتخار، احمدخان، اعجاز ،افضل کاشانی، انشا ، بساطی، ترکمان ، حسابی ، حزنی ، حالتی ، حقیری ، ذوالفقار، رفعت، شوقی، شریف ، شاپورتهرانی ، عمرخیام ، عزت ، عرشی، عزیز، فوجی، فطرت ، فیاض، قادر، **قاسم** دیوانه ، کشفی، ماهر، میلی، مظفرخان ، مشرقی، مومن استرآبادی مومن دهلوی ، ناصر (نواب ناصرجنگ)، نصرت سیالکوتی، وحشی دولت آبادی ، ولی دشت بیاضی ، واعظ قزوینی ، حیدرقزوینی ، وحید ، هلاکی، همایون پادشاه و یمینی .

رویهمرفته اشعارحافظ (در۴ص) وآزاد بلگرامی(در ½ ۴ص)وناطق(در۵ص) وغالب دهلوی رادر(۸ص) مفصل تر ازسایرین آورده است .

همچنین شرح حال خودرادر(۶ص)مفصل تر ازسایرین نوشته است.

درذیل نام واله مؤلف برموضوع «عشق» بحث مبسوطی آورده است و نسخه هائی برای معالجه وهمچنین تعریف آن از «صحاح» و ماهیت وچگونگی ومعالجه آن را ازشیخ الرئیس وابواسحق ابراهیم بن تمیم قیروانی آورده وهمچنین اشعاری ازشعرای عربی و بحث عشق از گلستان سعدی باب پنجم وغیره رادرباره موضوع عشق نقل کرده است که تمام این مطالب خارج ازموضوع کتابست وهیچ اطلاعی راجع برندگانی واله صاحب ترجمه بدست نمیدهد.

مؤلف دراین کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای معاصر را آورده است که قبل ازاودرهیچ کتاب نیامده وچون این اشعار وشرح حال شعرا را وی ازخودشان گرفته است بنابراین قابل اعتبار واعتماد میباشد وهمچنین این حقیقت رامیرساند که هنوز درشبه قاره هندوپاکستان تعدادزیادی ازشعرا وجودداشتند که بفارسی شعر میسروده اند واسامی و آثارمختصر آنان دراین تذکره ضبط شده است اما بجای جمع آوری اشعار وشرح حال شعرای متقدم که مؤلف بعضی از آنان رادراین کتاب آورده است بهتر بود اگراشعار وشرح حال شعرای معاصر رامفصل تر میآورد چون در آن صورت اهمیت

این کتاب ازحیث اصالت مطالب بیشترمیشد.

همچنین این تذکره این حقیقت را روشن میسازد که هنوزدرشبه قاره هندوستان امراء و نوابانی بودند که نه تنها ادباء و شعرای فارسی را تشویق میکردند بلکه خودشان هم بفارسی شعر میسرودند و بدین زبان کتابهائی مینوشتند وبدین ترتیب خدمات گرانبهائی بزبان وادبیات فارسی انجام داده شمع این زبان‌را در آن‌سرزمین فروزان نگهداشتند.

سبك انشای مؤلف

سبك انشای مؤلف غالباً مصنوع است ودرموارد بسیار نثرمسجع بکار برده‌است. درابتدای شرح حال بعضی شعرا چند لقب توصیفی را بنثرمسجع آورده است مثــلا :

درذیل نام «ظهیر فاریابی» مینویسد. « سلسله فصحای متقدمین و نقاوه‌سحر آفرین است » .

درذیل نام «طغری مشهدی» مینویسد : «طغرای منشوراستعداد است وفروغ پیشانی قابلیت خدداد» گاهی برای «فوت شد» جمله‌ای مصنوع آورده‌است مثلا :

درذیل نام بیخبروفقیرمینویسد : بسرابستان قدس‌خرامید» .

همچنین گاهی برای«اینك‌اشعاراو» جمله‌ای مصنوع آورده‌است مثلا :

درذیل نام «بیخبر بلگرامی» مینویسد: «ساغرعرفان‌چنین‌میگرداند».

« « قدرت « نقش‌سخن برصفحه فکرچنین‌میکشد»

سالهاراغالباً بالفاظ عربی آورده‌است . هم‌چنین کلمات عربی‌رابفراوانی بکار بوده است وحتی گاهی‌دراین‌منظور تعمدواصرارورزیده‌است.

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به آثار مؤلف مـانند اتحاف النبلا ص۷–۲۶۳واکسیرص۱۱۴وترجمان‌وهابیت(اردو)وتاج‌الاقبال‌وتذکره شمع‌انجمن ص۹۴وبروکلمان‌ج۲ص۵۰۳وشرح‌زندگانی‌من(An Account of My Life) وغیره وصبح گلشن‌وروزروشن‌ونگارستان سخن‌وتذکره‌علمای هندتألیف رحمن‌علی

ازسلطان جهان بیگم (انگلیسی) چاپ لندن۱۹۱۲م ص۵–۳۰۴، ومآثرصدیقی شرح حال **نواب صدیق حسن** (بزبان اردو) ازعلی‌حسن‌خان چاپ لکهنو۵– ۱۹۲۴م. و «دایرة المعارف اسلامی» چاپ لندن۱۹۳۴م. ج ٤ص۴۰۳ الف تحت صدیق‌حسن خان ووان دایك. (Bibliography : Ed . Van Dyke) وروزنامه‌های‌پاینیر (Pioneer) لکهنومورخ ۲۹ر۱ر۱۸۸۰م ص ۱ ب و ۲۵ر۲ر۱۸۹۰م . ص ۱ ب و ۲٦ر۲ر۱۸۹۰م . ص ٦ ب ودیلی تلگراف (Daily Telegraph) پـونا مورخ ۲۹ر۱۰ر۱۸۸۵م‌ص۳الف واندین مرر(Indian Mirror)مورخ ۱ر۱۱ر۱۸۸۵م ص۲ه وتائمز آف اندیا (Times of India)هفتگی‌مورخ ٦ر۱۱ر۱۸۸۵م‌ص۱ج و۱۲ ب و۱۸ج بعنوان «اوضاع دربهوپال» (Affairs in Bhopal) «دفـاع از نواب‌همسر» (A Defence of the Nawwab Consort·······)(·····) که اول بصورت رساله‌ای ازطرف «اشاعت السنه» روزنامه اهل حدیث لاهورچاپ شده بود وبعداً ادوکیت آف اندیا (Advocate of India) در۱۸۸۹ م بصورت ضمیمه‌ای‌چاپ کرد. همچنین‌رجوع‌شودبه‌روزنامه‌پونا آبذور(Poona Observer) مورخ ۲۲ر۲ر۱۸۹۰ص۲ ز و تائمز (Times) مورخ ۳ر۳ر۱۸۹۰ م ص۷واستوری ص۲۷ و۹۱۳

چاپ درمطبع شاهجهانی بهوپال بسال۱۲۹۳ه چاپ شد.

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به فهرست اسامی که درآغازاین کتاب چاپ بهوپال آمده است.

نگارستان سخن

ابتدا

بسمله مصحف ایمان وفاتحه قرآن ایقان حمد متکلمیست که گوهر غلطان
سخن رابحکمت نابغه‌خودبرشته‌نظم‌دلاویز کشیده‌واحجار الفاظ‌منثوررادرمیزان کده
طباع شعرا سحرانگیز لینت شمع بخشیده»

شرح حال مولف

اسم مؤلف ــ سید نورالحسن خان و القاب و کنیت وی نواب رضی الدوله
نظام الملك سید ابوالخیراست که‌اول طیب تخلص داشت وبعد تخلص نورراختیار
نمود . اوپسرارشد نواب صدیق‌حسن‌خان‌ازبطن‌زن‌اول نواب مزبوراست که دختر
کمال الدین خان دهلوی نخست وزیـربهوپال بود . وی روزچهارشنبه ۲۱ رجب
۱۲۷۸ه بدنیا آمد واسم تاریخی‌او«نظیرحسن» است . که ازروی ابجد سال تولدوی
رامیرساند . وی ازطرف پدرسیدحسینی وازطرف مادرشیخ صدیقی بوده . بسن‌پنج
سالگی بخواندن قرآن و کتب‌متداوله فارسی پرداخت دراول کتب علوم متداوله
مانند صرف و نحوشافیه و کافیه را نزد مفتی ریاست بهوپال مولوی محمد ایوب و
مختصرات منطق قال اقول وایساغوجی رانزد مولوی انورعلی صدر(رئیس)مدارس
سلیمانیه بهوپال وصغری و کبری وشرح تهذیب وشرح جامی راپیش مولوی الهی
بخش‌فیض‌آبادی استاد مدرسه سلیمانیه بهوپال مؤلف تحفه شاهجهانی‌خواند.
درموقع تألیف «نگارستان سخن» مشغول‌خواندن دواوین‌وقرآن‌و کتب‌سنت
ازقبیل جلالین و مشکوة وسنن ترمذی و مختصرمعانی و غیره نزد مولوی محمد
بشیرسهسوانی مدرس استان خاص حضرت شاهجهانی و مولوی محمد بشیرالدین
قنوجی قاضی بهوپال بوده در ذوالقعده ۱۲۹۳ ه باتفاق پدرونامادری‌خود نواب

شاهجهان بیگم والیه (حاکم) بهوپال دردربارملکه وکتوریه بدهلی رفت.

وی بفارسی واردو هردوشعرمیسرود درفارسی طیب ونورودراردوکلیم تخلص داشت.

مؤلف دربین سالهای ۱۳۳۲ و۱۳۴۲ھ فوت کرده است چون درفهرست آصفیه ج۱چاپ ۱۳۳۲ھ وی بطور«زنده»یادشده امادرمآثرصدیقی ج۲ص ۴۹ چاپ۱۳۴۲ھ کلمه «مرحوم»بااسم وی اضافه شده است.

آثار مؤلف [1]

۱ـ نگارستان سخن. تذکره مورد بحث.

۲ـ طور کلیم ـ تذکره شعرای ریخته (اردو)بزبان فارسی تألیف ۱۲۹۵ھ در جواب«گلشن بیخار»شیفته دهلوی.

۳ـ شرح بامتن برمرقعات مولوی فضل امام خیرآبادی.

۴ ـ عرف الجادی من هدی الهادی چاپ بهوپال ۱۲۹۶ھ بفارسی درفقه حنفی است.

۵ ـ النهج المقبول من شرایع الرسول ـ درفقه حنفی بفارسی است ـ چاپ ۱۲۹۶م.

تبصره بر کتاب:

مؤلف این کتاب رابسال۱۲۹۲ھ==۱۸۷۵ میلادی تألیف کرده است. درآخر کتاب چند قطعه آورده است که بعضی ازآنها سال تألیف وبعضی دیگرسال طبع کتاب را میرساند ازآنجمله ۵ قطعه سال تألیف کتاب رامیرساند. اینك یکی ازآنها:

حال و قال سخنوران جهان	بطراز لطیف شد انشا
گفت نورالحسن چه خوش تاریخ	باغ دلچسب معنی زیبا (=۱۲۹۲ھ).

۱ـ برای آثار عربی مؤلف رجوع شود بهاستوری ج ۱ ص ۹۱۳-۹۱۴

همچنین قطعه‌ای سال تألیف رابسنه میلادی
کتاب رابسنه هجری (۱۸۷۵ م) ودوقطعه سال طبع
درمورد سبب تألیف مؤلف (۱۲۹۳ هـ) وقطعه‌ای دیگربسنه میلادی (۱۸۷٦ م)میرساند
جمعی از شعرای معاصر از دهاکه و بنگاله و غیره نتایج افکار خود را از بلاد
دوردست برای « تذکره‌شمع‌انجمن » تألیف‌نواب صدیق حسن‌خان (پدرمؤلف) که
در۱۲۹۳ هـ بطبع‌رسیده فرستاده بودند اما بنا برمسافرت دهلی‌بمناسبت دربارملکه
و کتوریه‌فرصت چاپ‌آن درتذکره مزبور دست نداد وبنا براین مؤلف شرح حال
واشعارشعرای مزبور را درتذکره خود ضمیمه کرده وعده دیگرازمتاخرین را هم
در آن اضافه‌نموده‌وبصورت تذکره جداگانه‌ای ترتیب داد .
نظر بتوضیح فوق این‌تذکره را میتوان « تکمله‌صبح گلشن» حساب کرد.
مؤلف اسم کتابهای‌زیر رادرخاتمه کتاب‌آورده است که درتألیف این‌تذکره
مورد استفاده‌وی قرار گرفته‌است .

۱ ــ لب‌اللباب (لباب الالباب) عوفی
۲ ــ تذکره سامی
۳ ــ تذکره دولتشاه
٤ ــ خلاصة الاشعار ـ تقی کاشی
٥ ــ هفت‌اقلم
٦ ــ خاتمه منتخب التواریخ
۷ ــ مجمع‌الفضلا ـ ملابقائی
۸ ــ تذکره‌نصرآبادی
۹ ــ مرآت‌الخیال
۱۰ ــ کلمات الشعرا
۱۱ ــ همیشه بهار
۱۲ ــ حیات‌الشعرا ـ متین کشمیری
۱۳ ــ سفینه بی‌خبر
١٤ ــ ریاض الشعرا
١٥ ــ مجمع‌النفایس
١٦ ــ تذکره‌حزین
۱۷ ــ تذکره بینظیر
۱۸ ــ مردم دیده
۱۹ ــ ید بیضا
۲۰ ــ سروآزاد
۲۱ ــ خزانه عامره
۲۲ ــ نتائج الافکار گوپاموی
۲۳ ــ نشتر غم
٢٤ ــ نفایس المآثر

۲۵ ـ صبح صادق	۲۶ ـ تذکره ناظم تبریزی
۲۷ ـ بهارستان عبدالرزاق	۲۸ ـ گل رعنا
۲۹ ـ شام غریبان شفیق اورنگ‌آبادی	۳۰ ـ قند پارسی
۳۱ ـ گلستان مسرت	۳۲ ـ بیاض دستخط (جنگی با امضای) خاص میر آزاد بلگرامی .

این تذکره مشتملست بر ذکر ۶۵۱ شاعر متأخر و معاصر مؤلف بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص شاعر. اما ذکر بعضی از متقدمین مانند ابوعلی سینا را هم شاملست ـ این تذکره با « آزاد جهانگیر نگری » شروع شده با « یوسف لکهنوی مولوی محمد یوسف‌علی » تمام میشود .

جالب اینست که از متقدمین ذکر کسانیکه بشعر معروف بودند مانند سعدی و حافظ و غیره را نیاورده و بعضی مانند ابوعلی سینا را که بشعر معروف نبودند ذکر کرده‌است.

در آخر کتاب تحت عنوان « ذیل خاتمه نگارستان سخن » بعضی اشعاریکه در آن بعلت « اشتراك الفاظ و مضامین و اتحاد مبانی و معانی » توارد واقع شده آورده و سپس تحت چهارده « فایده » بعضی کلمات را که در بعضی اشعار آمده استشرح داده‌است .

این تذکره مختصریست مشتمل بر ۲۱۱ صفحه و در ذیل اکثر شعرا فقط جمله ای برای معرفی آنها ودو سه بیت ازاشعارشان را آورده‌است .

اشعار و شرح حال شعرای زیر را نسبة مفصل آورده‌است : آزاد جهانگیر نگری واسیر لکهنوی و اشرف و امداد و امیر و توفیق و رافت و رویت و زمهری و سید گوالیاری و شاهجهان بیگم و ظفر متخلص به اورنگ و عبیدی و عذری و غلام مصطفی و فصیح و فوز و قاآنی و منیر شکوه آبادی و نشائی و نواب (حامد علیخان والی ریاست رامپور) و نواب (صدیق حسن خان) و نور (مؤلف) و نیازی و یزدانی و یوسفی و یوسف (مولوی محمد یوسف علی) .

اشعار شعرای زیر را مفصل اما شرح حالشان را مختصر آورده‌است :

ابوسعید ابوالخیر وملاباقروثاقب (مهاراجه گوپال‌سنگه) وسلطان‌ومحب
مهری (سیدعلی) و نویدی،
همچنین درذیل‌نام خاور ومرتضی‌شرح‌حالشان را مفصل‌اما از خاورسه بیت
واز میرمرتضی تنها یك بیت آورده است .
رویهمرفته اشعارمولوی محمد یوسف (در $6\frac{1}{2}$) ومهری‌سیدعلی (در٦ص)
را مفصل ترازسایرین آورده‌است. بعضی‌قطعه های تهنیت‌وغیره وقصیده هاوخاتمة
الطبع بنظم و نثروتاریخ‌طبع کتاب‌ازشعرا ومنشیان دربار بهوپال‌درآخر کتاب‌ضمیمه
شده که‌قسمت قابل ملاحظه این کتاب (٢٦ص) راتشکیل میدهد.
سبك‌انشای مؤلف غالباً مصنوع است وری در بسیاری ازموارد نثرمسجع بکار
برده‌است .

تذکر

این کتاب‌حتماً تألیف سیدنور الحسن خان‌نیست چون در موقع تألیف این
کتاب‌سن وی‌هنوزاز چهارده پانزده‌سال تجاوزنکرده بودواصلا نمیتوان باور کرد
که یك پسرچهارده‌پانزده‌ساله‌ای‌بتواند کتابی‌مانند نگارستان‌سخن‌را باین نثرمصنوع
وفنی بنویسدوحتماً یك کسی ازملازمان دربارنواب صدیق حسن‌خان‌پدرمؤلف‌این
کتاب‌را تألیف‌نموده وبنام این«نواب‌زاده» نسبت داده‌است (نیزرجوع شودبه‌پایان
بحث‌در باره«صبح گلشن » درسطورذیل) .

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی / ١٢٩٣/ ١٨٧٦م.
برای شرح حال مؤلف رجوع شودبه‌نگارستان‌سخن‌وصبح گلشن واستوری
ج ١ ص ١٤-٩١٣

فهرست اسامی شعرا

رجوع شودبه چاپ بهوپال ١٢٩٣ ﻫ

٥ـ مآثر صدیقی ـ شرح‌حال مفصل نواب صدیق حسن خان باردو ـ چاپ لکهنو ۱۳٤۲ ه .

٦ـ بزم‌سخن ـ تذکره شعرای اردو ـ چاپ۱۲۹۷ه (شرح حال شعرارا بزبان فارسی نوشته است) .

۷ـ مواردالمصادر ـ بفرمایش شاهجهان بیگم بعداز فوت نواب صدیق حسن تألیف گردید .

همچنین آثار زیادی بزبان اردو دارد مانند فطرت الاسلام و سیرة الاسلام وانتظام خانه‌داری وغیره که فهرست آن برصفحه آخر مآثرصدیقی ذکرشده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب رادرغره ذوالقعده ۱۲۹٤ آغاز ودر آخرماه جمادی ـ الاول۱۲۹٥ ه باتمام رسانیده‌است. درپایان کتاب «قطعه‌تاریخ» ذیل ازمولوی محمد یوسف‌علی آمده‌است که سال آغاز تألیف این رامیرساند :

از ذکاء علی حسن دم زد
سال‌تنویر مطلع این صبح

صبح گلشن بگلشن عالم
«دلفروز سخنوران» گفتم

(= ۱۲۹٤ ه)

همچنین درپایان کتاب چند «قطعه تاریخ» دیگرازشعرای مختلف آمده‌است که سال پایان تألیف این را میرساند از آنجمله قطعه زیر از سرفراز علی وصفی اله‌آبادی‌است :

چون زکلك امیر ابن امیر
گفت‌تاریخ‌وصفی خوشفکر

یافت‌این تذکره‌جدیدارقام
« یادگار سخنوران انام »

(= ۱۲۹٥ ه)

مؤلف در مقدمه این کتاب بنثر بسیار مصنوع ومنشیانه سبب تألیفرا چنین توضیح داده‌است که چون پدرش صدیق‌حسن‌خان تذکره‌ای‌بنام شمع‌انجمن تألیف

کرد بقیه‌شعرائی که ذکرشان‌درآن تذکره نبود «بجوش آمدند وحسرت‌فروشان درخروش» تااینکه برادر بزرگ مؤلف وپسرارشد نواب‌صدیق‌حسن‌خان‌تکلمه‌ای بنام «نگارستان سخن» نوشت و بعضی شعرا را که اسامی آنها ازشمع انجمن افتاده بود ضمیمه کرد اماهنوز عده زیادی ازشعرا که‌در هردو تذکره فوق‌یادنشده بودند میخواستند تذکره دیگرترتیب داده‌شود تااز آنهاهم‌درآن تذکره‌یادشود. بالاخره مؤلف بترتیب این تذکره کمرهمت بست و شرح حال شعرا و اشعارشان را وارد این‌تذکره کرد. امادر این تذکره بعضی شعرائی که در شمع انجمن و نگارستان سخن مذکورند نیزتکرار شده وعلت‌آن رامؤلف دردیباچه چنین‌توضیح داده‌است که‌این تکرار برای اینست که‌آنها رامؤلف «خوش‌آوازتر» یافته‌است .

مؤلف دردیباچه کتاب اسم‌تذکره‌های زیررا آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است :

۱ــ آفتاب عالمتاب .

۲ــ نشتر عشق حسین‌علیخان عاشقی عظیم‌آبادی .

امادراین کتاب بسیاری ازمطالب رااز‌تذکره‌های زیرنقل کرده است :

۱ــ شمع انجمن ــ نواب‌صدیق حسن‌خان (پدرمؤلف .

۲ـ نگارستان‌سخن (سید نورالحسن‌خان) (برادر مؤلف) .

اصلا این کتاب تکمله شمع انجمن ونگارستان سخن میباشد .

دراین کتاب فهرست اسامی شعرا هیچ‌جا نیامده است اماعده شعرای‌مذکور بقرار زیر است :

الــف= ١٦٠ ب= ٧٩ پ= ٥ ت= ٥١ ث= ٩ ج= ٣٥ ح = ٦٩ خ= ٣٩
د= ١٨ ذ= ٥ ر= ٦١ ز= ١٨ س= ٧٧ ش= ٤٨ ص= ٥٢ ض= ٩ ط= ١٧ ظ= ٦
ع= ١١٧ غ= ١٥ ف= ٦٤ ق= ٣٢ ك= ٢٢ ل= ٢٣ م= ٤٦٠ ن= ٢١٢ و= ٩٧
ه= ٤١ ی= ٣٩ کل ٢٠٢٤ تن‌شاعر .

ایــن این تذکره مشتملست برذکر ٢٠٢٤ تن شاعر بترتیب الفبا ازروی

حرف اول تخلص یا اسم شاعر از شعرای متقدم و متوسط و متأخر که اکثرشان شعرای متأخر میباشند

این تذکره با «آثار مشهور بملا آثار» شروع شده با «یوسف - مولوی محمد یوسف علی گوپاموی» تمام میشود .

مؤلف اشعار وشرح حال اکثر شعرارا خیلی مختصر آورده استو اکثر شعرا رادر دوسه جمله معرفی وازآنها دوسه بیت یایك رباعی نقل کرده است .

شرح حال شعرای زیررا مفصل آورده است : احسن مولوی محمد احسن ورفعت محمد عباس وشهیر حافظ محمد خان و کلیم نورالحسن خان ونوش منشی کنج منوهرلال(هر کدام دریك ص) وحسرتی نواب محمد مصطفی خان وسلیم علی حسن خان (مؤلف)ومسیح رکن الدین کاشی ویوسف مولوی محمدیوسف (هر کدام در ۱½ ص) وشاهجهان بیگم وممتازالدوله سید عبدالحی خان (هر کدام در ۲ص) ونواب صدیق حسن خان(در ٤ص).

رویهمرفته شرح حال نواب صدیق حسن خان راازسایرین مفصل تر آورده است . بدارالقرار شتافت.

همچنین اشعار شعرای زیررا مفصل آورده است : برق (در ۲ ص) و قصاب وسعیدا (½۲ص) ونواب صدیق حسن خان (در۳ص) ومنیر محمدضیا(در٤ص) ونوش منشی کنج منوهرلال(در٤ص)وشهیر حافظ خان محمدخان(در۷ص)وحسرتی(در ۱۰ص

رویهمرفته اشعار حسرتی را ازهمه مفصل تر آورده است.

درذیل نام نواب صدیق حسن خان پنج بیت رباعی بعربی ازاو آورده است .

درذیل نام فارغ فداعلی نمونه نثر اوراهم آورده است .

سبك انشای مؤلف بسیارمصنوع است وغالب مطالب را بنثر مسجع آورده است.

سالهارا بالفاظ عربی ذکر کرده است .

غالباً جمله‌ای مصنوع درمعنی «فوت شد» آورده است چنانکه :

درذیل نام انصاف مینویسد : درسنه خمس وتسعین ومایة والف این خاکدان را گذاشت .

صاحب بوذند دری ازتحقیق حال گشودند وطریقه انتخاب نمودند (نشان دادند)»

همچنین درپایان شرح حال مولوی محمدیوسف مزبور عبارت زیر آمده است:

«هرچندترجمه و کلام (شرح حال و اشعار) آن والامقام درشمع انجمن و نگارستان سخن گذشت لکن ازآنکه (ازآنجا که) درتهذیب و اصلاح این کتاب یارو یاور نامه نگار (مؤلف) است (ذکر) اشعارو (شرح) حال ومقالش باندك جدت واجب گشت»

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی ۱۲۹۵ ه .

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به نگارستان سخن و صبح گلشن و استوری ص۹۱۵ .

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب ذکرنشده و حتی در چاپ بهوپال هم درآغاز یاپایان کتاب نیامده است .

روز روشن

ابتدا

حمد خداوند سرایم نخست　　　تاشوداین نامه بنامش درست

نگارش نقش دلفدای نگارستان سخن نگارحمد نقش نگاررنگارنگ بدیعه برصفحه ایجاد وتکوین نوشته قلم قدرت اوست وتماثیل واشباه گوناگون مخترعه درکارستان تشبیه وتلوین سرشته دست صنعت او

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمدمظفرحسین گوپاموی متخلص به صبا است وی در ٤ شعبان ۱۲۷۹ﻫ درلکهنو متولد شده وسپس به بهوپال رفت وایـن کتاب را بسن ۱۷ سـالگی نوشت (بقیه شرح حال او بدست نیامد).

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب رابسال ۱۲۹۵ ﻫ (بسن ۱۷سالگی) آغاز ودر ۱۲۹۶ﻫ باتمام رسانیده است.

دردیباچه قطعه زیر آورده است که سال آغاز تألیف این کتاب را میرساند:

آغاز نمود خامه من	شرح آثار نکته سنجان
ماه شعبان و سال مضمر	دلکش اسماء نکته سنجان

= ۱۲۹۵ ﻫ (؟)

همچنین درخاتمه قطعه زیر آورده است که سال اتمام تألیف این کتـاب را می‌رساند:

چو گردید فارغ زبان قلم	ز افسانـه دوستان سخن
زتاریخ انجامش ازدل صفا	شنیدم «بهین دوستان سخن»

= ۱۲۹۶ ﻫ

درمورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح میدهد که وی «شمع انجمن» و «نگارستان سخن» و «صبح گلشن» را دیده و درخاطرش گذشت که شرح حال سخنوران دیگر ازمتقدمین ومتأخرین که درآن سه کتاب نام و نشان روشن نگشته در تذکره جداگانه‌ای بنویسد و اشعار وشرح بعضی شعرای معاصر را که «استدعای اندراج» کرده اند نیز بدان اضافه نماید

مؤلف در دیباچه اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که از آن در تألیف این کتاب استفاده نموده است:

١ـ شمع انجمن　　　　　٢ ـ نگارستان سخن

٣ـ صبح گلشن[1]　　　　　٤ـ آفتاب‌عالمتاب[2]

مؤلف درشرح حال‌شعرا اسم کتابهای زیررا نیز آورده‌است که‌ازآنها درتألیف این کتاب استفاده کرده‌است.

٥ـ نشترعشق　　　　　٦ـ یدبیضا .

این کتاب‌مشتملست برذکر ٢٤١٠ [3]شاعرمتقدم‌ومتأخر بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم‌یاتخلص‌شاعروبا « آبی‌ترشیزی » شروع شده با « یونس میریونس ابهری» تمام‌میشود .

این کتاب فهرست اساسی شعرا را ندارد اما درآخر کتاب فهرستی ازابواب کتاب آمده‌است که‌درآن تعدادشعرائیکه‌تحت هرباب‌ذکرشده مذکوراست.

اشعاروشرح‌حال‌اکثرشعرا راخیلی مختصر آورده‌است ودراکثرمواردمعرفی شاعررا دریك‌جمله کرده وازاو‌یك دوبیت‌آورده‌است.

امادرذیل ٢٥٠ شاعراشعارا وشرح حال آنهارا نسبة مفصل آورده است مانند ابوسعیدابوالخیر واختر وارشد وغیره .

درذیل ٥٠ شاعر شرح‌حالشان‌اگرچه‌مختصراست‌امامؤلف‌اکثراطلاعات‌مهم راجع بزندگانی‌شان‌رابهم رسانیده‌است مانند احیاواجمل‌شاه وغیره .

١ـ هرگاه مؤلف شرح‌حال‌شاعری راازیکی‌یا بیشتر ازسه‌کتاب فوق‌نقل کرده‌روی‌اسم یاتخلص آن شاعر نشان مخصوص «ش‌ون‌وص» بترتیب برای شمع انجمن ونگارستان‌سخن وصبح گلشن گذاشته‌است .

٢ـ مؤلف‌دردیباچه اضافه نموده‌است که درتألیف‌کتاب خودازاین کتاب مخصوصا خیلی استفاده کرده‌است .

٣ـ تعدادشعرای مذکوردر این تذکره٢٤١١ می‌باشداماچون ذکریك‌شاعر (امیر نظام‌الدین‌استرآبادی) مکررآمده‌است بنابراین تعدادشعرا ٢٤١٠می‌باشدنه٢٤١١چنانکه خودمؤلف درآخر کتاب تحت‌عنوان «تنویر» راجع‌باین‌موضوع‌اشاره کرده‌است.

درذیل ٥٠ شاعر شرح حالشان اگرچه **مفصل** است اما مؤلف اکثر اطلاعات مهم راجع **به زندگانی شان** را بهم نرسانیده است مانند آزاد گوپاموی وغیره.

درذیل ۳۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اشعارشان را خیلی **مختصر آورده** است مانند ابراهیم ادهم وامین وغیره

درذیل ۸۰ شاعر اشعارشان را نسبةً مفصل آورده است مانند ارشدی وافضل **واوحدی** کرمانی وغیره.

مؤلف گاهی بر بعضی اقوال وروایات منابع خود ایراد گرفته و نتیجه **تحقیق** خود را در باره **آن موضوع** نوشته است مثلاً درذیل « موجد بدایونی »مینویسد: **«آفتاب** عالمتاب وصبح گلشن آنرا بلگرامی ومجهول الاسم و النسب نگاشته ولی **نامش** وهاب الدین ابن ملاقطب الدین بدایونی است».

همچنین درذیل نام «وحشی جوشقانی» مینویسد: «درشمع انجمن **و بعضی تذکره ها اورا کاشی** نگذاشته اند از آنکه (در) خدمت ملامحتشم کاشی تلمذ داشت».

یا درذیل نام **سید محمدهادی** مینویسد: «درشمع انجمن آورده که ازشعرای **کاشانست** و در آفتاب عالمتاب وصبح گلشن اورا یزدجردی نگاشته (اند). اصل این **است که ولادتش** دریزد جردونشوو نمای او در کاشان بوده».

امادرهیچ مورد مأخذ اطلاعات خود را که از آن در باره موضوعات **فوق تحقیق** نموده است ذکر نکرده وبنابراین نمیتوان برقول مؤلف اعتماد کرد و **بدون شك و** **تردید آنرا قبول** کرد.

درآخر این کتاب طبق رسم شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن **بعضی قطعاتی** که سال تألیف وطبع کتاب را میرساند وتقریظهائی ازشعرا و ادبای **بهوپال** ضمیمه شده است.

برخلاف ادعای مؤلف مبنی برسلاست وبی تکلفی عبارات، **سبك انشای او غالباً** **مصنوع است** و گاهی نثر مسجع هم **نوشته** است ومخصوصاً **درشرح حال خود تحت نام** «صبا» که در $1\frac{1}{2}$ ص آورده است نثر او بقدری مصنوع وپرتکلف وپر از **حشووزواید**

است که مطالب آنرا میتوان دردوجمله بیان کرد ومنظورمؤلف در نوشتن این عبارات مصنوع غیراز فضل فروشی چیز دیگر نبوده است.

همچنین شرح حال شاعر اول « آبی ترشیزی » را کاملا بنثرمسجع نوشته است.

اما رویهمرفته ادعای مؤلف مبنی بر« بسطی کافی غیرممل واطناب بی وافی نامخل» در اکثر موارد صحیح است زیرا که برخلاف رسم سه کتاب سابق الذکر (شمع انجمن ونگارستان سخن وصبح گلشن)مؤلف شرح حال اکثر شعرا را مختصر اما جامع وبدون اطناب غیر ضروری آورده است.

این کتاب هم مانند سه کتاب همانند خود مخصوصاً در موردمعاصرین دارای اهمیت وارزش میباشد.

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی ۱۲۹۷ه

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به روز روشن (که مؤلف تحت نام « صبا » شرح حال بسیار مختصر بنثر بسیار مصنوع آورده است)

فهرست اسامی شعرا

درهیچ کتاب ذکر نشده حتی درچاپ بهوپال هم در آغاز یا پایان کتاب نیامده است.

اختر تابان

ابتدا

«سخنی که آب و تابش روکش لعل بدخشان و یاقوت درخشان باشد ستایش داور یکتا هستورهستی نما و کلامیکه بهتر وخوشتر از گوهر شاهوار و زمرد آبدار بود نعت خاتم المرسلین است که مدام برروان پاکش سلام ودرود خداست»

شرح حال مؤلف

مؤلف ابوالقاسم محتشم است. وی درسوم ماه محرم ۱۲۷۶ه در بهوپال بدنیا آمد ـ نسبش به جابربن عبداله انصاری میرسد. واجداد وی که «صاحب السیف و القلم» بودند ازمدینه منوره به بغداد مهاجرت کرده چندین قرن در آنجا سکونت داشتند وسپس به همدان رفته ودر آنجا «بعزت و حشمت» بسرمیبردند. یکی از اجداد مؤلف درزمان نواب آصف الدوله (۱۱۸۹ـ۱۲۱۲ه) بهندوستان آمده به لکهنو رفت وآنجا سکونت گزید وبخدمت نواب مزبور درآمد. سپس بعربستان رفته و دختر سیدحیدر بغدادی را «در حباله نکاح کشید». پسروی مولانا احمدیمینی شروانی (متوفی ۱۲۵۶ه در بلده پونا) که تألیفات بسیار دارد بهند رفت ودرخدمت انگلیسها وغازی الدین حیدرپادشاه اود بعزت واحترام زندگی کرد. خلف الرشید وی مولانا عباس شروانی متخلص به رفعت که صاحب تألیفات بسیار بوده پدر مؤلف بود و درخدمت والیه بهوپال ودرمجلس نواب امیر الممالك بود.

(بقیه احوال زندگی مؤلف بدست نیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را درسال ۱۲۹۸ه تألیف نموده است چنانکه درخاتمه

مینویسد:

«بتاریخ سوم شعبان سنه۱۲۶۸ هـ برابررش روز[1] تیرماه۱۲۸۸فصلی[2] مطابق یکم جولائی (اول ژوئیه)سنه۱۸۸۱(میلادی)ازتألیف فراغ حاصل گردید.

مؤلف درمقدمه کتاب بنثرمصنوع راجع به نادر و کمیاب بودن سخن شاعره‌ها شکوه کرده و میگوید « زن بخلاف مرددر صد هزار یکی سخندان میباشد . . و آن هم بسبب پـرده نشینی (حجـاب) در زاویه گمنـامی (میباشند) .؟ پرده‌داری زنان درزمره اهل ایمان بجائی رسید که لقب زنان مستورات گردید.. پس چنانکه آنها مدت العمر درتتق نشستند و در پرده (حجاب) پیوند زمین گشتند همچنان اکثر کلام ایشان نیزدرپرده عدم نهان واز حوادث زمان رایگان شد . درشمع انجمن و نگارستان سخن وصبح گلشن وروزروشن که حاوی ذکر خیر پنجهشتر هزار شاعر نامدار اندواین اسفار اربعه از(چهل کتاب که اسم آنها را مؤلف اینجـا نوشته است) وديگر چند کتاب ... که تفصیل اسمای آن بسیار است وتراجم اکثر سخن سنجان معاصر آرایش وپیرایش یافته‌اند چون تفحص بکار رفت صرف نـامو

۱ـ رش نام روزهیجدم ازهرماه شمسی ایرانیان قدیم بوده جه ایشان ایام هفته نداشتند وهرروزرا بهاسمی میخواندند . فردوسی:

توراز ندگی بادپدرام وخوش چوخـورسپهر آوردروز رش

ایضا عنصری :

درآمد درآن خـانه چون بهشت بروزرش ازماه اردیبهشت

(تذکر: دربیت فوق فردوسی درفرهنگ نظام بجای «هور» «حور» آمده است که محققا اشتباه است وظاهرا اشتباه کاتب است چون خودمولف فرهنگ نظام این کلمه‌را در حرف «ها» آورده‌است وآنجا معنی آن آفتاب نوشته وبعنوان سندبیت ذیل از فردوسی نقل کرده‌است:

خداوند کیوان وناهید وهور ازویست شادی وزویست روز

(فرهنگ نظام)

۲ـ فصلی نوعی ازتقویمهائیست که درهندوستان معمول بوده‌است.

نشان قریب چهل‌شاعره زن وشرح حال آنها نهایت مختصر بملاحظه در آمد بحدیکه از کلام بعضی صرف (تنها) یك‌بیت بنظر گذشت وهمان یك شعر (بیت) درچند تذکره یافته شد.

«وملافخری‌هروی که ..جواهرالعجایب‌تذکره‌شاعرات پارسی زبان نوشته بهزار تلاش بست وسه(بیست‌وسه) شاعر(ه)یافته و جناب‌والماجدم ...مولانامحمد عباس‌رفعت‌دام‌ظله که‌صدها کتاب کمیاب (را) مطالعه فرموده‌اند..... بتلاش بسیار بقدرهشت ورق‌برخی از کلام و تراجم قریب پنجاه‌زن (را) جمع کرده‌اند ... هیچمدان(مؤلف)... مدتی بگردآوردن این جواهر زواهر کمرهمت‌بسته...حال وقال‌هشتاد ودوزن‌فراچنگ (بدست) آورده‌است.»

مؤلف این کتاب رابا ترغیب برادرخود ابوالحسن‌وبفرمایش نواب‌شاهجهان بیگم والیه‌بهوپال تألیف نموده‌است.

مؤلف درمقدمه کتاب های‌زیر را جزومنابع خود در تألیف این کتاب آورده‌است:

۱- شمع انجمن ۲- نگارستان ۳- صبح گلشن
۴- روزروشن ۵- سروآزاد ۶- خزانه‌عامره
۷- یدبیضا ۸- آفتاب عالمتاب ۹- نشترعشق
۱۰- آتکشده آذر ۱۱- تذکرشیخ علی‌حزین
۱۲- تذکره حسینی ۱۳- تذکره(جوهر)یی‌زری
۱۴- لب‌لباب (لباب‌الالباب)عوفی ۱۵- تذکره سامی
۱۶- خلاصة‌الاشعار (تقی‌کاشی) ۱۷- هفت اقلیم
۱۸- منتخب‌التواریخ ۱۹- مجمع‌الفضلای‌بقائی
۲۰- تذکره‌میرزا طاهر(نصرآبادی) ۱۲- مرآت‌الخیال
۲۲- همیشه بهار ۲۳- حیات‌الشعرای متین
۲۴- سفینه‌بیخبر ۲۵- ریاض‌الشعرا

۲۶- کلمات‌الشعرا ۲۷- مجمع‌النفایس

۲۸ تذکره تقی‌اوحدی(عرفات) ۲۹- تذکره بینظیر

۳۰- نتایج‌الافکار(قدرت) ۳۱- تذکره ناظم(تبریزی)

۳۲- تذکره ملاقاطعی ۳۳- گل‌رعنا

۳۴- شام غریبان

۳۵- جواهرزواهر

۳۶- قندپارسی‌نساخ ۳۷- گلستان مسرت

۳۸- نشترغم

۳۹- نفایس‌المآثر

۴۰- تذکره‌باغ‌ارم ۴۱- خریطه‌جواهر

۴۲- گلزار ابرار ۴۳- جواهرالعجایب

همچنین درخاتمه کتاب شرح‌حال رابعه‌بلخیه ومستوره کرد ستانیه رامؤلف (بقول‌خودش)از تذکره مجمع‌الفصحای میرزا رضاقلی‌هدایت(چاپ تهران) نقل کرده‌است.

از جمله کتب‌فوق تذکره های(جوهر) پی‌زری و حیات الشعرای متین و جواهرزواهر و باغ‌ارم امروز پیدانیست و از این حیث ارزش این کتاب امروز بیشترمیشود.

مؤلف ازچهار کتاب اول سابق الذکر خیلی‌استفاده کرده وهمچنین خریطه جواهر و گلزار ابرار جزومآخذ مخصوص‌این‌چهار کتاب‌میباشد. مؤلف‌ازجواهر العجایب‌هم خیلی استفاده کرده وبسیاری ازمطالب‌راازاین کتاب‌نقل کرده است.

این تذکره مشتمل است‌بر ذکرهشتاد وچهار [1] تن‌از زنان شاعر بترتیب الفبا‌ازروی حرف اول‌اسم‌یا تخلص آنها و با«آرزوی سمر قندی» شروع شده با

۱- مؤلف‌اول‌ذکر هشتادودوتن را آورده است وسپس درخاتمه ذکر دوتن از زنان شاعر (رابعه بلخیه ومستوره کردستانیه) را اضافه نموده‌است باستوری عده‌آنها را تنها هشتاد ودونوشته‌است(ر.ک.استوری‌ج۱ص۹۹۶)

«یاسمن‌بو» تمام میشوداما درخاتمه ذکررابعه بلخیه و مستوره کرد ستانیه را نیز اضافه کرده است.

مؤلف درجمع‌آوری‌شرح‌حال و آثار زنان شاعر خیلی کوشش‌وتلاش کرده است ومیتوان گفت که درمیان تذکره‌هائی که تاآنوقت درباره زنان شاعر نوشته شدهبود این تذکره جامع ترازسایر تذکره‌هااست.

درذیل نام اکثر شاعره ها مؤلف اشعاروشرح حال آنهارا که از تذکره های مختلف پیدا کرده است یکجا جمع‌نموده وازاین حیث‌سعی وی قابل‌تحسین وآفرین است .اما گاهی‌مؤلف شرح‌حال بعضی ازشاعره‌ها را ظاهراً تعمداًمفصل نیاورده است مانند نورجهان بیگم که شرح‌حال آنها در کتب تاریخ مفصل آمده است و مؤلف میتوانست شرح حال آنها را مفصل‌تر بنویسد اماوی‌دراین قسمت سهل‌انگاری نموده است.

سبك انشای‌مؤلف‌دراکثر مواردساده است‌اما گاهی مخصوصا درموقع‌تعریف وتوصیف شاعره ها نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع‌بکار برده است مانند:

«بلیغه‌شیرازی‌ـ خوش فکر بود(و) سخن موزون می‌فرمود » یا « حجابی جرباد قانیه ـ شعربآب‌وتاب میگفت توگوئی گهرمی‌سفت »

سالها را بزبان‌عربی آورده است.

چاپ

مطبع شاهجهانی دارالاقبال بلده بهوپال ۱۲۹۹هـ

برای‌شرح‌حال‌مؤلف‌رجوع شود به‌اخترتابان‌چاپ‌بهوپال .

فهرست‌اسامی‌شعرا

رجوع شودبه‌اخترتابان چاپ‌بهوپال.

تذکرة الخواتین

ابتدا

«خامه صنع که اوراق جهان آراید   خلدرا نیز بخیرات حسان آراید

زهی نگارنده قادر وپرارزنده قاهر که‌در چشمه‌امهات صورت‌بنات‌را اجمال معنی داد وبسیاری ازربات حجال‌را ودیعه‌کامل‌ازمعرفت‌و کمال‌نهاد».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف‌میرزا محمدبن محمدرفیع ملقب‌بملك‌الكتاب شیرازی است در۱۲۶۹ﻫ درشیرازمتولد شدودر ۱۲۸۵ﻫ دربمبئی سکونت گزید وآنجاشغل انتشار وفروش کتاب راشروع کرد ودراین کار بسیار پیشرفت ومعروفیت حاصل نمود. در۱۳۰۰ﻫ وی را دولت ایران‌لقب ملك‌الكتاب‌اعطا کرد ودر۱۳۱۷ﻫ دولت‌هندنیز لقب «خان صاحب»باو داد. ازجمله کتبی که وی‌دربمبئی‌چاپ کرد تذکره دولتشاه است که وی‌در۱۸۸۷ میلادی منتشر کرد.

(بقیه احوال‌وی بدست نرسید)

آثار مؤلف بدین‌قراراست:

۱ـ زینت الزمان یاتاج التواریخ وسلالة السیر که‌در ۱۳۱۰ﻫ (در بمبئی) چاپ‌شد.

۲ـ اکسیرالتواریخ‌وسیرالائمه ـ ترجمه‌وخلاصه‌بفارسی‌از کتاب‌عربی کشف النحه‌فی‌معرفة‌الائمه تألیف بهاءالدین علی‌الاربلی معروف به ابن‌الفخر (متوفی در۶۹۲ﻫ)چاپ‌بمبئی۱۳۰۸ﻫ.

۳ ـ تاریخ‌انگلستان یاجهان‌آرا ـ تاریخ مختصرانگلستان باخلاصه تاریخ‌اروپا است که‌مؤلف‌بااستفاده‌از آثارجوناتن‌اسکات (Jonathan Scott) وغیره‌تألیف

نموده است. چاپ بمبئی ۱۳۰۶ ه .

۴ـ تاریخ قدیم یونان و تاریخ حکمای فلاسفه یونان ـ مؤلف این کتاب را با استفاده از آثار انگلیسی که در این موضوع نوشته شده تألیف نموده است. چاپ بمبئی ۱۳۰۶ ه.

۵ ـ مرآت الزمان ـ تاریخ مختصر چین و جاپان (ژاپن) در ۱۱۱ صفحه . چاپ بمبئی ۱۸۹۳ میلادی .

۶ ـ الف نهار ـ در حکایات وغیره . چاپ بمبئی ۱۳۱۳ ه .

۷ ـ آیات الولایه . دفاع از حق علی و ائمه بخلافت . چاپ بمبئی ۱۸۹۸ م

۸ ـ مفتاح الرزق. درباره روابط کارمند و کارفرما. چاپ بمبئی ۱۳۱۵ ه.

۹ ـ کشف الصناعه یا منتخبات محمدی. دربیان صنایع مختلف .۱۳۱۱ ه .

۱۰ ـ تحفة الخواتین . در بهداشت زنان . چاپ بمبئی ۱۳۲۵ ه .

۱۱ ـ تذکرة الخواتین ـ تذکره مورد بحث

تبصره بر تذکره

مؤلف این تذکره را در ربیع الاول ۱۳۰۶ ه در بهوپال بنام نواب شاهجهان بیگم والیه بهوپال تألیف نموده است .

درمورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد :

« باید غافل نبود که در این جهان زنان بوده اند که در زیر مقنعه کله داریها نموده اند در فهم حقایق اجتهادی کرده در حل غوامض تحقیقی انیق آورده لشگر شکسته اند کشور گرفته اند. صد کار کرده اند صد راه رفته اند و ارباب سیر از آنها بدرستی ذکری نکرده اند مصمم شدم که در حالات نساء مشهور استقصا کنم و باستمداد رجال اهل حق طرحی برای بنا بریزم . از حسن اتفاق کتاب « مشاهیر النساء » از مؤلفات ادیب اریب « محمد ذهنی آفندی » بدست آمد. ترجمه آنرا اساس قرارداده معلومات خود را با بعضی تصرفات که بنظر فاقد درست میآمد بدان افزودم و بنگارش احوال خیرات حسان ابتدا نمودم » .

مؤلف از منابع خود تنها اسم کتاب « مشاهیر النساء » تألیف « محمد ذهنی افندی »

ذکر نموده‌است اما باید اذعان کرد که مؤلف کتاب « خیرات حسان » تألیف محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) چاپ تهران را با حذف نام مؤلف و تغییر نام کتاب تألیف آنرا بخود نسبت داده است . همچنین معلوم نیست چرا اسم «اختر تابان» را که هفت‌سال پیش در همان شهر (بهوپال) که مؤلف بتألیف این کتاب پرداخته‌است چاپ شده‌بود ذکر نکرده‌وجالب اینجاست که « اختر تابان » هشتادوچهار شاعره‌را ذکر نموداما این کتاب که‌هفت‌سال بعداز آن نوشته‌شده‌است تنها پنجاه ودو شاعره را ذکر نموده‌است.

این کتاب مشتملست برذکر « مشاهیر نسوان عالم ازعرب وروم وهندوعجم ازصدراسلام تاسال‌تألیف کتاب»و « اوصاف حمیده وصفات پسندیده آنها »واشعاریکه بعربی وفارسی‌وترکی گفته‌اند و حکایات وعجائبی که از آنها روایتشده است.

مؤلف این کتاب‌راباذکر حضرت آمنه‌وبنت وهب‌والده حضرت رسول آغاز کرده‌وسپس‌ذکرپنجاه‌ودوشاعره‌رابترتیب‌الفبا آورده است که‌اول آنها‌آغا کوچک» و آخرشان « یاسمن بو » است .

درذیل «اعلیحضرت (علیاحضرت) ویکتوریه پادشاه (!!) (ملکه) انگلستان و امپراطورهندوستان» که‌درهشت‌صفحه‌این کتاب آمده‌است‌مؤلف اطلاعات‌مفصلی‌راجع بزندگانی ملکه‌ویکتوریاووقایع‌مهم تاریخی عهداوتاسال‌تألیف کتاب‌ذکر نموده‌است.

ازمحتویات کتاب معلم میشود که مؤلف‌شیعه متعصبی‌بوده چنانکه درذیل‌نام حضرت حفصه اسم خلفای ثلاثه و حضرت حفصه را باحترام ذکر نکرده (رجوع شودبه ص۹۰)وهمچنین درذیل نام‌حضرت صفیه اسم حضرت‌عایشه‌وزینب‌بنت‌جحش و حفصه وجویریه را باحترام نیاورده (رجوع‌شود به ص۹ - ۱۴۸) اما اسم حضرت علی‌واهل‌بیت وائمه‌راباحترام‌ذکر کرده است .

مؤلف سال‌وفات ووقایع مهم دیگر مربوط بزندگانی خواتین راغالباً‌ذکر نموده‌مخصوصاً درذیل‌نام خواتین عرب‌وخواتین از خانواده‌حضرت علی غالباً‌سال وقایع مهم‌را ثبت‌نموده است .

درذیل‌نام بعضی شاعره‌ها اشعار مبتذلی هم‌از آنها نقل کرده است‌مثلا رجوع شود به‌نام‌زیب‌النسا بیگم‌وتونی.

سبك انشای مؤلف‌غالباً قدیمی وغیرساده است‌و گاهی بعضی عبارات رابنثر خیلی مصنوع وپرتکلف‌آورده استمثلا رجوع شود به جهان‌خانم مادرناصرالدین شاه ونواب‌شاه‌جهان بیگم.

چاپ

بهوپال [1] ۱۳۰۶ ه

برای **شرح حال وآثار مؤلف** رجوع شودبه استوری ج‌اص ۲۱۰ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و۴۹۲ و ۹۱۶

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شودبه چاپ‌بهوپال ۱۳۰۶ ه

تکمله مقالات‌الشعرا

ابتدا

«به مدح هر که پردازی بودحمد خدا ای‌دل
که وصف صنع باشدصانع اورا ثنای دل»

ستایش ونیایش مرقادری‌را که شه فردخورشید ودو مصرع مهروماه ومثلث موالید ثلاثه و رباعی‌عناصراربعه ومخمس خمسه‌متحیره ومسدس جهات‌سته ومسبع سبع‌سیاره ومثمن‌هشت بهشت موزون فرموده سلیقه مشیت اوست ونظم پروین ونثر

۱ـ استوری: بمبئی ۱۳۰۶ه.

بنات النعش وقصیده کهکشان وقطعات سحب وتر کیب بند منطقة البروج ومطلع شرق[۱] ومقطع غرب[۲] زادطبع اوست ».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد ابراهیم متخلص به مسکین و خلیل و اسم پسدرش مخدوم عبدالکریم متخلص بکریم (متوفی در ۱۷ صفر ۱۲۷۲ ه). مولد و مسکن مؤلف تته (سند) است. وی اصلا هراتی و نسبا صدیقی و طریقة نقشبندی و مذهبا حنفی بود. وی نسب مفصل خودرا درذیل شرح حال خود دراین تذکره نوشته است.

خلیل در ماه جمادی الاولی ۱۲۴۳ ه متولد شد واین بیت او سال ولادت اورا میرساند:

سال میلاد منیفش بسر الهام گفت دل(؟) «گوهر درج شرف علم لدن»

(= ۱۲۴۳ ه)

خلیل چهل سال بعداز وفات میرعلی شیر قانع (متوفی در ۱۲۰۳) مؤلف مقالات الشعرا (تالیف ۱۱۷۴ ه) متولد شد. این همان سالست که پرورنده و مربی بزرگ ادب فارسی وشاعر این زبان میر کریم علی خان که سومین نفراز سلسله حکام تالپور سند بود بسال آخر زندگانی خود رسیده بود و دوازده ماه بعد درجمادی الثانی سنه ۱۲۴۴ ه چشم از جهان بربست و بعداز وی برادرش میر مرادعلیخان متخلص به علی آخرین فرمانروای این سلسله که مانند برادر خود شاعر فارسی گوی وادب پرور بود برمسند سلطنت نشست ولی شش سال بعد در ۱۲۴۹ ه (= ۱۸۳۲ م) ازاین جهان رخت بربست.

این زمانی بود که انگلیسها بوسیله دسایس وتوطئه چینی ها سعی میکردند که سندرا تحت تسلط خوددر آورند. بالاخره در زمان حکومت سلسله دوم خاندان تالپور انگلیسها تمام قراردادهای خود را که باحکام سابق سند بسته بودند زیر پا گذاشته وبا کمك وهمکاری میرعلی مرادخان تالپور والی خیرپور (سند) نقشه توسعه طلبانه خودرا

۱- ازروی نسخه چاپی: «مشرق

۲- ازروی نسخه چاپی(؟): «مغرب»

« فقیررا درخرد سالی یك‌بار ملاقات او حاصل شد درین وقت فقیر کج‌مج زبانی وژولیده بیانی آغازیده بود »[۱].

این‌ذوق گفتن شعر ونوشتن نثر فارسی درخلیل ازتأثیر « مخلصی» ایجاد شد امااسم‌آن« مخلص » خلیل ذکر نکرده استوتنها همین قدرمیگوید که« بعداز تأثیرمحبت مخلصی طبعم بنثرونظم فارسی‌مایل شد»[۲] .

خلیل‌غیر ازپدر خود تنها اسم یکنفر را جزو اساتید خود ذکر نموده است چنانکه درذیل مولوی‌آل احمد پهلواری مینویسد:« کاتب‌الحروف را در سخنوری ازیشان بسیارفوایدحاصل‌شده ... »[۳] اماظاهرا وی‌اساتید دیگرهم‌داشته که اسم‌آنها را دراین‌تذکره نیاورده است .

بایداذعان کرد که‌باوجوداینکه‌در زمان‌خلیل آفتاب زبان‌وادب‌فارسی درسند روبزوال‌بودوشعرائی‌مانند میرعلی شیر قانع دیگر رخت‌ازجهان بربسته‌بودند اما هنوز قریحه وذوق‌شعرفارسی دربعضی خانواده‌ها باقی مانده‌وبرآسمان‌شعرفارسی بعضی ستاره های روشن میدرخشیدند . هرچهار خاندان عرفان و طریقت تته که ذکرشان درسطورفوق گذشت با زبان ادبیات فارسی علاقه‌داشتند ودرخاندان خود خلیل‌ازچندین‌پشت شعرای صاحبدل وباذوقی‌بوجودآمده بودندوحتی‌پدراومخدوم عبدالکریم‌متخلص‌به کریم‌وبرادروی‌مخدوم‌فیضی‌احمدمتخلص‌به‌فیض‌وغیره بفارسی شعرمیسروند. همچنین درخانواده‌میرقانع پسر او میرمایل که در۱۲۵۱ه فوت شد شاعربودومیرصابر پسرمیر مایل که معاصرخلیل بودنیزبفارسی‌شعر میسرود .

در زمان خلیل هنوز بهترین‌وسیله برای بیان مطالب تصوف و عرفان شعر فارسی‌بودوبنا براین‌عده شعرای فارسی گو (چنانکه بعضی‌ازآنها درتذکره‌تکمله مقالات الشعرا ذکرشده اند) کم نبوده واین‌عده شعرابزم شعروادب فارسی‌راگرم

---

۱ ــ رك تکمله ص ۶ ــ ۴۰۵

۲ ــ یضا ص ۲۱۲

۳ ــ ایضا ص ۹

نگه میداشتند. همچنین هنوزازخاندان حکمرانان سابق سند برخی از رجال شاعر دراین عصر وجودداشتند که بعضی از آنها درحال تبعیدودورازوطن در گذشتند اما چند نفراز آنها بعدازپایان مدت تبعید دوباره بوطن خودبر گشتندو تامدتی شمع شعر و ادب فارسی را نیمه فروزان نگهداشتند مانند جعفری ومیروحسین وحسن ومومن و بهرموروحیدری وسانگی وغیره که اسامی آنها درتواریخ معاصر آمده است. بلوجود اینکه ازوجود این امرا دیگر فواید مالی مقصود ومنظور نبود اماوجود آنها برای زندگی شعر و ادب فارسی درسند مغتنم بود.

علاوه براین یك عامل مؤثر دیگردراین زمان انتشارجریده ای بنام «مفرح القلوب» از کراچی بوسیله یکنفر فارسی زبان وشاعر باذوقی بود که درهر شماره نمونه های کلام شعرای فارسی گوی سند و نواحی آن راچاپ میکردو گاهی مسابقه های شعر را ترتیب میداد و اشعاری را چاپ میکرد و شعرای دیگر از آن استقبال میکردند.

خلیل در اول « بیاض » کوچکی درست کرده بود که یك طرف آن اشعار خود را(ازغزلیات)وطرف دیگر آن نثر خودرا ازمکاتیب که به «مخلصان» مینوشت نقل میکردولی، متأسفانه این بیاض گم شدوسپس بیاض دیگرمثل سابق درست کردو بنای ترتیب دیوان خودنهاد. خلیل آنوقت مسکین تخلیص میکرد. بعدازتکمیل « دیوان مسکین » مکاتیب خود را جمع آوری کرده اسم آن را « کشکول مسکین » نهاد.

چندی بعد در نتیجه توصیه های بعضی رفقای خود مانند میان محمد زاهد شاکرانی بمناسبت اسم خود که ابراهیم بود «خلیل» تخلص اختیار نمود وبعداز مدتی «دیوان خلیل» راهم باتمام رسانید وهمچنین مکتوبات خودرا که تا آن وقت نوشته بودجمع آوری نموده اسم آنرا «مایده خلیل» نهاد. شعرا وغالباً جنبه عرفان وتصوف دارد.

گاهی بزبان سندهی هم شعر میسرود وآنجا « اداسی » تخلص میکرد که

بزبان سندهی بمعنی قسمی از فقرا یا آرزومند است. همچنین بزبان هندی (اردو) هم شعر میگفت و آنجا هم مانندفارسی« مسکین » تخلص داشت. خلیل بقول خودش دراول زبان هندی (اردو) بلدنبود امادر اثر صحبت سیدغلام‌محمد متخلص به گدا و مطالعه دیوان ناسخ و آباد و آتش آن زبان رایاد گرفت و چند غزل در آن زبان سروده است .

در تکمله خلیل درذیل تخلص « خلیل » (درردیف«خ») انتخاب اشعارخود را از« دیوان خلیل »آورده است وسپس درذیل تخلص « مسکین » (درردیف‌میم) سه غزل را از«دیوان مسکین» هم نقل کرده است .

مؤلف به ماده تاریخ گوئی هم علاقه‌داشت ودرذیل بعضی شعرا قطعه های تاریخ که خودش گفته بود نقل کرده است.

درسال ۱۳۱۳ ه بسن هفتاد سالگی بفکر افتاد که درآنسال میمیرد وبدین مناسبت قطعه‌زیر متضمن تاریخ‌وفات خودسرود که در« دیوان خلیل » درج است.

چو کردنقل ازین‌دار پرملال‌خلیل	خرد بماند سن انتقال[1] و جویان
سروش گفت‌بگوشش که خیر روی‌حساب	«خلیل‌را بجنان برد لطف‌ایزد »خوان

= ۱۳۱۳ ه

سپس درحدود سال ۱۳۱٦ه موقعیکه بسن‌هفتاد و سه سال رسیده بود دوباره همان فکر درخاطر خلیل خطور کردوبنا براین در باره قطعه زیررا بدان مناسبت سرود که‌در« دیوان خلیل»آمده‌است :

ازاین‌جهان‌چو برفتم که‌رفتن‌است‌ضرور	هزار شکر که فضل‌خدا مرا جوید
روانه گشتم و گفتم من ازسر الهام	رود خلیل بیاران وداع میگوید

(= ۱۳۱٦ ه)

چندقطعه تاریخ‌دیگر هم‌در « دیوان‌خلیل » بهمین مناسبت آمده است که سال۱۳۱٦ه را بعنوان سال فوتوی میرساند وبیت زیرسال میلادی (۱۸۵٦) را میرساند که

---

۱ ـ برای‌شرح حال وآثار او رجوع شودبه تکمله‌ش ٦٦ ص ۵۲۳-۵۳۷

درهمانجا ثبت گردیده است :

سالوداع خود چو بپرسیدم از سروش بی بحشو کدبگفت بگوهخیرخاتمه »

(= ۱۸۵۶ م)

اما درسال۱۳۱۶ ه مطابق ۱۸۵۶ م نیز از دست‌اجل امان یافت ولی‌درسال
آینده‌در ۱۳۱۷ ه بسن هفتاد وچهار سالگی‌این سرای فانی رابدرود گفت[1]. بعضی
شعرای سندتاریخ فوت‌اورا بشعر سروده‌اندااما اکثرآنها بدست‌نرسید. خوشبختانه
چند قطعه تاریخ فوت خلیل که دوست وی مولانا عبدالکریم کراچوی متخلص
به‌درس‌سروده‌ودردیوانش چاپ شده دردست ماست[2] واین دوبیت ازدوقطعه اواینجا
نقل میگردد :

فلك‌سال‌وصالش گفت‌ای‌درس بگو«بستان جنت کردمنزل» (= ۱۳۱۷ ه)

پی سال تاریخ بادرس گفت فلك « کاملی نقشبند سخن» (= ۱۳۱۷ ه)

قبرخلیل در گورستان مخدوم ابوالقاسم نقشبندی زیر تل مرکزی جانب
مغرب امروزهم موجوداست‌ودرپهلوی اودخترش مدفونست . قبراوخام‌است وهیچ
کتیبه ندارد . اما خلیل اشعاری رابرای سنگ مزارخود سروده بود ودردیوانش
باین‌عبارت ثبت گردیده‌است :

«نقش‌قبرخلیل فقیراگراین فردشود بهتر

زنده میردعاقبت ای زایرفرخ‌شعار تکیه نتوان کردهرگزبرحیات مستعار »

همچنین دردیوان خلیل يك‌غزل دیگربعنوان زیرآمده‌است :

« برلوح قبرفقیر چه زیبا زیبد »[3]

---

۱ – روز وفات‌وفات خلیل معلوم نیست اما باید بعد از۲ ربیع الثانی (۱۳۱۷ه)
باشدچون درآن‌روز خواهروی‌فوت کرده‌واو بدان مناسبت تاریخ وفات‌اورا سروده
است (ر.ك. تكمله چاپ کراچی ص ۳۲)

۲ – ر.ك. تكمله چاپ‌کراچی‌ص۲۵۰–۲۵۲

۳ – ایضا ص ۳ – ۲۵۲

از نسب‌نامه خلیل که‌درپایان مقدمه‌تکمله‌چاپ کراچی دانشمند معظم آقای پیر حسام‌الدین ضمیمه کرده‌اند معلوم میشود که‌خلیل بعداز محمدحسن فرزندی بنام حبیب داشت که‌در۲۳ صفر۱۲۶۹ه‌متولدشدودر۱۳۰۱ ه درعین‌شباب‌در گذشت. مؤلف تاریخ مرگ‌وی را که‌دیگران سروده بودند وچهارده مسجع وی (که‌سال ۱۳۰۶ همیرساند) ویك مخمس ویك مثنوی و چند رباعی که خودش سروده بود درذیل«حبیب» در این کتاب‌آورده است[۱]. همچنین خلیل دخترانی نیزداشته که درزمان حیات اوفوت کردند یکی‌ازدختران‌وی که بقول‌بعضی بعد از مرگ وی فوت کرده بودپهلوی اودفن شده‌است. بعد ازاین دختر کسی ازخاندان‌خلیل‌زنده نماند. (همچنین‌بعد ازمدتی کسی ازسه خاندان دیگر نیز که‌ذکرشان درسطور فوق‌گذشت باقی نماند)[۲].

چنانکه ازمطالعه این‌تذکره برمیآید خلیل باشعرای معاصر خود روابط دوستانه‌و نزدیکی‌داشته است‌وچون‌وی‌بیك‌خاندان‌جلیل‌القدر تعلق‌داشت معاصرینش وی را بنظراحترام مینگریسته اند. همچنین بسیاری از شعرای معاصر که برخی دراین‌تذکره‌ذکرشده‌اندد‌رشعرشاگرد خلیل‌بودند مثلارجوع شودبه‌طالب وعزیز وعلی وغنی وفقیر وزاهدوجعفری وغیره

ازجمله شعرای متقدم درزمان خلیل درسند خواجه حافظ خیلی محبوبیت داشت وشعرای سند گاهی غزلیاتی بتقلیدوی میسرودند چنانکه‌درخوددیوان‌خلیل بچندین غزل‌برمیخوریم که وی‌بطرز وروش حافظ سروده است.

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قراراست:

۱ ـ بیاض که‌شامل اشعارومکاتیب‌اوایل زندگی‌خلیل‌بوده وبعدا مفقودشد:

---

۱ ر.ك. تکمله ش ۱٦ ص ۱۲۷ ـ ۱۵۲

۲ ـ ر.ك. تکمله چاپ‌کراچی‌مقدمه گردآورنده ص۳۲. برای نسب نامه های این خاندانها رجوع شودبه پایان مقدمه تکمله بعد از ص ۳٦.

۲ – دیوان مسکین. دیوان اول فارسی

۳ – دیوان خلیل . دیوان دوم فارسی

٤ – کشکول مسکین. مجموعه مکاتیب که با « دیوان مسکین » دریک مجلد آمده است.

٥ – مائده خلیل . مجموعه دیگر از مکاتیبی که با « دیوان خلیل » دریک مجلد آمده است .

٦ – تحفة الصغیر .رساله ای درشرح حال جدمؤلف مخدوم غلام حیدر.

تبصره بر کتاب

مؤلف سال تألیف کتاب را درمقدمه یا خاتمه نیاورده است اما در ذیل آصف اصفهانی میگوید که « دوسال است تخمینا سنه ۱۳۰٤ ه که به کراچی آمده بود » همچنین درذیل شرح حال پسروی حبیب که در ۱۳۰٦ ه فوت کرد هنوز تازگی آن زخم پیداست. بدین جهت میتوان گفت که مؤلف این تذکره را درحدود سال ۱۳۰٦ ه تألیف نموده است.

در مورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه کتاب چنین توضیح میدهد: « ازدیر... آرزو بود که تکمله مقالات الشعرا که از تصانیف... میرعلی شیر قانع میباشد تصنیف کند و بعینه طرز و راه آن یگانه رود یعنی اهل سند و هر اهل ولایت (ایران) که ازسند در گذرد درج نماید. از باعث علایق و عوایق ازقوت بفعل نمی آمد تا اینکه درین وقت قدری فرصت دست داد عمارت تکمله را بنا نهاد » .

مؤلف درخاتمه کتاب اسم کتابهای زیررا ذکر نموده است که در تألیف آن از آنها استفاده نموده است:

۱– کلمات الشعرای سرخوش　　　۲- یدبیضای میرغلام علی آزاد

۳– مقالات الشعرای میر قانع

ایــن تذکره با « احمد مولوی احمد هندوستانی پهلواری » شروع شده

با « یوسف حکاك سیوستانی » تمام میشود و شامل ذکر هشتاد ودوتن[1] شاعر است که اهل سند بودند یا از آنجا گذشته‌اند. این کتاب اصلا تکمله ایست برتذکره مقالات الشعرا تألیف میر علی شیر قانع (تألیف ۱۱۷٤هـ). مؤلف در مقدمه این کتاب بعداز حمد ونعت و سبب تألیف کتاب شواهدی برای اثبات شاعری از آیات قرآن واحادیث رسول‌واقوال وحکایات مختلف آورده‌است.

در خاتمه این کتاب بعضی اشعارمتفرق ازشعرای مختلف از مقالات‌الشعرا وکلمات‌الشعرا ویدبیضا وغیره نقل کرده است وبدین ترتیب مجلس ادبی ساخته است که طی آن‌اشعاری چند دریك‌موضوع که شعرای مختلف سروده‌اند نقل کرده است(ص٦٥٨ـ٦٧٣)وسپس‌درپایان‌دعائی بزبان عربی آورده‌است(ص٤-٦٧٣)

ازمطالعه این تذکره‌باین حقیقت پی‌میبریم که تازمان‌قانع(مؤلف‌مقالات الشعرا) چنانکه از تذکره وی پیداست شعرای ایرانی درسند نفوذ داشته‌اند اما درزمان خلیل‌بجای‌شعرای ایرانی‌شعر اوادبای افغانی دراین ناحیه رفت‌وآمدداشته وموجب تشویق شعرای فارسی و شیوع ذوق وشعروادب فارسی‌درسند میشده‌اند. این امردوعلت داشت . اولاخاندان مجددیان قندهار وکابل درسند مریدان کثیر داشتند وبنابراین رفت‌وآمد بین سند وافغانستان دراین عصرزیاد صورت‌میگرفت وثانیاً بعلت جنگهای داخلی ونفوذانگلیسهادرافغانستان تعداد زیادی‌ازخاندانهای معززوافراد خانواده‌های شاهی بسند‌مهاجرت نموده‌در آن‌زمان‌در آن ناحیه‌سکونت گزیده بودند واکثر آنها اهل‌ذوق و دانش بودند وروابط نزدیك آنها بااهالی این سرزمین باعث تشویق‌وترغیب مردم‌آن بشعروادب فارسی شده است.

خلیل خودش‌هم باچندین نفرافغانی‌آشنائی وروابط دوستانه داشت‌وبه‌بعضی ازآنها مکاتبه مینمود مثلا هنگامی که سردارغلام محمدخان طرزی بکراچی آمد خلیل با وی‌آشنا شد وبعدا هر دو باهم مکاتبه داشتند و سردارمزبور فرزند خود

۱ـ این عده دوازده‌نفردیگرراکه‌مولف درذیل بعضی شعرا شرح‌احوالشان‌راآورده است شامل‌نیست زیراکه‌آنها شاعر نبوده‌اند.

سردارمحمود خان طرزی رابرای ملاقات با خلیل به‌تته فرستاد و خلیل چندین غزل بطرزغزلیات‌وی سروده‌است[۱].

نکته دیگر که ازمطالعه این تذکره بدان پی‌میبریم این‌امراست که‌تازمان مؤلف این تذکره هنوز دراکثرشهرها وقصبات سند ذوق شعروشاعری‌باقی مانده ومخصوصا درشهرتته وحیدرآبادوهالاومتیاری وبهکروشکارپوروسیوستان‌وکراچی شعرائی وجود داشتند که بفارسی شعر میسرودند چنانکه خلیل اسامی بسیاری ازمعاصرین‌خود را دراین تذکره ذکر نموده است که از این شهرها وقصبات تعلق داشتند ازجمله امام‌بخش فدوی‌وعلی اصغرعلی وبنده‌علی گرجی‌ومحمدقاسم‌هالائی وموتیل‌شاه کمترتتوی وغ۷م محمد گدا ومخلص‌علی مخلص واحمدعلی‌وغیره.

چون مؤلف بااکثرشعرا و اشخاصی که ذکرآنانرا دراین تذکره آورده است ملاقات کرده یا از نزدیك باآنهاآشنائی داشت و اکثر آنان از معاصرین و رفقایش بودند بنابراین شرح‌حال وآثاری که دراین کتاب‌آورده است مورداعتبار واعتماد میباشد.

اما درذیل نام اکثرشعرا شرح حال‌آنها را خیلی مختصرآورده وحتی‌اکثر اطلاعات مهم راجع بزندگانی‌آنها را بهم‌نرسانیده باوجود اینکه چون از نزدیك باآنهاآشنابودموقعیت وفرصت خوبی برای این‌کارداشت اماظاهرا سعی‌نکرده‌است اطلاعات‌کافی ووافی رادرباره شرح زندگانی شعرابهم‌رساند.

درهرحال شرح حال شعرا واشخاص زیررا مفصل‌ترازدیگران آورده است:
مخدوم هاشم (در۳ص) و باقی وعبدالکریم بن غلام حیدرومیان عبداللطیف ومیان گل‌محمد (هر کدام در٤ص) ومخدوم عبدالکریم و ابوالقاسم نقشبندی (هر کدام در۸ص)ومیرسیدنظرعلی (در٦+٦ص)

همچنین درذیل نام اکثرشعرا ازیشان فقط یك دو بیت نقل کرده است اما

۱ــ ر.ك. تکمله ــ تعلیقات گردآورنده ص۲۲-۸۱۹

درذیل شعرای زیر اشعار آنها را ازسایرین مفصل‌تر آورده است: صفی و گدا (هر کدام در ½ ۳ص) و جانان وشریف ومایل (هر کدام در ۴ص) وقاضی غلام‌علی جعفری وعظیم (هر کدام در ½ ۴ص) وخلیل (در ۱۹ص تحت نام خلیل و ½ ۱ ص تحت نام مسکین) وروی‌همرفته انتخاب اشعار خودرا ازهمه بیشتر (قریب دویست بیت) نقل کرده است.

شرح حال افرادزیر را مفصل آورده است اما چون اینها شاعر نبودند ازموضوع این کتاب خارج است

۱-۴- مخدوم عبداللطیف و ابراهیم و عبداللطیف ثانی و عبداله درذیل نام «امید»

۵-۹-محمدزمان ومحمدعبدالکریم وغلام‌حیدروابوالقاسم ومیرسیدنظرعلی درذیل نام «خلیل»

۱۰-۱۲- میان عبداللطیف و محمد رمان و گل‌محمد در ذیل « روشن » (میان ضیاءالدین)

درذیل شرح‌حال «حبیب» پسر جوانمرگ خود مؤلف شرح وفات وی را خیلی مفصل آورده است وقطعه‌های تاریخ فوت ومخمس‌ومثنوی‌ها ورباعیات وفردیات که درماتم پسرش سروده مفصلا نقل کرده است وهمچنین قطعه‌های تاریخ‌وفاتی را که دیگران برمرگ وی سروده بودند نیزاینجا نقل کرده‌است.

درذیل نام‌شعرای‌زیراشعاری ازخود که درجواب آنها سروده است‌نقل کرده است: مولوی آل احمد و آصف‌اصفهانی وباقی وثاقب و جعفری و حیدر و حسن وزین‌العابدین وسعید وشریف‌وطرزی وعظیم وعلی(میرزابنده علی) و عباس و علی (میرسید عباس بخاری)[1] و گدا ومایل‌ومحمدعالم وولی.

همچنین درذیل نام حبیب‌وعزیز بعضی اشعاررا ازخودنقل کرده‌است.

درذیل نام‌بعضی‌شعرااشعارعربی آنهارا نیز نقل کرده‌است رجوع‌شودبه‌نام‌مولوی

۱- اینجا غزلهای خودرا که درجواب بیدل‌وعلی هردوسروده بود نقل کرده‌است.

آل احمداحمد (ص۱۰و۱۲و۱٤و۱۵) ـ همچنین درخاتمهدو بیت بزبان اردواز خود
نقل کرده است.

مؤلف بماده تاریخ گوئی علاقه فراوانی داشته است چنانکه درذیل شعرای
زیر تاریخ وفات آنانرا که خودش گفته بود آورده است: باقی وحبیب (تاریخ فوت
ومسنجع هردو) ومیرسید عبدالکریم بن غلام حیدر همچنین ماده تاریخهای فوت که
دیگران سروده‌اند نیز نقل کرده است.رجوع شود به نام ثابت وحبیب وعبدالکریم بن
غلام حیدر وشریف وعظیم.

گاهی درضمن شرح حال شعرا بعضی حکایات جالب نقل کرده است رجوع شود
به نام مولوی آل احمد احمد ومخدوم هاشم ومخدوم عبداللطیف ومخدوم محمد ابراهیم
ومخدوم عبداللطیف ثانی ومخدوم محمدزمان ومخدوم عبدالکریم ومخدوم ابوالقاسم
نقشبندی ومیرسید نظرعلی و عبدالکریم بن غلام حیدرو میان عبداللطیف بن میان
ابراهیم ومیان گل محمد»

سبك انشای مؤلف اکثر ساده وغیر مصنوع است اما گاهی مؤلف مخصوصاً
درموقع تعریف و توصیف شعرا بنثر مصنوع پرداخته است . همچنین گاهی قبل
ازاسامی اشخاص وشعرا چندلقب توصیفی آورده است و گاهی این القابرا خیلی مفصل
آورده است مثلا رجوع شود به نام ولی ویوسف

نسخ خطی

۱ ـ دانشگاه لاهور (بخط مؤلف است چون بعضی عبارات خط زده یا
اصلاح شده است و گاهی برای نوشتن احوال و اشعار شعرا جاخالی گذاشته است.
امابعداً بوی فرصت دست نداده که این قسمترا تمام کند همچنین با وجود اینکه
مؤلف غالباً ترتیب اسامی را ازروی الفبا آورده است گاهی بعضی اسامی را خلاف
این اصل ترتیب نوشته است).

۲ـ نسخه دیگر که ازنسخه فوق استنساخ شده است در کتابخانه شخصی آقای

پیرحسام‌الدین در کراچی پاکستان موجود است.

چاپ

سندهی ادبی بورد کراچی ۱۹۵۷ م بتصحیح وحواشی وتعلیقات از فاضل ارجمند آقای حسام‌الدین راشدی (ازروی نسخه خطی فوق)[1]

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به‌تکمله مقالات الشعرا ومقدمه بر آن کتاب چاپ کراچی ازفاضل گرامی آقای پیر حسام‌الدین راشدی.

فهرست اسامی شعرا: رجوع‌شود به‌تکمله‌مقالات‌الشعرا چاپ کراچی.

۱- این‌چاپ بسیارخوب‌است‌وگردآورنده‌آن‌دانشمندجلیل‌القدر آقای‌پیرحسام‌الدین که ازفضلای فارسی‌شبه‌قاره‌پاکستان‌وهند میباشد درترتیب وتصحیح این تذکره بسیارزحمت کشیده ومقدمه‌ای‌درشرح حال‌وآثارمولف (۲۱-۳۶) وحواشی‌وتعلیقات‌بسیارمفصل‌وسودمند (۶۷۷-۸۲۷) بانضمام فهارس مصادر(منابع) واسامی رجال‌واماکن وکتب (۸۲۹-۹۰۱) وغلط‌نامه مفصل(!)(ص۹۰۲-۹۱۲)وپنج‌نسب‌نامه بسیار مفید وچندین عکس ازشعرا والواح قبورومزارات‌ومقابرونمونه‌های‌خط شعرا وغیره بمتن‌کتاب‌اضافه‌کرده است‌که‌برای‌خواننده آن بسیارسودمند ومفید است. دراین چاپ حواشی وتعلیقات‌که‌گردآورنده فاضل مزبور بمتن‌کتاب علاوه‌کرده است خیلی پرمایه وبا ارزش ومطالب آن خیلی بیشتر ازمتن خود تذکره است. بدین‌ترتیب میتوان‌آن‌راتکمله«تکمله‌مقالات‌الشعرا» نامید. مساعی گردآورنده درتهیه‌این‌مطالب‌وزحماتی‌که دراین زمینه‌متحمل شده‌است‌سزاوربسیارتحسین وآفرین‌است وبرای‌گردآورندگان کتب تذکره وتاریخ بمثابه شمع راه وبهترین نمونه و مثال است. انتشاراین‌کتاب ازجمله‌خدمات‌مهمی است‌که انجمن ادبی سند (سندهی ادبی‌بورد) کراچی بدنیای ادب فارسی انجام داده‌است‌که مجال‌شرح ووصف‌آن اینجانیست.

حدیقه عشرت

ابتدا

ای‌شاهد زیبای سخن جلوه گری کن

ازشوخی‌خود کلك‌مرا بال(و)پری کن

چهره آرائی مشاطه قلم‌به ثنای حسن دلفریب‌شاهدیست که شبستان جهان‌را ازشمع‌جمال ماه‌رویان وشعاع حسن‌خورشیدرخان منورساخت‌وچمن‌پیرائی باغبان خامه‌به بوستان حمد دلربائیست که‌ریاض جهان‌را ازچهره زیبای گلرخان و نهال قامت‌دلربای‌سرو قدان بر آراست»

شرح‌حال‌مؤلف

اسم مؤلف کنور در گاپرشاد متخلص به مهر سندیلوی است . اسم پدرش راجادهنپت‌رای‌است. مؤلف در۱۸٤٦میلادی (مطابق ۱۲٦۳هـ) بدنیا آمدودر۱۸۵۷م (مطابق ۱۲۸٤هـ) بعنوان«رئیس» جانشین پدرخود شدودر۱۸۸٤م (مطابق ۱۳۰۲هـ) قاضی‌اعزازی سندیله‌منصوب‌شد. آثار مؤلف بدین‌قرار است:

۱ــ حدیقه‌عشرت‌ـ تذکره‌مورد بحث

۲ــ گلستان‌هند ــ درتاریخ هنداست‌ــ مشتمل برچهاردفتربدین‌قرار:

۱)راجاهای‌هند(قبل‌ازاسلام) .

۲) دوره‌اسلام

۳) دوره انگلیسها تا ۱۸۸۷م (مطابق‌۱۳۰۵هـ)

٤)ذکرمؤلف‌واجداد وی

این کتاب رامؤلف ششماه بعد از تشکیل در بـار « جوبلی » در هردوئی تألیف کرد.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الفبائی از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعره و با آقائی (هراتی) شروع شده با...[۲] تمام میشود:

مؤلف در دیباچه مینویسد : کتابی از مجموعه کلام (اشعار) نسوان بنظر نگذشت و بیاضی از خلاصه مذاق این سحر کاران فروغ افزای چشم جهان بینم نگشت» اما این قول مؤلف مبنی بر صحت نیست زیرا که مؤلف تذکره دیگر از شاعره ها را بنام «اختر تابان» که ابوالقاسم محتشم بسال ۱۲۹۰ م تألیف کرده[۳] دیده است چنانکه اسم آنرا درذیل «حسینا» آورده است اما از محتویات کتاب پیداست که مؤلف چنانکه بایدوشاید از آن کتاب استفاده نکرده است.

مؤلف درمقدمه کتاب مینویسد که اول کسیکه ازطایفه نسوان شعر گفت دلارام دلربای بهرام گور بوده است.

درذیل اکثر شاعره ها مؤلف شرح حالشان را خیلی مختصر واز آنها دوسه بیت نقل کرده است.

وازعده کمی ازشاعره ها اشعاروشرح حالشان را نسبةً مفصل آورده است مانند آفاق حلایر و آرام (دلارام) وجهان خاتون وغیره وروی همرفته شرح حال نورجهان بیگم را مفصل تر از همه (در ۱۰ صفحه) آورده است.

سبك انشای مؤلف غالباً مصنوع است.

رویهمرفته این تذکره چندان اهمیت وارزشی ندارد.

چاپ

کوین پرس سندیله ۱۸۹٤ میلادی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به استوری ج۱ ص ٤۹۱ و ۷۱۲ و ۹۱٦

۲- نسخه چاپی ما که ناقص الاخر است با «همدمی» تمام میشود وقسمت آخر ذکر همدمی نیز از این نسخه افتاده است.

۳- برای شرح مفصل این کتب ر.ك «اختر تابان» در این کتاب.

برای فهرست اسامی شاعره‌ها رجوع شود به حدیقه‌عشرت چاپ سندیله:

تذکرة الشعرا (ی غنی)

ابتدا

(این تذکره با ذکر «آذر حاجی لطف‌علی بیگ اصفهانی» شروع میشود)

شرح حال مولف

اسم مؤلف محمد عبدالغنی متخلص به غنی موفرخ آبادی است. وی معاصر نظام‌الملک آصفجاه نواب میر محبوب علیخان بهادر نظام دکن بوده و مدتی سمت صدر مدرس عربی در مدرسه فوقانیه سرکار عالی حیدر آباد را داشت و بروایت پسر وی در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۶م (مطابق ۱۷ ذوالحجه ۱۳۳٤ه) فوت کرد[۱]

آثار مؤلف بقرار زیر است:

۱ـ ارمغان آصفی ـ فرهنگ اصطلاحات فارسی است که برای هر اصطلاح باشعار شعرای نسبةً معروف استناد شده است که ذکرشان در تذکرة الشعرای مؤلف آمده است[۲]

۱ـ ر.ك. دیباچه تذکرة الشعرا بعنوان «عرض حال» که پسر مؤلف عبدالحمید خان بزبان اردو نوشته است اینجا پسر مؤلف بذکر شرح حال مؤلف نپرداخته و تنها بذکر اسم دو اثر دیگر از مؤلف اکتفا نموده است.

۲ـ درپشت صفحه اول تذکره الشعرا چاپ علگیره تحت آگهی ارمغان آصفی این عبارت باردو آمده است: مولف صاحب تذکره هذا کی مشهور تالیف موسوم به ارمغان آصفی مین ... هر محاوره کا ثبوت آن اساتذهٔ مسلم کی کلام سی دیا گیا هی جنکا اس کتاب (تذکره

←

دراین کتاب قریب بهشصت‌هزار بیت (بدون تکرار) بعنوان شاهد آمده‌است. این کتاب درهشت‌جلد درمطبع قادری[۱] آگره‌هند از ۱۹۰۴م تا ۱۹۰۸م (۱۳۲۲تا۱۳۲٦ هـ) بطبع‌رسیده است.

۲ـ حوارالعرب ـ درباره اصطلاحات عربی و شرح آن بزبان اردو. چاپ انستی تیوت پرس‌علیگره.

۳ـ تذکرة‌الشعرا ـ تذکره مورد بحث.

تبصره‌بر کتاب

مؤلف تألیفات‌این کتاب را سال ۱۳۰۰هـ آغاز نموده ودرسنه ۱۹۰۷م (مطابق ۱۳۲۵هـ) بکمك پسر خود مطالب این تذکره رااز تذکره‌ها و کتب دیگر مداقه ومقابله‌نموده وبالاخره در ۱۹۱۰م (مطابق‌۱۳۲۸هـ) از تألیف و مقابله کتاب فراغت‌یافت[۲].

درموزد سبب تألیف عبدالحمیدخان پسر مؤلف درذیل مقدمه کتاب بعنوان «عرض حال» (بزبان اردو) چنین توضیح داده‌است که درموقع تألیف‌ارمغان آصفی مؤلف‌بفکر ترتیب‌این تذکره افتاداما‌بعلت مشکلاتی که مؤلف‌درزمان‌طبع ارمغان‌با آن مواجه‌شدوی درباره توفیق درعملی ساختن این فکردچارشك وتردید گردید اما بعدا چون جزواول‌از کتاب وی‌بنام «حوارالعرب» درانستی‌تیوت‌پرس با موفقیت بطبع رسیدوی‌دوباره‌دراین خصوص امیدوار گشت‌وتصمیم گرفت قبل‌از

←

الشعرا) مین‌تذکره هی)) ترجمه‌آن عبارت بفارسی بقرارزیراست:

«مؤلف‌این‌تذکره درتألیف معروف‌خود بنام ارمغان‌آصفی برای هراصطلاح‌اشعاری‌را از اساتید مسلم که دراین کتاب (تذکرة‌الشعرا) مذکورند بعنوان شاهدوسندآورده‌است» وازاینجا بعضی باین‌فکرافتاده‌اند که این‌تذکره‌مشتملست منحصرا برذکر شعرائی که‌مؤلف درفرهنك (ارمغان آصفی) اشعارآنانرا نقل‌کرده است وظاهرا این‌عقیده صحیح‌است چون مؤلف برخلاف رسم تذکره نویسان اشعار شعرا را دراین تذکره اصلا نیاورده چون قبلا درارمغان آصفی نقل‌کرده‌بودوبنابراین تکرارآن درتذکره لازم نبود.

۳ـ ر.ك دیباچه این کتاب ازپسرمؤلف بعنوان «عرض‌حال» (بزبان‌اردو)

ارسال بقیه‌جزوهای« حوارالعرب» بمطبع‌سابق‌الذکر ازطبع تذکره الشعرافراغت **حاصل نمایداماتجری‌الریاح** بمالایشتهی السفن . چون **طبق** متن این کتاب **تمام شدمؤلف مبتلای‌مرض‌الموت**شد وبالاخره در۱۵اکتبر۱۹۱۶م(مطابق۱۷ ذوالحجه ۱۳۳٤ ه) داعی‌اجل رالبیك گفت .

همچنین پسرمؤلف میگوید که قرار بوداین تذکره بعدازطبع ارمغان‌آصفی بطبع رسداما چون مؤلف بکلی‌مشغول اتمام« حوارالعرب » بودبنابر این کارطبع این تذکره بتعویق افتادو حتی اگربعضی رفقای صمیمی برای چاپ‌آن اصرار نمیورزیدنداین کتاب‌هنوزهم بزیورطبع آراسته‌نمیشد .

درموردمآخذ کتاب‌عبدالحمیدخان‌پسر مؤلف درذیل‌مقدمه‌این‌تذکره نوشته است که‌غیراز کتب‌تاریخ کتب‌زیردر تألیف این کتاب‌مورداستفاده‌قرار گرفته‌است :

۱ـلب الالباب(لباب‌الالباب)	۲ ـ مجمع‌الفضلا
۳ ـ کلمات شعرا	٤ ـ تذکره بینظیر
٥ ـ لطایف‌الخیال	٦ ـ نتایج الافکار
۷ ـتذکره‌دولتشاه سمرقندی	۸ ـ فانوس‌خیال
۹ ـ تذکره‌حسین‌دوست	۱۰ ـ آتشکده
۱۱ ـ خزانه عامره	۱۲ ـ ریاض الشعرا

این کتاب مشتملست برذکریکهزاروچهل‌ویك (۱۰٤۱) شاعرمتقدم ومتأخر بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یاتخلص شاعرو با«آذرحاجی‌لطف علی‌بیگ اصفهانی »شروع شده‌با « محمدیوسف جربادقانی » تمام میشود .

۰ دراین کتاب مؤلف تنهابعضی اطلاعات راجع‌بزندگانی شعرارا فراهم‌آورده واشعارشان را اصلا نقل نکرده است واین‌مطالب رابصورت جدولی‌تحت عنوانهای زیرآورده است :

۱ـ تخلص ۲ـ اسم ۳ـ سنه‌وفات ٤ـوطن ٥ـ ملك ٦ـعهد(اسم پادشاهی که شاعردرزمان وی میزیست) .

درذیل نام هرشاعری کهدرهندمتولد شدیابهندآمد درستون عهدحکومت اسم
پادشاهی را کهدر آن وقتدرهندوستان حکومتمیکرد نوشته ودرموردشعرای ایرانی
که بهند نیامدند اسم پادشاهایرانی که شاعردرزمان وی میزیستهثبت گردیدهاست.
پسرمؤلف درمقدمه کتاببعنوان «عرض حال» (بزبان اردو) مینویسد که
تذکرههای سابق پرازتعریف بیخودشعرا بوده واحوال تاریخی در آن کتب کمتر
یافتمیشدبنابراین ترتیب وتألیف اینتذکره کار آسانی نبودهاست.همچنینتوضیح
دادهاست که هرگاه اختلافی درامریوجود داشت مؤلفنظری راقبول کرده است
کهاکثریت تذکره نویسان باآن موافقت داشتهاند .
شرح حالشعرایزیررا درحاشیه کتابنسبةمفصلترازسایرین (درسه چهار
سطر) آورده است: آرزوو حافظ وامیرخسرووسعدی وصائبوظهوریوظهیر فاریابیو
عارفتبریزیونعمتخان عالیوعراقی وعرفیوعطاروناصرعلیومولوی عبدالله خان
موفرخ آبادی(همشهریمؤلف) وغرالی(ملكالشعرا)وفیضی وقاسم انواروقطران
تبریزیوشیخ سعدالدینمحمودوملك طیفوروخواجهنصیرالدین طوسیوشاه نعمتاله
وملاوحشی .

درذیل نام شعرای زیر آثارشان رامفصل ذکرنمودهاست : شیخ آذری و آرزو
وآزاد و شیخ بهائیوتقی اوحدیوملازلالی وظهوری .
درذیل نام بعضیشعراشرح حال مفصلتری ازایشان را درپاورقی کتاب نقل
کردهاستامادرجمع آوری این مطالب دقت و تحقیق لازم بعمل نیاورده و گاهی
مرتکب اشتباهاتی شده است و بنابر ایننمیتوان بهمحتویات این تذکره کاملا
اعتماد کرد .

پسرمؤلف که درتألیف این کتاب همکارو دستیارپدر بوده نیزدرمقدمه این
کتاب اعتراف نمودهاست که احوالبسیاری ازشعرادراین کتاب ناتماممانده است .
سبك انشایمؤلفساده وغیرمصنوع است امابازبان امروزهایران فرقدارد .

چاپ

درمطبع انستی‌تیوت گزت علیگره دراول اکتبر۱۹۱۶م (مطابق ۳ ذوالحجه ۱۳٤٤ ﻫ) باهتمام محمدمقتدی خان‌شروانی

شرح حال مؤلف

درهیچ کتابی نیامده است .

فهرست اسامی شعرا

درهیچ کتاب نیامده‌حتی‌دراول‌یا آخر تذکره‌چاپ‌فوق‌هم‌مذکور نیست

سخنوران چشم دیده

ابتدا

« حمدمیگوئیم آن‌خالق کون ومکان سخن‌آفرین‌را که چها کمال وافضال به انسان‌بی بنیان عطافرموده ودل‌این خاکی‌سرشت‌رامطلع انوار ومقطع‌تجلیات کرده »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف مولوی ترك علیشاه ترکی قلندر نور محلی است . سلسله نسب مؤلف بچندواسطه بفردوسی‌طوسی میرسد . جدش‌بنام‌آبادان باتفاق لشکر نادرشاه ازهرات بهندآمده رحل‌اقامت درلاهورافکندو بعداً پدرش درزمان سیکه‌ها درشهر نورمحل که‌ازمضافات شهرلاهوراست‌اقامت گزید. مادرش که صبیه‌سردار نورمحمد هراتی‌بودبفارسی شعرمیسرودوسپس‌بتدریج‌زبان‌پنجابی‌رافرا گرفت امازبان‌مادری مؤلف فارسی‌بوده . راجع‌بمرگ مادرمؤلف‌قصه عجیبی‌رابیان کرده استومیگوید

روزی پدرمؤلف سخت مریض‌شدومادرش براثرعلاقه فراوانی که‌بشوهرخودداشت
هفت باردور تختخواب شوهرش مریض گشت و بخدادعا کرد که‌اگرعمرشوهرمن
بپایان رسیده است من همه عمرخودرا باومی‌بخشم وهمان روزبستری شد وبعد از
هفت‌روزفوت کرد[1] .

مؤلف‌درحدودسال۱۲۴۲هدر نورمحل ازمضافات‌لاهورمتولدشد[2]وتاسی سالگی
بتحصیل علوم متداوله پرداخت . پدرش که‌بیش ازصدسال‌عمر کردشعروشاعری را
دوست‌نداشت‌امادرفهم معانی اشعاروحل معمی‌یدطولائی‌داشت ومتوانست‌بهفت زبان
صحبت کند وهمچنین «هفت قلم» خط مینوشت . روزی مؤلف درحضور پدر خود
مصرعی برمصرع یکی‌ازشعرای لاهور سرودو پدرش آنرا خیلی پسندید ودرنتیجه
بمؤلف اجازه داده که پس‌از آن‌شعر بسراید.

بعدازتکمیل تحصیلات مؤلف‌بسن سی‌سالگی (درحدود۱۲۷۲ه) کمربسیرو
سیاحت‌بست ومدت‌بیست‌ودوسال ازشهرهای مختلف‌دیدن کرد ودرهمین‌ایام«دیوان
گلشن معنی» « وفرخ نامه »معروف‌به«رامااین‌پارسی» را بامروفرمایش‌حاکم نابه
(که ریاستی[3] بوددرپنجاب)سرودووالی نابه‌منصبی‌رابعنوان‌جایزه‌وصله‌باواعطا کرد.

۱– بایداذعان کرد که ازهمین قبیل قصه ای در تواریخ هند درباره مرگ بابرشاه
آمده‌است‌میگویند چون‌همایون پسربابرشاه مریض شد بابربه‌فرزند خود فوق‌العاده علاقه
داشت هفت‌باردور بستروی‌گشت وبدرگاه خدا دعاکردکه حاضرست‌بجای جان پسرجان
خودرا بفرشته مرگ بدهد ودرنتیجه بابرشاه‌مریض‌شدودیری نگذشت‌که بمرد وهمایون
ازدست فرشته مرگ جان‌بسلامت‌برد.

۲ – چون مؤلف‌این کتاب رابسال ۱۳۳۲ ه بسن نود سالگی تألیف کرد بنابر این
درحدود۱۲۴۲ه متولدشدوچون‌پدرش‌در نورمحل‌زندگی‌میکرد بنابراین باحتمال‌قوی‌ولادت
اودرشهر نورمحل اتفاق‌افتاد چنانکه مؤلف‌خودش را «نورمحلی» نوشته است .

۳ـناحیه نیم‌مستقل‌رادرهندوپاکستان‌ریاست گفته‌اندمانندحیدرآباددکن‌وکشمیروغیره

مؤلف میگوید که لردمایو (۱۸۶۹–۱۸۷۲م مطابق ۱۲۸۶–۱۲۸۹ه) وایسرای هند[۱] وراجگان[۲] هندوستان اورالقب «ملك‌الشعرا» دادند.

همچنین مؤلف ادعا کرده است که درزندگی اوشعرای عجم وهندباشعار او استناد میکردند.

مؤلف درتصوف دست ارادت بدامن غوث‌علیشاه قلندر پانی‌پتی برده‌ودرشعرپارسی شاگرد گل‌محمدخان ناطق‌مکرانی وشهاب‌الدین واثق‌هراتی ومولوی رکن‌الدین مکمل نورمحلی که‌ازهر کدام‌یك بیت‌درضمن‌شرح‌حال‌خودبطرز نمونه آورده‌است) وامام بخش صهبائی دهلوی‌شاعرمعروف آن زمان ودرشعرریخته (اردو) ازمیرعلی اوسط رشك لکهنوی کسب فیض کرده‌است . همچنین درذیل شرح حال عبدالغنی عبدومولوی رکن‌الدین مکمل نورمحلی تذکرداده‌است وی‌استادمؤلف بوده‌اند .

درآخرعمردوباره « سودای سیاحت » درسرش‌افتاد امااین دفعه با« گردون بخاردخانی »(قطار) مسافرت کرد.وی‌درحدود۱۳۰۵ه بدکن‌رسید[۳] وآنجادرزمره مدح‌گویان سلطان‌دکن(نظام حیدرآباد دکن) درآمد .

درموقع تألیف‌این کتاب‌سن مؤلف‌نودسال بودامّا خودش‌میگوید :«هنوزتنم ودندان‌مستحکم چون‌جوانان سی‌ساله است ».

مؤلف‌بااکثرشعرای‌معروف‌معاصرخودمانند مظفرعلیخان‌اسیروغالب‌ومومن وامام بخش‌صهبائی ونواب شیفته‌وداغ وغیره آشنابودواکثرآنها« هم بزم»اوبودند.

مؤلف بافن«ماده‌تاریخ گوئی»علاقه‌فراوانی‌داشت‌وازجمله‌مصرع«ماده‌تاریخ فوت » شعرای‌زیررا خود گفته‌است: شایق حیدرآبادی‌وطوبی حیدرآبادی وظهیر دهلوی‌ومکمل نورمحلی ومحبوب لاهوری .

۱ـ نایب‌السلطنه که ازطرف حکومت انگلستان انتخاب میشد .

۲ـ حکام ریاستها. کلمه‌راجا غالباً برای‌حکام هندواطلاق میشد.

۳ـقبل‌از تألیف‌این کتاب۲۷سال درحیدرآباد دکن بوده‌واین کتاب‌را بسال۱۳۳۲ه تألیف‌کرد. بنابراین درحدودسال۱۳۰۵ ه وارد حیدرآباد دکن‌شد .

مؤلف‌در این تذکره تذکرداده است که شعرای زیر شاگرد او بوده‌اند : احمد حسین امجد و خواجه‌جهانگیر علیخان آصف حیدرآبادی و سید نواب‌جان تمنا بنارسی و منتخب‌الدین تجلی حیدرآبادی و محمدامام تائب و دستگیر حسین‌خان حسینی و سید حسین ذوقی و میر رحمان علی سیف ملقب به‌سیف‌الملك (از امرای حیدرآباد) و میر شهامت واعظم علی‌شایق و نواب ضامن‌حسین ضامن حیدرآبادی و محمدخان طلعت حیدرآبادی و انوارالدین‌عتیق و عارف (مؤلف‌اسمش‌را فراموش کرده)وحفیظ‌الدین عنصر و عظیم‌الدین‌حسن قباد و سید اسحق محمود حیدرآبادی و غلام نبی‌نظمی و غلام محی‌الدین نکهت حیدرآبادی و غلام محمدنعیم حیدرآبادی و داود علیخان واقف حیدرآبادی و ولایت علیجان ولایت حیدرآبادی .

ازجمله شاگردان مؤلف‌غلام محی‌الدین‌نکهت حیدرآبادی صاحب دیوان فارسی بوده است و میر رحمن علی‌سیف‌درموقع‌تألیف این کتاب هفتاد ساله (ازهمه شاگردان‌مؤلف‌مسن‌تر) بوده و اکثر بقیه شاگردان مؤلف جوان‌بودند .

اولاد مؤلف

مؤلف‌در این‌تذکره‌اسم فتح‌محمد قیصر پسرارشد و بسم‌اله بیگم عصمت‌دختر بزرگ وخیرالنسا عفت دختر کوچك‌راذکر نموده است که‌هر کدام از آنها بفارسی شعرمیسروده‌اند و از آنها چندبیت‌نقل کرده است . سن‌پسرارشدوی‌بوقت تألیف‌این کتاب‌چهل‌سال‌بود. معلوم‌نیست که‌مؤلف‌فرزندان دیگرهم داشت‌یاخیر .

آثار مؤلف

چنانکه خودش‌در این تذکره شرح داده‌است‌بقرارزیراست :

۱ـ فرخنامه‌معروف‌به « رامابن پارسی » ۲ـ دیوان فارسی بنام « گلشن معنی »

۳ـ ساقی نامه	٤ـ مثنوی گلزار محبت
٥ـ رساله بدرحسین (بشعر)	٦ـ مثنوی صورت سرمد
۷ـ سروالناظرین (نثر)	۸ـ گلبانك ترکی (نثر)

۹- دیوان« سرمایه‌پیری »　　۱۰- مثنوی‌طول امل

۱۱- مثنوی‌شکراب　　۱۲- مثنوی‌نازوزیبا (نازو نیاز)

۱۳- تذکره«سخنوران‌چشم دیده»- تذکره مورد بحث

۱٤- نسخه موسوم به« پسمانده » مجموعه اشعاری که‌بعدازطبع دو اوین‌نزد بعضی احباب پیداشد .

۱۵- مثنوی ترانه‌حق[1]

تبصره‌بر کتاب

مؤلف‌این کتاب‌رادرحیدرآباددکن‌درزمان میرعثمان‌علیخان نظام‌حیدرآباد دکن‌بسال۱۳۳۲ه تألیف نمودودرخاتمه قطعه ای‌آورده است که سال اتمام تألیف کتاب رامیرساند :

تر کی‌نه کنون روان‌قلم کن	این قصه درازگشت کم کن
شدختم‌چون این فسانه حق	نامش کـردم «ترانه حق»
سالش ز «فروغ ماه» بشمار	گیرازعدد کلام‌اشعار(=۱۳۳۲ه)

در مورد سبب تألیف مؤلف دردیباچه چنین توضیح میدهد: درعین‌شباب‌اشعار استادان وشاعران چشم‌دیده(را) بهزارمحنت‌جمع کرده‌میخواستم که تذکره(ای) مرتب کنم لیکن افسوس صد افسوس که آن همه سرمایه در غدر دهلی[1] غارت شد. ازاین‌حادثه دلم‌چنان فسرد که باز(دیگر) نخواستم که باردیگر سامان فراهم کرده بقلم آرم. چرا که درایام جوانی اشعار محبان که یاد بودند درین سن نودسالگی چنان ازیاد محوشد که هرچند، فکر میکنم شعری (بیتی) کجاکه‌نیم مصرعه هم‌بذهن نمیآیدمگر(اما) دل‌شیدا شب‌وروزتقاضا برای تحریر تذکره(ای)

۱- نسخه « پسمانده »ومثنوی « ترانه‌حق »رامؤلف‌درآخر کتاب «سخنوران‌چشم‌دیده» ضمیمه کرده‌است.

۱-شورش معروف هند علیه استعمار انگلیسها که در ۱۸۵۷میلادی مطابق ۱۲۷٤ ه روی داد اما بکوشش انگلیسها ناکام شد.

میکرد. لاچار(ناچار)مستعد شدم»

این تذکره مشتمل است بر ذکر ۲۳۰ شاعر معاصر مؤلف بترتیب الفبا از روی
حرف اول اسم یا تخلص شاعر.

مؤلف در خاتمه کتاب این قطعه را در همین معنی آورده است:

چو بعد از سفتن این سلك ترکی — در نام سخن سنجان شمردم
بحمدالله کز اول تا به آخر — بذکر دوصد وسی راه بسردم

مؤلف (چنانکه خودش در دیباچه کتاب توضیح داده است) در این تذکره
تنها ذکر شعرائی را آورده است که بچشم خود آنها را دیده و با آنها ملاقات کرده
است و اکثر آنها «هم بزم» او بوده و بفارسی شعر میسروده اند. همچنین بعضی از آنها
شاگرد مؤلف بودند.

این تذکره «با نواب میرمحبوب علیخان آصف سلطان (نظام) دکن» شروع
شده با «یاورالدین یاور» تمام میشود. تقریبا تمام افراد مذکور در این تذکره یا
اهل حیدرآباد دکن بودند یا آنجا در خدمت نظام دکن بودند اما نواب کلب
علیخان والی رامپورو چند نفر دیگر را استثنائاً ذکر نموده است.

مؤلف در این تذکره توضیح داده است که وی از صحبت بعضی اساتید سخن
فیض برده اما عمداً بذکر احوالشان نپرداخته زیرا که تذکره نویسان دیگر قبل
از او شرح احوالشان را نوشته اند مانند مظفر علیخان اسیر و غالب و مومن و امام بخش
صهبائی و ناطق مکرانی و واثق هراتی و نواب شیفته وغیره.

همچنین درباره بعضی شعرا مانند ضامن علی جلال لکهنوی و کمال خلف جلال
و امیرالله تسلیم و شوق نیموی و انوار دهلوی و غنی رامپوری و شمشاد لکهنوی وغیره
که با مؤلف آشنا بودند تنها بذکر نام بعضی از آنها اکتفا کرده چون از اشعارشان
چندی بدست او نرسیده بود.

این تذکره از تذکره های مؤخر فارسی است و از این حیث خیلی مهم است
چون شعرائی که در حیدرآباد دکن در اوائل قرن چهاردهم هجری میزیسته اند و

ذکرشان دراین تذکره آمده است اتفاقاً ذکر اکثرشان در هیچ تذکره دیگر نیامده است.

ازاین تذکره معلوم میشود که حتی تااوایل قرن چهاردهم هجری درحیدرآباد محفل شعرو شاعری هنوز گرم بودو هنوز شعرائی وجود داشتند که شمع شعرفارسی رامخصوصا درحیدرآباددکن فروزان نگهداشته بودند و بعضی از آنها بفارسی دیوان داشتند چنانکه مؤلف در این تذکره درذیل افراد زیردراین خصوص تذکرداده است:

نواب کلب علیخان والی رامپور وغلام محی الدین نکهت حیدرآبادی ومولوی عبدالواحد واجدحیدرآبادی ومیرزاهادی ملقب بوزیرجنگ حیدرآبادی.

در ذیل نام اکثر شعرا دریك دوسطر ازآنها یادکرده ویك دو بیت ازآنها نقل کرده است.

درذیل شعرای زیر «ماده تاریخ وفات» آنهارا نقل کرده است که از روی ابجد سال فوتشان را میرساند: نواب میرمحبوب علیخان آصف وحفظ الدین یاس و داغ دهلوی واعظم علی شایق حیدرآبادی وطوبی شوشتری وظهیردهلوی ومولوی رکن الدین مکمل نورمحلی ومحبوب لاهوری ووالد حیدرآبادی.

تنها اشعار وشرح حال افراد زیررا مفصل آورده است. نواب میر محبوب علیخان آصف ومولوی عبدالجبار آصفی ومولوی انوار اله انورو امیرمینائی ونواب اثر وآنف حیدر آبادی وبشرحیدرآبادی و گردهاری پرشادباقی وترکی (مؤلف) ومولوی ثاقب بدیوانی وحسامی حیدرآبادی وداغ دهلوی وزایرحیدرآبادی ومحمد امیران سها وغلام محمدعرب شوق واعظم وعلی شایق وضیا اورنگ آبادی وسید محمد ضامن وطلسمی حیدرآبادی وعاشق حیدرآبادی وعنصر حیدرآبادی و میرعابد علیخان عابد وعاجز حیدرآبادی وقاصد حیدرآبادی و قیصر (پسر ارشدمؤلف)و کیفی حیدرآبادی ومحوی فتح پوری و میرزا غلام احمد قادیانی[1] و نواب غلام

۱ــ مؤسس فرقه معروف «قادیانی» درهندوستان که بعقیده قادیانیها «مسیح موعود» بود. مؤلف ازاوخیلی تعریف کرده است.

رجودی .اکثر این ایرادات ازناصر اصفهانی است که مؤلف ذکرش را در ذیل نام ناصر آورده است.

سبك انشای مؤلف

این کتاب بفارسی افغانی نوشته‌شده است وزبان آن بافارسی ایرانی‌امروز خیلی فرق دارد ومؤلف بعضی اصطلاحات‌را بکار برده است که‌در ایران‌امروز معمول نیست .اما سبك‌وی ساده وزبان اوسلیس وخالی‌ازتصنع‌است.

رویهمرفته این‌تذکره ازحیث اینکه بسیاری ازشعرا که در این کتاب ذکرشان‌آمده است درکتب دیگر ازآنها یاد نشده دارای ارزش و اهمیت میباشد ونیزعلاقه اهل‌هند را نسبت بزبان‌فارسی نشان میدهد که حتی قریب‌صدسال‌بعد از تسلط انگلیسها باین زبان شعر میسرودند وهنوز بعضی امراونوابان درهند از شعرای‌فارسی‌تشویق و تقدیر میکردند و حتی خودشان هم باین زبان شعر میسرودند مثلا رجوع شود به‌میر محبوب علیخان نظام دکن وحسین‌میان نواب قصبه مانگرول ونواب جعفر حسین‌خان ومیررحمن علی‌سیف‌الملك و مهاراجا کشن پرشاد ونواب میرصبغة اله خان حیدرآبادی‌ونواب عزیز یارجنگ‌ازامرای حیدر آباد ونواب‌کلب علیخان والی رامپور که بفارسی شعر میسرودند حتی‌بعضی ازشعرای فارسی که دراین‌تذکره ذکرشده هندوبودند رجوع‌شود به راجانیم‌چند رام احقرو بجرنگ پرشاد بزمی وگوپال سهای‌تفته وبهاری لال رمزو مهاراجا کشن پرشاد شاد وسورج بهان میکش وگوری شنکرمجذوب ویك نفر جهود بنام اسحاق (که اصلا ازنواحی مصر بوده)و بفارسی شعر میسرود.

چاپ

مطبع‌شمس‌الاسلام (حیدر آباد دکن)١٣٣٢هـ.

برای‌**شرح‌حال‌مؤلف**رجوع‌شودبه« سخنوران چشم دیده».

فهرست‌اسامی‌شعرا

رجوع شود به«سخنوران‌چشم‌دیده»چاپ(حیدرآباددکن) ١٣٣٢هـ

فصل چهارم

از سال ۱۳۹۰ میلادی مطابق ۱۳۴۹ ه تا حال

ملاحظات عمومی

بر

فصل چهارم (۱۳۴۹ هـ - تا حال)

اوضاع سیاسی شبه قاره هند و پاکستان در این دوره

این دوره در تاریخ سیاسی شبه قاره هندوستان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد چون در همین دوره نهضت آزادی هندوستان بکمال رسید و بالاخره درنتیجه کوشش و جدیت مداوم اهالی شبه‌قاره مزبور پادشاه انگلستان آن سرزمین موافقت کرد اما طبق تصمیم مردم آنکشور و سران حزب کنگره و مسلم لیگ که بترتیب رهبری هندوان و مسلمانان هندرا بعهده داشتند شبه‌قاره مزبور به‌صورت دومملکت جدید درآمد وطبق اعلامیه استقلال صادره ازطرف سلطنت انگلستان یکی از این دو مملکت جدید بنام پاکستان در روز ۱۴ اوت ۱۹۴۷ م مطابق ۲۷ رمضان ۱۳۶۶ هـ و دیگری بنام هندوستان یا «بهارت» در روز بعد یعنی ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مطابق ۲۸ رمضان ۱۳۶۶ هـ مستقل شدند و باموافقت حزب کنگره فرمانروای کل[1] هندوستان لرد ماونت باتن[2] که قبل‌از استقلال نیز ازطرف انگلیسها فرمانروای

---

۱ Governor - General

۲- Lord Mountbatten

ملاحظات عمومی

بر

فصل چهارم (۱۳۴۹ هـ - تا حال)

اوضاع سیاسی شبه قاره هند و پاکستان در این دوره

این دوره در تاریخ سیاسی شبه قاره هندوستان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد چون در همین دوره نهضت آرادی هندوستان بکمال رسید و بالاخره درنتیجه کوشش و جدیت مداوم اهالی شبه‌قاره مزبور پادشاه انگلستان آن سرزمین موافقت کرد اما طبق تصمیم مردم آنکشور و سران حزب کنگره و مسلم لیگ که بترتیب رهبری هندوان و مسلمانان هندرا بعهده داشتند شبه‌قاره مزبور به‌صورت دومملکت جدید در آمد وطبق اعلامیه استقلال صادره ازطرف سلطنت انگلستان یکی از این دو مملکت جدید بنام پاکستان در روز۱۴ اوت۱۹۴۷ م مطابق۲۷رمضان ۱۳۶۶ هـ و دیگری بنام هندوستان یا «بهارت» در روز بعد یعنی ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مطابق ۲۸ رمضان۱۳۶۶ هـ مستقل شدند و باموافقت حزب کنگره فرمانروای کل[1] هندوستان لرد ماونت باتن[2] که قبل‌از استقلال نیز ازطرف انگلیسها فرمانروای

۱ Governor - General

۲ Lord Mountbatten

کل هندوستان بود اعلام شد اما ازطرف حزب مسلم‌لیگ محمدعلی جناح مؤسس
پاکستان‌اولین فرمانروای کل‌آن کشور انتخاب شد.

تذکره نگاری دراین‌دوره

این آخرین دوره تذکره‌نویسی فارسی است . تمام‌تذکره‌های فارسی که
دراین‌دوره درشبه‌قاره هند وپاکستان نوشته شده نویسندگان محلی ترتیب‌داده‌اند
و هیچکدام ازآنها ایرانی نبوده‌اند ـ باید توجه داشت که دنشاجی بهائی ایرانی
مؤلف «شعرای عصر پهلوی» با اینکه اسم خانواده‌وی‌ایرانی است‌معذلك‌ازپارسیان
هند میباشد که اجداد وی بعد از فتح ایران بدست عربها بهندمهاجرت کرده و
قرنها است درآن سرزمین بسر میبرند و بنابراین نمیتوان آنهارا جزو ایرانیها
حساب کرد.

در این دوره چهار تذکره در هند و پاکستان تألیف‌شده است. یکی از
آنها «رساله» دکتر نذیر میرزا برلاس درباره شعرای فارسی‌زبان‌پیشاور بوده‌است
که‌وی برای دکترای‌دانشکده ادبیات تهیه‌نموده‌است یکی دیگراز این تذکره‌ها
کتابی بنام « سخنوران ایران در عصر حاضر » اساس « رساله دکترای » دکتر
محمد اسحق بوده است که مشارالیه بعدا از دانشگاه‌لندن گرفته است.

از میان تذکره‌های این دوره دو کتاب بنام **سخنوران ایران‌در عصر**
حاضر و شعرای عصر پهلوی راجع بشعرای معاصر ایران و یکی دیگر بنام
تذکره شعرای پارسی زبان‌کشمیر درباره شعرای متأخر کشمیر و آخرین‌آن
بنام«شعرای فارسی زبان پیشاور» درباره شعرای متأخر و معاصر پیشاور است.
چنانکه واضح ولائح است هیچکدام از این‌تذکره‌ها «عمومی» نیست یعنی راجع
بشعرای متقدم و متأخر فارسی بدون تخصیص‌بکشور و نوع شعر نیست بلکه اول
دو تذکره راجع بشعرای ایران و سومین تنها راجع بشعرای کشمیر و چهارمین
تنها درباره شعرای پیشاورمیباشد

سبك انشای تذکره‌نویسان این دوره

یکی از مختصات تذکره‌های این دوره‌سبك‌انشای آنست. تمام‌این‌تذکره‌ها بـه سبك انشای جدید فارسی تألیف شده است که تقریباً یك‌قرن پیش‌در ایران معمول‌شده است. باید اذعان کرد که‌تاسنوات اخیر در هند وپاکستان‌همان سبك قدیم فارسی رواج‌داشته است وحتی تذکره‌هائی که‌درآخر دوره‌سابق درشبه قاره هند و پاکستان تهیه‌شده است هیچکدام بسبك جدید فـارسی نبوده است.علت‌آن بی‌اطلاعی مردم شبه‌قاره مزبور از تحول و تغییری که درایران‌درزبان‌فارسی رخ داده بوده است.

علت اساسی این تحول در سبك انشای تـذکره نویسان این دوره درشبه قاره‌هند وپاکستان تماس نزدیکی است که بعد از مدتی دوباره از اواخــر زمان انگلیسها بین ایرانیها واهـالی هند و پاکستان شروع‌شده است. مخصوصاً بعد از استقلال پاکستان وهندوستان درروابط‌آن دو کشوربا ایران تحول‌محسوسی روی داده است ورفت‌وآمد مردم هندوپـاکستان بایران بیش ازپیش صورت میگیرد و بهمین‌علت نویسندگان شبه‌قاره‌هند و پاکستان با تحولات جدید ادبیات فـارسی آشناشده و کتابهائی راجع‌بادبیات‌جدیدفارسی‌تألیف نموده‌اند و سبك‌آنها هم تغییر یافته باسبك جدید فارسی ایران مطابقت‌پیدا کرده است.

اینك بشرح مفصل تذکره‌های‌فارسی که درشبه قاره‌هند و پاکستان در این دوره تألیف‌شده است میپردازیم

سخنوران ایران درعصر حاضر

ابتدا

«بسمه‌تعالی ـ مقدمه ـ کشورباستانی ایران یکی از ممالکی است که ازلحاظ شعروادب با ممالك معظم امروزه‌جهان برابری‌میکند»

شرح‌حال مولف

اسم مؤلف (الحاج دکتر)محمد اسحق‌و اسم‌پدرش (الحاج)عبدالرحیم‌است. مؤلف در حدود سال۱۸۹۸ م[1] (مطابق ۱۳۱٦هـ) در کلکته بدنیا آمد[2]و در۱۹۲۱م (۱۳٤۰هـ) از دانشگاه کلکته لیسانس علوم(.B. Sc) گرفت و دو سال بعد در۱۹۲۳م (۱۳٤۲هـ) از همان دانشگاه‌بانگلیسی‌و اردولیسانس (.B.A) گرفت و درهمان‌سال(؟)[3] باخذ فوق‌لیسانس‌بزبان‌عربی‌توفیق‌یافت: درمیان کلیه‌دانشجویان فوق‌لیسانس در دانشگاه کلکته مقام‌شاگرد اول‌را حایزشدو بنابـراین از طرف دانشگاه مزبور مدال‌طلا و جایزه‌ای‌بوی اعطاشد.

مؤلف برای مدت یکسال تحصیلی۲٦ـ۱۹۲۵م (٤۵ـ۱۳٤٤هـ) در دانشگاه داکا(که امروز جزوپاکستان شرقی است) درشعبه عربی وعلوم اسلامی اسیستان[4]

۱ـاستوری‌درج۱ ص۹۲۱ سال۱۹۰۰م نوشته شده‌است اما خود آقای دکتراسحق درشرح‌حالی‌که برای‌نگارنده ارسال فرموده‌اند متذکرشده‌که سال تولدشان ثبت نشده اما ازروی آرشیو دفتر دانشگاه‌کلکته سنشان٦٤ سال‌میباشد.

۲ـ ر.ك.استوری ج۱ص۹۲۱

۳ـ درشرح‌حالی که‌آقای دکتر اسحق برای نگارنده فرستاده‌اندسال۱۹۲۳م ذکر شده‌است‌که ظاهراً اشتباه‌ماشین‌نویس‌است وباید فوق‌لیسانس‌را اقلا دوسال بعداز لیسانس در۱۹۲۵ گرفته‌باشند.

Assistant Lecturer - ٤

(دبیریار) بوده و سپس مدتی در دانشکده اسلامیه (که امروز «دانشکده مولانا آزاد» نام دارد) دبیر عربی و فارسی بود. از اول مارس ۱۹۲۷م (۲۵ شعبان ۱۳۴۵ ه) برای تدریس در کلاس فوق لیسانس در دانشگاه کلکته بسمت دبیری و بعداً درسال تحصیلی ۲۹-۱۹۲۸م (۱۳۴۸-۹ه) در همان دانشگاه در شعبه لهجه‌های محلی هند، بسمت دبیری اردو انتخاب گردید و در کلاس فوق لیسانس تدریس میکرد و درهمان سال در کلاسهای فوق لیسانس زبانشناسی تطبیقی (گروه ایرانی) نیز تدریس کرده و مدتی در دانشگاه سابق الذکر درشعبه تاریخ و تمدن اسلامی تاریخ ممالک اسلامی (ایران نو) را تدریس میکرد. اکنون وی در دانشکده ادبیات دانشگاه کلکته درشعبه عربی و فارسی سمت دانشیاری[1] را دارا است و دوبار ریاست شعبه مزبور را هم بعهده داشته است.

وی نخستین بار در ۱۹۳۰م (۱۳۴۹ه) بایران آمد و در مدت شش ماه که اینجا اقامت داشت بنقاط مختلف این کشور مسافرت نموده و اطلاعاتی درباره زبان و ادبیات فارسی جدید و لهجه‌های مختلف ایرانی بدست آورد. همچنین با اکثر شعرا و ادبای معروف ایران آشنا شده و اطلاعاتی درباره شرح احوال زندگانی آنها کسب نموده و آثارشان را جمع آوری نمود وجلد اول کتابی را درباره آنان بنام «سخنوران ایران درعصر حاضر» (تذکره مورد بحث) تألیف نموده ودر ۱۳۵۱ه بطبع رسانید.

مؤلف دوباره در ۱۹۴۳م (۱۳۵۴ه) بدعوت دولت ایران باین کشور آمد و درجشن هزاره فردوسی که درتهران وطوس برپا شد شرکت کرد. بعد از مراجعت از ایران جلد دوم کتاب «سخنوران ایران درعصر حاضر» را تألیف نمود و در ۱۳۵۵ه بطبع رسانید.

همچنین وی بعراق هم مسافرت کرد و از مراکز مذهبی و تاریخی آن کشور دیدن کرد

1- Readership

درسال۱۹۳۸ و۱۹۳۹م (۵۸-۱۳۵۷ ه) بورس تحصیلی «گهوش» از طرف
دانشگاه کلکته بوی پیشنهاد شد و وی بانگلستان رفت و در ۱۹٤۰ م (۱۳۵۹)
ازدانشگاه لندن دکترای فارسی گرفت. موضوع رساله دکترای وی «شعر و شعرای
ایران جدید[۱]» بود که با موضوع کتابی که قبلا تألیف کرده بود تقریبا یکی بود.
وی در این مسافرت ازمراکز فرهنگی ایتالیا وسویس و فرانسه و انگلستان نیز
بازدید نمود.

درطی مدتی که مؤلف دردانشگاه کلکته تدریس مینماید وی بچندین نفر
درکار تحقیق و تتبع ادبی راهنمائی نموده است چنانکه دکتر محمد رفاقت اله رساله
دکترای خود درباره «خاقانی-شرح حال و آثار او» براهنمائی او نوشته و باخذ دکترای
فارسی ازدانشگاه پنجاب توفیق یافت و آقای عبدالسبحن خان «تاریخ نواب علی
وردی خان» را براهنمائی او بفارسی ترتیب داد و این کتاب ازطرف انجمن آسیائی
(بنگال) کلکته در دست چاپست.

همچنین دوشیزه کلثوم جلیل فعلا درباره تذکره «ریاض الشعرا» براهنمائی
او مشغول تحقیق است و دوشیزه حسن بانو نیز تحت راهنمائی او مشغول تدوین
و گردآوری «دیوان شرف الدین شفروه» میباشد. همچنین وی ازطرف دانشگاههای
علیگره وپتنه رساله دکترای چهار نفر دانشجو را بعنوان ممتحن مورد سنجش
قرارداده است.

مؤلف غیر ازانگلیسی قدری بازبان فرانسه هم آشناست.

در۱۹۳٤م (۱۳۵٤ه) دولت ایران بعنوان تقدیر از وی برای تألیف کتاب
«سخنوران ایران درعصر حاضر «نشان علمی» و نظر بخدمات وی درراه تشید روابط
علمی وفرهنگی بین ایران وهند مدال طلائی «نشان سپاس» را در ۱۹۵۹م (۱۳۷۹ه)
بوی اعطا نمود.

مؤلف عضو کمیته دکترای دانشگاه کلکته وفاکولته ادبیات دانشگاه علیگره

۱- Poets and Poetry of Modern Iran

ومؤسس‌ودبیر «انجمن‌ایران» میباشدوهمچنین باچندین‌دانشگاه نیزروابط‌فرهنگی دارد - وی‌در۱۹۵۹م (۱۳۷۹ه) بعضویت‌معاون آسیائی (بنگال) کلکته‌انتخاب‌شدو انجمن دبیرآن انجمن (قسمت زبان‌شناسی)میباشد.

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- سخنوران ایران درعصرحاضر - تذکره‌مورد بحث

۲- شعرجدید فارسی -(بانگلیسی) - در۱۹۴۳م(۱۳۴۳ه)در کلکته‌چاپ‌شد

۳- چهار زن شاعر بزرگ ایران -(بانگلیسی) - در ۱۹۵۰ م (۱۳۷۰ ه) چاپ شد .

٤- فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه انجمن‌آسیائی(بنگال) کلکته - در۱۹۵۱م(۱۳۷۱ه) چاپ‌شد.

٥- روضات‌الجنات فی اوصاف مدینةالهرات - تألیف معین‌الدین اسفزاری (۱٤۹۲ه)این کتاب‌بتصحیح آقای دکتراسحق در۱۹۶۱م(۱۳۸۱ ه)ازطرف‌دانشگاه علیگره بطبع رسید.

٦- هفت‌اقلیم تألیف امین احمدرازی - بتصحیح وی در حدود ٥۰۰ صفحه ازطرف انجمن‌آسیائی (بنگال) کلکته دردست‌چاپ است.

۷- مجله‌انجمن هندوایران - این‌مجله ازطرف شورای روابط‌فرهنگی‌هند از٤ سال‌پیش‌بزبان‌انگلیسی‌وفارسی (دریك‌جلد) بانظارت‌اوازدهلی نومنتشر میشود. همچنین مقالاتی‌درموضوعات مختلف درمجله‌هائی‌متعددازوی‌چاپ‌شده‌است.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۳٤۹ ه‌آغازنموده وجلداول آن را بسال ۱۲٥۱ه وجلددوم‌را بسال۱۳٥٥ه دردهلی بطبع‌رسانیده‌است.

در مورد سبب تألیف کتاب مؤلف در مقدمه کتاب(بزبان فارسی)چنین توضیح داده است:

«در تابستان ۱۳۰۹ش (مطابق ۱۳۴۹ه) برای مطالعه زبان و ادبیات فارسی از نزدیک ازهندوستان بایران رفتم ومدت شش ماه درتهران و نقاط دیگر اقامت جسته روزگاری خوش بمصاحبت دانشمندان و نویسندگان و ادبای طراز اول سرزمین سعدی وفردوسی گذراندم (و) ازخرمن علم وادب خوشه‌ها چیدم وتوشه‌ها گرفتم. با اینکه در کشور گل و بلبل «بوی گلم چنان مست کرده بود که دامنم ازدست رفته بود» درخاطرماند که ازین بوستان مردوستان را تحفه‌آورده وبهم‌وطنان کسانیکه بزبان ملیح فارسی آشنائی دارند ارمغانی دهم».

مؤلف اسم مآخذ رادرمقدمه‌یاخاتمه کتاب نیاورده‌امادرمتن کتاب‌درذیل‌شرح حال شعرااسم کتب‌زیررا ذکر نموده است که از آنها درتألیف این کتاب استفاده کرده‌است :

۱- مجله آینده
۲- مجله ارمغان
۳- مجله ایران
٤- مجله بهار
٥- مجله‌دانشکده
٦- مجله‌نمکدان
۷- مجله نوبهار
۸- مجله ایرانشهر
۹- مجله‌کابل (افغانستان)
۹- روزنامه نسیم‌شمال
۱۱- روزنامه صوراسرافیل
۱۲- روزنامه طوفان
۱۳- روزنامه‌بهار
١٤- جریده «آوازتاجیك» (سمرقند)
۱٥- جریده افغان
١٦- کانون شعرا
۱۷- حدایق السحر تألیف رشیدالدین وطواط مرتبه عباس‌اقبال
۱۸- سیاحت‌نامه ـ خواجه‌غلام‌الثقلین(هندی)
۱۹- تاریخ ادبیات‌ایران ـ دکتربراون
۲۰- مطبوعات ایران[۱] ـ دکتر براون
۲۱ بحرمحیط تألیف‌دانش
۲۲- باغ بهشت ـ سیداشرف‌الدین
۲۳- دیوان امیری

۱- "Press and Poetry of Modern Persia" by E.G.Brown

۲٤ـ دیوان عارف

۲۵ـ دیوان عشقی

۲٦ـ مخزن‌لآلی ـ شباب کرمانشاهی

۲۷ـ منتخبات‌آثار ـ محمدضیاهشترودی

۲۸ـ گلهای ادب ـ میرزا حسین خان سادات نوری

۲۹ـ خردنامهٔ جاودان ـ دکتر اعلم‌الدوله ثقفی

۳۰ـ لآلی ادب ـ چاپ بمبئی

۳۱ـ فارسنامه ناصری ـ شوریده شیرازی

۳۲ـ تحفة‌الحسنیه ـ حسین‌قلی‌خان سلطان کلهر

ازجمله کتب فوق مؤلف ازمجله ایران وارمغان ازهمه بیشتراستفاده کرده واکثرمطالب واشعارشعرارا ازاین‌دومجله نقل کرده‌است.

این تذکره مشتملست بردوجلد ـ جلداول ذکرسی‌وسه شاعروجلددوم‌ذکر پنجاه‌ویك شاعررا بترتیب الفبا[1] شامل است وبدین ترتیب تعداد کلیه شعرای این تذکره۸٤میباشد اما اسم‌خانم پروین اعتصامی بعدازجلد اول درجلددوم‌هم تکرار شده‌است‌وبنابراین عده کل شعرای این تذکره۸۳میباشد.

درمورد علت این تکرار مؤلف در مقدمه جلد دوم بفارسی چنین توضیح داده است:

«شرح حال ونمونه اشعارخانم پروین اعتصامی رادرمجلد اول نگاشتیم ولی باقتضای زمان‌طبع تصویرخانم‌رااجازت‌نداشتیم . نهضت‌بانوان‌ایران وآزادی آنان ازقید پرده وحجاب باطبع این کتاب تصادف کرد و ما بهترآن دیدیم که در این موقع عکس خانم (پروین) را انتشارداده‌دیگربارقسمتی ازاشعاراین‌خانم‌دانشمند را ازدیوان او که ازحسن اتفاق‌دراین موقع بطبع‌رسیده‌اقتباس ودرج کنیم. تصویر خانم پروین تاکنون‌درهیچیك از جراید و مجلات ایران وممالك خارجه گراور نشده است ».

درجلد اول‌ذکرتنها یك‌نفرزن شاعر(پروین اعتصامی) ودرجلددوم ذکردو تن از زنان شاعر (پروین اعتصامی و جنت فصل بهار خانم ملقب‌بایران‌الدوله) آمده‌است.

---

[1] ـ اما ذکرملك‌الشعرا «بهار» را بجای ردیف«ب» درردیف «میم» آورده‌است.

٤ـ برای اولین دفعه در ادبیات فارسی مؤلف نت‌های موسیقی را از بعضی شعرا آورده است. درجلد اول دو نت موسیقی از حسام‌زاده پازارگاد و در جلد دوم یك نت از میرزا ادیب الممالك آورده است که در هیچ یك از تذکره‌های فارسی نیامده است.

٥ـ مؤلف در انتخاب اشعار شعرا خیلی دقت ورزیده وسعی کرده است بهترین اشعار گویندگان معاصر را در این کتاب انتخاب نماید.

٦ـ درحاشیه کتاب بعضی کلمات مشکل را مخصوصا از فرانسه که بشعر فارسی جدید بکار میرود یا بعضی شعرا تعمداً در شعر خود آنرا آورده‌اند توضیح داده است رجوع شود بنام روحانی غلامرضا ص١١٥و١٢٢ و عشقی ص٢٢٦و٢٣٤ و ٢٤٧ قلزم ص٢٩٠ وغیره.

٧ـ همچنین درباره اشاراتی به بعضی وقایع تاریخی که در بعضی اشعار شعرا آمده است درحاشیه شرح داده است. رجوع شود بنام اشرف الدین اشرف ص١٤٨ و ١٥٠ عارف قزوینی ص١٩٨ و٢٠٤ وفرات ص٢٨٧ و فرهنگ ص٣٣٩ و ملك الشعرا بهار ص٣٦٣و (درجلد دوم) حکمت ص١١٤

٨ـ درباره بعضی اسامی شعراو نویسندگان و رهبران وبزرگان ملل که در بعضی اشعار شعرا آمده است در پاورقی توضیح داده است: رجوع شود به (جلد اول) ملك الشعراء بهار ص٣٦١ و (جلد دوم) افسر ص٣٢ بامداد ص٦٩ و بیشتر ص٨١ و پژمان ص٩٨ و ١٠١ وقلزم ص٨ـ٢٩٧ وعارف قزوینی ص٣ـ١٩٢ و وحید دستگردی ص ٣٩٦

٩ـ مؤلف درذیل شرح احوال اکثر شعرا اطلاعات زیر را درباره هر کدام از آنها بدست داده است: اسم و نسب و مولد و موطن وسال ولادت شاعر و تحصیلات ومشاغل ادبی وفرهنگی وسال وفات (درصورتی که وی فوت کرده باشد) و خصایص وپایه ادبی وعقاید بعضی ناقدین بزرگ ایران معاصر درباره او وآثار او و بهترین اشعار منتخب از او.

١٠ـ مؤلف درذیل مقدمه انگلیسی کتاب شرح حال مختصر پنجاه و یك تن شاعری که در آن جلد از آنها نامبرده شده است بزبان انگلیسی نیز آورده است.

همچنین اشعارشعرا رامعمولا مفصل آورده استامادرذیل نامشعرای ذیر اشعار
آنانرا ازدیگران مفصل تر آورده است: **جلداول** ایرج میرزا۱۶ص وپروین۱۱ص
(ودر جلددوم ½ ٤ص) ورشیدیاسمی۱۲ص وروحانی غلامرضا۲۱ص واشرف۲۳ص و
عارف قزوینی۲۵ص وعشقی ۳۰ص ومیرزاحسین خان صبغی ادیب السلطنه عطا ۲۳ص
وفرخ خراسانی۱۶ص وملك الشعراءبهار۴۳ **جلد دوم** افسر۱۱ص وامیری ادیب الممالك
½ ۱۳ص ودانش طهرانی وریحان وسرمدوشهریاروعبرت نائینی ومسرور ونصرت کاسمی
(هر کدام در۱۱ص) وقلزم۱۰ص وشعاع الملك ½ ۱۱ص ووحید دستگردی۱۲ص و
وثوق الدوله ویکتا (هر کدام ½ ۱٤ص). رویهمرفته اشعارملك الشعرا بهاروعشقی را
از سایرشعرامفصل تر آورده است .

گاهی در باره بعضی شعرا عقیده علامه محمدقزوینی دانشمندمعروف وبزرگ
ایران را نقل کرده است مثلا رجوع شودبه نام دهخدا(ص۷٦) .
درذیل نام عارف عقایدخودش را در باره بعضی اشعارش ذکر نموده است که اهمیت
وموقعیت آنراتأکیدمیکند (رجوع شودبه صفحه ۱۹٤و۱۹۷) .
درذیل نام دهخدا بعضی عبارات را از کتاب «امثال وحکم» وی(بنثر)نقل کرده است.
همچنین درذیل ربانی(حاج میرزامحمدحسین قریب) اشعار عربی ویرا نیز
دردوصفحه آورده است.

درمورد بعضی شعرا مؤلف توضیح داده است که باوجود نهایت تلاش و کوشش
به تهیه آثار آنان توفیق نیافته است از آنجمله مرحوم صبوری ملك الادب ومؤیدثابتی
خراسانی وبیداری کرمانی ونیما ودکترفلسفی نائینی وجعفرخامنه و گفته که شاید
رساله ای جداگانه برای تکمیل این تذکره انتشاردهد[1].
مؤلف درمقدمه جلداول بعضی انتقادات مفید برزبان ادبیات امروزه فارسی
کرده است که اکثر مبنی برحقیقت ودرعین حال بسیارسودمند میباشد . اینك قسمتی
از آن اینجا نقل میگردد .

۱- مؤلف ظاهراً تاکنون هیچ رساله‌ای در این باب چاپ نکرده است .

قرارداده‌اند[1] باور نکرده و نمیتوانستم تصور کنم که ادبای ایران بدست خویش تیشه
بریشهٔ زبان خودمیزنند و در فنا و اضمحلال این زبان شیرین ادبی میکوشند. درزبان
فارسی مثل است که بطرفدار دلسوز و با حرارت تر از صاحب کار (را) «کاسه گرمتر
از آش» میگویند . اینك دلسوزی من هم نسبت بزبان فارسی این مصداق را پیدا
کرده و حتی ممکن است موجب رنجش بعضی از ادبای ایران را فراهم سازد . پس
بهتر است بدین مختصر قناعت نموده و از این موضوع بگذریم.»

سبك مؤلف ساده و عاری از تکلف و تصنع است و تقریباً همه‌جا مؤلف زبان فارسی
امروزه را بکار برده است و از این حیث در شبه‌قاره هندوپاکستان اولین کسی است که
تذکره ای بزبان فارسی جدید تألیف نموده است .

رویهمرفته نظر بمزایا و خوبیهای مذکور در سطور فوق این تذکره را میتوان یکی
ازچند تذکره خوب فارسی حساب کرد زیرا در بین تمام تذکره‌هائی که در هندوستان و
پاکستان تاحال تألیف شده است. این تذکره در موضوع خود از همه بهتر و جامع‌تر و
مفصل‌تر و بمثابه سرمشق و نمونه والائی است که در آینده تذکره نویسان شبه‌قاره هند
پاکستان (خصوصاً) و سایر کشورها (عموماً) باید از آن پیروی و تقلید نمایند . تنها
نقصی که در این کتاب دیده میشود فقدان نقد ادبی است که اگر مؤلف ترس و رنجش
شعرا و ادبای ایرانی را نداشت و باین قسمت هم توجه و دقت نموده بود این تذکره
درموضوع خود بی نقص و عیب و تاحال بی نظیر و ثانی بود. اما بعلت همین يك نقص این
کتاب را نمیتوان از حیث فن تذکره نگاری بی‌عیب و کامل قلمداد نمود .

فهرست اسامی شعرا

جلد اول

١ــ ادیب پشاوری

٢ــ ادیب نیشابوری

٣ــ ایرج میرزا

٤ــ بدیع الزمان فروزانفر

١- رجوع شود به «بیست مقاله قزوینی» چاپ بمبئی ص٦٦ تا ٧٣ .

ـ پروین اعتصامی

٦ - پورداود

١ - حبیب یغمائی

٨ - حسام‌زاده

ـ دکتر محمودخان افشار

١٠ - دهخدا

١١ - رشیدیاسمی

١٢ - رعدی

١٢ - روحانی غلامرضا

١٤ - سالار شیرازی

١٥ - سیداشرف‌الدین

١٦ - شباب کرمانشاهی

١٧ - شوریده‌شیرازی

١٧ - عارف قزوینی

١٩ - عبدالعظیم قریب

٢٠ - عشقی

٢١ - عطا (ادیب‌السلطنه)

٢٢ - عمام

٢٣ - فرات

٢٤ - فرخ‌خراسانی

٢٥ - فرخی یزدی

٢٦ - فروغی

٢٧ - فرهنگ

٢٨ - کمالی اصفهانی

٢٩ - محمد کسمائی

٣٠ - ملک‌الشعراء بهار

٣١ - نادری

٣٢ - نصراله‌فلسفی

٣٣ - یاسائی.

جلد دوم

١ - آزاد

٢ - آیتی

٣ - احمدی

٤ - ادیب زاهد

٥ - ادیب‌طوسی

٦ - افسر

٧ - امیری

٨ - اورنگ

٩ - بامداد

١٠ - بیضائی

١١ - بینش

١٢ - پروین اعتصامی

١٣ - پژمان

١٤ - جلیلی

١٥ - خانم جنت

١٦ - حکمت

٥ـ پروین اعتصامی
٦ـ پورداود
٧ ـ حبیب یغمائی
٨ـ حسام‌زاده
٩ـ دکتر محمودخان افشار
١٠ـ دهخدا
١١ ـ رشیدیاسمی
١٢ ـ رعدی
١٣ ـ روحانی غلامرضا
١٤ ـ سالار شیرازی
١٥ ـ سیداشرف‌الدین
١٦ ـ شباب کرمانشاهی
١٧ ـ شوریده‌شیرازی
١٧ ـ عارف قزوینی
١٩ ـ عبدالعظیم قریب
٢٠ ـ عشقی
٢١ ـ عطا (ادیب‌السلطنه)
٢٢ ـ غمام
٢٣ ـ فرات
٢٤ ـ فرخ‌خراسانی
٢٥ ـ فرخی یزدی
٢٦ ـ فروغی
٢٧ ـ فرهنگ
٢٨ ـ کمالی اصفهانی
٢٩ ـ محمد کسمائی
٣٠ ـ ملک‌الشعراء بهار
٣١ ـ نادری
٣٢ ـ نصراله‌فلسفی
٣٣ ـ یاسائی.

جلد دوم

١ ـ آزاد
٢ ـ آیتی
٣ ـ احمدی
٤ ـ ادیب زاهد
٥ ـ ادیب‌طوسی
٦ ـ افسر
٧ ـ امیری
٨ ـ اورنگ
٩ ـ بامداد
١٠ ـ بیضائی
١١ ـ بینش
١٢ ـ پروین اعتصامی
١٣ ـ پژمان
١٤ ـ جلیلی
١٥ ـ خانم جنت
١٦ ـ حکمت

۱۷ - دانش اصفهانی
۱۹ - دانش‌خراسانی
۲۱ - دانش کرمانی
۲۳ - دهقان
۲۵ - ریحان
۲۷ - سرود
۲۹ - شجره
۳۱ - شفق
۳۳ - صدر
۳۵ - عبرت
۳۷ - قلزم
۳۹ - لاهوتی
٤۱ - محتشم السلطنه
٤۳ - ناصح
٤٥ - نظام وفا
٤۷ - وثوق
٤۹ - هادی‌حایری
٥۱ - یکتا

۱۸ - دانش تبریزی
۲۰ - دانش تهرانی
۲۲ - دوات
۲٤ - ربانی
۲٦ - سرمد
۲۷ - سنا
۳۰ - شعاع
۳۲ - شهریار
۳٤ - صورتگر
۳٦ - فرا،رزی
۳۸ - گرامی تبریزی
٤۰ - مایل تویسرکانی
٤۲ - مسرور
٤٤ نصرت (کاسمی)
٤٦ - نیازی
٤۸ - وحید دستگردی
٥۰ - یحیی

چاپ

جلداول چاپخانه‌جامعه‌دهلی بسال۱۳٥۱ه/۱۹۳۳م ـ مؤلف این‌جلدرا بنام دانشگاه کلکته‌عنوان کرده است .

جلددوم چاپخانه‌جامعه‌دهلی بسال۱۳٥٥ه/۱۹۳۷م ـ مؤلف‌این‌جلدرا بنام شیاماپرشادمکرجی رئیس‌دانشگاه کلکته عنوان کرده‌است.

برای **شرح‌حال‌مؤلف** رجوع‌شودبه‌استوری‌ج۱ق۲ص۹۲۱وارمغان‌ج۹ش۷ص

۵۵۹ـ۶۰ باعکس مؤلف

تذکر

بنا باستدعای نگارنده آقای دکتر اسحق شرح حال خودرا بوسیله دوست فاضل آقای دکتر ضیاءالدین دیسائی برای اینجانب ارسال فرمودند . نگارنده ازلطف و همکاری هردو دانشمند ارجمند هندی سپاسگزار است

شعرای عصر پهلوی

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف دنشاجی بهائی ایرانی است که از زرتشتیان هنداست وی در ۱۹۰۲ میلادی ازدانشکده سن زیویر لیسانس درادبیات (B.A.) گرفت و در ۱۹۴۰ میلادی از طرف قاضی اسپنسر جایزه‌ای دریافت نمود ودرهمان سال دانشجوی محقق ازطرف منوچهرجی نوروجی بناجی شناخته شد. سپس درسال ۱۹۰۵ میلادی ازمدرسه دولتی حقوق لیسانس درحقوق (LL.B.) گرفت . وی در ۱۹۲۰ میلادی ریاست انجمن زرتشتیان رابعهده داشت .

آثار مؤلف

۱ ـ ترجمه بانگلیسی « رستاخیز » عشقی بنام رستاخیز سلاطین قدیم ایران درخرابه‌های مداین. چاپ بمبئی ۱۹۲٤ میلادی .

۲ ـ سرودهای اهورا (ظاهراً بانگلیسی) ـ چاپ لندن ۱۹۲۷ میلادی .

۳ـ پیک مزدیسنان ـ مجموعه مقالاتی درباره مذهب زرتشتی که اصلا بزبان انگلیسی یا گجراتی بوده اما بعداً بوسیله آقای استاد پورداود بفارسی ترجمه شد (قسمت ۱ـ۸). چاپ بمبئی ۹ـ۱۹۲۷م.

رمضان۱۳۲۵ه) در دهکده مغلان والی واقع در چهار میلی جنوب شهر سیالکوت بدنیا آمد. اجداد وی اصلا اهل کشمیر بودند و از آنجا سرزمین پنجاب مهاجرت کرده در حوالی شهر سیالکوت رحل اقامت افکندند. دکتر عرفانی تازه دوره دبستان را در مدرسه کوتلی امیر بپایان رسانیده بود که پدرش فوت کرد وی بعد از فوت پدر بشهر چکوال رفت و نزد پسر عمویش بسر بردو در ۱۲۹۵م = ۱۳۳۴ه در مدرسه عالی دولتی چکوال دوره متوسطه را تمام کرد و دو سال اول دانشکده را در دانشکده صادق اجرتن[1] به تحصیل پرداخت و دوره ماقبل لیسانس (اف-ای) را آنجا بپایان رسانید و بالاخره در سال ۱۹۲۹م = ۱۳۴۸ه از دانشکده پرنس آف ولز[2] جمو لیسانس گرفت و سپس دوره فوق لیسانس فارسی را از دانشکده اسلامیه لاهور (دانشگاه پنجاب) در ۱۹۳۱ = ۱۳۵۰ه و دوره فوق لیسانس انگلیسی را در ۱۱۴۲م = ۱۳۶۲ه بپایان رسانید و در ۱۹۵۶م = ۱۳۷۶ه باخذ دکترای فارسی از دانشگاه پنجاب لاهور نایل آمد.

در سال ۱۹۳۱م = ۱۳۵۰ه دکتر عرفانی وارد اداره فرهنگ بلوچستان شده و در مدرسه عالی کویته مشغول تدریس انگلیسی شد. در سال ۱۹۴۵م = ۱۳۶۵ه وی بمأموریت فرهنگی انتخاب شده با یران آمد و مدتی در ایران بتدریس انگلیسی پرداخت و در اوایل سال ۱۴۹۷م = ۱۳۶۷ه به کویته مراجعت نموده مشغول تدریس در دانشکده کویته شد و مدتی سمت بازرسی فرهنگ شهرستان سیبی و سپس معاونت دانشکده کویته را بعهده داشت.

در آوریل ۱۹۴۹م = ۱۳۶۹ه دکتر عرفانی بعنوان وابسته مطبوعاتی پاکستان دوباره با یران آمد و در ۱۹۵۹م = ۱۳۷۵ه بعد از شش سال بپاکستان مراجعت نمود و آنجا اداره مجله «هلال» فارسی را که از طرف وزارت اطلاعات و مطبوعات منتشر میشود بعهده داشت. سپس در آوریل ۱۹۵۸م = ۱۳۷۸ه وی بعنوان وابسته فرهنگی پاکستان برای دفعه سوم با یران آمد و هنوز همان سمت را بعهده دارد.

دکتر عرفانی باردو و فارسی هر دو شعر میسراید و مجموعه‌ای از رباعیات فارسی

1- Sadiq Egerton College

2- Prince of Wales College

وی بنام «حدیث‌عشق» ازتهران‌منتشرشده‌است وهمچنین‌وی‌مجموعه «ضرب کلیم» اقبال (لاهوری) را ازشعراردو بشعرفارسی ترجمه کرده‌است .

آثار مولف

آثارمؤلف بدین قراراست :

۱ـ رومی‌عصرـشرح‌حال‌وآثاراقبال لاهوری ـچاپ کتابفروشی‌معرفت‌تهران ۱۳۳۲ ش

۲ـ داستانهای عشقی پاکستان‌چاپ‌ـابن‌سینا ۱۳٤۰ش‌ر۱۳۸۱هـ

۳ـ تذکره شعرای‌پارسی گوی کشمیریاایران‌صغیر. تذکره‌موردبحث‌ـچاپ تهران ابن‌سینا ۱۳۳۵ش .

٤ـ حدیث عشق یاررباعیات عرفانی‌ـچاپ‌تهران۱۳۳۳ ش

٥ـ اقبال درنظرایرانیهاـچاپ اقبال‌اکادمی۱۹۵۷میلادی

٦ـ شعرای معاصرفارسی‌ـچاپ‌وزارت فرهنگ پاکستان‌غربی لاهور۱۹۵۷م

۷ـ فارسی‌امروزـبسه‌زبان :اردووانگلیسی‌وفارسی ـچاپ‌لاهورسال۱۹۵٦م

۷ـترجمه‌فارسی ضرب کلیم‌اثراقبال‌لاهوری بزبان‌اردو.چاپ اقبال‌اکادمی ۱۹۵۷م

۹ـ ترتیب وتألیف کتب فارسی برای‌سال اول ودوم وسوم دبیرستانها مشتمل برمنتخباتی ازکتب مختلف‌فارسی .

۱۰ ـ شرح حال وآثار ملک‌الشعرا بهارـرساله دکترای فارسی مؤلف‌ـچاپ ابن سیناتهران ۱۹۵۷م

۱۱ـ نثرفارسی دردوجلد(زیرچاپ)

۱۲ ـ نوای سرمد ـچاپ‌تهران۱۳٤۱

تبصره برکتاب

مؤلف این کتاب را درحدود ۱۳۳٤هـ نوشته است سال‌تألیف راخودش ذکر

۷ـ میرزا اکمل‌الدین کامل ۸ـ نجمی
۹ـ خواجه حبیب‌اله حبی ۱۰ ـ بابا نصیب‌الدین غازی
۱۱ـ ملاساقی ۱۲ـ اویس
۱۳ـ ملا محمدتوفیق ۱٤ـ مظهری
۱۵ ـ فروغی ۱٦ محمد معین مستغنی
۱۷ـ ملانامی ۱۸ـ ملاذهنی
۱۹ ـ اوجی ۲۰ـ میرزا محتشم خان فدا
۲۱ ـ خواجه رافع ۲۲ـ عبداالوهاب شایق
۲۳ـ ملااشرف دایری بلبل ۲٤ـ ملابهاءالدین بها
۲۵ ـ ملا حمید اله ۲٦ـ میرزا مجرم
۲۷ـ خواجه حسن‌شعری ۲۸ـ میرزامهدی
۲۹ـ چندر بهان‌برهمن ۳۰ـ پاندیت بیربل کاچرو وارسته
۳۱ ـ پاندیت بهوانی داس‌نیکو ۳۲ـ عبدالوهاب پارسی.

چاپ

در تهران بسرمایه کتابفروشی ابن سینا درسال۱۳۳۵ ش (چاپ‌اول)

تذکر

نگارنده ازدوست عزیر آقای‌دکتر بشیرحسین‌پاکستانی‌فارغ‌التحصیل‌دوره دکترای‌دانشکده‌ادبیات فارسی‌دانشگاه تهران‌ممنونست که درتهیه شرح‌حال‌مؤلف بنگارنده کمك فرمودند.

شعرای فارسی زبان پیشاور

ابتدا

«مدتی بود آرزو داشتم راجع بشعرای فارسی زبان پیشاور کتابی تدوین کنم».

شرح حال مولف

اسم مؤلف (دکتر) نذیر حسن میرزا برلاس وتخلص او نذیر واسم پدرش میرزا امیرحسن خان برلاس است. وی دراول نوامبر ۱۰۹۸م = ٤ شوال ۱۳۲٦ ه درقصبه سنگهوئی در یك خانواده معزز و دانشمند برلاس چشم بجهان گشود. وی ذوق علمی وادبی را ازخاندان خود بارث برده است وی در سال ۱۹۲٦م = ۱۳٤۳ه ازمدرسه عالی کوهات (در استان سابق شمال غربی پاکستان) دوره متوسط را به پایان رسانیدودر ۱۹۳۱ = ۱۳۵۰ه باخذمنشی فاضل (فارسی) ودر ۱۹۳۷م = ۱۳۵٦ه ادیب فاضل (اردو) ازدانشگاه پنجاب نایل آمدو سپس در ۱۹٤۱م = ۱۳٦۰هردانشکده اسلامیه پیشاور دوره دانشسرای عالی را تمام کردودر ۱۹٤۰م = ۱۳۵۹ه ازدانشگاه لاهورفوق لیسانس زبان فارسی گرفت وچون امتحانات عالی زبانهای شرقی را به اردو وفارسی تمام کرده بود طبق مقررات درهمان سال از طرف دانشگاه مذکور درجه فوق لیسانس بزبانهای شرقی»(ام - او-ال)[1] بطور افتخاری بوی اعطا گردید. سپس وی در ۱۹۵۳م = ۱۳۷۳ه درجه فوق لیسانس درزبان وادبیات اردو ازدانشگاه لاهور نیز گرفت.

مؤلف بکار تعلیم و تدریس علاقه فراوانی دارد و بهمین جهت در ۱۹۲۹ م = ۱۳٤۸ه وارد خدمت فرهنگ صوبه سرحد (استان سابق شمال غربی پاکستان)

---

1. Master of Oriental Lanquages-١

گردید. درسال۱۹۳٦م=۱۳۵۵ه وی وارد کادرسفارت بریتانیا در کابل شده مدتی سمت‌منشی‌را بعهده داشت ودر۱۹٤۲م=۱۳٦۱ه در آکادمی نظامی(دانشگاه نظامی) دهرادون‌معلم‌شد. سپس‌در۱۹٤٦م=۱۳٦٦ه بکلکته‌رفته مدتی بعنوان منشی سیاسی میرزا ابوالحسن اصفهانی (بازرگان معروف چای که اصلاایرانی است)درشرکت سهامی ام.ای اصفهانی کلکته‌استخدام شدوقبل‌ازتشکیل پاکستان‌برای گذراندن تعطیلات بوطن خود که درپاکستان فعلی قرار داشت رفت اما بعلت زدوخورد شدید وطویلی که بعداز تقسیم شبه‌قاره هندوستان روی داد نتوانست بکلکته که جزء هندوستان یا بهارت اعلام شده بود برگردد و ناچار دوباره بتعلیم و تدریس مشغول‌شده دردانشکده دولتی پیشاور دبیر[1] فارسی‌شد.

در اواخر سال ۱۳۳٤ ش وی بدعوت دانشگاه تهران بایران آمد و درسال ۱۳۳٦ ش از دانشکده ادبیات دکترای ادبیات فارسی گرفت. موضوع رساله‌دکترای او«شعرای فارسی زبان پیشاور» کتاب مورد بحث ما بوده که وی براهنمای استاد ارجمندآقای دکترحسین خطیبی تهیه نمودمو بعداز اخذدکتری بپاکستان مراجعت نمود ودوباره در دانشکده اسلامیه پیشاور بعنوان‌دبیر[2] فارسی مشغول تدریس‌شد. اینک‌دردانشکده‌مزبور درشعبه فارسی همان‌سمت دبیری فارسی را بعهده دارد.

دکتر برلاس درمیان شعرای جدید اردومقام خاصی دارد و درقسمت شمال غربی پاکستان جزو مؤسسین‌نهضت شعر نو محسوب میشود وهمچنین وی درقسمت سرحد (شمال غربی‌پاکستان)درراه‌پیشرفت‌زبان‌اردووخدمات بسزائی‌انجام داده و دایره ادبیه (اردو) پیشاوررا تشکیل داد . وی از اعضای فعال انجمن ترقی اردو (پیشاور)ودبیر کل انجمن مزبور میباشد واداره مجله ادبی دولتی «تعلیم نو» و ماهنامه ادبی‌دانشکده اسلامیه پیشاور بنام«خیبر» رانیز بعهده دارد.

مجموعه‌ای ازاشعاراردوی او بنام«طرح‌نوع»درسال۱۹٤۲م=۱۲٤۱ه بطبع

Lecturer-۲ Lecturer۱

الف-کتب تذکره وتنقید وتاریخ

۱- ادبیات سرحد (جلداول) تألیف میرزا رضا همدانی که در۱۹۵۳م ازطرف مکتبه‌نو قصه خوانی پیشاور طبع‌ومنتشرشد.

۲- ادبیات سرحد (جلد سوم) تألیف سید فارغ بخاری چاپ در ۱۹۵۵ م درمکتبه‌فوق .

۳. روح اقبال تألیف دکتریوسف حسین خان چاپ حیدرآباددکن.

٤.اتك کی اس پار (اردو) تألیف دوست‌محمدخان کامل ام -ای چاپ دارالأشاعت پیشاور.

ب-کلیات ودواوین وآثارمنظوم دیگر

۵- کلیات خوشحال‌خان - نسخه خطی متعلق بکتابخانه دانشگاه پیشاور

٦-کلیات خوشحال خان- چاپ عبدالخالق تاجر کتب قصه‌خوانی پیشاور

۷- کلیات قاسم علیخان آفریدی -نسخه‌خطی کتابخانه دانشگاه‌پیشاور.

۸-دیوان‌قصایدوغزلیات‌ادیب‌پیشاوری باتخشیه وتعلیقات آقای‌علی‌عبدالرسولی چاپ تهران ۱۳۱۲ش

۹-کلیات رعنای کاظمی -نسخه خطی بخط خودشاعرمتعلق‌بکتابخانه‌شخصی آقای‌بسمل‌بخاری.

۱۰ - منتخبی ازکلیات رعنا - نسخه خطی بخط خود شاعر در تحویل سید فارغ بخاری.

۱۱- دیوان «سوز بیدل»-کلیات اردو وفارسی میرزا دلاور خان بیدل-چاپ ۱۹۳۲م

۱۲-۱۷-کلیات سید جگر کاظمی ومحمدشاه برق وملك ناصر علیخان ناصروسید ضیا جعفری وبسمل بخاری‌ورضاهمدانی- نسخ خطی-

۱۸- « رگ مینا »کلیات شعراردوی میرزا رضا همدانی- چاپ‌مکتبه‌نو قصه خوانی‌پیشاور۱۹۵٦م.

ج ـ جرایدومجلات

۱۹ ـ**مجله** دانش تهران سال اول مقاله درباره روابط تاریخی ایران وهندوستان ازاستادسعیدنفیسی مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۸ش.

۲۰ ـ مجله اردو ـ انجمن ترقی اردو مقاله بعنوان «سرحدمین فارسی کا ارتقاء (تکامل شعر فارسی درسرحد) ازسید ضیا جعفری مورخ ا کتوبر ۱۹۵٤م.

۲۱ ـ مجله اردو مقاله بعنوان «اقبال اور خوشحال خان» از نگارنده این رساله (دکتر برلاس) مورخ ژوئیه ۱۹۵٤م.

۲۲ ـ نوای افغان چاپ کراچی ـ مقاله بعنوان «شعرای پاکستان» ازآقای حبیبی مورخ ۳ اوت ۱۹۵۶م.

د ـ کتب دیگر

۲۳ ـ منتخبی از خوشحال خان تألیف سرهنگ راورتی (انگلیسی)[1]

۲٤ ـ شاعر شرق تألیف عبداله انوربیگ ام ـ ای (انگلیسی)[2]

این کتاب مشتملست برذکر یازده (۱۱) شاعر معروف فارسی زبان پیشاور وبا «خوشحال خان ختک متوفی در ۱۱۰۰ هـ» شروع شده با «میرزارضا همدانی (متولد در ۱۹۱۵م ر ۱۳۳٤)» تمام میشودواسم شعرا راب ترتیب زمان آورده است.

مؤلف این کتاب را برمقدمه وچهار فصل بخش کرده است بدینقرار:

مقدمه (ص ۱ ـ ۷) ـ مؤلف درمقدمه درباره سبب تألیف کتاب وروابط تاریخی و ادبی ایران وپاکستان وخاندانهای ایرانی پیشاوروواولین شاعر فارسی زبان آن شهر (خوشحال خان ختك) وتاریخ مختصر تطور شعر فارسی درپیشاور بحث کرده و درپایان مقدمه ازاستادان خود تشکر کرده است.

۱ـ Selections from Khushhal Khan by Col Raverty

۲ـ Poet of the East by Abdullah Anwer Beg M.A.

فصل اول (۸ــ ۲۱)ــ سیر تطورزبان وشعر فارسی در پیشاور از قدیمترین زمان‌تاامروزدر ذیل عنوانهای‌زیر:

۱ــ مقدمه درتایخ شهرپیشاور(ص۸ــ۹)

۲ــ وضع محلی شهر پیشاور(ص۹ــ۱۷)

۳ـ اوضاع سیاسی پیشاور دراین‌دوره(۱۷ــ۱۸)

٤ــ دوره شعرفارسی معاصر در پیشاور(۱۹ــ۲۱)

فصل‌دومص(۲۲ــ ۳۳)ــتاثیرو نفوذ اوضاع اجتماعی ایران در شهر پیشاور درذیل‌عنوان‌های زیر:

۱ـ زبان‌ولهجه های‌تکلم شهرپیشاور(۲۲ــ ۲۳)

۲ــ خانواده های قدیم ایرانی(ص۲۳ــ۲۶)

۳ ــ لهجه های پیشاور که تاثیر اوضاع اجتماعی را نشان میدهد (ص ۲٤ــ ۲۷)

٤ـ دیگر لغات واصطلاحات ایرانی‌درلهجه‌محلی(ص۲۷ـ۳۰)

۵ـ شعر در لهجه پیشاوری سی‌حرفیها[1](ص۳۰ــ۳۳).

فصل‌سوم(ص۲٤ــ۵٦)ــمختصات‌شعر فارسی‌درشهرپیشاوردرذیل‌عنوانهای‌زیر:

۱ــ مقدمه(ص۳٤ـ ۳۵)

۲ــمشخصات شعر فارسی درشهرپیشاور(ص۳۵ــ۵٦) بعنوانهای‌ذیل:

۱ــ انواع شعری‌ـ قصیده[2](ص۳٦ـ٤۳)

۱ــمؤلف درباره«سی حرفیها» (درص۳۱) چنین توضیح میدهد: (این‌منظومات در لهجه پیشاوری بوزن‌هجائی است ومربوط بعروض‌عربی نیست»ودو«سی‌حرفی» را ازسائین احمد علی با ترجمه درص ۳۱و۳۲نقل کرده‌است.

۲ــ معلوم نیست چرا مؤلف اینجا تنها درباره قصیده بحث‌کرده‌است در صورتیکه شعرای‌پیشاورانواع دیگر شعرمانند غزلو رباعی‌ومثنوی وقطعه‌نیز سروده‌اند ومؤلف‌درذیل آثار آنان اشعاری‌را از این انواع شعرنقل‌کرده‌است.

۲ـ محاسن لغوی ومعنوی ـ قوافی و ردایف واوزان شعر ومضمون‌آفرینی و صنایع شعری وتشبیه واستعاره ودیگر صنایع شعری (ص۴۳ـ۵۶).

فصل چهارم (ص۵۷ـ ۱۵۷) ـ شعرای معروف فارسی زبان پیشاور . دراین قسمت مؤلف ذکر شعرای زیررا آورده است:

اسم شاعر	صفحات	شرح حال وآثار	سبک شاعر	منتخبی از آثارشاعر	اقسام شعر منتخب
۱ـ خوشحال‌خان ختك (۲۲ـ ۱۱۰۰هـ)	۵۷ـ۶۶	۳½ص	ـ ص	۵ص	غزل‌ورباعی
۲ـ قاسم‌علیخان‌آفریدی (۱۱۷۷ـ۱۲۴۹هـ)	۶۷ـ۷۰	۱½ص	½ص	۲ص	غزل
۳ـ سیداحمد پیشاوری (۱۲۶۰ـ۱۳۴۹هـ)	۷۱ـ۸۴	۲½ص	۴ص[1]	۵½ص	چکامه ومثنوی وغزل
۴ـ سیدسکندرشاه رعنای کاظمی (۱۳۰۵ـ۱۳۵۰هـ)	۸۵ـ۹۸	۲ص	۱ص	۱۱ص	قصیده ومثنوی وقطعه و غزل
۵ـ میرزادلاورخان (۱۲۶۱ـ۱۳۵۸هـ)	۹۹ـ۱۰۳	۱ص	½ص	۳½ص	غزل
۶ـسید لعل‌شاه‌جگر کاظمی (متولددر ۱۲۹۴هـ)	۱۰۴ـ۱۱۲	۱½ص	۲½ص	۵ص	قصیده چکامه وغزل وقطعه تاریخ
۷ـسیدمحمدشاه برق (متولددر ۱۳۱۵)	۱۱۳ـ۱۲۱	۱ص	½ص	۷½ص	مثنوی وغزل‌وقطعه
۸ـ ملك‌ناصرعلیخان ناصر (متولددر ۱۳۱۷هـ)	۱۲۲ـ۱۲۸	۱ ص	½	۵ص	چکامه‌وترانه[2] وغزل

۱ـ مؤلف اینجادرباره آثاروسبك شاعر بحث کرده است.

۲ـ ترانه درپاکستان یکی از اقسام شعر جدید است که غالباً بشکل غزل یامثنوی سروده میشود.

[illegible] ١٠٠١

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١٥١-٨٥١ [illegible]

[illegible]

[illegible] ١٥٠-١٦٨ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١٦٨-١١٩ [illegible]

مؤلف ازشش نفرشاعر آخر که‌همهٔ آنها بقول اودرقید حیات هستند منتخبات مفصل‌تری ازاقسام‌متنوع شعر آورده استوازاین رومعلوم میشود که وی‌سعی کرده است آنها را بوسیله کتاب خود بیشتر بشناساند.

دکتر برلاس درفصل سوم بحث‌مفصلی درباره مختصات شعرفارسی در پیشاور آورده است که بسیارمفیدوارزنده‌است‌اما(چنانکه‌درحاشیه۲ص۶۹۰تذکرداده‌شد») معلوم نیست بچه‌سبب درذیل‌انواع‌شعری تنهاقصیده رااذکر کرده است‌درصورتیکه شعرای پیشاوراقسام دیگر شعررا نیزدارند ومؤلف‌دراین کتاب ازآنها اقسام متنوع شعررا نقل کرده است.

درصفحه‌٤٥ این‌رساله عبارت‌ذیل‌آمده‌است:

«بعد از دوره ادیب پیشاوری شعرفارسی درپیشاور بیش ازپیش رونق گرفت چنانکه بلافاصله بنام عده‌ای از شعرای نامدار دیگری ماندسائین‌احمدعلی- سید مسجدی شاه خادم - غلام حیدر مسگر - میرزا دلاورخان بیدل - برق گنجوی (پیشاوری) - قاضی‌محمد عمرخان قضاروچی - میان‌محمدخالص سکی -سیدجگر کاظمی - میرعباس‌میر - محمدشاه برق - پروفسورعبدالرحیم سید شیرازی و جعفر علیخان برمیخوریم . این‌شاعران به‌دوره دوم شعر فارسی در پیشاور متعلق‌اند و ازمیان آنها قاضی قضاروحی - سید جگر کاظمی‌ومحمدشاه‌برق هنوزدرقیدحیات و بسرودن‌شعرفارسی مشغول‌اند» .

امامعلوم نیست‌بچه‌علت مؤلف‌ازمیان‌شعرای فوق‌تنها بذکردلاورخان بیدل وسید جگر کاظمی وسید محمدشاه برق‌پرداخته وذکر بقیه شعرا را در این کتاب نیاورده است در صورتیکه بقول خودش یکی‌ازآنها بنام‌قاضی روحی هنوز «درقید حیات وبسرودن شعرفارسی مشغول» است.

همچنین درصفحه۵این کتاب مؤلف‌مینویسد:

«علاوه برسه شاعر نامبرده دوره دوم که درقیدحیات اند[1] مرحوم سیدرعنا کاظمی - محمود الحسن کوکب - ملك ناصر علیخان ناصر - سیدضیاء جعفری - قاری بسمل بخاری ومیرزا رضا همدانی ازشعرای مهم دوره معاصر بشمار میروند که هریك ازیشان بسبك وطرز خاصی بسرودن شعر پرداخته واصول قدیم شعر فارسی رادر پیشاور دنبال» کرده است .

ازمیان شعرائی که مؤلف دراینجا از آنها یاد کرده است معلوم نیست بچه سبب ذکر محمدالحسن کوکب را که بقول خودش جزو «شعرای مهم دوره معاصر» بشمار میرود دراین کتاب نیاورده است

سپس درهمان صفحه(٦) مؤلف مینویسد:

«متأسفانه هیچیك ازکلیات شعر فارسی جزدیوان سردارخان باباخان زاهد قزلباش وکلیات شعرارد و میرزا دلاورخان بیدل که یك قسمتش دارای شعر فارسی است بچاپ نرسیده استوهیچ کتابی درباره این موضوع نوشته نشده است».

اما ازمیان دوشاعر نامبرده مؤلف تنها ذکر میرزا دلاورخان بیدل رادراین کتاب آورده است ومعلوم نیست چرا ذکر «سردارخان باباخان زاهد قزلباش» راکه بقول مؤلف دیوان شعر فارسی بچاپ رسیده دراین کتاب نیاورده است.

درموارد فوق درصورتیکه مؤلف نتوانسته است اطلاعات لازم وآثار شعرای نامبرده رابدست آورد انصاف این بود که باین امر صریحاً اعتراف میکرد. اما وی هیچ نوع توضیحی رادر باره علت عدم ذکر این شعرا دراین کتاب نداده است.

درهرحال این اولین تذکره فارسی است که طی آن مؤلف راجع بسبك هرشاعر بحث جداگانه ونسبةً مفصلی آورده است وقبل ازآن تنها در کتاب «سخنوران ایران درعصر حاضر» اشاره هائی بسبك شعرا آمده است اما مؤلف آن نیز بتفصیل باین موضوع نپرداخته است.

۱- مقصود مؤلف ازسه شاعر نامبرده «قاضی قضاروحی وسیدجگر کاظمی ومحمدشاه برق» است که اسامی آنان درآخر عبارتی که درسطور فوق ازص ٥-٦ نقل شده آمده است.

سبکمؤلف ساده‌وعاری ازتکلف وتصنع‌استواین کتابراتقریباً بفارسی‌امروز نوشته است البته گاهی بعباراتی برمیخوریم که خلاف معمول فارسی امروزاست مانند :

۱ ـ استعمال صیغه‌جمع بعداز کلمه «چند» که درنثرقدیم فارسی معمول‌بوده ودرهند وپاکستان هنوزهم‌معمولست . مولف مینویسد . «واین‌غزل ازرعنای‌کاظمی که‌دارای چند صنایغ دیگر نیزهست» (رجوع شود به ص ۵۱ سطر ماقبل‌آخر) یا «چندقطعاتی بر گزیده ازهرنوع شعری اینجا درج‌میشود»(ص۸۷ سطر۱۶) .

۲ ـ درچندین مورد «یای نکره» رابعد از الف بدون «همزه» یا «ی» آورده است مانند :

«نمونه هسای که هست از مواردی است که بدون هیچ تکلف آورده شده» (ص۵۵ سطر ۱۱) .

یا «وبرای‌جلسه‌آینده ابیاتی‌چندازز بان فارسی وارد وطرح میشد تابروش آن‌شعرهای‌ساخته شود»(ص۵سطر۱۰) .

۳ ـ برعکس گاهی بجای‌تنها «ی» همزه و «ی» راآورده‌است مانند :

«ازلحاظ زبان واصطلاحات فارسی به شعرائی ایرانی آن دوره‌مشابهتدارد» (رجوع‌شودبه ص٤ سطر۵) .

٤ ـ املاء : خوردسالی بجای خرد سالی (ص ۱۵۱ سطر۱۱) .

۵ ـ اشتباهات دیگر مانند :

«این‌چندشعرازترکیب بندرعنای‌کاظمی است که هربیت‌این صنعت‌را دارد و هیچ‌تکلف‌در آن‌درکار نرفته‌است(بجای‌بکار نرفته‌است)(رجوع شودبه‌ص ٥٤سطر٦) .

«برعکس درشعرهای فارسی‌اش یکنوع‌روانی ـ شیرینی وجذبه وجود دارد که توجه خواننده را جلب میکند (بجای جذبه‌ای) (رجوع شود به‌ص٦٢سطر٣).

«نمونه‌های خوبی وبینظیری ازآثار شعری او بشمار میرود (بجای نمونه

های خوب و ...) .

همچنین هرجائیکه بیشترازدوکلمه بهم عطف‌شده‌است بجای «و» علامت «ـ» را استعمال کرده ودرچنین مواردتنهادر آخر کلمه «و» آورده‌است مانند :

«سائین احمد علی ـ سید مسجدی شاه خادم ـ غلام حیدر مسگر ... و جعفر علی جعفری »(ص ٤ و٥) .

یا« قاضی روحی ـ سید جگر کاظمی ومحمدشاه برق » (ص ٥ سطر٤) .

درهرحال باوجود این حقیقت که کتاب مورد بحث تذکره جامعی از تمام شعرای فارسی زبان‌پیشاور نیست وحتی ذکرشعرائی‌راکه اسم آنان درمقدمه‌یادشده نیز در این کتاب نیامده است معذلك اگرشرح‌حال و نمونهٔ اشعار شعرای فارسی پیشاور راکه دراین کتاب نقل‌شده استدر نظر بگیریم ومورد‌سنجش‌قراردهیم چه از حیث جامعیت شرح‌حال وچه‌ازلحاظ مفصل‌بودن‌اشعارش‌رامیتوان‌این‌تذکره‌راجزء بهترین‌تذکره‌های فارسی‌حساب کرد .

تذکر ـ مؤلف درحاشیه ص ١٠٥مینویسد « درزمان‌انگلیسی شهر پیشاوررا «سرحد» میگفتند» واین‌اصلادرست‌نیست چون‌کلمه«سرحد» همیشه‌درهندوپاکستان بمعنی‌استان شمال‌غربی پاکستان بکاررفته‌است ونه به‌معنی پیشاور وهنوزهم بزبان اردو همین معنی دارد .

نسخه ـ نسخه خطی متعلق به‌کتابخانه‌آقای‌دکترپرویزناتل خانلری .

متأسفانه این کتاب هنوز بچاپ نرسیده‌است وحق این بود که مؤلف‌آن هر چه زودتر اقدامی برای طبع‌آن میکرد تا این کتاب‌بسیار مفید با اصلاحات و اضافات‌لازم دراختیارخوانندگان‌فارسی‌زبان‌قراربگیرد. امیدواریم‌مؤلف‌آن‌بزودی دراین‌راه توفیق پیدا کند .

شرح‌حال‌مولف

نگارنده شرح‌حال مؤلف را از«جدید شعرای اردو »چاپ فیروز سنز لاهور درحدود١٩٥٣م مرتبه دکترعبدالوحید(باردو) ص ١٠٤٧ـ١٠٤٨ و پرونده شخصی

دکتر برلاس دردانشکده ادبیات گرفته و باوجود اینکه بوسیله نامه مکرر از ایشان استدعا کرده که اطلاعات مفصل راجع بزندگانی و آثار خود برای نگارنده بفرستند ولی ایشان ظاهراً بعلت عدم فرصت دراین مورد هیچ اقدامی نکردند .

فهرست اسامی شعرا

در سطور فوق ذکر شد .

پایان

ملحقات

میکرد تذکره سخنوران یزد را جمع و بصورت کتابی جامع بچاپ میرسانیدند . دربحبوحه صحبت چندان توجهی باین‌موضوع داده نشد. پس‌از جدائی بااو کم کم فکر متوجه سخنوران یزد گردید . تذکره‌های بسیار دردسترسم بود ... آنها را ورق زده شرح و احوال وآثار بسیاری از شاعران یزد درآنها دیده شد و فکر گردآوری تذکره سخنوران یزد قوت گرفت . چند روز بعد آقای وزیری را ملاقات کردم و اظهار داشتم درکوششم فکر شما را جامه عمل بپوشانم »

مؤلف‌اسم کتابهای زیر را که درتألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است درمقدمه کتاب ذکر نموده است :

۱ـ تذکره نگارستان سخن
۲ـ صبح گلشن
۳ـ شمع انجمن
٤ـ روز روشن
٥ـ آتشکده آذر
٦ـ میخانه تألیف عبدالغنی فخرالزمانی‌همدانی[۱]
۷ـ مجمع‌الفصحا تألیف رضاقلیخان هدایت
۸ـ زنان سخنور تألیف علی‌اکبر مشیر سلیمی
۹ـ سروآزاد
۱۰ـ نتایج‌الافکار
۱۱ـ تذکره شعرای دکن (اردو)
۱۲ـ تذکره دولتشاه سمرقندی
۱۳ـ صبح وطن
۱٤ـ تذکره شعرای معاصر ایران تألیف عبدالحمید خلخالی
۱٥ـ هفت اقلیم
۱٦ـ از سعدی تا جامی (ترجمه استاد علی اصغر حکمت)

۱ـ اسم صحیح مؤلف میخانه «عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی» است .

«تذکر»

نگارنده درتهیه‌وتکمیل ضمیمه‌های زیرخیلی سعی و کوشش کرده وبه‌اکثر فهرستهای کتابخانه‌ها و کتب مربوطه دیگر مراجعه واز آن استفاده نموده است معذلك ادعا ندارد که این فرستها ازهرحیث کامل وجامع است.

ضمیمه اول

تذکره‌های فارسی که درهندوستان وپاکستان تألیف شده است اماشرح آن دراین رساله نیامده است

(الف)ـ تذکره‌هائی که نگارنده‌این رساله بآن دسترسی نداشت وشرح آن را ازجای دیگرهم نتوانسته بدست‌آورد اما نام این کتابها جزومآخذتذکره‌های دیگر یا درفهرست استوری وغیره ذکر شده است.

۱ ـ معدن الجواهر تألیف مولوی محمد صالح واصف بسال ۱۲۶۲ ه (رجوع شود به گلزار اعظم)

۲ـ تذکرة‌الشعرا تألیف بهاءالدین حسن خان عروج (ایوانو ۴۰۲ و تکمله اول۷۹۳)

۳ـ تذکره‌شعرای‌هندتألیف‌مولوی محمدکریم‌ـچاپ‌هند (استوری‌ص۹۲۲)

۴ـ**خریطه جواهر** از مآخذ اختر تابان و نشتر عشق

۵ـ **جواهر زواهر** تألیف لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی از مآخذ اختر تابان

۶ـ**فانوس خیال** تألیف عبدالغنی غنی از مآخذ تذکرة الشعراء غنی

ضمیمه دوم

تذکره شعرای‌فارسی که درخارج ازشبه‌قاره هند وپاکستان تألیف‌شده‌است.

۱ـ **تذکره الشعرا** تألیف رکن‌الدین محمدحوافی‌متوفی‌۸۳۴(کشف‌الظنون ج۱)

۲ـ **تذکرة الشعرا** دولتشاه‌بن‌علاءالدوله‌بختی‌شاه‌غزنوی‌سمرقندی‌بسال‌۸۹۲ه

نسخ‌خطی: ۱) اشپرنگر ش۳

۲) قاهره ص ۵۰۲ (۸۹۲هـ محتملا بخط مؤلف) ص۵۰۱(۹۸۰ه)ص۵۰۲ (تاریخ ندارد)

۳) موزه بریتانیا(۸۹۵ه)

۴) ریوج۳ص۹۷۷ب (۹۷۳ه) ج۲ص۸۰۹ب(قرن۱۶م) ج۱ص ۳۶۴ الف - (۸نسخه - یکی مورخ قرن ۱۶م وسه نسخه مورخ قرن۱۷م).

۵) بادلین‌ش ۳۴۸(۹۴۲ه) ش ۳۴۹(۹۷۵ه) ش۳۵۰(۹۷۸ه) ش۸ـ ۳۵۱

۶) اکسفورد ـ مؤسسه هند ـ نسخ خطی فارسی وعربی ـج۲ش۲۱(۹۹۴ه)

۷) ادینبرگ ـ کلکسیون جدیدـص۵(۹۵۲ ه)

۸) اته ش۵۶۵(۹۶۰ه) ۶۵۷ ـ۶۶۶۳

۹)اند یا آفیس ش۳۷۷۷(قرن۱۸م)

۱۰) اندیا آفس دی پی ـش۶۲۰

۱۱) بلوشه ج۲ش۱۱۲۹(۹٦۷هـ) وش ۱۱۳۰(۹۷٤هـ) ٤۱-۱۱۳۱ج۳ش ۲٤٥۲
(قرن۱٦م)

۱۲) مؤسسه روزن‌ش۳۱(۹۷۱هـ)

۱۳) برلن‌ش ٦۳۸(۹۷٤هـ)٤۲-٦۳۹

۱٤) دارن۳۲۰(۹۷٥هـ)

۱٥)فلو گل‌ج۲ش۱۱۹۹(۹۷۹هـ)۱۲۰۰ (۹۸٥هـ)

۱٦) براون-فهرست فارسی ش ۱۱۲(۹۸٤هـ) ۱۱۳(۹۷۹) ۱۱٤

۱۷)تکمله‌ش۲۹۲٥(نسخه آخر = کینگ ش۱۰٦)

۱۸) براون-کللکسیون‌ج -ش۸ = هوتم شیندلر ۳٦ (۹۰۸یا ۹۸۰ هـ)

۱۹) بوهار۹۰(۹۸۰هـ)

۲۰) کرافتص۱۲٥ش۳۱۲(۹۸۲هـ)

۲۱) ایوانو۲۱۸(۹۸٤هـ)

۲۲)ایوانو-کرزن٤۹و٥۰

۲۳) کپورتهلا(۹۹۹هـ) (مجله‌اورینتل کالج‌لاهورج‌ش٤مورخ اوت۱۹۲۷ص۱۱)

۲٥) دانشگاه‌تاشکند٦۹(قرن۱٦م)

۲٥) سپه‌سالارج ۲ص۷-٤٤۷٥(نسخه-یکی مورخ قرن۱٦م)

۲٦) لیندزیانا ص ۱۳۲ ش۸۳۸(حدود۱٦۰۰م) ش٥٤وش۳۱۰وش۳۰۹

۲۷) رهاتسک‌ص۱۳۰ وش۱٥(۱۰۳۳هـ بافهرست اسامی‌شعرا) ص٥۹ش ٤٥
وص۱۰۳ش٥۹(اشتباهاً به‌عنوان محبوب العیوب).

۲۸- بانکی پور ج۸ش٦۸۰(۱۰٥۱هـ) ش٦۸۱

۲۹) علیگر -کلکسیون سبحن الله‌ص٦۱ش۳۲

۳۰) آصفیه ج۱ص۳۱۸ش۳٦وج ۳ص۱٦۲ ش۱۱۹

۳۱)اومرش ۱

۳۲) دانشگاه بمبئی ص۲۷٤(قدیم)

۳۳)بخارا سمونوف ش۴۸

۳۴)چانی کوف ش۱۰۵

۳۵) لاهور ـ دانشگاه پنجاب ـ۲ نسخه (رجوع شود به مجله اورینتل کالج ج۳ش۱ مورخ نوامبر۱۰۲۶م ص۷۴)

۳۶) کتابخانه عمومی لنین گراد ج ۱۳ رجوع شود به:

Melanges Asiatiques پیترز بورگ مورخ۱۸۵۹م ص۷۲۸) موزه آسیائی اقلا سه نسخه- رجوع شود به Melanges Asiatiques ج۶ مورخ ۱۸۷۳ ص ۱۲۶ وج۷ مورخ ۱۸۷۶ص ۴۰۲

۳۷) مدراس۴۴۰

۳۸)مجلس۳۲۷

۳۹) پیشاور۱۴۵۱

۵۰) انجمن همایونی آسیائی-فارسی-۱۶۳

۴۱)زلمان -روزن ص۱۳ش۶۱ و۱۴۷(یکی ازاین نسخه‌ها بخط سلطان علی مشهدی خطاط معروف معاصر دولتشاه میباشد).

چاپ

۱) بمبئی ۱۸۸۷ م

۲) لندن ولیدن۱۹۰۶م باهتمام دکتر براون

۳)الهآباد۱۹۲۱م(طبقات ۱-۵) ۴) تهران

ترجمه‌ترکی (خلاصه) بنام سفینة الشعرا ترجمه ازفهیم سلیمان آفندی. برای نسخه خطی رجوع شود به فلوگل ج۲ش۱۲۵۸چاپ استنبول۱۲۰۹ه

تذکر قسمتهائی از این تذکره درشهرهای مختلف چاپ شده است.

۳ـ**لطایف نامه** ترجمه فارسی«مجالس النفایس»میر نظام‌الدین علی‌شیر نوائی (م۹۰۶ه) که اصلا بزبان ترکی بوده وسلطان محمد فخری بن امیری هروی آنرا

بفارسی ترجمه کردومجلس نهم‌راجع به‌شعرای‌معاصر را باصل کتاب‌افزوده‌است.

نسخ خطی لیندزیانا ص۱۲۲ش۶۵(۹۳۹ھ) ریوج۱ص۳۶۵ب (۹۶۵)

چاپ مجله‌اورینتل کالج‌لاهور ج۷ش۴مورخ‌اوت۱۹۳۱وغیره‌تهران‌باهتمام استاد علی اصغر حکمت ۱۳۲۳ ش.

٤ـ **ترجمه فارسی «مجالس النفایس»** علی شیر نوائی از حکیم (شاه) محمدبن مبارك قزوینی در۹۲۷ـ۹۲۹ ھبنام سلیم دراستنبول ـ مترجم اصل کتاب را درهفت« بهشت » خلاصه کرده ودو «روضه » را باصل کتاب افزوده است .روضه اول درذکر شعرای متقدم ومتأخر است که غالب مطالب آنرا از بهارستان جامی اقتباس نموده وروضه دوم در ذکر سلطان‌سلیم وشعرای دربار وی میباشد (نسخه خطی آن در کتابخانه استاد نفیسی موجود است) **چاپ** تهران ۱۳۲۳ ش باهتمام استاد علی اصغر حکمت.

نسخ‌خطیـ اسعد ش ۳۸۷۷ کتابخانه استاد سعید نفیسی تهران.

٥ـ**ترجمه فارسی «مجالس النفایس »** علی شیر نوائی ازشاه علی بن‌عبدالله درزمان سلطان دین محمد بن جنتی بیگ که درعهد خان اوزبك(۹۹۱ـ۱۰۰۶ھ) حاکم خراسان بود نسخه خطی‌ریو تکمله ش۱۰۳ تاشرح حال الغ بیگ مجلس هفتم ـمورخ قرن۱۷م)

٦ـ**تحفه سامی** تألیف ابوالنصر سام میرزا بن شاه اسماعیل صفوی‌درحدود ۹۵۷ ھ درذکر تقریباً ٦٦٤ شاعرقرن نهم تااواسط قرن دهم درهفت« سفینه ».

۱) حاجی خلیفه‌ج ۲ص ۲۶۳ش ۲۸۲۳

۲) اشپرنگرص ۱۲ش۷

۳)بانکی پور ج۸ش ۶۸۲(۹۶۸) ۶۸۳(۹۷۱ھ)

٤) ریو ج۱ص ۳۶۸الف (ناقص ـ مورخ ۹۶۹ھ)ص۳۶۷ب(اواخرقرن۱۶م)

٥) ریو تکمله ش۱۰۳(۹۷۶ھ)

٦)فلوگل ج۲ش ۱۲۰۱(۹۷۲ھ)

۷) کرافت ص۱۲٦ش ۳۱۳(۹۷۲ھ)
۸) لیندزیانا ص۲۱۵ش۳۱۷(۹۷۷ھ)
۹) سپه‌سالار ج۲ص٤٦۲(حدود ۹۸۳ھ)
۱۰) قاهره‌ص۱۰٥(۹۹۷ھ)
۱۱) بلوشه‌ج۲ش۱٤٤(۱۰۰۱ھ) ۱٤٥(اواخر قرن ۱٦ھ)۱۱٤٦ (قرن۱۷م)
۱۲)دانشگاه بمبئی ص۱٤ش۲۵(مهر مورخ ۱۰۰۷ھدارد)
۱۳)اومرش۲
۱٤)برلن ش٦٤۳و٦٤۳الف
۱۵)براون تکمله۲۷۲
۱٦)بخارا سمونوف ش٤۱
۱۷) اته ٦٦۵(درحدود ۵۷۹شاعر)٦٦٦(٤۷٤ شاعر)
۱۸)لنین گراد موزه آسیائی(ناقص رجوع شود به :
Melanges Asiatiques ج۷ سن پیترز بورگ۱۸۷٦م‌ص‌ش ٤۰۷
۱۹)لیدن ج۳ص۱۹ش ۹۳۳
۲۰)مدراس ۳۰۵

همچنین چند نسخه‌خطی درفهرست دانشگاه بمبئی ذکر شده است که‌یکی از آنها مورخ۹۷۲ھ دریکی از کتابخانه‌های کابل موجود است وچندین نسخه‌خطی در استانبول موجود است(مثلا رجوع شود به فاتح‌ش ۲-٤۲٤۱ وحکیم اوغلوعلی پاشا۷۱۸)

چاپ تهران ۱۳۱٤ش باهتمام مرحوم وحیددستگردی وهمچنین قسمتهای‌مختلف این کتاب درشهرهای مختلف چاپ شده است .

خلاصه ازآنندرام مخلص. نسخه خطی اندیا آفیس‌دی‌پی۷۱۸

۷-**مذکراحباب تألیف** سید بهاءالدین حسن نثاری بخاری بسال۱۰۰۵ھ **مشتمل‌بر**

۱۴. **قصص الخاقانی** (تذکره وتاریخ) تألیف داود قلی بن ولی قلیشاه تألیف ۱۰۷۳ -۱۰۷۶ھ(نسخه خطی مجلس تهران ۵۲۶ و۱۲۴۶)

۱۵.**تذکره نصرآبادی** تألیف محمد طاهر نصر آبادی در۱۰۸۳ھ بنام شاه سلیمان صفوی(۱۰۷۷-۱۱۰۶ھ) درذکر متجاوز ازهزارشاعر.

نسخ خطی ۱)اشپرنگرص۸۸

۲) بلوشه ج۲ ش ۱۱۴۸ (ظاهراً بخط مؤلف مورخ ۱۰۸۳ھ)

۳) ریو تکملهٔ ش ۱۱۰ (۱۰۹۷ھ) ج۱س۳۶۸ ب(قرن ۱۸م)

۴) بانکی پورج ۷ ش ۶۸۷ (۱۱۰۵ھ)

۵)لیندزیانا ص۱۹۶ ش۳۱۵ (درحدود ۱۷۰۰م)

۶) برلن۶۴۸(۱۱۱۴ھ)

۷- ادنبرگ ۸۸(۱۱۱۸ھ)

۸) بادلین ۳۷۲ (۱۱۳۲ھ)

۹) اندیا آفس دی‌پی۵۸۷(۱۲۴۴ ھ)

۱۰) اته ۶۶۹

۱۱) ایوانو ۲۲۰(۱۸۷۰م)

چاپ تهران ۷-۱۳۱۶ش

۱۶.**تذکره‌الشعرای‌سبحان‌قلیخانی** تألیف قاضی محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی درزمان سبحان قلیخان سلطان استرخانی بخارا (۱۰۹۱ھ - ۱۱۱۴ ھ) درذکر شعرا وفضلای زمان‌وی- برای نسخه‌رجوع شودبه‌بخارا سمونوف ش ۵۰

۱۷- **تذکرة‌الشعرا** -اسم مؤلف‌ندارد- درقرن۱۱ھ **تألیف**شده‌است وبامولانا جامی (تتمه غزلیات) شروع شده باء خسروی قائنی » تمام میشود و تنها حروف « ا ب ت ج ح خ د ر ز » را دارد (نسخه: کتابخانه ملك تهران ۳۸۴۱)

۱۸- **ذیل بر تذکره نصرآبادی** اسم‌مؤلف‌نداردامادرحدود۱۱۳۴ھ**تألیف** شده است (چون این سال را در ذیل شرح حال عرفی سال جاری نوشته است)

درذکر۱٤۱شاعر ازجمله ۱٦شاعر کوهکیلویه(نسخه : کتابخانه مرکزی‌دانشگاه تهران ۳۳٦۲- درحاشیه تذکره‌نصرآبادی ص۱ تا۱۵ شعرای دیگروص ۸٦ تا ۸۷ شعرای کوه کیلویه).

۱۹-**تذکره‌واله اصفهانی** تألیف میرزاکاظم واله اصفهانی که ظاهراً ناتمام مانده است و هیچ مقدمه یا خاتمه ندارد . در ذکر٤۷ شاعر متقدم و متاخر است (نسخه: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲۹۰٤)

۲۰- **تذکره‌همیشه‌بهار** تألیف ابوالقاسم حیدر در اواسط دوره صفوی. **نسخه خطی** دانشکده ادبیات ش۹۸ ب مورخ قرن۱۱ ه .برای**فهرست اسامی‌شعرا** رجوع شود به مجله دانشکده‌ادبیات ش۱سال ۸ ص۱۰۸ -۱۲۰

۲۱-**آتشکده** تألیف حاجی لطف علی بیگ آذر بیگدلی شاملو اصفهانی (۱۱۹۵م‌ه) در ۱۱۷٤ه درذکر شعرای متقدم ومتأخر در دو«مجمره»

نسخ‌خطی

۱)اشپرنگرش ۳۲

۲) بلوشه ج٤ش ۲٤۵۳ (اصفهان -۱۱۸۰ه) ج۲ش۱۱۵۳ (۱۲۱۳ه) ۱۱۵٤(۱۲۱۷ه) ۱۱۵۵(۱۲۳۱ه) ۱۱۵٦(۱۲۳٤ه —قسمتی‌بخط مؤلف)

۳) اته ٦۹۳(۱۱۹٦ه) ٦۹٤(۱۲۱۵ه) محتملا بخط پسرمؤلف.

٤) لیندزیانا ص۱۸۲ش۹۱۸(۱۲۰۲ه)ش٥٦(۱۲۱۵ه)

۵) سپه‌سالار ج۲ص٦-٤۵۲(چهار نسخه یکی مورخ ۱۲۰۷ه)

٦) ریوج ۱ص۳۷۵ب(ناقص-۱۲۱٤ه) تکمله ۱۱۱٤ (۱۲۳٤ه) ج۱ ص ۳۷۵الف(۱۲۳۸ه).

۷)اکسفورد موسسه هندنسخ خطی وینفیلد ش٦ (۱۲۱۹ه)

۸) بادلین نسج فارسی ۸۰(۱۸۲۰ه)

۹) بادلین ۳۸٤ (۱۲۲۷ه) ۳۸۵(۱۲۲۸ه)۳۸٦

۱۰) **برلن** ۶۵۸(۱۱۲۲ه)۶۵۹(۱۲۳۵)۶۶۰

۱۱) **رهاتسك** ص۶۸ش۳(۱۲۲٤ه)

۱۲) **بریلوی**ــ رهاتسك ص۱۳ (۱۲۲۶ه)

۱۳) **مجلس** ۳۲۲(۱۲۲۵ه)

۱٤) **براون تکمله** ش ۱(۱۲۷۶ه)

۱۵)**اسفند**۹ـ۲۵۰۷

۱۶)**آصفیه** ج۱ص۳۱۶ش٤

۱۷) کتابخانه عمومی لنین گراد (۱۲ نسخه)

۱۸) دانشگاه لنین گراد ۱۰۲۷ و۱۱۸۳ و ۱۲۳۰

۱۹) مشهد ج۳ ص ۱۵۷(ناقص الاخر)

چاپ کلکته ۱۲٤۹ه ـ بمبئی ۱۲۷۷ه. فهرست اسامی‌شعرا: بادلین ستونهای ۲۶۲ـ۹۳

ترجمه به‌ترکی ـ استانبول ۱۲۵۹ ه

خلاصه تذکره اسحق‌از اسحق‌بیگ عذری بیگدلی شاملو برادر کوچك لطفعلی‌بیگ آذرمتوفی در۱۱۸۷ه. برای‌نسخه‌آن رجوع شود به کتابخانه‌سپه‌سالار تهران ج۲ص۷۲ـ٤۶۹

۲۲ـ **زینةالمدایح** تألیف محمد صادق وقایع نگار متخلص به همامروزی جلد اول در ۱۲۱۸ه وجلد دوم در۱۱۲۲ه مشتمل برشعرائی که درهفت سال اول سلطنت فتحعلیشاه قاجار بمدح وی اشعاری سروده اند . نسخ خطی به‌ریو تکمله ۱۱۸و۱۱۹ (ج۲) ومجلس ۳۹۷ و۳۹۸(۱۲۲۳ه).فهرست اسامی شعرا : ریو تکمله ۹ـ۱۱۸

۲۳ـ**تذکره باقی یا مدایح‌الامینیه** (یا مدایح‌الحسینیه) تألیف عبدالباقی اصفهانی بسال ۱۲۲۲ ه بنام امین الدوله حاجی محمد حسین خان در زمان فتحعلیشاه قاجار در دو باب وهر باب دو فصل دارد (نسخه : کتابخانه مرکزی

۲۸ـ **تذکره انجمن ناصری** تألیف محمد ابراهیم مدایح‌نگار چاپ تهران ۱۳۱۰

۲۹ـ **گلشن محمود** تألیف محمود میرزا بن فتحعلیشاه قاجار بسال ۱۲۳۶ هـ بامر پدرش که دردذکر ٤٨ تن از پسران فتحعلیشاه میباشد.

نسخه خطی ۱) ریو تکمله ۱۲۱ (۱۲۳۹ هـ) ۲) اسعد ۲۸۷۶.

فهرست اسامی شعرا: ریو تکمله ص ۸۷

۳۰ـ **تذکره دلگشا** تألیف علی اکبر بسمل شیرازی (م ۱۲٦۳ هـ) بسال ۱۲۳۷ هـ درذکر شعرای زمان فتحعلیشاه بامر حسین میرزا دریك گلزار ودوبوستان ویك خاتمه که خاتمه درشرح حال مؤلف است.

نسخ خطی . براون کلکسیون ج ۱۸ = شیندلر ۳۷ وبرلن ٦٦۷ (۱۲۵۷ هـ) ومرکزی تهران ۲۹۹۹ ونسخه اصلی در ملك تهران ش. ۳۸٤. فهرست اسامی شعرا: برلن ص ۷۳ـ٦٩.

۳۱ـ **تذکره ثمر نائینی** تألیف سید حسن ثمر نائینی در ذکر چهل نفر از شعرای نیمه اول قرن ۱۳ هـ که بمدح محمد حسین نظام الدوله اصفهانی (م ۱۲۳۸ هـ) اشعاری سروده اند. (نسخه: کتابخانه مجلس تهران ج ۳ ش ۸۹۸ ـ ناقص الاول).

۳۲ـ **بدیع الافکار** تألیف سید عبدالرحیم منصف الموسوی در ۱۲۳۷ ـ ۱۲۳۹ هـ بامر محمدکاظم میرزا بن محمدعلی میرزا بن فتحعلیشاه در ذکر شعرای متقدم ومتأخر درشش قسم: قصیده و غزل ومثنوی ومقطعات ورباعی وترجیع بند بترتیب الفبا ـ تنها اسامی شاهزادگان دراول کتاب آمده است.

نسخه خطی: ریو تکمله ۳۷۸

۳۳ـ **زبدة المعاصرین** تألیف میرحسین الحسینی بسال ۱۲٤۰ هـ در شیراز

برای میر کرم علیخان ومیر مراد علیخان تالپور حاکم سند که **مؤلف** مدتی در دربار آنان بود .درذکر شعرای معاصر است وغالباً اشعار شعرا را بدون شرح حال‌دارد. **نسخ‌خطی** : دانشگاه لاهورو کتابخانه شخصی پیرحسام‌الدین راشدی در کراچی

۳٤ ـ **سفینة‌المحمود** تألیف محمود میرزا بسال ۱۲٤۰ ه [1] بامر فتحعلی شاه. **نسخ خطی** :ریو تکمله ش۱۲۲ومرکزی تهران۳٦۳۲ واسعد۳۸۷٤ .

۳۵ـ **نگارستان دارا** تألیف عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص بـه مفتون (۱۲٤۳ه) بسال ۱۲٤۱ ه درذکر فتحعلی‌شاه وشاهزادگان وامراء وفضلا وشعرای زمان وی .**نسخ خطی** :ریوتکمله۱۲۳.

فهرست اسامی شعرای نگـارخانه‌های اول تاسوم : ریو ص ۸۸ ـ ۸۹

۳٦ـ **تذکره الشعر والشعرا** تألیف مفتون فوق (مقدمـه دیوان فرصت **چاپ** ۱۳۳۳ ه والذریعه ج ٤) .

۳۷ـ**نقل مجالس**(یامجلس)تألیف‌محمودمیرزا بسال۱۲٤۲ه درنهاوند،درذکر شاعره‌های متقدم ومتأخرـ نسخه‌خطی آن سابقاً در کتابخانه شخصی وامیری‌بود .

۳۸ ـ **تذکره السلاطین یا بزم خاقان** تألیف سیف‌الدوله سلطان محمدبن فتحعلی شاه قاجار بسال۱۲٤۵ ه دراصفهان و در ۱۲۵۰ ه دوباره در آن نظر کرد . در ذکر فتحعلی شاه و شعرای عصر او در یك مقدمه (متضمن انیس ـ العشاق‌رامی)وسه‌باب. **نسخ خطی** : سپه سالار ج ۲ ص ٤۷۷ و مجلس‌ج۲ص٤۷۸[2].

۳۹ـ**مآثر الباقریه** : تألیف‌سیدمحمدعلی‌بن‌سیدمحمدطباطبائی‌زواری‌بسال

۱ـ در نسخه‌ای اسم این تذکره مجمع محمود و سال تألیف ۱۲۳۵ ه آمده است (استوری ج۱ ص ۸۸۸) .

۲ـ نسخه مجلس ش ۸۹٤ یك بزم مشتمل بر بیست مجلس (انیس‌العشاق رامی) و پنج انجمن دارد .

۱۲۴۵ ه در ذکر ۵۲ شاعری که بمدح سید محمد باقرالموسوی الحسینی اشعاری سروده‌اند. نسخه‌خطی آن در کتاب رامپور هند موجود است.

۴۰ـ تذکره محمد شاهی تألیف بهمن میرزا (م حدود ۱۸۸۳م) بن نایب‌السلطنه عباس میرزا بسال ۱۲۴۹ ه [1] در سه «رشته» بترتیب در ذکر ۱۵۰ شاعر متقدم و متأخر تا پایان قرن ۱۲ه وفتحعلی شاه و ۱۲ شاهزاده قاجار و۵۷ شاعر معاصر مؤلف بترتیب الفبا.

نسخ خطی : ریو تکمله ۱۲۴ (۱۲۵۷ ه) و مجلس ج ۲ ش ۹۰۲ و ۹۰۳ و دانشکده ادبیات تهران ش ۱۰ ـ ب ۰ برای فهرست اسامی شعرا رشته‌های ۲و۳ رجوع شود بـه ریو تکمله ص ۹۰ ـ ۹۱ و مجله دانشکده ادبیـات ش ۱ سال ۸ ص ۹۸ ـ ۱۰۰ .

۴۱ ـ تذکره درویش نوا تألیف درویش حسین نواکاشانی درحدود۱۲۵۳ه در ذکر شعرای متقدم و متأخر با نقل اشعار مفصل از آنان.

نسخ خطی : ریو تکمله ۱۱۵ (تنها سلسله ۱ طبقه اول مورخ ۱۲۵۳ ه) وبراون کلکسیون ۷ ش۶۸ .

۴۲ ـ مصطبه خراب تألیف احمد قاجار الشهیر به هلاکو متخلص به خراب بسال ۱۲۵۳ ه درذکر شعرای هند و ایران و ترکیه معاصر فتحعلی شاه قاجار که بفارسی و ترکی شعرمیسروده‌اند. نسخه : بلوشه ج ۲ ش ۱۱۶۰ (۱۲۷۱ ه).

۴۳ ـ مدایح‌المعتمدیه تـألیف محمد علی بهار بن آقـا ابوطالب مذهب اصفهانی در حدود ۱۲۵۸ ه درذکر ۸۷ شاعر (که آخرشان خود مؤلف است) که بمدح معتمدالدوله منوچهرخان گجری تفلسی [2] اشعاری سروده‌اند با شرح حال

---

۱ ـ مجلس ص۱۶۳ ـ ۱۶۷ .

۲ـ معتمدالدوله مختنی بود که در حمله فتحعلی شاه برگرجستان در۱۲۱۹ه اسیر شده و بالاخره در ۱۲۵۸ ه حاکم اصفهـان و لرستان و عربستـان شد (استوری ۱ حاشیه ص ۹۰۲)

بسیار مختصر و بنثر بسیار مصنوع آقا علی رشتی معتمدالدوله را بساین کتاب افزوده است .

نسخ خطی : ریوتکمله ۱۲۷ و ۱۲۸ و مجلس ج ۲ ش ۱۱۹۲ و دانشکده ادبیات تهران ۹ ب (دیباچه ندارد) برای **فهرست اسامی** ۹۹ شاعر رجوع‌شودبه **مجله** دانشکده ادبیات ش۱ سال ۸ ص۱۰۰ - ۱۰۴ وبرای **فهرست اسامی شعرا** (۱۹+۸۷) رجوع شود به ریوتکمله ص۵ - ۹۳ .

۴۴- **تذکره یخچالیه** تألیف محمد علی‌بن ابوطالب متخلص‌به بهار(مؤلف مدایح معتمدیه) در عصر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ه) درهجو شعرای معاصر مؤلف - **چاپ** تهران ۱۲۹۰ بتصحیح و مقدمه محمد حسین فروغ ادیب .

۴۵ - **تذکره منصف** تألیف سید عبدالرحیم مازندرانی متخلص به منصف در ذکر شعرای زمان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۶۰ ه) - (رجوع شودبه **مجمع‌الصفحا** ج ۲ ص ۳۱۶ در ذیل نام صادق‌بیگدلی) .

۴۶- **تذکره میکده یا آشیانه میکده** تألیف میزامحمد علی‌بن محمد باقرالحسنی الحسینی یزدی متخلص به وامق بسال ۱۲۶۲ ه (رجوع شود به‌آئینه دانشوران و آتشکده یزدان والذریعه ج ۴ ص ۵۰) .

۴۷ - **حدیقه امان‌اللهی** تألیف میرزا عبداله رونق‌بن محمدآقا کردستانی بسال ۱۲۶۵ ه در ذکر شعرای سنندج بنام امان اله خان که در ۱۲۶۲ ه ازطرف محمد شاه قاجار والی کردستان شد و مولف منشی‌باشی وی بود .

نسخه خطی : ریوتکمله ۲۹ (۱۲۶۶ ه)

۴۸ - **تذکرة الشباب** تألیف محمد مهدی‌بن محمد باقر اصفهانی ملقب به فروغ‌الدین در اواخر ۱۲۶۵ ه که بنام ناصرالدین شاه عنوان کرده است واحوال وآثار خود راتا ۴۰ سالگی آورده و در ضمن ذکر بعضی شعرای معاصر و اشعار منتخب آنان را نقل‌کرده و به بعضی وقایع سیاسی معاصر اشاره کرده است .

نسخه : ملك تهران ۲۶۶۳ بخط عبدالعلی پسر مؤلف .

۴۹ ـ **گنج شایگان** تألیف میرزا طاهر منشی متخلص به شعری اصفهانی ملقب به دیباچه نگار که مانند حزین از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود و بسال ۱۲۷۲ ه این تذکره را که ماده تاریخ تألیف آن « آگنده شد بدرج گهر گنج شایگان » در ذکر ۴۱ یا ۴۲ شاعری که بمدح صدر اعظم میرزا آقا خان اشعاری سروده‌اند در دو «درج» و « بك » « سلك » تألیف کرده است .

نسخه خطی : مجلس ۴۲۸ ـ **چاپ** تهران ۱۲۷۲ ه .

۵۰ ـ **تذکره صاحبقران** یا **بوستان خیال** تألیف میر محمد تقی حسینی بسال ۱۲۷۹ ه .

۵۱ ـ **تذکره رشحات** تألیف شهاب اصفهانی (از مآخذ مجمع‌الصفحا)

۵۲ ـ **مجمع الفصحا** تألیف رضا قلی هدایت بسال ۱۲۸۴ ه در ذکر ۷۰۰ تن از سلاطین و شاهزادگان و امراء و شعرای معروف متوسط و متأخر فارسی .

نسخ خطی : ریوتکمله ۱۲۵ ـ **چاپ** تهران ۱۲۹۰ ه باهتمام آقای مظاهر مصفا ۱۳۴۰ ش .

۵۳ ـ **تذکره و دیوان بسمل** تألیف حاج علی اکبر نواب متخلص به بسمل شیرازی **مؤلف** تذکره دلگشا بسال ۱۲۸۵ ه در ذکر عمارات دولتی و ارگ وصدور و وزراء و شاهزادگان و شعرا علمای معاصر مؤلف و در آخر دیوان خود ضمیمه کرده است. نسخه : کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳۶۷۴ .

۵۴ ـ **تذکره کاظم** ـ اسم مؤلف ندارد [1] ـ مؤلف معاصر رضاقلی هدایت بوده (ص ۱۹۹ این تذکره)و این کتاب را بسال ۷-۱۲۸۶ ه تألیف کرده است (ص ۱۱۹ و ح ص ۱۹۹ و ۲۶۰) و این کتاب مشتمل است بر ذکر قریب ۳۶ تن

---

۱ ـ **مؤلف « بیان محمود »** مینویسد « کاظم اصلش ازقصبه تویسرکان است ومقبول سخنوران» ظاهراً همین کاظم است .

از شعرای متقدم و متأخر از جمله نه تن زنان شاعرند (نسخه مجلس ج۲ ش۹۰۱ دارای ۳۰۷ برگ).

۵۵ ـ **تحفة الاحباب فی تذکرة الاصحاب** یا تذکره قاری رحمت اله واضح بن عاشور محمد بخاری که معاصر امیر مظفرالدین (۱۲۷۷ ـ ۱۳۰۳ ه) بود در ذکر شعرای آسیای مرکزی در قرن ۱۹ م /۱۳ ه ـ **چاپ** تا شکند بسال ۱۳۳۲ ه بااضافات باهتمام میرسلیم بیگ . **نسخه خطی** : بخارا سمونوف۳۸ .

۵۶ ـ **افضل التذکار فی ذکرالشعرا والاشعار** تألیف مخدومی پیرمستی متخلص به افضل بسال ۱۳۲۲ ه درشعرای آسیای مرکزی که درقرن ۱۹ میلادی /۱۳ هجری میزیسته‌اند . **نسخه خطی** :بخارا سمونوف ٤ **چاپ** تاشکند۱۳۲۶ه .

۵۷ ـ **تذکرةالشعرا** تألیف صدیق خان بن امیرمظفر ـ نسخه : بخارا سمونوف ٤۹ .

۵۸ ـ **تذکره استر آباد** تألیف محمد صالح استر آبادی در ۱۲۹٤ ه بامر شاهزاده علیقلی میرزا اعضادالسلطنه وزیر علوم و صنایع (نسخه : کتابخانه ملی تهران ش ٤۳۳۰) .

۵۹ ـ **تذکرة الشعرای معاصرین** تألیف سید ضیاء الدین محمدبن سید محمد صادق مرعشی اصفهانی‌متخلص به سید (با ذیل تذکرة الشعراء عبدالفتاح نبوی فرزند مؤلف) ـ چاپ هند ۱۲۹۹ ه .

۶۰ـ **تذکره ناصری** تألیف مؤرخ الدوله عباسقلی سپهرکاشانی در اوصاف ناصرالدین شاه (۱۲۶۶ ـ ۱۳۱٤ ه)

۶۱ـ **تذکره شبستان** تألیف‌سیدمیرزا محمدعلی‌بن میرزا عبدالوهاب‌متخلص به شهلا در ذکرسلسه مدرسیه یزد (از مآخذآیتی درآتشکده یزدان چاپ۱۳۵۷ ه والذریعه ج ٤) .

۶۲ـ **تذکره مجدیه** تألیف میرزا ابراهیم منشی معاصر ناصرالدین شاه بفرمایش میرزا تقی‌خان مجدالملك در ذکر۱۱ نفر شاعر ازجمله ناصرالدین‌شاه

باتمثال ده نفر از آنان ـ چاپ صفر ۱۳۰۳ هـ (در ۸۷ صفحه) (استوری : **چاپ تهران** ۱۳۰۲ هـ در ۵۲ صفحه) .

۶۳ـ **تذکره ممیز** اسم مؤلف ندارد ـ تألیف بسال ۱۳۰۶ در ذکر برخی از شعرای قرن ۱۳ هـ ـ نسخه‌ای ناتمام بخط مؤلف در کتابخانه مجلس ج۲ ش۹۰۴ مورخ ۱۳۰۶ هـ دارای ۱۱۴ برگ موجود است .

۶۴ـ **تذکره مسعودی** اسم مؤلف و سال تألیف ندارد. **قسمت اول** آن مشتملست بر بعضی رسایل نیر **وقسمت دوم جزو اول** آن در ذکر شرح حال بسیار **مختصر** واشعار منتخب، از ۲۴ شاعر متقدم **وجزو دوم** مجموعه اشعاریست از ۲۹ شاعر متقدم ومتأخر (ملك تهران ۳۸۴۴).

۶۵ـ **خیرات حسان** تألیف اعتماد السلطنه محمد حسن خان **ملقب** به‌صنیع الدوله(م۱۳۱۳هـ)درذکر آداب ورسوم ولطایف وظرایف **وحکایات و اشعارو** وفیات مشاهیر بانوان **چاپ** تهران ۱۳۰۷هـ

۶۰ـ **سکینة الفضلا** تألیف عبدالحکیم رستاقی در ذکر **شعرای کابل چاپ** دهلی ۱۳۱۰ش

۶۷ **تذکرة الشعراءپته‌خزانه** تألیف محمد هوتك **چاپ** کابل **باهتمام وتصحیح** آقای عبدالحی حبیبی (در ۲۹۰ص).

۶۸ـ **حدیقة الشعرا** تألیف دیوان بیگی نسخه‌ای از آن **بخط مؤلف که سابقاً** متعلق به مرحوم عباس اقبال بود اکنون در کلکسیون استاد **حکمت دردانشکده** ادبیات موجود است.

۶۹ـ **سخن وسخنوران** تألیف استاد بدیع الزمان فروزانفر دردوجلد **جلد اول** مشتملست برذکر ۴۴ شاعر خراسان وماوراءالنهر از ابتدای **قرن۳ تااواخر قرن ۶ هـ** و جلد دوم مشتملست بر ذکر ۱۱ نفر از شعرای **عراق و آذربایجان** ازاواسط **قرن۵ تاآخر قرن۸هـ** ـ چاپ جلد اول ۱۳۰۸هـ جلد دوم (**قسمت اول**) **آبان**

۱۳۱۲ش[۱].

۷۰-**بهجةالشعرا** تألیف حاج کاظم تاجر تبریزی(م۱۳۱۵ه) درذکرشعرای معاصر مؤلف (رجوع شود به الذریعه).

۷۱-**تذکره غریبی** (رجوع شود به دانشمندان آذربایجان)

۷۲-**شکرستان‌فارس** تألیف سیدمحمد حسین‌شعاع‌شیرازی بفرمان‌شاهزاده علینقی میرزا رکن الدوله درشیراز در ذکر شعرای معاصر فارس (رجوع شود به مقدمه «تذکره شعاعیه»)

۷۳-**تذکره شعاعیه** تألیف محمد حسین شعاع الملک شیرازی متخلص به شعاع در۲۱-۱۳۲۰هبنام میرزا محمدعلی‌خان نصرالدوله درذکر۱۰۷ تن‌ازشعرای معاصر معاصر مؤلف بترتیب الفبا (ملك تهران ۳۸۳۹مورخ ۱۳۲۲ه).

۷۴-**ترجمه‌فارسی مجمع‌الخواص** تألیف صادقی بیگ کتابدار شاه عباس اول درذکر۳۳۳ شاعر از ابتدای‌عهد شاه اسماعیل تازمان شاه عباس اول (یا بقول اتهص ۱۲ شاه عباس ثانی)این کتاب اصلابزبان ترکی است اما مؤلف اشعارا کثر شعرا را بفارسی‌آورده است واخیراً دکتر خیام‌پور آنرا بفارسی ترجمه کرده است-**چاپ** تبریز ۱۳۲۷ش.

۷۵-**نامه فرهنگیان** تألیف میرزامحمدعلی بن عبدالخالق مصاحبی‌متخلص به عبرت (م۱۳۲۱ش) درذکر ۳۴ ازازشعرای قرن ۱۴ه بترتیب الفباوباعکس۲۲ نفر ازآنان (مجلس‌ش۱۱۹۷).

۷۶- **مدینة الادب** تألیف محمد علی عبرت مولف نامه فرهنگیان فوق

---

۱ چنانکه دیباچه مؤلف فاضل کتاب میرساند قراربود این‌کتاب در چهار جلد تألیف شود جلد اول‌مشتمل بر ذکر شعرای خراسان وماوراءالنهر وجلد دوم در ذکر شعرای عراق وآذربایجان وجلدسوم درذکر شعرای شیراز وهندوستان وجلد چهارم در ذکر نویسندگان - اما تنها جلد اول وقسمت اول جلد دوم (تاخاقانی شروانی)بطبع رسیده است وبقیه این‌کتاب تاکنون چاپ نشده‌است.

درذکر شعرای معاصرمؤلف باحواشی درذکر بعضی بلاد وشعرای ماضی- (نسخه ناتمام آن درکتابخانه مجلس تهران موجود است)

۷۷-**روزنامه‌ملتی** که بمدیریت شاهزاده عابقلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیرعلوم وصنایع ومعادن درزمان ناصرالدین‌شاه بخط نستعلیق وچاپ سنگی انتشار میبافت ودرهرشماره آن ترجمه احوال ونمونه آثار یکی ازشعرای متقدم ومتوسط یا معاصرذکر میشد(دوره کاملی ازآن درهیچیك از کتابخانه‌ها نیست امامجموعه‌ای ازآن در کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی در کتابخانه مجلس موجود است که ذکر۲٤ نفر ازشعرای متقدم ومتأخررا دارد).

۷۸-**تذکره شعرای قائنات وقهستان** تألیف‌ضیاءالدین‌محمدحسین‌المشتهر به ضیاءالدین البیرجندی متخلص به ضیا پسر ملا باقر شیرآخوندی (مرکزی ۳۰۱۲ مورخ ۱۳۳۱ه) در آغاز این نسخه در اوراق جداگانه ای آقای حسینقلی باستانی راد ذکر بعضی شعرا را که دراین تذکره نیامده افزوده است. همچنین رجوع شود به نذیراحمدش ۸(ذخیره ایوانو) واستوری ج۱ص۹۲۳).

۷۹- **زمونه ادبیات تاجیك** تألیف صدرالدین عینی.

۸۰ -**تذکره شعرای‌معاصرین** تألیف ملاشاه محمد دارابجردی متخلص به شاه (صبح گلشن‌ص ۲۲۰ درذیل نام شاه).

۸۱-**تذکرة الشعرا معاصر هرات** تألیف محمد غواص **چاپ** کلوپ ادبی هرات ۱۳۳۰ش.

۸۲- **سخنوران نامی معاصر** تألیف سید محمد باقر برقعی درذکر شعرای معاصر دردو جلد، **چاپ**تهران جلد اول در ذکر ۸۶شاعر ۱۳۲۹ ش و جلد دوم درذکر۷۹ شاعر چاپ۱۱۳۰ش.

۸۳-**نامه سخنوران تألیف** اسدالله ایزد گشسپ‌چاپ شده است(از مآخذ شعرای معاصر اصفهان)

۸٤-گویندگان معاصر تألیف حسین عماد زاده(از مآخذ شعرای اصفهان)

۸۵- آئینه دانشوران تألیف سید علیرضا ریحانی معروف ...

در ذکر گروهی از دانشمندان و دانشجویان حوزه علمیه قم با اشعار آنان چاپ ...

۱۳۵۳ ه.

۸٦-**تذکره علوی** تألیف رضا بن عبدالخالق ثابتی در ذکر ...

که بمدح حضرت علی اشعاری سروده اند- چاپ **مطبوعاتی** ...

(در۱۹۹ص).

۸۷- **تذکره متأخرین شعرای فارس** تألیف فصیح ...

درحدود۱۳۳۱ ه(نسخه ناقص الاول و آخر که ظاهراً نصف کتاب است و ...

آقای اسمارت به پروفسور براون در۱۹۱۳م/۱۳۳۲ ه تقدیم کرده ...

کتابخانه شخصی پروفسور براون ص۱۳۷ ذکر شده است).

۸۸-**آثارالحسان** تألیف حاج میرزا حسن بن حاج میرزا ...

انصاری اصفهانی دربدایع اشعار نسوان ایران وغرب وهند وترك و ذکر ...

ازاحوالات ایشان(نام این کتاب درفهرست تألیفات جابری انصاری ...

« آفتاب درخشنده » چاپ۱۳٤۳ ه ذکرشده است .الذریعه ج۱ص۵)

۹۹-**تذکره شعرای چهارمحال** تألیف سرهنگ اوژن ـ چاپ ...

مآخذتذکره شعرای معاصر اصفهان)

۹۰-**تذکره شعرای معاصر اصفهان** تألیف سید مصلح الدین ... در ذکر

٤۸٤ شاعر معاصر اصفهان وتوابع آن بترتیب الفبا-چاپ کتابفروشی تایید ...

درشهریور۱۳۳٤ش.

تذکره شعرای معاصر تألیف سید عبدالحمید خلخالی در دو جلد

تهران جلداول ۱۳۳۳ش وجلد دوم ۱۳۳۷ش.

۹۲ـ**از رابعه تاپروین** تألیف کشاورز صدر درذکر زنان شاعر ایران-چاپ تهران .

۹۳ـ **شعرای بزرگ ایران** تألیف هوشنگ مستوفی درذکر یازده شاعر بزرگ ایران ازقرن سوم تانیمه قرن پنجم هجری ـ چاپ تهران ۱۳۳٤ش.

۹٤ـ **زنان سخنور** تألیف علی اکبر سلیمی دردوجلد چاپ تهران ۱۳۳۵ش.

۹۵ـ**بهشت سخن** تألیف دکتر مهدی حمیدی شیرازی درذکر شعرای متقدم. چاپ جلد اول درذکر شعرای پنج قرن اول ۱۳۳٤ ش وجلد دوم درذکر شعرای قرن ششم ۱۳۳۸ش.

۹٦ـ **پاسداران سخن** تألیف آقای مظاهر مصفا درذکر شعرای متقدم (ومتأخر) فارسی **چاپ** تهران جلد اول درذکر شعرای متقدم بسال ۱۳۳۵ش.

۹۷**صدف** یاساعتی باشاعر تألیف دکتر داریوش صبور بسال ۱۳۳۵ش درذکر ۲٤ شاعر معاصر مؤلف درپایان کتاب ذکر احوال وآثار خودرا آورده است. چاپ تهران ۱۳۳۵ش.

۹۸ـ**تذکره شعرای خوانسار** تألیف یوسف بخشی خوانساری درذکر ۱۰۰ نفر از شعرای خوانسار بترتیب الفبا **چاپ** تهران ۱۳۳٦ه(در۲٤۲ص).

۹۹ـ**برگزیده** تألیف عصمت شریف افشار صدریه تاریخ مختصر شاعران-چاپ تهران زوار ۱۳۳٦ش.

۱۰۰ـ**ازرودکی تابهار** تألیف حسین کوهی کرمانی چاپ تهران (در۲۹٤ص).

۱۰۱ـ**گلهای جاویدان در بوستان ادب ایران** تألیف مهدی توحیدی پور درذکر **شعرای متقدم**. **چاپ تهران** ۱۳۳٦ش(در٦۱۵ص).

۱۰۲ـ[illegible] **معاصر تألیف فریدون کار** با مقدمه دکتر یار شاطر- چاپ [illegible]

[illegible] **ستان تألیف نصرت‌الله نوحیان نوح با مقدمه استاد**

سعید نفیسی و آقای حبیب یغمائی در ذکر ۸۳ شاعر سمنان-چاپ تهران ۱۳۳۷ ش
(در۱۷۷ص).

۱۰۴-**تاریخچه شعرای کرمانشاه** تألیف باقر شاکری درذکر ۱۱۴ شاعر
کرمانشاه-چاپ کرمانشاه۱۳۳۷ش.

۱۰۵- **دانشمندان و سخن سرایان فارس** تألیف محمدحسین رکن‌زاده
آدمیت **چاپ** تهران **جلد اول**۱۳۳۸ش ازآتشی تاییامی(در۵۹۲ص).

۱۰۶-**اشعار جاویدان‌پارسی** تألیف امیر مسعود سپهرم - چاپ‌تهران زوار
۱۳۳۹ش(در۵۱۸ص).

۱۰۷-**تذکره طلعت** تألیف طلعت اعتماد مقدم‌عنقا**چاپ** تهران ۱۳۳۹ ش
(در۲۶۳ص)

۱۰۸-**گنج‌سخن** تألیف دکتر ذبیح‌الله‌صفا درذکر شعرای متقدم و متأخر
درسه‌جلد چاپ دانشگاه تهران۴۰-۱۳۳۹ش.

هر کدام مشتمل بر ذکر ٤٩ شاعره فارسی میباشد ـ چاپ در اکمل المطابع دهلی
۱۸۸۳ م/۱۳۰۱ ه (ماده تاریخ : « گلشن مروت نادر » = ۱۳۰۱ ه) :

۸ ـ **جدید فارسی شاعری** ـ تألیف دکتر منیب الرحمن ـ چاپ اداره علوم اسلامیه دانشگاه علیگر بسال ۱۹۵۹ م /۱۳۷۹ ه .

۹ ـ **نیا ایرانی ادب** ـ تألیف دکتر ظهورالدین احمد چاپ **لاهور** در حدود ۱۹۵۷ میلادی (باب اول آن در باره شعرای جدید فارسی است) .

[illegible]

ریو ج۳ ص۱۰۷۱ الف(قرن۱۹ م)

چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن هند بسال **۱۹۳۳** م /۱۳۵۲ ه باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق .

۴ـ**مخزن‌نکات** ـ تألیف شیخ‌محمد قیام‌الدین‌قایم‌چاندپوری(متوفی‌در۱۲۰۷ یا ۱۲۱۰ ه) بسال ۱۱۶۸ ه .

نسخ خطی : اشپرنگر ٤٤ (کتابخانه موتـی محـل . بخط مؤلف)واته ۷۰۱ .چاپ‌انجمن ترقی اردو اورنگ‌آباد دکن‌بسال ۱۹۲۹ م/۱۳٤۸ ه بامقدمه مرحوم مولوی عبدالحق .

۵ ـ **چمنستان شعرا** ـ تألیف لچهی‌نراین شفیق اورنگ‌آبادی بسال۱۱۷۵ه چاپ مطبع انجم اردو اورنگ آباد دکن باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق بسال ۱۹۲۸ م .

۶ـ **طبقات‌الشعرا** ـ تألیف قدرت‌الله صدیقی شوق سنبهلی بسال ۱۱۸۸ ه . چاپ باهتمام محمد ابواللیث صدیقی بدایونی .

۷ـ **تذکره‌حقیقت‌الشعرا** ـ تألیف قدرت‌الله صدیقی شوق سنبهلی ـ تذکره ریخته‌گویان (شعرای‌اردو) ـ رجوع شود به‌آثار شوق درذیل بحث در باره تذکره « تکملة الشعرای جام جمشید » در این کتاب .

۸ ـ **تذکره شعرای اردو** ـ تألیف میر حسن بسال ۱۱۸۸ ه تا ۱۱۹۲ ه . چاپ انجمن‌ترقی‌اردو بسال ۱۹٤۰ م /۱۳۵۹ ه باهتمام حبیب‌الرحمن شروانی .

۹ـ **تذکره سخن آفرینان هندی زبان** ـ تألیف میر غلام حسین را تمنائی بسال ۱۱۹۱ ه بنام شاه عالم پادشاه هند (۱۱۷۳-۱۲۲۱ ه) . نسخه‌خطی :ایوانو. کرزن ٦۲ مورخ ۱۸٦۱ م .

۱۰ ـ **تذکره شورش** ـ تألیف سید غلام حسن شورش معروف به میزبهینا (متوفي در ۱۱۹۵ ه) بسال ۱۱۹۳ ه .

نسخه خطی : اشپرنگر ٤٦ — بادلین ۳۸۷ .

۱۱ ــ **تذکره مسرت افزا** تألیف ابوالحسن امیرالدین احمدالمشتهر به امیرالله الهآبادی بسال ۱۱۹۳هـ ـ تذکره ۲٤۷ شاعر ریخته (اردو) ـ نسخه خطی ؛ بادلین ۳۸۸ (ظاهراً بخط مؤلف) .

۱۲ـ **گل عجائب** ـ تألیف اسدعلیخان تمنا اورنگآبادی بسال ۱۱۹٤ هـ چاپ انجمن ترقی اردو بسال ۱۹۳٤م/۱۳۵۳ هـ با مقدمه مرحوم مولوی عبدالحق.

۱۳ـ **گلشن سخن** ـ تألیف میرزا کاظم ملقب به مردان علیخان متخلص به‌مبتلا بسال ۱۱۹٤ هـ (نسخه آن در رامپور موجوداست رجوع شود به مقدمه «دستور الفصاحت») .

۱٤ـ **ذکر میر** ـ خود نوشته شرح حال میر تقی میر بسال ۱۱۹۷ ـ چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن بسال ۱۹۲۸ م /۱۳٤۷ هـ با مقدمه مرحوم مولوی عبدالحق .

۱۵ـ **گلزار ابراهیم** تألیف علی‌ابراهیم‌خان خلیل بسال ۱۱۹۸هـ ـ تذکره سیصد شاعر ریخته (اردو)

نسخ خطی : اشپرنگر ٤۷ — ایوانو تکمله اول ۷٦۹ (۱۲۱۹ هـ) و ریو ج۱ ص ۳۷۸ الف و بانکی پور ج۸ ش ۷۱۰ (۱۲۲۸ هـ) . چاپ انجمن ترقی اردو هند.

۱٦ــ**تذکره هندی‌گویان** ــتألیف شیخ غلام همدانی مصحفی امروهوی آغاز در ۱۲۰۰ هـ وپایان در ۱۲۰۹ هـ ــ تذکره ۳۵۰ شاعر ریخته (اردو) اززمان محمد شاه (۱۱۳۱ ــ ۱۱٦۱ هـ) تا زمان مؤلف بفرمایش میر مستحسن خلیق ــ چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ‌آباد هند باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق .

۱۷ــ **تذکره عشقی** ــ تألیف شیخ وجیه‌الدین عشقی بن‌مجرم عظیم‌آبادی ـ در حدود سال ۱۲۱۵ هـ مشتمل بر ذکر ٤۳۹ شاعر ریخته (اردو) ــ نسخهٔ خطی : اشپرنگر ٤۸ = بادلین ۳۹۳ .

۱۸ـ **عیار الشعرا** ـ تألیف خوب چند ذکا (متوفی در۱۲۶۲ ه) بن بهوانی چندکایست دهلوی از شاگردان میرنصیر بسال ۱۲۰۸ یا ۱۲۱۳ ه مشتمل برذکر تقریباً ۱۵۰۰ شاعرریخته (اردو) بفرمایش استاد خود نصیر. نسخه‌خطی: اشپرنگر ۵۰ = اته ۷۰۲ و ۵۲ و دانشگاه لاهور و بانکی‌پور تکمله اول ۱۷۸۹ (۱۸۳۲م) و برلن ۶۶۹ و اته ۲۸۴۹ .

۱۹ـ **مجموعه نغز** ـ تألیف سید ابوالقاسم معروف به میر قدرت الله قادری متخلص به قاسم‌بسال ۱۲۲۱ ه . تذکره ۸۰۰ شاعر اردو ـ چاپ دانشگاه لاهور در کریمی پرس لاهور بسال ۱۹۳۳ م/۱۳۵۲ ه باهتمام مرحوم پروفسور محمود شیرانی .

۲۰ـ **ریاض‌الصفحا** ـ تألیف‌شیخ غلام همدانی مصحفی امروهوی آغاز در ۱۲۲۱ ه وپایان در ۱۲۳۶ ه ـ چاپ اورنگ‌آباد باهتمام مرحوم مولوی‌عبدالحق در ۳۷۸ صفحه .

۲۱ـ **عمده منتخبه** ـ تألیف نواب اعظم‌الدوله میرمحمدخان سرور(متوفی در ۱۲۵۰ ه) بن‌نواب ابوالقاسم مظفر جنگ در ۹ محرم ۱۲۲۲ ه مشتمل برذکر ۱۲۰۰ شاعر اردو ـ نسخ خطی : اشپرنگر ۵۱ و بلوشه ج۲ ش۱۲۵۹ (۱۸۲۹ م) واته ۲۸۵۰ .

۲۲ـ **دستورالفصاحت** ـ تألیف حکیم سید احمد علی خان یکتا بسال ۱۲۲۳ ه ـ چاپ باهتمام امتیاز علی‌خان عرشی در هندوستان پرس رامپور بسال ۱۳۶۳/۱۹۴۳ ه .

۲۳ـ **تذکره فارسی** ـ تألیف شیخ غلام همدانی مصحفی امر وهوی بسال ۱۲۳۶ ه مشتمل بر ذکر شعرای متأخر اردو و فارسی و تقریبا از تمام شعرا اشعار اردو آنان نقل کرده است .

۲۴ـ **گلشن‌بیخار** ـ تألیف نواب عظیم‌الدوله سرفرازالملك محمد مصطفی خان شیفته مظفر جنگ (متوفي در ۱۲۸۶ ه) آغاز بسال ۱۲۴۸ ه و پایان

در ۱۲۵۰ه مشتمل بر ذکر ۶۰۰ شاعر ریخته (اردو). نسخ خطی: ریو ج ۳ ص ۱۰۶۹ الف (۱۲۵۲ ه) و بانکی پور ج۸ ش۷۱۸ (۱۲۵۵ ه) ـ چاپ دهلی بسال ۱۲۵۳ه و ۱۸۴۳ م ولکهنو ۱۸۷۴ م .

۲۵ـ **مدایح الشعراء** ـ تألیف نواب عنایت حسین خان بهادر مهجور بنارسی (نواده علی ابراهیم خان خلیل) بسال ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۰ ه مشتمل بر ذکر ۶۷ شاعر اردو ـ نسخه‌ای از آن در کتابخانه رامپور هند موجود است) .

۲۶ـ **مخزن شعراء** ـ تألیف قاضی نورالدین حسین خان رضوی متخلص به فائق بسال ۱۲۶۸ه ـ تذکره شعرای گجرات ـ چاپ انجمن ترقی اردو بسال ۱۹۳۳ م /۱۳۵۲ ه باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق .

۲۷ـ **خزینة العلوم** ـ تألیف منشی درگا پرشاد نادر سرهندی بسال ۱۹ ـ ۱۲۸۸ ه ـ چاپ مطبع مفید عام لاهور بسال ۱۸۷۹ م /۱۲۹۶ ه .

۲۸ـ **بزم سخن** ـ تألیف سید علی حسن متخلص به سلیم ـ چاپ مطبع نامی مفید عام آگره بسال ۱۲۹۸ ه .

۲۹ـ **طور کلیم** ـ تألیف سید نورالحسن ـ چاپ و مطبع نامی مفید عام آگره بسال ۱۲۹۸ ه .

۳۰ـ **گلشن همیشه بهار** ـ تألیف عبدالعلیم نصرالله خان قمر احمدی خویشگو خورجوی (متوفی در ۱۲۹۹ ه) تذکره ٤١٤ شاعر هندوستانی ـ چاپ فتح الاخبار پرس کول (علیگر) بسال ۱۲۷۰ ه .

۳۱ـ **تذکرة الشعراء هنود** ـ تألیف بشاش بسال ۱۲۹۹ ه . (مخزن الشعر و مخزن الشعراء و مخزن الاشعار بسال ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ ه) .

۳۲ـ **تذکره مختصر درحال ریخته گویان هند** ـ تألیف محمد صدرالدین بسال (؟) نسخه خطی : براون تکمله ش ۳۰٤ .

ضمیمه پنجم

تذکره های اولیا و صوفیه که بسیاری از آنان شعر هم میسروده‌اند [1] .

الف-تذکره‌های اولیاوصوفیه که‌درشبه‌قاره‌هندوپاکستان تالیف‌شده‌است

۱- **کشف المحجوب-** تألیف علی‌بن عثمان الجلابی الهجویری در حدود ۴۵۰ه در ذکرتصوف وقسمتی از آن‌درذکر صوفیه میباشد(استوری‌ج۱ص۹۲۴)

۲- **سیرالاولیاء فی محبت الحق جل وعلی-** تألیف سید محمد مبارك بن محمدعلوی کرمانی معروف به‌امیر خورد (متوفی دردهلی در۷۱۱ه)ددزمان‌فیروز شاه تغلق(۷۵۲-۸۹۰ه) درذکر صوفیه چشتی درده‌باب (استوری‌ج۱ص۹۴۴).

۳- **منبع‌الانساب-** تألیف سید معین الحق بن‌شهاب الحق - تذکره سادات بهکر سند وانبیاء وائمه اولادشان و۴پیر و۱۴ خانواده باشرح سلسله های صوفیه (استوری‌ج۱ص ۹۴۹)

۴- **تذکره‌خواجه‌باقی‌الله-** تألیف خواجه‌باقی‌الله نقشبندی‌دهلوی (متوفی در۱۱۱۲ه)چاپ حیدرآباددکن.

۵- **تذکرةالاولیا-** نعمت الله رضائی- چاپ بمبئی۱۳۱۳ه

۱-تذکر : این فهرست اسم تذکره هائی راکه در ذکر تنهـا یك‌نفربوده شامل نیست .

٦ـ **سير العارفين**ـ تأليف حامدبن فضل‌الله معروف به درويش جمالی يا **شيخ ملاجمالی** كنبوه دهلوی(متوفی در٩٤٢هـ) در ذكر ١٤ صوفی چشتی معاصر **همايون‌شاه** (٩٣٦ـ٩٦٣هـ) كه درميان‌سالهای ٩٣٧و٩٤٢ **تأليف‌شده‌است**. (استوری ج١ص٩٧٠)

٧ـ **اخبار الاخيار فی‌اسرارالابرار**ـ تأليف عبدالحق‌دهلوی‌بخاری(متوفی در١٥٠٢هـ) درذكر ٢٥٥صوفی‌هندبسال ٩٩٩هـ

٨ـ**زادالمتقين فی‌سلوك طريق‌اليقين**ـ تأليف عبدالحق دهلوی فوق‌بسال ١٠٠٣ هدرذكر دوصوفی هندوستان بنام علی‌بن‌حسام‌الدين متقی وعبدالوهاب بن ولی‌الله المتقی مقيم مكه وشوخ وفقراء معاصر مكه.

٩. **تذكرة‌الحق**ـ تأليف محمد امير دردوجلد ـچاپ١٣٣٢هـ

١٠ـ**اخبارالاصفيا**ـ تاليف‌عبدالصمدبن افضل‌محمددر ١٠١٤هـ درذكر ٢٥٠ صوفی غالباً مانند اخبار الاخيار فوق (استوری‌ج١ص٩٨٣)

١١ـ**تحفة‌السعداء**ـ تأليف خواجه كمال درذكر صوفيه چشتی (استوری ج١ص٩٨٣)

١٢ـ **لمعات‌من‌نفحات القدس** ـتاليف‌شيخ عليم (متوفی در١٠٤١هـ)درذكر صوفيه نقشبندی ـچاپ١٣٢٧هـ(استوری‌ج١ص٩٨٣)

١٣ـ**گلزار ابرار** ـ تأليف محمد غوثی شطاری ميان سالهای٩٩٨ـ١٠١١هـ (وبقول‌ايوانو يبان‌سالهای١٠٢٠و١٠٢٢هـ)بنام‌جهانگيرشاه(١٠١٤ـ١٠٣٧هـ) درذكر ٥٧٥ صوفی هندی‌نژاد كه آنان اهل گجرات بودنددر پنج «چمن»(استوری ج١ ص٩٨٤).

١٤ـ**كلمات‌الصادقين**ـ تأليف محمدصادق كشميری همدانی مؤلف‌طبقات شاهجهانی وسلسلة الصادقين درسال١٠٢٣ هدرذكر ١٢٥صوفی كه‌دردهلی‌مدفونند

١٥ـ **تاريخ مشايخ كشميريا رشی‌نامه** ـ تأليف بابا نصيب‌يابابانصيب‌الدين

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١١

[illegible] (١٦٦ [illegible]) [illegible]

[illegible] (١٥٠٣٤ — ١٠٨٨) [illegible]

[illegible] ١١

[illegible] (١٦٦ [illegible]) [illegible]

[illegible] ١٨

[illegible] ٥٠٣٤ [illegible]

[illegible] (٦٦٠ [illegible]) [illegible]

[illegible]

[illegible] ١٠٨٥ [illegible]

[illegible] ١٦

[illegible]

[illegible] ١٠٨٨ [illegible]

[illegible] ٧١

[illegible] ٢٧٦).

[illegible] ١٠٨١ [illegible]

[illegible] ١٨

[illegible] ٢٧٦).

[illegible] ١١

[illegible] ٥٧٦).

[illegible] ١٠٣٨ [illegible]

۲۳ـ **سفينة الاوليا**ـ تأليف محمد دارا شكوه قادری پسر ارشد شاهجهان در۲۷ رمضان۱۰۴۹ه. درذکر بزرگان‌وعرفا وشیوخ .چاپ آگره ۱۲۶۹ه ولکهنو ۱۸۷۲و کانپور۱۸۸۴م و۱۳۱۸ه

۲۴ـ **سكينة الاولياء** ـ تأليف محمد دارا شکوه در ۱۰۵۲ ه درذکر اکابر صوفيه لاهور(استوری ج۱ص۹۹۸).

۲۵ **مونس الارواح** تأليف جهان‌آرا بیگم‌دختر شاهجهان (ومؤلفه‌صاحبه تذکره ملاشاه تأليف بسال ۱۰۵۱ه) بسال ۱۰۴۹ ه درذکر معین الدین چشتی و مریدان او(استوری ج۱ص ۱۰۰۰).

۲۶ـ **سنوات الاتقيا**ـ تأليف شيخ بدرالدين بن ابراهيم سهرندی در ذکر اکابر مخصوصاً درذکر سال وفاتشان از دم تاسال۱۰۴۴ه(استوری ج۱ص۱۰۰۲).

۲۷ـ **حضرت القدس**ـ تأليف شيخ بدرالدين بن ابراهيم سهرندی درذکر صوفيه نقشبندی دردو دفتر درسال۱۰۵۳ه(استوری ج ۱ص۱۰۰۳).

۲۸ـ **سترالاقطاب** تأليف الله دیابن شیخ عبدالرحمن چشتی عثمانی معاصر شاهجهان آغازدر ۱۰۳۶ وپایان در ۱۰۵۶ ه درذکر ۲۷ نفر ازسلسله چشتیه. چاپ لکهنو (استوری ج۱ص۱۰۰۴)

۲۹ـ **مخبر الواصلين** ـ تأليف میرمحمدفاضل المدعو به مظهر الحق ترمذی اکبرآبادی(متوفی در۱۱۰۶ه) در۱۰۶۰ه درذکر رسول وصحابه وبسیاری ازصوفیه وغیره ازقرن اول تا۱۱۰۵ه ـ چاپ کلکته ۱۲۴۹ولکهنو۱۲۵۶ه.

۳۰ـ **مرآت الاسرار** ـ تأليف عبدالرحمن بن عبدالرسول عباسی علوی چشتی ـ آغاز در۱۰۴۵ هوپایان در ۱۰۶۵ ه ـ درذکر صوفیه ازاوایل اسلام تازمان حسام الدین مانک‌پوری(متوفی در۸۵۳ه) در۲۳طبقه (استوری ج ۱ ص۱۰۰۵)ـ عبدالرحمن «مرآت‌المداری» شرح حال‌شیخ مانک‌پوری و «مرآت مسعودی » در شرح قهرمانه افسانه‌ای بنام‌سلطان الشهداء سالار مسعود غازی‌را نیز تالیف کرده

است (استوری ج۱ص۱۰۰۶).

۳۱- **چشتیه بهشتیه** یا فردوسیه قدسیه - تألیف علاءالدین بن‌محمد چشتی برناوی‌در۱۰۶۶ هدرذکرصوفیه چشتی دریك مقدمه و۲۸ ذکر(استوری ج۱ ص ۱۰۰۷).

۳۲-**کارنامه اولیاء** - تألیف نظام‌الدین احمدبن محمدصالح‌صدیقی حسینی معاصر شاهجهان در۱۰۶۷ه درذکراولیا.

۳۳-**کرامات الاولیاء** تألیف نظام‌الدین احمد فوق در۱۰۶۸ ه (ریوج ۳ ص۹۷٤ الف)

۳٤-**اخبارالاولیاء من‌لسان الاصفیا** - تألیف عبدالله خویشگی قصوری درذکرخویشگو وصوفیه دیگربسال۱۰۷۷ه(استوری ج۱ص۱۰۱۱).

۳۵-**معارج الولایت**- تألیف‌عبدالله خویشگی فوق دربیان مشایخ‌هندوستان (استوری ج۱ص ۱۰۱۱)

۳۶-**ریاض‌الاولیاء** تألیف محمد بقا متخلص به‌بقا سهار نپوری (متولد در ۱۳۰۷ه ومتوفی در۱۰۹٤ ه) وبختا ورخان (متوفی‌در ۱۰۹۶ه)در ذکرصوفیه درچهارچمن درسال ۱۰۹۰ ه (استوری ج۱ص۱۰۱۲).

۳۷-**خوارق السالکین** -تألیف (؟) بسال۱۱۰۹ ه درحکایاتی ازصوفیه قدیم کشمیر وغیره (استوری‌ج۱ص۱۰۱۳).

۳۸- **مطلوب الطالبین**تألیف محمد بلاق‌بن شیخ ابومحمد خالدی دهلوی درذکر نظام‌الدین اولیا ومریدان وی در۱۷مطلب درسال۱۱۱۱ ه (استوری ج۱ ص ۱۰۱۳)

۳۹- **روضه اقطاب** -تألیف‌محمدبلاق فوق در ۱۱۲٤ه درذکر قطب‌الدین بختیارکاکی وچند صوفی دیگر که درنزدیك قبروی‌مدفونند .چاپ لاهور ۱۸۹۰م ودهلی ۱۳۰٤ ه

۴۰ـ**تحفة القاری** ـ تألیف شاه منصور بن شاه چاند محمد معروف به شیخ چایلده در ۱۱۱۹هـ در ذکر صوفیه در سه قسمت (استوری ج۱ص۱۰۱٤)

٤۱ـ **ظواهر السرایر** ـ تألیف محمد عمر بن ابراهیم النیشابوری در نیمه اول قرن ۱۸م در ذکر شیخ سعدی لاهوری و عبدالرحمن سامی نیشابوری و سید آدم بنوری (استوری ج۱ص۱۰۱۵)

٤۲ـ **انیس القادریه**ـ تألیف بهاءالحق القادری در ۱۱۳۸ هـ در ذکر شیخ عبدالقادر جیلانی و صوفیه قدیم (استوری ج۱ص۱۰۱۷)

٤۳ـ**ذکر جمیع اولیای دهلی**ـ تألیف محمد حبیب الله بن شیخ جهان اکبرآبادی دهلوی (متولد در اکبرآباد در ۱۰۸۲هـ و متوفی در دهلی در ۱۱۶۰هـ) در سال ۱۱٤۰هـ در ذکر صوفیه (استوری ج۱ص۱۰۱۹ هـ)

٤٤ـ**سواطع الانوار یا اقتباس الانوار**ـ تألیف محمد اکرم بن شیخ محمد الحنفی البارسوی، در ذکر صوفیه چشتی در چهار باب چاپ لاهور ۱۸۹۵م.

٤۵ـ **تحایف رشیدیه**. تألیف محمد عبدالرشید (متوفی در ۱۱۳۰هـ) بن نذر محمد قادری کیرانوی در ذکر ۲۷ نفر از رسول تا شاه فتح محمد آغاز در ۱۱۳۷هـ و اتمام در ۱۱٤۳هـ (استوری ج۱ص ۱۰۲۰).

٤۶ـ**تذکره قادریه** تألیف محمد عبدالرشید فوق خلاصه تذکره فوق.

٤۷ـ **انفاس العارفین** ـ تألیف قطب الدین احمد المعروف به ولی الله دهلوی (۱۱۱٤ـ۱۱۷۶هـ) در حدود ۱۱٤۵ هـ در ذکر صوفیه در سه قسم. چاپ دهلی ۱۳۱۵هـ

٤۸ـ **الانتخاب فی سلاسل اولیاء الله**ـ تألیف قطب الدین فوق در ذکر سلسله‌های صوفیه. چاپ دهلی ۱۳۱۱هـ

٤۹ـ**اشجار الجمال یا اخبار الجمال**ـ تألیف محمد بن یار محمد کولوی (متولد در ۱۰۹۸هـ) در ۱۱۵۱ هـ در ذکر انبیا و صوفیه (استوری ج۱ص۱۰۲۲)

۵۰ـ**حقایق الاولیاء**ـ تألیف محمد قیام الدین معروف به قاضی خان فاروقی در ۱۱۵٤هـ (استوری ج۱ص۱۰۲۳)

۵۱.**مخزن العراس**- تألیف محمدنجیب‌قادری ناگوری اجمیری در۱۱۵۵و ۱۱۵۶ه در تاریخ فوت، صوفیه (استوری ج۱ص۱۰۲۳)

۵۲- **روضات القیومیه**- تألیف ابوالفیض کمال الدین محمد احسان نبیره شیخ احمد سرهندی-در۱۱۵۲-۱۱۵٤ ه درذکر شیخ احمدفاروقی سرهندی واولاد، مریدان او(استوری ج۱ص٤-۱۰۲۳)

۵۳- **سفینة العارفین** - تألیف محمد امان بن محمد یوسف درحدود۱۱۰۳ ه درذکر عرفا مخصوصاً ازهندتا پایان قرن۱۱ه(استوری ج۱ص۱۰۲٤)

۵٤.**واقعیات کشمیر**- تألیف محمد اعظم در۱۱٤۸-۱۱۶۰ه که غالباً راجع به صوفیه کشمیر است(استوری ج۱ص۱۰۲٤)

۵۵-**روضة الاولیاء**- تألیف میرغلام‌علی آزاد بلگرامی درذکر ده صوفی که درروضه یا خلدآباد دفنند-چاپ اورنگ آباد۱۳۱۰(استوری. ج۱-ص۱۰۲٤)

۵۶-**بشارت الامامه**-تألیف سید غلامحسین خان طباطبائی در۱۱۹٤-۱۱۹۵ه. مثنوی دراحوال و کشف و کرامات اجداد مؤلف(استوری ج۱ص۱۰۲۶)

۵۷.**تحفة الطاهرین** - تألیف شیخ محمد اعظم تتوی در۱۱۹٤ه درذکر ۱۶۸ صوفی که در کوه مکلی وشهر تته ونواحی آن دفنند. چاپ سندی ادبی بورد کراچی ۱۹۵۶م

۵۸-**مجموعه**-شجره‌های صوفیه کشمیر وبعضی حکایات مربوط بایشان-اسم مؤلف معلوم نیست و آخرین سال که دراین کتاب ذکر شده است۱۱۲۸ه است(نسخه: ایوانو کرزن۷۹)

۵۹.**مکلی نامه** تألیف میرعلی شیرقانع تتوی- درذکر صوفیه که در کوه مکلی مدفونند. چاپ سندی ادبی بورد کراچی درمجله مهران ش۲ مورخ۱۹۵۶م

۶۰.**حدیقة الاولیاء**- سید عبدالقادر تتوی(مقدمه مصحح تحفة الطاهرین)

[illegible]

۷۰- **فوایدسعدیه** - تألیف قاضی محمد ارتضی علی‌خـان خشنود گوپامو
(۱۱۹۸-۱۲۵۱ه) درذکر عرفا وصوفیه - چاپ لکهنو ۱۸۸۵م .

۷۱- **تحفه اعظمیه** - تألیف خوشنود گوپاموی‌فوق درذکر صوفیه (استو
ج۱ ص۱۰۳۹) .

۷۲- **تذکرةالکرام** - تألیف‌محمدابوالحیات‌قادری‌پهلواری‌بهاری در۱۲۴۹
هجری درذکر ٤٥ شیخ بهاری که غالب آنها درقرن ۱۸و۱۹ میلادی میزیسته‌اند
چاپ لکهنو ۱۸۸۰م .

۷۳- **احول شاه‌گل‌امام جیووخانواده وجانشین وی** - تألیف میان حیر
محمد منشی در۱۲۰۹ه (استوری ج۱ ص۱۰٤۱) .

۷٤- **بیاض دلگشا** - تألیف عبدالعلیم ناصرالله‌خان‌احمدی خویشگوخواجو
(متوفی در۱۲۹۹ه) مؤلف تاریخ دکن در۱۲٦۸ه درذکر شاه عبدالعلیم وپیر او و
صوفیه دیگر-چاپ کول (علیگر) ۹-۱۲٦۸ه .

۷۵- **منبهات فی‌علم‌الاموات** - تألیف غلام نقی‌بن‌محمدفتح علی‌بلگرامی
چشتی صابری در۱۲۹۲ه (وبقول استوری در۱۲۹۸ه) درذکرصوفیه هند مخصوصا
ازسلسله چشتی (نسخه : ایوانو کرزن ۸٤) .

۷٦- **منتخبات از تذکرة الاولیای عطار** - که سرخوش (غیرازمؤلف‌کلمات
الشعرا) درشعبان ۱۲۹۷ه تهیه کرده است . (فهرست کتب شخصی پروفسور براون
ص۱۲۷) .

۷۷- **تذکرةالهدایه** اسم مؤلف ندارد - درذکر خواجه آفاق است (بادلین
ج۲ ش۲۴۹۵/۲) .

۷۸- **خزینه‌الاصفیا** - تألیف مفتی محمد غلام سرور قریشی اسدی الهاشمی
الاهوری (در۱۱-۱۲۸۰ه) درذکر صوفیه درهفت مخزن - چاپ لاهور ۱۲۸٤ه و
لکهنو ۱۸۷۳م وکانپور ۱۳۱۲ه .

۷۹- **گنجینه سروری یاگنج تاریخ** - تألیف مفتی‌غلام سرورفوق در تاریخ

[illegible]

قلندرها - چاپ لکهنو علوی پرس ۱۲۹۰ه .

۸۸- **الاغصان الاربعة المشجرة الطیبه** - تألیف مولوی ولی الله انصاری لکهنوی فرنگی محلی (متوی در ۱۲۷۰ه) با اضافه‌ها اضافه‌ها از پسرش **محمد انعام الله** تا سال ۱۲۹۶ ه درذکر ملا احمد انـوارالحق فرنگی محلی واولاد وی - چاپ لکهنو ۱۲۹۸ه .

۸۹- **گل بهشتی** - تالیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم بعضی صوفیه چشتی - چاپ لکهنو ۱۸۸۱م .

۹۰- **گل فردوس** - تألیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم شرف الدین احمد و بعضی صوفیه دیگر - چاپ لکهنو ۱۸۸٤م.

۹۱- **روضة النعیم** - تألیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم عبدالقادر وصوفیه دیگر چاپ لکهنو ۱۳۰۱ه .

۹۲- **معین الاولیا** - تألیف قاضی سید امام الدین حسن خان درذکر معین الدین چشتی اجمیری وجانشینان وی واولاد روحانی وی - چاپ اجمیر ۱۸۹٤م.

۹۳- **تحایف الابرار** - (یا تاریخ کبیر کشمیر موسوم به تحایف الابرار فی ذکر الاولیاء الاخیار) تألیف حاجی ابومحمد محی الدین مسکین کبروی حنفی نقشبندی آغاز در ۱۳۱۰ و اتمام در ۱۳۲۱ ه در ذکر صوفیه کشمیر در ده « **تحفه** » - چاپ امرتسر ۲-۱۳۲۱ه .

۹٤- **تذکرة المتقین** - تألیف مولوی سید محمد امیرحسن مداری قنصوری بن سید شاه اخون رئیس مکنپور درذکر شاه مدار وخلفای وی ودیگر اعضای سلسله وی تازمان مؤلف - چاپ کانپور ج۱ در ۱۳۱۵ه وج۲ در ۳-۱۳۲۲ه .

۹۵- **انساب مشایخ کشمیر** - تألیف حدود ۱۱۲۸ه درانساب صوفیه کشمیر و انبیاء واولیاء (استوری ج۱ ص۱۰۵۳) .

۹٦- **عراس بزرگان** - درهند در حدود ۱۱٦۰ه ترجمه ازعربی - درتاریخ

تولد ووفات صوفیه است (استوری ج۱ ص۱۰۵٤) .

۹۷ـ **ضیاءالقلوب** ـ تألیف عمادالله فاروقی در سلسله‌های صوفیه ـ چاپ دهلی ۱۸۷۷م و کانپور ۱۳۱۵ﻫ .

۹۸ـ **حکایات‌الصالحین** ـ تألیف عثمان‌بن عمر معروف به کهف ـ ترجمه از عربی دربیست باب که هر کدام شامل ده حکایت است . چاپ لاهور ۱۲۹۸ﻫ .

۹۹ـ **حکایات‌اولیاء صالحین** . (آصفیه ج۱ ص۳۱٦ ش٦۳۹) .

۱۰۰ـ **انتخاب تاریخ الاخیار** ـ تذکره سید محمد جونپوری ومریدان وی (استوری ج۱ ص۱۰۵٦) .

۱۰۱ـ **کنزالانساب**. تألیف عبدالرزاق عطا حسینی در نسب نامه صوفیه و معاریف ـ چاپ بمبئی۱۸۸۳م.

۱۰۲ـ **کرامت‌الاولیاء** . (آصفیه ج۱ص٤٦۰ش ۷۰٦و۸۹٤ ـ استوری ج۱ ص۱۰۵۷)

۱۰۳ـ **خلاصة‌العارفین**ـ (آصفیه‌ج۱ص٤٦۰ش٤۱٦ـ استوری‌ج۱ص۱۰۵۷)

۱۰٤ـ **لمعة الشمس** تذکره منظوم شمس الدین تبریزی ونعمت الله ولی (آصفیه ج۲ص۸۵۰ش۵۰ واستوری‌ج۱ص۱۰۵۷).

۱۰۵ـ **مناقب‌اصفیاء**ـ تألیف شاه شعیب فردوسی ـ تذکره صوفیه معروف ـ چاپ کلکته ۱۸۹۵م

۱۰٦ـ **مقولات‌اولیاء کرام**ـ تذکره مختصر صوفیه(نسخه: برلن۵۸۹واستوری ج۱ص۱۰۵۹)

۱۰۷ـ **مقولات اولیاء الله**ـ اقوال‌واحوال‌صوفیه (اته۱۸۹۵(۱) واستوری ج۱ص۱۰۵۹)

۱۰۸ـ **مشکوة‌النبوة**ـ تألیف سید علی درذکر صوفیه حیدر آباد و غیره ـ (استوری‌ج۱ص ۱۰۵۹)

۱۲۱-**شجره خاندان نقشبندیه و قادریه**- تألیف ابوالحسن صدیقی نانوتی بشعر- چاپ آگره ۱۸۷۳م

۱۲۲-**شجره مبارکه چشتیه صابریه قدوسیه مجددیه محمدیه و قادریه**- تألیف شاه حبیب‌الله ثانی محب‌اللهی بشعر. چاپ الدآباد ۱۹۲۶م

۱۲۳-**شجره قادریه**- تألیف رحیم بخش. چاپ لاهور ۱۸۷۹م

۱۲۴-**شجره متبرکه منظومه**- در شجره سلسله قادری (نیز زبان پنجابی) بشعر فارسی تألیف رحیم بخش فوق. چاپ لاهور ۱۷۷۹م

۱۲۵-**شجره نقشبندیه** - تذکره منظوم تألیف سید امام‌علی. چاپ فاروقی پرس دهلی ۱۸۷٤ م

۱۲۶-**شجره قادری**- تذکره شاه مردان بنثر و نظم. تألیف غلام نبی چاپ لاهور ۱۳۳۰ه

۱۲۷-**شجره طیبه**- تألیف حسین‌الله غزنوی در شجره بعضی سلسله‌های فرعی نقشبندی. چاپ لدهیانه ۱۹۲۳م

۱۲۸- **شجره طیبه خاندان چشتیه**- در شجره سلسله های فرعی چشتی یعنی نظامیه و صفوفیه و خادمیه و خلیلیه. چاپ لکهنو ۱۹۲۰م

۱۲۹-**شجره طیبه قادریه**- در نسب نامه شاه علی محمد لاهوری. چاپ لاهور ۱۹۰٤م

۱۳۰-**شجره طیبه سلسله عالیة نقشبندیة** - تألیف(؟). چاپ لاهور ۱۸۸۹م

۱۳۱-**شجره طیبة سلسلة عالیه سهروردیة حضرت رفیقیة**. تذکره منظوم. تألیف عبدالسلام رفیقی نورپوری در شجره صوفیه سلسله رفیقی. چاپ لاهور ۱۸۹۹م

۱۳۲-**تذکره سلاسل قادریة و چشتیة وغیره**. تذکره منظوم تألیف محمد اسدالله خان و محمد حفیظ‌الله. چاپ چهجر ۱۸۹۷م

۱۳۳-**شجرة العارفین** تذکره مختصر منظوم خاندان شاه محمد رفیع الزمان اله آبادی تألیف محمدعلی الفت. چاپ الدآباد ۱۲۹۷ه

۱۳٤-**شمس الانساب** تألیف محمد معصوم شریف اصفهانی در شجره شیخ عبدالقادر جیلانی (استوری ج۱ص۱۰٦۳)

۱۳۵-**سلسلة عالیة** تألیف عنایت حسین بن فتح الله با تکمله ها از فیض محمد بن دلدار محمد درذکر مشایخ سلسله کنبوه . چاپ میرت ۱۳۰٦ ه(در۱۹٦ص)

۱۳٦-**سلسله عالیه چشتیه فخریه نظامیه سلیمانیه** در شجره روحانی مؤلف شاه عبداللطیف جانشین محمد سلیمان. چاپ لاهور ۱۸۷۰م

۱۳۷-**سلسله عالیه چشتیه فخریه نظامیه سلیمانیه لطیفیه** دز شجره روحانی مؤلف شاه عبداللطیف جانشین محمد سلیمان .چاپ تپره ۱۹۱۷م

۱۳۸-**سلسلة قادریة** در شجره روحانی مؤلف عبدالحق شاه . چاپ فیروزپور ۱۹۱۸م

۱۳۹- **سلسلة اللالی** تألیف معین الدین ثابت درشجره سلسله های نقشبندی وقادری و چشتی وسهروردی - چاپ لکهنو ۱۸۸۳م

۱٤۰-**شجره مشایخ صوفی کشمیر** تألیف(؟)(نسخه ایوانو کرزن۷۹-استوری ج۱ص۱۰٦٤)

۱٤۱-**تذکره سلطانی** . تذکره منظوم سلطان العارفین حمزه مخدومی و اولادش . تألیف ملا بهاءالدین کشمیری . چاپ لاهور ۱۹۳۳م

۱٤۲- **تذکرة المشایخ** درذکر بعضی مشایخ کبروی درویش (استوری ج۱ ص۱۰٦٤)

۱٤۳ **تذکره خواجگان نقشبندیه**(نسخه پیشاور۱۰۱۵ واستوری ج۱ص۱۰٦۵)

۱٤٤ **تذکره صوفیه** تألیف رشکی بن دیوان منولال فلسفی (استوری ج ۱ ص۱۰٦۵)

۱٤۵- **ثمرات القدس** تألیف لال بیگ درذکر صوفیه مرد وزن غالباً ازسلسله چشتی (استوری ج۱ص۱۰٦۵)

١٤٦ـتحفه‌اکمليه تأليف محمد حسن بن‌حافظ ولی‌الله کبروی کشميری در ذکر اکمل‌الدين بدخشی وجانشينان وی .چاپ لاهور ١٣٥٠هـ

١٤٧ـ تحفةالاولياء تأليف‌مولوی مير احمد شاه‌رضوانی پيشاوری‌دردذکر سيد عبدالوهاب صابر معروف به‌اخون پنجو. چاپ‌لاهور ١٣٢١هـ

١٤٧ـفوايدالفواد تاليف نجم‌الدين حسن‌بن علاءالدين سنجری (م٧٢٧هـ) مجموعه ملفوظات شيخ نظام‌الدين اولياء دهلوی (متوفی در ٧٢٥هـ) که مؤلف درعرض١٥سال ترتيب داده است . درضمن مباحث صوفی اطلاعات کافی در باره شرح حال صوفيه قديم سلسله چشتی آمده است . (نسخه ايوانو ش ٢٣٩وغيره).

١٤٩ـرساله درسلاسل صوفيه در شجره سلسله‌های صوفيه درهند (ايوانو ١٧٧٢)

١٥٠ـتذکرة الاولياء تأليف شيخ سيف(سيف) الدين محمد طبيعت .(سفينه هندی ص١٢٨ درذيل نام صيف‌الدين محمد طبيعت)

١٥١ـتذکرةالمعاد تأليف‌محمد ثناءالله پانی‌پتی مجددی نقشبندی(متوفی در١٢٢٥ هـ) چاپ نولکشور لکهنو.

١٥٢ـتذکرة المحققين تاليف تاج‌العلماء سيد علی‌محمدبن سلطان العلما محمد نقوی نصيرآبادی لکهنوی. چاپ‌هند.

١٥٣ ـ تذکرة الموتی و القبور تاليف مولوی محمد ثناء الله پانی پتی مجددی نقشبندی (متوفی در١٢٢٥ هـ ـچاپ‌هند

١٥٤ـ تذکرة الابراروالاسرار تاليف عبدالکريم بن مخدوم . چاپ‌دهلی ١٣٠٩هـ

١٥٥ـ تفريح الطالبين‌فی‌ارادت مولانابه شمس‌الدين تاليف‌محمدافضل اله آبادی‌مؤلف شرحی‌برديوان حافظواسکندر نامه نظامی(بادلين ج٣ش٢٤٩١)

١٥٦ـتذکرة الاولياء تأليف حاج محمد کريم خان کرمانی .چاپ بمبئی ١٢٣٣هـ

۱۵۷ـ **شجره طیبه** تألیف قمر الدین علی متخلص بهمست پسر ثناءالله متخلص به ثنا درذکر صوفیه سلسله قادری (نسخ : بادلین ج۳ش ۲۴۹۷ وویتفیلد ش۵۲).

ب ـ تذکره های اولیاء وصوفیه که خارج از هند وپاکستان بفارسی تألیف شد است .

۱ـ **طبقات صوفیه عبدالله انصاری**(متوفی‌در۴۸۱ه) درذکر۱۲۰صوفی ازسه‌قرن اول‌هجری که‌اکثر مطالبش ازطبقات الصوفیین تألیف محمدبن‌الحسین السلمی(متوفی در ۴۱۲ه) گرفته شده است وبعد از مرگ شیخ عبدالله انصاری یکی از مریدان وی ترتیب داده است (نسخ خطی: نافذ پاشا ۴۲۶ ونور عثمانیه ۲۵۰۰وایوانو۲۳۴).

۲ـ **تذکرة الاولیا** تألیف شیخ فریدالدین عطار (متوفی ۶۲۸ هجری) در ذکر تقریباً ۷۰ صوفی باضمیمه درذکر ۲۰ صوفی . چاپ‌لیدن ولندن ۱۹۰۵م و دهلی ۱۸۵۲م‌ولکهنو ۱۸۹۱ وتهران ۱۳۲۱ وبمبئی ۱۳۰۵ه ولاهور ۱۳۰۶ و۱۳۰۸ و۱۳۲۴ه.(استوری ج۱ص۹۳۷)

۳ـ**تحفة المرشدین من‌حکایات الصالحین** .ترجمه‌فارسی‌روضة‌الریاحین فی‌حکایات الصالحین درذکر۵۰صوفی) از جلال‌الدین محمدبن عبادی کازرونی بایك ذیل در حال شیخ بواسحق کازرونی‌مرشد مؤلف .(نسخ‌خطی : دانشگاه‌لاهور وآیا صوفیا ۱۷۰۲)

۴ـترجمه(فارسی) **روضة‌الریاحین** از فضل‌الله جهان بن اسدالله الحسینی العربی السمنانی درزمان سلطان محمد قطب شاه (۱۰۲۰-۱۰۳۵ ه).(نسخه خطی : اته۱۰۲۶)

۵ـ**ترجمه خلاصة المفاخر** یا ترجمة التکمله از یکی از مریدان شیخ جلال‌الدین بخاری بفرمایش مرشد.

۶ـ **مناقب العارفین** تألیف شمس الدین احمد افلاکی مرید جلال الدین عارف نوه جلال الدین رومی. آغاز در ۷۱۸ و اتمام در ۷۵۴ هـ در ذکر جلال الدین رومی وغیره. (استوری ج۱ ص۹۳۸)

۷ـ **خلاصة المناقب** تالیف احمد بن صمد از مریدان جلال الدین بخاری. خلاصه ای از کتاب فوق تهیه کرده است (ایوانو ۲۴۱)

۸ـ **ثواقب المناقب اولیاء الله** تألیف عبدالوهاب بن جلال الدین محمد همدانی بسال ۹۴۷هـ خلاصه ای از مناقب العارفین (شماره ۶ فوق) (اته اندیا آفس ۶۳۱).

۹ـ **شیرازنامه** تألیف احمد بن ابی الخیر شیرازی بسال ۷۴۴هـ در ذکر عرفای شیراز. (استوری ج۱ ص۹۳۷)

۱۰ـ **صفوة الصفا** تألیف توکلی بن اسماعیل بن حاجی اردبیلی معروف به ابن بزاز بسال ۷۵۹ هـ در ذکر شیخ صفی الدین اسحق و پسرش صدرالدین موسی (استوری ج۱ ص۹۴۰)

۱۱ـ **تذکره صفوة الصفا** که ابوالفتح الحسینی بامر شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ـ۹۸۴هـ) دوباره ترتیب داد و بقول ریو تنها مقدمه و خاتمه اضافه کرد. خاتمه آن مشتمل است بر ذکر اولاد صفی الدین تا شاه طهماسب. (نسخ خطی. ریو ج۱ ص۳۴۵ب و راون تکمله ۸۳۷ و مشهد ج۳ فصل ۱۴ ش۶۸).

۱۲ـ **کتاب ملازاده** یا رساله ملازاده تالیف احمد بن محمد **معروف به معین الفقراء** که درقرن نهم میزیسته است. مشتمل است برشرح حال **معاریف مخصوصاً** صوفیه که در بخارا مدفونند ـ نسخ خطی: دانشگاه لنین گراد ۹۴۷ب و ۹۴۸ب و دانشگاه تاشکند سمونوف ۶۴ و مجلس ۲۲۵ و بخارا سمونوف ۹۲. چاپ بخارا ۱۹۰۴م.

۱۳ـ **تذکرهٔ شیوخ بخارا** ـ ظاهراً همان تذکره فوق است تالیف احمد بن محمد (رجوع شود به زالمان ـ روزن ص۱۳).

۱۴ ـ**تذکره هزارمزار** . ترجمه فارسی شد الازار عن زوار المزار تالیف معین الدین ابوالقاسم جنید. ترجمه ازعیسی بن جنیدشیرازی متوفی بعداز ۷۹۱هـ. چاپ شیراز ۱۳۲۰ش.

۱۵ـ **نفحات الانس من حضرات القدس** تالیف نورالدین عبدالرحمن جامی (متوفی در۸۹۸هـ) درذکر قریب به ۵۶۷صوفی .(استوری ج۱ص۹۵۴)

۱۶ـ **مجالس العشاق** تالیف عبدالغازی سلطان حسین . آغاز در ۹۰۸هـ و اتمام ۹۰۹هـ درذکر ۷۶ صوفی(استوری ج۱ص۹۶۱)

۱۷ـ**رشحات عین الحیات** تالیف فخرالدین علی بن الحسین الواعظ کاشفی المشتهر بهالصفی (متوفی در۹۳۹هـ)(استوری ج۱ص ۹۶۴)

۱۸و۱۹ **تذکرة اولیاء و سلسلة العارفین** دوتذکره تالیف محمد بن برهان-الدین سمرقندی معروف بهمحمد قاضی (متوفی در۹۲۱هـ) مرید خواجه عبیدالله احرار نقشبندی (استوری ج۱ص۹۶۷)

۲۰ـ**تاریخ سلسله نقشبندی** تالیف ابوالمحسن محمد باقر بن محمدعلی در ۹۴۷هـ (استوری ج۱ص ۹۷۳).

۲۱ـ **روضة الجنان و جنة الجنان** تالیف حسین واعظ قزوینی تبریزی بسال ۹۷۹هـ(ایضاً۹۷۵)

۲۲ـ**سلسلة نامة خواجگان نقشبند** تالیف نورالدین محمدبن حسین قزوینی درذکر شیوخ نقشبندی بسال۹۷۸هـ(ایضاً۹۷۵)

۲۳ـ**سعدیة** تالیف حسین بن میرحسین حسینی سرخسی بسال۹۸۴هـ درذکر خواجههای جویبار(ایضاً۹۷۶)

۲۴ـ **ریاض الاولیا** منسوب بهمعین الدین منبری دراواخر سده دهم درذکر انبیاء واولیاء (ایضاً۹۷۶)

۲۵ـ**تاریخ مزارات بلخ** تالیف محمدصالح بن امیر عبدالله قادرزمان عبدالمومن حان اوزبك (۱۰۰۶هـ)

٢٦ـ**تاریخ‌مدفونین بلخ‌و حالات سمرقند** اسم مؤلف ندارد(ایضاً۹۸۱)

٢٧ـ**سراج السالکین و لطایف العارفین** تالیف‌عبیدالله نقشبندی درذکر شیخ لطف‌الله چشتی (متوفی در۹۷۹ه) وصوفیه نقشبندی (ایضاً۹۸۱)

٢٨ـ **روضةاطهار** تالیف محمد امین حشری‌تبریزی بسال۱۰۱۱هدرفهرست صوفیه که درتبریز دفن شده اند. چاپ‌تبریز۱۳۰۳ه

٦٩ـ**مطلبا طالبین** تالیف ابی‌العباس محمدطالب درحدود۱۰۵٦ه درذکر شیوخ جویبار (استوری‌ج۱ص۱۰۰٤)

٣٠ـ**ثمرات المشایخ** تالیف سید زنده علی المفتی‌دراواخرقرن۱۱ه درذکر شیوخ آسیای‌مرکزی (ایضاً۱۰۱۲)

٣١ـ**سلسلة النسب الصفویه** تالیف شیخ حسین بن شیخ ابدال زاهدی بنام شاه سلیمان صفوی(۱۰۷۷ـ۱۱۵۵ه) درذکر صفی‌الدین اسحاق واولادوی.

٣٢ـ**تذ دره خواجگان** یا تذکره‌عزیزان تالیف محمدصادق کاشقری‌بسال ۱۱۸۲ه(ایضاً۱۰۲٦)

٣٣ـ **مجمع المحققین** تالیف ملا محمد صادق یارکندی بسال ۱۲۰۸ ه در تاریخ‌خواجگان‌کاشغر (ایضاً۱۰۳۵)

٣٤ـ**ریاض‌الواصلین** یاتذکره واصلین.تذکره منظوم که گرامی‌بفرمایش محمد رحیم خان‌خیوه(۱۲۲۱ـ۱۲٤۱ه) بسال۱۲۲۹ هتالیف کرد (ایضاً۱۰۳۷)

٣٥ـ**آداب المسافرین** تالیف آقاتقی خوئی درذکر صوفیه(ایضاً۱۰٤۰)

٣٦ـ**ریاض‌العارفین** تالیف رضاقلیخان هدایت بسال۱۲٦۰ه (ایضاً۱۰٤۰)

٣٧ـ **انیس الطالبین** تالیف محمدشاه محمود بن میرزا فاضل قراس‌میان سالهای۱۱۰۵و۱۱۲۵ ه.درذکر صوفیه مخصوصا خواجه محمد عبدالله بن‌خواجه یحیی شادی نبیره مخدوم اعظم (بادلین‌ج ۳ش۲٤۹٤).

٣٨ـ **مناقب‌اولیاعشریفی** تألیف‌شریف بن‌شریفی‌بسال۱۰۰۵ه درذکرشیوخ

وصوفیه ترك مخصوصاً اجداد مؤلف بنام سلطان محمد سوم عنوان کرده است (فهرست کتابخانه شخصی براون ۱۳۵)

۳۹ـ **شمایل اتقیا** اسم مؤلف ندارد. درذکر اولیاء وصوفیه (ایضاً ۱۴۰)

۴۰ـ **جامع المقامات** تالیف عبدالبقا بن بهاءالدین بن مخدوم اعظم درذکر مخدوم اعظم مؤسس خاندان خواجه در ترکستان شرقی باذکر نسب ومقامات و کرامات وی (بادلین ج۳ ص ۲۴۹۳)

۴۱ـ **تذکره اویسیه**. اسم مؤلف ندارد. در ذکر سلسله اویسیه (ایضا ش ۲۴۹۷)

۴۲ـ **طرایق الحقایق** تالیف معصوم علی بن رحمت علی نعمت اللهی الشیرازی درتهران درصفر ۱۳۱۸ درذکر صوفیه وعرفای بعضی سلسله‌های صوفیه

۴۳ـ **اذکار الاذکیاء فی بیان مناقب المشایخ الطرق** (فهرست فارسی خدیو مصر. چاپ مصر ۱۳۰۶ ص ۴۹۸)

۴۴ـ **ترجمه تکمله کتاب روضة الریاحین فی حکایات الصالحین عبدالله الیافعی** ـ اسم مترجم معلوم نیست (نسخه: ایضاً ۵۰۲)

۴۵ـ **مناقب مزارات بخارای شریف** (نسخه: لنین گراد ۳۹۰ـ شاید ـ رساله مزارات بخارا شریف ـ نسخه: پیشاور ۹۹۹ الف)

۴۶ـ **رساله بزرگان سمرقند** (بخارا سمونوف ۷۱)

۴۷ـ **سلسله عالیه** شجره خواجه عبیدالله احرار و خاندان وی تألیف عبدالحی بن ابوالفتح الحسینی از اولاد خواجه احرار ـ نسخه : دانشگاه تاشکند ۷۴(۵)

۴۸ـ **طبقات مشایخ نقشبندیه بخارا** (نسخه: دانشگاه لنین گراد ش ۸۵۴)

۴۹ـ **تاریخ اجداد وفرزندان واصحاب حضرت مولانا جلال الملة والدین محمد رومی** (نسخه لیدن ج۵ ص ۲۳۲ ش ۲۴۶۰)

۵۰ـ **فضایل بلخ** اصلا بسال ۶۱۰ه بعربی تالیف شده بود وبعداً درسال ۶۷۶ه کسی آنرا بفرمایش قاضی فخرالدین ابوبکر بفارسی ترجمه کرد که **قسمت سوم** آق دردذکر ۷۰شیخ بلخ و اطراف آنست (استوری ج۱ص۱۱۱۳)

۵۱ـ **شرح حال اولیا** (نسخه لینندزیانا ص۱۱۶ش۷۹۰)

۵۲ـ **تذکرة القبور** تالیف عبدالکریم بن حاج ملامهدی اصفهانی در ذکر عرفا **وفضلائیکه** در اصفهان **مدفونند** ـچاپ اصفهان ۱۳۲۴ه

۵۳ـ **تذکرة العارفین** تالیف هادی عرفانی فسائی

۵۴ـ **تذکرة الموحدین** تالیف شیخ جواد یزدی مقیم مشهد . **چاپ ایران** (**باشعشعة الحسینیه** دریک جلد)

۵۵ـ **تذکرة السالکین** تالیف حاج میرزا اردبیلی .چاپ تهران ابن‌سینا

۵۶ـ **تذکرة الاولیا** تالیف حاج شیخ‌علی .چاپ باکو

۵۷ـ **تذکرة الاولیا** تالیف شمس الدین بن خسرو بن پرویز سلماسی پرویزی. چاپ تبریز ۱۳۳۳ه

تذکرة الاولیا یا مزارات کرمان تألیف سعید محرابی کرمانی باهتمام کوهی کرمانی. چاپ تهران ۱۳۳۰ه

۵۹ـ **اسرار الابرار فی اخبار الاخیار** منتخب تذکرة الاولیا و تبصرة الاصفیا در ۸۴ باب .(نسخه موزه ایران باستان تهران ش۳۵۹۲ مورخه ۹۸۷ ه وقف شاه عباس بر آستانه شیخ صفی دراردبیل در ۱۰۱۷ه)

ضمیمه ششم

تذکره علما وفضلا وملوك وامرا وخطاطان وغیره که گاهی ذکر کسانی را که شعر میسرودند نیز شاملند

الف ـ تذکرهٔ علماوفضلاوغیره که درهند وپاکستان تألیف شده است

۱)ـ تذکرهٔ علماوفضلا

۱ـ **تحفة الکرام** تالیف میرعلی شیرقانع تتوی بسال ۸۱ـ۱۱۸۰ه

۲ـ **ارمغان احباب** تالیف شمس العلماء مولوی محمد حسین استاد میسیون کالج لاهور بسال ۱۸۹۰م/۱۳۰۸ه درذکر شعرا وملوك بترتیب الفبا . چاپ لاهور ۱۸۹۰م و۱۹۱۸م

۳ـ **آینه حق‌نما** تألیف (؟) بسال ۱۲۳۱ه بنام غازی الدین حیدر شاه اود درذکر ادباو فضلای شیعه مخصوصاً سیددلدارعلی واستادان وشاگردان وی وبعضی اشخاص دیگر که درلکهنو درزمان وی میزیسته‌اند. (نسخ خطی: ایندیا آفیس دی پی ۱۲۵۹(b) آصفیه ج۲ ص۱۳۳۰ وج۳ ص ۱۸۲ وبانکی پورتکمله ثانی ش ۲۰۶۲).

٤ـ **مجمع النقول** تالیف محمدعلی بن حاجی حسن هندی مشتمل بر ذکر معاریف شیعه که تعزیه ساخته وبه کربلا رفته برای امام‌حسین آه وبکاه میکرده‌اند. (نسخه : برلن ۱۰۲۰)

٥ـمجموعةحیدر شکوه تألیف میرزا محمد حیدر شکوه تنبجه محمد شاه (٦١-١١٣١م) درذکر علما وفضلای شیعه. (نسخه خطی: ایوانو تکمله ثانی ٩٣٠)

نجوم السمافی تراجم العلما تالیف مولوی محمد علی کشمیری الاصل ثم لکهنوی، بسال١٢٨٦ ﻫ بفرمایش سیدحامد حسین درسه«نجم» (یك نجم برای یك قرن) ویك خاتمه. این کتاب مشتملست برذکرعلما وادبای شیعه ازقرن١١و١٢و ١٣هجری. چاپ لکهنو١٣٠٣ﻫ

٧- **میزان الاخلاق** تالیف سیدمحمد علی بن سیدجعفریزدی بسال١٢٤٤ﻫ درهند درشرح حال مؤلف ومدح دولت انگلیس وذکر معاریف یزد.

٨ـ**مظهر الاحدیه فی بیان الانساب السادات زیدیه** تالیف سید عبدالاحد ظفرآبادی. شجره نامه سادات زیدی ظفرآباد(در ٣ میل جنوب شرقی جونپورهند) اززمان آدم تازمان مؤلف .چاپ جونپور ١٩١٤

٩ـ**تذکره امروهه** تالیف سید مظاهرحسین امروهوی مدرس تاج المدارس امروهه درذکر علماوفضلای متقدم ومتاخر امروهه (اتهص٥٣٠والذریعه ج٤ص٣٧)

١٠ـ**تذکره علمای هند** تالیف احمدعلی چاپ هند١٨٩٤میلادی

١١ـ**ماثرالکرام** تالیف میرغلام علی آزاد بلگرامی بسال١١٦٦ﻫ(ماده تاریخ: خاتمه مسك) که جلد اول آن درذکر شیوخ وعلمای هندمخصوصاً بلگرام است . چاپ هند.

١٢ـ**قاموس المشاهیر** (ازمآخذمقالات الشعرا چاپ کراچی١٩٥٧م)

١٣ـ**ریاض الافکار** تالیف وزیرعلی عبرتی بسال١٢٦٨ﻫ درذکر نثرنگاران قرن١٧و١٨و١٩م که بسیاری ازآنان شاعرهم بودند(رجوع شودبه آثار عبرتی در ذیل بحث درباره«معراج الخیال» در کتاب حاضر).

١٤ـ**تذکره علما** تالیف خیرالدین محمداله آبادی (متوفی درحدود١٨٢٧م) در١٥جمادی الاول١٣١٦هدرذکر ٢٨نفر ازفضلا وعلمای جونپور . چاپ باترجمه انگلیسی در کلکته١٩٣٤م

١٥ـتجلی نور معروف به‌تذکره مشاهیر جونپور تالیف سید نورالدین زیدی ظفرآبادی جونپوری در ١٨٨١م درذکر صوفیه وادباء وشعرای جونپور. چاپ جلد ١ درجونپور ١٨٨٩م وجلد٢ درجونپور ١٩٠٠م

١٦ـنخبة التواریخ تالیف سیدمحمدآل‌حسن بن سیدنذیر احمد مودودی امروهوی درذکر صوفیه وفضلای امروهه درسال١٢٩٦ﻫ دریک‌مقدمه وچهار باب و یک خاتمه . چاپ امروهه ١٨٨٠م

١٧ـشرایف عثمانی تالیف غلام‌حسن ثامن صدیقی فرشوری بلگرامی در ١١٧٩ﻫ درذکر معاریف بلگرام برای اصلاح اشتباهات مآثر الکرام آزاد بلگرامی (نسخه: ٢٨٨و نمیره ـ استوری ج١ ص١١١٥)

١٨ـمرآت‌الاحوال‌جهان‌نما تالیف احمدبن محمد علی اصفهانی بهبهانی درعظیم آباد بسال١٢٥٣ﻫ وبنام محمد علیسان قاجار (پسر ارشد فتحعلیشاه متوفی در١٢٣٧ﻫ) .(نسخ: ریوج١ ١٣٨٥وریو تکمله١٣١وبانکی‌پورج٧ش ٦٢٨وبوهار٩٦ واینڈیا آفیس‌ دی پی٧٤٨واینڈیا آفیس٣٩٤١وایوانو٢٧٨ وایوانو تکمله ثانی ٩٣٥ وآصفیه ج١ص٢٥٣ ش١٩٥ونذیر احمد ٧١).

٢ـتذکرة الامراء

١ ـ**تذکرة الامراء** تالیف کیول رام بسال١١٨٦ﻫ درذکر امرائی که دردربار تیموریان‌هند اززمان اکبر تاعالمگیر شاه میزیسته ند در دوباب بترتیب در ذکر امرای مسلمان وهندو(نسخه: ریوج٣ص٩٧١ب)

٢ـ**ارشاد الوزراء** تالیف صدرالدین‌محمدبن زبردست خان درزمان‌محمدشاه (١١٣١ـ١١٦١ﻫ) درذکروزرای ایران[1] وهند(بعد از اسلام) (نسخه ناقص‌الآخر: ریوج١ص٣٣٨ب)

١ـ مؤلف فیثاغورث وسقراط وافلاطون و ارسطو وغیره را وزیر گشتاسپ وبهمن و همای ودارا وشاهان دیگر ایرانی نوشته است! !

دانشمندان نامی واقع دراصفهان ومؤلف درضمن ترجمه مختصر و آثار و اشعار آنان را هم آورده است. چاپ اصفهان ١٣٦٩ھ

١٢-**ریحانة‌الادب** تالیف میرزا محمدعلی بن محمد طاهر تبریزی خیابانی معروف به‌مدرس (متوفی درسال ١٣٧٣ ھ) در ذکر بزرگان ودانشمندان بترتیب الفبا . چاپ درشش جلد درتهران ١٣٣٥ش.

١٣- **نامه دانشوران** تحت نظرجمعی مانند شمس العلما شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی (متوفی درحدود ١٣١٤ھ) واعتمادالسلطنه محمدحسن‌خان مراغه‌ای تهرانی ملقب به صنیع الملك (متوفی در ١٣١٣ھ) و حاج میرزا ابوالفضل ساوجی (متوفی در ١٣١٢ھ) درذکر جمعی از فقها وادبا و شعرا واطبا وعرفا و فلاسفه و مردان نامی و آثار واشعار آنان بترتیب الفبا . ناتمام مانده وباشین «شاه نعمت‌الله ولی» پایان یافته است. چاپ تهران درهفت جلد درسال ١٣١٣ھ تا ١٣٢٤ھ(نیزرجوع شود به‌استوری ج١ ص٤-١١٧٣ که آنجا استوری نام این کتاب را «نامه دانشوران ناصری» ذکر کرده است).

١٤-**دانشوران‌خراسان** تالیف غلامرضا ریاضی. چاپ‌تهران ١٣٣٦ش

١٥-**حدیقة الاحباب فی‌ذکر المعروفین بالکنی والالقاب و الانساب** تالیف‌حاج شیخ عباس قمی بسال ١٣٤٩ ھ درذکر شعرا وفضلای شیعه وسنی متقدم ومتاخر بترتیب الفبا درسه باب. چاپ نجف ١٣٤٩ھ وتهران ١٣٢٩ش

١٦-**وفیات معاصرین** تالیف میرزا محمدبن عبدالوهاب قزوینی در ذکر معاصرین (شعراوغیره) بترتیب الفبا درمجله «یادگار» که ازج٣ تاج٥ ش١٠ (با بعضی وقفه‌ها) جاری بود.

١٧- **نثرفارسی معاصر** تالیف ایرج افشار در ذکر نویسندگان (و بعضی شعرا) بامنتخبات آثار منثور آنان . چاپ‌تهران ١٣٣٠ش.

١٨-**دانشمندان آذربایجان** تالیف محمد علیخان تربیت درذکرمعاریف آذربایجان مخصوصاً شعراوفضلای آنجا. چاپ‌تهران ١٣١٤ش.

تذکره‌های سلاطین

۱ــ **تاریخ کلام الملوک** تالیف میرزا محمد یوسف‌لاهیجی در تایخ واحوال سلاطین است (فهرست کتب فارسی کتابخانه‌خدیو مصر .چاپ‌مصر ۱۳۰۶ص ۵۰۰)

مقاله مقاله‌چهارم آن‌دردکر تراجم رجال‌وبزرگان‌قهستان‌وامراووزراوشعرا است.

۳ـ **تذکره‌شوشتر** تالیف‌سیدعبداللەجزایری‌متخلص‌به‌فقیر (متوفی‌در۱۱۷۳ه) بسال۱۱٦٤ه وسپس‌مؤلف‌در۱۱٦۹ هلاحقه‌ای بآن‌اضافه کرد. مشتمل‌است‌بر تاریخو تراجم‌عده‌ای ازعلماوسادات‌وشعرا ورجال وحکام شوشتر در٤٤ فصل. چاپ کللکته بسال۱۳٤۳ه . بتصحیح خان بهادر مولا بخش ومحمد هدایت‌حسین.

٤ـ**لطایف‌الطوایف** تالیف فخرالدین علی صفی بیهقی(متوفی در۹۳۹ه) . باب‌نهم‌آن‌مشتمل است‌بر لطایف شعرا که مولف‌ضمناً شرح حال مختصری از بعضی شعرا نیز آورده‌است. چاپ‌تهران۱۳۳٦ش باهتمام‌آقای احمد گلچین معانی.

۵ـ**مطلع‌الشمس** تالیف محمد حسن خان مراغی ملقب به صنیع الدوله و اعتضادالسلطنه (متوفی‌درتهران‌بسال۱۸۹٦م) دردکرشهرهاوفضلا ومعاریف‌خراسان. چاپ‌تهران۳ـ۱۳۰۱.

٦ـ**حقایق‌الانوار پارسی** تالیف عبدالرزاق دنبلی آذربایجانی متخلص به‌مفتون(متوفی‌در۱۳٤۳ه) درذکر شعرای عرب وعجم وحل معضلات اشعار آنانو منشآت ومطارحات وفصاحت وبلاغت اقوالو سیاست ملوك وآداب وزرا وغیره در ۲۳حدیقه.

۷ـ**ریاض الجنه**تالیف میرزاحسن‌حسینی زنوری‌متخلص‌به‌فانی‌بسال۱۲۱٦ه دریك مقدمه وهشت روضه ویك خاتمه مانند دائرةالمعارفی است از عهد مؤلف. روضه‌های رابع وخامس وسادس وسابع آن اختصاص دارد بذکر علما وحکماو وشعرا ووزرا وآثار واشعارشان.

۸ـ**آثارعجم** تالیف محمد نصیر میرزا فرصت حسینی شیرازی (متوفی در سال۱۳۳۹ه) بسال۳ـ۱۳۱۰ هدرذکر جغرافی وتاریخ وعرفا وحکما علما وادباو فصحا ومجتهدین فارس. چاپ بمبئی۱۳۱٤و۱۳۵۳ه.

۹. **عوالم الاسرار فی غرایب الاسفار** تالیف عبدالکریم بن محمود قاضی معروف به قاضی اختیار در شرح مسافرتهای مؤلف به نقاط مختلفه ماوراءالنهر و خراسان با ذکر صوفیه و شعرا و فضلا در بخارا در زمان مؤلف. آغاز تالیف در سال ۱۰۰۹ه‍ ـ
نسخه: اته ۱۷۲۳ (استوری ج۱ ص ۱۱۱۶)

ضمیمه هشتم

فهرست کتب تاریخ که در آن ضمناً ذکر شعراهم آمده است

الف ـ کتب تاریخ که درهندو پاکستان تألیف شده است

۱ ـ **تاریخ سلطان محمد قطبشاه** تالیف(؟) بسال۱۰۳۶[1]ه

۲ـ **تاریخ قطب شاهی** تالیف قادرخان منشی بیدری بسال۱۲٤٥[1]ه

۳ـ **گلشن ابراهیمی** (تاریخ فرشته) تالیف محمد قاسم فرشته هندوشاه
ستر آبادی بسال۱۰۱٥ه.چاپ هند.

٤ـ **طبقات اکبری** تالیف نظام‌الدین احمد هروی بسال ۲ـ۱۰۰۱ه مشتمل
ذکر۸۱ شاعر زمان اکبر شاه .چاپ لکهنو ۱۸۷۰م و۱۸۷٥م و کلکته۱۹۱۳م.

٥ـ **منتخب التواریخ** تالیف عبدالقادر بداونی مشتمل بر ذکر ۱٦٦ شاعر
مان اکبر شاه (جلدسوم درذکر علما وفقرا وشعرا) .چاپ انجمن آسیائی بنگال
لکته.

٦ـ **آئین اکبری** (اصلا دفترسوم اکبر نامه) تالیف شیخ ابوالفضل علامی.
شتمل بر پنج دفتر ـ دفتردوم آن درذکر فضلاوشعرای زمان اکبرشاه است.چاپ لکهنو
۱۸٦و۱۸۸۲و۱۸۹۳م و کلکته۷۷ـ۱۸٦۷م.

۷ـ **اکبر نامه** تالیف ابوالفضل علامی .چاپ کلکته۱۸۷۷م

۸ـ **مآثر رحیمی** تالیف ملاعبدالباقی نهاوندی. تاریخ بیرم خان وعبدالرحیم خان خانخانان درسه جلد . خاتمه جلد سوم مشتمل است برذکر۱) ۳۱ نفر از علماء فضلا۲) ۱۰۶ نفر ازشعرا ۳)۴۸ نفر ازسپاهیان ومستبدان هرطبقه وطایفه که جزو متوسلین ومنسلکین دربار عبدالرحیم خانخانان سپهسالار معروف اکبرشاه بودند چاپ انجمن آسیائی بنگال ۱۹۳۱م

۹ـ **مفتاح التواریخ** تالیف تامس ولیم بیل درحدود۱۲۶۵هـ. چاپ نولکشور لکهنو بسال ۱۲۸۴هـ

۱۰ـ **سیرالمتأخرین** تالیف غلامحسین خان. چاپ لکهنو ۱۸۶۶م/۱۲۸۳هـ

۱۱ **تاریخ صدر جهان** تالیف ملک القضاة صدرجهان فیض الله بنیانی معاصر محمودشاه بیگاره سلطان گجرات(۸۶۳ـ۹۱۷هـ)

۱۲ـ **جام جهان نما** تالیف محمدقدرت الله شوق صدیقی آغازدر۱۱۹۱هـ وپایان در۱۱۹۹هـ تاریخ عمومی استوخاتمه آن درذکر فضلا وعرفا وشعرا وغیره میباشد.

۱۳ـ **مرآت آفتاب نما** تألیف نواب عبدالرحمن شاهنوازخان هاشمی دهلوی (متوفی در۱۲۲۲هـ) بسال ۱۲۱۸هـ . تاریخ عمومی است باذکرمفصل وقایع زمان شاه عالم وجغرافی وشرح حال شعرا وفضلا .

۱۴ـ **زبدة الغرایب** تألیف محمد رضا نجم بن ابوالقاسم طباطبائی بسال ۱۲۳۱هـ . تاریخ عمومی درپنج مجلد ومجلد پنجم آن درذکر فلاسفه وصوفیه و شعراست .

۱۵ـ **یادگار بهادری** تألیف بهادرسنگه بن هزاری مل شاهجهان آبادی بسال ۱۲۴۹هـ . تاریخ عمومی است درچهار «سانحه» وچند باب درذکر فضلا و شعرا و جغرافی وفنون وعلوم .

۱۶ـ **تاریخ هندی** تألیف رستم علی شاه آبادی بسال ۱۱۵۴هـ . خاتمه آن

۱ـ ازمآخذ کلام الملوك (اردو) تالیف میر سعادت علی رضوی. چاپ هند بسال ۱۳۵۷هـ

درذکر شیوخ وعلما وشعرای معاصر مؤلف است

۱۷ــ **تاریخ محمد شاهی یا نادرالزمانی** تألیف‌خوشحال‌چند بسال۱۱۵۹هـ. **مقاله دوم‌آن** درذکر ۱۵۸ شاعر است که فهرست اسامی آنان در فهرست پرتش برلن آمده است .

۱۸ــ **واقعات‌کشمیر** تألیف خواجه اعظم. آغاز در۱۱۴۰هـ و پایان۱۱۶۰هـ که ضمناً ذکر اکثر عرفا وفضلا وشعرای کشمیر را هم دارد . چاپ هند .

۱۹ــ **برهان‌الفتوح** تألیف محمد علی بن محمد صادق حسینی نیشاپوری . نجفی برهانپوری بسال۱۱۴۸هـ بنام نواب برهان‌الملك سعادت‌خان‌نیشاپوری‌حاکم اود . تاریخ مختصر باتوجه خاص بسالها دریك مقدمه و۱۸ باب ویك خاتمه که خاتمه‌آن درذکر شعرا وفضلااست .

۲۰ــ **مرآت الواردات** تألیف محمد شفیع واردبن سید محمد شفیع بسال ۱۱۴۶هـ . تاریخ سلاطین تیموری هند تاسال شانزدهم سلطنت محمد شاه (۱۱۴۶م) درچهار طبقه ـ طبقه سوم آن درذکر شعرا ونوبسندگان هند وستاست .

۲۱ــ **عمل صالح** تألیف محمد صالح کنبوه لاهوری بسال ۱۰۷۰هـ . تاریخ مفصل زمان شاهجهان که ضمناً ذکر شعرا و فضلای زمان شاهجهان را هم دارد . چاپ هند .

۲۲ــ **لب‌السیر وجهان‌نما** تألیف میرزا ابوطالب‌خان طالب‌اصفهانی(مؤلف تذکرهٔ‌خلاصة‌الافکار). خلاصه تاریخ جهانست که وی بسال۱۲۰۸هـ بنام‌آصف‌الدوله حاکم اود تألیف کرده است . درچهار باب وباب سوم آن درذکر مختصر شعرا و فضلای معروف است . رجوع شود به بحث دربارهٔ تذکرهٔ خلاصة‌الافکار درکتاب حاضر .

۲۳ــ **اویماق مغل** (مغول) تألیف محمد عبدالقادر آقـه باش قاجار ساکن سونگهر ضلع مند سوره مالوه‌بسال ۱۳۱۹هـ . مشتمل‌است برذکر سلاطین‌وخوانین مغول وضمناً ذکر مختصر شعرا وعرفا وعلمارا نیزدرذیل ذکرسلاطین مغول‌آورده

وفی‌درتهران۱۸۹۶م) بسال ۱۳۰۶ه در تاریخ چهل سال اول سلطنت ناصرالدین
قاجار (۱۲۶٤-۱۳۱٤ه) . باب دهم آن درذکرشعرا و نویسندگان وفضلااست.

۱۷- **تاریخ ارسباران** تالیف سرهنگ بایبوردی . صفحه ۱۹۲تا۲۱۶ ذکر
فا وعلما وشعرا واهل منبر وسادات و نویسندگان معاصر ارسباران دارد . چاپ
ران ۱۳٤۱ه

۱۸ و ۱۹- **تاریخ خان جهانی ومخزن افغانی** تالیف نعمت‌الله‌بن‌حبیب‌الله
وی بسال ۱۰۲۱ه که خاتمه‌آن ذکر ٦۸ صوفی را دارد . همچنین دفتر سوم
لاصه این کتاب بنام «مخزن افغانی» نیزذکرصوفیه افغانی‌رادارد. (استوری ج۱
۹۸٤) .

ه‍ـ تذکره عذری یا تذکره اسحق مجموعه اشعاریست از شعرای متقدم و متاخر **که اسحق بیگ عذری** بیگدلی برادر آذر بیگدلی جمع آوری نموده است ـ نسخه: **سپه سالار** تهران و ملك تهران ۳۷۹٤ .

۶ـ **تذکره صائب** تألیف میرزا صائب اصفهانی ـ بیاض اشعاریست .

۷ـ **تذکرة الخوانین** تألیف میردوستی[1] بسال ۹۵۵ در ذکر اشعار ۲٤۰ شاعر که اکثرشان هم عصر یا قریب العصر مولف بودند و در وزن و قافیه واحد و**مشترك** اشعاری سروده اند . بردیف حروف الفبا ـ نسخه : مرکزی ۲٤۳۱ .

۸ـ **تذکره کنوزالشعرا** تألیف صدرالدین محمد بهبهانی در قرن ۱۱ ه اشعار شعرا را از روی **مضامین** و موضوعات و معانی خاصی آورده است .

۹ـ **تذکره الهی** تألیف ابوالحسن صاحب فرید آبادی ـ چاپ نولکشور لکهنو ۱۸۹۸ م /۱۳۱۶ ه ملفوظات شاه مظفر علی اکبر آبادی است .

۱۰ـ **تذکرة العاشقین** دیوان غزل نقی اوحدی (رجوع شود به آثار تقی اوحدی در ذیل بحث در باره عرفات العاشقین در این کتاب) .

۱۱ـ **تذکرة العاشقین** دیوان شعر شیخ حزین ـ چاپ لکهنو ۱۸۷۶م/۱۲۹۳ه .

۱۲ **تذکره نصرت یا خلاصه لطایف الخیال** مجموعه اشعار شعرای متقدم و متاخر و معاصر مولف است که امیر محمد صالح رضوی ملقب به صدر الممالك بسال ۱۱۰٤ ه ترتیب داده است و محمد نصیر نصرت مقدمه ای بر آن افزوده است ـ نسخ خطی : مجلس ۱۱۷۰ و سپهسالار ۲۷۳۰ وملك تهران ٤۱۳۱ ومرکزی تهران ش ۳۹۵۱ ونیز رجوع شود به سپهسالار ش ۱۱۲۲.

۱۳ـ **تذکره خاور** مجموعه اشعار شعرای متقدم ومتاخر است بترتیب الفبا که حیدر قلی میرزا متخلص به خاور در قرن ۱۳ ه از قصیده و غزل ترتیب داده است . نسخه : ملك ٤۳۰۰ .

۱ـ برای شرح حال میردوستی رجوع شود به میخانه چاپ تهران ص ۲ ـ ۶۶۱ در ذیل نام دوستی سمرقندی .

[illegible] — ١٨

[illegible] ١٨٣٨ ܡ [illegible]

[illegible]

[illegible] — ١٨

[illegible] (١٨٨٣ [illegible]) [illegible]

[illegible] — ١١

[illegible] ١٣٧ [illegible]

[illegible] ١١٩٨ [illegible] ١٩٨٩ [illegible]

[illegible] ٢٧٢ [illegible] — ١٠

[illegible]

[illegible]

[illegible]

(٥ ١٠٢١) [illegible] ١٠٥٢ [illegible] (٥ ١٠٢١)

[illegible] — ٩

٩٧ [illegible]

[illegible] ١٨ [illegible]

[illegible] — ٧

[illegible] ١٨٠٨ [illegible]

[illegible] — ٨

[illegible] ٨٠٣ [illegible]

[illegible] (١٨٤٨) [illegible] (٥ ١٨٨٢) — ٢

[illegible] ١٩٩٣ [illegible]

[illegible] ١٨٨٥ [illegible] ١٩٥٠ [illegible]

[illegible] — ٥

باره وضع سیاسی وادبی درعهد شاهرخ را دارد وشرح حال شعراء را ندارد . چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳٤ ش .

۱٤- **گلستان مسرت** یاحدایق المعانی تألیف محمدخان مصطفی بسال ۱۲۹۱ه . مجموعه اشعاریست در پنج حدیقه - چاپ مطبع مصطفائی هند .

۱۵- **گلدسته نشاط** تألیف منولال معهد جارج آکلند بسال ۱۲۵۲ه مطابق ۱۸۳۶م . مجموعه اشعاریست از شعرای متقدمو متاخر بزبان فارسی و هندی(اردو) درهفت گلدسته درذیل عناوین مختلف .

۱٦- **بزم ایران** تألیف حاجی سید محمد رضا طباطبائی یزدی . چاپ نظامی پرس لکهنو ۱۳٤۵ ه . درباب سوم آن اشعار شعرای مختلف « برای استشهاد در بزم آرائی » بترتیب حروف تهجی آمده است .

اضافات

بدذیل شرح حال شعرا مؤلف اسم کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب از آن استفاده کرده است.

۱ـ تاریخ حسن ـ حسن کویهامی جلدسوم وچهارم چاپ سرینگر کشمیر
۲ـ واقعات کشمیر ـ محمداعظم دیده مری ـ چاپ کشمیر
۳ـ تصوف در کشمیر در قرون ۱۴ و ۱۵ ـ مقاله مؤلف که در شماره مورخ ژوئیه ۱۹۶۳م. درمجله دنیای اسلام (انگلیسی) چاپ امریکا چاپ شده است.
٤ـ مخبر الاسرار ـ حافظ قادری چاپ لاهور
٥ـ اکبر نامه ابوالفضل چاپ کلکته ۱۹۲۹م.
٦ـ منتخب التواریخ ـ عبدالقادر بداونی
۷ـ فتحات کبرویه ـ نسخه خطی متعلق بکتابخانه تحقیق کشمیر
۸ـ تحفه اشرفیه ـ محمدحسن ـ چاپ لاهور ۱۳۵۲ه
۹ـ دیوان حبی ـ میر حبیب الله کامل چاپ کشمیر ۱۳۸۱ه
۱۰ـ مقدمه دیوان غنی از محمد علی ماهر چاپ لکهنو ۱۹۳۱م
۱۱ـ تذکره نصر آبادی
۱۲ـ شمع انجمن
۱۳ـ مرآت الخیال
۱٤ـ کلمات الشعرا
۱۵ـ دیوان فانی بتصحیح و تحشیه دکتر تیکو (مؤلف) چاپ تهران ۱۳٤۲ش.
۱٦ـ مقدمه ترجمه انگلیسی «دبستان مذاهب» چاپ پاریس ۱۸٤۳م.
۱۷ـ کاتالوگ کتب انجمن آسیائی بنگال تألیف ایوانو
۱۸ـ تحفة الاکملیه چاپ لاهور ۱۳۵۰ه
۱۹ـ بحر العرفان چاپ کشمیر ۱۳۸۱ه
۲۰ـ تاریخ ملاخلیل مرجانپوری
۲۱ـ خوارق السالکین ـ احمدبن الصبور کشمیری

شعرا را بیان کرده ودرپایان مقال‌اسم کتابهائی که اطلاعات بیشتردرباره شاعرمورد بحث دارند نیزذکر کرده‌است .

مؤلف گاهی‌درباره‌بعضی‌اصطلاحات محلی و کلمات سنسکریت‌واسامی‌رجال که درضمن شرح‌حال یاآثار بعضی‌شعرا آمده‌است درحاشیه کتاب توضیح داده‌است.

مؤلف درمقدمه توضیح داده‌است که‌یادداشتهائی را که درباره ساطع ومشتاق دوشاعرغزلسرای قرن۱۸م کشمیرتهیه کرده بوددرموقع مراجعت‌از کشمیربتهران درراه گم کرده وبنابراین نتوانست‌آنها رادراین کتاب بچاپ برساند.

مؤلف اشعار شعرا رانیزمفصل‌آورده‌است وسعی کرده است منتخبات‌آنان را از انواع شعرمانند غزل ومثنوی وترجیع بندورباعی وغیره نقل کند.

رویهمرفته‌این کتاب‌اطلاعات‌مفیدی‌رادرباره‌شعرای کشمیربهم‌میرساندوهمچنین منتخبات آثار خوبی ازآنان را شاملست. اما معلوم نیست چرا مؤلف ذکر تنها۱۹شاعررا دراین کتاب آورده‌است درصورتیکه تنها تاریخ‌حسن حصه (قسمت) چهارم ذکر۱۱۸شاعر کشمیررا آورده‌است واین کتاب جزومآخذ کتاب مورد بحث میباشد .

مؤلف فهرست منابع ومآخذ کتاب خودرا یکجاذکر نکرده‌است و همچنین باوجوداینکه سرتاسراین کتاب چندین غلط چاپی‌بچشم میخورد غلط نامه‌ای‌برای این کتاب تهیه نکرده‌است.

دربعضی‌موارد دراین کتاب غلطهای املائی وغیره نیز بچشم میخورد که در سطورذیل به بعضی ازآنهااشاره میشود تادرموقع تجدید چاپ بوسیله مؤلف‌اصلاح گردد .

هردواین‌آثار بجای این‌هردواثر(حاشیه۲صفحه پ).

برای‌اطلاع بیشتررجوع شود بجای‌برای‌اطلاع بیشتررجوع شودبه(ص۱)

برای اطلاع بیشتربه مآخذذیل رجوع شودبجای برای اطلاع‌بیشتربمآخذ ذیل رجوع شود(ص۹)

مهمترین مأخذ موجود در باره‌حیات وشعر اوعبار تست‌از بجای مهمترین‌مآخذ
مآخذ مهم (ص٣٦)

آثارمنظوم وی‌دیوانی‌است‌بجای‌ازجمله‌آثارمنظوم وی‌یااثرمنظوموی(ص٧٥)

..... متأسفانه یادداشتهای کـه نگارنده از آنها کرده بود گم شده بجـای
متأسفانه یادداشتهائی که نگارنده از آنهاتهیه کرده‌بود گم شده‌است(ص١٢١)

..... زوجه هنگام سوزانده شدن جسد شوهر باید خود رانیز درهمان آتش
بسوزاند بجای زوجه هنگام سوزاندن جسدشوهر موظف بود خودرا نیز درهمان
آتش‌بسوزاند (ص١٧٣)

چاپ ـ تهران درشهریور ١٣٤٢ ش از طرف انجمن ایران و هند تهران‌
صرفنظر از غلطهـای چاپی که در این کتاب فراوانست چاپ خوبی است و مؤلف
پنج‌عکس‌ازمقبره‌های شعرا وچهـارعکس ازنمونه‌های خط‌شعرا ویك‌عکس‌ازسردر
مقبره بدخشی را نیز دراین کتاب‌آورده است .

برای **شرح حال** مؤلف رجوع‌شود به‌هامش‌درپایان‌دیوان محسن‌فانی‌چاپ
تهران بسـال ١٣٤٢ش . بتصحیح وتحشیه دکترتیکو.

فهرست اسامی شعرا

١ـ ویس ٢ـ صرفی ٣ـ حبی ٤ـ غنی ٥ـ فانی ٦ـ اکمل ٧ـ طیب ٨ـ صادق
٩ـ جویا ١٠ـ سالم ١١ـ آذر ١٢ـ بلبل ١٣ـ توفیق ١٤ـ بینش ١٥ـ شایق ١٦ـ تیکو
١٧ـ خوشدل ١٨ـ حمید ١٩ـ وارسته .

[illegible]

[illegible]

فهرست منابع

الف- کتب فارسی

۱- **آتشکده** تالیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی **چاپ** تهران ۱۳۳۷ھ باهتمام دکتر جعفر شهیدی

۲- **آتشکده** تالیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی **چاپ** تهران ۴۰ - ۱۳۳۵ھ (سه جلد) بتصحیح و تحشیه دکتر حسن سادات ناصری

۳- **آئین اکبری** تالیف ابوالفضل علامی **چاپ** نولکشور لکهنو ۱۸۹۳م - ۱۳۱۰ھ

۴- **اختر تابان** تالیف ابوالقاسم محتشم **چاپ** بهوپال ۱۲۹۹ھ.

۵- **اشارات بینش** تالیف سید مرتضی بینش **چاپ** مدراس ۱۲۶۸ھ.

۶- **اکبر نامه** تالیف ابوالفضل علامی **چاپ** کلکته ۱۸۷۷م.

۷- **انیس الاحبا** تالیف موهن لعل انیس **نسخه خطی** دانشگاه **لاهور** و مجلس تهران (= کتابخانه شخصی استاد سعید نفیسی)

۸- **انیس العاشقین** تألیف کنوردتن سنگه زخمی **نسخه خطی** دانشگاه لاهور عکسهای نسخه خطی کتابخانه ماتا پرشاد که در دانشگاه لاهور موجود است.

۹- **باغ گلهای حسن** رجوع شود به مجموعه عشق شماره ۱۳۷ در سطور ذیل.

۱۰- **باغ معانی** تألیف نقش علی **نسخه خطی** بانکی پور ج ۸ ش ۶۹۸.

۱۱ـ**بحرذخار**ـ**نسخه خطی** موزه بریتانیا فهرست ریو ج۳ ص۸۷۹ب.

۱۲ـ**بزم آرای** تالیف علی بن محمود الحسینی **نسخه خطی** ریو ذیل ش۱۰۶ ص۷۳الف.

۱۳ـ**بهارستان سخن** تالیف میر عبدالرزاق شاهنوازخان صمصام الدوله **چاپ** مدراس۱۹۵۸م.

۱٤ـ**بیاض شماره ۲۳۷** مجلس تهران بخط محمدصالح برادرزاده اسکندر بیگ منشی مولف تاریخ عالم آرای عباسی.

۱۵ـ**پادشاه نامه** تالیف عبدالحمید لاهوری **چاپ** کلکته۱۸٦۷.

۱٦ـ**تاریخ احوال** تالیف شیخ محمدعلی حزین (درشرح حال خویش) **چاپ** لندن ۱۸۳۱م.

۱۷ـ**تاریخ ادبیات فارسی** تالیف هرمان اته ـ ترجمه فارسی ازد کتر رضازاده شفق **چاپ** تهران۱۳۳۷ش

۱۸ـ **تاریخ جهانگیری** تالیف مطربی سمرقندی **نسخه خطی** اته ج ۲ ش۳۰۲۳.

۱۹ـ**تاریخ فرشته یا گلشن ابراهیمی** تالیف ملا محمد قاسم هندوشاه **چاپ** نولکشور لکهنو ۱۲۸۱ه.

۲۰ـ**تاریخ محمدشاهی** معروف به نادرالزمانی تالیف خوشحالچند نسخه خطی.

۲۱ـ**تاریخ معصومی** یا تاریخ تألیف سید میر معصوم نامی بهکری **چاپ** بمبئی ۱۹۳۸م/۱۳۵۷ه

۲۲ـ**تحفه سامی** تالیف سام میرزا صفوی **چاپ** مطبعه ارمغان تهران۱۳۱٤ش.

۲۳ـ**تحفة الشعرا** تألیف میرزا افضل بیگ قاقشال **نسخه خطی** متعلق بکتابخانه شخصی کرنل رشید ناظم بیمارستان جناح کراچی.

۲٤ـ**تحفة العالم** تألیف عبداللطیف موسوی شوشتری **چاپ** بمبئی۱۲۹٤ه.

٤٠ـ **تذكرة الملوك** تاليف(؟) درحدود ١١٣٨هـ **چاپ** لندن باهتمام مینورسکی ١٩٤٣ م

٤١ـ **تذكرة الملوك** تاليف یحیی خان منشی فرخ سیر پادشاه هند و **نسخه خطی** اته ش ٤٠٩

٤٢ـ **تذکره نصرت** تالیف علی فطرت عطاءالله متخلص به فطرت **نسخه خطی** اتهش ٦٧٦.

٤٣ـ **تذکره نصرآبادی** تالیف محمد طاهر نصرآبادی **چاپ** ارمغان تهران ١٣١٧ش.

٤٤ـ **تذکره نصرت یا خلاصه لطایف الخیال** تالیف میرزا محمد صالح حسینی در ١١٠٤هـ **نسخه خطی** مرکزی ش ٣٩٥١.

٤٥ـ **تذکره نوبهار** تالیف محمد رفیع الدین نقشبندی **نسخه خطی** دانشگاه لاهور.

٤٦ـ **تذکره همایون واکبر** تالیف بایزید بیات **چاپ** کلکته ١٣٦٠هـ.

٤٧ـ **تذکره هندی گویان** تالیف شیخ غلام همدانی مصحفی امروهوی **چاپ** انجمن ترقی اردو هند.

٤٨ـ **تذکره یوسف علیخان** **نسخه خطی** ایوانو ٤٥ واشپرنگرص ٤-١٩٣.

٤٩ ـ **تکملة الشعرای جام جمشید** تالیف مولوی محمد قدرت‌الله شوق **نسخه خطی** رامپور هند.

٥٠ـ **تکمله مقالات الشعرا** تالیف محمد ابراهیم حلیل **چاپ** کراچی سندی ادبی بورد ١٩٥٨ م.

٥١ـ **تنبیه الغافلین** تالیف سراج‌الدین علیخان آرزو (رجوع شود به تذکره ریاض‌الشعرا درذیل نام حزین).

٥٢ـ **توزك جهانگیری** تالیف جهانگیر پادشاه هند ـ **چاپ** لکهنو (تاریخ ندارد)

٥٣ـ **جوامع الحکایات** تالیف محمد عوفی (بخش اول) ـ چاپ دانشگاه تهران

باهتمام دکتر محمد معین بسال ۱۳۳۵ش

۵٤- **جوامع الحکایات** تألیف محمد عوفی نسخه خطی ش **Or: 4392** **صفحه 87a** و **Add. 16862** موزه بریتانیا

۵۵- **جواهر العجایب** تألیف مولانا سلطان محمد متخلص به فخری بن امیری **چاپ** نولکشور لکهنوی ۱۸۷۳م - ۱۲۹۰ه.

۵٦- **چهار چمن** رجوع شود به مجموعه عشق ش ۱۳۸ درسطور ذیل.

۵۷- **چمنستان شعرا** تالیف لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی **چاپ** اورنگ-آباد ۱۹۲۸م.

۵۸- **حدایق الشعرا** تألیف میرزا امیر بیگ پارسی **نسخه خطی** ایوانو- کرزن ۷۰۲.

۵۹- **حدیقه عشرت** تألیف کنور پرشاد مهر سندیلوی **چاپ** سندیله هند ۱۸۹٤م.

٦۰- **حقیقت الحقیقت** مرتبه ح استفنس **نسخه خطی** موزه بریتانیا ج ۳ ص ۵۸۹.

٦۱ **خزانه عامره** تألیف میرغلام علی آزاد بلگرامی **چاپ** کانپور ۱۸۷۱م.

٦۲- **خزینة الشعرا** تألیف سید علی احملی **نسخه خطی** اندیا آفیس ۳۸۹۹.

٦۳- **خزینه گنج الهی** تألیف میرعماد الدین محمود الهی حسینی **نسخ خطی** اشپرنگر ش ۱۱

٦٤- **خلاصة الاشعار** تألیف تقی کاشی **نسخه خطی** دانشکده ادبیات ش ۱۰٤ب و مجلس تهران ش ۱۹۳۵ و ۳۲٤ ب و بلاند واشپرنگر ش ۸ و ۹ و برلن ش ٦٤۷ الف واته ش ٦٦۷.

٦۵- **خلاصة الافکار** تألیف ابوطالب خان تبریزی اصفهانی - نسخ خطی دانشگاه لاهور تهران ش ۴۳۰۲.

٦٦- **خلاصة الشعرا** تألیف ملا صوفی مازندرانی و عبداللطیف عباسی - نسخ خطی

مجلس ۱۲۰و۱۳۲ وبادلین ش۱۳٦٦[1] .

۶۷ـ **خلاصة الکلام** تألیف علی ابراهیم خلیل ـ نسخ خطی بانکی‌پور ج ۸ ش۷۰٤ـ۵ وبادلین ۳۹۰[1] .

٦۸ـ **خلاصه‌لطایف‌الخیال** رجوع شود به تذکره نصرت **ش٤٦ فوق** .

٦۹ـ **دیوان منتخب سراج** (الدین علی‌خان‌آرزو) . **نسخه خطی** اشپرنگر ص ۱۵۰ .

۷۰ـ **راحة‌الصدور** تألیف محمدبن‌علی‌بن سلیمان راوندی **چاپ** تهران ۱۳۳۳ش .

۷۱ـ **روز روشن** تألیف محمد مظفر حسن گوپا موی متخلص به صبا **چاپ** بهوپال ۱۲۹۷ه .

۷۲ـ **روضة السلاطین** تألیف مولانا سلطان محمد متخلص بـه فخری بن امیری **نسخه خطی** برلن ش٦٤٤

۷۳ـ **ریاض‌الشعرا** تألیف علی‌قلی‌خان واله داغستانی . نسخ خطی‌دانشگاه لاهور وملك تهران ٤۳۰۱

۷٤ـ **ریاض‌العارفین** تالیف رضاقلی‌خان هدایت **چاپ** تهران .

۷۵ـ **ریاض‌الفردوس** تألیف مولوی محمد حسین شاهجهان پوری **چاپ** نولکشور ۱۳۸۳ه .

۷٦ـ **ریاض‌الوفاق** تألیف ذوالفقار علی مست **نسخه خطی** اسپرنگر ۳٦

۷۷ـ **زواید‌الفوید** تألیف عبدالواسع‌هانسوی **نسخه خطی** دانشگاه لاهور .

۷۸ـ **سخنوران‌ایران درعصرحاضر** تألیف دکتر محمد اسحق **چاپ** دهلی جلد اول ۱۳۵۱ه=۱۹۳۳م وجلد دوم ۱۳۵۵ه=۱۹۳۷

۷۹ـ **سخنوران چشم دیده** تألیف ترك علیشاه ترکی **قلندر نورمحلی** **چاپ** حیدرآباد دکن ۱۳۳۲ه .

۱ـ عکسهای این نسخه درکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است .

۸۰ـ **سروآزاد** تألیف میرغلام علی آزاد بلگرامی **چاپ** لاهور ۱۹۱۳م.

۸۱ـ **سفینةالاولیا** تالیف شاهزاده محمد دارا شکوه **چاپ** لکهنو ۱۸۷۸م .

۸۲ـ **سفینه‌بیخبر** تألیف میرعظمت‌الله بیخبر **نسخه خطی** دانشگاه لاهور.

۸۳ـ **سفینه‌خوشگو** تألیف بندرابن داس خوشگو **دفتر اول** نسخه خطی اندیا آفیس ۴۰۲۳ **دفتر دوم** نسخه‌خطی مجلس ش ۴۰۳ ودانشگاه لاهور و**دفترسوم** چاپ پتنه ۱۳۷۷هـ = ۱۵۹۸م .

نسخه آب‌آورد نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ش ۲۶۵۵ و ملك تهران ۴۳۰۵

۸۴ـ**سفینةالشعرا** تألیف (؟) **نسخه خطی** ایوانو ـ کرزن ش ۳۲۶ .

۸۵ـ **سفینه‌عشرت** تألیف درگاداس عشرت **نسخه خطی** بانکی‌پور ج ۸ ص ۶۹۹ .

۸۶ـ **سفینه علی‌حزین** تألیف شیخ محمدعلی حزین. چاپ حیدرآباد دکن ۱۳۶۸هـ = ۱۹۳۰م .

۸۷ـ **سفینه‌هندی** تألیف بهگوان داس هندی. چاپ پتنه ۱۳۷۷هـ = ۱۹۵۸م.

۸۸ـ **سندبادنامه** تألیف محمدبن علی‌الظهیری السمرقندی ـ سخه خطی ریو ص ۷۴۸ و چاپ استانبول وزارت فرهنگ ترکیه ۱۹۴۸م باهتمام آقای احمد آتش .

۸۹ـ **سیرالمتاخرین** تألیف غلامحسین‌خان. چاپ کانپور ۱۸۶۶م .

۹۰ـ **سیرت‌جلال‌الدین‌منکبرنی** تألیف نورالدین محمدنسوی ترجمه محمد علی‌ناصح. چاپ تهران ۱۳۲۴ش.

۹۱ـ **شعرای فارسی‌زبان کشمیر** رجوع شود به تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر ش ۳۶ فوق .

۹۲ـ **شعرای عصر پهلوی** تألیف دنشاجی بهائی ایرانی چاپ بمبئی (جلد اول) ۱۹۳۳م = ۱۳۵۱هـ .

۹۳ـ **شعرای فارسی زبان پیشاور** تألیف دکتر نذیر حسن میرزا برلاس متخلص به نذیر ـ نسخه خطی کتابخانه شخصی دکتر پرویز ناتل خانلری .

۹٤ـ **شعرالعجم** تألیف شبلی نعمانی ترجمه فخرداعی گیلانی ـ چاپ تهران.

۹۵ـ **شمع انجمن** تألیف نواب سید صدیق حسن خان ـ چاپ بهوپال ۱۲۹۳هـ.

۹٦ـ **شمع محفل سخن** تألیف سید عبداللطیف الطاف حسینی ـ نسخه خطی مدراس ش۱۲۷۹ .

۹۷ـ **صبح گلشن** تألیف سید محمد علی حسن خان ـ چاپ بهوپال ۱۲۹۵هـ .

۹۸ـ **صبح وطن** تألیف نواب غلام غوث خان اعظم ـ چاپ مدراس ۱۲۵۸هـ.

۹۹ـ **صحف ابراهیم** تالیف ابراهیم خان خلیل ـ نسخ خطی بانکی پور ج۸ ص۷۰۸ و نسخه برلن ٦٦۳ [1] .

۱۰۰ـ **طبقات اکبری** تالیف نظام الدین احمد ـ چاپ کلکته ۱۹۲۷ـ۱۹۳۵م.

۱۰۱ـ **طبقات سخن** تالیف غلام محی الدین شوق ـ نسخه خطی اشپرنگر ۵۳ و برلن ٦۷۰ .

۱۰۲ـ **طبقات سلاطین اسلام** تألیف استانلی لین پول ترجمه مرحوم عباس اقبال **چاپ** تهران ۱۳۱۳ ش

۱۰۳ـ **طبقات شاهجهانی** تألیف محمد صادق ـ نسخه خطی ریو ج۳ ص۱۰۰۹ ب .

۱۰٤ـ **طبقات ناصری** تألیف منهاج سراج **چاپ** کلکته ۱۸٦٤ م .

۱۰۵ـ **عرفات العاشقین** تألیف تقی اوحدی ـ نسخ خطی کتابخانه بانکی پور ج۸ ص٦ ـ ٦۸۵ و ملك تهران ۵۳۲٤ .

۱۰٦ـ **عقد ثریا** تألیف شیخ غلام همدانی متخلص به مصحفی امروهوی ـ **چاپ** حیدرآباد دکن ۱۹۳٤ م .

۱۰۷ـ **عمل صالح یاشاهجهان نامه** تألیف محمد صالح کنبوه لاهوری **چاپ**

۱ـ عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است .

۱۲۲ـ **گلدسته کرناتك** تالیف حکیم باقر حسین رایق ـ نسخه خطی ایوانو ذیل اول ص۸ـ۱۰

۱۲۳ـ **گل رعنا** تالیف لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی ـ نسخه خطی دانشگاه لاهور و کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی و (فصل دوم) چاپ حیدرآباد دکن

۱۲٤ـ **گلزار اعظم** تالیف نواب غلام غوث خان اعظم ـ چاپ مدراس ۱۲۷۲ه

۱۲۵ـ **لباب الالباب** تالیف محمد عوفی ـ چاپ لندن ولیدن جلد دوم ۱۹۰۳م باهتمام پرفسور براوان. وجلد اول ۱۹۰٦م باهتمام پرفسور براون و میرزا محمد قزوینی و تهران ۱۳۳۵ش باهتمام استاد سعید نفیسی .

۱۲٦ـ **لب تاریخ سند** تالیف خداداد خان ـ چاپ کراچی سندی ادبی بورد ۱۳۷۸ه = ۱۹۵۹ م باهتمام دکتر نبی بخش خان بلوچ .

۱۲۷ـ **لب لباب** تالیف قمرالدین علی ـ نسخه خطی اته ش۶۹۵.

۱۲۸ـ **لطایف الخیال** تألیف شیخ مفید شیرازی (محمد بن محمد شیرازی دارابی) نسخه خطی کتابخانه ملك تهران ۲۹۵۱ و دانشگاه لاهور .

۱۲۹ـ **مآثر الامراء** تالیف صمصام الدوله شاهنواز خان ـ چاپ کلکته ۱۸۸۸م.

۱۳۰ـ **مآثر رحیمی** تالیف ملا عبدالباقی نهاوندی ـ چاپ کلکته ۱۹۳۱م.

۱۳۱ـ **مثنوی صورت حال** گلشن جونپوری ـ نسخه خطی ریو ج۲ ص۷۱۵ب.

۱۳۲ـ **مجالس النفایس** (دو ترجمه آن از قرن دهم) ـ چاپ تهران ۱۳۲۳ش باهتمام استاد علی اصغر حکمت .

۱۳۳ـ **مجمع الشعرای جهانگیری** تالیف قاطعی ـ نسخه خطی بادلین ش۳۷۱

۱۳٤ـ **مجمع الفصحا** تالیف رضاقلی خان هدایت ـ چاپ تهران ۱۳٤۰ باهتمام آقای مظاهر مصفا .

۱۳۵ **مجمع الفضلا** تالیف محمد عارف بقائی ـ نسخه خطی دانشگاه لاهور.

۱۳٦ـ **مجمع النفایس** تالیف سراج الدین علیخان آرزو ـ نسخه خطی دانشگاه لاهور .

۱۳۷- **مجموعه ده دیوان چستر بیتی**-چاپ دبلین ایرلند باهمکاری آقای مجتبی مینوی .

۱۳۸- **مجموعه عشق یاچهارچمن یاباغ گلهای حسن** تالیف غلام محی-الدین میرتهی-نسخه خطی علیگر ذخیره سبحن الله ص۵۳ش۸

۱۳۹- **محك شعرا** تالیف محمد صالح شاملوی خراسانی- نسخه خطی ملك تهران۴۰۹۶ .

۱۴۰- **مخزن الغرایب** تالیف شیخ احمد علی سندیلوی -نسخه خطی دانشگاه لاهور و بادلین ۳۹۵ [۱]

۱۴۱- **مرآت آفتاب نما** تالیف شاهنواز خان هاشمی دهلوی-نسخه خطی دانشگاه لاهور

۱۴۲- **مرآت الاحوال** (جهان نما) تالیف احمد بن محمد علی بهبهانی بسال ۱۲۲۵ه درپتنه . نسخه خطی ملك تهران

۱۴۳- **مرآت الخیال** تالیف شیرخان لودی - چاپ بمبئی ۱۳۲۴ه .

۱۴۴- **مردم دیده** تالیف ملاعبدالحکیم حاکم لاهوری-چاپ لاهور ۱۳۳۹ش.

۱۴۵- **معراج الخیال** تالیف وزیر علی عبرتی -نسخه خطی دانشگاه لاهور .

۱۴۶- **المعجم فی معاییر اشعار العجم** تالیف شمس قیس رازی-چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ش باهتمام استاد مدرس رضوی .

۱۴۷- **مفتاح التواریخ** تالیف طامس ولیم بیل-چاپ نولکشور ۱۲۸۶ه = ۱۸۶۸م .

۱۴۸- **مقالات الشعرا** تالیف قیام الدین حیرت -نسخه خطی رامپور هند .

۱۴۹- **مقالات الشعرا** تالیف میرغلام علی شیرقانع تتو- چاپ کراچی سندی ادبی بورد ۱۹۵۷م .

۱۵۰- **مقدمه جوامع الحکایات** از محمد نظام الدین- چاپ لندن ۱۹۲۹م.

۱- عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است .

۱۵۱- **منتخب الاشعار** تالیف مردانعلی خان مبتلا- نسخه خطی دانشگاه لاهور.

۱۵۲- **منتخب التواریخ** تالیف شیخ عبدالقادر بداونی چاپ کلکته ۱۸۶۹م.

۱۵۳- **منتخب اللباب** تالیف محمدهاشم خان مخاطب به خانخان نظام الملکی **چاپ** کلکته ج۱ ۱۸۶۹م ج۲ ۱۸۷۴ و ج۳ ۱۹۲۵م.

۱۵۴- **منتخب الحکایات** باهتمام مرحوم ملك الشعرا بهار چاپ فرهنگ تهران ۱۳۲٤ش.

۱۵۵- **منتخب حاکم** تالیف ملاعبدالحکیم حاکم لاهوری **نسخه خطی** رهاتسك ص۱۳۳ ش۲۱.

۱۵۶- **میخانه** تالیف عبدالنبی قزوینی چاپ لاهور ۱۹۲۶م باهتمام مرحوم پروفسور محمد شفیع و تهران ۱۹۶۱م/۱۳٤۰ش/۱۳۸۱ هـ باهتمام آقای احمد گلچین معانی.

۱۵۷- **نتایج الافکار** تالیف محمدقدرت الله گوپاموی چاپ بمبئی ۱۳۳۶ش.

۱۵۸- **نجوم السماء** تالیف میرغلام رسول مشهور به محمدعلی بن محمدصادق آزاد کشمیری لکهنوی چاپ جلد اول لکهنو ۱۳۰۳هـ.

۱۵۹- **نشترعشق** تالیف آقاحسین قلی خان عاشقی عظیم آبادی. **نسخه خطی** دانشگاه لاهور.

۱۶۰- **نغمه عندلیب** تالیف محمد رضا نجم طباطبائی **نسخه خطی** ریو ج ۳ ص۹۷۸ ب

۱۶۱- **نفایس المآثر** تالیف علاءالدوله قزوینی **نسخه خطی** دانشگاه علیگر.

۱۶۲- **نفحات الانس** تالیف ملانورالدین جامی چاپ تهران.

۱۶۳- **نگارستان سخن** تالیف سیدنورالحسن خان چاپ بهوپال ۱۲۹۳هـ.

۱۶٤- **واقعات کشمیر** تالیف خواجه محمد اعظم بسال ۱۱٤۰-۱۱۶۰هـ چاپ لاهور ۱۳۰۳ هـ ۱۸۸۶م

۱۶۵- **هفت آسمان** تالیف آقا احمدعلی. چاپ کلکته ۱۸۷۳م.

١٦٦ـ**هفت اقلیم** تالیف امین احمد رازی ـ نسخ خطی دانشگاه لاهور و مرکزی تهران وادبیات تهران و ملک تهران (رجوع شود به هفت اقلیم ـ نسخ خطی در کتاب حاضر).

١٦٧ـ**همیشه بهار** تالیف کشن چند اخلاص . نسخه خطی بانکی پور ج ٨ ش ٦٨٩.

١٦٨ـ**یادداشتهای قزوینی** .چاپ دانشگاه تهران جلد دوم ١٣٣٤ش باهتمام آقای ایرج افشار.

١٦٩ـ **یدبیضا** تالیف میر غلام علی آزاد بلگرامی . نسخه خطی متعلق به کتابخانه حافظ محمد ابراهیم در گرهی یاسین (در استان سابق سند) پاکستان غربی.

ب ـ کتب اردو

١ـ**آب حیات** تالیف محمد حسین آزاد دهلوی. چاپ هند.

٢ـ**آرایش محفل** تالیف میر شیر علی افسوس جعفری. چاپ کلکته ١٨٠٨.

٢ الف ـ**اردو تذکری** تالیف دکتر سید عبدالله .چاپ لاهور

٣ـ**اردو کی هندو شعرا** تالیف عبدالسلام خورشید. چاپ دفتر مرکزی رفاقت پنجاب لاهور ١٩٤٦م

٤ـ**اورینتل کالج مگزین لاهور** که از طرف اورینتل کالج (دانشکده السنه شرقی) لاهور منتشر میشود (شماره های مختلف)

٥ـ **بزم سخن** تالیف سید علی حسن متخلص به سلیم .چاپ آگره ١٢٩٨هـ.

٦ـ**بهارمین اردو زبان کا ارتقا ١٨٥٧ء تک** تالیف دکتر اختر اورینوی. چاپ پتنه ١٩٥٧م.

٧ـ**تاریخ ادبیات اردو** تالیف رام بابو سکینه بانگلیسی ترجمه باردو از آقای عسکری. چاپ هند.

٨ـ **تاریخ شعرای بهار** تالیف سید عزیز الدین بلخی راز (ازمآخذ بهارمین اردو ادب وزبان کا ارتقاء)

۹- **تذکره عشقی** تالیف شیخ وجیه الدین عظیم آبادی.

۱۰- **تذکره گلشن هند** تالیف میرزا علی لطف. چاپ علیگره ۱۹۳۴م باهتمام دکتر محی الدین زور.

۱۱- **جدید شعرای اردو** تالیف دکتر عبدالوحید. چاپ لاهور فیروز سنز (درحدود ۱۹۵۳ م)

۱۲- **حدایق الحسینیه** تالیف مقبول احمد صمدانی. چاپ اله آباد ۱۹۲۹م)

۱۳- **سخنوران بلندفکر** تالیف مولوی محمد منور گوهر. چاپ دانشگاه مدراس ۱۳۵۲ه.

۱۴- **فهرست کتب عربی و فارسی واردو** مخزونه کتب خانه آصفیه سرکار عالی حیدرآباد. چاپ حیدرآباد دکن ۳-۱۳۳۲ه.

۱۵- **فهرست نسخ قلمی عربی وفارسی واردو** سبحان الله اورینتل لائبریری مسلم **یونیورستی علیگره**- تالیف کامل حسین- چاپ علیگره ۱۹۲۹م.

۱۶- **قاموس العلوم** تالیف شمس اله قادری. چاپ حیدرآباد دکن ۱۹۳۵م.

۱۷- **کلام الملوک** تالیف میرسعادت علی رضوی. چاپ هند ۱۳۵۷ه.

۱۸- **کلیات صهبائی** امام بخش صهبائی. چاپ لکهنو.

۱۹- **گلشن بیخار** تالیف مصطفی خان شیفته. چاپ لکهنو.

۲۰- **لباب المعارف العلمیة** فی المکتبة دارالعلوم الاسلامیة پیشاور تالیف مولوی عبدالرحیم. چاپ آگره ۱۹۱۸م.

۲۱- **مآثر صدیقی** تالیف سیدعلی خان. چاپ لکهنو ۱۹۲۴م.

۲۲- **مجله ندیم** بهار نمبر. چاپ پتنه مورخ جولائی و اگست (ژوئیه واوت) ۱۹۳۲م.

۲۳- **مجموعه نغز** تالیف سید ابوالقاسم معروف به میر قدرت الله قادری متخلص به قاسم. چاپ لاهور ۱۹۳۳م/۱۳۵۳ه باهتمام مرحوم پروفسور محمود شیرانی.

۲۴- **محبوب الزمن** (تذکره شعرای دکن) تالیف مولوی عبدالجبارخان

ملکاپوری .چاپ حیدر آباد دکن ۱۳۲۹ھ.

ج- کتب عربی

۱- **الانساب والاسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی** للمستشرق زامباور — الجزء الاول- الدکتور زکی محمد حسن بکرو حسن احمد محمود- مطبعه جامعه فواد الاول ۱۹۵۱م.

۲- **فتوح البلدان** تالیف ابوالحسن بلاذری چاپ مصر ۱۳۵۰ھ/۱۹۳۲م باهتمام محمد رضوان.

۳- **فهرست کتب الفارسیه الموجودة بالکتابخانة الخدیویة المصریة** چاپ قاهره ۱۳۰۶ھ.

٤- **کشف الظنون** تالیف حاجی خلیفه- چاپ وکالت المعارف ترکیه ۱۳۶۰ھ = ۱۹٤۱م.

۵- **ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون** تالیف اسماعیل پاشا بن محمد امین بغدادی- طبع وکالت المعارف استانبول ۱۳٤٤ھ -۱۹٤۵ میلادی.

د- کتب ترکی

۱- **قاموس الاعلام** تالیف شمس الدین سامی. چاپ استانبول ۱۳۰۶ھ.

۲- **نور عثمانیه کتبخانه سنده محفوظ کتب موجوده نك دفتر یدر** استانبول ۱۳۰۳ھ.

ه- کتب سندی

۱- **مجله مهران** چاپ حیدر آباد (سند) شماره ۲ جلد ۵ مورخ اپریل ومئی و جون (آوریل ومه وژوئن) ۱۹۵۶م

و ـ منابع انگلیسی و فرانسه وآلمانی وروسی وترکی (بخط‌لاتین) وغیره

1 · Abdul Muqtadir, Maulavi. - Please see "Bankipur" below ·

2. Affairs in Bhopal(A Defence of the Nawwab Consort) published as a Supplement by Advocate of India in 1889 ·

3 · An Account of My Life – Sultan Jehan Begum · London, 1912 ·

4 · Asiatick Miscellany – by William Chambers, Vol. I · Calcutta, 1785 ·

5 · Asiatic Society of Bengal – List of Arabic and Persian MSS acquired on behalf of the government of India by the Asiatic Society of Bengal during 1903 – 1907 · Calcutta, 1908 ·

&

6 · List of the Arabic and Persian manuscripts acquired on behalf of the government of India by the Asiatic Society of Bengal during 1908 – 1910 · Calcutta, 1911 ·

7 · Aumer, Joseph – Die Arabischen Handschriften der Koniglichen Hof-und Staatsbibliothek in Munchen (Catalogus codicum maniscriptorum Bibliothecae Regiae Monacensis, t. 1:2) · Munich, 1866

&

Die Persischen Handschriften der Koniglichen Hof-und staatsbibliothek in München (Catalogus codicum manuscriptorum Bibliothecae Regiae Monacensis, t. 1:3)

Munchen, 1866 .

8. Bankipur – Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the Oriental Public Library at Bankipore, prepared for the Government of Bengal under the supervsion of E. Denison Ross by Maulavi Abdul Muqtadir. Calcutta, 1908 – 1939

9. Beale, T. W. - Please see "Oriental Biographical Dictionary" below .

10. Berlin-Verzaichniss der persischen Handschriften der Koniglichen Bibliothek zu Berlin von Wilhelm Pertsch. Berlin, 1888 .

11. Bibliobraphy – Ed. Van Dyke .

12. Biographie Universelle – Michaud. Paris, 1843 .

13. Bland, N. – Earliest Persian Biography of Poets and some other work of the class called Tazkiratul Shuara, published in the "Journal of the Royal Asiatic Society, Vol. IX dated 17 February, 1846".

14. Blochet, Edgard – Catalogue des manuscrits persans de la Bibliotheque Nationale, VI volumes. Paris, 1905 – 1934 .

15. Blochmann – Please see "Contributions to Persian Lexicography" below .

16. Bodleian – Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu manuscripts in the Bodleian Libary begun by . . . Eduard Sachau . . . . completed . . . . . . by Herman Ethe, Part I. Oxford, 1889 .

&

Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu MSS in the Bodleian Library, Part II : Turkish, Hindustani, Pushtu and additional Persian manuscripts. Oxford, 1930 .

&

Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu MSS in the Bodleian Library, Part III: additional Persian manuscripts, by A.F.L. Beeston. Oxford, 1954.

17 . Bresla - Verseichnis der arabischen, persischen, turkischen und hebraischen Hadnschriften der Stadtbliothek zu Breslau von C Brockelmann, Breslau, 1903.

18 . Brockelmann, Carl – Geschichte der arabischen Litteratur von B. Brockelmann. Weimar – Berlin, 1898–1902 .

19 . Browne, E.G. (Personal Library) – A Descriptive Catalogue of the Oriental manuscripts belonging to the late E.G. Browne, by R.A. Nicholson. Cambridge .

20 . Browne, E.G A Catalogue of the Persian manuscripts in the Library of the University of Cambridge. Cambridge, 1896 .

&

A Hand – list of the Muhammadan mannscripts including those written in the Arabic character preserved in the Library of the University of Cambridge. Cambridge, 1900 .

21 . Browne Supplement - A Supplementary Hand-list of the Muhammadan manuscripts preserved in the Library of the University and Colleges of Cambidge. London, 1922.

22 . Browne (Houtum - Schindler) - The Persian manuscripts of the late Sir Albert Houtum-Schindler, published in "Journal of the Royal Asiatic Society, 1917, pp.657-694".

23 . Buhar - Catalogue raisonne of the Buhar Library (now in the Imperial Library, Calcutta). Vol. I: Catalogue ot the Persian manuscripts in the Buhar Library begun by Maulavi Qasim Razavi, revised and completed by Maulavi Abdul Muqtadir .Calcutta, 1921.

24 . Cambridge - Please see "Browne" and "Browne Supplement" above.

&

A Second supplementary Hand - List of the Mu - hammadan manuscripts in the University and colleges of Cambridge, by A.J. Arberry. Cambridge, 1952.

25 . Contributions to Persian Lexicography - by Blochmann, published in "Journal of the Royal Asiatic Society, Vol xxxii, 1868, pp. 18-25 and 70-71".

26 . Daily Telegraph, Poona dated 29 October 1885.

27 . Dictonaire encyclpedique de bibliographie arabe - Sarkis.

28 . Dorn, Bernhard - Catalogue des Manuscrits et

Xylographes orientaux la Bibliotheque Imperial Publique de St. Petersbourg. St. Petersbourg, 1852.

29. Edinburgh – A Descriptive Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in Edinburgh University Library, by Mohammad Ashraful Hukk, Hermann Ethe and Edward Robertson. Edinburgh 1925.

30. Edinburgh New Coll. – A Handlist of the Arabic, Persian and Hindustani manuscripts of New College, Edinburg, by R.B. Serjeant. London 1942.

31. Encyclopaedia of Islam – in IV volumes. Luzac & Co., London. 1913.

32. Ethe, Herman – Catalogue of the Persian manuscripts in the Library of India Office, II volumes. Oxford, 1903–37 & 1931

33. Eton – Catalogue of the Oriental manuscripts in the Library of Eton College, compiled by D. S. Margoliouth. Oxford, 1904.

34. Flugel, Gustav – Die arabischen, persischen und turkischen Handschriften der Kaiserlich – Koniglichen Hofbibliothek zu Wien. Wien, 1865 – 1867.

35. Garcin de Tassy – Histoire de la litterature hindouie et hindoustanie. Paris, 1870 – 1871 (2nd Edition).

&

36. Memoire sur les noms propreset le titres Musumans, Suivi d'une notice sur le vetements avec inscriptions arabes, persanes et hindoustanies. Paris, 1878.

37 . Glasgow – An Eastern Library ····· with two Persian and Arabic manuscripts, compiled by Khan Sahib Abdul Muqtadir and Abdul Hamid . Glasgow, 1920 .

&

The Persian and Turkish manuscripts in the Hunterian Library of the University of Glasgow, published in "Journal of Royal Asiatic Society, 1906. pp . 595 – 609" .

38 . Glimpses of Life and Manners in Persia – by Lady Sheil . London, 1856 .

39 . Hamburg – Katalog der Orientalischen Handschriften der Satdtsbibliothek zu Hamburg mit ausschluss der hebraischen . Teil I : Die arabischeen, persischen, turkischen, malaiischen, koptischen, syrischen, ethiopischen Handschriften . Hamburg, 1908 .

40 . Historical Landmarks of the Deccan – by T . W . Haig . Allahabad, 1907 .

41 . The History of India – by Elliot and Dowson . Trubner & Company, London, 1877 .

42 . A History of Persian Literature – by E . G . Browne . Cambridge University Press, 1928 .

43 . History of Shah Jehan of Delhi – by B . P Saksena .

44 . Hobson Jobson – by Col . Yule and A . C .

Burnell . John Murray, Albemarle St . , London, 1903 .

45 . India Office – Manuscripts which have not been described in the Catalogue of India Office Library by Hermann Ethe (Vide Storey : Section I Part I, page xvi under I . O .) .

46 . India Office D . P . – Please see "India Office" above .

47 . Indian Mirror dated 1 November 1885 .

48 . Indo – Iranica , Vol . Thirteen No . 4 dated Decmber 1960 . Please see "Khan Arzoo . . . . . ." below .

49 . Ivanow . Wladimir – Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal . Calcutta, 1924 .

&

50 . Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal, 11 Supplements . Calcutta, 1927 – 1928 .

51 . Ivanow – Curzon . – Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the Curzon collection of the Asiatic Society of Bengal . Calcutta, 1926 .

52 . JASB - Journal of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta .

53 . JRAS - Journal of the Royal Asiatc Society, London .

54 . Kapurthala - Vide Oriental College Magasine, Vol . iii/4 (August 1927) , Lahore .

55 . Karatay - Istambul Universitesi Kutuphanesi farsca basmlar Katalogu, by Fehmi Edham Karatay . Istambul, 1949 .

56 . Khani Arzoo and His Works, an article by Dr. Manohar Sahai Anwar , Head of the Department of Persian, Arabic and Urdu, Panjab University, Camp College, New Delhi, published in Indo - Iranica : Vol. 13 No . 4 for December 1960 , pp . 23 - 32 .

57 . Kraft, Albrecht - Die arabischen, persischen and turkischen Handschriften der Klaiserlich - Koniglichen Orientalischen Akademie zu Wien. Wien, 1842 .

58 . Leningrad - Akademiya Nauk SSSR Institut Vostokovedeniya, N . D . Miklukho - Maklai . Opisa nie tadzhikskikh i persidskikh rukopisei Instituta Vostokovedeniya (Pt . I) . Moscow - Leningrad, 1955 .

59 . The Life of Sheikh Muhammad Ali Hazin (written by himself in Persian) - edited and translated by . F . C . Belfour, 1830 .

60 Lindesiana - Bibliotheca Lindesian . Hand-list of Oriental manuscripts : Arabic, Persian, Turkish . (Now in John Rylands Library at Manchester) . Aberdeen, 1898 .

61. Madras – Alphabetical index of manuscripts in the Government Oriental Manuscripts Library of Madras (Persian manuscripts). Madras, 1893.

&

62. A Descriptive catalogue of the Islamic manuscripts in the Government Oriental Manuscripts Library, II Vols. Madras, 1939 – 1950.

63. Madrasah – Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the Library of the Calcutta Madrasah, by Kamaluddin Ahmad and Abdul Muqtadir. Calcutta. 1905.

64. Manchester – Catalogue of the Arabic manuscripts in the John Rylands Library, Manchester, by A. Mingana .... Manchester, 1934.

65. Morley, William H. – A Catalogue of the *manuscripts in the* Arabic, Persian, Turkish *and* Hindustani languages, preserved in the Libraries of the Royal Asiatic Society and the Oriental Translation Fund of Great Britain and Ireland. London, 1838.

&

66. A Descriptive catalogue of the historical manuscripts in the Arabic and Persian Languages preserved in the Library of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland. London, 1854.

67. Mughal Empire – by Srivastava.

68. Nazir Ahmad – Notes on Important Arabic

and Persian manuscrpts in various Libraries in India by Maulavi Hafiz Nazir Ahmad, published in the Journal of the Asiatic Society of Bengal, New Series, Vol.xiii (1917), pp lxxvii-cxxxix and Vol. xiv (1918), pp. cxcix - ccclvi References have been given here to the serial numbers in the Persian section of the latter.

69. OCM - Oriental College Magazine, Lahore. Please see No. 4 of the Urdu Sources above.

70 Oriental Biographical Dictionary - by Thomas William Beale, published by the Asiatic Society of Bengal. Calcutta, 1881.

71. Palmer, E.H. - A Descriptive catalogue of the Arabic, Persian and Turkish manuscripts in Library of Trinity College, Cambridge. Cambridge, 1870.

72. Palmer (King's College) - A Descriptive catalogue of the Arabic, Persian and Turkish manuscripts in the King's College. published in "Journal of the Royal Asiatic Society, Nouvelle serie, tom III, pp.105" onwards.

73. Persian Literature (A Bio-Bibliographical Survey) - by C. A. Storey Luzac & Co. Ltd., 46, Great Russel St., London, 1953.

74. The Pioneer Daily, Lucknow dated 29 January 1880.

75. The Poona Observer dated 22 February 1890.

76. Princeton - Descriptive catalogue of the Garret

collection of Persian, Turkish and Indian manuscripts in the Princeton University Library, by Mohamed E. Moghadem and Yahya Armajani under the supervision of Philip K. Hitti. Princeton, 1939.

77. Rampur - Rampur State Library, United Provinces, India. The published catalogue of this Library has not been utilised by the writer.

78. R.A.S. Royal Asiatic Society. Catalogue of the Arabic, Persian, Hindustani and Turkish manuscripts in the Library of the Royal Asiatic Society, London, published in the Journal of the Royal Asiatic Society, London, 1892, pp. 501-69.

79. Rehatsek, Edward. Catalogue raisonne of the Arabic, Hindustani, Persian and Turkish manuscripts in the Mulla Firuz Library, Bombay. Bombay, 1873.

80. Rieu, Charles - Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum, III volumes. London, 1879 - 1881 - 1883.

81. Rieu Supplement - Supplement to the Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum by Charles Rieu. London, 1895.

82 Rosen, Institut - Les manuscrips persans de l' Institut des Langes Orientales (du Ministere des Affaires Etrangeres) decrits par le Baron Victor R. St. Petersburg, 1886.

83. Ross and Browne - Catalogue of two collections of the Persian and Arabic manuscripts preserved

in the India Office Library, London. compiled by Sir Denison Ross and Edward G. Browne. London, 1902.

84. Saleman - Rosen. - Indices alphabetici codicum manuscriptorum persicorum turcicorum arabicorum qui in Bibliotheca Imperialis Literarum Universitalis Petropolitanae adseruantur. "Zapiski Vostocnago Otdeleniya Imperratorkago Rossiyskago Archeologiceskago Obscestwa" t. II - III, by Saleman and V. Rosen. St. Petersbourg, 1887.

85. Schefer, Charles. Catalogue de la collection de manuscrits Orientaux (arabes, persans et turcs), publie par E. Blochet. Paris, 1900.

86. Semonov, A.A. - A Descriptive catalogue of the Persian, Arabic and Turkish manuscripts preserved in the Library of Middle Asiatic State University, Tashkent, 1935 - 1956

&

Sobraniye vostotchnyh roukopissei Akademii Naouk Uzbekskoi SSR, 4 vols. Tashkent, 1952 - 56.

87. Semonov (Bukhara) - Katalog rukopisei istoricheskogo otdela Bukharskoi Tsental'noi Biblioteki. Tashkent, 1925.

88. Sheikh Muhammad Ali Hazin, his life, times and works - by Sarfataz Khan Khatak. Lahore, 1944.

89. Siyarul Mutakhkherin - translated by Mr. Raymond.

90. Sprenger, A. A Catalogue of the Arabic, Per-

sian and Hidustany manuscripts of the libraries of the King of Oudh, compiled under the orders of the Government of India vol. I. Calcutta, 1854.

90. A. Storey – Please see "Persian Literature" above.

91. Tashkent. Please see "Semonov, A.A." above.

92. Times (London) dated 3 March 1890.

93. Times of India Weekly dated 6 November 1885.

94. Tippoo Sultan Library – A Descriptive catalogue of the Oriental Library of the late Tippoo Sultan of Mysore, compiled by C. Stewart. Cambridge, 1809.

95. Vollers, K. – Katalog der islamischen ..... Handschriften der Universitats – Bibliothek zu Leipsig. Leipzig, 1906.

فهرست

کتب و رجال و اماکن

فهرست کتب و رجال و اماکن

الف ـ فهرست کتب

[illegible]

٥٥٨ [illegible]

٣٧٨،٧٨٣

[illegible]

٧٨٥ [illegible]

[illegible] ٨٦٥

٨٥٨ [illegible]

[illegible]

٦٣٨ [illegible]

٨٠٨ [illegible]

٣٠٨،٣٨٨

[illegible]

٨٣٨

[illegible]

٦٦٥

[illegible] ١٨،٧٨٥،٣٦٥،٧٥٥،٣٦٥

٣٣٨ [illegible]

٣٠٨ [illegible]

٨٦٨ [illegible]

٨٠٨

[illegible]

٨٨٨

[illegible]

٨٨٨ [illegible]

٨٣٦ [illegible]

٣٦٨ [illegible]

[illegible]

٦٦٨ [illegible]

٨٦٨

[illegible]

٧٧٦ [illegible]

٧٨٦ [illegible]

١٨١ [illegible]

٨١١ [illegible]

٨٣٨

[illegible]

٦٥٥ [illegible]

٦٣٨ [illegible]

[illegible]

٨٣٨

[illegible]

٨٣٨ [illegible]

[illegible]

٣٦٨،٨٨٣،٦١٥

[illegible]

٥٥٨ [illegible]

[illegible]

[illegible]

٥٨٨ [illegible]

١٨ [illegible]

[illegible]

٨٧٨

[illegible]

٧٧٦ [illegible]

٨٣٣ [illegible]

٧٣١

٨١١،٥٨١٠ [illegible]

٦٦٨ [illegible]

[illegible]

٦٦٦ [illegible]

٨ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٠٧٨ [illegible]

٨٣٨ [illegible]

٦٧٨ [illegible]

١٨٥

[illegible]

١٥٨ [illegible]

[illegible]

١٦٨ [illegible]

٨٧٨ [illegible]

١٨٠٠٣٠٠٥٣ [illegible]

٨٣٨

[illegible]

٨٠٣ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٨٥٨ [illegible]

٨٨٣ [illegible]

[illegible]

٨٨٨ [illegible]

[illegible]

٥٥١،٣٨٨،٥٨٨ [illegible]

٨٣٨ [illegible]

[illegible]

١٥٨

[illegible]

٨٥٨ [illegible]

١٣١ [illegible]

٨٨٨ [illegible]

[illegible]

٨٨٦ [illegible]

٨٦٥

[illegible]

٨٨٦ [illegible]

[illegible]

٨٧٨،٧٠٣،٧٨٨

٦٣١،٥٣٨ [illegible]

٨٣٨

[illegible]

١٧٨ [illegible]

٠٧٦ [illegible]

٧٨٨ [illegible]

[illegible]

٨٦٥ [illegible]

[illegible] ٨٨٠، ٨٨١، ٨١٧

[illegible] ٨٣٠، ٨٣٠، ٨٧٣

٧٨٨ [illegible]

[illegible]

٨٠٥ [illegible]

٨٨٨ [illegible]

[illegible]

[illegible]

٨٧٣ [illegible]

٨١٠ [illegible]

٨٨٨ [illegible]

٨٥٨ [illegible]

[illegible]

٨١٠، ٨٣٨٨ [illegible]

٨٨٨

[illegible]

٨٨٨ [illegible]

٥ [illegible]

٨٨٨

[illegible]

٥

[illegible]

٨٨٠، ٨٣٧ [illegible]

[illegible]

[illegible]

٨٥٨ [illegible]

[illegible]

٨٥٨ [illegible]

٨٣٨

[illegible]

٨٨٨ [illegible]

٨٨٨ [illegible]

[illegible]

٨٣٨ [illegible]

[illegible]

٨٨٥، ٨٨١

[illegible]

٨٥٨ [illegible]

[illegible]

[illegible]

٨٥٨ [illegible]

[illegible]

٨٨٨

[illegible]

٨٧٨ [illegible]

[illegible]

٨٣ [illegible]

٨٨٣ [illegible]

٨٢٥ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] –

[illegible] ۸۲۲

[illegible]

[illegible] ۲۵۸

[illegible]

[illegible] ۲۲۳,۵۲۳

۱۳۸ [illegible]

« [illegible]

« [illegible]

« [illegible] ۰۵۲

« [illegible] ۲۲۶

[illegible] ۸۲۸

« [illegible]

[illegible]

۷۲۳۰۱۲۵۰۰۳۸

[illegible]

[illegible] ۶۲۸

[illegible]

[illegible] ۶۲۸

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۰۳۲

[illegible]

[illegible] ۷۷۸

[illegible]

[illegible] ۵۰۲،۰۲۲

۵۷۳ [illegible]

[illegible]

۵۲۲ [illegible]

۷۵۸ [illegible]

[illegible]

۷۵۵،۶۲۵۰۰۸۵

[illegible] ۱۸،۸۲۵،۲۳۵،۶۳۵،۲۵۵،

[illegible]

۳۰۸ [illegible]

۶۵۳،۶۲۸ [illegible]

[illegible]

۲۳۸ [illegible]

۵۷۲،۰۲۵

[illegible]

۰۳۳،۶۱۵،۵۵۵۱۵۰۲،۰۲۲

۶۲۲،۲۳۲،۲۱۲،۱۲۳،۷۲۳

[illegible]

۷۷۸ [illegible]

۱۲،۸۱۵،۷۵۵،۷۸۱۵

[illegible]

۰۳،۲۲۱،۳۸۲

[illegible]

۳۰۸ [illegible]

[illegible]

۲۵۸ [illegible]

۰۵۲ [illegible]

۲۷۲ [illegible]

٦٨٨ [illegible]

٣٨٦ [illegible]

٨٧٨ [illegible]

٦٧٨، ٥٦٨،، ٨٧٣ ، ٥٦٧

، ٧٦٨ ، ٨٨٨ [illegible]

٧٠٦

٦٠٠ [illegible]

٨٨٣، ٦٨٨

١٠٦ [illegible]

٣٨٨

[illegible]

٨٦٨ ، ٥٦٨ ، ٦٧٨ ، ٦٨٠، ٦٨١١، ٦٠١

[illegible]

٠٣٣، ١٣٣ [illegible]

٠٣٣، ١٣٣ [illegible]

٥٥٠ [illegible]

٦٣٨ [illegible]

٣٦٨ [illegible]

٨٥٨ [illegible]

٨٣٨ [illegible]

٣١٦، ٥١٨

٨٦ [illegible]

٨٣١ [illegible]

٨٣١ [illegible]

٦٨٨ [illegible]

[illegible]

٦٠٣، ٣٠٨ [illegible]

[illegible]

٥٣٦

٨٠٨ [illegible]

٨٣١ [illegible]

[illegible]

[illegible]

٠١٨، ٧٣٣ [illegible]

١٧٣، ٠٧٨

[illegible]

٧١١ [illegible]

٨٠٣ [illegible]

٨٧٨ [illegible]

٦ [illegible]

[illegible]

[illegible]

٥٣٦، ٣٠٨

٥٨٦٥ ، ٨٥ ، ٦٥ ، ٦٨٣، ٦٦٣، ٦١١

٧١، ٦١١، ٥١ [illegible]

٨٦٦ [illegible]

٦٧٥ [illegible]

٨٨٨ [illegible]

٥٨ [illegible]

٨٨٨ [illegible]

[illegible]

٣٨٨ [illegible]

[illegible]

ب ـ فهرست اسامی رجال

غلطنامه

استدعا دارد که قبل‌ازمطالعه این‌کتاب غلطهای زیررا اصلاح بفرمائید . نگارنده امیدواراست غلطهای دیگرکه ممکن‌است بعلت‌حروف ریختگی دراین‌کتاب‌وجود داشته‌باشد بوسیله خوانندگان‌گرامی‌اصلاح خواهدشد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
هشت	۲۰	سروآراد	سروآزاد
نه	۱۱	انیس‌الاحباد	انیس‌الاحیاء
یازده	٦	یحمد	محمد
پانزده	۱۸	هندوو	هندو
۱	۱۳	دبتر	دبیر
٥	۲۱	الخواتین	الخوانین
۲۰	۲۱	میخانه	بتخانه
۲۱	۲۰	مقالاث	مقالات
۳۱	۱٥	مدارس	مدراس
٥٤	۱۹	الشده	الشدة
٥٥	۱۸	ذکریا	زکریا
۸۹	۲۱	اماءلیف	تألیف
۹۳	۲۲	تذکرة	تذکرة

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۱۸	۲۰	شریفالدین	شرفالدین
۱۲۸	۲۳	ملاند	بلاند
۱۴۹	۱۱	قطبشا	قطبشاه
۱۶۰	۲۱	تعریت	تعریف
۲۰۱	۱۴	رساله	کتاب
۲۲۵	۱۵	توصیح	توضیح
۲۲۵	۱۹	قربشی	قریشی
۲۲۹	۱۶	سبحن اله	سبحان اله
۲۳۲	۵	فیص	فیض
۲۳۲	۲۱	ستاندار	استانندار
۲۳۵	۱۳	اهمیب	اهمیت
۲۳۹	۱۷	شما	شمال
۲۳۹	۱۷	امرور	امروز
۲۴۷	۱۰	طاهراً	ظاهرا
۲۴۸	۱۵	)	حذف شود
۲۴۹	۱۸	و	حذف شود
۲۵۶	۱	وطا	وطناً
۲۶۹	۱۷	شماته	شمامة
۲۷۷	۲۲	دیرنکت	دیرنگذشت
۲۸۱	۳	بالاحیاؤ	بالاجیداؤ
۲۸۳	۱۸	منعین	متعین
۲۸۳	۱۹	پود	بود
۳۲۵	۱۱	عش	عیش
۳۶۹	۱۵	اکتر	اکثر
۳۷۶	۱۹	beugal	Bengal
۳۷۶	۱۹	et eho	of the
۳۹۴	۳	بلکرافی	بلکرامی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۹٤	٥	میزیسد	مینویسد
۳۹٤	١٤	له کره	تذکره
٤٠٠	١٤	باعی	رباعی
٤٠١	١٥	دوم	روم
٤٠٤	١٩	مثنوی	مثنوی
٤٠٩	۳۳	ضا	رضا
٤٤٧	١٠	یتنه	پتنه
٤٦٨	١١	تاربخ	تاریخ
٤٧٧	۲٠	بلتدن	بلندن
٤٧٨	١٦	کنکا	گنگا
٤٨٩	١٤	«مجله» European Magazine	مجله «European Magazine»
٤٩٦	١٦	تذکره	تذکرة
٥٠٥	١	مختصر	مختصر
٥٢٧	٧	او گیر	اودگیر
٥٢٧	١١	اودگیر	اودگیر
٥٢٧	١١	بمدارس	بمدارس
٥۳١	۲٠	تدکر	تذکره
٥٤٧	۲٠	ا	ا
٥٧١	١٩	نتوی	تتوی
٦٠١	١۳	آبنور	آبررور
٦٠٤	١٥	اقلم	اقلیم
٦٠٧	١	٧٠٦	٦٠٧
٦١٩	١٤	نگارستان	نگارستان سخن
٦٤١	١٩	دکر	ذکر
٩٤٥	١٢	کلمات شعرا	کلمات الشعراء

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦٥٠	١٠	راما بن	[illegible]
٦٥٧	٢	١٣٩٠	١٩٣٠
٦٦٥	٢١	Lanquages	Languages
٦٨٦	٢٣	طرح نوع	طرح [illegible]
٦٨٨	٣	سعیدء	سعید
[illegible]	٦	صنایغ	صنایع
٦٩٦	٨	شعرائی‌راکه	شعرائی‌که
«	١٢	اشعارشرا	اشعار شعرا
٧٠٢	١٥	کرذ	کرد
٧٠٨	٢	و متقدم	حذف‌شود
٧٠٨	٣	متاحر	معاصر
٧٠٨	١٢	«اینك‌چند ابیات ....»	«اینك‌چند ابیات» .
٧٠٨	٢٤	مارسی	فارسی
٧١٠	١	حید	وحید
٧١٣	٤	امالیف	تألیف
٧١٨	١١	( )	حذف شود
٧٢٤	١٤	تذکره	تذکرة
٧٣١	١٧	تذکرةالشعرا	تذکرةالشعرای
٧٣٣	١١	٩٧	٩٧-
٧٤٥	١٣	ستر	سیر
٧٥٦	١١	اللالی	اللآلی
٧٥٧	١٣	تته‌کرة	تذکرة
٧٥٩	٩	شیرازنامة	شیرازنامه
٧٦٠	١	مرار	مزار
٧٦٠	٦	تذکره‌هزارمراد	تذکره‌هزارمزار
«	١٧	سلسلةنامه	سلسله‌نامه
«	١٩	سعدیة	سعدیه
٧٦١	[illegible]	روضة	روضه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
[illegible]	۷	الطالبین	الطالبین
۷۹۳	۱٤	تذکره	۵۸ـ تذکره
۷٦۲	۱٤	تذکرةالاولیاء	۵۸ـتذکرةالاولیاء
۷۹۸	۱۲	تنهاتاریخ‌حسن	تنهادرتاریخ‌حسن
[illegible]	۱۳	ذکر...راآورده‌است	ذکر. . . آمده‌است
۸٤۹	۹	سراج‌اللغه	سراج‌اللغة

تذکر- بعلت اشتباه درشماره‌های‌صفحات، عنوان« فهرست‌کتب‌ورجال واماکن » بجای صفحه ۸۲۷ در صفحه ۸۲۸ چاپ شده است وهمچنین صفحه ۸۲۹سفیدمانده است. خوانندگان محترم لطفاً تصحیح بفرمایند .